www.ourpresident.ir

www.ourpresident.ir

معارف انقلاب

مروری بر دیدگاههای
حضرت آیت‌الله العظمی سیّدعلی خامنه‌ای (مدّظلّه العالی)
رهبر معظّم انقلاب اسلامی
دربارهٔ انقلاب اسلامی

مؤسسهٔ پژوهشی فرهنگی
انقلاب اسلامی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای «مدظله العالی»

www.ourpresident.ir

مقدّمه

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقّی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام(ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سیّد علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد.

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظّم رهبری را بر عهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظّم‌له در مقاطع، مناسبتهای و موضوعات مختلف می‌نماید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که خود در تمام مراحل تکوین، رشد و پیروزی انقلاب اسلامی حضور فعّال، مستمر و مؤثّر داشته‌اند به دلیل اهمیّت آشنایی

www.ourpresident.ir

نسلهای مختلف، خصوصاً نسل جوان با علل، عوامل، مراحل، ویژگی‌ها و آثار انقلاب اسلامی همواره در فرصتهای گوناگون به تبیین انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

آنچه در این کتاب گردآوری شده، گزیده‌ای از دیدگاههای معظّم‌له در موضوع انقلاب اسلامی است که در طول بیش از ۲۰ سال گذشته در دیدارها، سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه بیان شده است.

مروری بر فهرست و مطالب کتاب بخوبی نشان‌دهنده‌ی جامعیّت و همه‌جانبه‌نگری گوینده در تحلیل این انقلاب عظیم است که با دقّت کامل و تحلیل دقیق به تمامی ابعاد و زوایای انقلاب از جمله تحلیل دقیق دوران حاکمیت طاغوت و ویژگی‌های آن دوران، رهبری امام عظیم‌الشأن، ویژگیهای رهبری امام، اصول و محکمات، دستاوردها و آثار و برکات، ارکان، پیام‌های انقلاب، توطئه‌های رنگارنگ دشمنان در به انحراف کشیدن و نابودی انقلاب و همچنین وظیفه‌ی مردم و نسل‌های آینده در شناخت و حفظ انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

و من الله التوفیق

www.ourpresident.ir

فهرست مطالب

پیام‌آور انقلاب الهی ۲۵
ویژگیهای اصلی انقلاب ۲۶
۱. مردمی بودن ۲۶
۲. اسلامی بودن ۲۸
۳. عدم وابستگی به شرق و غرب ۲۹
امامی از جنس انبیاء الهی ۳۰
ویژگیهای ستایش‌برانگیز امام ۳۱
تداوم راه امام ۳۳
بزرگترین خطر: خستگی و گم کردن راه ۳۴
راه امام، راه سعادت ملّت ایران ۳۵
جهان‌شمولی پیام الهی انقلاب ۳۶
جادّه صاف‌کن‌های دشمن: مغرضین، بازی‌خوردگان ۳۷
کارگران، سنگرداران جبهه‌ی کار و دفاع از انقلاب ۳۹
بسیج، تگیه‌گاه انقلاب ۴۰
دفاع از انقلاب: دفاع از اسلام و قرآن ۴۲
دستآوردهای داخلی و بین‌المللی انقلاب ۴۳
بازگشت به اسلام راز پیروزی انقلاب ۴۶

www.ourpresident.ir

کینه‌ی عمیق استکبار به انقلاب ۴۹
لطف خدا در محبّت به امام ۵۰
دشمنی تاریخی مستکبران با اسلام ۵۲
یکی از مهمترین پیام‌های انقلاب: وحدت امّت اسلامی ۵۳
تجسّم آیات قرآن در زندگی و نهضت امام ۵۵
ده عمل و دستاورد بزرگ امام ۵۸
۱. احیای اسلام ۵۸
۲. احساس عزّت مسلمین ۵۹
۳. اساس درک امّت اسلامی ۶۰
۴. نابودی رژیمی فاسد و وابسته ۶۰
۵. برپایی حکومت اسلامی ۶۰
۶. احیای نهضت اسلامی در جهان ۶۰
۷. تبیین ابعاد جدیدی از فقه شیعی ۶۱
۸. امکان زمامداری بر اساس اخلاق و زهد ۶۱
۹. احیاء روحیه غرور و خودباوری ۶۲
۱۰. اثبات امکان تحقّق استقلال از شرق و غرب ۶۳
امام، ریشه‌ی شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب ۶۴
نهضت عاشورا، روح انقلاب ۶۷
هم‌جهتی انقلاب اسلامی ایران و نهضت حسینی ۷۰
حادثه‌ی کربلا، پشتوانه‌ی انقلاب ۷۲
تداوم راه سعادتمندانهٔ امام ۷۳
لزوم تشخیص حق و باطل ۷۵
بی‌علاقه‌گی مردم به حکومتهای سابق ۷۷
لزوم حفظ ایمان و غیرت انقلابی ۷۹
اهمیت و ابعاد بین‌المللی انقلاب ۸۱
وحدت و شجاعت، عوامل محبوبیت جهانی ملّت ایران ۸۴
ایستادگی امام در برابر کاپیتولاسیون ۸۵
استکبار دشمن کمربسته‌ی انقلاب ۸۶
تسلّط جریان پیش‌رونده‌ی انقلاب ۸۷
حوزه‌ی علمیه، محور انقلاب ۸۸

www.ourpresident.ir

عظمت فوق‌العاده‌ی انقلاب ۸۹
مقایسه‌ی انقلاب ایران و کودتای عراق ۹۰
نقش حکومتهای پادشاهی در جدایی علم و دین ۹۲
برکات انقلاب علیرغم تلاش دشمن ۹۴
قم، پایه‌ی محکم انقلاب ۹۶
تحقیر دویست ساله ملّت ایران ۹۹
زنجیرهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی استعمار ۱۰۲
۲۲ بهمن تجلّی اعیاد دینی ۱۰۳
جمهوری اسلامی، میراث عزیز امام ۱۰۴
احیای معنویت، معجزه‌ی بزرگ انقلاب ۱۰۵
عدم تصوّر معجزه انقلاب در دوران مبارزه ۱۰۷
مکتب و مردم، پایه‌های ارزش‌های انقلابی ۱۰۸
حیات طیّبه، هدف اصلی انقلاب ۱۱۰
خصوصیات استثنایی انقلاب ۱۱۱
۱. ابتنا بر ارزشهای دینی، اخلاقی، معنوی ۱۱۲
۲. مردمی بودن ۱۱۴
اسلام رمز پیروزی انقلاب و کینه‌ی دشمن ۱۱۹
دست هدایت الهی، حامی همارهٔ‌ی انقلاب ۱۲۱
تفاوت اسلام ناب و اسلام آمریکایی ۱۲۳
۲۲ بهمن، نوروزی دیگر ۱۲۴
یکی از آثار انقلاب: تحقیر استکبار ۱۲۵
انقلاب اسلامی، حجّتی برای حق‌جویان جهان ۱۲۶
تفاوت جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های اسلامی دیگر ۱۲۸
جمهوری اسلامی، شکست جهان دوقطبی ۱۳۰
خصوصیات جمهوری اسلامی ۱۳۲
۱. استقلال سیاسی ۱۳۳
۲. استقلال اقتصادی ۱۳۳
۳. استقلال فرهنگی ۱۳۴
مقاومت جمهوری اسلامی در برابر فرهنگ غرب ۱۳۷
چهار عامل موفقیت جمهوری اسلامی ۱۴۲

www.ourpresident.ir

سرچشمه‌ی انقلاب اسلامی ۱۴۳
دستی از غیب در ظهور امام ۱۴۵
ناسازگاری انقلاب با نظام سلطه ۱۴۷
مقایسه‌ی تحلیلی انقلاب اسلامی با انقلابهای دیگر ۱۴۸
انقلاب روسیه ۱۴۹
انقلاب در کشورهای جنوب آفریقا ۱۵۰
انقلابهای اروپای شرقی ۱۵۳
انقلاب اسلامی، نسیم بیداری هویت اسلامی در جهان ۱۵۷
تفاوتهای انقلاب اسلامی با تلاشهای دیگر مصلحان ۱۵۹
مشترکات انقلاب اسلامی و ظهور اسلام ۱۶۱
انقلاب، ثمره‌ی شجره‌ی طیّبه‌ی اسلام ۱۶۴
مشخصات اسلام ناب ۱۶۵
معارف انقلاب اسلامی ایران ۱۶۷
۱. تداوم یاد و راه امام ۱۶۸
۲. تلاش برای تحقّق جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی ۱۶۸
۳. تلاش برای استقرار عدالت ۱۷۰
۴. وحدت کلمه، رمز پیروزی ۱۷۱
۵. اصول سیاست خارجی: عزّت، کرامت ۱۷۳
۶. تحقّق آزادی و اراده‌ی مردم ۱۷۶
۷. خدمتگزاری همه‌ی قوا و نهادها و همکاری مردم ۱۷۹
۸. تلاش برای آبادانی و سازندگی کشور ۱۸۰
۹. تلاش برای گسترش علمی کشور ۱۸۳
۱۰. نقش روحانیت متعهد و انقلابی ۱۸۵
۱۱. تجلیل از وفاداران و ایثارگران ۱۸۹
۱۲. تداوم راه و هدف امام ۱۹۰
انقلاب اسلامی، عصر جدید تاریخ بشر ۱۹۲
خصوصیات دوران امام خمینی(ره) ۱۹۴
یکی از آثار انقلاب: احساس افتخار مسلمانی ۱۹۸
نکات اساسی سیره‌ی امام ۲۰۰
بیداری اسلامی علیرغم خواست مستکبران ۲۰۲

www.ourpresident.ir

ارزش انقلاب و انقلابگری ۲۰۵
هدایت و قدرت الهی، پشتیبان انقلاب ۲۰۶
ملّت ایران محور افتخار امّت اسلامی ۲۰۷
ملّت انقلابی ایران محبوب ملّتهای ستمدیده ۲۰۹
حکمت غیب‌بین امام ۲۱۱
انقلاب اسلامی، مبدأ تحوّل ظلم‌ستیزی در جهان ۲۱۶
وحدت مسلمین، پیام انقلاب اسلامی ۲۲۱
۱۳ آبان، مصاف انقلاب و استکبار ۲۲۳
تعمیق ایمان مردم به حقّانیّت راه انقلاب ۲۲۸
جوانان، پیشآهنگان مبارزه ۲۲۹
معنویت و کار برای خدا، رمز اعتقاد مردم به روحانیت ۲۳۱
توطئه‌ی دشمنان برای بدنام کردن روحانیون ۲۳۳
شکست تجهیزات دشمن در برابر ایمان و عشق و اراده ۲۳۵
فتح‌الفتوح تربیت جوانان ۲۳۷
لزوم هوشیاری در برابر انتقام دشمن ۲۳۸
وظیفه‌شناسی، شکر نعمت انقلاب ۲۳۹
پیروزی انقلاب، پاداش مجاهدتها ۲۴۸
امام حکیم و بصیر ۲۵۰
همگان مدیون انقلاب ۲۵۱
اسلام، سدّ راه استعمار ۲۵۲
انحطاط اخلاقی، روش استعمار در مبارزه با دین ۲۵۵
پرورش انسان صالح، هدف انبیاء الهی ۲۵۹
امام، دریادلی از توکّل ۲۶۲
دهه‌ی فجر، شکست سلسله‌های ظلم و بیداد ۲۶۴
اهمیت فوق‌العاده‌ی دهه فجر ۲۶۸
انقلاب اسلامی، محو همه‌ی «خود»ها در «کل» ۲۷۱
نقش‌برجسته‌ی قم در نهضت اسلامی ۲۷۳
عجز استکبار از جلوگیری حاکمیت ارزشهای معنوی ۲۷۶
پرورش صالحان، رمز انقلاب و امام ۲۷۸
مسئولیت همگانی: تقوا و عمل به تکلیف ۲۷۹

www.ourpresident.ir

دهه‌ی فجر، دهه‌ی میثاق دوباره ۲۸۱
پیروزی انقلاب، احیای معنویت، شکست ابرقدرتها ۲۸۲
نیروی هوایی و عمل به تکلیف لحظه ۲۸۵
لزوم تلاش برای تحقّق کامل انقلاب ۲۸۶
مروری بر قرنها تلاش علما و روحانیون ۲۸۸
اهمیت وجهه‌ی فرهنگی انقلاب ۲۹۲
استعمارگران و تحقیر علمی و فرهنگی ملّت ایران ۲۹۳
حقایق بدیهی انقلاب ۲۹۵
امام و هنر غربت‌زدایی از اسلام ۲۹۹
تقابل فرهنگ اسارت و فرهنگ نجات ۳۰۰
عقب‌ماندگی و جهل ثمره‌ی حاکمیت طاغوت ۳۰۱
هدف انقلاب: تغییر ارزشها ۳۰۳
اسلام و روحانیت سدّ هجوم استعمار ۳۰۴
بازگشت به اسلام، تنها راه نجات ۳۰۶
تمسّک به اسلام، تنها راه پیروزی ۳۰۸
ایمان و مجاهدت، شرط موفقیت ۳۰۹
راه طولانی پیش روی ملّت ۳۱۰
تحوّل معنوی، اوّلین گام حرکت ۳۱۱
انتظار فرج، آرمان و انگیزه‌ی حرکت ۳۱۲
تأثیر پیروزی انقلاب در قلوب مبارزان جهان ۳۱۴
انتظار فرج، مانع تردید و هراس ۳۱۷
دیانت و روحانیت، عامل پیروزی ۳۱۹
سلسله‌ی حوادث سرنوشت‌ساز سیزدهم آبان ۳۲۳
عزّت و استقلال منوط به خودسازی جوانان ۳۲۵
اهمیت تشخیص تکلیف اهم و مهم ۳۲۷
یازده مشخصه‌ی خطّ امام ۳۲۸
استکبار و تحمیل مبارزات به ملّت ایران ۳۳۱
ذلّت حکومتهای سابق در برابر استکبار و استعمار ۳۳۳
گرایش معنوی و دینی، پایه‌ی انقلاب اسلامی ۳۳۵
سیر قدرت و ضعف مجلس در ادوار گذشته ۳۳۷

www.ourpresident.ir

۵۰ سال خسارت به دلیل کوتاهی مجلس ۳۴۰
سه ویژگی امام: ایمان، عمل صالح، تزکیه ۳۴۲
بزرگترین هدیه‌ی انقلاب ۳۴۴
بازجویی بخاطر نام‌بردن از اسرائیل ۳۴۵
تفاوت انقلاب اسلامی و دیگر انقلابها ۳۴۷
قطع دست بیگانگان متجاوز به سرمایه‌های ملّی ۳۵۴
نقشه استعمارگران برای غارت نفت ۳۵۶
فراگیری موج انقلاب در ارتش ۳۶۱
پیشروی انقلاب در دو جبهه داخلی و خارجی ۳۶۲
نمونه‌هایی از وابستگی ذلّت‌بار رژیم پهلوی ۳۶۴
رهایی ایران از سلطه‌ی بیگانگان ۳۶۷
گسترش پیام انقلاب در سطح جهانی ۳۷۰
پیام‌های جهانی انقلاب ۳۷۲
۱. معنویت ۳۷۲
۲. عدالت ۳۷۳
پیام انقلاب به جوامع مسلمان: بازگشت به اسلام ۳۷۴
مقایسه‌ی انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه ۳۷۷
پیروی امام از نهضت حسینی در مسیر انقلاب ۳۷۹
استکبار و سیاست تحقیر مسلمانان ۳۸۴
تداوم نام و یاد امام، شرط عزّت پایدار ۳۸۷
فرهنگ جهاد نظامی، سیاسی، فرهنگی ۳۹۰
نقش مساجد در تاریخ نهضت ۳۹۲
عوامل حدوث و بقای انقلاب ۳۹۴
یادی از فدائیان اسلام ۳۹۸
علّت دشمنی استکبار: قطع منافع ۴۰۰
انتظار ثبت تاریخ انقلاب از هنرمندان ۴۰۳
ماندگاری نهضت‌های الهی ۴۰۵
تحوّل نظام سیاسی، معجزه‌ی انقلاب اسلامی ۴۰۷
آفات انقلاب ۴۱۱
۱. تحجّر ۴۱۱

www.ourpresident.ir

استفاده‌ی امام از فقه شیعی در انقلاب ۴۱۲
۲. انفعال ۴۱۳
ایستادگی امام در برابر فشار دشمنان ۴۱۷
رژیم پهلوی و حفظ منافع بیگانگان در توسعه‌ی کشور ۴۱۹
خاطره‌ای از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ۴۲۱
اهمیت نقش امام در افشای کاپیتولاسیون ۴۲۳
تفاوت نگاه رژیم پهلوی به روشنفکران و روحانیان ۴۲۵
برکات اسلام در انقلاب ۴۲۶
کتاب قطور جنایات امریکا در ایران ۴۲۸
خاطراتی از سالهای خفقان ۴۲۹
اهمیت بندرعبّاس، و جفای رژیم طاغوت به آن ۴۳۲
حقّ اسلام، انقلاب و امام بر ملّت ایران ۴۳۴
۵۰ سال حکومت دست‌نشاندگان بیگانه ۴۳۶
وابسته کردن ایران از بزرگترین جرائم رژیم پهلوی ۴۳۸
اسلام و مستضعفان، سرمایه‌های انقلاب ۴۳۹
عقب‌افتادگی ایران نتیجه‌ی بی‌اعتقادی و وابستگی ۴۴۰
کشوری ویرانه، میراث پهلوی ۴۴۲
معجزه‌ی انقلاب، عبور از ذلّت به عزّت ۴۴۳
انقلاب ایران، طرحی از اسلام ۴۴۶
حفظ منافع بیگانگان، نابودی استعدادهای ملّی ۴۴۷
تجربه‌ی تحقّق وعده‌ی الهی ۴۴۹
چهار خصوصیت منفی حکومت پهلوی ۴۵۱
تأثیر اسلام و ویژگیهای شخصی امام در انقلاب ۴۵۷
امام و پرورش نیروهای انقلابی ۴۶۰
انتخابات نمایشی مجالس دوران طاغوت ۴۶۲
نگاه امیدوارانه‌ی امام به دانشگاه و دانشجو ۴۶۴
درسهای همیشه ماندگار امام ۴۶۶
ابعاد برجسته‌ی شخصیت امام ۴۶۹
۱. تقوا ۴۶۹
۲. تبحّر علمی در فقه و اصول ۴۷۱

www.ourpresident.ir

۳. هوشیاری و تیزفهمی ۴۷۲
۴. عمل به تکلیف ۴۷۲
۵. قدرت و شجاعت رهبری و سیاسی ۴۷۳
۶. فداکاری و خطرپذیری ۴۷۴
۷. طرّاحی نظام اسلامی ۴۷۴
۸. عظمت روحی ۴۷۶
انقلاب، امری واقعی و مثبت ۴۷۸
بازخوانی شخصیت حضرت امام خمینی(ره) ۴۸۰
سه خصوصیت امام: دانایی، دینداری، دلیری ۴۸۵
روایت سالهای تلخ استعمار ۴۸۹
اولویتهای اصلی در حرکت امام ۴۹۴
سه چهره‌ی استکبار در ۱۳ آبان ۴۹۸
تجربه‌ی تلخ رابطه با امریکا ۵۰۳
عزّت‌بخشی انقلاب به امّت اسلامی ۵۰۵
تحلیل پیوستن نیروی هوایی به انقلاب ۵۰۷
وابستگی اقتصادی، صنعتی، علمی رژیم دیکتاتوری پهلوی ۵۱۰
نقش برجسته‌ی کارگران و معلّمان در مسیر انقلاب ۵۱۳
دلایل خودداری انقلاب از الگوبرداری از شرق و غرب ۵۱۴
الگوگیری انقلاب از اسلام ۵۱۸
ارزشهای مورد توجّه ملّت ایران ۵۲۰
مروری بر تحوّلات جهان در قرن بیستم میلادی ۵۲۵
احساس ضعف، مهمترین مشکل ملّتها ۵۲۸
نیاز همیشگی ملّتها به اراده و ایمان ۵۳۱
انقلاب اسلامی، تجربه‌ای نو ۵۳۳
امریکا و انگلیس علّت اصلی عقب‌ماندگی ایران ۵۳۵
نقش رهبری روحانیت در تاریخ ۵۳۷
پیشتازی قم در نهضت اسلامی ۵۳۸
مفهوم و معنای استقلال‌طلبی ۵۴۰
تاریخ سیاه استعمار در جهان ۵۴۲
چهار نمونه از نتایج تسلّط بیگانه بر کشور ۵۴۵

www.ourpresident.ir

استقلال و آزادی، دو ارزش توأم ۵۵۰
انقلاب و شکستن طلسم سلطه‌ی استکبار ۵۵۲
سوابق درخشان قم ۵۵۵
نقش اسلام در بیداری ملّت ۵۵۸
حکومت حقیقت و عدالت، سخن تازه‌ی انقلاب در جهان ۵۵۹
خدمات متقابل انقلاب و دانشگاه ۵۶۳
اعتراف امریکا به نقش‌آفرینی در کودتای ۲۸ مرداد ۵۶۶
لزوم آگاهی نسل جوان از تاریخ کشور ۵۶۷
آرمانهای انقلاب ایران ۵۶۹
امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، الگوی انقلاب ۵۷۰
قیام اسلامی میرزا کوچک خان ۵۷۱
تأثیر الگوی انقلاب در آفریقای جنوبی ۵۷۴
انحطاط اخلاقی، سوغات رضاخان از غرب ۵۷۶
دروازه‌ی تمدّن بزرگ یا نابودی معنویت در ایران ۵۷۸
اهمیت و نقش میرزا کوچک خان ۵۸۰
عناصر اصلی بنای مستحکم نظام ۵۸۲
اسلام، رمز پیروزی انقلاب ۵۸۳
اصالت مردم در نظام اسلامی ۵۸۷
مسئولان خدمتگزار مردم ۵۸۸
خودباوری شرط اعتلای کشور ۵۸۹
اهمیت روشنگری و تبیین حقایق ۵۹۰
تأکید امام بر حفظ نظم و قانون ۵۹۲
هوشیاری و دشمن‌ستیزی ۵۹۴
تحقیر ایران در روی کار آوردن پهلوی ۵۹۶
توقع انقلاب از هنرمندان ۵۹۸
سوءاستفاده‌ی استکبار از هنر ۶۰۰
عنصر زشت دخالت بیگانه در دوران پهلوی ۶۰۲
سلب اعتماد متدینین، یکی از عوامل شکست مشروطیت ۶۰۴
ایدئولوژی سلطنت و ضدّیت اسلام با آن ۶۰۶
القای تقلید علمی از غرب در رژیم پهلوی ۶۰۹

www.ourpresident.ir

تفاوت انقلاب اسلامی و دیگر انقلابها از نظر مردمی بودن ۶۱۱
داستان غم‌بار استعمار در جهان اسلام ۶۱۳
تأثیر انقلاب اسلامی در جهان اسلام ۶۱۵
نقش سرنوشت‌ساز آیت‌الله کاشانی در نهضت ملّی شدن صنعت نفت ۶۱۸
جداکردن اهل سیاست از روحانیت، نقشه‌ی دشمن برای کودتا ۶۲۱
مأیوس کردن روحانیت، نقشه‌ی دشمن برای انحراف مشروطیت ۶۲۳
هوشیاری امام و جلوگیری از تکرار نقشه‌های مستکبران ۶۲۵
اولویت منافع بیگانگان و درباریان در حکومتهای سابق ۶۲۷
نقش برجسته‌ی مردم قم در انقلاب ۶۲۹
آرمان نهضت: اقامه‌ی عدل و تقوا ۶۳۰
۲۲ بهمن، پایان تحقیر و سلطه‌ی ایران ۶۳۳
دشواری‌ها و پیچیدگی‌های دوران مبارزه ۶۳۷
کارنامه‌ی سیاه استکبار ۶۳۹
سعادت، پاداش اراده و مجاهدت ۶۴۲
مقابله با اسرائیل، از شعارهای اصلی امام ۶۴۴
شخصیت بی‌نظیر امام خمینی(ره) ۶۴۵
سیاست مستکبران در مصادره‌ی انقلابها ۶۴۷
هنر امام در تعیین اصول مستحکم انقلاب ۶۴۹
اسلام و جمهوری اسلامی، تنها راه سعادت ایران ۶۵۲
اعتماد همیشگی ملّت به روحانیت ۶۵۴
کتاب قطور معارف انقلاب ۶۵۷
سراب دنیای جذّاب غرب ۶۶۰
استکبار، مشکل امروز دنیا ۶۶۳
تلاش دشمن برای انزوای انقلاب ۶۶۵
غیر قابل پیش‌بینی بودن انقلاب ۶۶۸
مهدویّت، اثبات زوال نظم ظلم جهانی ۶۷۰
خودسازی و آگاهی درسهای اعتقاد به مهدویت ۶۷۲
۱۳آبان، رویارویی امریکا با نهضت اسلامی ۶۷۴
واقعیتهای تلخ ایران قبل از پیروزی انقلاب ۶۷۷
قاجاریه‌ی فاسد، پهلوی فاسدتر ۶۸۰

www.ourpresident.ir

۲۹ بهمن پرچم عزّت و افتخار تبریز ۶۸۲
اراده‌ی رژیم پهلوی در به فساد کشیدن جامعه‌ی ایرانی ۶۸۴
اندیشه‌ی ماندگار بیداری اسلامی ۶۸۵
حرکت عظیم و سراسری بیداری اسلامی ۶۸۶
سختی‌های طاقت‌فرسای مبارزه ۶۸۹
صد و پنجاه سال فریاد پیوند دین و سیاست ۶۹۱
صبر و یقین، دو خصوصیت هدایتگران ۶۹۳
اسلام و مردم، محورهای اصول امام ۶۹۶
ابعاد اسلام ناب محمّدی ۶۹۸
امام و ابطال ناسازگاری مردم‌سالاری و دینداری ۷۰۰
حماسه‌ی جانفشانی مردم ورامین ۷۰۱
تحقّق آرمانی باورنکردنی عزم و پایداری مردم ۷۰۳
مبارزه‌ی استعمار با تفکّرات نظام اسلامی ۷۰۵
میدان مجاهدت برای اتّحاد کلمه مسلمانان ۷۰۷
هراس مستکبران از اسلام حقیقی ۷۰۸
نشاط و روحیه‌ی جوانی عامل جان گرفتن همّتها ۷۱۱
دیکتاتوری و وابستگی، ویژگی دوران پهلوی ۷۱۳
توحید، ستون اصلی انقلاب اسلامی ۷۱۵
توجّه کرامت انسانی، از ارکان انقلاب ۷۱۶
معجزه‌ی انقلاب اسلامی: مردم‌سالاری ۷۱۸
دوران تلخ چپاولگری جهانخواران ۷۲۰
دهه‌ی فجر، جشنی برای همه‌ی مسلمانان ۷۲۲
آثار شوم دیکتاتوری و وابستگی حکومتهای گذشته ۷۲۴
ارکان اصلی انقلاب ۷۲۶
۱. استقلال ۷۲۶
۲. آزادی ۷۲۷
۳. خودباوری ۷۲۷
۴. پیشرفت ۷۲۹
علّت دشمنی مستکبران با انقلاب ۷۳۰
هدف دشمن از زیر سؤال بردن امام و راه او ۷۳۳

www.ourpresident.ir

شاخصهای مکتب سیاسی امام ۷۳۶
۱. پیوند عمیق معنویت و سیاست ۷۳۶
آثار تفکیک دین از سیاست ۷۳۷
۲. اعتقاد به کرامت و ارزش اراده‌ی انسان ۷۳۹
آثار دمکراسی غربی در جهان ۷۴۰
۳. جهانی بودن پیام انقلاب اسلامی ۷۴۲
۴. پاسداری از ارزشها و ضوابط دینی ۷۴۴
۵. عدالت اجتماعی ۷۴۶
روحانیت و نقش برجسته‌ی آن در تاریخ ایران ۷۴۸
ارزش پیشرفتها در گرو دیانت و معنویت ۷۵۰
دشمنی رژیم پهلوی با حوزه‌ی علمیه قم ۷۵۲
تباهی ایران در دوران قاجار و پهلوی ۷۵۴
انقلاب و نهادینه کردن آزادی و استقلال ۷۵۵
بیداری انسانها، بزرگترین کار نهضت اسلامی ۷۵۷
فرصت انتخاب چشم‌انداز در جمهوری اسلامی ۷۵۹
اعتماد امام به مردم و پیشگامی او در حرکت ۷۶۱
اصول و آثار انقلاب اسلامی در عرصه‌ی جهانی ۷۶۳
سه شاخص اصلی اسلام ناب معنویت، عقلانیت، عدالت ۷۶۶
ریشه‌یابی مخالفتهای سلطه‌گران با انقلاب اسلامی ۷۶۸
استبداد کهن قاجار و استبداد مدرن پهلوی ۷۷۰
۱۹ دی نقش‌آفرینی تاریخی مردم قم ۷۷۳
اراده‌ی ملّت برای استقلال و آزادی ۷۷۶
۱۹ بهمن تجلّی آگاهی نیروی هوایی ۷۷۹
تفاوت انقلاب اسلامی با دیگر انقلابها در حفظ اهداف اولیه ۷۸۱
سالهای طولانی عقب‌افتادگی ملّت ایران ۷۸۴
نقشه‌ی استعمارگران برای انحراف راه ملّت ۷۸۶
وابسته ماندن ایران، هدف همیشگی دشمن ۷۸۸
نجات از وابستگی نتیجه‌ی انقلاب اسلامی ۷۹۱
ایمان و وفاداری مردم جبرفت در دوران مبارزه ۷۹۳
ناآگاهی، ریشه‌ی همه‌ی عقب‌افتادگی‌ها ۷۹۵

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی و نهضت بیدارگری..... ۷۹۷
بی‌اختیاری ملّت در دوران گذشته..... ۷۹۹
مقایسه‌ی دمکراسی دوران مصدق با نظام جمهوری اسلامی..... ۸۰۰
ابعاد گوناگون شخصیت استثنائی امام..... ۸۰۱
تجدید عهد با امام و ادامه‌ی راه او..... ۸۰۴
تفاوت حکومت مردان الهی با دیگر حکومتها..... ۸۰۷
هوشیاری امام و جلوگیری از مصادره‌ی انقلاب..... ۸۰۸
عقلانیت، شرط لازم عدالت..... ۸۱۰
سالهای اختناق، مجازات گناه سکوت ملّت..... ۸۱۲
حماسه‌ی قیام مخلصانه‌ی قم..... ۸۱۴
اخلاق و عمل به تکلیف، محور قیام امام..... ۸۱۶
اقدام عاشورایی نیروی هوایی در ۱۹ بهمن..... ۸۱۸
انقلاب عاشورایی و عزّت‌طلبانه‌ی ایران..... ۸۲۰
هشیاری امام و جلوگیری از گم شدن هدف اصلی..... ۸۲۲
ثمرات شیرین شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب..... ۸۲۴
تحقّق اصل قرآنی نصرت الهی در انقلاب..... ۸۲۶
قیام برای خدا و تأثیر آن در موفقیت..... ۸۲۸
هنر بزرگ امام: شناخت مردم و اعتماد به آن..... ۸۳۰
ذلّت حکومت پهلوی نزد بیگانگان..... ۸۳۲
ملّت ایران مصمّم در حفظ ارزشها..... ۸۳۴
استقلال و مردمی بودن، دو خصوصیت حوزه‌های علمیه تشیّع..... ۸۳۶
پیشگامی روحانیت شیعه ایران در تحوّلات اجتماعی..... ۸۳۸
تفکّر غلطِ غربی شدن شرط پیشرفت..... ۸۴۰
گناه بزرگ نسل اول روشنفکران ایران..... ۸۴۳
مصیبت بزرگ بی‌خبری مردم از وضع کشور در دوران‌های گذشته..... ۸۴۴
عقب‌ماندگی‌های ایران نتیجه‌ی تسلّط استعمار و استبداد..... ۸۴۶
هشدارهای عالمان بیدار در طول ۱۲۰ سال گذشته..... ۸۴۸
میراث شوم دوران طولانی طاغوت..... ۸۵۰
شاخصهای عمده‌ی جامعه اسلامی..... ۸۵۱
نقش اوّل و برجسته‌ی امام و امّت در انقلاب..... ۸۵۳

www.ourpresident.ir

قانون ننگین کاپیتولاسیون ۸۵۴
تبیین جامعه‌ی اسلامی ۸۵۶
عدالت و اخلاق، خلاء بزرگ لیبرال دموکراسی ۸۵۸
اعتماد به نفس، شرط رسیدن به آرمان ۸۵۹
تأثیر عدم احساس مسئولیت دولتمردان در حکومتهای قبل ۸۶۰
تأثیر عدم همّت و خودباوری مردم در دوران گذشته ۸۶۲
لحظات و حوادث تأثیرگذار در تاریخ ۸۶۴
اهداف رژیم طاغوت از طرح کشف حجاب ۸۶۶
عناصر اصلی تعالی ملّت ۸۶۹
تحقّق عزّت ملّت ایران با انقلاب اسلامی ۸۷۱
نقش مردم آذربایجان در تداوم قیام قم ۸۷۳
بیداری و ایستادگی تنها راه مبارزه ملّتها با استکبار ۸۷۵
ایمان، رمز نهراسیدن از مرگ ۸۷۷
ایمان و اتّصال به خدا، شرط تداوم انقلاب ۸۷۹
تلاش رژیم پهلوی برای نابودی ایمان مردم فارس ۸۸۱
تلاش حزب توده علیه دین‌باوری و دینداری در ایران ۸۸۳
انقلاب اسلامی، استثنایی بر جریان انتقال قدرت در تاریخ ایران ۸۸۵
تشخیص عناصر اصلی در نگاه کلان به انقلاب ۸۸۸
۱. ایمان به خدا ۸۸۸
۲. حضور مردم ۸۸۹
۳. تحمّل هزینه‌های تحمیلی ۸۹۰
چشم‌اندازِ ایرانِ مطلوبِ انقلاب اسلامی ۸۹۳
برکات الهی، پاداش ایمان و تقوا ۸۹۵
عادی شدن فسق و فجور دولتمردان حکومتهای سابق ۸۹۷
بدفهمی از معارف دینی، عامل مخالفت بعضی با انقلاب ۸۹۹
امام، همچنان محبوب مسلمانان جهان ۹۰۱
انقلاب اسلامی، انقلابی همه‌جانبه ۹۰۳
وصیتنامه‌ی امام، میراثی معنوی و هدایتگر ۹۰۵
مردم، صاحبان اصلی انقلاب ۹۰۷
پیش‌گویی امام: گسترش انقلاب در جهان ۹۰۹

www.ourpresident.ir

پیشرفت ایران در نتیجه‌ی انقلاب اسلامی ۹۱۲
تلاش دشمن برای ایجاد جنگ روانی ۹۱۵
توطئه‌ی دشمن برای انحراف نسل جوان ۹۱۶
لزوم ایستادگی در برابر سلطه‌گران جهانی ۹۱۸
طرح تازه‌ی انقلاب در برابر موج عظیم مادیگرایی ۹۲۰
انقلاب اسلامی و تغییر صحنه‌ی جهانی ۹۲۲
ملّت ایران، قهرمان استقامت ۹۲۴
بصیرت و صبر، دو عامل موفّقیت ۹۲۶
هماهنگی دین و سنّت‌های الهی آفرینش ۹۲۸
خاصیت کیمیاگری انقلاب ۹۳۰
۱۵۰ سال شعار ترقّی با تقلید از غرب ۹۳۲
ریشه‌ی اصلی دشمنی استکبار با انقلاب ۹۳۴
معیار صحّت ادعای جنبش دانشجویی ۹۳۷
۱۶ آذر، روز اعتراض دانشجویان به سلطه‌ی آمریکا ۹۳۸
مصادره‌ی نهضت مشروطیت توسّط بیگانگان ۹۴۰
صبر و بصیرت امام، عامل پیروزی انقلاب اسلامی ۹۴۲
تفاوت انقلاب اسلامی و دیگر انقلابها در مقاومت ۹۴۴
ظهور جوهره‌ی نیروی هوایی در ۱۹ بهمن ۹۴۶
بی‌تأثیری ملّت در حکومتهای استبدادی ۹۴۹
نگاه شیطنت‌آمیز طاغوت به اقوام ایرانی ۹۵۲
نقشه‌ی استعمار برای به اسارت درآوردن ملّتهای مشرق‌زمین ۹۵۴
احیای اسلام و عزّت ایران، دو پرچم افراشته توسّط امام ۹۵۷
نقش روشنفکران غرب‌زده در القای روحیه‌ی حقارت به مردم ۹۶۱
ابعاد گوناگون عزّت ملّی ۹۶۳
غیبت مردم و ارزشهای معنوی از صحنه در دوران طاغوت ۹۶۶
کهنه نشدن شعارهای انقلاب اسلامی ۹۶۸
درهم تنیدگی اسلامیت و جمهوریت نظام ۹۶۹
لزوم بصیرت نسبت به استکبار ۹۷۱
ناتوانی استکبار از درک اخلاص و مجاهدت مردم ۹۷۳
انقلاب اسلامی، همواره در پیشرفت و تعالی ۹۷۵

www.ourpresident.ir

لزوم توجه به شاخصها برای جلوگیری از انحراف..... ۹۷۷
خطّ امام بهترین شاخص در انقلاب..... ۹۷۹
ویژگی‌ها و اجزای خطّ امام..... ۹۸۳
۱. اسلام ناب محمّدی..... ۹۸۳
۲. مکتب، معیار جاذبه و دافعه..... ۹۸۵
۳. محاسبه‌ی معنوی در تصمیم‌گیری..... ۹۸۹
۴. تقوا در همه‌ی مسائل فردی و اجتماعی..... ۹۹۰
۵. توجّه به نقش مردم..... ۹۹۲
۶. جهانی دانستن انقلاب اسلامی..... ۹۹۳
۷. معیار بودن عملکرد اشخاص و گروهها نه سابقه‌ی آنان..... ۹۹۵
انقلاب اسلامی، یادگار طیّبه‌ی امام امّت..... ۹۹۷
دو مقطع تاریخی و حماسه‌ساز قم..... ۱۰۰۰
قم خاستگاه انقلاب و آماج حملات دشمنان ۱۰۰۳
دست هدایت الهی در تاریخ انقلاب..... ۱۰۰۵
نگاه جهان‌شمول امام در انقلاب اسلامی..... ۱۰۰۷
جمهوری اسلامی، طرحی نو برای بشریت..... ۱۰۱۰
بصیرت مردم قم در مقاطع حسّاس تاریخی..... ۱۰۱۱
یاری خداوند برای اهل تقوا..... ۱۰۱۳
برنامه‌ی مستکبران برای اختلاف امّت اسلامی..... ۱۰۱۵
انقلاب اسلامی و برهم زدن محاسبات مستکبران..... ۱۰۱۸
اهداف دشمنان از توطئه‌های گوناگون..... ۱۰۲۰
تأثیرات مهم انقلاب اسلامی در تحوّل امور کشور..... ۱۰۲۲
مردم‌سالاری نقطه‌ی مقابل حکومت سلطنتی..... ۱۰۲۴
اشتباهات سیاسی غرب، فرصتی برای رشد و توسعه‌ی ایران..... ۱۰۲۹
ایستادگی بر اصول، عامل الگو شدن انقلاب اسلامی..... ۱۰۳۱
فهرست آیات قرآن کریم..... ۱۰۳۷
فهرست روایات و ادعیه..... ۱۰۴۱
فهرست اشعار ۱۰۴۳
فهرست اسامی اشخاص..... ۱۰۴۴
فهرست اسامی کتابها..... ۱۰۴۹

www.ourpresident.ir

www.ourpresident.ir

پیام‌آور انقلاب الهی

من از ایران می‌آیم، که زادگاه پرآوازه‌ترین و درعین‌حال ناشناخته‌ترین انقلابهای دوران معاصر است. انقلابی بر پایه‌ی دین خدا و در امتداد راه پیامبران و مصلحان بزرگ الهی؛ راهی به درازای همه‌ی تاریخ بشر. ریشه‌ی استوار و اندیشه‌ی زیربنائی این انقلاب جهان‌بینی توحیدی اسلام است. تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه‌ی علائقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او ـ جهان، انسانها، اشیاء ـ مرتبط می‌کند، و نیز فهم و درک آدمی از وجود خود و خلاصه همه‌ی چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می‌سازد، و آن را بر اداره‌ی مطلوب خود قادر می‌کند، همه و همه از این جهان‌بینی الهی ریشه و مایه می‌گیرد و منشعب می‌شود.

بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل نیویورک ـ ۶۶/۶/۳۱

www.ourpresident.ir

ویژگیهای اصلی انقلاب

۱. مردمی بودن

درباره‌ی ما وانقلابمان و اصول و نقطه نظرهایمان بیش از معمول سخن مغرضانه یا جاهلانه گفته شده است. در انقلاب ما چند نقطه‌ی اختصاصی هست که می‌توان آن را استثنائی از سرگذشت معمولی انقلابها شمرد. من به آن نقطه‌ها می‌پردازم، و در پایان پیام خودمان را خواهم گفت. اول؛ این انقلاب حتی در شروع خود صد درصد مردمی بود، نه یک گروه چریکی مسلح، نه یک حزب فعال سیاسی نظامی، نه گروهی از افسران انقلابی و آزادیخواه و نه هیچیک از دیگران انواع رائج و معمولی ـ که تحولات انقلابی کشورها را پدید می‌آورند ـ در انقلاب ما وجود و حضور و فعالیت نداشتند، فقط مردم بودند و مردم، آن هم کاملاً بی‌سلاح که در تهران و همه جای دیگر چنان فضا را و خیابانها را و محیط زندگی شهری را از وجود و حضور و شعارهای انقلابی خود پر کردند که دیگر جایی برای هیأت حاکم و حکومتش باقی نماند؛ و آنان مجبور شدند یکی یکی و دسته جمعی از کاخها

www.ourpresident.ir

و مراکز اقتدار خود و سپس از کشور خارج شوند. شاه، نخست وزیر، بزرگان ارتش، وزراء و دیگر سرجنبانان هر کدام که توانستند از مردم گریختند. این پس از آن بود که در مدتی بیش از یک سال آنان با استفاده از همه‌ی توانایی خود ـ سیاسی، نظامی، پلیسی ـ کوشیده بودند مردم را متفرق سازند؛ و به خانه‌ها یا مراکز کارشان برگردانند، و در این مدت هزاران نفر از مردم جلو چشم دیگران در خیابان، در مسجد، در دانشگاه، در محیط کار کشته شده بودند؛ اما حضور مردم روزبه‌روز بیشتر شده بود. در آخرین ماهها خشونت دستگاه بیشتر و متقابلاً حضور مردم هم بیشتر شد. رژیم که زیر فشار خشم مردم دست از جان شسته قادر به مقاومت نبود، مجبور شد بزرگترین امتیاز خود را بدهد. شاه رفت؛ و بعد از آن عقب‌نشینی‌هایش پی در پی و سریع شد. رهبر بزرگ انقلاب ـ که کلمه به کلمه‌ی سخنانش به تک تک ملّت روح و آگاهی و درس می‌داد ـ به اتکای خداوند متعال ـ که همه‌ی قدرتها در ید قدرت اوست ـ و با اعتماد به همین اراده‌ی عظیم و خدشه‌ناپذیر مردم دولت انقلاب را تشکیل داد. دولت ستمشاهی خود به خود و بی آن‌که راه دیگری داشته باشد مسند را رها کرد و گریخت. آخرین سنگرها، پادگانهای خالی از سرباز و افسر بود، آنها هم گریخته بودند، و بسیاری به صف مردم پیوسته. در آخرین لحظات چند پادگان اندکی مقاومت کردند، اما بیهوده. در آن‌جا هم مردم حضور داشتند، و معجزه‌ی این انقلاب پیروزی مردم بود. تنها پس از سقوط پادگانها بود که مردم به اسلحه دست یافتند، اما آن روز دیگر نظام پادشاهی سقوط کرده بود؛ این سلاحها برای مراقبت از نهال نورس انقلاب به کار گرفته شد. مردم ـ جوانان و پیران، زنان و مردان ـ تنها کسانی بودند که رژیم پهلوی را ـ که به نظر قوی و کاملاً مسلح می‌رسید، و از پشتیبانی بزرگترین قدرتها برخوردار بود ـ شکستند، و نظام جمهوری اسلامی را بر سر کار آوردند. سلاح آنان ایمانشان، اراده‌ی نیرومندشان و خونشان بود، و

www.ourpresident.ir

خون بر شمشیر پیروز شد. سیاست پیروزی خون بر شمشیر همان سیاست مقاومت مظلومانه است. رهبر ما پیش از پیروزی انقلاب آن را اعلام کرد، و اولین معجزه‌ی آن پیروزی بر رژیم سر تا پا مسلح شاه بود، که کاملاً حمایت امریکا و غرب را نیز با خود داشت؛ و پس از آن نیز پیروزیهایی داشت که برخی حتی از غلبه بر رژیم شاه نیز بزرگتر بوده‌اند.

این تجربه‌ای بی‌نظیر لااقل در یک قرن اخیر بود و خوب است مورد تأمل و دقت قرار گیرد، هم از سوی کشورهای زیر سلطه و هم نیز از سوی قدرتهای سلطه‌گر جهانی.

۲. اسلامی بودن

دوم؛ این انقلاب متکی به دین بود، به اسلام. بسیارند انقلابهایی که ریشه‌های مبارزاتی آن از ایمان دینی تغذیه کرده است، هر چند در ساختار انقلاب این ایمان چندان یا هیچ به حساب نیامده است. اما انقلاب ما همه چیزش را، هدفها را، اصول را، و حتی روشهای مبارزاتی را و نیز شکل نظام نوین و نوع اداره‌ی آن را از اسلام گرفت. این ابعاد شگفت‌آوری به انقلاب می‌بخشد، و تعریف تازه‌ای از پیروزی آن ارائه می‌دهد.

چه اسلام به خاطر دارا بودن این ظرفیت عظیم انقلابی و سازندگی اکنون حداقل صدوپنجاه سال است که مورد تهاجم قدرتهای استعمارگر و عوامل مرتجع و زبون آنان بوده است. به علاوه اسلام در بیش از پنجاه کشور و میان یک میلیارد انسان یک ایمان مقدس، یک دین الهی است. پیروزی انقلابی که روح و محتوایش اسلام است در حقیقت پیروزی بر همه‌ی آن مهاجمان و در عرصه‌ی زندگی همه‌ی این یک میلیارد است. صدها میلیون مرد و زن ـ مرد و زن مسلمان ـ در دهها کشور از پیروزی انقلاب ما احساس پیروزی کردند. این خصوصیت همچنین راه عقب‌نشینی، شکست، ضعف و ترس را

www.ourpresident.ir

بر مردم و رهبر انقلاب و مدیران آن می‌بندد. در راه خدا شکست نیست، تا ضعف و ترس و عقب‌نشینی باشد.

۳. عدم وابستگی به شرق و غرب

سوم؛ عدم اتکاء به شرق یا غرب، خصوصیت استثنائی دیگر این انقلاب بود و هم اکنون نیز سیاست قاطع نظام انقلابی ماست. این خود یکی از مظاهر اعتقاد و اتکاء به خدا در همه‌ی صحنه‌های حیات فردی و اجتماعی ماست. امروز تفکر مسلط بر دنیای سیاست در سراسر جهان این است که بدون اتکاء به یکی از قطبهای قدرت نمی‌توان در صحنه‌ی سیاست معاصر زنده ماند. اگر در شدت و ضعف این اتکاء اختلاف نظر باشد، در اصل آن حرفی نیست. حتی آنان که در اندیشه عدم اتکاء و عدم تعهد را پذیرفته‌اند، معتقدند در عمل نمی‌توان چنین بود.

انقلاب ما در چنین جوی یک فلسفه‌ی جدید را عرضه کرد، و تا امروز به آن پایبند ماند. انقلاب ما ثابت کرد که می‌توان قدرتهای سلطه‌گر را به خود راه نداد، و قلدری آنان را جدی نگرفت، و به آنان باج نداد. مشروط بر این‌که نقطه‌ی اتکائی قویتر از هر قدرت مادی را باور داشت ـ خدا را ـ ما دانسته‌ایم که برای این عقیده و این راه بهای سنگینی نیز باید پرداخت، و خود را آماده کرده‌ایم. بگذار این تجربه ملّتها را به استقلال واقعی و خدشه‌ناپذیر و در نهایت نفی کامل سلطه‌های بزرگ جهانی رهنمون شود. روند کنونی تقسیم قدرت بشریت را به آینده‌ی باز هم تلختری تهدید می‌کند. چهارم؛ یک خصوصیت استثنائی دیگر نیز در انقلاب ما بود و هست و آن خصومتها و ضربه‌های استثنائی علیه آن است.

بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل نیویورک ـ ۶۶/۶/۳۱

www.ourpresident.ir

امامی از جنس انبیاء الهی

شخصیت امام(ره) با هیچکدام از رهبرهای دنیا قابل مقایسه نیست؛ او را فقط با پیامبران و اولیا و معصومان علیهم‌السلام می‌توان مقایسه کرد. او شاگرد و دنباله‌روِ آنها بود و به همین خاطر نمی‌توان با رهبرهای سیاسی دنیا مقایسه‌اش کرد. ما رهبرهای سیاسی دنیا را می‌شناسیم و تاریخ مبارزه‌ی آنها و ملّتها را با دقت مطالعه کرده‌ایم؛ واقعاً حیف است که به آنها رهبر بگوییم و امام را هم با همین عنوان یاد کنیم. اگر به آنها رهبر بگوییم، باید عنوان دیگری برای امام(ره) انتخاب کنیم. او اصلاً از جنس و خمیره‌ی انبیا بود. توصیف و ترسیم چهره‌ی آن عزیز خدا و عزیز بندگان صالح او، واقعاً خیلی مشکل است.

بیانات در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ـ ۶۸/۳/۱۸

www.ourpresident.ir

ویژگیهای ستایش‌برانگیز امام

حقیقتاً برای انسان بزرگ و شخصیت بی‌نظیری مثل امام عزیز و بزرگوارمان، جا دارد که برگزیده‌ترین انسانها و هوشمندترین ذهنها و صافترین و پاکترین دلها و جانها، از احساس تعظیم و تکریم سرشار شوند. فرق است میان شخصیتی که به خاطر مقام و سمت ظاهریش مورد احترام و تجلیل واقع می‌شود، و کسی که شخصیت و عظمت و عمق وجود و آراستگیهای گوناگون او، هر انسان بزرگ و قوی و هوشمندی را به تعظیم و تجلیل و ستایش و تکریم وادار می‌کند. امام عزیز ما، از این نوع انسانها بود.

امام(ره)، خصلتهای گوناگونی داشت: بسیار خردمند و عاقل و متواضع و هوشیار و زیرک و بیدار و قاطع و رئوف و خویشتندار و متقی بود. نمی‌شد حقیقتی را در چشم او واژگونه جلوه داد. دارای اراده‌یی پولادین بود و هیچ مانعی نمی‌توانست او را از حرکت باز دارد. انسانی بسیار دلرحم و رقیق بود؛ چه در هنگام مناجات با خدا که از خود بی‌خود می‌شد، و چه در هنگام

www.ourpresident.ir

برخورد با نقطه‌هایی از زندگی انسانها که به‌طور طبیعی دلها را به عطوفت و رأفت وادار می‌کند. انگیزه‌های نفسانی، جاذبه‌های مادّی، هوی‌ها و هوسها، نمی‌توانست به قله‌ی رفیع وجود باتقوای او دست‌اندازی کند. او امیر هوی‌ها و خواهشهای خود بود؛ ولی خواهشها بر او حکومت نمی‌کردند. صبور و بردبار بود و سخت‌ترین حوادث در اقیانوس عظیم وجود او، تلاطم ایجاد نمی‌کرد.

بیانات در مراسم بیعت نماینده‌ی امام در ارتش، وزیر دفاع، فرماندهان و پرسنل منتخب نیروهای سه‌گانه و وزارت دفاع ـ ۶۸/۳/۱۸

www.ourpresident.ir

تداوم راه امام

نقش دو عامل امام و امت، در انقلاب ما بسیار مهم بوده است. شما مردم تأثیر فوق‌العاده‌یی در شکست توطئه‌های دشمن و روسفیدی انقلاب داشتید، و در حال حاضر که در فقدان آن عزیز تازه سفر کرده می‌سوزیم، باید راه او را با همان اقتدار و قوّت اراده ادامه دهیم، و عزاداری و ابراز احساسات مردم ما در این چند روز نشان داد که راه آن بزرگوار ادامه می‌یابد.

بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از عشایر عرب خوزستان و مردم نجف آباد ـ ۶۸/۳/۱۹

www.ourpresident.ir

بزرگترین خطر: خستگی و گم کردن راه

انقلاب به سرچشمه‌های فیاض و جوشان استعدادهای بشری نیاز دارد؛ باید برای تأمین این نیاز بکوشیم و این، عمل به وصیت بزرگمردی است که جای خالی او را با همه‌ی وجودمان لمس می‌کنیم. اگر بخواهیم انقلاب با همان سرعت و شتاب و با همان اتقان و استقامت و درست در همان خط صحیح اسلام و بدون گرایش به چپ و راست حرکت کند، باید هدفهایی که بر قله‌ی بلند آرزوهای ملّت ما ـ بلکه ملّتهای اسلامی ـ می‌درخشند، همواره مقابل دیدگان ما باشد. باید تلاش خود را برای تحقق این هدفها مضاعف کنیم و از مشکلات نهراسیم.

بزرگترین خطر این نیست که ما از رفتن باز بمانیم، یا خسته شویم؛ بزرگترین خطر این است که چشم‌انداز ترسیم‌شده و هدفهای تعریف‌شده را گم کنیم و نبینیم. نگذارید غبارها و ابرها جلوی این هدفها و آرمانها را بگیرد.

بیانات در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی سراسر کشور ـ ۶۸/۳/۲۰

www.ourpresident.ir

راه امام، راه سعادت ملّت ایران

توجه کنید که راه نجات، راه صلاح، راه پیروزی بر دشمنان خبیث و مکار، راه جلب رضای الهی و توفیق در رسیدن به هدفهای مقدس اسلام و انقلاب، عبارت است از همان توصیه‌یی که امام عزیزمان همیشه آحاد ملّت ایران را به آن فرامی‌خواندند؛ یعنی حفظ ارتباط با خدا، توکل به او، نترسیدن از دشمنان خدا و با همه‌ی وجود حمایت و حراست از جمهوری اسلامی. این، راه ملّت ایران است.

باید با همه‌ی وجود، تمام آحاد ملّت و مسؤولان، از جمهوری اسلامی ـ که ارزنده‌ترین میراث امام عزیز ماست ـ حراست و حمایت کنند و در مقابل دشمنان باشند. بدانند که خدا با آنهاست و دشمن با همه‌ی کید و مکری که دارد، ضعیف است. بدانند که راه سعادت ملّت ایران، همین راهی است که با هدایت امام و رهبرمان آن را شناختیم و در آن قدم گذاشتیم و پیش رفتیم.

بیانات در مراسم بیعت گروهی از مردم شهرهای مختلف کشور ـ ۶۸/۳/۲۶

www.ourpresident.ir

جهان‌شمولی پیام الهی انقلاب

از آن‌جا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌ی شریعت اسلام ناب محمّدی ﷺ استوار شده است، نمی‌تواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد. مسأله این نیست که ملّت ایران یا مسؤولان این کشور بخواهند با روشهای معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح می‌شود، به‌طور طبیعی همه‌ی فضای عالم اسلام بنا بر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهند کرد.

اگر عوامل تبلیغاتی استکبار علیه انقلاب اسلامی سمپاشی می‌کنند، غیر از این انتظاری نیست؛ چون مبنای تبلیغات آنها بر تزویر و خدعه و دروغ است. مسأله این است که وقتی یک فکر درست و یک تفکر آزادکننده و بیدارکننده متکی به اسلام بود، در تمام آفاق و بلاد اسلامی، طرفدار و خریدار و علاقه‌مند و دلباخته خواهد داشت.

بیانات در مراسم بیعت گروه کثیری از ائمه‌ی جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران ـ ۶۸/۴/۴

www.ourpresident.ir

جادّه صاف‌کن‌های دشمن:
مغرضین، بازی‌خوردگان

دو دسته از مردم، نفوذ دشمن را تسهیل می‌کنند: دسته‌ی اول، مغرضها و کسانی که با اسلام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و روحانیت و حاکمیت ارزشهای اسلامی مخالفند ـ البته اینها بسیار کم هستند ولی بی‌اثر نیستند ـ و دسته‌ی دوم کسانی هستند که غرض ندارند، اما غافل و ناآگاه و بازی‌خورده‌ی دست مغرضها هستند. دسته‌ی دوم را باید آگاه کرد و نسبت به دسته‌ی اول، مسؤولان بخشهای مختلف کشور تصمیم‌گیری می‌کنند.

این‌طور نیست که هرکسی ما را قبول نداشته باشد، ما با او با شدت عمل برخورد کنیم. روش ما این است که با قدرت و تدبیر و بدون عصبانیت برخورد کنیم. ما باید با روش درست واداره‌ی صحیح، دشمن را ـ اگر باانصاف باشد ـ به دوست تبدیل کنیم. البته بعضیها غرض‌ورزی و توطئه و شماتت می‌کنند، که طبیعی است نظام جمهوری اسلامی با اینها برخورد قوی خواهد کرد.

www.ourpresident.ir

بنابراین، وظیفه‌ی مردم مؤمن ـ خصوصاً جوانان ـ این است که اولاً مغرضان را بشناسند و آنها را با آدم خیرخواه اشتباه نگیرند؛ ثانیاً افراد غافل را آگاه کنند و راه را به آنها نشان دهند. شما جوانها که روحیه ونشاط و توان بالایی دارید، باید مسؤولیت بیشتری را بر دوش خود احساس کنید. آگاه کردن مردم، هوشیار بودن و دشمن را در هر چهره و لباسی شناختن، اساسیترین تکلیف ماست.

بیانات در مراسم بیعت امام جمعه و نماینده‌ی ولیّ‌فقیه و قشرهای مختلف مردم سمنان، ائمه‌ی جمعه و قشرهای مختلف مردم کرج، شیروان، قوچان، کازرون و جمعی از بسیجیان نیشابور ـ ۶۸/۴/۴

www.ourpresident.ir

کارگران، سنگرداران جبهه‌ی کار و دفاع از انقلاب

یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران این است که کارگران نسبت به انقلاب، وضعیت اختصاصی و استثنایی داشتند. «کارگر» در نظام جمهوری اسلامی، در دو جبهه ـ که مرجع هر دو یک مبنا بود ـ چنان حضوری از خود نشان داد که واقعاً تاریخی و به‌یادماندنی است. یکی از این دو جبهه، جبهه‌ی کار و تولید و تلاش، و دیگری جبهه‌ی دفاع از انقلاب بود. کارگر انقلابی و مسلمان ما که در طول ده سال گذشته، در جبهه و سنگر کار، اخلاص و ازخودگذشتگی و خستگی‌ناپذیری نشان داد، درست با همان انگیزه عمل می‌کرد که در جبهه‌ی جنگ یا در جبهه‌ی دفاع از انقلاب، از خود ایستادگی نشان می‌داد.

بیانات در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور ـ ۶۸/۴/۵

www.ourpresident.ir

بسیج، تکیه‌گاه انقلاب

اما آن چیزی که انقلاب ما ـ با داعیه‌های بزرگش ـ به او تکیه می‌کند، نیروی «بسیج» است. اگر ما نیروهای بسیج و مردمی را از آن دو نیرو جدا کنیم، ارتش و سپاه نخواهند توانست انقلاب را در ابعاد جهانیش پشتیبانی کنند. محور دفاع از انقلاب، همین آحاد عظیم میلیونی بسیج هستند. بسیج در زندگی معمولی، جزیی از توده‌های میلیونی مردم است؛ اما باید سازماندهی و آموزش و بازآموزی داشته باشد. نباید به آموزشی که طی چند ماه داده می‌شود، اکتفا کرد؛ بلکه بایستی آن را تکرار نمود.

اگر یک فرد بسیجی، در مدرسه و دانشگاه و حوزه‌ی علمیه و کارخانه و مزرعه و اداره مشغول است، بداند که جزو ارتش عظیم مردمی و انقلابی است و باید به آن افتخار کند. در هر مجموعه‌یی که افراد آن عضو بسیج هستند، از جهت خدمت به انقلاب، نسبت به دیگران برتر و مقدمترند؛ زیرا هرگاه خطری نظام را تهدید کند، سینه‌ی بسیجی سپر انقلاب خواهد شد. بنابراین، هر کس وارد این عرصه شد، باارزش‌ترین افراد جامعه است و باید

www.ourpresident.ir

به این توفیق، افتخار کند. من هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی باشم. به عنوان یک بسیجی، هرجا که انقلاب به وجود من نیاز داشته باشد، حاضرم خدمت کنم. همه باید به این عضویت افتخار کنیم؛ چون اساسیترین کار انقلاب را بسیج انجام می‌دهد.

بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ـ ۶۸/۴/۶

www.ourpresident.ir

دفاع از انقلاب: دفاع از اسلام و قرآن

حفظ موجودیت انقلاب، کار اول ماست که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است. به همین خاطر، امام(ره) مکرر می‌فرمودند: حفظ نظام اسلامی، واجبترین فریضه است. انقلاب، از نظام جمهوری اسلامی جدا نیست. نباید کسی خیال کند که این دو از هم جدا هستند. تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است که همه‌ی قلدرهای دنیا دست به دست هم داده بودند، تا او را ریشه‌کن کنند.

امروز هم عناد و دشمنی استکبار امریکا، سرمایه‌دارهای بزرگ جهانی، رژیم اشغالگر قدس و ارتجاع ادامه دارد و با آن مخالفت می‌کنند. انقلاب ما که به پیروزی رسید، نظام جمهوری اسلامی متولد شد. پس، دفاع از این نظام، اولین و مقدسترین و واجبترین فرایض ملّت ایران است، و بسیجی کسی است که سینه‌اش را سپر می‌کند و با هر وسیله‌یی که در اختیارش باشد، دفاع از انقلاب را به عهده می‌گیرد؛ چون درحقیقت از اسلام و قرآن دفاع کرده است.

بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ـ ۶۸/۴/۶

www.ourpresident.ir

دستآوردهای داخلی و بین‌المللی انقلاب

انقلاب ما دارای دو بُعد بود: بُعد داخلی و بُعد خارجی. در بُعد داخلی، ملّت فداکار ایران زندگی دست‌ساخته‌ی فرهنگ غرب و آلوده به فساد قدرتهای استکباری را به زندگی اسلامی ـ که آرزوی همه‌ی مردم ایران بود ـ تبدیل کرد. در این بُعد، پیشرفتهای بسیار چشمگیری هم پدیدار شد. امروز روحیات و واقعیات زندگی ملّت ایران، با آنچه که قبل از پیروزی انقلاب وجود داشت و دستهای استعماری روی آن کار کرده بودند، تفاوتهای بسیار زیادی دارد. البته نمی‌گوییم که امروز زندگی ما کاملاً اسلامی است؛ ولی معتقدیم در مقایسه با گذشته، به مراتب به زندگی اسلامی نزدیک شده‌ایم و باید تلاش کنیم که باز هم نزدیکتر شویم.

زندگی و حیات طیبه‌ی اسلامی، یعنی سعادت دنیا و عقبی و رفاه مادّی و تعالی معنوی. انقلاب ما این حرکت را در کشور به وجود آورد و دست قدرتمند الهی رهبر و امام بزرگوار آن را به پیش برد، و از این جهت امروز بحمدالله در دنیا ملّتی نمونه هستیم.

www.ourpresident.ir

اهمیت بُعد خارجی انقلاب، کمتر از بُعد داخلی آن نیست. در بُعد خارجی، انقلاب ما توانست ملّتهای مسلمان را با هم آشنا، و نسبت به یکدیگر دلسوز و علاقه‌مند کند. سالهای متمادی استعمار در میان کشورهای اسلامی کار کرد، تا آنها را از هم جدا کند و یا در مقابل یکدیگر قرار دهد؛ فارس در مقابل عرب، هر دو در مقابل ترک، هر سه در مقابل ملّت پاکستان، و همه در مقابل ملّتهای دیگر مسلمان. استعمار قصد داشت با این کار، بین کشورها و دولتها، مرزهای جغرافیایی و نژادی و ملی به وجود آورد. این‌که امروز می‌بینید بعضی از سلاطین و رؤسای دست‌نشانده‌ی استعمار فریاد ملیت‌گرایی و قومیت‌گرایی را در دنیا سر می‌دهند، در اصل همان خطوط و روشهای استعماری را دنبال می‌کنند.

انقلاب ما ملّتها را با هم آشنا و نزدیک کرد. امروز کشورها و ملّتهای اسلامی، به برکت انقلاب ایران احساس می‌کنند که روحیه‌ی مسلمانی در آنها زنده شده است. ملّتهای عرب، پیش از آن‌که به عرب بودن خود افتخار کنند ـ اگر وجدان و ایمانشان آزاد باشد ـ به مسلمانی خویش افتخار می‌کنند. ملّت مسلمان شبه‌قاره‌ی هند و آفریقا و سایر ملّتهای مسلمان آسیا نیز به مسلمانی خود افتخار می‌کنند.

اسلام به برکت انقلاب، به صورت یک ارزش درآمد و مسلمانها با احساس اسلام، به هم نزدیک شدند؛ و از سوی دیگر، دشمنان جهانی اسلام ـ یعنی استکبار جهانی و شرق و غرب متجاوز و امریکای تجاوزکار و غارتگر ـ که از اعماق وجود با اسلام مخالفند، از وحدت اسلامی و آشنایی ملّتهای مسلمان با یکدیگر، دچار وحشت شده‌اند.

ما که امروز برای امام(ره) عزادار هستیم، باید این دو بُعد را با کمال جدیت مورد توجه و نظر قرار دهیم؛ والّا اگر خدای ناخواسته راه و وصیت امام فراموش بشود ـ که ان‌شاءالله هرگز فراموش نخواهد شد ـ نتایج زحمات

www.ourpresident.ir

طولانی آن بزرگوار از بین خواهد رفت.

امروز هر دو بُعد انقلاب برای ما حایز اهمیت است. در بُعد داخلی، باید تمام اقشار ملّت و مسؤولان و علمای اعلام و معلمان و گویندگان و نویسندگان و سازندگان و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران تلاش کنند، تا باز هم جامعه را به سمت زندگی اسلامی جلوتر ببریم و به آرمانها نزدیکتر کنیم. و در بُعد خارجی انقلاب نیز، باید همه‌ی ملّتهای مسلمان ـ بخصوص علما و روشنفکران و کسانی که حرفشان بر ذهن مردم اثر می‌گذارد ـ تلاش کنند، تا وحدت و نزدیکی و آشناییِ ایجادشده، حفظ و تقویت شود.

بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استانهای ایلام و فارس و گروهی از طلاب پاکستانی ـ ۶۸/۴/۱۲

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

بازگشت به اسلام راز پیروزی انقلاب

در تحول عظیمی که در دنیا اتفاق افتاده، نقش ایمان به اسلام، نقش درجه‌ی یک است. چون ما برای اسلام کار می‌کنیم، خدای متعال هم نصرتش را بر ما نازل می‌کند. چون ملّت ایران به خدا و اسلام و قرآن مؤمنند، ملّتهای دیگر عالم نسبت به مردم ما احساس احترام می‌کنند. چون قلب آن رهبر عزیز، منور به نور ایمان صادقانه و مخلصانه و روشن‌بینانه بود، این‌گونه در میان مردم جا باز کرد و بر ذهن و روح آنها تأثیر عمیق گذاشت و خدا به او قدرت و قوّتی بخشید، تا بتواند بزرگترین کارهای این روزگار را انجام دهد.

رازی را که ما کشف کرده‌ایم و آن را عامل اصلی پیروزی انقلاب می‌دانیم، مجموعه‌ی دشمنان ما، یعنی استکبار و قلدرهای دنیا و صاحبان زور و زر و مرتجعان وابسته و مزدور نیز آن را کشف کرده‌اند و به علت اصلی عظمت ملّت ایران و پیروزی او پی برده‌اند و درست مثل صدر اسلام و دوران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، با تمام قوّت و قدرت برای کوبیدن ایمان مردم بسیج شده‌اند.

www.ourpresident.ir

بنابراین، عامل عمده‌ی دشمنیها ایمان است، و استکبار فهمیده است که این ملّت به برکت ایمان متحد شد و رهبر خود را انتخاب کرد و از قدرتهای بزرگ دنیا نترسید. آنها متوجه شدند که همه‌ی موفقیتها و پیشرفتهای ما به برکت ایمان به دست آمده‌است؛ لذا با ایمان و اسلام ما دشمن شدند و با روشهای تبلیغاتی و سیاسی خود سعی کردند چهره‌ی واقعی اسلام و انقلاب را مخدوش کنند. آنها به خیال خود به ما دشنام می‌دهند و ما را بنیادگرا می‌خوانند! در حالی که این کار، تعریف از ماست.

ما افتخار می‌کنیم که به اصول و بنیانهای اسلامی برگشته‌ایم؛ این راز قوّت و قدرت ماست. در این چند سال، تمام تبلیغات استکبار جهانی بر روی اهانت به ایمان اسلامی مردم ما متمرکز بوده‌است. مردم ما از کسانی که نسبت به اسلام و ایمان اسلامی آنهابه هر شکلی اهانت کنند، نخواهند گذشت. اسلام و ایمان اسلامی، مایه‌ی عزّت و نصرت ماست و دنیا و آخرت ما را اصلاح خواهد کرد.

ملّتی که با ایمان صادقانه و صحیح اسلامی حرکت کند، از عزّت و راحتی و رفاه مادّی برخوردار خواهد شد و دیگر کسی نمی‌تواند چیزی را بر او تحمیل کند. ما به‌فضل پروردگار و در سایه‌ی ایمان عمیق ملّتمان خواهیم توانست در این قطعه از عالم، جامعه‌یی آباد و آزاد و مرفه و راحت به وجود آوریم که مشاهده‌ی آن برای ملّتها درس باشد و منجر به صدور فکر انقلاب شود. تاکنون فضل پروردگار شامل حال ملّت ما بوده است و بعد از این هم خواهد بود.

باید وحدت کلمه‌یی را که به برکت ایمان به اسلام و اعتقاد به خدا در میان اقشار مختلف مردم به وجود آمده است، صنع الهی بدانیم و از آن قدرشناسی و پاسداری کنیم. امروز ابهت ملّت ایران به برکت همین ایمان است. حتّی دشمنان ملّت هم این حقیقت را قبول دارند و اعتراف می‌کنند

www.ourpresident.ir

که ملّت ایران، شجاع و آزاده و نیرومند و تحمیل‌ناپذیر است. سعی کنیم روزبه‌روز این ایمان را در دلهامان تقویت کنیم. علمای محترم و روحانیون و وعاظ و گویندگان و نویسندگان دینی که معلمان و مبشران بشارتهای الهی برای مردم هستند، بایستی در عمق بخشیدن به ایمان مردم تلاش کنند.

همان‌طور که خدای متعال در قرآن وعده فرموده، تا وقتی ایمان عمیق اسلامی با مردم همراه است، هیچ خطری ملّت و انقلاب را تهدید نمی‌کند و هیچ قدرتی نمی‌تواند کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی و انقلاب شکوهمند ایران وارد آورد.

بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استان کرمانشاه و شهرهای رشت، اراک، سربند، فردوس، طبس، خوانسار، بیدخت، گناباد و جویبار ـ ۶۸/۴/۱۴

www.ourpresident.ir

کینه‌ی عمیق استکبار به انقلاب

استکبار جهانی نسبت به اسلام و انقلاب، از اعماق وجود کینه دارد، و تا ملّتی از اصول و دین خودش دست برندارد و تسلیم نشود، آنها راضی نخواهند شد. خداوند متعال به مسلمانها فرمود: «ولن ترضی عنک الیهود ولاالنّصاری حتّی تتّبع ملّتهم»[1]. بنابراین، کینه‌ی استکبار به خاطر اعتقادات و استقلال‌خواهی و شعار«نه شرقی و نه غربی» و پایبندی عمیق مردم ما به اسلام است. کینه‌ی استکبار تمام‌شدنی نیست؛ اما علی‌رغم کینه‌ی عمیق او علیه ملّت ما، به لطف پروردگار امیدوار و دلگرمیم که ان‌شاءالله ملّت ایران بتواند در همه‌ی صحنه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، به مقاصد الهی دست یابد و دشمن را وادار به عقب‌نشینی کند.

بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسؤولان و مردم استان زنجان و اقشار مختلف مردم شهرهای نهاوند، کاشمر، بجنورد، اسفراین، طرقبه و چناران، اقلید، بم، ملایر و دهبید فارس ـ ۶۸/۴/۱۵

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۰.

www.ourpresident.ir

لطف خدا در محبّت به امام

بحمدالله جمهوری اسلامی به پایه‌های راسخ مستحکم است، و مهمترین پایه‌ی این جمهوری و راسختترین عمود این خیمه، شما مردم هستید. هر دولتی استحکام و اراده و آگاهی و آمادگی شما را داشته باشد، آسیب‌ناپذیر است. البته این عامل هم آسان به دست نمی‌آید. تا نظام بر اساس عقیده‌یی مستحکم و ایمانی صادقانه بنا نشده باشد، مردم این‌گونه دلهاشان را به نظام نمی‌دهند. جلب دلهای شما مردم، از عهده‌ی انسان خارج است.

محبت شما به امام(ره) را که خودش به وجود نیاورده بود؛ بلکه آن را خدا ایجاد کرده بود. اتحاد و همبستگی و محبت و خلوص و ایستادگی و وحدت کلمه‌ی شما و حضور قاطعی که نشان می‌دهید، کار کسی جز خداوند نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید من این کار را کردم. پیامبر خدا ﷺ هم نمی‌توانست چنین کارهایی را بکند. خدای متعال به پیامبرش فرمود: «لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الّفت بین قلوبهم»[1]؛ تو اگر همه‌ی دنیا را هم

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳.

www.ourpresident.ir

خرج می‌کردی، نمی‌توانستی این‌طور دلها را به هم کلاف و آنها را با هم متحد و متصل کنی؛ «ولکنّ الله الّف بینهم»[1] ؛ این، کار خداست.

در دوران اوج نهضت هم کار خدا بود؛ در دوران دهساله‌ی درخشان حیات مبارک امام عزیزمان هم کار خدا بود؛ امروز هم کار خداست و خدا با این ملّت است. اگر شما مردم اخلاص و ایثار نداشتید و فداکاری نشان نداده بودید، خدا این‌گونه از شما حمایت نمی‌کرد. این، هنر ایمان و عمل صالح است. هرجا ایمان و عمل صالح باشد، لطف خدا وجود دارد؛ «من کان لله کان الله له»[2]. اینها که دروغ نیست؛ واقعیات عالم هستی است. وقتی ملّتی خودش را در خدمت خدا و اهداف الهی می‌گذارد، خدا هم تمام نیروهای عالم طبیعت را در خدمت آن ملّت قرار می‌دهد و لطف خودش را شامل حال آنها می‌کند.

بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج ـ ۶۸/۴/۱۹

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳.
۲. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۱۹.

www.ourpresident.ir

دشمنی تاریخی مستکبران با اسلام

روزی که ما پشت سر امام عزیز و علمدار اسلام ناب، شعارهای اسلام واقعی را مطرح می‌کردیم، می‌دانستیم که دشمنها و قدرتها و ابرقدرتها در مقابل ما صف‌آرایی می‌کنند. در صدر اسلام هم همین‌گونه بود. آن روزی که یهودیها و منافقان و کفار و مشرکان، اطراف مدینه‌ی پیامبر را محاصره کردند و جنگ احزاب و خندق را به وجود آوردند، مؤمنین واقعی گفتند: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»[1]؛ این، چیز تازه‌یی نیست. خدا و رسولش به ما گفته بودند که بدها و شریرها و فاسدها علیه شما همدست خواهند شد. بنابراین، آنها چون صدق وعده‌ی الهی را دیدند، ایمانشان قویتر شد.

بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسؤولان و اقشار مختلف مردم استانهای فارس و هرمزگان و شهرهای قزوین، تاکستان، ابهر، شاهین‌شهر، ساری، کیاسر، فریدون کنار، بهشهر، و فرماندهان منطقه‌ی یکم دریایی و سپاه پنجم عاشورای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ ۶۸/۴/۲۱

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۲.

www.ourpresident.ir

یکی از مهمترین پیام‌های انقلاب:
وحدت امّت اسلامی

یکی از مسایل اساسی در انقلاب اسلامی ایران و حرکت عظیمی که امام امت به وجود آوردند، توجه به امت بزرگ اسلامی و پیوند عمیق و مستحکم میان مسلمانان عالم ـ علی‌رغم وجود فاصله‌های جغرافیایی و تفاوتهای نژادی و زبانی ـ است. شاید در دنیای اسلام، یکی از چند مسأله‌ی معدود و درجه‌ی اول که اهتمام همه‌ی مسلمین عالم را طلب می‌کند، همین مسأله باشد.

یکی از هدفهای ورود استعمار به کشورهای شرقی و اسلامی، فاصله انداختن میان مسلمانها بود. راههای گوناگونی را برای ایجاد فاصله میان برادران مسلمان در اقطار اسلامی پیمودند؛ از غلیظ کردن احساسات و انگیزه‌های ناسیونالیستی، تا ایجاد و تشدید اختلافات فرقه‌یی. مسلماً نقش حکومتهای فاسد و دست‌نشانده‌ی استعمار در ایجاد این فاصله، نقش بی‌نظیر و بسیار مؤثری بود.

ما امروز در سرتاسر عالم، یک جمعیت حدوداً یک میلیارد نفری را

www.ourpresident.ir

تشکیل می‌دهیم که در نقاط استراتژیک و حساس و مناطقی که ثروتهای عمده و مورد نیاز جهان امروز در آن‌جا ذخیره شده، پراکنده شده است. در عین حال، مسلمانان عالم در غالب کشورها ـ چه کشورهایی که در آن به صورت اقلیت زندگی می‌کنند، و چه کشورهایی که اکثریت قاطع و عمده‌ی بدنه‌ی ملّت را تشکیل می‌دهند ـ از لحاظ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در وضعیت نامطلوبی بسر می‌برند.

این در حالی است که اسلام و آیات کریمه‌ی قرآن، پیروان خود را به انواع کمالات بشری، مانند علم و فضایل اخلاقی و عدالت اجتماعی و عزّت و قوّت و یگانگی و وحدت و تسلیم نشدن در مقابل تحمیلها سوق می‌دهند. بروشنی می‌شود فهمید که وضع کنونی مسلمین در دنیای اسلام و سراسر جهان، وضع طبیعی یا تصادفی نیست؛ بلکه این شرایط را بر مسلمانان تحمیل کرده‌اند.

از اولین روزی که نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام عظیم‌الشأن و بزرگوار ما آغاز شد، یکی از اصلیترین مواد داعیه‌های این نهضت، عبارت از وحدت مسلمین در سرتاسر عالم و کوتاه کردن دست قدرتهای ستمگر و متجاوز از سر مسلمانان بود. این پیام، همچنان پیام انقلاب ماست.

بیانات در مراسم بیعت میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم چهلمین روز ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی، و جمعی از اقشار مختلف مردم مشهد و گروهی از عشایر استان خوزستان ـ ۶۸/۴/۲۲

www.ourpresident.ir

تجسّم آیات قرآن در زندگی و نهضت امام

برای تبیین شخصیت امامان ـ آن انسان والا و آن مسلمان وارسته ـ بهتر از آن نیست که به قرآن پناه بریم و او را در لابلای آیه‌های هدایتگر آن، که به توصیف بندگان صالح خدا پرداخته است، باز جوییم:

او با جهاد و هجرت که مؤمنان را در حیطه‌ی ولایت الهی قرار می‌دهد، مصداق: «انّ الّذین امنوا و هاجروا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله»[1] شد. او با استقبال از خطر و جان برکف گرفتن در راه خدا، در زمره‌ی کسانی درآمد که ستایش الهی: «و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله»[2] در وصف آنان سروده شده است. او با قیام تاریخیش در راه خدا و تلاش بی‌نظیرش برای اقامه‌ی قسط و عدل و نجات مستضعفان از ظلم و تبعیض، پاسخی افتخارانگیز به ندای: «کونوا قوّامین لله»[3] و «کونوا قوّامین بالقسط»[4]

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۷۲.
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۰۷.
۳. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸.
۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۳۵.

نشر انقلاب اسلامی
www.ourpresident.ir

داد. او خشم و برائت نسبت به مشرکین و کفار عنود، و عطوفت و مودت نسبت به مسلمانان سراسر جهان را مصداق کاملی از: «اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم»[1] ساخت. او با مناجات و تهجد و تضرع مخلصانه، در سلک: «عسی ان یبعثک ربّک مقاما محمودا»[2] درآمد. او آمر به معروف و ناهی از منکر و مجاهد فی‌سبیل‌الله بود. او با قطع هر پیوندی که با پیوند محبت حق و فنای در حق ناسازگار بود، مصداق: «رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الا انّ حزب‌الله هم المفلحون»[3] گردید.

او با عمری که روزها و ساعتها و لحظه‌هایش با مراقبه و محاسبه سپری می‌شد، صدها آیه‌ی قرآن را که در توصیف مخلصین و متقین و صالحین است، مجسم و عینی ساخت. او قرآن را نه فقط در محیط زندگی جامعه و با تشکیل جامعه‌ی اسلامی، بلکه در نفس خود و زندگی خود تحقق بخشید.

او، آن روح‌الله بود که با عصا و ید بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی، به نجات مظلومان کمر بست؛ تخت فرعونهای زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. او به انسانها کرامت، و به مؤمنان عزّت، و به مسلمانان قوّت و شوکت، و به دنیای مادّی و بی‌روح معنویت، و به جهان اسلام حرکت، و به مبارزان و مجاهدان فی‌سبیل‌الله شهامت و شهادت داد.

او بتها را شکست و باورهای شرک‌آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. او به ملّتها نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و پنجه در پنجه‌ی سلطه‌گران انداختن، ممکن است. لمعات قرب حق را

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹.
۲. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۹.
۳. سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۲۲.

www.ourpresident.ir

صاحبان بصیرت در چهره‌ی منور او دیدند و طعم برّ الهی را که در حیات و ممات بر او می‌بارید، همه چشیدند. دعای او مستجاب شد که می‌گفت: «الهی لم یزل برّک علیّ ایام حیاتی، فلاتقطع برّک عنّی فی مماتی»[1].

با رحلت خود، انقلابی دیگر برپا کرد. ... ده میلیون دل بی‌قرار را بر جنازه‌ی خود گرد آورد و صدها میلیون را در سراسر جهان در غم خود عزادار کرد. همان‌طور که در زندگیش تختهای فرعونی را لرزانده بود، با مرگ خود نیز خواب و خیال باطل را از چشم دشمنان ربود.

از این پس دنیا شاهد شکوفایی روزافزون خمینی کبیر خواهد بود. نهالی که او نشانده و بذری که او پاشیده، همان کلمه‌ی طیبه‌یی است که: «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»[2].

پیام به ملّت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۸/۴/۲۳

۱. مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه.
۲. سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ ـ ۲۵.

www.ourpresident.ir

ده عمل و دستاورد بزرگ امام

درباره‌ی او خیلی حرف زده شد؛ اما به اعتقاد من هنوز زود است که تحلیل‌گرهای جهانی بتوانند امام بزرگوار را بدرستی بشناسند؛ شخصیت عظیمی که در طول تاریخ بعد از انبیا و اولیا، امثال او بسیار بندرت ظهور می‌کنند. آنها کارهای بزرگ انجام می‌دهند و مثل برق می‌درخشند و فضا را منور می‌کنند و می‌روند.

امام بزرگوار ما کارهای بزرگِ متناسب با بزرگی خود انجام داد و من امروز بعضی از آنها را به یاد شما می‌آورم. یقیناً اگر تحلیل‌گرها و متفکران کارهای بزرگ امام امت را فهرست کنند، چند برابرِ آن چیزی خواهد شد که من امروز آنها را برمی‌شمارم.

۱. احیای اسلام

اولین کار بزرگ او، احیای اسلام بود. دویست سال است که دستگاههای استعماری سعی کردند تا اسلام به دست فراموشی سپرده شود. یکی از

www.ourpresident.ir

نخست‌وزیرهای انگلیس در جمع سیاستمداران استعماری دنیا اعلام کرده بود که ما باید اسلام را در کشورهای اسلامی منزوی کنیم! قبل و بعد از آن نیز پولهای گزافی خرج شد تا اسلام در درجه‌ی اول از صحنه‌ی زندگی، و در درجه‌ی دوم از ذهن و عمل فردی انسانها خارج شود؛ چون می‌دانستند این دین، بزرگترین مانع در راه چپاول قدرتهای بزرگ و استکباری است. امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسانها و صحنه‌ی سیاسی جهان برگرداند.

۲. احساس عزّت مسلمین

دومین کار بزرگ او، اعاده‌ی روح عزّت به مسلمین بود. این‌گونه نبود که اسلام صرفاً در بحثها و تحلیلها و دانشگاهها و صحن جامعه و زندگی مردم مطرح شود؛ بلکه بر اثر نهضت امام ما، مسلمانها در همه جای عالم احساس عزّت کردند.

یک نفر مسلمان از کشوری بزرگ که مسلمین در آن در اقلیت قرار دارند، به من می‌گفت: قبل از انقلاب اسلامی، مسلمان بودن خود را هرگز اظهار نمی‌کردیم. طبق فرهنگ آن کشور، همه اسم محلی داشتند، و هرچند خانواده‌های مسلمان روی بچه‌های خود اسم اسلامی می‌گذاشتند، اما جرأت نمی‌کردند آن اسم را اظهار کنند و از بیان آن خجالت می‌کشیدند! اما بعد از انقلاب شما، مردم ما با افتخار اسم اسلامی خود را می‌گویند، و اگر از آنها بپرسند که شما چه کسی هستید، اول آن اسم اسلامی را با افتخار بر زبان می‌آورند.

بنابراین، با کار بزرگی که امام(ره) انجام داد، مسلمانها در همه جای دنیا احساس عزّت می‌کنند و به مسلمانی و اسلام خود می‌بالند.

www.ourpresident.ir

۳. اساس درک امّت اسلامی

سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمانها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمانها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمی‌شد. امروز همه‌ی مسلمانها در اقصای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و امریکا، احساس می‌کنند که جزو یک جامعه‌ی جهانیِ بزرگ به نام امت اسلامی هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد، که بزرگترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.

۴. نابودی رژیمی فاسد و وابسته

چهارمین کار بزرگ او، ازاله‌ی یکی از مرتجعترین و پلیدترین و وابسته‌ترین رژیمهای منطقه و جهان بود. ازاله‌ی حکومت پادشاهی در ایران، یکی از بزرگترین کارهایی بود که کسی می‌توانست آن را تصور کند. ایران مهمترین دژ استعمار در منطقه‌ی خلیج‌فارس و خاورمیانه بود. این دژ، به دست امام ما در هم فرو ریخته شد.

۵. برپایی حکومت اسلامی

کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانها و غیرمسلمانها خطور نمی‌کرد، و خواب خوشی بود که مسلمانهای ساده‌لوح هم هرگز آن را با خود تصور نمی‌کردند و نمی‌دیدند. امام(ره) در حد یک معجزه، به این خیال افسانه‌آمیز لباس واقعیت پوشاند.

۶. احیای نهضت اسلامی در جهان

کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. قبل از انقلاب اسلامی،

www.ourpresident.ir

در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروهها و جوانها و ناراضیها و آزادی‌طلبها، با ایدئولوژیهای چپ وارد میدان می‌شدند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکتها و نهضتهای آزادیبخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌یی از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی به انگیزه‌ی آزادیخواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند، مبنا و قاعده‌ی کار و امید و رکنشان، تفکر اسلامی است.

۷. تبیین ابعاد جدیدی از فقه شیعی

هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاهت ما پایه‌های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاهت شیعه، یکی از محکمترین فقاهتها و متکی به قواعد و اصول و مبانی بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان این فقه مستحکم را در گستره‌یی وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را برای ما روشن کرد که قبل از آن روشن نبود.

۸. امکان زمامداری بر اساس اخلاق و زهد

کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار می‌گیرند، اخلاق فردیِ خاصی داشته باشند! تکبر ورزیدن، برخوردار بودن از زندگی راحت و مسرفانه، تجمل‌گرایی، خودرأیی و خودخواهی و امثال اینها، چیزهایی است که مردم دنیا قبول کردند که کسانی که در رأس حکومتها قرار می‌گیرند، این اخلاق را داشته باشند. حتّی در کشورهای انقلابی، انقلابیونی که تا دیروز زیر چادرها زندگی می‌کردند و در دخمه‌ها مخفی می‌شدند، به مجرد این‌که به حکومت می‌رسند، وضع زندگیشان عوض می‌شود و اخلاق حکومتیشان تغییر می‌کند و همان وضعیتی را به خود می‌گیرند که بقیه‌ی سلاطین و

www.ourpresident.ir

رؤسای عالم داشتند! ما از نزدیک چنین چیزی را دیده‌ایم؛ برای مردم هم مایه‌ی تعجب نیست.

امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملّت و دیگر مسلمانان عالم، می‌تواند زندگی زاهدانه‌یی داشته باشد و به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدارکنندگان پذیرایی کند و با لباس و زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد کند.

اگر دلهای حکام و زمامداران به نور معرفت و حقیقت روشن شده باشد، تجمل و تشریفات و اسراف و برخورداریهای زیاد و خودرأیی و تکبر و استکبار، جزو لوازم حتمی زمامداری آنها محسوب نمی‌شود. از معجزات بزرگ آن بزرگوار این بود که هم در زندگی خود و هم در آن دستگاهی که به وجود آورده بود، نور معرفت و حقیقت تجلی یافته بود.

۹. احیاء روحیه غرور و خودباوری

کار نهم او، احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری در ملّت ایران بود. برادران عزیز! حکومتهای استبدادی و فردی، سالهای متمادی ملّت ما را به صورت ملّتی ضعیف و مستضعف و توسری‌خور در آورده بودند؛ ملّتی که از استعداد جوشان و خصلتهای جمعیِ فوق‌العاده ممتاز برخوردار است و در طول تاریخ بعد از اسلام، این‌همه افتخارات علمی و سیاسی دارد.

قدرتهای خارجی ـ مدتی انگلیسیها و مدتی هم روسها و دیگر دولتهای اروپایی، و پس از آن امریکاییها ـ ملّت ما را تحقیر کرده بودند. ملّت ما هم باور کرده بود که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ را ندارد، سازندگی از او بر نمی‌آید، ابتکار از او ساخته نیست و دیگران باید بر او آقایی کنند و به او زور بگویند! بنابراین، روح غرور و افتخار ملی را در ملّت ما کشته بودند؛ ولی امام عزیز ما، روح غرور و افتخار ملی را در ملّت ایران بیدار و زنده کردند.

www.ourpresident.ir

در همان حال که ملّت ما از احساسات و نخوتهای بیجای ناسیونالیستی ـ که استکبار عامل آن، و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود ـ مبرا هستند، اما احساس عزّت و قدرت می‌کنند. امروز ملّت ما از دست به دست هم دادن و توطئه‌ی مشترک شرق و غرب و ارتجاع نمی‌ترسند و احساس ضعف هم نمی‌کنند. جوانهای ما احساس می‌کنند که خودشان می‌توانند کشورشان را بسازند. مردم ما احساس می‌کنند که قدرت و توان آن را دارند که در مقابل تحمیلها و زورگوییهای شرق و غرب بایستند. این روح عزّت و خودباوری و غرور ملی و افتخارات حقیقی و اصیل را امام(ره) در ملّت ما زنده کرد.

۱۰. اثبات امکان تحقّق استقلال از شرق و غرب

و بالاخره دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی و نه غربی»، یک اصل عملی و ممکن است. دیگران خیال می‌کردند که یا باید به شرق متکی بود و یا به غرب، یا باید نان این قدرت را خورد و ستایشش کرد و یا آن قدرت را ! فکر نمی‌کردند که یک ملّت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و بایستد و بماند و خود را روزبه‌روز ریشه‌دارتر کند؛ اما امام(ره) این نکته را ثابت کرد.

من ده محور از کارهای بزرگ امام(ره) را برشمردم؛ اما اگر بنشینیم فکر کنیم، کارهای بزرگ را در پرونده‌ی منور این مرد الهی چندین برابر خواهیم یافت.

خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ــ ۶۸/۴/۲۳

www.ourpresident.ir

امام، ریشه‌ی شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب

درباره‌ی شخصیت حضرت امام(ره) واقعاً نمی‌شود حرف زد. وقتی بخواهیم راجع به ابعاد شخصیت این عزیز دوران و یادگار پیامبران حرف بزنیم، می‌دانیم که ناقص خواهد ماند. زمان زیادی لازم است تا زبانهای گویا بتوانند عظمت این شخصیت را حیطه‌بندی کنند؛ لذا من نمی‌خواهم در آن‌باره واقعاً صحبت کنم؛ زیرا ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم در این زمینه به بررسی ابعاد شخصیت آن بزرگوار بپردازیم.

اما این نکته را می‌خواهم بگویم که اگر نظام جمهوری اسلامی و این انقلاب بزرگ و جهانی را، و رستاخیز عظیمی که در دنیا به وجود آمده، و رستاخیز عظیمتری که در درون انسانها پدید آمده، و این تحولی که مسها را طلا کرده است، کلمه‌ی طیبه و شجره‌ی طیبه بدانیم ـ که هست ـ ریشه‌ی این شجره‌ی طیبه، همین‌شخصیت عظیمی است که همه چیز از او رویید. او بود که این درخت مبارک را رویاند. او همه چیز بود، و اگر نبود، ما هیچ چیز نداشتیم.

www.ourpresident.ir

در گذشته، همین ایران و ملّت و موقعیت جغرافیایی و همین فقه و قرآن و نهج‌البلاغه بود؛ اما در واقع چیزی نداشتیم و روزبه‌روز عقبتر می‌رفتیم و بیشتر بر سرمان می‌خورد وشخصیت ما هضم می‌شد. بعد که او پدید آمد و قدم در صحنه گذاشت، مثل وجودی که ماهیات را هستی و تحقق می‌بخشد، و مثل خورشیدی که می‌تابد و اشیا را آشکار می‌کند، و مانند روحی که به کالبدی دمیده می‌شود و اجزای آن را زنده می‌سازد، ما را زنده و نمایان کرد و به حرکت درآورد؛ آن‌وقت ارزش جغرافیایی و تاریخی و فرهنگ گذشته و قرآن و نهج‌البلاغه و ملّت ما احیا شد و به کارمان آمد.

او کلید بود. او ریشه‌ی این درخت محسوب می‌شد. این ریشه باید محفوظ بماند. اگر این نظام از ریشه‌ی خود ـ یعنی از امام عزیز(ره) ـ جدا شود، مثل درختی است که «اجتثّت من فوق الارض»[1]؛ یعنی از روی زمین آن را اره کرده باشند و بین تنه و ریشه‌ی آن فاصله انداخته باشند. ممکن است چهار روزی هم نمود و هیکلی داشته باشد، اما سرنوشتش معلوم است: دیگر رابطه‌ی حیاتی و تغذیه‌یی بین این دو نیست.

ما نباید بگذاریم نظام اسلامی از ریشه‌ی خودش ـ یعنی امام(ره) ـ جدا شود. ممکن است بگویید امام از ما جدا شد و در عالم ملکوت بسر می‌برد و ما با او مرتبط نیستیم. ولی باید بگویم شخصیت امام(ره) مثل‌شخصیت پیامبران، فقط به وجود خارجی او نبود. آن روزی که حضرت موسی علیه‌السلام از مردم خودش گرفته شد، آیا بنی‌اسرائیل و امت موسی علیه‌السلام بکلی از منبع خودشان جدا شدند؟ خیر، ارتباط و اتصال درشخصیتهای معنوی و روحی که به وجود خارجی آنها وابسته نیست. آن روزی که رسول اسلام، حضرت محمّدبن‌عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله رحلت فرمود، آیا امت اسلام بی‌پیامبر شد؟ ما که در قرنها و نسلهای بعد آمدیم، آیا دیگر پیامبر نداشتیم؟ چرا، ما هم پیامبر

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۶.

www.ourpresident.ir

داشتیم؛ در حالی که جسم او نزد ما نبود و در عالم ملکوت و بالاتر از آن بسر می‌برد.

هویت‌شخصیتهای معنوی، به جسم و حضور دنیویشان نیست؛ بلکه به فکر و راه و رهنمود و سرانگشت اشاره‌شان ـ که همواره باقی است ـ وابسته است. پیامبر و اولیا و همین امام بزرگوار ما با انگشتشان به یک طرف اشاره می‌کردند و راه را نشان می‌دادند. البته خودشان هم جلوتر از همه حرکت می‌کردند؛ نه این‌که بایستند و بگویند شما بروید. در حال حاضر، این انگشت اشاره همچنان موجود است. اینها تعیین‌کننده‌ی هویت امام و منبع و ریشه‌ی حیاتی یک جامعه است که دایماً می‌شود از آن تغذیه کرد؛ زیرا دیگر وابسته به جسم او نیست.

بیانات در مراسم بیعت گروه کثیری از جانبازان و نیروهای جهادیِ احداث ساختمان مرقد مطهر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، به همراه وزیر راه و ترابری، مسؤولان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، و مسؤول حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) ــ ۶۸/۴/۲۸

www.ourpresident.ir

نهضت عاشورا، روح انقلاب

در مورد مسأله‌ی محرّم و عاشورا، باید بگویم که روح نهضت ما و جهتگیری کلی و پشتوانه‌ی پیروزی آن، همین توجه به حضرت ابی‌عبدالله (علیه الصّلاةوالسّلام) و مسایل مربوط به عاشورا بود. شاید برای بعضیها، این مسأله قدری ثقیل به نظر برسد؛ لیکن واقعیت همین است. هیچ فکری ـ حتّی در صورتی که ایمان عمیقی هم با آن همراه باشد ـ نمی‌توانست توده‌های عظیم میلیونیِ مردم را آن‌چنان حرکت بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می‌کردند، در انواع فداکاری ذره‌یی تردید نداشته باشند.

اساساً مادامی‌که ایمان، با محبت و عشق عمیق و رنگ و بوی پیوند عاطفی همراه نباشد، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحرک ـ آن هم در حد بالا ـ به ایمان کارایی می‌بخشد. بدون محبت نمی‌شد ما نهضت را به پیش ببریم. بالاترین عنوان محبت ـ یعنی محبت به اهل بیت ـ در تفکر اسلامی، در اختیار ماست. اوج این محبت، در مسأله‌ی کربلا و عاشورا و حفظ یادگارهای گرانبهای فداکاری مردان خدا در آن روز است که

www.ourpresident.ir

برای تاریخ و فرهنگ تشیع، به یادگار گذاشته شده است.

در آن روزهایی که مسایل اسلامی، با دیدهای نو مطرح می‌شد و جاذبه‌های خوبی هم داشت و برای کسانی که با دین و اسلام سر و کار زیادی نداشتند، موضوع مبارکی هم بود و گرایشهای نو در تفکر اسلامی، چیز بدی نبود ـ بلکه برای عالم اسلام و بخصوص قشر جوان ذخیره محسوب می‌شد ـ یک گرایش شبه روشنفکرانه به‌وجود آمده بود که ما بیاییم مسایل ایمانی و اعتقادی اسلام را از مسایل عاطفی و احساسی ـ از جمله مسایل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانیها و گریه ـ جدا کنیم!!

شاید بسیاری در آن روزها بودند که با توجه به این‌که در ماجرای ذکر عاشورا و روایت فداکاری اباعبدالله(علیه‌الصّلاةوالسّلام) چیزهایی وارد شده بود و احیاناً به شکلهای تحریف‌آمیزی بیان می‌شد، این حرف برایشان مطلوب و شیرین بود و این گرایش رشد می‌کرد؛ لیکن در صحنه‌ی عمل، ما بوضوح دیدیم که تا وقتی این مسأله از طرف امام بزرگوارمان، به صورت رسمی و علنی و در چارچوب قضایای عاشورا مطرح نشد، هیچ کار جدی و واقعی انجام نگرفت.

در دو فصل، امام(ره) مسأله‌ی نهضت را به مسأله‌ی عاشورا گره زدند: یکی در فصل اول نهضت ـ یعنی روزهای محرّم سال ۴۲ ـ که تریبون بیان مسایل نهضت، حسینیه‌ها و مجالس روضه‌خوانی و هیئات سینه‌زنی و روضه‌ی روضه‌خوانها و ذکر مصیبت گویندگان مذهبی شد و دیگری، فصلِ آخر نهضت ـ یعنی محرّم سال ۵۷ ـ بود که امام(ره) اعلام فرمودند: «ماه محرّم گرامی و بزرگ داشته بشود و مردم مجالس برپا کنند». ایشان، عنوان این ماه را ماه پیروزی خون بر شمشیر قرار دادند و مجدداً همان طوفان عظیم عمومی و مردمی به وجود آمد؛ یعنی ماجرای نهضت که روح و جهت

www.ourpresident.ir

حسینی داشت، با ماجرای ذکر مصیبت حسینی و یاد امام حسین علیه‌السلام گره خورد.

بیانات در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه‌ی جماعت و جامعه‌ی وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه‌ی ماه محرّم ـ ۶۸/۵/۱۱

www.ourpresident.ir

هم‌جهتی انقلاب اسلامی ایران و نهضت حسینی

آنچه که نهضت ما را جهت می‌داد و امروز هم باید بدهد، دقیقاً همان چیزی است که حسین‌بن علی علیه‌السلام در راه آن قیام کرد. ما امروز، برای شهدای خود که در جبهه‌های گوناگون و در راه این نظام و حفظ آن، به شهادت می‌رسند، با معرفت عزاداری می‌کنیم. آن شهید و جوانی که یا در جنگ تحمیلی و یا در برخورد با انواع و اقسام دشمنان و منافقان و کفار به شهادت رسیده، هیچ شبهه‌یی برای مردم ما وجود ندارد که این شهید، شهید راه همین نظام است و برای نگهداشتن و محکم کردن ستونهای همین نظام و انقلاب، به شهادت رسیده است؛ در حالی که وضع شهدای امروز، با شهدای کربلا که در تنهایی و غربت کامل قیام کردند و هیچ‌کس آنها را به پیمودن این راه تشویق نکرد، بلکه همه‌ی مردم و بزرگان وجوه اسلام، آنها را منع می‌کردند، متفاوت است. در عین حال، ایمان و عشقشان آن‌چنان لبریز بود که رفتند و غریبانه و مظلومانه و تنها به شهادت رسیدند. وضع شهدای کربلا، با شهدایی که تمام دستگاههای تبلیغی و مشوقهای جامعه به آنها می‌گوید

www.ourpresident.ir

بروید و آنها هم می‌روند و به شهادت می‌رسند، فرق دارد. البته این شهید، شهید والامقامی است؛ اما او چیز دیگری است.

ما که امروز این نظام اسلامی را لمس می‌کنیم و برکات آن را از نزدیک می‌بینیم، بیشتر از اسلاف خود، قدر نهضت حسینی علیه‌السلام و معنای آن را درک می‌کنیم و باید بکنیم. آن بزرگوار، برای چنین چیزی حرکت کرد. آن بزرگوار، برای همین قیام کرد که رژیمهای فاسد و مخرّب انسان و دین و ویرانگر صلاح، در جامعه نباشند و نظام اسلامی و الهی و انسانی و مبنی بر صلاح، در جامعه استقرار پیدا کند. البته، اگر آن نظام در زمان آن بزرگوار و یا در زمان ائمه‌ی بعدی علیهم‌السلام ـ که معصومند و به منبع وحی متصلند ـ تحقق پیدا می‌کرد و آنها در رأس آن نظام قرار می‌گرفتند، طبیعی است که وضعشان با ما متفاوت بود. در عین حال، هیکل و هندسه‌ی قضیه، یکی است و آنها هم برای همین‌طور نظامی، حرکت می‌کردند. حالا این یک بحث طولانی است که نمی‌خواهم در این‌جا وارد آن بشوم که آیا ائمه علیهم‌السلام برای ایجاد نظام اسلامی، عزم جدی داشتند یا کار آنها صرفاً به عنوان سرمشق بود.

بیانات در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه‌ی جماعت و جامعه‌ی وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه‌ی ماه محرّم ـ ۶۸/۵/۱۱

www.ourpresident.ir

حادثه‌ی کربلا، پشتوانه‌ی انقلاب

امروز این حادثه، پشتوانه‌ی یک نهضت است. اگر امروز به ما بگویند ریشه‌ی این نهضتی که به وجود آورده‌اید، کجاست؟ ما می‌گوییم: ریشه‌اش پیامبر و امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم‌السلام است. امام حسین کیست؟ کسی است که این حادثه را به وجود آورده و در تاریخ از او نقل شده است. پس این حادثه، پشتوانه‌ی این نهضت است. اگر ما ندانسته و بی‌توجه و از روی سهل‌انگاری، حادثه را با چیزهایی که جزو آن نیست، مشوب کردیم، به آن حادثه و نیز به انقلابی که ناشی از آن حادثه است، خدمت نکرده‌ایم.

بیانات در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه‌ی جماعت و جامعه‌ی وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه‌ی ماه محرّم ــ ۶۸/۵/۱۱

www.ourpresident.ir

تداوم راه سعادتمندانهٔ امام

خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ملّت ایران بر اساس آن حرکت می‌کند، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است. خط و راهی است که ملّت ایران را در دنیا، به صورت یک ملّت زنده و سرافراز و مستقلترین و زنده‌ترین و فعالترین ملّتهای دنیا درآورده و ما را از حالت ملّت عقب‌افتاده‌ی وابسته‌ی مرده، خارج ساخته است. خطی است که ایمان و محبت و عشق مردم به اسلام را برانگیخته و آنها را در این راه، به فداکاریهای اعجاب‌انگیز و بی‌نظیر واداشته است. این خط، زندگی و همه‌ی هستی و هویت ملی و انقلابی ماست و به فضل پروردگار این خط، با قاطعیت و قدرت و امید و با همان روحیه‌یی که امام در طول دوران نهضت و انقلاب، عملاً به ما تعلیم دادند، به پیش خواهد رفت. ما برای تحکیم راه امام و انقلاب و فداکاری و تلاش و کوشش شبانه‌روزی، آماده‌ایم. جانها و خونهای ما، فدای این راه و خط

www.ourpresident.ir

است. سعادت ما در این است که زندگی خود را در این راه بگذرانیم. در این، هیچ تردیدی نیست.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ـ ۶۸/۵/۱۲

www.ourpresident.ir

لزوم تشخیص حق و باطل

البته، نهضت عظیم روحانیت و ملّت به رهبری امام عظیم‌الشّأن بزرگوار ما، شعارهایی را مطرح کرد که نگذاشت حق و باطل با یکدیگر ممزوج بشود. وقتی مردم در طول پانزده سال، بتدریج حق را شناختند و آن را از باطل جدا کردند، مسأله فیصله پیدا کرد. انقلاب پیروز شد و بعد از انقلاب هم، امام(رضوان‌الله‌تعالی علیه‌واعلی‌الله‌کلمته‌ومقامه) با آن دم عیسوی نگذاشتند حق با باطل ممزوج بشود.

اگر حق و باطل قابل امتزاج و اشتباهند، معیاری برای تشخیص لازم است؛ چون ممکن نیست که خداوند مردم را بدون معالم و نشانه‌ها رها کند. این معیار شناخت حق و باطل چیست؟ آن را باید از قرآن و حدیث و کلمات اولیا و بزرگان با دقت جستجو کرد. باید معیار حق و باطل را شناخت. البته، در مواردی معیار کتاب و سنّت مطرح می‌شود. هر چه را دیدید که بر طبق شرع است، حق می‌باشد و هر چه بر خلاف شرع بود،

www.ourpresident.ir

باطل است. البته، در همه جا این معیار برای همه‌ی مردم قابل استفاده نیست؛ چون تشخیص شرع و خلاف شرع هم کار آسانی نیست.

بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و کارکنان نهادها و سازمانهای خدماتی و حمایت‌کننده از مستضعفان و محرومان ــ ۶۸/۷/۱۲

www.ourpresident.ir

بی‌علاقه‌گی مردم به حکومتهای سابق

شما به حکومتهایی که در طول این چند صد سال در ایران بوده‌اند، از حکومت منحوس و وابسته و فاسد پهلوی تا حکومت ضعیفِ وابسته‌ی بی‌عرضه‌ی بی‌لیاقت قاجاری تا حکومتهای قبل از قاجار که بعضی نام و نشان و عنوان فاتح هم دارند، نگاه کنید، ببینید در کدامیک از این حکومتها، آحاد ملّت ایران نسبت به اولیای حکومت، احساس علقه و رابطه می‌کردند. خواهید دید که در هیچ کدام چنین وضعی وجود نداشته است. مردم جدا بودند، آنها هم جدا بودند. آنها سیاست خارجی را تنظیم می‌کردند و مردم هم خبر و علاقه‌یی به آن نداشتند.

کارها بر طبق مصالح مردم هم نبود. حتّی کارهایی که به وسیله‌ی حکومتها به‌عنوان خدمت در این کشور انجام می‌شد، غالباً ـ مگر در موارد خیلی معدودی ـ به نفع و صلاح بیگانگان و یا همان اولیای حکومت فاسد بود. همین راه‌آهن سرتاسری که در زمان رضاخان کشیده شد، تحقیقاتِ هم بیگانگان و هم خودیها نشان می‌دهد که مسیر این راه‌آهن، صرفاً به مصلحت

www.ourpresident.ir

انگلیسیها و بر ضد مصلحت ملّت ایران انتخاب شد. از این قبیل کارها زیاد بود. آنچه مطرح نبود، میل و اراده و مصلحت و عواطف و علایق مردم بود. در حقیقت آنچه مطرح و ملاک بود، منفعت بیگانگان یا سردمداران فاسد قدرتمدار بود. لذا مردم هم نسبت به آنها رابطه و محبتی نداشتند و هر کدام از این سلاطین یا سلسله‌های سابق که از بین رفتند، رفتن آنها با خوشحالی مردم مواجه شد.

کسانی که یادشان است، می‌دانند که وقتی رضاخان رفته بود، مردم خوشحالی می‌کردند. ما هم از بزرگترهای خود، چنین چیزی را شنیده‌ایم. وقتی این سلسله‌ی منحوس در ایران منقرض شد، شما دیدید که مردم چه جشن عظیمی به راه انداختند که آن جشن و خوشحالی، غیر از خوشحالیِ پیروزی انقلاب بود. این، یک چیز دیگر بود و آن، یک چیز دیگر. آن واقعه، مستقلاً برای مردم شادی‌آور بود؛ چون مردم از اینها بیگانه بودند و بدشان می‌آمد. این، ملاک بطلان است. باطل بودن، یعنی این. رژیمی که وقتی هست، مردم ناراحتند و وقتی می‌رود، مردم خوشحالند؛ وقتی قدرت پیدا می‌کند، مردم در فشار می‌افتند و وقتی ضعیف می‌شود، علیه او مشت گره می‌کنند؛ این رژیم، رژیم باطلی است.

بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و کارکنان نهادها و سازمانهای خدماتی و حمایت‌کننده از مستضعفان و محرومان ــ ۶۸/۷/۱۲

www.ourpresident.ir

لزوم حفظ ایمان و غیرت انقلابی

نگذارید احساس غیرت انقلابی و تکلیف در مقابل انقلاب، در دلهای شما ضعیف بشود و فرو بنشیند. مثل کسی که از خانواده و حرم و ناموس خود دفاع می‌کند، از انقلاب و ارزشها و دستاوردهای آن، همین‌طور دفاع کنید.

زن و مرد و پیر و جوان، در هر شغلی از شغلها که هستید و در هر گوشه‌یی از این کشور که زندگی می‌کنید ـ فرق نمی‌کند ـ بدانید که این انقلاب آسان به‌دست نیامده‌است. خون دلها خوردند، خونها ریخته شد و کمکها و فیوضات عظیم الهی شامل حال این مردم شد تا این دستاوردِ عظیم به‌دست آمد. این طور نیست که مردم و ما بنشینیم نگاه کنیم که کسانی ارزشهای انقلاب را تاراج کنند و یا به آنها اهانت نمایند و آنها را سبک بشمارند. نه، ارزشهای انقلابی و دستاوردهای انقلاب و فضای اسلامی جامعه، ناموس همه‌ی آحاد مردم ماست و از آن، غیرتمندانه و با کمال قدرت دفاع می‌کنیم و باید بکنیم.

www.ourpresident.ir

دشمن نباید بتواند با ترویج فرهنگ فساد ـ هر نوع فسادی، چه فسادهای مربوط به شهوات جنسی و چه فسادهای مالی و چه انواع و اقسام فسادهای اخلاقی و عملی دیگر ـ این انقلاب را از درون بپوساند. یکایک شما زن و مرد، باید مثل آن جوان شجاع و غیرتمندی که در برابر خانه و حریم و خانواده و موجودی خود سینه سپر می‌کند و از آن دفاع می‌کند، از انقلاب و اسلام و مسؤولان و دستاوردها و ایمان اسلامیتان دفاع کنید و در مقابل کسانی که به آن هجوم می‌ورزند، بایستید.

یقیناً کمک و فضل الهی هم با ما خواهد بود و روح مطهر امام عزیزمان و ارواح مقدسه و قدسیه‌ی ائمه‌ی هداة مهدیّین و نبیّ مکرّم اسلام و ادعیه‌ی زاکیه‌ی وجود مقدس ولیّ‌الله‌الاعظم امام زمان (عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشّریف و ارواحنا فداه) در این راه به ملّت ما کمک خواهد کرد.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۸/۷/۲۸

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

اهمیت و ابعاد بین‌المللی انقلاب

اما مسأله‌ی اصلی این است که در انقلاب ما، یک بُعد جهانی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از مهمترین ابعاد انقلاب ماست. از این بُعد، نباید لحظه‌یی غفلت بشود. بُعد جهانی و بین‌المللی ـ یعنی حرف ملّت ایران و راه و هدفهای او ـ برای بقیه‌ی ملّتها و حداقل برای بعضی از ملّتهای عالم، مورد قبول و مورد علاقه است. این‌طور نیست که ملّت ایران انقلابی کرده‌اند و بقیه‌ی ملّتها تماشا کنند و بگویند: این، برای خودشان و مربوط به اوضاع و احوالشان بود و به ما ارتباطی یا فایده‌یی ندارد.

خیلی از کشورها را انسان می‌تواند ببیند که در آنها حادثه و تحولی هم به‌وجود آمد، اما این حادثه و تحول، یا در مرزهای خود آنها محدود شد و یا بُرد خیلی کمی داشت. انقلاب اسلامی ایران، بُرد زیادی داشت و هنوز دارد و در آینده هم خواهد داشت. دلیل اصلی این قضیه این است که انقلاب ما برای اسلام بود. نمی‌گوییم که مردم از اوضاع کشور در دوران حکومت طاغوت، ناراضی نبودند و تغییر آن را نمی‌خواستند. مردم، از همه چیز دوران

www.ourpresident.ir

طاغوت ناراضی بودند. مردمی که وقتی در دوران سلطنت طاغوت ـ چه در رژیم وابسته‌ی پهلوی و چه در غالب حکومتهای قبل از آن ـ چشم خود را باز می‌کردند و حقایق را می‌دیدند، سختی و بدی و ذلت و نابودی شخصیت خود را احساس می‌کردند. طبیعی بود که بخواهند در زندگی و معیشتشان این سختیها تغییر پیدا کند؛ اما اساس همه‌ی آن سختیها یک چیز بود و آن این بود که هیچ‌کس برای مردم و عقیده و فکر و ایمان آنها ارزشی قایل نبود.

مردم، اسلام و رسوم اسلامی را می‌خواستند؛ ولی دستهای قدرت و حکومت، ضد اسلام را تبلیغ می‌کردند. دست قدرتهای زمان، فساد اخلاقی و برهنگی و دوری از رسم و سنّت اسلامی را ترویج و بر مردم تحمیل می‌کرد. در مقابل چشم مردم، همه‌ی چیزهای محبوب آنها مورد اهانت قرار می‌گرفت. این، راز اصلی قضیه بود.

ایمان اسلامی ملّت ما، یکی از عمیقترین ایمانهاست. کسانی که ملّتهای دیگر را از نزدیک دیده‌اند، شهادت می‌دهند که ملّت ایران نسبت به اسلام و عقاید و احکام اسلامی، یکی از مؤمنترین ملّتهای مسلمان است. برای مردم روشن شد که در سایه‌ی اسلام می‌توانند زندگی آزاد و برخوردار از نعم معنوی و مادّی داشته باشند. اسلام، ایمان و محبت مردم بود. مردم قیام کردند و این انقلاب عظیم انجام گرفت و به دست آنها، حکومتی بر پایه‌ی اسلام به وجود آمد.

هر جا در دنیا مسلمانی هست، به این حرکت احساس علاقه می‌کند؛ چون این حرکت در چارچوبهای میهنی و ملی ـ که مخصوص ملّتی و دون ملّت دیگری باشد ـ محدود نبود؛ بلکه حرکتی برای اسلام بود که اسلام میان ملّتهای بسیاری مشترک است. پس، ملّتهای مسلمان، به این انقلاب و نظام علاقه‌مندند.

در یک نگاه دیگر، چون این انقلاب ضد قدرتهای قلدر عالم بود، یعنی

www.ourpresident.ir

ابرقدرتها را یکجا و با هم نفی می‌کرد و می‌کند و ملّت ایران به همه‌ی قدرتهای مستکبر عالم، «نه» گفت، پس هر جا ملّتی زیر فشار یکی از این قدرتها قرار داشت و قرار داشته باشد، به این انقلاب علاقه‌مند است؛ چون حرف دل اوست.

خیلی ملّتها هستند که از حضور امریکا و نفوذ استکبار و ایجاد پایگاههای نظامی و دخالتهای اقتصادی و ترویج فرهنگ بیگانه در کشورشان، دلهایشان پُر است و ناراحت و ناراضیند؛ اما جرأتِ نفس کشیدن و قدرتِ اقدام کردن ندارند، رهبری برای حرکت در میان آنها نیست و اختناق به نحوی است که اجازه‌ی تکان خوردن به آنها نمی‌دهد. کشورهای مرتجعی که به امریکا وابسته‌اند، غالباً از این قبیل هستند. این ملّتها، وقتی می‌بینند ملّتی آزادانه و با قدرت و بدون ترس، در مقابل نفوذ امریکا و فرهنگ غرب و دخالت استکبار و حضور نظامی و اقتصادی و فرهنگی بیگانه، شعار می‌دهد و عمل می‌کند و محکم می‌ایستد، قهری است که در دلشان نسبت به این ملّت و انقلاب، احساس علاقه می‌کنند.

بُعد جهانی، یعنی همین که ملّت و انقلاب ما، برای ملّتهای دیگر پیامی دارد و آن پیام این است که اگر ملّت بخواهد و اگر گرد یک رهبر و محور توانایی مجتمع بشود، خواهد توانست کارهای نشدنی را انجام بدهد. برای همه‌ی مسلمانان پیامی دارد و آن این است که با وجود آن که سالهای متمادی است دستهای ضداسلام تلاش می‌کنند تا اسلام را از بین ببرند، اگر مسلمانها اراده کنند و بخواهند، می‌توانند اسلام را به جامعه برگردانند و حاکمیت بدهند. این، پیامهای ملّت و انقلاب ماست.

بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه، علما، مسؤولان و اقشار مختلف مردم نیشابور، قصرشیرین، سرپل‌ذهاب، گیلان‌غرب، نفت‌شهر، سومار، رشت، خدابنده و قیدار و جمعی از روشندلان و گروهی از زایران پاکستانی ـ ۶۸/۸/۳

www.ourpresident.ir

وحدت و شجاعت، عوامل محبوبیت جهانی ملّت ایران

اگر ملّت ایران بخواهد همیشه محبوب و مورد قبول و علاقه‌ی ملّتهای دیگر بماند، باید در داخل، شخصیت و منش و چهره‌ی انقلابی خود را حفظ کند. آن چیزهایی که شما را در چشم ملّتها بزرگ کرد، عبارت از: اولاً، وحدت شما بود. این وحدت را حفظ کنید این، عنصر بسیار باارزشی است. یک ملّت یکپارچه، برای ملّتهای دیگر اسوه است. ثانیاً، شجاعت شما و نترسیدن از دشمنان بود. این عنصر را در جنگ و انقلاب و صحنه‌های گوناگون ثابت کردید. این را نیز بایستی حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله تاکنون حفظ کرده‌اید. ثالثاً، پیوند و وابستگی و یکپارچگی کامل و شدید میان ملّت و مسؤولان بود. این، برای دنیا یک چیز تماشایی است. در کشورهای دیگر کمتر اتفاق می‌افتد که سران و مسؤولان کشورها در میان مردم خود، این قدر محبوبیت داشته باشند

بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه، علما، مسؤولان و اقشار مختلف مردم نیشابور، قصرشیرین، سرپل‌ذهاب، گیلان‌غرب، نفت‌شهر، سومار، رشت، خدابنده و قیدار و جمعی از روشندلان و گروهی از زایران پاکستانی ـ ۶۸/۸/۳

www.ourpresident.ir

ایستادگی امام در برابر کاپیتولاسیون

خاطره‌ی تبعید حضرت امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) اولین خاطره‌ی مربوط به آن روز [سیزدهم آبان] است؛ چون قضیه‌ی کاپیتولاسیون ـ یعنی حاکمیت قضایی دولت امریکا ـ در سایه‌ی حکومت دست‌نشانده‌اش در کشور ایران، در حال استقرار بود. اصلاً معنا و لازمه‌ی استکبار همین‌طور چیزهاست و مشخصه‌ی مستکبر نیز تحمیل چنین حاکمیتی است.

امام(ره) در مقابل این حادثه، موضع سختی گرفتند. بیانات ایشان در سرتاسر کشور پخش شد و دستگاه وابسته‌ی به امریکا، احساس خطر کرد و با همان تشخیص غلطی که معمولاً اصحاب شیاطین دارند، اولاً خیال می‌کردند فشار روی شخص، مقاومتها را کم می‌کند؛ غافل از این‌که فشار بر مؤمنین، استقامتشان را زیادتر می‌کند. ثانیاً تصور می‌کردند که شخص را باید از میان بردارند؛ غافل از این که جریان، جریان الهی بود. آنها امام را تبعید کردند و همان تبعید تا هنگام بازگشتِ آن بزرگوار در دوازدهم بهمن نیز ادامه پیدا کرد.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به‌مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ـ ۶۸/۸/۱۰

www.ourpresident.ir

استکبار دشمن کمربسته‌ی انقلاب

استکبار، با همه‌ی وجود به مقابله با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی کمر بست. اگر انقلاب اسلامی ـ به فرض محال ـ متعرّض امریکا هم نمی‌شد، آن‌قدر فشار و حیله و خدعه از طرف استکبار و امریکا، علیه این انقلاب و نظام انجام می‌گرفت، تا یا منحرفش کنند و یا بکلی نابودش نمایند. این، روش امریکا و استکبار در مقابل انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی با جوهر و طبیعت و ماهیت اسلامی خود، چنین خصومت و دشمنی‌یی را از طرف استکبار اقتضا دارد.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به‌مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ــ ۶۸/۸/۱۰

www.ourpresident.ir

تسلّط جریان پیش‌روندهی انقلاب

البته، انقلاب موج خروشانی است که هر چیزی بخواهد با او مقابله کند، آن را تحمل نمی‌کند. انقلاب، آنها و بزرگتر از آنها را با خودش برد. بعضی توانستند با جریان انقلاب همسو شوند و بالاخره خودشان را به نحوی با انقلاب همراه کنند و نجات پیدا کنند؛ امّا عده‌یی دیگر هم در این اقیانوس موّاج غرق و نابود شدند و صد البته، نابودی معنوی از نابودی جسمی خطرناکتر است.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به‌مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ــ ۶۸/۸/۱۰

www.ourpresident.ir

حوزه‌ی علمیه، محور انقلاب

امروز، انقلاب اسلامیِ پیروزمندی بر محور حوزه‌ی علمیه به پیروزی رسیده و نظامی به وجود آمده است. حوزه، در این نظام که بیگانه نیست؛ بلکه از لحاظ حرمت و تأثیر واقعی و آینده‌نگری، محور و هسته‌ی مرکزی است.

بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلّاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم ــ ۶۸/۹/۷

www.ourpresident.ir

عظمت فوق‌العاده‌ی انقلاب

آقایان! ما ملّت ایران، انقلاب بسیار بزرگی کردیم. عظمت این انقلاب، خیلی زیاد است و من محکم به شما عرض می‌کنم که اغلب ما خیلی از چیزها را می‌دانیم؛ ولی هنوز نمی‌دانیم چه کار عظیمی انجام گرفته است. این انقلاب، حادثه‌ی فوق‌العاده و عجیبی است. همه‌ی دنیای استکبار و طغیان و جاهلیت یک‌طرف و این انقلاب طرف دیگر. واقعه‌ی خیلی مهمی اتفاق افتاده است و در خودش این کفایت را می‌بیند که به مصاف تمام طغیان و کفر جهانی برود. ما در این انقلاب قرار گرفته‌ایم و نمی‌فهمیم چه قدر بزرگ و مهم است.

بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلّاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم ــ ۶۸/۹/۷

www.ourpresident.ir

مقایسه‌ی انقلاب ایران و کودتای عراق

من، مقایسه‌یی بین انقلاب ایران و کودتای عراق می‌کنم تا شما ببینید که انقلاب اسلامی ایران، چه ضربه‌یی بر استعمار وارد کرد. وقتی که در سال ۳۷ در عراق کودتا شد و «فیصل» را سرنگون کردند و «نوری سعید» را به جای او نشاندند، «ایدن» ـ نخست وزیر انگلیس ـ در خاطراتش نوشت: من در جزیره‌یی مشغول تفریحِ آخر هفته بودم که خبر کودتای عراق به من رسید و بزرگترین ضربه به مغز من وارد شد و ناگهان احساس کردم که دنیا تکان خورده است. (تعبیرات دقیق او الان یادم نیست.) برای انگلیس و دستگاه استعمار، آن قدر کودتای عراق مهم بود که حد نداشت. این نگرانی، در تمام نوشته‌ها و خاطراتی که بعد از کودتا منتشر شد، منعکس شده بود و عظمت ضربه، خودش را نشان می‌داد. این کودتا، در کشوری انجام گرفت که بعدها معلوم شد بعضی از دستگاههای استعماری، در آن نقش داشته‌اند و بعضی هم بعداً از آن استفاده کرده‌اند و در مشت خود گرفته‌اند. حالا هم شما دنباله‌های آن کودتا را می‌بینید که بعد از گذشت حدود سی سال، تحفه‌های

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

امروز عراق، دنباله‌ی همان کودتا ـ و به قول خودشان انقلاب(!) ـ هستند.

ملاحظه کنید، یک کودتای معمولی در یک کشور اتفاق افتاد و فقط به این جهت که عراق مستعمره‌ی انگلیس بود و انگلیس از قِبَل حاکمیت بر عراق، از آن کشور استفاده می‌کرد، این قدر برایشان سنگین بود. حالا شما آن کودتا را با انقلاب اسلامی مقایسه کنید؛ اصلاً قابل مقایسه نیست. انقلاب اسلامی، ناگهان تمام موجودیت و نظام ارزشی دستگاه استعماری غرب و دنیای سرمایه‌داری را زیر سؤال برد. یعنی آینده‌شان را کلاً تهدید کرد و ابهامی به آینده‌ی آنها داد؛ چون این انقلاب بر مبنای اسلام بود و نتیجتاً هرجا مسلمانی باشد، ممکن است این انقلاب بالقوه در آن‌جا تحقق پیدا کند. بعد هم مرتب نمونه‌های آن را از افغانستان گرفته تا اندونزی و مالزی و مصر و تونس و حتّی در کشورهایی که سیستمهای به اصطلاح انقلابی دارند ـ مثل الجزایر یا لیبی ـ دیدند و مشاهده کردند که همین اسلام در آن جاها سر بلند کرده است و هل من مبارز می‌گوید و آینده را ترسیم می‌کند.

بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلّاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم ــ ۶۸/۹/۷

www.ourpresident.ir

نقش حکومتهای پادشاهی در جدایی علم و دین

ملّتی با این سابقه‌ی درخشان تاریخی، در دوران ستم فراگیر حکومت پادشاهی در این کشور ـ و بدتر از همه در این دویست یا صد و پنجاه سال اخیر، یعنی اواخر قاجاریه و همه‌ی دوران پهلوی ـ از لحاظ پیشرفت علمی، در این حد از تنزل قرار گرفت. این، کاری است که انجام دادند و علت عمده‌ی این مسأله، جدایی دین از علم در کشور ما بود. علما و دانشمندان و محققان علوم طبیعی در کشور ما، از دین جدا ماندند و در نتیجه به درد مردم و کشور و ملّتشان نخوردند. خوبترها و بهترینهایشان رفتند و برای بیگانگان مفید واقع شدند. عده‌یی هم در همین‌جا بودند و برای بیگانه‌ها کار کردند. روشنفکرانی که در همین دانشگاهها درس خواندند، همانها بودند که در طول حکومت پهلوی، اداره‌ی این کشور را به خائنانه‌ترین وجهی برعهده داشتند و به این ملّت خیانت کردند. اینها، متخرجان همین دانشگاهها بودند و خدا رحم کرد که انقلاب اسلامی پدید آمد. آن نسلی که بتدریج از روشنفکران متأخر این جامعه فارغ‌التحصیل شده بودند و به سمت کارهای

www.ourpresident.ir

سیاسی می‌رفتند، به قدری نسل بی‌ریشه و بی‌اعتقاد و بی‌پیوندی بودند که خدا می‌داند اگر آنها بر سر کار می‌آمدند، با این ملّت و این کشور چه می‌کردند. هست و نیست و بود و نبود این ملّت را می‌سوزاندند و از بین می‌بردند! خدا را شکر که آنها مهلت پیدا نکردند و انقلاب اسلامی آمد و آن سلسله و طومار را درهم درید.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلّاب حوزه‌های علمیه ــ۶۸/۹/۲۹

www.ourpresident.ir

برکات انقلاب علیرغم تلاش دشمن

خوشبختانه انقلاب اسلامی همه‌ی آنچه را که دشمنان اسلام، بلکه دشمنان اصل دین در عالم، در طول سالهای متمادی رشته بودند، پنبه کرد و محصول کار آنها را از بین برد. آنچه امروز در ایران اتفاق می‌افتد و می‌گذرد، چیزهایی است که میلیاردها خرج شده است تا این کارها اتفاق نیفتد. این که امروز شما در ایران مشاهده می‌کنید زنها به سمت حجاب و عفت، و جوانها به سمت دین حرکت می‌کنند و نظام، نظامی است که بر اساس قرآن پیش می‌رود، این که می‌بینید از حوزه‌ی علمیه‌ی قم، علمایی در جبهه‌های جنگ حضور فعال رزمی را متقبل می‌شوند و حوزه‌ی علمیه‌ی قم واحد نظامیِ رزمی، تبلیغی درست می‌کند و امروز جمعی از همین برادران در این مجمع حضور دارند، این که مشاهده می‌کنید در دانشگاه ما، نام دین و خدا و معارف اسلامی تدریس می‌شود و رؤسا و اساتید دانشگاهها و وزرای مربوط به علوم عالیه، با دین سروکار دارند، همه‌ی اینها آن چیزهایی است که از سالها پیش،

www.ourpresident.ir

دشمنان ما برنامه‌ریزی کرده بودند که این کارها در ایران اتفاق نیفتد؛ ولی به برکت انقلاب و اسلام اتفاق افتاد. این را قدر بدانید و حفظ کنید.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلّاب حوزه‌های علمیه ـ ۶۸/۹/۲۹

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

قم، پایه‌ی محکم انقلاب

برای ساختن یک بنا، اول باید پایه‌های محکم آن را کار گذاشت. هرچه بنا بزرگتر و سنگینتر و ماندگارتر باشد، پایه‌های آن محکمتر و قویتر و شکست‌ناپذیرتر خواهد بود. اگر ما مبارزه‌ی ملّت ایران را که به طور عمومی و تعیین‌کننده، از سال پنجاه و شش آغاز شد و به پیروزی رسید و حالا هم قریب یازده سال است که این مبارزه ادامه دارد، به یک بنای رفیع و مستحکم تشبیه کنیم، پایه‌های قوی و شکست‌ناپذیر و ماندگار این بنای مستحکم، در قم نشانده و کار گذاشته شد و شما کسانی بودید که پیام خون و قیام را در درجه‌ی اول به سرتاسر کشور و سپس به آفاق عالم پراکندید.

قم، یک ذخیره‌ی الهی برای اسلام بود. تقریباً هفتاد سال قبل، حوزه‌ی علمیه‌ی قم به دست مردی بزرگ و برگزیده‌یی از برگزیدگان خدا ـ مرحوم آیةالله‌العظمی حائری ـ کار گذاشته شد و این حوزه به عنوان یک مرکز، برای همه‌ی طالبان به وجود آمد. تقریباً چهل سال بعد از این تاریخ بود که نهضت اسلامی از قم زبانه کشید و یکی از شاگردان مکتب آن مرد بزرگ ـ یعنی

www.ourpresident.ir

همان بزرگمرد استثنایی تاریخ ما و رهبر و مقتدا و امام فقیدمان، حضرت امام خمینی(قدّس‌الله نفسه الزّکیّه واعلی‌الله کلمته) ـ پرچم مبارزه‌ی اسلامی را در قم برافراشت.

اگر به چشم تاریخی نگاه کنید، به نظر می‌رسد که حوزه‌ی قم، ثمره‌ی بسیار زودرس و پُربرکتی داشت. یعنی از وقتی که پایه‌ی حوزه را گذاشتند، تا وقتی که حوزه عملاً و کمربسته وارد میدان شد، چهل سالی طول کشید؛ که در عمر یک ملّت، زمان کوتاهی است. از بعد از شروع این نهضت تا امروز ـ که قریب سی سال می‌گذرد ـ شما ببینید که در دنیا، اسلام و قرآن و ارزشهای اسلامی در چه وضعی است.

آن مجموعه‌یی که این حوزه را پذیرایی کردند و به آن کمک نمودند و آن را در خانه‌ی خود پذیرفتند و طلاب را مانند فرزندان و برادران خویش، در میان خود گرفتند و وقتی نهضت شروع شد، به سربازان اولیه‌ی این نهضت ـ یعنی طلاب قم ـ پناه دادند و هنگامی که بنا شد نهضت اوج بگیرد، اولین قربانیها را در این راه فدا کردند، مردم قم بودند. این را در تاریخ کشور و انقلابمان نباید و نمی‌توان فراموش کرد. این، نه برای آن است که چون با قُمیها طرفیم و با آنها حرف می‌زنیم، می‌گوییم. این، حقیقتِ با ارزش و مقدسی است که باید به عنوان یک خط روشن، در انقلاب بماند و در تاریخ انقلاب تدوین شود.

و اما درسی که از این حقیقت باید بگیریم، این است که مردم قم همچنان که از روز اول، این شجره‌ی طیّبه را در خود پذیرفتند و به آن کمک کردند و از آن حراست و دفاع نمودند و وقتی لازم شد و نوبت آن پیش آمد، اولین قدم را در راه جهاد بزرگ اسلامی برداشتند و همچنان که بعد از پیروزی انقلاب ـ چه در جنگ و چه در میدان سیاسی و چه در تمام جریانات دیگر ـ

www.ourpresident.ir

همواره در صفوف مقدم قرار داشتند، در آینده هم همین موقعیت را برای خود حفظ کنند.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به‌مناسبت فرا رسیدن ۱۹ دی (ماه) سالروز قیام مردم قم

www.ourpresident.ir

تحقیر دویست سالهی ملّت ایران

از قرنهای سلطهی مستبدان بر این کشور بگذریم که کشور ما جز در برههایی بسیار اندک و ناچیز در طول تاریخ، دایماً مبتلا به تسلط مستبدان و حکام خودخواه و خونخوار بود. همچنین از آنچه در دوران طولانی استبداد بر ملّت ما گذشت و دایماً ملّت ایران به وسیلهی مستبدان خودکامه تحقیر شد، فعلاً حرفی نمیزنیم؛ اما در مدت دویست سال تا هنگام ظهور و اوج نهضت اسلامی، ملّت ایران توسط تحمیلهای ظالمانهی دشمنان مسلط خارجی، دایماً تحقیر شد و زیر فشار قرار گرفت.

از روزی که پای خارجیها به عنوان قدرتهای مسلط آن روز عالم، به این کشور باز شد، دخالت سیاستهای خارجی در کشور ما شروع گردید. اول انگلیسیها آمدند، بعد به رقابت با آنها، روسهای تزاری دخالت کردند. سالهای متمادی در کشور ما، بین این دو بر سر اعمال نفوذ بیشتر رقابت بود تا این که با روی کار آمدن سلسلهی منحوس پهلوی، حاکمیت انگلیسیها به طور کامل در ایران تحکیم شد و بعد هم با گذشت دو سه دهه، امریکاییها وارد میدان

www.ourpresident.ir

شدند و قدرت شیطانی و اهریمنی و عیّارانه و دزدانه و خباثت‌آمیز خودشان را سالها بر کشور و ملّت ما ادامه دادند.

در طول این دویست سال، ملّت ایران از خود رأیی نداشت. بر ثروت خویش مسلط نبود و از پیشرفت علم و صنعت در دنیا بی‌بهره بود و امید درستی هم به آینده نداشت. اگر در گذشته ـ قبل از دوران استعمار و دخالت خارجیها در کشور ما ـ حکام ایرانی و داخلی بر مردم جفا و ستم می‌کردند و زور می‌گفتند، در طول دوران ورود قدرتهای استعماری به ایران، هم سلطه‌ی مستبدان بود، هم اعدامهای بی‌محاکمه رواج داشت، هم زورگوییهای بی‌حدوحصر و فشارهای فراوان و اختناقهای بی‌اندازه بر ملّت ما روا داشته می‌شد و هم مستبدان به‌وسیله‌ی قدرتهای بیگانه حمایت می‌شدند و قدرتِ آنها مضاعف می‌گردید و ثروت کشور ما هم به‌وسیله‌ی هر دو ـ هم حکام داخلی مستبد و هم خارجیهای زورگو ـ به باد غارت می‌رفت.

بر ملّت ایران در طول قریب دو قرن چه گذشت؟ وقتی کتابهای مستشرقانی را می‌خوانیم که در این مدت به ایران آمدند تا از خوان گسترده‌یی که به وسیله‌ی حکام به یغما می‌رفت، استفاده کنند، هر انسان غیوری در وجود خود احساس تنگدلی و فشار می‌کند و خجالت می‌کشد که این گونه بیگانه‌ها را بر زندگی و مال و جان و سرنوشت سیاسی مردم مسلط کردند و این‌طور ملّتی بزرگ و با استعداد و نیرومند ـ مثل ملّت ایران ـ را به زنجیر کشیدند و زیر فشار قرار دادند.

درست است که استعمار به صورت صریح و آشکار به کشور ما وارد نشد و مثل هند و الجزایر حکومت تشکیل نداد، اما حکامی که استعمار به وسیله‌ی آنها در ایران اعمال نفوذ می‌کرد، مثل عوامل و ایادی خود آنها برای استعمار عمل می‌کردند. از درون، ملّت را خوردند و نابود کردند و عقده‌های این دویست سال ـ بخصوص در چند سال اخیر که فرهنگ اسلامی و

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

استعداد و آرزوهای سیاسی مردم از سوی استعمارگران و قدرتهای دخالتگر، بکلی به باد استهزا گرفته شده بود ـ در مردم ما انباشته گردید.

ملّت ما برای این که حرکتی انجام بدهند، آماده بودند. رهبر بزرگ و تفکر صحیحی لازم بود که آنها را هدایت بکند. این تفکر صحیح، همان تفکر اسلامی بود که در اعماق جان مردم، ریشه‌ی ایمانی و اعتقادی داشت و آن رهبر و انسان بزرگ هم، همان بزرگمردی بود که خدا او را برای نجات این ملّت، بلکه نجات همه‌ی مستضعفان ـ بخصوص مسلمانها در زمان و قرن ما ـ برگزید و این انقلاب عظیم انجام گرفت.

بیانات در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش‌آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، گروهی از قاریان قرآن کریم ـ ۶۸/۱۱/۴

www.ourpresident.ir

زنجیرهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی استعمار

مشکل اساسی ما این بود که به وسیله‌ی استعمار، با دهها زنجیر بسته شده بودیم. این زنجیرها، زنجیر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و استبداد یک حکومت دست‌نشانده و بی‌اعتقادی این ملّت به خود بود. استعمار، اعتقاد و ایمان ملّت به خودش را از او گرفته بود؛ اما انقلاب، زندگی و نشاط و ایمان مردم را به آنها برگرداند.

بیانات در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش‌آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، گروهی از قاریان قرآن کریم ــ ۶۸/۱۱/۴

www.ourpresident.ir

۲۲ بهمن تجلّی اعیاد دینی

بیست و دوم بهمن، عید حقیقی برای ملّت ماست. بیست و دوم بهمن، برای ملّت ما در حکم عید فطری است که ملّت در آن، از یک دوران روزه‌ی سخت خارج شد؛ دورانی که محرومیت از تغذیه‌ی معنوی و مادّی را بر ملّت ما تحمیل کرده بودند. بیست و دوم بهمن، در حکم عید قربان است؛ زیرا در آن روز و به آن مناسبت بود که ملّت ما اسماعیلهای خودش را قربانی کرد. بیست و دوم بهمن، در حکم عید غدیر است؛ زیرا در آن روز بود که نعمت ولایت، اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملّت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت.

بیانات در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش‌آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، گروهی از قاریان قرآن کریم ــ ۶۸/۱۱/۴

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی، میراث عزیز امام

اعتقاد من بر این است که جمهوری اسلامیِ عظیم و قوی، عزیزترین میراثی است که بعد از میراث اسلامی رسول اکرم ﷺ، شخص عظیمی برای امت و قوم خود باقی گذاشته است. در این نظام و مجموعه و در این کشور و پایگاه و در هر حرکت و نقطه‌ی عزیمتی، یکایکِ ما مسؤولیم و نسبت به این راه تعهد و تکلیف داریم. امروز، ما به این نشستها و مذاکره‌ها و این‌گونه صمیمیتها و همکاریها و از هم خواستن و به هم گفتن و از هم گله کردن و با یکدیگر همدلی کردن، احتیاج داریم.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین‌سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ــ ۶۸/۱۱/۹

www.ourpresident.ir

احیای معنویت، معجزه‌ی بزرگ انقلاب

در ارزیابی کاری که به دست امام و با تکیه به قیام‌لله اتفاق افتاده و بهتر این است که من وارد بحث نشوم؛ چون حقیقتاً آن قدر قضیه عظیم و حرف زیاد است که مشکل بتوان حق سخن را ادا کرد. من همین‌قدر به شما برادران که کتاب و تاریخ خوانده‌اید، بگویم که سالهای متمادی است روال حرکت عالم به سمت دوری از معنویت و دین است. چند قرن است که دنیا این‌گونه حرکت می‌کند و البته این دلایلی دارد و چیز ناشناخته و مجهول‌العلّه‌یی هم نیست. در دویست سال اخیر ـ یعنی قرن نوزدهم و بیستم که اصطلاحاً قرن روشنفکری و انسانگرایی و اوج پیشرفتهای صنعتی و علمی است ـ حرکت با سرعت به سمت بی‌دینی و جدا شدن از معنویت بوده است. مقداری از این سیر طبیعی است؛ زیرا لازمه‌ی آن چیزهایی که پیش آمد، همین بود. یک مقدار هم حرکت ارادی و از روی برنامه‌ریزی بوده است.

تمام دستگاههای قدرتمند عالم به این نتیجه رسیده‌اند که باید دین را از صفحه‌ی عالم بزدایند. نه این‌که بکلی اسم دین را از بین ببرند؛ بلکه معنای

www.ourpresident.ir

دین حقیقی و خالص را ـ اگر چه به ظواهرش هم احتفاظ بشود ـ از بین ببرند. ایمان واقعی دینی باید از بین می‌رفت و چه قدر پول صرف شد و چه قدر آدمها از روی عقیده ـ و نه خیانت گونه ـ حذف ایمان دینی را برای بشریت لازم دانستند. آنها کتاب نوشتند، کار هنری کردند، تبلیغات کردند، زور بخرج دادند، پول خرج کردند تا معنویت را در دنیا ـ از جمله در جهان اسلام ـ از بین ببرند.

آن وقت در چنین دنیایی که این همه تلاش ضد معنوی صورت گرفته است، در یک نقطه‌ی حساس، حکومت و نظامی بر اساس معنویت و اسلام به وجود می‌آید. این، همه‌ی معجزه نیست؛ بلکه آغاز معجزه و به وجود آمدن این حکومت و استقرار دهساله‌ی آن است که ما در این مدت لحظه به لحظه پیش رفتیم. اگر کسی تصور کند که ما در این ده سال، یک لحظه متوقف بوده‌ایم، اشتباه کرده است. در این ده سال، ما لحظه به لحظه پیشروی و حرکت تکاملی داشته‌ایم. استقرار و حرکت تکاملی این نظام دینی در طول این ده سال، تمام این زمامها و بندها و بستهایی که از طرق مختلف نظام جهانی را حفظ کرده بود، باز کرده و تمام این اوضاع را به هم ریخته است.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین‌سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ــ ۶۸/۱۱/۹

www.ourpresident.ir

عدم تصوّر معجزه انقلاب در دوران مبارزه

آیا آن روزی که امثال ما و شما، در سیاه‌چالها و سلولها و خانه‌های مخفی و محیط غربت می‌رفتیم و می‌دویدیم، چنین معجزه‌یی را که امروز به وقوع پیوسته است، باور می‌کردیم؟ آن روزها فشار زیادی روی ما و امثال ما بود و خود من از دو طرف مورد تهدید دستگاه بودم و به خاطر دو جریان و دو پرونده دنبالم بودند. جایی را سراغ کرده بودم که چند روزی آن جا باشم. از یک محل به آن محل می‌رفتم. در خیابان که راه می‌رفتم، وضع خودم را به آن آدمی که روی زمین یخی صاف ـ مثل شیشه ـ حرکت می‌کند و باید با کمال دقت راه برود و مطمئن نیست که لحظه‌ی بعد محکم به زمین نخواهد خورد و استخوانهایش نخواهد شکست، تشبیه می‌کردم. ما و همه‌ی برادرانی که در دستگاهها بودند، سالها این‌طور زندگی کردیم. آیا فکر می‌کردیم روزی ایران که قلعه‌ی مستحکم استکبار جهانی است، به قلعه‌ی مستحکم مبارزه در مقابل آن تبدیل بشود؟ ولی دیدید که شد.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین‌سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ــ ۶۸/۱۱/۹

www.ourpresident.ir

مکتب و مردم پایه‌های ارزش‌های انقلابی

ارزشهایی که ما در انقلاب برای آنها می‌خواهیم تلاش کنیم و کارمان برای آنهاست، دو مبنا و پایه دارد: مکتب و مردم. مکتب بدون مردم متصوّر نیست؛ چون مکتب ما مکتبی نیست که از مردم جدا بشود. اصلاً این یک فریب است که ما بیاییم اسلام را از نفع و خیل مردم جدا کنیم و بگوییم مردم و سرنوشت آنها را رها کنید و به دین و خدا و اسلام بچسبید! این، همان اسلامِ تحریف شده است. این، همان چیزی است که امام(ره) از اول شروع مبارزه با آن جنگید. بسیاری از آدمهای خوب و عالِم، حرف امام را در این راه فهمیدند و البته بعضی از متحجّران و نادانها هم تا آخر نفهمیدند و هنوز هم بعضی این حقیقت را نمی‌فهمند. تفکر اسلامی، از خیل مردم و برای مردم بودن جدا نیست. هر چیزی که شما دیدید به نظرتان اسلامی است، اما از صلاح مردم مجرد است، بدانید در شناخت و فهم این که آن اسلام است، اشتباه می‌کنید یا در فهم خود آن شیئ محققاً اشتباهی وجود دارد. پس، پایه‌ی

www.ourpresident.ir

ارزشهای اسلامی و انقلاب ما، بر دوپایه‌ی مکتبی و مردمی است.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین‌سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ــ ۶۸/۱۱/۹

www.ourpresident.ir

حیات طیّبه، هدف اصلی انقلاب

هدف از همه‌ی مبارزاتی که ملّت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه‌ی تلاشهایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی بود. اسلام برای انسان، روش زندگی مناسب و لایقی قایل است. اگر تنها این شرایط محقق شد، انسان می‌تواند به سعادت و کمال برسد. تلاش همه‌ی دلسوزان بشر و راهنمایان بزرگ انسان و انبیای عظام و اولیا و مجاهدان فی‌سبیل‌الله در طول تاریخ، این بوده است که این حیات طیبه را برای بشر به وجود آورند. از طرف دیگر، سعی همه‌ی دشمنان انسان و شیاطین و طواغیت آن بوده است که بشر را از این حیات طیبه دور کنند. لذا عنصر ایمان و دشمنی با شیطانها و طاغوتها، از اجزای اصلی دعوت همه‌ی پیامبران بوده و عمل پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم بر این نکته قرار داشته است.

بیانات در دیدار با گروههای مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی ــ۶۸/۱۱/۱۳

www.ourpresident.ir

خصوصیات استثنایی انقلاب

اگرچه در دوران کنونی و در این قرن ـ یعنی در قرن بیستم میلادی ـ در سرتاسر عالم انقلابهای گوناگونی به وجود آمد، اما انقلاب اسلامی در ایران، یک انقلاب استثنایی بود. تاکنون، همه چیز این انقلاب استثنایی بوده است و از این جهات، با انقلابهای دیگر قابل مقایسه نیست.

البته، بحث بر سر انقلابهاست. تحولاتی که با کودتاهای نظامی در دنیا انجام گرفته، اگرچه در بعضی از کشورها، اسم همان تحولات را هم انقلاب می‌گذارند، اما آنها قابل این نیستند که وقتی درباره‌ی انقلاب بحث می‌کنیم، از آنها هم صحبت کنیم. وجود آنها، حساب دیگر و مسأله‌ی دیگری است. بحث بر سر انقلابهاست؛ یعنی آن تحولاتی که به وسیله‌ی مردم انجام گرفت و ناظر به اصول و مبانی اعتقادی و اجتماعی جامعه بود. اگرچه این‌گونه انقلابها، در چند ده سال اخیر در دنیا زیاد اتفاق افتاده است، اما هیچ کدام مثل انقلاب اسلامی ما نبود و به همین خاطر است که این انقلاب با گذشت یازده سال، همچنان درخشندگی خود را در سطح جهان حفظ کرده‌است.

www.ourpresident.ir

دو خصوصیت از خصوصیات استثنایی این انقلاب را مطرح می‌کنم که همین دو خصوصیت، بیشترین تأثیر را در وجهه‌ی این انقلاب در دنیا داشت؛ همچنان‌که بیشترین تأثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در کشور اسلامی داشت. همین دو خصوصیت بود که با گذشت چندین سال، هنوز موجب شده است که در گوشه و کنار عالم، به پیروی از این انقلاب و در پرتو آن، از سوی کسانی حداقل حرکات و تحولات و تلاشهایی انجام بگیرد.

۱. ابتنا بر ارزشهای دینی، اخلاقی، معنوی

یکی از این دو خصوصیت، عبارت بود از این که مبنای این انقلاب، ارزشهای دینی و اخلاقی و معنوی بود و خصوصیت دیگر این بود که انقلاب بر پایه‌ی اراده و خواست مردم در تشکیل و اداره‌ی حکومت باقی ماند. یعنی پس از پیروزی انقلاب، اهمیت نقش مردم از آنها سلب نشد و به عنوان یک عنصر برای انقلاب باقی ماند. این دو خصوصیت، در انقلاب ما وجود دارد.

انقلابهای دیگر، غالباً بر مبنای تفکرات مادّی انجام گرفته است. ممکن است این تفکرات، افکار مادّی مکتبی و مسلکی ـ یعنی تفکرات مارکسیستی و کمونیستی ـ باشد و یا این که اعتقادی هم به یک مکتب مادّی نداشته باشند؛ بلکه بر مبنای مادّی‌نگری ـ مثل گروههای میهن‌دوست و میهن‌پرستی که در بعضی از کشورها اقداماتی را انجام می‌دهند و بینش دینی ندارند ـ عمل کنند.

همه‌ی انقلابها این‌گونه‌اند. حتّی انقلابهایی که مقدّمات آنها مذهبی یا اسلامی بوده است، در انتها از حالت اسلامی بودن خارج شدند؛ مثل بعضی از کشورها که در اول، انقلابشان در مساجد شکل گرفت و نهضت از مساجد یا مدارس دینی شروع شد ـ هم در آسیا و هم در آفریقا ـ لیکن بعد که

www.ourpresident.ir

حرکات رشد پیدا کرد، چون در میان مذهبیون، قوّت رهبری کافی وجود نداشته، دیگران آمدند و امور را قبضه کردند و خط را از حالت مذهبی، به سمت لامذهبی بردند.

تقریباً هیچ نقطه‌یی از دنیا را که در آن انقلاب شده باشد، سراغ ندارم که از این قاعده‌ی کلی خارج باشد؛ ولی در کشور ما این‌طور نشد. انقلاب از خانه‌ی مذهب ـ یعنی مسجد و مدرسه‌ی دینی ـ آغاز شد و جهتگیری مذهبی در انقلاب روزبه‌روز افزایش پیدا کرد و نقش مذهب و ارزشهای معنوی، آن‌قدر قوی شد که کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این‌گونه آدمها به میدان نمی‌آیند. حتّی افراد مسن و بی‌خبر از مسایل سیاسی و آدمهایی را که در شهرها و روستاهای دورافتاده زندگی می‌کنند، به میدان انقلاب و مبارزه کشاند. علاوه‌ی بر این، روحیه‌ی مذهبی در این انقلاب کاری کرد که در دوران انقلاب، کمترین ضایعه به وجود آید. این، نکته‌ی مهمی است که اگر کسانی در انقلابهای مادّی دنیا ـ مخصوصاً انقلاب اکتبر کشور روسیه ـ مطالعه کرده باشند، معنای این مطلب را خیلی خوب می‌فهمند.

آن جاهایی که انقلابی بر اساس لامذهبی به وجود آمده، در هنگام شکوفایی انقلاب و اوج نهضت انقلابی، ضایعات فراوانی ایجاد شده است؛ چون مردمی که تحت هیچ قانون و قاعده و ضابطه‌یی نیستند و نظامی را از بین بردند و هنوز هم چیزی جایگزینش نشده، قاعدتاً در معاملات اجتماعی و برخوردها و انتقام‌گیریشان، خیلی بی‌محابا عمل می‌کنند. در آن انقلابی که اشاره شد، از این قبیل قضایا زیاد اتفاق افتاده است. کسانی که قضایای آن انقلاب و امثال آن را خوانده باشند، این نکته را تصدیق می‌کنند. انتقام‌کشیها، سوءاستفاده‌ها، آدمهای ناباب، مدتی بخشی از کشور را برای خودشان قرق می‌کنند و چه‌قدر اموال را از بین می‌برند و چه‌قدر نفوس بی‌گناه را نابود

www.ourpresident.ir

می‌کنند و از این قبیل.

این مسایل، در انقلاب ما اتفاق نیفتاد. در این‌جا، وقتی مردم تهران دکانها را بستند و زندگی را تعطیل کردند و همه وارد میدان مبارزه شدند، از شهرها و روستاهای اطراف، برای مردم نان آوردند؛ یعنی همدردی کامل کردند. در این‌جا، مسأله‌ی خشم مردم به خاطر یک قضیه‌ی مادّی نبود؛ بلکه مسأله‌ی دین و معنویت و خدا بود و این به سبک دیگری در زندگی مردم اثر می‌گذارد و به فعالیتهای آنها شکل می‌دهد. بعد هم وقتی انقلاب پیروز شد، حکومتی که به‌وجود آمد، بر اساس انقلاب، یک حکومت اسلامی بود؛ یعنی جمهوری اسلامی. این حکومت، به سمت چپ و راست حرکت نکرد؛ بلکه در خط مستقیم دین باقی ماند. وقتی جمهوری اسلامی هم تشکیل شد، با گذشت زمان راه دین را رها نکرد؛ بلکه درست در قانونگذاری و انتخاب مسؤولان و مجریان و کارگزاران اصلی نظام ـ مثل نمایندگان مجلس و دیگران ـ مردم با معیارهای اسلامی وارد میدان شدند.

دین، خصوصیت انقلاب بود و ماند. این‌طور نبود که روزی دین خصوصیت انقلاب باشد و پس از چندی، این خصوصیت از انقلاب گرفته بشود و به چیز دیگری تبدیل بشود. این یک خصوصیت، در هیچ‌یک از انقلابها نبود وهمین، یکی از مهمترین عوامل بود تا هر جای دنیا قلبی برای دین و اسلام می‌تپد، به جمهوری اسلامی ـ که برای اسلام حرکت می‌کند و به اعلای کلمه‌ی اسلام فکر می‌کند ـ علاقه‌مند باشد.

۲. مردمی بودن

خصوصیت دوم، مردمی بودن است. انقلابهای دیگر ـ آنها که حقیقتاً انقلاب بودند ـ پس از پیروزی خود، اغلب نسبت به مردم بی‌اعتنا شدند. کودتاها و حرکات نظامی و امثال اینها را کاری نداریم. انقلابها، همیشه در

www.ourpresident.ir

همه جای دنیا به دست مردم به وجود آمده؛ اما بعد از آن که به پیروزی رسیده یا در آستانه‌ی پیروزی قرار گرفته، احزاب یا حزب جای انقلاب و مردم را گرفته است و مردم کنار رفته‌اند. مثل کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی دنیا که نظامهای خیلی از آنها، با یک انقلاب به‌وجود آمده بود و مردم در آن نقش داشتند و به گروه انقلابی و مبارز مردم کمک کرده بودند؛ اما در همه‌ی این کشورها، به مجرد این‌که انقلاب به پیروزی نزدیک شد یا به پیروزی رسید، مردم دیگر هیچکاره شدند و حزب همه‌کاره شد. حزب کمونیست یا هر اسم دیگری که برای حزبِ حاکم داشتند، هر کاری که خواست بکند، به نام مردم کرد، اما مردم در هیچ کار نقش نداشتند؛ همان مردمی که به خیابانها آمده بودند، یا به نحوی از انحا مبارزه کرده بودند، یا مثلاً از گروه مبارز پشتیبانی کرده بودند.

مردم، حتّی این حق را نداشتند که یک نماینده به مجلس قانونگذاری بفرستند. در هیچ‌کدام از این کشورها که به اصطلاح کنگره‌های ملی دارند و همان مجالس قانونگذاری آنهاست، نمایندگان مردم حضور ندارند! اصلاً مردم هیچ نقشی نداشتند. این، چیز خیلی عجیبی است. اما همین چیز عجیب، همه جای دنیا بود.

در یکی از سفرهایی که یکی دو سال قبل به یکی از همین کشورهای سوسیالیستی رفته بودیم، یکی از همراهان ما که از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بود، با مقامات مجلس ملی آن کشور راجع به مجلس صحبتهایی کرده بود. اطلاعاتی از مجلس ما به آنها داده بود و اطلاعاتی هم از مجلس آنها گرفته بود. ما نشسته بودیم و راجع به موضوعی صحبت می‌کردیم. ایشان، با یک قیافه‌ی خیلی جدی پیش ما آمد و گفت: ما چیزهای مهمی از این آقایان ـ که میهمانشان بودیم ـ یاد گرفتیم. او گفت: وقتی که راجع به مجلس با اینها صحبت کردیم، از اینها پرسیدیم که مجلسِ شما چگونه

www.ourpresident.ir

است و چند عضو دارد و چه مواقعی تشکیل می‌شود و رئیسش چگونه انتخاب می‌گردد؟ معلوم شد که مجلس ملی اینها، متشکل از افرادی است که به‌وسیله‌ی دستگاهها و سازمانهای حزبیِ وابسته به خودِ حکومت تشکیل می‌شود. یعنی مثلاً پانصد، ششصد نفر آدم به عنوان اعضا و نمایندگان کنگره، به وسیله‌ی همان دستگاههای حزبی انتخاب می‌شوند. بعد این افراد که نام تجمعشان کنگره‌ی ملی است، سالی دو مرتبه جلسه تشکیل می‌دهند!!

شما ببینید در این کشور که فقط سالی دومرتبه مجلس قانونگذاریشان تشکیل می‌شود، قانون را چه کسی وضع می‌کند؟ اختیار قانونگذاری دست کیست؟ دست همانهایی است که در رأس تشکیلات حکومت قرار دارند. اگر بپرسید اسم حکومت شما چیست؟ می‌گویند: حکومت دموکراتیک سوسیالیستی؛ یعنی حکومت مردمی. اسمش مردمی است، در حالی که در هیچ امری از امور آن کشور، مردم دخالت ندارند و این، همان مردمی هستند که انقلاب را به پیروزی رساندند. اسم این کشورها هم کشور انقلابی است. همه‌ی انقلابهایی که ما در دنیا دیدیم و کشورهایی که بر اساس یک انقلاب، نظامی را به وجود آوردند، تقریباً به همین شکلی بودند که مطرح کردم.

در کشور ما، انقلاب از روز اول، همه‌ی نقشها در همه‌ی امور را به مردم داده‌است. یعنی مجلس را ـ که محل قانونگذاری است ـ مردم تشکیل می‌دهند و نمایندگان مردم به آن جا می‌روند و هیچ‌کس هم حق ندارد نماینده‌یی را به مردم تحمیل کند. یک نفر نماینده هم از این دویست و هفتاد نفر، بدون آرای مردم به مجلس نمی‌آید. رئیس جمهور را ـ که مجری امور و مدیر و رئیس اداره‌ی کشور است ـ مردم با آرای خودشان انتخاب می‌کنند. هر کسی را که دلشان خواست، انتخاب می‌کنند. اختیار با مردم است.

این وضعی که انتخابات ریاست جمهوری در ایران دارد، حتّی در کشورهای دموکراتیک غرب هم این وضعیت نیست؛ چون در آن کشورها،

www.ourpresident.ir

احزاب در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند و هر حزبی، اسم کسی را به عنوان کاندیدا ذکر می‌کند. مردمی که به آن کس رأی می‌دهند، در حقیقت به آن حزب رأی می‌دهند و خیلیها آن کس را اصلاً نمی‌شناسند. به هر جهتی طرفدار این حزبند و انگیزه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی و غیرسیاسی موجب می‌شود که طرفدار فلان حزب باشند و به خاطر طرفداری آن حزب، به کاندیدای آن تشکیلات رأی می‌دهند و خود آن کاندیدا را هم اصلاً نمی‌شناسند.

در ایران، این‌گونه نیست. در ایران، یکایک کسانی که کاغذ رأی را در صندوق می‌اندازند، آن شخص را می‌شناسند و به عنوان رئیس جمهور به او رأی می‌دهند. این دوره، همین‌طور بود. دو دوره‌ی قبل هم که من رئیس‌جمهور بودم، همین گونه بود. دوره‌ی قبلش هم به همین شکل بود. در همه‌ی این ادوار ـ که تا حالا پنج انتخاب رئیس جمهوری داشته‌ایم ـ مردم به کسی که رأی دادند، خودشان او را شناختند و رأی دادند. پس، در انتخاب دستگاه قانونگذاری، مردم مباشرتاً و مستقیماً دخالت می‌کنند.

در انتخاب دستگاه اجرایی و رئیس قوّه‌ی مجریه، مردم خودشان دخالت می‌کنند. حتّی در انتخاب رهبر ـ با این که رهبری یک منصب الهی است و تابع ملاکهای الهی و معنوی و واقعی است ـ باز مردم نقش دارند؛ کما این که مشاهده کردید مجلس خبرگان که نمایندگان مردمند، می‌نشینند کسی را معین و انتخاب می‌کنند. اگر همان کسی که مجلس خبرگان انتخاب کرد، مورد قبول مردم نباشد، باز رهبری او جا نخواهد افتاد. پس، آحاد و عامه‌ی مردم، علاوه بر این‌که به صورت غیرمستقیم ـ از طریق مجلس خبرگان ـ رهبر را معین می‌کنند، مستقیماً هم نسبت به شخص رهبر نظر و تصمیم دارند و نظر و تصمیم و خواست و اراده‌ی آنهاست که در حقیقت یک رهبر را رهبر می‌کند و به او امکان تصرف و قدرت امر و نهی و قبض و بسط می‌دهد. البته، نحوه‌ی انتخاب امام(ره) به این شکلی که مطرح کردم، نبود. در

www.ourpresident.ir

حقیقت، عشق مردم به امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) و اطاعت و تبعیت از ایشان، بیش از انتخاب آنها بود.

در این‌جا، پشتیبانی و حضور مردم در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی و حرکت نظامی وجود دارد. اگر امروز، دولت یا یکی از مسؤولان بخواهد حرکتی را انجام بدهد که مردم آن را نپسندند، می‌توانند جلویش را بگیرند. همه جا مردم حضور دارند. این، خصوصیت انقلاب ماست. هیچ انقلابی در دنیا، این‌گونه نیست. این نکته را از روی بصیرت و اطلاعِ از نزدیک می‌گویم و این استثنایی است.

نتیجه این است که نظام، نظام مستحکمی است؛ زیرا که مردمی می‌باشد. آن‌چیزی که به‌وسیله‌ی ابرقدرتها قابل از بین رفتن است، عبارت از حکومتی است که به مردم متکی نیست. آن چیزی که به وسیله‌ی عوامل سازمان جاسوسی امریکا، در یک کشور قابل برداشتن و گذاشتن است، حکومت یا دولتی است که با مردم رابطه‌یی نداشته باشد و پشتوانه‌ی عظیمِ قویِ مردمی، پشت سرش نباشد. حکومتی که دشمن خارجی می‌تواند چهار نفر را علیه آن به کودتا وادار و تحریک بکند، حکومتی است که روی تخت حکومت نشسته، اما مردم به او وصل نیستند. مردم برای خودشان می‌روند و او برای خودش حرکت می‌کند.

نظامی که در آن حاکم ـ چه رهبر، چه ریاست جمهوری، چه ریاست قوّه‌ی قضاییه، چه مجلس شورای اسلامی ـ متکی و متصل به مردم و مورد علاقه و پشتیبانی و حمایت آنهاست، نظام جمهوری اسلامی است که نه امریکا و متحدانش و نه شرق و غرب ـ آن روزی که دو قدرت بزرگ در دنیا وجود داشت ـ و نه هیچ قدرتی قادر نیست این نظام و حکومت را متلاشی و بلکه متزلزل کند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ــ ۶۸/۱۱/۲۰

www.ourpresident.ir

اسلام رمز پیروزی انقلاب و کینه‌ی دشمن

مسأله این است که اگر این انقلاب، انقلابی اسلامی نبود و پرچم آن به دست علمای دین نبود، قطعاً به پیروزی نایل نمی‌شد و به تشکیل یک دولت مستقل و سرافراز و نیرومند منتهی نمی‌گردید. این، تحلیل ما نیست؛ بلکه تحلیل همه‌ی کسانی است که مسایل این انقلاب را از پیش از پیروزی تا امروز تعقیب کرده‌اند.

در سال ۵۶ و ۵۷ هم جبهه‌ی مقابل ـ یعنی زمامداران ظالم و فاسد و روبه زوال و کسانی که با تفکر دینی و شخصیت روحانی مخالف بودند ـ تحلیلشان همین بود و براساس این تحلیل، تلاش می‌کردند که روحانیون را از صحنه کنار بزنند یا بین آنها اختلاف ایجاد کنند و یا بین آنها و مردم فاصله به وجود بیاورند؛ ولی نتوانستند این کار را بکنند ـ نه این که نخواستند یا تلاش نکردند. «چرا نتوانستند» هم یک پاسخ مفصل دارد. واقعاً اگر کسی بخواهد این انقلاب را تحلیل کند و شکفتن این گل و روییدن این نهال و جوشیدن این چشمه را در سنگلاخ و کویرِ زمان کنونیِ فرهنگ جهان درست

www.ourpresident.ir

ترسیم بکند، به این آسانیها نخواهد توانست پاسخ روشنی برای این سؤال پیدا کند.

یکی از علایم و نشانه‌های قدرت و اراده‌ی خدا برای پیروزی انقلاب این بود که آن رهبر بی‌نظیر را برانگیخت. من، به‌این نتیجه و اعتقاد خیلی نزدیک شده‌ام که خداوند متعال در طول دهها سال قبل از به ثمر رسیدن این انقلاب، زمینه‌ی این پیروزی را ـ که پیروزی دین و اسلام در دنیاست ـ با تشکیل حوزه‌ی قم و تربیت شخصیتهایی و در میان آنها برجسته کردن آن شخصیت کم‌نظیر و قرار دادن آن گل آتش در میان خرمن انبوهی از زغال و تبدیل همه‌ی اینها به یک آتش گداخته و گیرا، فراهم فرمود.

اگر کسی با چشم معمولی هم قضایا را نگاه کند و ترتیب طبیعی علل و عوامل را مورد بررسی قرار دهد، می‌بیند که حضور و پیشگامی و هوشیاری و وظیفه‌شناسی و برخی از خصوصیات ممتاز روحانیت، یکی از مهمترین عوامل و شاید یک عامل تعیین‌کننده در بروز و پیروزی و سیر این انقلاب و نیز تشکیل دولت و حکومت و نظام جمهوری اسلامی و ادامه‌ی آن تا امروز بوده است. دشمن هم این را می‌داند. لذا فشاری که در گذشته و الان، از طرف دنیای استکباری روی این انقلاب وارد می‌شد و می‌شود، در درجه‌ی اول به دین و روحانیت متوجه است. اگر روحانیون کشور ما در میدان نبودند و پرچم انقلاب به دوش آنها نبود، این پیروزی به‌دست نمی‌آمد. این را دشمن می‌داند؛ لذا حقد عظیم او در درجه‌ی اول متوجه اسلام و روحانیت است.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از علما، مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی تهران ــ ۶۸/۱۲/۲

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

دست هدایت الهی، حامی همارهی انقلاب

اعتقادم این است که اگر امامِ بزرگوارِ بی‌نظیرِ ما ـ که واقعاً در میان مردم این زمان، نظیری برای ایشان نمی‌شناسیم و بعد از ائمه‌ی هدی و اولیاءالله علیهم‌السلام نظیر ایشان را بسیار کم سراغ داریم ـ با این مفاهیم مأنوس نبود و با مناجات و دعا سروکار نداشت و اهل تضرع و استغفار و استغاثه و گریه و توسل نبود، بسیار بعید بود که خدای متعال این همه توفیق را به ایشان ارزانی بدارد. موفقیتهای این بزرگوار، به‌میزان زیادی مرهون همین ارتباط با خدا و باز بودن راه دلِ او با درگاه الهی و استغاثه و مناجات و دعا بود. انسان، پیشرفت لحظه به لحظه‌ی این مرد معنوی و الهی را در طی سالهای اخیر احساس می‌کرد. هر ماه رمضانی که بر این بزرگوار می‌گذشت، انسان می‌دید که نورانیتر شده و خدای متعال او را هدایت می‌کرده‌است.

راهی را که ما در طول این یازده سال پشت سر امام طی کردیم، راهی نبود که به طور طبیعی و بدون هدایت و حمایت و کمک الهی بتوانیم آن را طی کنیم. از پیچ و خمهای عجیبی عبور کردیم و به برکت رهبری امام(ره)،

www.ourpresident.ir

فراز و نشیبهای عجیبی را پشت سرگذاشتیم و این نبود مگر آن که هدایت الهی ما را کمک می‌کرد.

عقیده‌ی خود ایشان هم همین بود و من از ایشان این حرف را شنیده بودم که می‌گفتند: «من از اول انقلاب، احساس می‌کنم دست هدایتی ما را کمک می‌کند و پیش می‌برد و راهها را در مقابل ما باز می‌کند». حقیقت هم همین بود و خدای متعال این هدایت را در مقابل مجاهدت و خلوص و صفا و نورانیّت، ارزانی می‌دارد.

هدایت الهی، به انسانهای غافل نمی‌رسد. این که در همین مناجات شعبانیه می‌فرماید: «و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک»[1]، این نورانی کردن چشم دل و روشن کردن حقایق برای دل بیدار و چشم بصیر مؤمن، رایگان به دست نمی‌آید و بدون مجاهدت و تلاش و ارتباط با خدا، امکان ندارد تحقق پیدا کند.

... یک بار از ایشان سؤال کردم که در میان دعاهای معروف، به کدامیک از آنها بیشتر اُنس یا اعتقاد دارید؟ ایشان بعد از تأملی فرمودند: «دعای کمیل و مناجات شعبانیه». وقتی که شما به این دو دعا مراجعه می‌کنید، با این که دعاهای دیگر هم ـ مثل ابوحمزه‌ی ثمالی و یا دعای امام حسین در روز عرفه و دعاهای فراوان دیگر ـ برقراری رابطه با خداست؛ اما در این دو دعا و مناجات، حالت استغفار و انابه و استغاثه و تضرع به پروردگار را به‌شکل عاشقانه‌ی آن مشاهده می‌کنید. دعای کمیل هم مناجاتی با خدای متعال است و رابطه‌ی محبت و عشق میان بنده و معبود را ترسیم می‌کند و این همان چیزی بود که امام بزرگوار ما، روح و دل خود را از آن روشن و منوّر می‌داشت.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، در سالروز میلاد امام حسین علیه‌السلام و روز پاسدار ــ ۶۸/۱۲/۱۰

۱. مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه.

www.ourpresident.ir

تفاوت اسلام ناب و اسلام آمریکایی

بحمدالله راه ما، راه روشن و اسلامی است که امام(ره) به ما معرفی کرد. راه ما، راه آن اسلامی است که دشمنان خدا از آن می‌ترسند و مستضعفان و مظلومان از آن خوشحال و امیدوار می‌شوند؛ نه چیزی که اسمش اسلام است و از اول تا آخر، در خدمت دشمنان اسلام می‌باشد. ما این را به عنوان اسلام قبول نداریم. این، همان اسلام امریکایی است؛ تعبیر درستی که بارها امام فقید حکیممان، آن را تکرار می‌کردند.

اسلام ناب، اسلامی است که باید ابوجهلها از آن بترسند. اگر اسلامی بود که ابوجهلها و ابوسفیانها از آن نترسیدند و با آن دشمن نبودند، باید در اسلام بودنش شک کنیم. آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فروکشته‌ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا ـ نه فقط در سطح کشور خودمان ـ زنده و احیا کند، شک کنید در این‌که این دین، اسلام باشد.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، در سالروز میلاد امام حسین علیه‌السلام و روز پاسدار ــ ۶۸/۱۲/۱۰

www.ourpresident.ir

۲۲ بهمن، نوروزی دیگر

نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه‌یی که اتفاق می‌افتد، آن را نو می‌کنید. روز بیست و دوم بهمن که ملّت ایران، حادثه‌ی عظیمی را به کمک خدا تحقق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امت، قاطعاً به دهانِ مستکبرِ قلدرِ گردن کلفت دنیا ـ یعنی امریکا ـ مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه‌ی نویی بود که اتّفاق می‌افتاد و افتاد.

بیانات در دیدار با مسؤولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو و در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۶۹/۱/۱

www.ourpresident.ir

یکی از آثار انقلاب: تحقیر استکبار

این ملّت، به دنیا شجاعت داد. رفتار این ملّت بود که همراه با قاطعیت و هدایت قوی آن امام ملکوتی و رهبر بی‌نظیر، راه را باز کرد؛ ملّتها را تشجیع نمود؛ استکبار را کوچک کرد؛ به او احساس حقارت داد و معلوم شد که انسانها و ملّتها، دارای قدرتند. قدرت ذاتی ملّتها را انکار می‌کردند و آنها را به دست قدرتهای پوشالی کشورها ـ که عروسکهایی در دست قدرتهای جهانی بودند ـ سپرده بودند. امروز، آن‌طور نیست که ملّتها قدرت ذاتی خودشان را نفهمند. امروز، ملّتها بیدار شده‌اند. البته به حسب قدرت ظاهری، امروز استکبار در میدان سیاست و اقتصاد، خیلی قوی و درشت شده؛ اما به همین نسبت، آسیب‌پذیرتر، توخالی‌تر و در واقع، از قدرت ملّتها ترسانتر است.

بیانات در دیدار با مسؤولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو و در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۶۹/۱/۱

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، حجّتی برای حق‌جویان جهان

من امروز یک نکته را عرض می‌کنم و آن، این است که خداوند متعال درباره‌ی انقلاب اسلامی شما ملّت ایران، حجت را بر همه‌ی مردم دنیا و کسانی که مشتاق حقیقتند، تمام کرده است. شاید بسیاری از انسانهای پاک و مخلص در عالم باشند که در مقابل یک حادثه، دچار تردید باشند و نتوانند آن حادثه را تحلیل کنند و یا درباره‌ی آن قضاوت نمایند. برای خود ما هم گاهی اتفاق می‌افتد که حادثه‌یی در دنیا پیش می‌آید، ولی نمی‌توانیم به طور قاطع درباره‌ی آن حادثه اظهار نظر کنیم. فرضاً حکومتی در یک کشور بر سر کار می‌آید، یا در جایی از دنیا، نزاعی بین دو جناح درگیر می‌شود که گاهی دلایل کافی و شواهد روشنگر در دسترس قرار نمی‌گیرد؛ لذا انسان نمی‌تواند درباره‌ی آن قضیه قضاوت کند.

من عرض می‌کنم که هیچ‌کس در دنیا نیست که نتواند درباره‌ی انقلاب اسلامی ملّت ایران درست قضاوت کند و دچار تردید بماند. خدا درباره‌ی این انقلاب، حجت را بر همه تمام کرد. آن‌قدر دلایل روشن برای شناسایی

www.ourpresident.ir

این انقلاب وجود دارد که اگر کسی در دنیا واقعاً بخواهد حق را پیدا کند و بشناسد، یقیناً دچار تردید نخواهد ماند. به آنهایی که از روی غرض حرف می‌زنند، کاری نداریم. به آنهایی که منافعشان بر اثر این انقلاب تهدید شده، یا از بین رفته است، کاری نداریم. به آن حکمرانان مستبد و ظالم که از بیداری مردم و ملّت خودشان می‌ترسند و به این جهت با این انقلاب دشمنند و درباره‌ی آن بد قضاوت می‌کنند، کاری نداریم. صحبت بر سر انسانهای بی‌غرض و بی‌مرض و حقجو و کسانی است که واقعاً دنبال حقیقت می‌گردند، تا حقیقت را بشناسند. این‌گونه آدمها در هرجای دنیا که باشند، اگر نامی از این انقلاب و خبری از آن شنیده باشند، درباره‌اش دچار تردید نیستند و قضاوتشان نسبت به آن، قضاوت واضح و روشنی است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زایران حضرت رضا علیه‌السلام ـ ۶۹/۱/۲

www.ourpresident.ir

تفاوت جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های اسلامی دیگر

جمهوری اسلامی، از لحاظ معنای تحت‌اللفظی، بر دو پایه استوار است: یکی جمهور مردم؛ یعنی آحاد مردم و جمعیت کشور. اینها هستند که امر اداره‌ی کشور و تشکیلات دولتی و مدیریت کشور را تعیین می‌کنند. و دیگری اسلامی؛ یعنی این حرکت مردم، بر پایه‌ی تفکر اسلام و شریعت اسلامی است.

این، یک امر طبیعی است. در کشوری که اکثریت قریب به تمام آن مسلمان هستند، آن هم مسلمان مؤمن و معتقد و عامل، که در طول زمان، ایمان عمیق خودشان را به اسلام ثابت کرده‌اند و نشان داده‌اند، در چنین کشوری، اگر حکومتی مردمی است، پس اسلامی هم است.

مردم اسلام را می‌خواهند. این از روز اول گفته شد و در طول سالهای متمادی نیز تجربه گردید. امروز هم واضحترین حقیقت در نظام ما این است که آحاد و توده‌ی مردم، از نظام حاکم بر کشور می‌خواهند که مسلمان باشد و مسلمانی عمل کند و اسلام را در جامعه تحقق ببخشد.

www.ourpresident.ir

این حکومت و این نظام، با این نام در دنیا اعلام شد و تشکیل گردید؛ مردم هم رأی دادند. رأی را هم ـ همان‌طور که عرض کردم ـ در حقیقت مردم به اسلام دادند و نام جمهوری اسلامی را حاکی از اسلام دانستند؛ لذا آرایشان را به نام جمهوری اسلامی در صندوق ریختند.

دنیا چنین نظامی را نمی‌شناخت و تا آن وقت سابقه نداشت. البته به نام جمهوری اسلامی، قبل از ما باز هم در دنیا کشورهایی بودند. هم در آسیا و هم در آفریقا، کشورهایی وجود دارد که عنوان رسمی آن، جمهوری اسلامی است. شاید کسانی در دنیا و حتّی کسانی در داخل کشور هم بودند که در اول کار تصور می‌کردند که این جمهوری اسلامی هم مثل آن دو جمهوری اسلامی است که قبلاً تشکیل شده بود و اسمش اسلامی است و در عمل هیچ‌گونه فرقی با کشورهای غیراسلامی ندارد؛ نه مجلس و دستگاه قانونگذاری آن موظف است که قوانین را بر اساس شریعت اسلام وضع کند؛ نه رؤسای این کشورها موظفند که اسلام را ترویج بکنند و نه مردم از این دولتها توقع اجرای احکام اسلامی دارند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱/۱۰

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی، شکست جهان دوقطبی

تا قبل از آن [برقراری نظام جمهوری اسلامی]، دنیا دو نوع حکومت را در طول سالهای متمادی تجربه کرده و پذیرفته بود؛ یکی دمکراسیهای غربی، و دیگری حکومتهای کمونیستی. در دوران قدیم، سلاطینی بودند که با استبداد رأی حکومت می‌کردند؛ بدون این‌که قانونی برایشان وجود داشته باشد؛ قانون را هم خودشان وضع می‌کردند و اراده‌ی آنها، کارگزار و حاکم مطلق در بین مردم بود. این، یک روش مرتجعانه و باستانی در حکومت است؛ اگرچه همین امروز هم کشورهایی هستند که با همین روش، اما با شکلها و نامهای مختلف اداره می‌شوند و قبل از انقلاب، کشور خود ما با همین روش اداره می‌شد. بعد از آن‌که کشورهای مترقی عالم توانسته بودند از این‌گونه استبدادها خودشان را خلاص بکنند، دو نوع حکومت را تجربه کرده بودند و می‌شناختند: یکی دمکراسیهای غربی، که در کشورهای غربی و اقمار آنها رایج بود؛ یکی هم حکومتهای کمونیستی، که خودشان اسمش را حکومتهای کارگری گذاشته بودند؛ اگرچه در رأس این حکومتها، اعیان و

www.ourpresident.ir

اشراف بودند، نه کارگران، و در بالای هرم آن قدرتها، کسانی که قدرترانی و حکمرانی می‌کردند، با همان سلاطین و رؤسای غیرسبک خودشان تفاوتی نداشتند!

این دو اردوگاه غرب و شرق، با یکدیگر هم بشدت مقابله داشتند و همدیگر را نفی می‌کردند؛ اما وقتی جمهوری اسلامی ـ این سبک جدید حکومت ـ پدید آمد، هر دو اردوگاه با حیرت و سپس با وحشت، در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار گرفتند!

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱/۱۰

www.ourpresident.ir

خصوصیات جمهوری اسلامی

علت چه بود؟ علت این بود که جمهوری اسلامی، دارای خصوصیاتی بود که هر دو سبک حکومت رایج در آن دو اردوگاه را نفی می‌کرد و آنها را برای زندگی بشر، غلط و مضر می‌دانست و آن را اعلام می‌کرد. به عبارت دیگر، آن دو سبک حکومت که در شرق و غرب رایج بودند، مشترکاتی داشتند و فرهنگ عمومی در این کشورها یکسان بود. آن فرهنگ، عبارت از کشاندن آحاد مردم به غفلت و رها کردن زمام شهوات و هواهای نفسانی بود. این، چیزی بود که در هر دو سبک حکومت وجود داشت و وجود دارد. این، فرهنگ مشترک شرق و غرب است.

با این خصوصیات مشترک، اسلام مخالف بود و اعلام مخالفت کرد و گفت که حکومت جمهوری اسلامی، استقلال کامل ملّت تحت تابعیت خود را تضمین و تأمین می‌کند. این استقلال کامل، شامل استقلال سیاسی و اقتصادی و بالاتر از همه، استقلال فرهنگی است. یعنی جمهوری اسلامی، به این اکتفا نکرد که حکومتی را مستقل از قدرتها به وجود بیاورد؛ این قدم اول است.

www.ourpresident.ir

۱. استقلال سیاسی

کشورهایی که به استقلال می‌رسند، قدم اول استقلال آنها همین است که نظام سیاسی خودشان را مستقل کنند؛ یعنی حکومتی مستقل از نفوذ قدرتهای بیگانه به وجود آورند. به این هم اکتفا نکرد که در جهت استقلال اقتصادی حرکت بکند.

۲. استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی، از استقلال سیاسی مشکلتر و دیریابتر است. می‌بینید که به آسانی نمی‌شود رشته‌های نفوذ و سلطه‌ی اقتصادی قدرتها و دولتهای بیگانه را قطع کرد. اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان، دانش، تخصص، همکاریهای علمی و فنی بین‌المللی و بسیاری از چیزهای دیگر دارد. کشورهای انقلابی و کشورهایی که تازه به استقلال می‌رسند، برای به دست آوردن همه‌ی این مقدمات و ابزار استقلال اقتصادی، دچار زحمت و دردسرند.

کشور ما از ساعت اول، در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. درست است که قبل از انقلاب، تسلط حکومتهای وابسته، یک اقتصاد کاملاً وابسته‌ی به غرب و بخصوص امریکا را در این کشور رشد داده بود و بریدن این رشته‌ها کار بسیار دشواری بود؛ اما این رشته‌ها بریده شد و ما توانستیم در جهت استقلال اقتصادی حرکت کنیم.

البته تا رسیدن به یک استقلال اقتصادی کامل، هنوز فاصله داریم و مردم باید کار کنند، جوانان باید درس بخوانند، متخصصان باید تلاش نمایند و کسانی که می‌توانند در این مقصود مهم ملی کمک کنند ـ هر گونه کمکی ـ آن را باید انجام دهند.

www.ourpresident.ir

برای یک کشور، استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه‌ی این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود.

بیشتر کشورهای انقلابی در قرن معاصر، متمایل به شرق بودند. اینها از دولتها و قدرتهای شرقی استفاده می‌کردند. مثلاً وقتی که چین انقلاب کرد، تا ده سال بلکه بیشتر، کشور شوروی ـ که برادر بزرگ او محسوب می‌شد و در انقلاب سوسیالیستی پیشگام بود ـ به چین کمک اقتصادی و فنی می‌کرد و متخصص و کارشناس به آن کشور می‌فرستاد. سایر کشورهای کمونیستی هم همین‌گونه بودند. اما جمهوری اسلامی، برای بریدن رشته‌های پیوند و وابستگی اقتصادی خود، فقط به اراده‌ی نیرومند ملّت خویش و استعداد درخشان ایرانیان متکی بود و هست. پس، در راه استقلال اقتصادی، ملّت ما پیش رفت و باز هم پیش می‌رود و بحمدالله برنامه‌ریزیها در همین جهت حرکت می‌کند و باید هم بکند.

۳. استقلال فرهنگی

اما از همه‌ی اینها مهمتر، استقلال فرهنگی بود. جمهوری اسلامی، از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد غربی نخواهد رفت. این نکته را من عرض کنم که سلطه‌ی واقعی قدرتها، سلطه‌ی فرهنگی است. یعنی اگر ملّتی بتواند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات خود را، و در مرحله‌ی بالاتر، زبان و خط خویش را در ملّت دیگری نفوذ بدهد، بر آن ملّت مسلط است و سلطه‌ی او، یک سلطه‌ی حقیقی است؛ کاری که در دوره‌یی از این دویست سال گذشته فرانسویها با کشورهای دیگر کردند، و در یک دوره‌ی دیگر انگلیسیها کردند، و در این اواخر امریکاییها انجام دادند؛

www.ourpresident.ir

یعنی زبان و خط و فرهنگ و روشهای زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر کردند. اگر کشوری از لحاظ اقتصادی هم مستقل باشد و وابسته‌ی به قدرتها نباشد، اما چنانچه قدرتهای بیگانه بتوانند فرهنگ خودشان را در این کشور نفوذ بدهند، بر آن مسلطند.

فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه‌روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم.

اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است. ما نمی‌خواهیم اینها را از غربیها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. جمهوری اسلامی، از اول این را نشان داد.

در غرب، ارتباط بی‌بندوبار زن و مرد، یک کار رایج است و عدم حجاب و واسطه و فاصله‌یی بین زن و مرد در معاشرتها، یک کار معمولی است. نمی‌گوییم که در کشورهای غربی، همه‌ی مردان یا زنان فاسدند. نه، چنین ادعایی نمی‌کنیم، چنین تهمتی نمی‌زنیم؛ واقعیت هم ندارد. در میان آنان، یقیناً مردان و زنان خوب و نجیب هم هستند؛ اما آزادی جنسی در جوامع غربی حاکم است. این، در آن‌جا یک فرهنگ است. در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی، یک امر مباح و مجاز و بی‌قیدوشرط است.

بعضی از کشورهای غربی، در این قسمتها خیلی هم پیش رفته‌اند و زندگی خودشان را به شکهای شرم‌آوری درآورده‌اند و البته پشیمانند. این چیزی است که متفکران و سیاستمداران و برنامه‌ریزان و مدیران کشورهای

www.ourpresident.ir

غربی در آن گیر کرده‌اند و واقعاً برایشان مشکل درست کرده است.

غرب، این فرهنگ و این خصلت و خو و عادت را به تمام کشورهای دیگر هم صادر کرد. در کشورهای دیگر، چنین فسادی نبود. در کشورهای اسلامی و حتّی کشورهای غیراسلامی شرق هم، چنین چیزی وجود نداشت؛ این را غربیها وارد کردند.

جمهوری اسلامی، در مقابل این مفاسد ایستاد و از اول اعلام کرد که به روابط بی‌بندوبار زن و مرد معتقد نیست؛ معتقد به وجود حجاب و روابط اسلامی میان زن و مرد است، و بر این مسأله هم پافشاری کرد. به نظر بعضیها، این یک مسأله‌ی فرعی و جزیی است؛ در حالی که اشتباه می‌کنند، این مسأله‌ی بسیار مهمی است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱/۱۰

www.ourpresident.ir

مقاومت جمهوری اسلامی در برابر فرهنگ غرب

در همین‌جا من عرض بکنم که یکی از مهمترین علل مخالفت شدید و خصمانه‌ی دولتهای غربی با جمهوری اسلامی، همین مسأله است. آنها روی این مسأله بسیار حساسند. اگر جمهوری اسلامی، در همین یک مسأله مقداری کوتاه می‌آمد و اجازه می‌داد که فرهنگ بی‌بندوبار غربی در زمینه‌ی روابط ناسالم زن و مرد در جامعه تحقق پیدا بکند، بسیاری از مخالفتهایی که مجامع سیاستمداری و غیرسیاسی غرب با جمهوری اسلامی دارند، کم می‌شد، یا بعضاً از بین می‌رفت.

شما می‌بینید که در همین کشور ما، یک روز بی‌حجابی را اجباری کردند؛ اما احدی در دنیا اعتراض نکرد که چرا بی‌حجابی را اجباری می‌کنید! در کشور همسایه‌ی ما ترکیه، بی‌حجابی را اجباری کردند و تا همین اواخر هم حتّی بعضی از دولتهای ترکیه، همین اجبار و الزام را ادامه می‌دادند ـ که نمونه‌هایی در همین سالهای اخیر دیده شد ـ اما هیچ‌کس در دنیا اعتراض نکرد و اعتراض نمی‌کند!

www.ourpresident.ir

بالاتر از این، در کشورهای اروپایی که خودشان را پیشرفته می‌دانند و در ادعا و تبلیغات، مسایل حقوق بشر و آرای انسانها برایشان حایز اهمیت است ـ یعنی فرانسه و انگلیس ـ اجازه ندادند که چند نفر زن یا دختر مسلمان، با حجاب اسلامی رفت و آمد کنند و به مدارس بروند! این‌جا اجبار و الزام را جایز می‌شمارند و در آن ایراد و عیبی نمی‌بینند؛ اما جمهوری اسلامی به خاطر این‌که حجاب را در جامعه الزامی می‌داند، همه‌ی این محافل، آن را مورد اعتراض قرار می‌دهند! اگر الزام زنان به شکلی از لباس و زیّ ایراد دارد، ایراد آن بیشتر از الزام به حجاب است؛ زیرا این به سلامت نزدیکتر است. حداقل این است که این‌دو، با یک نظر دیده بشود؛ اما غرب این‌طوری عمل نمی‌کند.

غرب، جمهوری اسلامی را به عنوان کشوری که در آن، لباس زنان شکل الزامی دارد، مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ اما آن دولتهایی که برهنگی و نبودن حجاب میان زن و مرد را الزامی می‌کنند، آنها را مورد انتقاد قرار نمی‌دهد! این برای چیست؟ برای همین است که این برخلاف فرهنگ پذیرفته شده‌ی غرب است. اینها روی این مسأله بشدت حساسند.

غرب، روی رواج مشروبات الکلی حساس است و آن را به عنوان یک نکته‌ی مثبت در ملّتها و در عادات و آداب آنها می‌شمارد. اگر در یک کشور، مشروبات الکلی ممنوع بود و مصرف کردن آن مجازات داشت، غربیها حساسیت نشان می‌دهند و این را ارتجاع به حساب می‌آورند؛ اما اگر در کشوری مشروبات الکلی آزاد و مجاز و رایج باشد و حکومت نسبت به آن حساسیتی نشان ندهد، بلکه ترویج بکند، این را مستحسن می‌شمارند!

الزام و اجبار مردم به روشهای گوناگون زندگی، تا آن‌جایی که با فرهنگ غربی منافات نداشته باشد، برای غربیها مجاز است و هیچ ایرادی ندارد. بارها عرض کرده‌ایم، غرب با کشورها و دولتهایی رابطه‌ی حسنه دارد که

www.ourpresident.ir

این دولتها و کشورها، از ابتداییترین روشهای دمکراسی هم محروم و دورند! الان اگر شما به همین منطقه‌ی خلیج فارس نگاه کنید، کشورهایی را می‌بینید که انتخابات ندارند، مجلس قانونگذاری ندارند، رئیس کشور را مردم انتخاب نمی‌کنند ـ ارثی انتخاب می‌شود؛ مثل روشهای عهد دقیانوس! ـ قوانین کشور را پارلمان و نمایندگان مردم وضع نمی‌کنند، بلکه امیر و سلطان وضع می‌کنند؛ اما نه دولتهای غربی و نه مجامع به اصطلاح حقوقی که برای دفاع از آزادیها و حقوق بشر تشکیل شده‌اند و کار می‌کنند، نسبت به اینها هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند!

این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران، مستقلترین و قویترین پارلمان و مجلس شورا را دارد. در کمتر کشوری، و شاید بتوانم بگویم که در هیچ کشوری در دنیا، شما پارلمانی به قوّت و استقلال مجلس شورای اسلامی ما پیدا نمی‌کنید. پارلمانهایی که به وسیله‌ی احزاب اداره می‌شوند، فرد وکیل و نماینده، تابع نظر حزب است؛ اما در این‌جا حزبی هم در کار نیست، بلکه جناحهای سیاسی هستند؛ اما هیچکدام از جناحها، بر رأی آن نماینده‌ی مجلس سلطه ندارند؛ او خودش به صورت آزاد و مستقل انتخاب می‌کند. ما در دنیا، کجا چنین مجلسی را داریم؟

انتخابات آزاد برای تعیین رئیس‌جمهور کشور، در دنیا کم‌نظیر است. آحاد مردم پای صندوقهای رأی می‌روند؛ بدون این‌که تبلیغات حزبی در ذهن آنها اثر داشته باشد. یک نفر را که شناختند، فهمیدند و تجربه کردند، برای مدتی به ریاست جمهوری انتخاب می‌کنند. در کجای دنیا چنین چیزی هست؟

در بعضی از کشورها که انتخابات ریاست جمهوری به وسیله‌ی احزاب وجود دارد، مردم حتّی آن کاندیدای ریاست جمهوری را نمی‌شناسند! حزب کاندیدایی را معرفی کرده، مردم هم چون به این حزب عقیده دارند، یا

www.ourpresident.ir

دوست دارند، یا قبول دارند، یا انگیزه‌های دیگری دارند، این کاندیدا را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب می‌کنند؛ اما در این‌جا این‌طور نیست. پس، آزادانه‌ترین انتخابات، مستقلترین مجلس، مردمیترین حکومت، در جمهوری اسلامی است.

در این‌جا، آحاد مسؤولان کشور، با مردم در رابطه‌ی نزدیک و صمیمانه هستند، خودشان را خدمتگزار مردم می‌دانند، مردم هم به آنها علاقه دارند. زندگی مسؤولان کشور، یک زندگی مردمی و متوسط است؛ زندگی اشرافی و مثل بقیه‌ی مسؤولان کشورها در دنیا نیست.

یک چنین کشور مردمی، یک چنین حکومت مردمی، یک چنین کشور دارای انتخابات آزاد، چون از لحاظ فرهنگ با غرب مخالف است، حتّی غربِ معتقد به دمکراسی، حاضر نیست این نقاط ضعف(!) را در جمهوری اسلامی ببیند! این همه برای آن است که جمهوری اسلامی از اول اعلام کرد که فرهنگ بیگانه و فرهنگ غربی را قبول نخواهد کرد.

جمهوری اسلامی با این خصوصیات، در روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ اعلام وجود کرد و امروز یازده سال است که مشغول ادامه‌ی حیات و رشد و تکامل است. تمام قدرتهای ضد اسلامی، با این جمهوری اسلامی مخالفت کرده‌اند. همیشه ما در این چند سال گفته‌ایم که کمک غرب و شرق در جنگ تحمیلی به رژیم و ارتش عراق، به خاطر ترس از اسلام و دشمنی با اسلام بود. سالها ما این حرف را در همین تریبون نمازجمعه و جاهای دیگر تکرار کرده‌ایم. شاید بعضیها برایشان سخت بود که این حرف را قبول کنند؛ اما امروز تبلیغات جهانی به این قضیه تصریح می‌کند. امروز روزنامه‌ها و مطبوعات و خبرگزاریها، این نکته را صریحاً می‌نویسند. در همین خبرهای یکی، دو هفته‌ی اخیر، بارها روزنامه‌نگاران و مطبوعاتچیها و خبرگزاریها گفتند که غرب به خاطر دشمنی با اسلام و ترس از اسلام مبارز، به عراق

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

کمک کرد، تا نگذارد که جمهوری اسلامی در جنگ به پیروزی قاطع نظامی دست پیدا کند و عراق را از صحنه خارج نماید. به این موضوع، اقرار و اعتراف می‌کنند.

جمهوری اسلامی، در مقابل این همه خصومت و دشمنی، با قدرت و استحکام ایستاد، ضعیف نشد، بلکه قویتر شد و در خارج از وجود خود، مسلمانان را هم بیدار کرد و ما امروز شاهد بیداری مسلمین هستیم. همیشه عرض کرده‌ایم، باز هم تأکید می‌کنیم که این دوران، دوران پیشرفت و بیداری و پیروزی اسلام و مسلمین است، و این به برکت جمهوری اسلامی است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱/۱۰

www.ourpresident.ir

چهار عامل موفقیت جمهوری اسلامی

عواملی که در این یازده سال، ملّت ایران و جمهوری اسلامی را موفق کرد، چند چیز بوده است. پایبندی به اسلام، رهبری بی‌نظیر امام راحل عظیم بزرگوارمان (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، مجاهدت و فداکاری شما مردم، ناآشنایی دشمن با رموز اعتقادات اسلامی، از جمله‌ی این عوامل است. این ناآشنایی دشمن هنوز هم هست، این ایمان بحمدالله هنوز هم وجود دارد، این فداکاری هنوز هم مشاهده می‌شود. با وحدت کلمه، این راه را ادامه بدهید؛ دنیا در انتظار شماست.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱/۱۰

www.ourpresident.ir

سرچشمه‌ی انقلاب اسلامی

در همین مقطع [غلبه‌ی ماده‌گرایی در جهان] که همه‌ی محاسبات مادّی نشان می‌داد که آینده‌ی بشریت آن است، ناگهان حادثه‌یی اتفاق افتاد. این حادثه، در اول توجه دنیا را خیلی هم به خودش جلب نکرد؛ امّا برخلاف انتظار تفسیرکنندگان و بینندگان، روزبه‌روز حجم و معنا و محیط تسلط و تصرف او وسیعتر شد و ناگهان به یک انفجار در یک نقطه‌ی عالم منتهی گردید. آن‌وقت، صاحبان قدرت جهانی احساس کردند که تا حالا در ارزیابی این پدیده اشتباه می‌کردند. به فکر علاج افتادند، ولی دیگر نتوانستند. آن حادثه چیست؟ حادثه‌ی نهضت روحانیت و نهضت دین در ایران در سال ۱۳۴۱.

آن روزی که این حادثه اتفاق افتاد، کسی در دنیا برای آن اهمیتی قایل نشد. حتّی آن وقتی که پانزده‌ی خردادی به وجود آمد و آن کشتار و آن مسایل اتفاق افتاد، در دنیا آن‌قدر انعکاسی پیدا نکرد. نه کسی را خیلی امیدوار کرد، نه کسی را خیلی ترساند. شعله‌یی بود، بعد هم دیدند مثل این‌که

www.ourpresident.ir

فروکش کرد. مانند آن‌که شعله‌ی تراشه و پوشال و ترکه و کارتن و مقوا، یک‌مرتبه می‌گیرد و بعد از چند لحظه هم فرو می‌نشیند و همه خیال می‌کنند تمام شد؛ غافل از این‌که آن هیزمها و کُنده‌های بسیار قطور و آتشدار، زیر این شعله‌ها بود. آنها گرفته، کسی هم درست ملتفت نیست و لحظه‌به‌لحظه هم آتشِ ماندگار و دیرپا تولید می‌کند. این آتشها تولید شد، تا به بیست‌ودوم بهمن و تشکیل جمهوری اسلامی رسید و ناگهان کشوری بر اساس دین و معنویت ایجاد شد که دیگر وقت گذشته بود. یعنی به مجردی که این نظام به وجود آمد، برای دشمنان دین و معنویت، کار از کار گذشت و هرچه ضربت زدند و مظلومش کردند، نفوذ معنویش و توجه دلهای مسلمین در دنیا به آن بیشتر شد. آتشهایی در این‌جا و آن‌جا گرفت و شاید بعضی هم خودشان درست ندانند که از کجا سرچشمه گرفت.

بیانات در دیدار با روحانیون و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان مازندران ـ ۶۹/۲/۲۲

www.ourpresident.ir

دستی از غیب در ظهور امام

واقعاً امام(ره) انسان عجیبی بود. اصلاً پیدایش و وجود این انسان با آن ابعاد، هیچ قابل تحلیل نیست؛ جز این‌که بگوییم تفضل الهی بود. خدای متعال، برای این‌که چرخشی در تاریخ و در حرکت قافله‌ی عظیم بشری به وجود بیاورد، دستی باید از غیب ظاهر می‌شد؛ این دست را ظاهر کرد. اگر کسی در ابعاد شخصیت و وجود امام(ره) درست دقت کند، حقیقتاً جز این، هیچ توجیهی ندارد.

برگزاری سالگرد، بایستی از ابعاد ممکن ـ آنهایی که ممکن نیست، هیچ ـ نمایشگری از شخصیت و عظمت امام باشد و ظاهراً همین‌طور هم خواهد بود. تلاش شما، انجام وظیفه‌یی است که می‌کنید، باید هم بکنید؛ هرچه هم بکنید، واقعاً کم است؛ اما اعتقادم این است که خدای متعال، خودش سالگرد را اداره می‌کند و اداره خواهد کرد. این کارهای مربوط به امام، دست خود خداست. با ذهن بشر، اصلاً نمی‌شود آنها را محاسبه کرد. من که در تمام

www.ourpresident.ir

دوران زندگی ایشان و بعد هم در این حوادث بعد از فوتشان، این‌طور فهمیدم.

بیانات در دیدار با اعضای ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱

www.ourpresident.ir

ناسازگاری انقلاب با نظام سلطه

انقلاب اسلامی و ملّت عظیم‌الشأن ایران نشان دادند که با نظام سلطه و تبعیض و ستم و ناهنجاری کنونی وضع سلطه‌های عالم، سرِ سازگاری ندارند. انقلاب ما به صراحت گفته که زورگویی را از هیچ‌کس قبول نمی‌کند. ملّت ایران فریاد کشیدند که ستمگران و دستگاههای فاسد قدرت جهانی را که می‌خواهند به ملّت ما و ملّتهای مظلوم زورگویی کنند، به رسمیت نمی‌شناسند و زیر بار قدرت آنها نمی‌روند.

بیانات در مراسم اعطای نشان فتح به تعدادی از فرماندهان عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس، به مناسبت آزادی خرمشهر ـ ۶۹/۳/۳

www.ourpresident.ir

مقایسه‌ی تحلیلی انقلاب اسلامی با انقلابهای دیگر

ملاحظه کنید، انقلاب اسلامی در کشور ایران کاری کرد که در هیچ جای دنیا نظیر آن کار انجام نشده است. من که این نکته را عرض می‌کنم، شاید بتوانم بگویم که سرگذشت همه‌ی انقلابهای دوران انقلابات ـ یعنی قرن بیستم ـ را خوانده‌ام و یادم نمی‌آید که ماجرای یکی از انقلابهای این کشورها را نخوانده و ندانسته باشم. از انقلاب کشور روسیه و شوروی گرفته، تا آنچه که در هند و مصر و کشورهای امریکای لاتین و دیگر کشورهای آفریقایی و آسیایی پیش آمد.

در هیچ‌کدام از این کشورها، آن حادثه‌یی که در ایران اتفاق افتاد، اتفاق نیفتاد. اسم همه‌ی اینها، انقلاب بود. یعنی مثلاً انقلاب در ایران و انقلاب در شوروی، واقعاً مشترک لفظی است، ولی اصلاً یک کار انجام نشده؛ دو کار انجام شده است. آنچه که در ایران اتفاق افتاد، با آنچه که در کشور شوروی در سال ۱۹۱۷ اتفاق افتاد و منجر به انقلاب مارکسیستی و کمونیستی شد،

www.ourpresident.ir

بکلی متفاوت است. البته اینها مشترکات و وجوه تشابهی با هم دارند؛ اما حقیقتشان یک چیز نیست.

انقلاب روسیه

حالا اگر من بخواهم وارد این بحث بشوم و فرقهایش را بگویم، می‌ترسم از اصل مطلب دور بمانم. اگر بخواهیم اجمالاً مطرح کنیم، باید بگوییم در آن انقلابی که در کشور شوروی اتفاق افتاد، محور و عامل قضیه، عبارت از حزب یا تشکیلاتی بود که با ایدئولوژی و تفکر خاصی، در رأس و رهبری کشور قرار داشت. آنها سالها کار کردند، بعد هم آمدند وارد میدان شدند و درحقیقت روی یک حرکت مردمی اثر گذاشتند و بعد هم از آن حرکت مردمی، بُل گرفتند.

بنابراین، استفاده‌ی واقعی را آنها بردند که در رأس کار آمدند و حکومت کردند. آنها در مقابل مردم هم هیچ تعهدی نداشتند. اصلاً از اول، به مردم اجازه‌ی نفس‌کشیدن ندادند. در ایدئولوژیشان هم این هست؛ دیکتاتوری پرولتاریا. یعنی آن قوّه‌ی ـ به قول و ادعای آنها ـ کارگری که در رأس کار قرار می‌گیرد، اصلاً دیکتاتوری می‌کند و به کسی اجازه‌ی نفس کشیدن نمی‌دهد. آن‌که فعال مایشاء است، همان رأس قدرت و هیأت حاکمه می‌باشد که عبارت از یک حزب است.

واقعاً مردم در انقلاب روسیه و در کنار حزب، چه‌کاره بودند؟ قضیه این بود که قبل از حکومت کمونیستها، حکومت معروف تزارها در رأس کار قرار داشت که زیاد فساد و ظلم می‌کرد، ولی درعین‌حال مردم زندگی می‌کردند؛ یعنی هیچ نشانه‌یی از این‌که بناست این اوضاع تغییر کند، وجود نداشت. حادثه‌یی پیش‌آمد کرد که عبارت از کمبود نان بود. حالا تشکیلات دولتی، یا خیانت کردند و یا بی‌عرضگی نشان دادند. البته در بحبوبه‌ی جنگ بین‌المللی

www.ourpresident.ir

اول بود و حکومت روسیه با آلمان و اتریش و آن گروه جنگ بین‌المللیِ اول می‌جنگید. ناگهان، این طرف، کمبود نان پیدا شد و در شهر مسکو نان کم آمد و مردم به خاطر گرسنگی، از خانه‌ها بیرون آمدند. این، واقعیت و متن تاریخ است و ادعا نیست. آن حزب هم از بلبشوی اوضاع جنگ استفاده کرده بود و کسانی را به داخل کشور فرستاده بود. تا دیدند که قضیه این‌طوری است، به مسأله رنگ سیاسی دادند و جنجالی درست کردند. بعد هم با طرح شعارها و هدایت حزبی، مردمی را که برای نان ـ نان به معنای واقعی، یعنی قرص نان ـ شورش کرده بودند، علیه حکومت تحریک کردند. به عبارت دیگر، اگر در آن‌جا نان پیدا می‌شد و به مردم می‌دادند می‌خوردند، شورش تمام شده بود! این، حادثه‌ی روسیه بود.

چه‌قدر خطا می‌کنند کسانی که وقتی می‌خواهند انقلاب اسلامی را تحلیل کنند، می‌روند از سوابق و اندوخته‌های ذهنی خودشان نسبت به انقلابهای دیگر استفاده می‌کنند، تا این انقلاب را تحلیل کنند؛ درحالی‌که اصلاً این انقلاب، با آن ابزارها قابل تحلیل نیست. در انقلاب روسیه، قضیه‌ی نان بود؛ بعد هم آن گروه آمدند مردم را تحریک کردند. پیداست که یک گروه متشکلِ سیاسیِ ایدئولوژی‌دارِ زرنگِ کهنه‌کار و سابقه‌دار در مبارزه، وقتی بخواهند یک عده مردم را آنتریک کنند، راه بیندازند، به آنان شعار یاد بدهند و سیاسیشان بکنند، راحت می‌توانند. زمینه‌ی مردم آماده بود، اینها هم نانها را در تنور گرم چسباندند، بعد هم خودشان کندند و استفاده بردند. این، انقلاب شد! غالب انقلابهایی که در دنیا اتفاق افتاده، یا چیزی شبیه این است ـ حتّی با نقش کمتری برای مردم ـ یا یک کودتاست.

انقلاب در کشورهای جنوب آفریقا

من به کشورهای انقلابی جنوب آفریقا ـ که پنج، شش کشورند ـ رفته‌ام

www.ourpresident.ir

و با رهبران انقلابی اینها دیدار کرده‌ام و خانه‌ها و قصرها و زندگی و ذهنشان را دیده‌ام و ساعتها با آنها حرف زده‌ام و درست تجربه‌شان کرده‌ام. دیدم همان‌گونه که ما انتظار داریم ـ که بیش از آن، اصلاً نمی‌شود انتظار داشت ـ یک گروه با تفکر چپ، یک کودتای نظامی کرده‌اند و یک حرکت نظامی چریکی یا منظم انجام داده‌اند، بعد هم قدرت را در دست گرفته‌اند و جای قدرتمندانِ قبل از خودشان نشسته‌اند.

قصری که قبلاً حاکم پرتغالیِ در کشور موزامبیک در آن استقرار داشت و حکومت می‌کرد، همان قصری بود که «سامورا ماشل»، رهبر انقلابی موزامبیک ـ که بعد هم کشته شد ـ در آن‌جا زندگی می‌کرد. او از من هم در همان قصر پذیرایی کرد و من دیدم که وضع با گذشته فرق نکرده است. در آن‌جا فرشی بود که من مشغول نگاه کردن به آن شدم. گفت: این، از آن فرشهایی است که از زمان پرتغالیها مانده است. دیدم نه فقط در همان قصر و در همان زندگی و در همان تشریفات زندگی می‌کردند، بلکه به همان روش هم زندگی می‌کردند! انگارنه‌انگار که اینها یک گروه انقلابی و مردمیند؛ که واقعاً مردمی هم نبودند و اصلاً در آن‌جا از مردم خبری نبود.

ما وقتی می‌خواستیم وارد سالن میهمانی بشویم، دیدیم در کنار درِ بزرگی که این سالن را به سالن پذیرایی وصل می‌کرد، دو نفر ایستاده‌اند؛ درست مثل غلامهای افسانه‌یی در دربار سلاطین که در آن، حاکم پرتغالی هم همان‌طور زندگی می‌کرده است. واقعاً دو نفر غلام سیاه بودند. حالا این دو نفر، سیاه بودند؛ اما دیگر غلام نبودند؛ چون خود حاکم هم از همان گروه بود. این دو نفر مأمور با لباسهای مشخصی، غلامگونه دو طرف در ایستاده بودند و باید طوری عمل می‌کردند که وقتی سلطان ـ یعنی همین رهبر انقلابی ـ با میهمانش که من بودم، در مقابل این در می‌رسیدیم، این دو لتِ در به‌طور

www.ourpresident.ir

برابر و طاقباز، باز شده باشد و اینها در حال تعظیم باشند و همین کار را هم کردند! من لبخند می‌زدم و نگاه می‌کردم؛ بعد هم با او ـ که خودش را مثل همان حاکم پرتغالی، با همان ژستها گرفته بود ـ وارد سالن میهمانی شدیم. همه جا همین‌طور بود.

مسافرتهایی که من به خارج از کشور می‌کردم، غالباً به همین کشورهایی بوده است که به اصطلاح در آن‌جاها انقلابی اتفاق افتاده است. مثلاً لیبی، الجزایر، موزامبیک، زیمبابوه، چین و کره‌ی شمالی، غالباً از این قبیل بوده است. ما زندگی و تفکر و رابطه‌ی رجال و رهبران انقلابی با مردم را از نزدیک دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم. هیچ‌کدام از اینها، مصداقی برای آن مفهومی که از یک انقلاب و حکومت مردمی در ذهنمان هست، نیست. لذا وقتی هم می‌میرند، تشییع جنازه‌شان، همان تشییع جنازه‌یی است که برای سلاطین انجام می‌گیرد، و نه چیزی بیشتر. از مردم خبری نیست. مردم در هیچ قضیه‌یی از قضایای این کشورها، نقش و حضور ندارند؛ چون در انقلابشان، مردم نقش و حضور نداشتند. کودتایی شده، حزبی سر کار آمده، قدرت را به دست گرفته، رقبایش را از بین برده و گاهی سالها با هم رقابت کرده‌اند و جنگ قدرت به راه انداخته‌اند.

این جنگ قدرتی هم که در تلکس خبرگزاریها منعکس می‌شود و می‌بینید که دایماً امریکا و بی.بی.سی و سایر خبرگزاریها و رادیوها آن را مطرح می‌کنند، به خاطر آن است که این بی‌عقلها، آن را در دنیا دیده‌اند و نسخه‌اش را در این‌جا جستجو می‌کنند! اصلاً در این‌جا، رابطه چگونه است؟ در ایران هم بعضی از افراد، با یکدیگر مخالفند. بعضی با هم خوبند، بعضی بدند، بعضی خیلی بدند؛ اما نوع خوب بودنها، بد بودنها، دشمنی کردنها و رقابت کردنها، اصلاً آن نوع نیست؛ یک چیز دیگر است و قابل مقایسه با هم

www.ourpresident.ir

نیست. این را تحلیل‌گران نمی‌فهمند. آنچه که در ایران اتفاق افتاد، اینها نبود. در ایران، حقیقتاً متن مردم انقلاب را به دوش کشیدند و آن را به پیروزی رساندند. نسخه این است و همین نسخه الان در دنیا عمل می‌شود.

انقلابهای اروپای شرقی

این‌که من گاهی در بعضی از صحبتها گفته‌ام که آنچه در اروپای شرقی و در بعضی از جاهای دنیا پیش آمد، متأثر از انقلاب ماست، یک حرف خطابی نبوده؛ این واقعیت است. مثلاً آنچه که در کشور رومانی، یا بعضی از کشورهای دیگر اروپای شرقی پیش آمد، عبارت از حضور مردم بود که در مقابل سلاح گرم، با جسم و جان خودشان به خیابانها آمده بودند. کاربرد سلاح گرم از طرف گروه حاکم، این خاصیت را دارد که اگر با جسم انسانها مواجه شد، جسم انسانها در صورت مقاومت، بر آن فایق خواهد آمد و پیروز خواهد شد. هیچ جای دنیا هم، عکس این امکان ندارد.

در خفقان‌آمیزترین کشورها هم، اگر گروههای مردم ـ که با جسم خودشان، به مقابله‌ی با تفنگها آمده‌اند ـ فقط نوبتی چند مقاومت کنند و از میدان در نروند و از کشته شدن نترسند، پیروز خواهند شد؛ کمااین‌که در جاهای دیگر دنیا دیدیم همین‌طور پیروز شدند. آن‌جاهایی که پیروزی پیش نمی‌آید، به دلیل این است که مردم نمی‌آیند. مردم باید بیایند. آمدن گروهی از مردم، فایده‌یی ندارد؛ باید آحاد مردم راه بیفتند؛ همانی‌که شما در ایران دیدید. آنهایی که متخلف شدند، گروه و نبذی از مردم بودند. نمی‌شود گفت گروهی از مردم آمدند؛ نه، متن مردم آمدند. سایر کشورها هم از ایران یاد گرفتند.

سال ۶۴ یا ۶۵ که از این حرفها هیچ خبری در دنیا نبود، به یکی از این سیاستمدارهای آفریقا، همین مطلب را گفتم. شخص خیلی عاقل و واردی به نام «موگابه» در آفریقا هست که از سیاستمداران خیلی پخته است و با

www.ourpresident.ir

ایران و انقلاب هم روابطش خیلی خوب است. خودش و کشورش زیمبابوه، همیشه با انقلاب ما همراه بوده‌اند. شخص او و افرادش، آدمهای خیلی عاقلی هستند و با دیگر کشورها ـ تا آن‌جا که ما دیده‌ایم ـ خیلی فرق دارند. من با او صحبت می‌کردم و همین مطلب را گفتم. آن‌وقت، ما راجع به کشور آفریقای جنوبی صحبت می‌کردیم. مطرح کردم که تجربه‌ی ما یک تجربه‌ی استثنایی است و به اعتقاد من، آفریقای جنوبی هم جز این راهی ندارد که مردم به خیابانها بریزند و نترسند و فضا را بر گروه حاکم تنگ کنند، تا بر آنها فشار قهری وارد بیاید. یعنی وقتی که همه‌ی محکومٌ‌علیهم، در مقابل عده‌ی کمِ حکام آمدند و برخلاف میل آنها قرار گرفتند؛ یعنی نه به اداره‌شان رفتند، نه درِ دکانشان رفتند، نه به محل کار و کارگاهشان رفتند و به خیابانها آمدند، آن حاکم، دیگر هیچ کاری نمی‌تواند بکند؛ یا باید فرار کند و برود، یا خودکشی کند، یا تسلیم بشود و یا توبه نماید.

البته بحث ما، مثل این بحثهای عادی سیاسی که هرچه این‌طرف می‌گوید، آن‌طرف هم بگوید بله درست است و باز حرف خودش را بزند، نبود. ما در یک مذاکره‌ی دوستانه‌ی دونفره‌ی غیردیپلماتیک صحبت می‌کردیم. او کاملاً تصدیق کرد و گفت: من این حرف را صددرصد قبول دارم و تجربه‌ی انقلاب شما، تجربه‌ی موفقی است؛ منتها آفریقای جنوبی نمی‌تواند این‌طوری عمل کند. علتش این است که شما مذهب و ایمان به دین داشتید، یک رهبر مذهبی هم پیدا شد که با شجاعت و قدرت، از این عامل ایمان مردم استفاده کرد و انقلاب را به پیروزی رساند؛ ولی در آفریقای جنوبی، جای این عامل خالی است؛ که حرف بسیار درستی هم بود. گفت: در آن‌جا، مردم اعتقاد آن‌چنانی ندارند و عامل ایمان در وجودشان نیست و رهبری هم مثل رهبر شما پیدا نمی‌کنند.

www.ourpresident.ir

می‌خواهم عرض بکنم که این استثنایی بودن وضعیت، برای زبده‌ترین آدمهای دنیا قابل فهم است. متفکران و نویسندگان و شعرا و سیاسیون برجسته را هم که در دنیا می‌بینید راجع به انقلاب و امام، این‌طور با همه‌ی وجود شعر گفتند، حرف زدند، مقاله نوشتند، تمجید کردند، تحسین کردند، به همین خاطر است. اگر این حرفهایی که خارجیهای حسابی، راجع به امام و انقلاب گفتند، جمع بشود، چندین جلد کتاب می‌شود؛ منتها رسانه‌ها ـ این رادیوی بی.بی.سی و رادیوی امریکا ـ در دست صهیونیستها و یک عده از دشمنان سرسخت و صددرصدِ ماست و معلوم است که آنها این چیزها را منتشر نمی‌کنند، مگر به قدر ضرورت و این‌که یک‌وقت مجبور بشوند منتشر کنند.

آنچه که در دنیا نسبت به انقلاب وجود دارد، ستایش فوق‌العاده است. این، به‌خاطر همین است. انگیزه‌ی آنها، این بود. گاهی ماها تعجب می‌کردیم که یک شاعر درجه‌ی یک عرب شمال آفریقا ـ که خودش هم یک شخصیت سیاسی است ـ چه‌طور آمده یک قصیده درباره‌ی امام، یا در مدح تهران گفته است. این، چه ذوق و هنر و انگیزه‌یی است که یک انسان حسابی و یک آدم دارای معرفت و علم و مکانت و وزانت را وادار می‌کند این‌طور شعر بگوید؟ همه‌ی اینها، ناشی از خصوصیات انقلاب ماست.

انقلاب ما بر دوش مردم ـ به معنای واقعی کلمه ـ قرار دارد. همه‌ی ماها شاهد این واقعیت بوده‌ایم و هیچ‌کس بین ما خبر بیشتری از نفر دیگر ندارد. جمهوری اسلامی هم، همین‌طور پیش آمد. رابطه‌ی جمهوری اسلامی با مردم، با رابطه‌ی کشورها و حکومتهای دیگر، بکلی متفاوت است. مسؤولان درجه‌ی یک کشور، رئیس‌جمهور، وزرا و دیگران و دیگران، مظهر مردمی‌بودنشان این نیست که در کوچه و بازار راه بروند و مثلاً خودشان

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

گوشت و نانشان را بخرند. این طبیعی است که علاقه و مراجعات و احتیاج و عشق مردم نمی‌گذارد. کسی که اشتغال و کار دارد، باید هر دقیقه‌ی وقتش، صرف کارهای مهم بشود. معنا ندارد که بگویند شما چرا مثلاً ساعتهای متمادی نمی‌روید در مسجدی بنشینید، تا مردم بیایند به شما مراجعه کنند! این، عملی نیست. مظهر رابطه‌ی مردم با مسؤولان، اینها نیست.

بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ـ ۶۹/۳/۷

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، نسیم بیداری هویت اسلامی در جهان

تا پیش از پیدایش جمهوری اسلامی، به توده‌های عظیم مسلمان عالم تفهیم شده بود که اسلام قادر نیست برای آنان عزّت و عظمت بیافریند و آنان در جستجوی سعادت باید یا به دنبال الگوی غربی و فرهنگ اروپا و امریکا بروند و یا به سمت تئوریهای خیالی و پوچ مارکسیسم گرایش یابند؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و عزّت و عظمتی که تحقق اسلام به ملّت ایران بخشید، همه‌ی بافته‌های دیرینه‌ی استعمارگران غربی را باطل کرد و در عمل نشان داد که اسلام می‌تواند ملّتی را از ضعف و بی‌حالی و انظلام نجات بدهد و به اوج عزّت و شجاعت و اعتماد به نفس برساند و هم می‌تواند نظامی استوار و قادر بر زورآزمایی با قدرتهای مادّی جهان بر آنان ببخشد و دست قدرتهای ظالمانه و تحقیرکننده‌ی استعمار و استکبار را از سر آنان کوتاه کند. و چنین بود که جمهوری اسلامی به برکت اسلام، از پشتوانه‌ی مردمیِ نیرومندی در مقیاس جهانی برخوردار گشت و این به نوبه‌ی خود، بر توانایی و آسیب‌ناپذیری

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی ـ که همه‌ی سلطه‌های بزرگ جهانی، با آن سرناسازگاری دارند ـ افزوده است.

آثار پیروزی ملّت ایران در زورآزمایی قدرتهای جهانی با آن، به جهان اسلام منحصر نماند؛ بلکه در کشورهای غیرمسلمان و در نظامهایی که قفس آهنین استبداد حزبی یا ستم قومی اجازه نداده بود که مسلمانانِ آن کشورها حتّی مسلمانی خود را احساس کنند، نسیم هویت اسلامی وزیدن گرفت و ایمانهای خفته به جوش آمد و گلبانگ مسلمانی، خواب اهریمنان را برآشفت: «و تری الارض هامدة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت و انبتت من کلّ زوج بهیج».[1] پس، در ماجرای عظیم این ده‌سال گذشته، قهرمان اصلی اسلام است. و این رستاخیزی اسلامی است که جانهای مرده را بیدار کرده و زمینه را برای روزی آماده می‌سازد که در پاسخ به سئوال «لمن الملک»، در بسیط زمین از چهارگوشه‌ی عالم گفته شود: «لله الواحد القهّار»[2].

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۰

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۵.
۲. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۱۶.

www.ourpresident.ir

تفاوتهای انقلاب اسلامی با تلاشهای دیگر مصلحان

نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه)، به پیروی از شیوه‌ی نبی اعظم و رسول خاتم و قله‌ی آفرینش عالم و آدم، حضرت محمّد مصطفی ﷺ، در قالب یک انقلاب تمام‌عیار ظاهر شد و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌یی درست و منطقی استوار باشد، همچون آتشفشان، زلزله در تمام ارکان محیط پدید می‌آورد و همه چیز و همه‌جا و همه‌کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد.

مصلحان اسلامی و متفکرانی که در یکصدوپنجاه سال گذشته، تحت تأثیر عوامل گوناگون قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی و احیا و تفکر اسلامی را بردوش گرفتند ـ از قبیل سیّد جمال‌الدین و محمّد اقبال و دیگران ـ با همه‌ی خدمات ارجمند و گرانبهایشان، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به‌جای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی اکتفا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را نه با قوّت و قدرت انقلاب، که با تلاش

www.ourpresident.ir

روشنفکرانه و فقط با ابزار قلم و زبان جستجو کردند. این شیوه، البته ممدوح و مأجور بوده و هست؛ اما هرگز از آن، توقع نتایجی همچون نتیجه‌ی عمل پیامبران اولوالعزم را ـ که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده‌اند ـ نباید داشت. کار آنان، در صورت صحت و مبرا ماندن از عیوب سیاسی و نفسانی، تنها می‌توانست زمینه‌ساز یک حرکت انقلابی باشد و نه بیشتر. ولذا مشاهده می‌شود که سعی و تلاش بی‌حدوحصر مخلصان این گروه، هرگز نتوانسته حرکت معکوس و روبه انحطاط ملل مسلمان را متوقف کند، یا عزّت و عظمتی را که آنان از آن نام می‌آورده و در آرزویش آه و اشک می‌افشانده‌اند، به مسلمانان برگرداند و یا حتّی اعتقاد و باور اسلامی را در توده‌های مردم مسلمان تقویت کرده و نیروی آنان را در خدمت آن به‌کار گیرد و یا دامنه‌ی جغرافیایی اسلام را گسترش دهد. و این، بکلی از روش پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ جدا است و این بر هر کس که اندکی تاریخ بعثت و هجرت رسول معظم ﷺ را بداند، آشکار است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۰

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

مشترکات انقلاب اسلامی و ظهور اسلام

امام ما برای حیات دوباره‌ی اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگربه‌سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت درمی‌آید و تا رسیدن به هدف ـ یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت ـ ادامه می‌یابد: «هو الّذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدّین کلّه ولو کره المشرکون»[1].

در انقلاب اسلامی ایران، چند خصوصیت مهم وجود داشت که همه منطبق بر حرکت اسلامی صدر اول بود:

نخست، هدفگیری سیاسی؛ یعنی اراده‌ی قاطع بر حاکمیت دین خدا

۱. سوره‌ی صف، آیه‌ی ۹.

www.ourpresident.ir

و این‌که قدرت از دست شیطانهای ظالم و فاسد گرفته شود و حاکمیت و قدرت سیاسی جامعه بر اساس ارزشهای اسلامی شکل گیرد.

دوم آن‌که برای تحقق این هدف، از توده‌های مؤمن و آگاه و دردمند و فداکار ـ و نه از احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی ـ نیروی انسانیِ لازم گرفته شد و رهبر حکیم، نصرت را پس از توکل به خدا، از نیروی لایزال مردم جستجو کرد و در سایه‌ی مجاهدت پانزده ساله، جنود رحمان را از بندگان خدا به وجود آورد و در راه خدا به حرکت درآورد: «هوالّذی ایّدک بنصره وبالمؤمنین»[1].

سوم آن‌که خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب، یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی و استقلال سیاسی و استغنای اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در منظر همگان قرار گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که به معنای تبدیل واقعی و همه‌جانبه‌ی بنیانهای زندگی جاهلی به بنیانهای اسلامی است، مطرح گردید.

چهارم آن‌که رهبر حکیم و فقیه که عبد صالح و الگوی مسلمانی بود، خود پیشاهنگ این حرکت در ایمان و عمل شد و این ایمان، جان او را چنان لبریز کرده بود که توانست دلهای بی‌ایمان و ظرفهای تهی را از فیضان ایمان خود در صحنه‌ی عمل، لبریز و سیراب کند و فروغ ایمان و امید او، دیوارهای قطور یأس و بی‌ایمانی را بشکافد و فضای مبارزه و عمل را پُرکند: «امن‌الرّسول بما انزل الیه من ربّه»[2].

پنجم آن‌که صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کجروی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود، ناممکن ساخت و صراط مستقیم انقلاب به سمت هدفها، استوار و

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۲.
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۵.

www.ourpresident.ir

بی‌اعوجاج باقی ماند.

این، آن چیزی بود که در ایران اتفاق افتاد و رهبری که با تقوا و صدق عمل، توانسته بود تأیید و هدایت الهی را جلب کند، حرکت خود را شروع کرد و در ظرف پانزده سال مجاهدت و تلاش مستمر، توانست توده‌های عظیم مردم را بتدریج در خدمت هدف ـ که همان حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و اجرای احکام اسلامی بود ـ به حرکت درآورد و حکومت طاغوتی و فاسد و وابسته‌ی حاکم بر ایران را که از سوی قدرتهای استکباری و غارتگرِ ثروتهای کشور ما حمایت هم می‌شد، ساقط کرد و در ظرف یازده سال پس از پیروزی، با مجموعه‌ی پیچیده و بی‌نظیری از توطئه و خصومت و خیانت و تهاجم و تحریم و حمله‌ی نظامی و غوغای تبلیغاتی و غیره دست‌وپنجه نرم کرد و از این مصاف تاریخی، مظفر و منصور بیرون آمد و اکنون نظام جمهوری اسلامی که محصول تلاش عظیم امام و امت است، در اوج اقتداری که ناشی از مقاومت و سرسختی در برابر زورگویان و استغنا از غارتگران است، چشم دوست و دشمن را به خود جلب و دلهای مستضعفان و زجردیدگانِ همه‌ی مناطق عالم را مجذوب کرده است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۰

www.ourpresident.ir

انقلاب، ثمره‌ی شجره‌ی طیّبه‌ی اسلام

آری، راز بزرگ در اعتلای امروزین اسلام و بیداری عمومی مسلمین، این بود که در کانون این حرکت ـ یعنی ایران اسلامی ـ مولود مبارک انقلاب باردیگر از شجره‌ی طیبه‌ی اسلام به وجود آمد و محصول آن ـ یعنی جمهوری اسلامی ـ با بنیه‌ی مستحکمی که از ایمان اسلامی رهبر و ملّت یافته بود، در راه و جهت درست پایدار ماند و وسوسه‌ی شیطانها و تیغ خشم و کین آنان بر او کارگر نشد و با مظلومیتی قدرتمندانه و سرافراز، چهره‌ی منوّر خود را در برابر چشم جهانیان قرارداد و با وجود و بقا و استقامت و صلابت خود، مبلّغ اسلام شد.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۰

www.ourpresident.ir

مشخصات اسلام ناب

طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پُرجاذبه است و دلهایی را که آلوده‌ی غرض‌ورزی و کینه‌توزی نباشد، به خود جلب می‌کند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دلها و چشمهای نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند. در مدرسه‌ی انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرتها و آفت جان ملّتها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعونها و قارونها و خلاصه، اسلام کوبنده‌ی جباران و برپاکننده‌ی حکومت مستضعفان، سربرکشیده است.

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنّت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛

www.ourpresident.ir

اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجاتبخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جایگزین اسلام امریکایی گردید. و مطرح شدن اسلام بدین صورت و با این واقعیت و جدیت است که موجب خشم سراسیمه و دیوانه‌وار کسانی شده است که دل به زوال اسلام در ایران و در همه‌ی کشورهای اسلامی بسته بودند و یا از اسلام، فقط نامی بی‌محتوا و وسیله‌یی برای تحمیق و اغفال مردم را می‌پسندیدند. ولذا از روز اول پیروزی انقلاب تا امروز، هیچ فرصتی را برای تهاجم و ضربه زدن و توطئه و بدخواهی نسبت به جمهوری اسلامی و کانون حرکت جهانی اسلام ـ یعنی ایران ـ از دست نداده‌اند.

ملّت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوّت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب(رضوان‌الله‌علیه) بر آن تأکید شده است. خشم و غیظ عناداًمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پایبندی رهبر و ملّت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۰

www.ourpresident.ir

معارف انقلاب اسلامی ایران

...ملّت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپانگاهداشتن پرچم عزّت و شرف و ادامه‌ی راه پُرافتخاری که مجاهدات این ملّت شریف در برابر ملّتهای جهان، مخصوصاً مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل‌السحر توطئه‌های دشمنان برعلیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانیِ انقلاب و پاسداری از ارزشهای انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانیِ استکبار را عالمگیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس نیز ملّت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایق خواهد ساخت. و این همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر(اعلی‌الله کلمته) در بیانیه‌ها و اخیراً در وصیتنامه‌ی خود، همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.

اکنون، یک سال پس از رحلت آن پدر دلسوز و مرشد و معلم آگاه و حکیم، این‌جانب لازم می‌دانم اساسیترین معارف انقلاب را که همه در شمار

www.ourpresident.ir

بیّنات مکتب انقلاب و برخاسته از اصول و احکام اسلام است، یک‌بار دیگر به برادران و خواهران خود تذکر داده، همه‌ی ملّت انقلابی و شجاعمان را به توجه و اهتمام روزافزون نسبت به آنها دعوت کنم:

۱. تداوم یاد و راه امام

پیش از هر چیز، زنده داشتن یاد و راه و درس جاودانه‌ی امام خمینی (اعلی‌الله کلمته) است، که مشعل راه و ترسیم‌کننده‌ی خط اساسی حرکت و تعیین‌کننده‌ی شاخصهای اصلی و حیاتی این جاده‌ی مبارک و فرجام تابناک آن است. حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تبلور انقلاب اسلامی بوده و او خود و سخنش و انگشت اشاره‌اش، خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف‌کننده‌ی همه‌ی تردیدها بوده و همچنان خواهد بود. ملّت ایران و از همه بیشتر مسؤولان کشور، باید این درس بزرگ را هرگز از یاد نبرند.

۲. تلاش برای تحقّق جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی

این نهضت مردمی و انقلاب بی‌نظیری که در منتهای مبارزات پانزده‌ساله‌ی آن پدید آمد و حماسه‌ی عظیمی که در عمر یازده ساله‌ی این نظام به ظهور رسید و شهادت نفوس طیبه و تحمل آن همه دشواریها و شکنجه‌ها و مصیبتها از سوی ملّت مؤمن و مبارز ما، همه و همه به خاطر اسلام بود. این ملّت بزرگ و امام بزرگوارش، سعادت را در پیروی حقیقی از اسلام دانستند و حاکمیت اسلام را وسیله‌ی نجات از سلطه‌ی شیطانها و طاغوتها و ستمگران دیدند و رضای خدا را در پیگیری از حاکمیت اسلام جستجو کردند. ملّتهای مسلمان و مخلصان دلسوز در سراسر جهان اسلام نیز به خاطر اسلام بوده و هست که این انقلاب و این نظام را متعلق به خود دانسته و از

www.ourpresident.ir

آن حمایت و دفاع کردند و می‌کنند. ازاین‌رو، جمهوری اسلامی بزرگترین وظیفه‌اش آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق بخشد و جامعه را به صورت یک جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی درآورد.

برای عملی شدن این هدف ـ که گامهای اساسی و بلند آن، از آغاز پیروزی به وسیله‌ی همه‌ی دست‌اندرکاران و با اشراف و اهتمام شدید امام(رضوان‌الله علیه) برداشته شده ـ باید قوای سه‌گانه‌ی کشور هماهنگ و پیگیر عمل کنند و حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی و پژوهشی اسلامی، به تلاش وسیع دست زنند و سرچشمه‌ی پایان‌ناپذیر تفقه و اجتهاد آگاهانه و بصیر را در خدمت عمق و گسترش معارف اسلامی به کار گیرند و دستگاه فکری و عملی نظام جمهوری اسلامی، با هم و در کنار هم، جامعه را در راه اسلامی شدنِ روزافزون و به سمت هدفهای اسلامی پیش ببرند.

تمامی آحاد ملّت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی آن و سعی در گسترش و تعمیق آن در جامعه، دارای وظیفه‌یی بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسؤول احساس کند.

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاههای معنویت و تزکیه و هدایت، روزبه‌روز گرمتر و پُررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از

www.ourpresident.ir

تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسؤولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

۳. تلاش برای استقرار عدالت

فوریترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا، و محرومین، در سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است. و از همین‌جاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه‌ی مسلمانی و شعار پیروی از قرآن، راه دیگر جباران را پیموده و فاصله‌ی فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیا قرار گرفته و از درد فقرا و پابرهنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندانِ آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است.

در نظام اسلامی باید همه‌ی افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ‌کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم

www.ourpresident.ir

و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه‌ی بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب شود. هیچ‌کس به خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیا نینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند.

امام بزرگوار ما، این را یکی از اساسیترین مسایل جمهوری اسلامی دانسته و قویترین بیانات را در این‌باره ایراد نموده‌اند و این، خصوصیت غیرقابل تفکیک جمهوری اسلامی است. هیچ حایلی نباید بتواند مسؤولین نظام و مدیران بخشهای مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاستهای خائنانه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت بسر می‌برند، همواره صادقترین و با اخلاصترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده‌ی خود قرار دهد.

۴. وحدت کلمه، رمز پیروزی

وحدت کلمه، رمز پیروزی ملّت ایران در مراحل مختلف بوده و امروزه نیز مهمترین وسیله‌ی ملّت ما برای مقابله با تحریکها و توطئه‌هاست. باتوجه به سرگذشت دوران دهساله و تأمل در حوادث آن، که حاکی از آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی در برابر انواع توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی است، اهمیت وحدت و یکپارچگی ملّت و مسؤولان بیشتر آشکار می‌شود.

ملّت ایران و مدیران و گردانندگان کشور، باید بر گرد اصول اساسی نظام

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه‌ی توان و نیروی خود را برای تحقق و حراست از آن متمرکز کنند وهیچ خواسته و شعار و هیچ انگیزه‌ی فردی و گروهی و قومی و فرقه‌یی نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدفهای نظام جمهوری اسلامی باز دارد.

همه‌ی ملّت رشید ایران، مخصوصاً آنان که سخن و عملشان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرصوص ساخته، با وحدت و همکاری و با گامهای استوار، به سوی اهداف عالیه‌ی اسلام، قدرتمندانه حرکت کنند و دشمنان کمین‌گرفته را که مترصد فرصتند، مأیوس سازند.

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاستها و نیّات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاستهای جهانیند، برروی هر کلمه و هر اشاره‌یی که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباطهای دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به‌طور دایم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوّش و آلوده به اختلافات و زدوخورد داخلی از ایران اسلامی ـ که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم‌نظیری است ـ به مردم ایران و جهان ارایه دهند و زمینه‌ی دودستگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راهها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجر مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.

ملّت رشید ایران و مسؤولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس، گویندگان و نویسندگان، باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله‌ی حق بر ملّت ایران است، با همه‌ی وجود پاسداری کنند.

www.ourpresident.ir

۵. اصول سیاست خارجی: عزّت، کرامت

حفظ عزّت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملّت ایران در مناسبات بین‌المللی، یکی دیگر از نقاط اصلی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به‌وجود آورد:

اول این‌که هیمنه‌ی دو ابرقدرتِ آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولتهای ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به‌مرور در چشم ملّتها و دولتها به دست آورده بودند، بشدت تضعیف کرد.

دوم آن‌که به ملّتها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولتهای دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، بتدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از یازده سال، چهره‌ی سیاسی عالم را دگرگون کرده است، اما همه‌ی چشمهای تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملّتها در برابر زورگویی ابرقدرتها و شکستن بتهای قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سربرآوردن ارزشهای معنوی و الهی.

امروز که با دفن مارکسیسم و تلاشی بلوک شرق و قیامهای مردمی برضد حکومتهای استبدادی کمونیست، پیش‌بینیهای امام بزرگوار تحقق یافت و یکی از دو ابرقدرت از صحنه‌ی سیاست عالم حذف و به قدرت درجه‌ی دوم تبدیل گردیده و ابرقدرت دیگر هم از سویی با اوجگیری مقاومتهای مردمی در بسیاری از نقاط عالم، از جنوب و شمال آفریقا و فلسطین اشغالی تا اقصا نقاط شرق آسیا و از سوی دیگر، با گسترش روزافزون فساد و بی‌ایمانی و بی‌بندوباری، خلأ معنویت و تفکر مکتبی در داخل جامعه‌ی امریکایی و گسسته شدن رشته‌ی «مبارزه با کمونیسم» که همواره سردمداران

www.ourpresident.ir

امریکا می‌خواستند با آن، خلأ یک عقیده‌ی وحدتبخش را در میان ملّت خود پُر کنند و نیز از سوی دیگر، برهم‌ریختن محاسباتی که بر روابط اروپا و امریکا حاکم بود، موجب نفوذ دولت امریکا حتّی بر کشورهای اروپایی می‌شد، بشدت احساس خطر می‌کند و موقعیت خود را در جهان متزلزل می‌بیند.

برای حفظ این روندِ روبه اشتعال و تقویت روحیه‌ی ملّتهای اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچکترین تغییری در چهره‌ی باصلابت و موضع باعزّت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدران، از موضع قدرت و با دولتهای ضعیف، از موضع حمایت و با ملّتهای بپاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت امریکا را به مثابه‌ی رأس فتنه و استکبار و رمز غداری و شیطنت و به خاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنیش با بیداری و آزادی ملّتها و خصومت عمیق و جنایتبارش با ملّت ایران، محکوم و منفور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره‌ی تزویرآلود و رسوا کردن آن مدعیان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.

مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی اول بین‌الملل اسلامی است. امروز که مبارزات ملّت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش ربوده است، بزرگترین وظیفه‌ی ملّت و دولت ما و همه‌ی ملّتها و دولتهای مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده‌ی سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می‌توان ریشه‌کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن نجات داد. سکوت و سازش خیانت‌آلود بسیاری از دولتهای عربی و حتّی تظاهر بعضی از آنان به بی‌تفاوتی و عدم حساسیت نسبت به سرنوشت فلسطین، کار را به جایی رسانده است که دولت غاصب صهیونیست، پس از سالها کتمان و حتّی انکار، اکنون دوباره داعیه‌ی اسرائیل

www.ourpresident.ir

بزرگ را علناً بر زبان می‌آورد و با بی‌شرمی و وقاحت، نیت پلید غصب سرزمینهای جدیدی از میهن اسلامی را تکرار می‌کند.

بعضی از پادشاهان و رؤسای عرب، به خاطر جلب نظر معبودشان امریکا، حتّی انگیزه‌های عربی و عرق قومیت را که دایماً از آن دم می‌زنند، در برابر اسرائیل به فراموشی می‌سپارند و به جای آن، میدان مسابقه با اسرائیل در گرفتن کمک از امریکا را هرچه بیشتر گرم می‌کنند. این داغ ننگ را چه کسی از پیشانی ملّت عرب خواهد زدود؟ و آیا جوانان مسلمان بیدار در کشورهای عربی، این خیانت را بر خودفروختگان خواهند بخشید؟!

در نظر این زمامداران خائن، قومیت و وحدت عربی، فقط هنگامی باید مورد استفاده قرار گیرد که امریکا بخواهد از آن در برابر ایران اسلامی و اسلام ناب محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله بهره‌برداری کند. اُف بر وجدانهای خفته و دلهای ناپاکی که لطف و عنایت امریکا را به قیمت ازدست‌دادن همه چیز، هم ثروتهای خداداد طبیعی، هم شأن و کرامت انسانی و ایمان اسلامی و آبرو و اعتبار و تشخص ملّت خود طلب کردند و با کفران نعمتهای خدا، خود و ملّتهایشان را در سراشیب انحطاط و ابتلا به غضب الهی دچار ساختند. «الم تر الی الّذین بدّلوا نعمت‌الله کفراً واحلّوا قومهم دارالبوار. جهنّم یصلونها و بئس القرار»[1].

چه شد آن شور و هیجانی که در برابر اسرائیل غاصب ابراز می‌شد؟ و چه شد تعهدی که رؤسای عرب با ملّتهای خود درباره‌ی مبارزه با اسرائیل بستند؟ لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی که اولین معاهده‌ی سازش با اسرائیل را امضاء کرد و زندگی سیاه دنیوی و سرنوشت اخروی خود را با فرعون قرین ساخت. و نفرین بندگان صالح و فرشتگان و انبیا و اولیا بر آنان که آن راه را ادامه داده‌اند و می‌دهند؛ مخصوصاً آنان که امید کاذبی به ملّت

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۸ ـ ۲۹.

www.ourpresident.ir

مظلوم فلسطین داده و آن‌گاه به بهای سیه‌روزی آنان، عیش ناپایداری برای خود فراهم کردند.

ملّت فلسطین نباید و نمی‌تواند آزادی و حقوق حقه‌ی خود را در کنفرانس و گردهماییهای سران عرب جستجو کند. این نشست و برخاستها، اگر برای فلسطینی‌های مظلوم، شوم و بدفرجام نباشد، حداقل بی‌فایده و بی‌خاصیت است. رؤسایی که در این ایام به عنوان فلسطین گردهم آمدند، اگر صادقانه در اندیشه‌ی نجات فلسطین بودند، باید دربرابر پیشنهاد مزورانه‌ی رئیس‌جمهوری امریکا، موضعی سخت و قاطع گرفته، برای کمک مالی و تسلیحاتی و سیاسی به مبارزان داخل فلسطین اشغالی، تصمیمهای عاجل و واقعی می‌گرفتند و به شعارهای پوچ اکتفا نمی‌کردند و اگر چنین نشود ـ که نشده است و با وضع فعلی جهان عرب و حکام آن، نخواهد هم شد ـ مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند: «کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن‌الله والله مع‌الصّابرین»[1].

۶. تحقّق آزادی و اراده‌ی مردم

تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روزبه‌روز باید تحکیم و تقویت شود. مردم آزاده‌ی ما، با اراده‌ی قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی می‌شود، مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثاری بی‌نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود. مجلس شورای اسلامی که در آزادی و استقلال رأی در جهان بی‌نظیر است، مظهر اراده‌ی مردم و رئیس‌جمهور، وکیل و برگزیده‌ی مردم و مدیران کشور،

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۹.

www.ourpresident.ir

آحادی از مردمند و مردم دارای حق رأی و بیان و تصمیم در کلیه‌ی امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعیند. و این، یکی از برکات بزرگ اسلام و طرح منحصربه‌فردی است که نظامهای شرق و غرب، از ارایه‌ی آن ناتوان بوده‌اند و در هیچیک از سیستمهای حکومتی عالم، نمی‌توان نظیر آن را یافت.

علاوه بر نظامهای ورشکسته و متلاشی‌شده‌ی کمونیستی که در آن، حزب منحصربه‌فرد کمونیست، به جای مردم تصمیم می‌گرفت و علاوه بر نظامهای ارتجاعی مستبدانه که در آن، سلطنتهای موروثی و ریاستهای ناشی از کودتای نظامی، با آن زندگیهای قارونی و دیکتاتوریهای فرعونی، وبال جان و زندگی مردم محسوب می‌شوند، در کشورهایی هم که اسماً دارای نظام دمکراسیند و حکومتها علی‌الظاهر با رأی و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است و زمام همه‌ی کار، در دست کمپانیها و سرمایه‌داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشتبه می‌کند.

در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتّی حکومتهایی هم که داعیه‌ی توده‌یی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زیّ طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثنا، دامان خود را از طرز زندگیهای رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگهداشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسؤولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسؤولان هست، مشاهده نکردند؛ حرف خود را بی‌محابا زده و اگر انتقادی داشته‌اند، براحتی مطرح ساخته‌اند و مطبوعات، حتّی رادیو و تلویزیون، همواره نظرات گوناگون را در مسایل کشور منعکس کرده و مردم را در معرض افکار و سلیقه‌های گوناگون قرار

www.ourpresident.ir

داده‌اند و این، موضوعی روشن و مشهود است. حتّی ورشکستگان سیاسی و دسته‌جاتی که در امتحانات متعددی از آغاز انقلاب، مردود و در نزد مردم سرافکنده و به وسیله‌ی آنان مطرود شده‌اند نیز هنگامی که به تحریک اجانب، مقالات زهرآگین و کینه‌توزانه برعلیه نظام اسلامی و مسؤولان کشور می‌نویسند، انواع اتهام را به آنان می‌زنند، این نوشته را بدون هیچ مانع و رادعی به چاپ رسانده، تا هرجا که خواننده‌یی بیابند، منتشر می‌کنند و علی‌رغم میل خود، عملاً وجود آزادی را اثبات می‌کنند.

بعضی از این نویسندگان و گویندگان که عمر باطل خود را غرقه در فساد و آلودگیهای اخلاقی و سیاسی و انواع هرزگیها گذرانیده‌اند، با حکومت اسلامی که راه را بر این تباهیها و هرزگیها بسته است و اربابان خارجی آنها را بیرون رانده، مخالفند و آن‌گاه این مخالفت و عناد را که مخالفت با اسلام و استقلال و آزادگی ملی و طهارت اخلاقی است، به حساب خرده‌گیری و انتقاد از اوضاع سیاسی و اقتصادی می‌گذارند و درحالی‌که آزادانه هرچه خواسته‌اند، گفته‌اند، با وقاحت و بی‌شرمی، مطالبه‌ی آزادی می‌کنند! خواست حقیقی اینها، بازشدن پای امریکا و فروختن کشور به دشمنان است و خصم آنان، ملّت رشید و آگاه است. ملّت ما، حسرت بازگشت به دوران بردگی امریکا را بر دل آنان خواهد گذاشت و با همه‌ی وجود، دستاورد بزرگ خود ـ یعنی نظام اسلامی و حاکمیت اراده و ایمان انسانها ـ را حراست خواهد کرد.

نظام اسلامی، هرگز نخواسته آزادی را که پرچمدار آن اسلام و قرآن است، از مدعیان دروغگوی آزادی در نظامهای غربی بیاموزد. ما آزادیِ فساد و بی‌بندوباری و هرزگی و آزادیِ دروغ و تزویر و فریب و آزادیِ ظلم و استثمار و تجاوز به حقوق ملّتها را که غرب پرچمدار و مرتکب آن بوده است، صریحاً و قاطعاً رد می‌کنیم. ما آن آزادی را که به سلمان رشدی

www.ourpresident.ir

مرتد نابکار، اجازه‌ی اهانت به مقدسات یک میلیارد انسان را می‌دهد، اما به مسلمانان انگلیس حتّی حق شکایتِ از او را هم نمی‌دهد؛ به دولت امریکا حق تحریک و سردستگی اوباش مخالف با یک حکومت مردمی را می‌دهد، اما به آن حکومت مردمی، حق مقابله با آن اوباش را نمی‌دهد؛ به سرمایه‌داران غارتگر، حق ورود نامشروع به کشورهای ضعیف و چپاولِ هست و نیست آن ملّتها را می‌دهد، و به آن ملّتها حق مبارزه‌ی با آنان را نمی‌دهد، مردود و منفور می‌شماریم و آن را ننگ بشریت می‌دانیم.

آزادی در منطق ما، آزادی‌یی است که اسلام به ملّتها می‌بخشد و آنان را به کوه استواری در برابر سلطه‌گران ظالم و غاصب تبدیل می‌کند؛ همان‌طور که در مورد ملّت ایران اتفاق افتاد و این معجزه پدید آمد. و این آزادی در کشور ما همواره هست و خواهد بود و همه‌ی آحاد ملّت باید آن را حفظ کنند. مسؤولان کشور باید مانند همیشه، پاس حضور مردمی و تأثیر تعیین‌کننده‌ی آن در استقلال کشور را بدارند و به‌طور روزافزون، مردم را به حضور و فعالیت در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و دفاعی و امنیتی تشویق نمایند.

۷. خدمتگزاری همه‌ی قوا و نهادها و همکاری مردم

همکاری دولت و ملّت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسؤولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت مردمی است و تاکنون گرهگشای مسایل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوّت و استحکام باقی بماند. امام بزرگوار ما (رضوان‌الله‌علیه) در دوره‌های مختلف و نسبت به دولتهای همه‌ی دوران دهساله، همواره مردم را توصیه به همکاری و کمک نموده‌اند و امروز که دولت جمهوری اسلامی، با مدیریت یکی از چهره‌های شاخص انقلاب و یکی از شاگردان و یاران دیرین امام امت، با مجموعه‌یی

www.ourpresident.ir

از کارهای بزرگ برای پیشرفت کشور و رشد و توسعه‌ی ملی و دفاع از ارزشهای انقلاب در سطح جهان روبه‌رو است، این پیوند و صمیمیت، از همیشه باید مستحکمتر باشد و بحمدالله همین‌طور نیز هست.

وقتی مدیران اصلی کشور مورد اعتماد مردمند و مردم در کار آنان، نشانه‌های لیاقت و صداقت را می‌بینند، همه‌ی کارها آسانتر و روانتر انجام می‌گیرد و وسوسه‌ها موجب کارشکنی و عدم همکاری نمی‌شود. ممکن است بدخواهانی برای جلوگیری از پیشرفت کارها، دست به شایعه‌پراکنی زده و دولت یا دستگاه قضایی را زیر سؤال ببرند. ملّت عزیز باید بدانند این‌گونه تلاشها، ناشی از حسن نیت نیست و انتقاد نابجا از مسؤولان زحمتکش و مخلص و ناسپاسی در برابر تلاشهای توانفرسای آنان، هرگز کمکی به پیشرفت امور کشور نکرده و نخواهد کرد.

دولت و دستگاه قضایی نیز باید خود را به تمام معنا خدمتگزار مردم دانسته، هدفی جز کسب رضای خدا از راه خدمت به ملّت، مخصوصاً قشرهای محروم و زحمتکش و احقاق حق آنان و رفع ظلم از آنان و بریدن دست متجاوزان به حقوق عمومی و سوء استفاده‌کنندگان و زراندوزانِ از خدا بی‌خبر نداشته باشند. ملّت وفادار ما در راه اسلام و انقلاب، از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نکرده است و جا دارد که هرکس در هر مسؤولیتی، همه‌ی همت خود را به گشودن گرهها و رفع مشکلاتی که از سوی دشمنان کشور تحمیل شده است، بگمارد.

۸. تلاش برای آبادانی و سازندگی کشور

سازندگی کشور و آبادسازی این سرزمین پُربرکت و مستعد و جبران عقب‌ماندگیهای تأسف‌باری که در دوران حکومت طواغیت، بر این ملّت بااستعداد تحمیل شده است، یکی از هدفهای اصلی جمهوری اسلامی است.

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

ملّت ما در بهترین فرصتهای تاریخی، یعنی در دورانی که جهان، تازه به جاده‌ی دانش و صنعت قدم نهاده بود و ایران می‌توانست با بیداری و تحرک مناسب، سهم خود را در پیشرفت علمی و صنعتی بشریت ایفا کند و از نتایج آن بهره‌مند شود، در اسارت حکام ظالم و مستبد و بی‌خبر و وابسته، از قافله عقب ماند. پادشاهان پهلوی و قاجار، به جای سازندگی کشور و زنده کردن استعدادهای خدادادی بشری و طبیعی آن، ایران را به خارجیان سوداگر و چپاولگر فروختند و منابع را به غارت بیگانگان دادند و یا راکد و معطل گذاردند و استعدادهای انسانی را به هدر دادند و به جای مصلحت ملّت، مصالح دولتها و کمپانیهای خارجی را مقصد خود ساختند؛ به‌طوری‌که خط آهن وقتی با صدسال تأخیر به کشور ما وارد شد، در تعیین مسیر آن، به جای رعایت مصالح ملّت و نیازهای بازرگانی، مصلحت نظامی دشمنان در نظر گرفته شد.

سیاست وابسته و سوء تدبیر و ضعف نفس و استبداد در رژیم پهلوی و قاجار، در ظرف دویست سال، ایران را که روزی به برکت اسلام پرچمدار دانش جهان بود، به ویرانه‌یی محتاجِ بیگانگان و تحت سلطه‌ی آنان بدل ساخت. روستاها متروک، شهرها مصرف‌زده، مزارع بی‌ثمر، صنعت مونتاژ و مغزها معطل شدند.

پس از پیروزی اسلام و تشکیل نظام مردمی و انقلابی جمهوری اسلامی، دشمنان خارجی بخوبی تشخیص دادند که این نظام انقلابی، با پشتوانه‌ی مردمی نیرومند خود و با اعتقاد راسخی که به نیروی ملی و مردمی خود دارد، خواهد توانست کشور را در جاده‌ی رشد و پیشرفت مادّی بیندازد و عقب‌ماندگیها را با برنامه‌ریزی جبران نماید و دست بیگانگانِ سودجو و بد نیت را برای همیشه کوتاه کند. لذا از هر وسیله‌یی برای جلوگیری از

www.ourpresident.ir

سازندگی کشور استفاده کردند که یکی از آنها، جنگ ویرانگری بود که بر مردم ما تحمیل نموده و موجب شدند که همت مردم و مسؤولان، به جای سازندگی و پیشرفت علمی و عملی، صرف دفاع از تمامیت و استقلال کشور شود.

امروز که آتش جنگ فرونشسته و برنامه‌ی سازندگی به وسیله‌ی دولت و مجلس تنظیم شده و نیروهای مخلص، آستین همت بالا زده‌اند، بر همگان واجب است که سازندگی کشور را بسیار جدی بدانند و موانع را از سر راه آن بردارند. امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه‌گیر شود، زندگی مردم سروسامان یابد، فقر و محرومیت ریشه‌کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادّی مردم را نیز سامان بخشد.

بعضی از رسانه‌های مغرض خارجی اصرار دارند وانمود کنند که پایبندی به اصول انقلاب، به معنای دوری از رفاه عمومی و علاج نکردن مشکلات طبقات ضعیف و مستمند است. این حرف از کسانی صادر می‌شود که دهها سال جوامع خود را در سایه‌ی سنگین تفکر کمونیستی، به راهی بدبختی‌زا سوق داده‌اند. درحالی‌که سران آن کشورها مانند کشورهای سرمایه‌داری، غرق در زندگی اشرافی بودند، طبقات پایین جامعه در انواع سختیهای مادّی و معنوی بسر می‌بردند. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.

دولت و ملّت، باید سازندگی کشور را وظیفه‌یی انقلابی بدانند؛ با همکاری

www.ourpresident.ir

و با بسیج همه‌ی نیروها و استعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیشرفته بسازند که امید را در دل ملّتهای مظلوم زنده کند و راه آسایش مادّی و تعالی معنوی را به آنان ارایه نماید.

۹. تلاش برای گسترش علمی کشور

گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه‌ی مطلوب اسلام، جامعه‌یی است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسانها ـ که گرانبهاترین ثروت ملی هرجامعه‌یی است ـ استخراج و به کار گرفته شود؛ بی‌سوادی ریشه‌کن گردد؛ مدارس، دربرگیرنده‌ی همه‌ی کودکان و نونهالان؛ دانشگاهها و حوزه‌های علمیه، پُررونق؛ مراکز تحقیق، فعال و پیشرو؛ کتاب، همه جا و نزد همه کس رایج؛ مطبوعات، پُرمغز و آگاهی‌بخش؛ دانشمندان و اساتید، بانشاط و پُرانگیزه؛ مبتکران و نوآوران و نویسندگان و هنرمندان، دلگرم و فیض‌بخش باشند.

فاصله‌ی امروزین ما با وضعی که مطلوب و مقبول اسلام می‌باشد، فاصله‌یی زیاد، اما پیمودنی است. ایران اسلامی باید ثابت کند که امروز هم پرورشگاه نبوغها و استعدادهای علمی منحصربه‌فرد است و دو قرن سلطه‌ی استبداد و استعمار، نتوانسته است جوهر ذاتی این ملّت را نابود کند. اگر در دو قرن گذشته، تسلط استعمار و استبداد، مانع شکوفایی استعدادها شده، امروز در دوران آزادی و بیداری ملّت و به برکت انقلاب اسلامی، باید عقب‌ماندگی جبران شود.

دانشگاهها باید تلاش علمی و تحقیقی خود را با روحیه‌ی انقلابی و نشاط اسلامی دنبال کنند؛ وگرنه سرنوشت آنها بهتر از دانشگاههای دوران طاغوت نخواهد بود که در آن، خودباختگی علمی در برابر بیگانگان و تحقیر

www.ourpresident.ir

ارزشهای خودی، راه را بر جوشش استعدادها می‌بست و مغزهای مستعد را هم به گریز از مرز و بوم خود تشویق می‌کرد. اساتید عالی‌قدر و دلسوز، باید فضای انقلابی را برای تربیت نیروهای مستعد مغتنم بشمارند و دانشجویان ضمن تکریم و احترام به اساتید ـ که فریضه‌یی اسلامی است ـ نباید اجازه دهند احیاناً کسی بدخواهانه، از علم و تخصص، وسیله‌یی برای هموار کردن راه فرهنگ استعماری در دانشگاهها درست کند و مانند دوران سلطه‌ی بیگانگان، دانشگاه را پرورشگاه مغزهای از خود بیگانه و بیگانه‌پرست سازد. روشنفکران دلسوز و صادق بدانند که امروز، روز آزمایشی بزرگ است و تاریخ درباره‌ی آنان و رفتار امروزیشان، قضاوتی دقیق و افشاگر خواهد داشت.

اگر کسانی از وابستگان به قشر روشنفکر کشور، در دوران سلطه‌ی بیگانگان و حکومت خودفروختگان، توفیق آن را نیافته‌اند که به اقتضای مسؤولیت روشنفکران، در صفوف ملّت قرار گرفته و در جایگاه خود در جبهه‌ی مبارزه با امریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش قرار گیرند، امروز که روز حکومت مردم و حاکمیت ارزشهای اسلامی و انسانی و روز مبارزه با بیگانگان کینه‌ورز و خدعه‌گر است، باید گذشته را جبران و صفوف مبارزه‌ی ملّت ایران را با امریکا و استکبار و امپراتوری خبیثِ زر و زور جهانی، به سهم خود و به قدر نیرو و توان خود مدد برسانند و زبان و قلم و هنر را در خدمت جهاد عظیم اسلامی این ملّت قرار دهند.

زندگی در نظامی که برپایه‌ی معرفت و فرهنگ و ارزشهای الهی بنیان نهاده شده، برای همه افتخارانگیز است؛ نظامی که در رأس آن امام خمینی است؛ آن عظیم‌القدری که حتّی دشمنانش او را بزرگ و خارق‌العاده می‌شمارند و به عظمتش کینه می‌ورزند. هیچ‌کس اعتلای معنوی او و زهد و پارسایی او و دانش و معرفت او و صفای روح بزرگ او را انکار نمی‌کند. هیچ‌کس در

www.ourpresident.ir

او، کمترین شایبه‌یی از ضعف و تسلیم در برابر دشمنان ملّت نمی‌شناسد و قله‌یی برتر از او در عظمت روحی، گمان نمی‌برد.

چه‌قدر کوچک و زبون و بی‌مقدارند کسانی که خود را دلبسته به نظامی بدانند که در رأس آن، مردمی فاسد و فاسق و خائن، مانند پادشاهان صدسال اخیر قرار داشته باشند و گردانندگان آن، امثال رضاخان و محمّدرضا وعَلَم و اقبال و هویدا و زاهدی و منصور و وابستگان بدنام و مجرمشان باشند و امریکا و انگلیس، ارباب این‌همه و صاحب‌اختیار ملک و ملّت باشند.

آیا روشنفکرنمایانی که در سایه‌ی آزادی اسلامی، فرصت و امکان آن را یافته‌اند که صفحاتی را به داعیه‌ی روشنفکری، از سخنانی خوشایند بیگانگانِ مطرود پُر و منتشر کنند، شهامت آن را دارند که به صراحت اقرار کنند که داغ و غصّه‌ی آنان، نه برای علم یا آزادی، بلکه به خاطر جمع شدن سفره‌ی ننگین فسق و فساد و کوتاه شدن دست مروّجان فرهنگ تباهگر غربی است؟ و دشمنی آنان با نظام، نه به دلیل وجود عیب و نقیصه‌یی در آن، بلکه به انگیزه‌ی بازگشت به همان دنیای شرم‌آوری است که بیگانگان برای آنان به وجود آورده و از خود آنان در راه آن کمک گرفته بودند؟! از مسخ شدگان فرهنگ استعماری غرب، هیچ انتظاری نیست؛ امید و انتظار از روشنفکران صادق و دلسوزی است که تعالی و عزّت و پیشرفت معنوی و مادّی ملّت و کشور خود را می‌جویند و سلطه‌ی بیگانه را در همه‌ی اشکالش مردود می‌شمارند. شایسته است که اینان نظام اسلامی را ـ که مایه‌ی عزّت ایران و حیات دوباره‌ی ملّت است ـ قدر بدانند و مسؤولیت خود را در آن بشناسند.

۱۰. نقش روحانیت متعهد و انقلابی

روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده‌ساله‌ی منتهی به پیروزی انقلاب

www.ourpresident.ir

و سپس در تشکیل نظام مقدس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پُرشور ملّت ایران در برابر تهاجمهای گوناگون دشمنان و پیش از اینها و در طول قرنهای متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملّت ایران به مکتب حیاتبخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه‌جا بوده است. حضور روحانیون متعهد و مبارز در مرکز مبارزه با رژیم دست‌نشانده‌ی امریکا بود که قشرهای گوناگون مردم را به صحنه‌ی مبارزه کشانید و مبارزه را شکل عمومی و مردمی بخشید. در همه‌ی حوادث بزرگی که ملّت ایران یکپارچه در آن شرکت جسته‌اند ـ مانند نهضت مشروطیت و قیام تنباکو ـ نیز حضور علمای دین در پیشاپیش صفوف، تنها عامل این حضور عمومی بوده است. استعمارگران انگلیسی، با درک همین حقیقت بود که انهدام جامعه‌ی روحانیت را مقدمه‌ی لازم برای ادامه‌ی حضور استعماری خود در ایران دانستند و به وسیله‌ی عامل دست‌نشانده‌شان ـ رضاخان ـ در سالهای ۱۳۱۳ به بعد، نقشه‌ی محو روحانیت را شروع کردند و در آن سالها دست به فجایعی نسبت به علمای عالی‌مقام و حوزه‌های علمیه زدند که در تاریخ ایران، پیش از آن هرگز سابقه نداشت و متأسفانه شرح این فجایع و ماجرای مقاومت مظلومانه‌ی علما و طلاب در آخرین سالهای حکومت رضاخان قلدر، به‌طور کامل تدوین نشده و در معرض اطلاع مردم قرار نگرفته است و لازم است اطلاع شاهدان عینی ـ که بحمدالله هنوز تعداد آنان کم نیست ـ به وسیله‌ی افراد و مؤسسات مسؤول، با همتی مردانه گردآوری شود.

آزادگی روحانیون و علمای دین و عدم نفوذ قدرتهای داخلی و جهانی در آنان، موجب آن بوده است که قلدران و حکمرانان خودسر، هیچ‌گاه نتوانند این مجموعه‌ی ربانی را از سر راه مفسده‌جوییها و خیانتهای خود بردارند و اگر جمعی از معممینِ سرسپرده و آخوندهای درباری، به طمع

www.ourpresident.ir

حطام ناپایدار دنیا، بر سرسفره‌ی ستمگران نشسته و قولاً و عملاً آنان را تأیید کردند، اکثریت علما و روحانیون و فضلا و طلاب جوان، در حصار مناعت و پرهیزگاری و پاکدامنی باقی مانده و اراده و توان مبارزه‌ی صادقانه و قدرتمندانه را حفظ کردند و اعتقاد راسخ به روحانیت شیعه را در دل آحاد مردم، زوال‌ناپذیر ساختند.

جامعه‌ی روحانیت به همین دلیل، همواره آماج تیرهای زهرآلود خصومت و غرض‌ورزی دشمنان گوناگون و استعمارگران و بیگانگان و بیگانه‌پرستان بوده و به مثابه‌ی دشمن درجه‌ی یک آنان تلقی شده است. تبلیغات خصمانه و برنامه‌ریزی‌شده‌ی حکومت پهلوی و سیاستهای ذی‌نفوذ در ایران در طول پنجاه سال برضد قشر روحانی که ماهیتی صددرصد استعماری داشت، در دوران رضاخان و نیمه‌ی اول دوران محمّدرضا، آزمایش سختی برای علمای دین بود و جامعه‌ی روحانیت بحمدالله از این آزمایش سربلند بیرون آمد.

در دوران مبارزات پانزده‌ساله نیز حوزه‌های علمیه‌ی قم و دیگر حوزه‌های علمیه و چهره‌های سرشناس روحانیت، کانونهای اصلی مبارزه و بالطبع هدفهای اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن بودند؛ لیکن این شدت‌عملهای بی‌حد و حساب، به اراده‌ی الهی موجب آن نشد که روحانیت از راه پُرافتخار خود ـ که پیمودن آن، وظیفه‌ی تخلف‌ناپذیر اسلامی او بود ـ قدم باز پس نهد؛ بلکه در این دوران، فکر اسلامی شکوفاتر، صیقل‌خورده‌تر و فقه قرآن، پُربارتر و شخصیت روحانیون مبارز، آبدیده‌تر شد و زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم آمد.

پس از انقلاب تاکنون نیز روحانیت، بخصوص عناصر برجسته‌ی آن ـ که مستقیماً در خدمت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند ـ بی‌وقفه آماج حملات مسموم دشمن بوده‌اند؛ چه در عرصه‌ی تبلیغات و چه در عرصه‌ی تروریزم خائنانه و آلت دست دشمن. و شهدای گرانقدری، هم در جبهه‌ی

www.ourpresident.ir

جنگ تحمیلی و هم در جبهه‌های فعالیتهای جهادیِ خود تقدیم داشته‌اند و محراب نماز جمعه و عرصه‌ی علم و سیاست و تبلیغ دین را با خون مطهر خود رنگین ساخته‌اند.

ملّت عزیز ما می‌دانند که انگیزه‌ی دشمن از این حملات همه‌جانبه به علمای دین، جز این نیست که بوضوح می‌دانند روحانیت نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی داشته و دارند و آنان حمله به روحانیت را با هدف تضعیف و محو انقلاب انجام می‌دهند.

امروزه قلمهای مزدور و دستهای فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجرِ گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پُرمعنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سالهای پس از پیروزی، علمای متحجر و بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریانهای سیاسی، هیچ‌گاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتّی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتّی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکرنمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوریهای عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و به عنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.

موضعگیریهای دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً این‌که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌یی دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت

www.ourpresident.ir

از آن جایز نیست. ثانیاً این‌که تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواسته توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادّی و سوء استفاده از مکانت اجتماعی، خطرش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاهت سنّتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاهت، راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعاً انزوا و دوری از فعالیت سیاسی را ـ که خواستِ دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است ـ به‌هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قولی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر: مدرسه، مسجد و جبهه را پُرکنند.

۱۱. تجلیل از وفاداران و ایثارگران

در این مقال، لازم است بزرگداشت وفاداران فداکار نیز به عنوان یکی از نقاط عمده‌ی معارف انقلاب ذکر شود. مقصود از وفاداران انقلاب، آنهایند که با نثار جان خود یا عزیزان خود یا سلامتی خود، پایه‌های انقلاب را استحکام بخشیدند و دست دشمنان را از کشور و نظام اسلامی کوتاه کردند: خانواده‌های مکرّم شهیدان، دلیرمردان جانباز و اسیر و مفقود و خانواده‌های بزرگوار آنان، رزمندگان نیروهای مسلح و عناصر پاکباز بسیج که عمر خود را

www.ourpresident.ir

در جبهه‌ها گذرانیده‌اند، جهادگرانی که نیروی خود را در دو جبهه‌ی جنگ و سازندگی صرف کردند... و همه‌ی کسانی که در این امتحان الهی، با سختیها و ابتلائات بزرگش دست و پنجه نرم کردند، باید مورد تکریم و قدرشناسی همیشگی ملّت باشند.

۱۲. تداوم راه و هدف امام

ختام سخن آن است که دوران دهساله‌ی حیات مبارک امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، الگو و نمونه‌ی حیات جامعه‌ی انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است. دشمنان خام‌طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی، دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی (قدّس‌سرّه) آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امت امام و شاگردان او که از سرچشمه‌ی فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزّت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته‌اند، اکنون شاهد آنند که ملّتهای دیگر، حتّی ملّتهای غیرمسلمان، نسخه‌ی تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه‌ی نجات خود دانسته و آزادی و عزّت خویش را در آن یافته‌اند. امروز به برکت نهضت آن یگانه‌ی دوران، مسلمانان در همه‌جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوریهای سلطه‌ی ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است. ملّتها ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه‌ی خون بر شمشیر را تجربه می‌کنند و همه در همه‌جا، چشم به ملّت مقاوم ونستوه ایران دوخته‌اند.

بدیهی است که برای امریکا ودیگر سردمداران استکبار، چیزی مهمتر از این نیست که ملّت ایران از راه دهساله‌ی خود برگردد، یا در آن تردید کند؛ زیرا در این صورت، نقطه‌ی درخشان امید ملّتها کور خواهد شد و غلبه‌ی

www.ourpresident.ir

خون بر شمشیر، مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحاً به همه‌ی ملّتهای جهان اعلام می‌کنیم که تفکر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم امریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملّت خود و جامعه‌ی خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.

همه‌ی ملّت و مخصوصاً جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان امام محبوبشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولیّ‌اللهالاعظم(ارواحنا فداه) با قوّت و قدرت به سمت هدفهای عالی امامشان حرکت کنند و بدانند که پیروزی نهایی از آن ماست. «کتب الله لاغلبنّ انا و رسلی»[1].

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۰

۱. سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۲۱.

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، عصر جدید تاریخ بشر

من امروز مایلم یک نکته را درباب انقلابمان و درباب تأثیر عمل این عبد صالح خدا، به ملّت ایران و به ملّتهای مسلمان عالم و به همه‌ی کسانی که در سطح جهان، نامی از انقلاب ما و از امام خمینیِ بزرگ ما شنیده‌اند، بگویم. این، مبنا و قاعده‌ی حرکت ماست. بر اساس همین بینش، ما زندگی و مبارزه و حرکت می‌کنیم. آن جمله این است که با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه‌ی از عالم و با مبارزات طولانی‌یی که ملّت ما پشت سر رهبر عظیم‌الشأنش، برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیاتی متمایز با دوران قبل، در عالم به‌وجود آمد. قدرتهای مادّی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملّتها و دولتهای ضعیف و نیز روی دولتهای قوی و ابرقدرتها محسوس است.

وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز می‌شود، هیچ‌کس نمی‌تواند خود

www.ourpresident.ir

را از تأثیرات آن عصر برکنار بدارد. دوران گذشته‌ی تاریخ بشر هم همین‌طور بوده است. هیچ‌کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه‌های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد. ما می‌خواهیم این را اعلام بکنیم. اگرچه بسیاری از ملّتها و دولتهای سطح زمین، تحت تأثیر این عصر جدید قرار گرفتند، حتّی نقشه‌ی سیاسی دنیا عوض شده است، اما توقع نداریم که تحلیل‌گران و قضاوت کنندگانِ قدرتمند و سیاسی عالم اقرار کنند که این عصر آغاز شده است. آنها اعتراف نمی‌کنند که دوران جدیدی آغاز شده است؛ اما تحت تأثیر این دوران قرار گرفته‌اند و آن را احساس می‌کنند. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید.

بیانات در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

خصوصیات دوران امام خمینی(ره)

چند خصوصیت در این دوران هست که از آن تفکیک‌ناپذیر است:

یکی از این خصوصیتها، گسترش اعتقاد و باورهای مذهبی است. بعد از آن‌که سیاست قدرت و نظام سلطه‌ی جهانی این بود که دین و معنویت را بکلی از زندگی مردم حذف کند و جامعه‌ی بشری را یک جامعه‌ی بی‌دین و بی‌ایمان و بی‌اعتقاد به ارزشهای الهی تربیت نماید، این دوران جدید، درست به‌عکس آن سیاستها عمل کرده است. نه فقط در ایران یا در کشورهای اسلامی، مردم به باورهای دینی برگشتند، بلکه در سطح جهان و در میان جوامعی که دهها سال ضد مذهب زندگی کرده بودند، اعتقاد مذهبی و گرایش معنوی رشد کرده است.

البته آینده‌ی این حرکت، به این ترتیب خواهد بود که هرجا معنویتی عمیقتر و خالصتر و سالمتر و منطبقتر با فطرت بشر باشد، جاذبه‌ی بیشتری برای ملّتها خواهد داشت. آن روزی که دین و معنویت، ضد ارزش به حساب می‌آمد و مورد استهزا قرار داده می‌شد، گذشت. امروز، بی‌دینی و بی‌ایمانی و

www.ourpresident.ir

تهی بودن از اعتقاد معنوی، یک ضد ارزش است. در بسیاری از نقاط عالم، این کار انجام گرفته و در بسیاری دیگر هم انجام خواهد گرفت. این، یکی از ویژگیهای عصر جدیدی است که این مرد بزرگ، پرچم آن را در دنیا برافراشت و درحالی‌که کسی باور نمی‌کرد، داعیه‌ی آن را سر داد و دلها را به آن متوجه کرد.

خصوصیت دیگر این عصر جدید، معنا بخشیدن به ارزش انسانها و حضور مؤثر توده‌های میلیونی مردم است. در دوران جدیدی که به‌وسیله‌ی امام ما آغاز شده است و دایره‌ی آن محدود به ایران هم نیست، توده‌های مردم، اصل و تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند و آنها هستند که جریانها را هدایت می‌کنند. در گذشته، ما انقلابهای زیادی را سراغ داریم که با احساسات مردم به پیش رفته است؛ اما امروز وضع فرق می‌کند. امروز، در دنیایی که دهها سال بعد از جنگ دوم بین‌المللی، قدرتهای مسلط بر عالم، همه‌ی مردم دنیا را عادت داده بودند که تسلیم خواسته‌های آنها باشند و در مقابل اراده‌ی قدرتهای جهانی حرفی نزنند و اراده‌یی از خودشان بروز ندهند، ناگهان شما می‌بینید که در کشورهای اروپای شرقی، توده‌های میلیونی مردم، با همان سبکی حرکت می‌کنند و به میدان می‌آیند که ملّت مسلمان ما، در مقابله و معارضه‌ی با رژیم ستمشاهی وارد میدان شدند. به تعبیر دیگر، مشخصه‌ی انسانیِ این دوران و عصر جدید، عبارت از پیروزی خون بر شمشیر است؛ یعنی در این دوران جدید ـ همچنان‌که در ایران اتفاق افتاد ـ آحاد مردم بدون تجهیزات و سلاح، فقط با جسم و جان خودشان به میدان آمدند و فضا را بر حکومت غاصب و ظالم تنگ کردند. این روش، امروز در دنیا روش شناخته‌شده‌یی است. قدرت حضور توده‌های مردم، ولو بدون سلاح، امروز در دنیا معلوم شده است.

قدرتها باید بدانند که بعد از این، در هیچ جای دنیا، علی‌رغم خواست توده‌های میلیونی مردم، نمی‌شود حکومت را ادامه داد. هرچه این موج در

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

دنیا گسترش پیدا بکند، کار بر سلطه‌های غیر قانونی و ظالمانه و غیر بشری، سخت‌تر خواهد شد. این، آن حرکتی بود که امام بزرگوار ما، به برکت آگاهی و ایمان این ملّت، در کشور ایران انجام داد و الگویی برای دنیا شد. لذا شما می‌بینید که بعد از سالها، داخل سرزمینهای اشغالی، ملّت مظلوم فلسطین قیام می‌کنند و علی‌رغم شدت و سطوت دولت غاصب و ظالم صهیونیستی، کار را پیش می‌برند.

از جمله خصوصیات دیگر عصر جدیدی که امام بزرگوار و انقلاب ما در سطح جهان به وجود آوردند، عبارت از اصل آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرتهای بزرگ است؛ یعنی همان چیزی که در انقلاب ما، به عنوان اصل «نه شرقی و نه غربی» شناخته شد. تقریباً در همه‌ی انقلابهای بزرگی که در قرن بیستم در دنیا اتفاق افتاد، وقتی ملّتها یا گروههای مبارز، کار خودشان را آغاز می‌کردند و مبارزه را علیه یک سلطه و یک قدرت، مختصری پیش می‌بردند، خودشان را به یک قدرت دیگر وصل می‌کردند. این‌که یک ملّت، با اتکای به خود و با توکل به خدا، در مقابله با یک قدرت ظالم، به هیچ‌کس و هیچ قدرت اعتماد و اتکا نکند، راهی بود که ملّت ایران به رهبری امام بزرگوار آغاز کردند و امروز در دنیا، این راه بتدریج رهروان زیادی پیدا می‌کند.

این دوران جدید که امام ما آن را با قیام و ایستادگی و اتکال به خدا و تکریم و تعظیم نسبت به ارزشهای معنوی و با اعتمادش به آحاد مردم آغاز کرد، ان‌شاءالله ملّتها را از شرّ سلطه‌های جهانی نجات خواهد داد و دوران زوال قدرتهای بزرگ مادّی جهانی را نزدیک خواهد کرد. این، از برکات آن بزرگوار است. ملّت ما، پشت سر رهبر باعظمت و استثنایی خود، اولین ملّتی بود که قدم در این دوران جدید گذاشت و پایه‌های آن را مستحکم کرد و با مقاومت خود، برای ملّتهای دنیا، شاهدی بر صدق این ادعاها شد.

www.ourpresident.ir

انقلاب بزرگ ما، خصوصیاتی مخصوص به خود داشت. این خصوصیات که بارها هم در تحلیلهای ملّت ما و آشنایان با انقلاب تکرار شده، اولین بار در یک انقلاب مشاهده می‌شد: تکیه‌ی به اسلام، هدف‌گیری ایجاد حکومت اسلامی، تجدید نظر در مفاهیم سیاسی عالم ـ مثل آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و چیزهای دیگر ـ و حرکت به سمت دنیا و جامعه‌یی که بر پایه‌ی ارزشهای اسلامی بنا شده باشد.

بیانات در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

یکی از آثار انقلاب: احساس افتخار مسلمانی

در جنگ بین‌الملل، اسم ایران را «چهارراه خاورمیانه» گذاشته بودند؛ چون در برهه‌یی طولانی از زمان، تنها راه ارتباطی بین شرق آسیا و اروپا بود. مزیت دیگر این کشور آن است که در کنار خلیج فارس، لب دریای عمان و در حساسترین مناطق قرار دارد. در بحبوحه‌ی تلاشهای استعمار ـ امریکا و غیر امریکا ـ و در اوج پیروزی استکبار، ناگهان در یک نقطه‌ی بسیار حساس، یک انقلاب عظیم همراه با رهبری فوق‌العاده و بی‌نظیر، در میان احساسات و عواطف و آگاهیها و نیروهای مخلصانه و صادقانه‌ی یک ملّت قهرمان ـ که اسلام بکلی آنها را منقلب کرده و ترس را از وجودشان ریخته ـ سر می‌کشد. تمام نقشه‌هایشان به هم ریخت. اول باور نکردند و نتوانستند بفهمند چه شد. شما مشهدیها، خودتان می‌توانید دقیقاً مشخص کنید که اوج و سرفرازی انقلاب و تغییر درونی مردم مشهد و یا مردم خراسان، از چه لحظه و زمانی بود؟ هیچ‌کس نمی‌تواند معین کند. ناگهان نظر لطفِ «آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند»، عنایت الهی، توجهات غیبی، فیوضات ولیّ‌امر و بقیةالله

www.ourpresident.ir

الاعظم(ارواحنا لتراب‌مقدمه‌الفداء) ملّت را منقلب کرد. انقلاب پشت سر آن رهبری که بزرگترین عطیه‌ی الهی برای مسلمین بود، با سرعت به حرکت درآمد و هر قدمی که این ملّت پیش رفت، به قدر ده قدم رشد کرد.

آیا ما مردم، همان مردمِ پانزده سال قبلیم؟ پانزده سال قبل، در ایران چه خبر بود؟ در مشهدِ ما و شما چه خبر بود؟ جوانان چه‌طوری بودند؟ دانشگاه چه‌طوری بود؟ حوزه‌ی علمیه چه‌طوری بود؟ حالا چگونه است؟ آیا این تغییر، تغییر قابل تحقق در ظرف پانزده سال است؟ این، غیر از معجزه‌ی الهی و توجه معنوی و برقی که از عالم غیب زده شد، چیز دیگری است؟

این انقلاب سر کشید و رشد کرد. اولین اثری که این انقلاب گذاشت، این بود که بنای صدوپنجاه‌ساله‌ی استعمار در سطح عالم را با خاک یکسان کرد. کدام بنا را؟ استعمار صدوپنجاه سال زحمت کشیده بود، تا روحیه‌ی مسلمانان را خُرد کند. مسلمان در دنیا، از قِبَل مسلمان بودن خودش، احساس شخصیتی نمی‌کرد. کدامیک از شماها دیدید یا شنیدید که در دوران طاغوت، کسی در نقطه‌یی از عالم ـ در اروپا، در امریکا، در نقاط دوردست ـ گردنش را بالا بگیرد و با افتخار بگوید: «من مسلمانم»؟ آن روز هم مسلمانی افتخار بود، اما کسی این را احساس نمی‌کرد. روحیه‌ها را خُرد کرده بودند. انقلاب آمد، این واقعیت را دگرگون کرد. مسلمانان در همه جای دنیا، احساس هویت اسلامی کردند و روحیه گرفتند. برای همین است که ما می‌گوییم این حرکت انقلابی، ضربه‌ی خودش را به ابرقدرتها زده است و کاری از آنها بر نمی‌آید.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از علما، روحانیون، مسؤولان و اقشار مختلف مردم استان خراسان، در سالروز ولادت امام رضا علیه‌السلام ـ ۶۹/۳/۱۵

www.ourpresident.ir

نکات اساسی سیره‌ی امام

آنچه در سیره‌ی امام بزرگوار ما برجسته است، یکی، دو مورد نیست. حقیقتاً این انسان والا و برجسته، ابعادی از زندگی خود را در معرض آموزش و تعلیم امت اسلامی قرار داد؛ ولی دو، سه نکته‌ی اساسی در زندگی آن بزرگوار وجود دارد که هرگز نباید از دید ما مؤمنین به رسالت امروزیِ اسلام، پوشیده بماند.

اولین مسأله این است که آن بزرگوار، همه‌ی کارهای خود را برای خدا انجام می‌داد و شاید فتح دلهای آحاد امت اسلامی در سراسر عالم ـ با اختلاف سلایق و مسلکها و تربیتها و مؤثرات ـ که بدون هیچ تفاوتی، در مقابل عظمت و راه و پیام او، طوع و تسلیم بودند و همراهی نشان دادند، ناشی از اخلاص آن بزرگوار بود. او برای خدا حرف می‌زد، برای خدا اقدام می‌کرد، برای خدا قهر می‌کرد، برای خدا حمایت می‌کرد و حاضر بود نپسندیدن آحاد مردمی را برای خدا تحمل کند و تنها بماند و حرکت نماید.

اخلاص او، نقطه‌ی اساسی حیاتش بود. راه آن بزرگوار هم، فقط با

www.ourpresident.ir

اخلاص طی‌شدنی است. توده‌های مردم، بحمدالله این اخلاص را دارند و نشان داده‌اند. بزرگان و پیشروان و رهبران و علما و اندیشمندان و روشنفکران هم، هرجا که این اخلاص را به کار بگیرند و با اخلاص عمل کنند و برای خدا حرف بزنند و کار کنند، توفیق حتمی است. توفیق، به معنای تأثیر سخن در دلهاست. یعنی سخنی که صادقانه و برای خدا باشد، تأثیر خود را در دلهای مستعد می‌گذارد و خدا این تأثیر را به او می‌دهد. آن بزرگوار، این‌گونه بود.

به همین خاطر است که دشمنان، از اشاره و یک کلمه‌ی سخن او، واهمه می‌کردند و دوستان دلگرم می‌شدند. در حوادث دشوار، سخن امام توانست دلهای افسرده را ـ نه فقط در محدوده‌ی ایران، بلکه در سرتاسر آفاق اسلامی ـ گرمی ببخشد و حرکت را تضمین کند. به هیچ‌وجه نباید این خصوصیت را دست کم بگیریم؛ مخصوصاً ما و کسانی که برای خود، مسؤولیت و وظیفه‌ی خطیری قایل هستیم.

نکته‌ی دیگر این است که او نظر وسیعی به دنیای اسلام داشت و به دنبال همین دیدگاه وسیع، اعتقاد راسخ او به لزوم اتحاد مسلمین بود. این، آن نکته‌ی اساسی است. مسأله این نیست که مذاهب یا فرق اسلامی و طوایف گوناگون سیاسی و اعتقادی و مسلکی و غیره، چه تعداد جمعیت یا چه‌قدر قدرت سیاسی و اجتماعی دارند یا ندارند؛ مسأله این است که اگر ما برای مشکلات جهان اسلام، به دنبال چاره‌یی هستیم، یا به تعبیر درست‌تر، اگر ما برای سربلندی و عظمت و عزّت اسلام و قرآن مجاهده می‌کنیم، این با اختلاف و درگیری بین مسلمین سازگار نیست. امام(ره)، از قبل از پیروزی انقلاب، این هدف را دنبال می‌کردند و به آن توصیه می‌نمودند. بعد از پیروزی انقلاب هم، به طریق اولی این کار را کردند.

بیانات در دیدار با میهمانان خارجی مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ـ ۶۹/۳/۱۶

www.ourpresident.ir

بیداری اسلامی علیرغم خواست مستکبران

این انقلاب، چون با نام خداست، همیشه با شیطانها مواجه است. چون معتقد به طرفداری از مستضعفان و مظلومان است، همیشه با قلدران و زورگویان و مستکبران، دست‌به‌گریبان است. چون برای ارزشهای انسانی حرکت می‌کنید، همیشه کسانی که با ارزشهای انسانی مخالفند، از شما ناراضیند. باید شما آبدیده باشید. باید شما روحاً و قلباً مجهز باشید.

این ملّت، پرچم عظیمی را در دست دارد. این پرچمی که شما به اهتزاز درآوردید، دنیا را بیدار کرده است. ببینید امروز در فلسطین، چه خبر است. ببینید در شمال آفریقا، چه خبر است. ببینید چگونه اسلام در جوامع اسلامی، حق خود را باز می‌یابد و به دست می‌آورد. این کارها را شما کردید.

در مقابل فرهنگ کفر و استکبار، مسلمین را ضعیف بار آورده بودند که احساس ضعف می‌کردند. در جاهایی که امروز میلیونها مسلمان توانسته‌اند سهم و حقی در حکومتها به دست بیاورند، تا قبل از انقلاب اسلامی، کسی جرأت نمی‌کرد دم از اسلام بزند. در این کشورهای اسلامی که امروز ائمه‌ی

www.ourpresident.ir

جمعه و جماعاتشان، تشکیلات به وجود می‌آورند و مسجدها رونق پیدا می‌کنند و کانون تحرک می‌شوند، تا دیروز مسجدها متعلق به یک مشت پیرمرد از کار افتاده بود. امروز آن مسجدها، جای جوانان و کانون جنبشهاست. این را شما کردید. این را حرکت شما و قائد عظیم‌الشأنتان ـ آن مرد الهی ـ بود که انجام داد.

برای همین است که دشمنان اسلام، از شما عصبانیند. «ولن ترضی عنک الیهود و لاالنّصاری حتّی تتّبع ملّتهم»[1]. تا از اسلام دست برندارید، دشمنان اسلام با شما مخالفند. منتها نکته‌یی که در این‌جاست، این است که دشمن می‌خواهد بگوید اگر من با کسی مخالف بودم، او باید از بین برود! این را به ملّتهای ضعیف باورانده بودند. حالا عکسش ثابت می‌شود و معلوم می‌گردد که هر کس با اسلام مخالف است، باید برود. اسلام جای خود را در عالم باز کرده است و بازتر هم خواهد کرد. قبل از انقلابِ شما، در بعضی از کشورهایی که امروز مردم آن، پرچم اسلام را بلند کرده‌اند، در ملأ عام کسی جرأت نمی‌کرد بگوید من مسلمانم، یا اعمال مسلمانی را بجا بیاورد و نماز بخواند؛ اما امروز صدای تکبیرشان، فضای آن کشورها را انباشته است.

استکبار، چه بخواهد و چه نخواهد؛ امریکا، چه بخواهد و چه نخواهد؛ صهیونیسم، چه بخواهد و چه نخواهد، اسلام از نو بیدار شده و این قهرمان عظیم قرنها، دوباره در وسط صحنه بپاخاسته است. هیچ کاری هم از دست دشمنان اسلام ساخته نیست. اکثرِ کاری که می‌توانند بکنند، این است که از حقد و بغضشان، مسلمانان را در حریم امن الهی، به خاک و خون بکشند. بیشتر از این، چه کار می‌توانند بکنند؟ حداکثر کاری که می‌توانند بکنند، این است که ملّتی را که امروز عاشقترین ملّتهای مسلمان به یاد و نام خداست، از زیارت خانه‌ی خدا مصدود و ممنوع کنند؛ کمااین‌که کردند. بله، دلهای ما به

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۰.

www.ourpresident.ir

خاطر محرومیت از زیارت خانه‌ی خدا، پُر است. قلبهای ما شکسته و بغض، گلوی ما را گرفته است. اما همین عمل دشمنان اسلام و ایادی و مزدورانشان، باز به عظمت اسلام خواهد انجامید و مظلومیت ملّت ایران، آشکارتر خواهد شد و همین مظلومیت است که حقانیت ما را ثابت می‌کند.

بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مکه‌ی مکرمه، اقشار مختلف مردم همدان، گناباد، رامیان و شرق تهران، مسؤولان و کارکنان قوّه‌ی قضاییه و سازمان تبلیغات اسلامی ـ ۶۹/۴/۲۰

www.ourpresident.ir

ارزش انقلاب و انقلابگری

انقلاب، یک ارزش است. آن کسانی که تلاش می‌کنند انقلاب و انقلابگری را ضد ارزش کنند، همان کسانی هستند که بیشترین ضربه را از انقلاب خورده‌اند. تردید در مفاهیم انقلابی، ضد ارزش است. تردید در مبارزه‌ی با قدرتهای ستمگر و سلطه‌گر و ظالم، ضد ارزش است. راه نجات ملّتها، در استقلال آنها از قدرتهای ستمگر است. همیشه سعی قدرتهای ستمگر این بوده که به ملّتها ثابت کنند بی‌خود تکان می‌خورند و اشتباه می‌کنند. راه نجاتشان این است که زیر بال ما بیایند و پلکان دیگری از پلکان عروج در امور مادّی و سلطه‌ی نابحق بشوند! این را تفهیم می‌کنند. ما باور نمی‌کنیم و نمی‌خواهیم بگذاریم ملّتهای دیگر هم باور کنند.

بیانات در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری‌اسلامی‌ایران ـ ۶۹/۵/۱

www.ourpresident.ir

هدایت و قدرت الهی، پشتیبان انقلاب

خدا را شکر می‌کنیم که ثابت کرد، آن دست قدرتمندی که از روز اول، پشت سر این انقلاب و این کشور بود، همچنان پشت سر این انقلاب و این کشور است. خدای متعال از اوان نشانه‌های پیروزی این انقلاب، در همه‌ی گذرگاههای سخت، با قدرت کامله‌ی خود، مسؤولان و ملّت را هدایت کرده است و این نکته‌یی بود که امام بزرگوارمان عمیقاً به آن معتقد بودند که دست قدرتمندی، این انقلاب و این ملّت را هدایت می‌کند. حالا هم همان‌طور شد و بحمدالله با پیروزی ملّت ایران و شما فداکاران و مبارزان راه حق و راه اسلام و با پیروزی و سربلندی اسلام و مسلمین، همه چیز به نحو مطلوب پیش می‌رود و پیش رفت. اگر بنا بود که افکار و ابتکارات بشری، در این مورد بخواهند فکر کنند، بهتر از آنچه که شد، ممکن نبود راه و خط روشنی را بیابند. خدای متعال، خودش همه را هدایت کرد.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان ـ ۶۹/۵/۲۹

www.ourpresident.ir

ملّت ایران محور افتخار امّت اسلامی

برادران! ما در میانه‌ی یک راه بسیار پُرافتخار هستیم. این نکته را نباید هرگز از یاد ببریم. این انقلاب، آرزوی همه‌ی ملّتهای مسلمان بود. اگر بگوییم همه‌ی مصلحان و متفکران و آزادمردان طول تاریخ اسلام، آرزوی چنین روزهایی را برای اسلام و مسلمین داشته‌اند، مبالغه نکرده‌ایم. دشمنان اسلام برای از بین بردن کامل اسلام و قرآن و ارزشهای اسلامی، نقشه‌های عجیبی طرح کرده بودند. در طول دهها سال، چه‌قدر ثروت خرج شد، چه‌قدر فکر شد، چه‌قدر جنایت انجام شد، چه‌قدر تبلیغات دروغ شد، برای این‌که اسلام بکلی از صحنه‌ی زندگی بشر خارج بشود.

انقلاب ما، همه چیز را به‌عکس آنچه که دشمنان اسلام و شیطانها می‌خواستند، کرد. امروز، ملّتهای اسلام بیدار شده‌اند. امروز، نهضت اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی دنیا، اوج گرفته است. امروز، اسلام و انقلاب اسلامی و نهضت اسلامی، یک ارزش بزرگ ملی و اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. امروز، کار به جایی رسیده است که حتّی کسانی

www.ourpresident.ir

که با اسلام هیچ میانه‌یی ندارند، برای مصلحت زمانه، دم از اسلام می‌زنند! امروز، اسلام عزیز شده است. این عزّت را چه چیزی به اسلام داد؟ خون شهیدان ما، زحمات و صبرها و مقاومتهای شما، تلاشها و محنت‌پذیریها و صبرها و استقامتهای خانواده‌های شما ـ این مادران، این پدران، این همسران، این فرزندان ـ تلاش مخلصانه‌ی کسانی که همه‌ی آرزوهای جوانی و مادّی را کنار گذاشتند و در خط اسلام، مبارزه و مجاهده کردند. اینها اثر کرد.

امروز، اسلام در دنیا عزّت پیدا کرده است. بحمدالله پایگاه اسلام عزیز و انقلابی هم، ایران اسلامی است و ملّت ایران محور همه‌ی این افتخارات هستند. حقیقتاً ملّت ایران، ملّت بزرگ و عالی‌قدر و پُرشور و بااستعدادی است. خدا این ملّت را می‌شناخت و خصوصیات این ملّت را می‌دانست که عظیمترین بارها و مسؤولیتها را ـ که مسؤولیت احیای دوباره‌ی اسلام و زنده کردن قرآن و ارزشهای اسلامی است ـ بر دوش این ملّت گذاشت و بحمدالله این ملّت هم موفق شده است؛ لیکن ما در میانه‌ی راه هستیم و همه موظفیم که تلاش و مجاهدت کنیم.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان ـ ۶۹/۵/۲۹

www.ourpresident.ir

ملّت انقلابی ایران محبوب ملّتهای ستمدیده

اسلام به ملّتهای طرفدار خود، این توان را می‌بخشد که بتوانند بشر را هدایت کنند. ملّت ما به برکت اسلام بود که توانست پرچمی را بلند کند، تا ملّتهای مظلوم دنیا به آن پرچم، به چشم پرچم نجات نگاه کنند. از تبلیغات بلندگوها و بوقهای تبلیغاتی استکباری و صهیونیستی ـ که همیشه همه‌ی حقایق را وارونه جلوه می‌دهند ـ بگذرید، خواهید دید که جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، چهره‌ی امام و شخصیت ملّت ما، در میان ملّتهای عالم مایه‌ی امید بوده و به آنها نشاط و حرکت داده است. این، به برکت اسلام بود.

دشمنان اسلام خیلی سعی کردند که ملّت طرفدار اسلام و ملّت مبارز و فداکار ایران را در چشم مردم دنیا، یک ملّت کهنه‌پرست، خرافی، ارتجاعی، ضد ترقی، ضد عدالت، ضد آرزوها و آرمانهای بشری معرفی کنند. اگر بدانید چه‌قدر پول خرج کردند، برای این‌که چهره‌ی ملّت ایران را در دنیا خراب کنند؛ ولی حقیقت به عکس خواسته‌ی آنها عمل کرد. علی‌رغم همه‌ی تبلیغات آنها، امروز اگر شما به آن‌جاهایی بروید که ملّتها زیر ستمند؛

www.ourpresident.ir

آن‌جاهایی که ملّتها و دولتها در مسایل زندگی خودشان در رابطه‌ی با قدرتها و ابرقدرتها، دچار مشکل هستند ـ کشورهای جهان سوم، کشورهای اسلامی و غیراسلامی ـ خواهید دید که ملّتها نسبت به ایران و جمهوری اسلامی و امام بزرگوار این امت و مبارزات و مجاهدات شما، دارای دل خوش‌بین و علاقه‌مند و روح صمیمی هستند.

بیانات در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران و مدرّسان مراکز تربیت معلم، و گروهی از ورزشکاران و مسؤولان سازمان تربیت بدنی کشور ـ۶۹/۶/۲۱

www.ourpresident.ir

حکمت غیب‌بین امام

من تصورم این است که امام یک حکیم بود؛ یعنی همان فعل و انفعالات معنویِ باطنیِ پشت پرده را ـ مثل جریانهای زیرزمینی آب که علم خاصی دارد ـ می‌دید. هر کس اگر چشم هم نداشته باشد، دست که بزند، جریان آبِ رو را می‌فهمد و با گوشش، صدای شرشر آن را هم می‌شنود؛ اما جریان آبهای زیرزمینی را نه. این، معنای حکمت است. من می‌دیدم، آن انسان استثنایی زمان ما ـ که هیچ‌کس با او قابل مقایسه نیست ـ مثل این‌که جریانهای زیرزمینیِ حوادث و پشت پرده را می‌بیند. نمی‌خواهیم بگوییم که امام، غیب می‌دانست. خیر، هیچ‌کس جز کسی که خدای متعال به او اذن داده باشد، از غیب خبری ندارد. امام هم نه ادعا داشت و نه ما در مورد آن بزرگوار، این ادعاها را داریم. دیدِ حکمت، غیر از این است؛ یعنی چیزهایی را با یک احساس معنوی درک می‌کند.

همه‌ی این حوادثی که شما در انقلاب دیدید و امام درباره‌ی آن چیزی گفتند و شد، از این قبیل بود. نه این‌که تصور کنید ایشان محاسبه‌ی مادّی و

www.ourpresident.ir

سیاسی می‌کردند. نه، آن بزرگوار اهل این محاسبات نبودند. البته فکر سیاسیِ خیلی پخته‌یی داشتند و حقایق را می‌فهمیدند؛ اما این‌طور نبود که همان محاسباتی را که معمولاً می‌کنند، انجام بدهند. این، همان غیب و ملکوت عالم و ملکوت وجود شماست که باید به آن ایمان و اعتقاد داشت. راه رسیدن به آن هم تقواست.

این‌که ملّت ایران و رهبری مثل امام، در مقابل تجمع وسیع تمام احزاب کفر و نفاق، از شرقیش تا غربیش، از مسلمان امریکایی مذاقش تا مسلمان سوسیالیست مزاجش، از منافق و مرتجعش تا شهوترانش (عده‌یی فقط به خاطر شهوترانی، با جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند و برای آن کارها دلشان لک زده بود! لذا از این دستگاه بدشان می‌آمد و با آن مبارزه می‌کردند) بایستند و مطمئن به پیروزی باشند، ناشی از تقوایی است که به آنها حکمت و بصیرت را می‌بخشد.

البته تقوای عمومی ـ تقوای ملّت ـ غیر از تقوای خصوصی یکایک افراد است. تقوای عمومی، یعنی همین که وقتی امام اشاره می‌کردند، ناگهان همه‌ی جامعه به حرکت درمی‌آمد. این ملّت را باتقوا می‌گوییم. معنایش این نیست که حالا اگر یکایک افراد را در میزان پرهیزگاری و تقوا بگذاریم، آنها را یک پرهیزگار کامل ببینیم. نه، اکثراً سرخالی و کسری دارند. مجموعه، یک مجموعه‌ی مؤمن و متقی است ـ که البته برای یک ملّت، خیلی هم افتخار است ـ اما یکایک ما باید به فکر خودمان باشیم.

این نکته را در همین‌جا عرض بکنم که اگر گفته می‌شود ملّت، ملّت باتقوا و مؤمن و مخلصی است، هیچیک از آحاد ملّت حق ندارد این را به حساب خودش بگذارد و بگوید من که جزو این ملّتم، این ملّت هم که ملّت باتقوا و بااخلاصی است، پس من باتقوا و بااخلاصم! نخیر، «علیکم

www.ourpresident.ir

انفسکم»[1]؛ خودت را باش. خودتان را به تنهایی در میزان بگذارید. همه هم می‌توانند و هیچ‌کس نیست که نتواند اجمالاً وزن خودش را بفهمد. البته آدم خودش نمی‌تواند دقتهایش را بکند و یک بزرگتر و استاد و مربی لازم است، تا تشخیص بدهد.

پس، ورای این محاسبات معمولی، دستگاه معقول قانونمندی وجود دارد که غیب است و باید به آن معتقد بود. آن محاسبه را از کجا پیدا کنیم؟ از راه شرع و عمل به تکلیف. این عنوانهایی که ما در خلال صحبت به آن می‌رسیم، دقیقاً همان عنوانهایی است که امام ما مکرر روی آن تکیه کردند. ما وقتی سلسله‌ی بحث را ترسیم می‌کنیم، می‌بینیم که درست سر بند، همین عنوانهاست. امام می‌گفتند: ما به تکلیف عمل می‌کنیم، ما برای پیروزی نمی‌جنگیم، ما برای جواب دادن به خدا می‌جنگیم، خدای متعال تکلیف کرده، ما عمل می‌کنیم؛ پیروزی داد، منت پذیرش هستیم؛ پیروزی هم نداد، باز هم از این‌که توفیق داد به تکلیفمان عمل بکنیم، منت‌پذیر هستیم. راز پیروزیها همین است.

اگر انسان، شرع را امام خود قرار بدهد؛ یعنی طبق آنچه که تکلیف اسلامی و شرعی است، قدم به قدم حرکت بکند، یقیناً به پیروزی خواهد رسید. ما هیچ‌چیز کم نخواهیم داشت؛ چون آن محاسبه‌ی غیبی، محاسبه‌ی بسیار دقیقی است و محاسبه‌گرش خداست و دستگاه حساب کننده‌اش، علم الهی است که: «لا یعزب عنه مثقال ذرّة فی السّموات ولا فی الارض»[2]. در آن محاسبه، هیچ عاملی مخفی نیست.

وقتی به ما گفتند شما جهاد و امر به معروف و اقامه‌ی صلات و ایتای زکات کنید، صداقت در قول و عمل داشته باشید، از خلقیات رذیله اجتناب

۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۰۵.
۲. سوره‌ی سبا، آیه‌ی ۳.

www.ourpresident.ir

کنید، اخلاص و گذشت داشته باشید و از این قبیل احکام الهی که یک مؤمن کامل، آراسته‌ی به آنهاست، معنایش این است که باید در مقابل این دستورات متعبد باشیم. اگر در یک میدان مین، که از هیچ‌چیز آن خبر ندارید، یک کاغذ به شما دادند و گفتند دو متر جلو برو، بعد سی سانت به سمت راست حرکت کن، بعد مجدداً به طرف مقابل برو و بعد از یک متر و نیم، به سمت چپ حرکت کن، همین‌طور شما باید به دقت نگاه کنید و در این میدان حرکت نمایید. عارف به نقشه‌ی آرایش مینهای زیرِ زمین، این را نوشته و به شما داده است و می‌گوید این‌طوری حرکت کنید. تعبد، یعنی این.

این‌که یک عده با درک ناقص از مسایل روشنفکری ـ که من قبول ندارم اینها روشنفکری است ـ روی تعبد اسلامی تأمل بکنند که تعبد یعنی چه، پس عقل ما چه می‌شود، ناشی از نفهمیدن حقیقت مسأله در زندگی و راه زندگی است. آن‌جایی که به دست شما نقشه می‌دهند و می‌گویند این‌طوری عمل کنید، باید این‌گونه عمل کنید. آن‌جایی که در نقشه نوشته باید فکر کنید، واقعاً باید فکر کنید و به مقتضای فکرتان عمل نمایید؛ این هم جزو نقشه است. آن‌جایی که گفتند بی‌خود فکر نکنید، فکرتان به جایی نمی‌رسد، تعبد به شما می‌گوید که جز این، راهی ندارید.

در همه‌ی امور زندگی باید فکر کرد و با هدایت عقل حرکت نمود؛ مگر در آن‌جایی که شارع مقدس به شما می‌گوید این کار را بکن، باید کرد. میدان، میدان تعبد است و هیچ عامل دیگری ـ از جمله عقل انسانی ـ در آن‌جا کارایی ندارد. اگر ما این نکته را متوجه باشیم و تقوا و پرهیزگاری و حرکت بر طبق رضای الهی را هدف قرار بدهیم، تمام مقاصد برآورده خواهد شد.

یک مؤمن انقلابی، چه می‌خواهد؟ می‌خواهد که در دنیا، اثری از ظلم و جور نباشد؛ می‌خواهد که گردنکشان عالم، میدان گردنکشی پیدا نکنند؛ می‌خواهد که زندگی انسانها، زندگی شیرین و سعادتمندانه‌یی باشد؛

www.ourpresident.ir

می‌خواهد که عزّت و شرف توحید و دین الهی و پایبندی به آن، مثل پرچم افتخاری، بر سر همه‌ی مسلمانان به اهتزاز در بیاید. اگر اینها را می‌خواهیم، راهش این است و هیچ راه دیگری ندارد.

بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولیّ فقیه در این نهاد ـ ۶۹/۶/۲۹

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، مبدأ تحوّل ظلم‌ستیزی در جهان

در گذشته، آن وقتی یک ملّت علیه یک دولت قلدر، احیاناً ـ آن هم نه همیشه ـ به پا می‌خواست که آن قلدر وارد کشورش شده باشد. مثلاً الجزایریها با نیروی اشغالگر فرانسه، و ویتنامیها با امریکا مبارزه می‌کردند. دیده نشده بود که ملّتها در کشور خودشان، علیه نیرویی که الان بالفعل با آنها روبه‌رو نیست، ولی تنها شاخصه‌اش این است که علیه ملّتها و مستضعفان و مظلومان و ضعفا قلدری می‌کند، مبارزه بکنند. شما این را در کجای تاریخ بیداری ملّتها سراغ دارید؟ در گذشته که این حرفها اصلاً نبوده است.

در این دویست سال، یا صدوپنجاه سال و یا صدوبیست سال اخیر که تاریخ بیداری ملّتهاست و در هند و مصر و خاورمیانه و بتدریج در آفریقا و جاهای دیگر، سر بلند کردند و علیه قدرتها جنگیدند، اگر کشوری، انگلیس در آن بود، با انگلیس می‌جنگیدند؛ اگر فرانسه در آن بود، با فرانسه می‌جنگیدند؛ اگر اسپانیا یا پرتغال در آن بود، با آن دو کشور می‌جنگیدند؛ اگر امریکا در آن حضور داشت، با او می‌جنگیدند. شما کجا سراغ دارید که ملّتها

www.ourpresident.ir

به آن حد از رشد رسیده باشند که در خانه‌ی خودشان، بدون این‌که دشمن حتّی گلوله‌یی به آنها شلیک کرده باشد، مشت گره کنند و علیه یک قدرت بزرگ و مستکبر جهانی شعار بدهند؟ چنین چیزی سابقه ندارد.

مبدأ این تحول، از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است. شما الان می‌بینید که در آفریقا و در شرق آسیا و حتّی در اروپا، ملّتها و عمدتاً مسلمانان ـ که غیرمسلمانان در این جهت خیلی در اقلیتند ـ در شهرها و کشورهای خودشان ایستاده‌اند و علیه امریکا شعار می‌دهند. مگر امریکا، در الجزایر یا سودان و یا در بقیه‌ی جاها حضور دارد؟ نه، مسأله این است که انقلاب اسلامی، به مسلمانان در درجه‌ی اول تفهیم کرد که در هر شرایطی، باید با ظلم و پرچم ظلم و قطب ظلم و ستم در عالم مقابله کرد؛ ولو فعلاً از او شلاق نخورند. اگر با چشم دقیق و ریزبین نگاه کنیم، همین حالا هم همان ملّتها، شلاق امریکا را می‌خورند. البته توده‌های مردم، معمولاً این تحلیل را ندارند؛ اما درعین‌حال می‌ایستند و شعار می‌دهند.

اسلام این را به ما می‌گوید که در مقابله و مبارزه‌ی ظالم و مظلوم، مرزی نیست. هر جای دنیا، همین که مستکبری هست، شما باید با او مبارزه بکنید. باید علیه او باشید، نه با او. آیا چشمها و ذهنهای تحلیل‌گران استکبار، این را نمی‌بیند، نمی‌فهمد، روی آن حساب نمی‌کند و برایش چاره‌جویی نمی‌نماید؟ حقیقتاً روی این مسأله فکر کنید.

این کنفرانسهایی که در دنیا راجع به اسلام و بلکه راجع به تشیع می‌گذارند و مطالعه می‌کنند، برای چیست؟ می‌خواهند اسلام‌شناسی یاد بگیرند؟! این بررسیها و تحلیلهایی که مرتب در رادیوها پخش می‌شود، ناشی از چیست؟ درست است که جنبه‌ی تبلیغاتی دارد، اما از یک اصل و بنیان منشأ می‌گیرد. این‌که در جنگ عراق علیه ایران، ناگهان تمام غرب و شرق آستینها را بالا می‌زنند و به کمک عراق می‌شتابند؛ در حالی که از شکل صدام هم بیزار

www.ourpresident.ir

بودند، برای چیست؟ اینها نشان‌دهنده‌ی آن است که ما هنوز بار سنگینی بر دوش داریم و دوران تقوا و پرهیزگاریِ سختگیرانه‌ی مؤمن نسبت به خودش، هنوز سپری نشده است. صدر اسلام، برای ما یک تجربه است. قبل از صدر اسلام ـ تاریخ یهود ـ برای ما یک تجربه است.

سوره‌ی جمعه، هر هفته در نماز جمعه تکرار می‌شود. آدم در این‌جاها می‌فهمد که چرا سوره‌ی جمعه باید هر هفته تکرار بشود و مردم اینها را بشنوند. ببینید چه‌طور این حقیقت، به شکل بسیار هنرمندانه و ظریفی بیان شده است. اول، گستره‌ی دعوت الهی را بیان می‌کند: «هوالّذی بعث فی الامّیّین رسولا منهم یتلوا علیهم ایاته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. و اخرین منهم لمّا یلحقوا بهم»[1]. یعنی خدا این پیامبر را فقط برای همین عده‌یی که هستند، نفرستاده است؛ بلکه برای دیگرانی هم که هنوز به اینها ملحق نشده‌اند ـ یعنی شماها، یعنی نسلهای آینده ـ فرستاده است. آیا پرتاب این دعوت الهی و کشش آن، به نسلهای بعد هم خواهد رسید؟

در مقابل دعوت نبوی، این‌همه موانع وجود دارد. پیامبر در زمان خودش، این‌همه متحمل زحمت شد، تا توانست چهار نفر را مسلمان بکند. آیا در آینده، کسان دیگری مسلمان خواهند شد؟ این‌که خیلی سخت است. آخر آیه، جواب این پرسش است: «و هو العزیز الحکیم»[2]. او عزیز است. عزیز، یعنی غالب و آن کسی که در نهایت، حرف او تحقق پیدا می‌کند. «الغالب الّذی لا یغلب»[3]. عزیز، خود دارای حکمت است؛ یعنی کارهایش محکم است. قطعاً کشش این دعوت و رسالت، به نسلهای طولانی خواهد رسید

۱. سوره‌ی جمعه، آیات ۲ ـ ۳.
۲. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۳.
۳. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۱.

www.ourpresident.ir

ـ که می‌بینید رسیده ـ و الحمدلله روزبه‌روز هم زیادتر می‌شود. مضمون «انّا اعطیناک الکوثر»[1]، همین است. کوثر، یعنی افزاینده؛ روزبه‌روز زیادتر می‌شود.

آیه‌ی بعد می‌فرماید: «ذلک فضل‌الله یؤتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم»[2]. این، فضل خداست. درست است که دعوت عام است؛ اما این‌چنین هم نیست که هر انسانی اگر در مقابل این دعوت قرار گرفت، آن لیاقت را پیدا نماید که از آن تأثر پیدا کند و آن را بپذیرد. نه، این متعلق به همه نیست. البته از طرف خدا راه باز است؛ ولی انسانها اسیر شهوات می‌شوند و نمی‌کنند.

همه‌ی اینها نوید آینده است و این‌که این دین پیشرفت خواهد کرد؛ لیکن هشداری در این‌جا هست. این، آن نکته‌یی است که می‌خواهم شما در سوره‌ی جمعه به آن توجه کنید. کشش دعوت برای آینده، هیچ محل بحث نیست ـ قطعی است ـ اما مواظب باشید که حال حاضر را از دست ندهید. نسلهای آینده سرفراز خواهند شد؛ اما نسل مباشر فعلی دوره‌ی کنونی ـ که حالا سرافراز شده ـ خودش در معرض یک آفت است. اسلام می‌خواهد این نکته را به مسلمانان در هر زمان تفهیم بکند.

هر زمان هر نسلی که احساس مسلمانی کرد، باید از این هشدار الهی بترسد؛ منتها این نکته را مستقیم نمی‌گوید. قرآن در این جا، با شکل بسیار ظریف و با یک تمثیل، آن را بیان می‌کند؛ تمثیل به بنی‌اسرائیل: «مثل الّذین حمّلوا التّوریة ثمّ لم یحملوها»[3]. تورات را بر ذهن و دل و ایمان آنها سوار کردیم؛ اما بعد از گذشت زمانی، این بار معنوی و این هدایت الهی را پرتاب کردند و خودشان را از آن محروم نمودند. آن وقت نتیجه این می‌شود که

---

۱. سوره‌ی کوثر، آیه‌ی ۱.
۲. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۴.
۳. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۵.

www.ourpresident.ir

ظاهر، ظاهر هدایت است؛ اما باطن، باطن بی‌خبر از هدایت. نام، نام موحد؛ باطن، باطن مشرک. نام، نام مسلمان؛ باطن، باطن کافر. «کمثل الحمار یحمل اسفارا»[1]. مانند چهارپایی که رویش کتاب گذاشته باشند؛ اما از مضمون آن هیچ اطلاعی ندارند. این، همان هشدار به نسلهای ایمان‌آورده‌ی مسلمان است. از این بایستی ترسید.

بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولیّ فقیه در این نهاد ـ ۶۹/۶/۲۹

۱. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۵.

www.ourpresident.ir

وحدت مسلمین، پیام انقلاب اسلامی

باید بدانید که استعمار و استکبار، دهها سال ـ بلکه بیشتر ـ پول خرج کردند، تا بین مسلمین اختلاف ایجاد کنند. برای ایجاد اختلاف، کتاب و مجله نوشتند، شایعه منتشر کردند، عصبیتها را تحریک کردند و در اعماق دل مسلمین، نسبت به یکدیگر حقد و کینه‌های فراوانی به وجود آوردند. البته در طول زمانهای گذشته هم این دشمنیها بود؛ اما در دوران استعمار، شکل جدیدی پیدا کرد. هر کس با سیاست جدید دنیای اسلام در طول صد یا صدوپنجاه سال اخیر آشنا باشد، توجه می‌کند که اشاره به چه چیزهایی می‌کنم.

انقلاب اسلامی آمد و پرچمی بلند کرد که مسلمانان از هر مذهب و هر کشوری، وقتی به خود مراجعه کردند، دیدند این پرچم را دوست می‌دارند و احساس کردند این پرچم، پرچم اسلام و پرچم نبیّ‌مکرم اسلام ﷺ است. لذا بسیاری از نقشه‌های دشمنان، نقش بر آب شد. استکبار ساکت نمی‌نشیند. دشمنان خونخوار اسلام و مسلمین، آرام نمی‌گیرند. تا دیدند که انقلاب و

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی، در داخل و خارج از کشور، بین شیعه و سنی وحدت ایجاد کرد، اینها را به هم نزدیک نمود و عصبیتهایشان را نسبت به یکدیگر کم کرد، از بیرون شروع به سمپاشی کردند.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته‌ی وحدت ـ ۶۹/۷/۱۱

www.ourpresident.ir

۱۳ آبان، مصاف انقلاب و استکبار

واذ یمکر بک الّذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک ویمکرون ویمکر الله والله خیر الماکرین[۱].

در میان ایام‌الله انقلاب که یادگارهای دوران مبارزه‌ی بیست‌وچندساله‌ی ملّت شجاع و پیروز ما و هرکدام حامل خاطره‌یی و پرتوی از امام راحل عظیم ماست، سیزدهم آبان، دارای ابعادی متنوعتر و پیامهایی عمیقتر و بنیانیتر است. صف‌آرایی دو جبهه‌ی مبارزه‌یی خونین، جبهه‌ی ظالم و جبهه‌ی مظلوم، جبهه‌ی استکبار و سلطه و پیشاپیش آن امریکا، و جبهه‌ی حق و عدل و مشعلدار و امامِ آن ـ خمینی کبیر ـ در این یوم‌الله بوضوح دیده می‌شود و در هر سه مناسبتِ این روز، آشکار و روشن، خودنمایی می‌کند و نسلهای امروز و فردا را به تأمل و تدبر وا می‌دارد.

در شب چنین روزی، دستهای آلوده و خشن جبهه‌ی استکبار، امام جبهه‌ی حق و عدل را دزدانه از خانه‌ی محقرش که در آن، همه‌ی کاخ‌نشینان مغرور

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۰.

www.ourpresident.ir

را به مبارزه دعوت می‌کرد و سپیده‌ی طلعت حق را به چشم مستضعفان شب‌نشین می‌کشید، ربودند و خشم بی‌ثمر خود را از باطل شدن ترفند کاپیتولاسیون، نابخردانه فرو نشاندند. ...

آن روز، همه‌ی توان استکبار همین بود و کرد. مگر یوسف عزیز، در قعر چاه دگر یوسف نباشد. زهی خیال باطل.

پس از سالها، باز در چنین روزی در بحبوحه‌ی طلوع خورشید حق و عدل، که با مشعل‌گردانی و تدبیر الهیِ آن رهبر نستوه، از روزن دلهای یکایک مردم این مرز و بوم سرکشیده بود، دست شوم استکبار، خشمگین و سرگردان، بی‌تدبیر و هدف، جمعی از نونهالان دانش‌آموز را هدف گرفت و مشتی برگهای نورس بهاری را بر زمین ریخت، تا خون آن جگرگوشگان معصوم، باز هم زودتر دامن دیوان آدمی‌خوار را بگیرد و موج خشم آگاهانه‌ی مردم، خس و خاشاک راه پیروزی را بروبد.

و باز در چنین روزی در هنگامه‌ی پُرشور پیروزی، آن‌گاه که کشتی انقلاب، با حکمت و توکل نوح کشتیبان، بر روی امواج متلاطم حوادث، با صلابت و قدرت پیش رفته و به ساحل نجات رسیده بود، دست نیرومند انقلاب گریبان استکبار را گرفت و آن را از مسند موهوم شکست‌ناپذیری ـ که از تبلیغات دروغین خود و اوهام توده‌های غافل جهان ساخته بود ـ به زیر کشید و با تحقیر دولت مستکبر امریکا، دل ملّتهای تحقیر شده‌ی جهان را شاد کرد. زمره‌ی دلباخته و پُرشور دانشجویان، لانه‌ی توطئه‌گران و جاسوسان را زندان آنان کردند و آشتی‌ناپذیری اسلام نجاتبخش را با کفر ستم‌پیشه، به دنیا نشان دادند. از آن روز، انقلاب اسلامی ما که ضدیت با ظلم و استبداد رژیم دست‌نشانده را به پیروزی رسانده بود، آخرین امید طمعکاران فرصت‌جوی جهانی را هم زایل کرد و ابعاد گسترده‌ی مبارزه‌ی جهانی خود را که در آن، نه فقط رژیم وابسته‌ی حاکم بر ایران، بلکه ریشه و ام‌الفساد

www.ourpresident.ir

همه‌ی گرفتاریها ـ یعنی نظام سلطه‌ی جهانی و در رأس آن امریکا ـ آماج این مبارزه است، آشکار ساخت.

در این حوادث سه‌گانه، از تبعید حضرت امام در سال ۱۳۴۳ که به دنبال اعتراض ایشان به مصونیت مستشاران امریکایی انجام شد، تا کشتار دانش‌آموزان در سال ۱۳۵۷ و تا تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۱۳۵۸، صف‌آرایی میان انقلاب اسلامی از یک‌سو، و امریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش در ایران از سوی دیگر بود و این مبارزه که در میانه‌ی این سه حادثه و پیش از آن و پس از آن ادامه داشته، ترسیم‌کننده‌ی طبیعت اسلام و انقلاب اسلامی و هدفها و مسیر آن و نیز نمایشگر چهره و هویت استکبار جهانی و مظهر آن امریکا و روشها و نیز میزان اقتدار و آسیب‌پذیریِ آن است و مهمتر از همه، خط روشنی از روند مبارزه‌ی حق و باطل را ترسیم می‌کند و چگونگی رشد وسمت حرکت آن را معلوم می‌دارد. مطالعه در این روند امیدبخش، نشان می‌دهد که هرگاه جبهه‌ی حق استقامت و فداکاری کند، جبهه‌ی باطل ـ هرکه و هرچه و با هر حجم ـ در برابر آن تاب نخواهد آورد و مجبور به عقب‌نشینی خواهد شد.

نه سردمداران رژیم امریکا و نه دست‌نشانده‌های حقیرشان در ایران در سال ۴۳ که امام ما را تنها و غریبانه از قم به تهران و از آن‌جا به تبعیدگاه بردند، گمان نداشتند که بزودی خود، گروگان عملکرد جبارانه‌ی خویش خواهند شد و نمی‌فهمیدند که این توطئه‌ی شیطانی و این یورش کینه‌توزانه به قلب جبهه‌ی حق، یکسره ابزار مکر الهی علیه خود آنان خواهد شد و زمینه‌ی سقوط قدرت جبار شاهی و زوال امپراتوری استکبار را فراهم خواهد ساخت.

تسخیر لانه‌ی توطئه و جاسوسی که با الهام از فرمان حضرت امام خطاب به دانشجویان و دانش‌آموزان درباره‌ی گسترش اعتراضات انجام گرفت،

www.ourpresident.ir

اگرچه عکس‌العملی در قبال تهاجم جبهه‌ی استکبار علیه انقلاب بشمار می‌رفت، لیکن درعین‌حال جهادی ابتدایی بود علیه استکبار و علامتی از فرا رسیدن نوبت سر برکشیدن جبهه‌ی حق و به هم خوردن موازنه‌های استعماری و در هم شکستن صولت امریکا و بطلان تلقینات دهها ساله‌ی آنان برای مرعوب کردن ملّتها.

همان امپراتوری قهاری که یک روز داعیه‌ی سروری و مصونیت قضایی مستشاران و اتباعش در ایران را داشت و نزدیک به سی سال بود که در صحنه‌ی تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران، قدرت بی‌رقیب و مسلط به حساب می‌آمد و همواره منافع نامشروع خود را بر مصالح ملّت ایران طلبکارانه ترجیح داده بود، اکنون با بیداری و عزم راسخ ملّت ایران ـ که از ایمان پُرشور آنان ناشی می‌شد ـ در برابر حرکت گروهی از جوانان مؤمن این ملّت انقلابی، احساس ضعف و شکست کرد و دچار انفعال شد. نه فقط ملّت ایران، بلکه همه‌ی ملّتهای مسلمان که بر اثر تلقین مستمر قدرتهای ضد اسلامی در نیم قرن اخیر، بکلی امید به خود و نیروهای خود و حتّی نیروی اسلام را از دست داده بودند، در هریک از حوادث انقلاب و در هر سخن و اشاره‌یی از سوی امام انقلاب و در هر حرکتی از سوی مردم، پیامی متضمن امید و نشاط و اعتماد می‌گرفتند و به نیروی خود معتقد و از ضعف ذاتی استکبار آگاه می‌شدند.

اگر دنیا شاهد آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تا امروز، ملّتهای مسلمان در همه جای جهان، حرکاتی از سر اعتماد به خود، در جهت بازگشت به هویت و فرهنگ اسلامی خود انجام می‌دهند، درست به این دلیل است که مبارزه‌ی فداکارانه‌ی ملّت ایران، این ترفند استعماری و استکباری را که ملل شرق و ملل مسلمان، قادر به عقب نشاندن قدرتهای اروپا و امریکا نیستند، ابطال کرده و جایگاه قدرت واقعی را نشان داده است.

www.ourpresident.ir

قدرت واقعی، مردم باایمانند و در برابر چنین مردمی، هیچ قدرت مادّی ـ هرچند بزرگ و مجهز ـ قادر به اعمال اراده‌ی خود نخواهد بود.

این، بزرگترین درس روز سیزدهم آبانماه است. روزی که هم شاهد غربت و مظلومیت امام جبهه‌ی حق بود، هم شاهد مقاومت خونین و فداکارانه‌ی امت آن امام و تا حد قربانی دادن نوجوانان دانش‌آموز، و هم شاهد ذلت دشمنان آن امام به دست مریدان و شاگردان پُرشور و انقلابیش. ... لذا درس این روز، درسی بس عبرت‌آموز و استثنایی است.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ـ ۶۹/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

تعمیق ایمان مردم به حقّانیّت راه انقلاب

خدا را شکر می‌گوییم که ملّت ایران با گوش حق‌نیوش و چشم حق‌بین، درسهای بزرگ زندگی را از انقلاب بزرگ و رهبر حکیم خود آموخت و روزبه‌روز با تحقق وعده‌های الهی، ایمانش به حقانیت این راه عمیقتر شد. ملّت ما، پیروزی بر رژیم وابسته‌ی شاهی را، پیروزی بر ترفندها و توطئه‌های امریکایی را، پیروزی بر جبهه‌ی نظامیِ پیشکرده‌ی شرق و غرب را، پیروزی بر محاصره‌ی اقتصادی را، پیروزی بر جبهه‌ی سیاسی و تبلیغاتی جهانی را و پیروزی بر بسیاری از مشکلاتی را که به دست همان دشمنان برایش فراهم شده بود، یکی پس از دیگری با همه‌ی وجود حس کرد و طعم شیرین آن را چشید. همه‌ی این پیروزیها، به برکت تمسک به اسلام و حفظ استقلال و استغنا از بیگانگان و توکل به خدا و تلاش یکپارچه‌ی ملّت پشت سر رهبر یگانه و بی‌بدیلش به دست آمد.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ـ ۶۹/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

جوانان، پیشآهنگان مبارزه

به فرزندان و برادران عزیز و انقلابیم، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان که این روز بزرگ به نام آنان است، عرض می‌کنم که شأن و وضع شما، چه در حال و چه بیشتر در آینده، به گونه‌یی است که بار اصلی انقلاب بر دوش شماست و اسلام عزیز و اولیای شهیدان و امام بزرگوار و صالحان ملّت، به شما نظر و امید و از شما انتظار دارند بکوشید و برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصتها را مغتنم شمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود، وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسؤولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصاً آنچه به پاسداری از ارزشها و فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی است، پُر کنید و پیوند خود را با جامعه و اقشار مختلف و بخصوص روحانیت معظم تقویت کنید و از حیله‌های شیطانی و دسایس و ترفندهای ابلیسی که گاه حتّی در لحن و قالب دلسوزی است، برحذر باشید. در مسیر مبارزه‌ی افتخارآمیز ملّت ایران، جوانان همیشه باید پیشاهنگ و پیشرو باشند. خود را آماده‌ی پیشاهنگی در خط صحیح و

www.ourpresident.ir

بی‌انحراف نگهدارید و هوشمندانه خط صحیح و مستقیم را از کجراهه‌های انحرافی باز شناسید و صبغه‌ی الهی را ترویج و شعایر اسلامی را تعظیم کنید.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ـ ۶۹/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

معنویت و کار برای خدا، رمز اعتقاد مردم به روحانیت

ما با یک لاقبا، مثلاً چه چیزی داشتیم که موجب بشود مردم با حرف روحانیت و حرف امام، آن‌طور حرکت کنند، پانزده سال مبارزه نمایند و بعد با فداکاری، آن را به پیروزی برسانند و سپس ده سال در دوران مبارک حضرت امام، در مقابل این همه توطئه ایستادگی کنند و بعدش هم همین‌طور؟ آیا جز معنویت و جز این اعتقاد در دل مردم که روحانیت برای خودش کار نمی‌کند، بلکه برای خدا و خیر مردم است و امر خدا را اجرا می‌کند، چیز دیگری بوده است؟ برای همین هم است که وقتی نهضتها به غیر جنبه‌ی معنوی و ایمان قلبی متکی باشند، به جایی نمی‌رسند. این، در جاهای دیگر امتحان شده و در کشور ما هم امتحان شده است. نهضتی به جایی می‌رسد، که یک رگه‌ی معنوی و ایمانی و اعتقادی و خدایی در آن حاکم است.

مردم، روحانیت و این لباس و من و شما را مظهر این چیزها می‌دانند و مؤمن به حساب می‌آورند. گاهی خودشان اشتباه و خطا می‌کنند و دچار شهوت و غضب و پول‌پرستی و تجمل‌پرستی و کارهایی که بالاخره بشر در

www.ourpresident.ir

طبیعتش هست، می‌شوند و نقص خودشان را به پای کمالی می‌گذارند که در روحانیت به حساب می‌آورند. می‌گویند اگر ما ناقصیم، او کامل است؛ اگر ما نمی‌فهمیم، او حکم خدا را می‌فهمد؛ اگر رابطه‌ی ما با خدا ضعیف است، او رابطه‌اش قوی است؛ پس هرچه او می‌گوید، ما «متقرّبا الی‌الله» عمل می‌کنیم.

برای همین است که هرجا روحانیت جلو بوده، اگر انقلاب بوده، پیروز شده؛ اصلاح بوده، انجام شده؛ خدمات بوده، تحقق پیدا کرده است؛ غیر از این‌که نیست. حالا اگر کاری شد که ایمان مردم به این لباس و به این دستگاه زایل شد، ببینید چه پشتوانه‌یی از مردم گرفته می‌شود، چه اعتماد قلبی‌یی از انسان یا از مردم زایل می‌شود. اثر این زوال اعتقاد و ایمان در بیرون چیست؟

بیانات در دیدار با مسؤولان دادگاه و دادسرای ویژه‌ی روحانیت ـ ۶۹/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

توطئه‌ی دشمنان برای بدنام کردن روحانیون

یکی از برنامه‌های رضاخان در این مملکت ـ که یقیناً هدایت‌شده از سوی انگلیسیها و قدرتهای پشت سر رضاخان بود؛ چون عقل خودش و تشکیلاتش به این چیزها نمی‌رسید ـ همین بود که روحانیون را بدنام کند. او به برداشتن عمامه‌ها اکتفا نکرد؛ به بدنام کردن روحانیون مشغول شد و کار را به جایی رساند که در کوچه و خیابان، بچه‌های مردم اگر آخوندی می‌دیدند، مسخره می‌کردند. این کار، عرف رایج شده بود!

این قضیه، مربوط به سالهای ۲۹ و ۳۰ است؛ یعنی من در آن زمان، یازده یا دوازده سالم بود. این جوّ، تا حدود ده سال بعد از رفتن رضاخان و کم و بیش تا قُبیل انقلاب ـ که من طلبه‌یی شده بودم ـ ادامه داشت.

ما در مشهد، تشکیلات و جلسات مهمی داشتیم. در جلسات من، چه‌قدر دانشجو و دکتر می‌آمدند و من برای آنها تفسیر می‌گفتم. با جوانی از دوستان خودم ـ که فارغ‌التحصیل و آدم باسوادی بود ـ می‌خواستم به تهران بیایم. در ایستگاه راه‌آهن، با هم قدم می‌زدیم که وقتِ قطار بشود. در همین موقع، چند

www.ourpresident.ir

جوان که معلوم نبود اصلاً سوادی هم دارند یا ندارند ـ تیپهای اروپایی آن روز که لباس جین می‌پوشیدند و تازه در ایران معمول شده بود ـ به شکلی من را مسخره کردند که رفیقم خجالت کشید. این مسخره‌کردنها رایج شده بود و دیگر مخصوص بچه‌ها و یا یک طبقه‌ی خاص نبود.

این کارها برای آن بود که روحانیت را از چشمها زایل کنند. برای آن بود که آنها نقش روحانیت و ایمان به روحانیت را خوب فهمیده بودند. در قضیه‌ی مدرّس و مرحوم کاشانی، و قبل از آن در قضیه‌ی مشروطیت و میرزای شیرازی، این نقش را فهمیده بودند و می‌دانستند که باید این گروه و این طایفه را از چشم مردم انداخت. برای این کار، مثل ریگ پول خرج می‌کردند و از هر وسیله‌یی هم استفاده می‌کردند.

آن وقت، روحانیت با دوچیز، یکی با علم و یکی با زهدش توانست علی‌رغم خواست آنها، در دستگاههای مختلف و در دانشگاه ـ که جایی برای ماها نبود و مظهر و مرکز تبلیغات ضدآخوندی بود ـ نفوذ کند. در همین دانشگاه، بچه‌ها کلاس درس را تعطیل می‌کردند، تا پای درس فلان آخوند ـ که نه پول و نه قدرت داشت و حتّی رفتنِ پیش او، گاهی دردسر هم داشت ـ بروند. با وجود این قضیه، حالا به جای انگلیس و رضاخان و محمّدرضا، آقایی با ریش و عمامه و هیکل و عنوان پیدا بشود و کار خلافی مرتکب گردد و این‌همه زحمات را بر باد بدهد. کاری که این‌گونه افراد انجام می‌دهند، از آن همه کارهایی که آنها کردند، خیلی موفقتر است! پس، اگر ما فرض کنیم، یک دست سیاسی وجود دارد که آخوندجماعت را به فساد و به رشوه‌خواری و به این چیزها بکشد، فرض خیلی دوری نکرده‌ایم.

بیانات در دیدار با مسؤولان دادگاه و دادسرای ویژه‌ی روحانیت ـ ۶۹/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

شکست تجهیزات دشمن در برابر ایمان و عشق و اراده

انقلاب اسلامی، یک انقلاب مردمی است. اساساً هنر ایمان اسلامی در همین است که دلهای مردم را آن‌چنان مجذوب می‌کند و نیروهای آنان را آن‌چنان در خدمت هدفهای عالی و والا به کار می‌اندازد که خود این، انقلاب و حرکت اسلامی را بیمه می‌کند و نصرت الهی را به دنبال می‌آورد. صدر اسلام هم عیناً همین‌گونه بود. در صدر اسلام، حضور آحاد مردم و ایمان مخلصانه‌ی آنها، موجب نصرت شد. این، صریح قرآن است. آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «هو الّذی ایّدک بنصره و بالمؤمنین»[1]. یعنی خدای متعال، با نصرت خود و به وسیله‌ی مؤمنین، پیامبر را تأیید کرد.

انقلاب ما، این برتری قاطع را بر همه‌ی حرکات و نهضتها و انقلابها داشت که متکی به آحاد مردم بود، و همیشه هم متکی خواهد بود. علت این‌که استکبار جهانی نتوانسته است ـ و به فضل الهی هیچ‌وقت نخواهد توانست ـ این انقلاب را شکست بدهد، همین است.

---

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۲.

www.ourpresident.ir

دشمن، با توده‌ی مردم و انسانهای مؤمن و مخلص، چه‌کار می‌تواند بکند؟ مگر ابزارهای دشمن چیست؟ ابزار دشمن، عبارت از تجهیزات است. تجهیزات، در مقابل نیروی ایمان و شور و عشق و اراده‌ی مردم، کارایی ندارد. تجهیزات، کسانی را می‌ترساند که بخواهند فقط با اتکا به تجهیزات خودشان بجنگند و مبارزه کنند. این‌گونه آدمها، اگر در مقابل خودشان تجهیزاتی را ببینند که از تجهیزات خودشان مدرنتر و بالاتر است، ممکن است احساس رعب کنند؛ اما در مقابل مردم باایمان و بااخلاص، از تجهیزات مدرن دشمن کاری ساخته نیست. مدرنترین تجهیزات، در مقابل یک نیروی مقاوم ایستاده‌ی شهادت‌طلب، از کار باز می‌ماند.

مگر هیچ دشمنی می‌تواند میلیونها انسان از آحاد یک ملّت را عقب بنشاند؟ همین توده‌ی مردم حزب‌الله بودند که در خیابانهای سرتاسر این کشور، در مقابل تجهیزات مدرنِ از دشمن‌گرفته‌ی رژیم پادشاهی ایستادند. چرا آن تجهیزات نتوانست بر آنان فایق بیاید؟ در حالی که آن تجهیزات می‌توانست طرف خودش را بکشد. اگر کسی از مرگ ترسید، از آن تجهیزات می‌ترسد؛ اما اگر کسی مرگ را شهادت دانست، از تجهیزاتی که مرگبار باشد، نخواهد ترسید. در تمام مبارزات تحمیل‌شده‌ی از سوی دشمنان، این مطلب صادق است.

بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام ـ ۶۹/۹/۵

www.ourpresident.ir

فتح‌الفتوح تربیت جوانان

بله، هنر انقلاب این است، و هنر امام این بود. آن بزرگوار، در جامعه‌یی که دشمن پنجاه، شصت سال به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روی آن کار کرده بود، تا آن را به لجنزار فساد بکشاند، کار کرد و جوانانش را مثل گُل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: این، فتح‌الفتوح است. بله، فتح‌الفتوح امام، ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق ،بی‌اعتنای به شهوات و دلهایشان متوجه به سمت خدا بود. در طول تاریخ، در این مملکت و یا در سایر ممالک اسلامی، ما چه موقع این‌قدر جوان خوب و صالح، مثل دوران انقلاب داشتیم؟

بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام ـ ۶۹/۹/۵

www.ourpresident.ir

لزوم هوشیاری در برابر انتقام دشمن

برادران و خواهران عزیز من در سرتاسر کشور! بدانید که امروز امریکا و یاران و مزدوران و همپیمانانش، منتظر فرصتند که از انقلاب انتقام بگیرند. منتظر فرصت هستند که انتقام محمّدرضای خبیث و خاندان ظالم و ساواکیهای دورانش را از جوانان انقلابی ما بگیرند. دنبال منفذی می‌گردند، تا در داخل انقلاب نفوذ کنند. هوشیار باشید؛ همچنان‌که بحمدالله هوشیار بودید و هستید.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از نیروهای مقاومت بسیج، گروهی از پرستاران و جمعی از پرسنل نیروی دریایی ارتش ـ ۶۹/۹/۷

www.ourpresident.ir

وظیفه‌شناسی، شکر نعمت انقلاب

این نظام اسلامی، یک عطیه‌ی الهی است. خدای متعال، برطبق سنّتهای تاریخی و قواعد و قوانین حاکم بر جهان بشریت، این پدیده‌ی علی‌الظاهر مستبعد را، حقیقتاً با قدرت کامله‌ی خود به‌وجود آورد. این، در درجه‌ی اول، عطیه‌یی الهی برای مردم ایران، و در درجه‌ی بعد، برای همه‌ی مسلمین عالم، و شگفت نیست اگر که بگوییم در درجه‌ی بعد هم برای همه‌ی مظلومان عالم بود.

این عطیه‌ی الهی، این تفضل بزرگی که خدای متعال کرد ـ مثل همه‌ی تفضلات الهی ـ از طرف پروردگار یک سند تضمین‌شده در دست مردم ندارد. اگر این نعمت را خوب نگهداشتیم، خواهد ماند و روزبه‌روز بهتر و بالنده‌تر خواهد شد و برکات آن بیشتر می‌گردد. اگر خدای ناکرده آن را تضییع کردیم و این بار را حمل نکردیم، مثل همان کسانی خواهیم شد که خداوند متعال در قرآن، بارها و بارها اسم آنها را برای درس گرفتن ما آورده

www.ourpresident.ir

است؛ «مثل‌الّذین حمّلوا التّورية ثمّ لم‌یحملوها»[1].

خدای متعال، در باب بنی‌اسرائیل مکرر فرموده است که ما اینها را فضیلت دادیم، بر دشمنانشان پیروز کردیم و حکومت و مُلک و قدرتشان دادیم. همین بنی‌اسرائیل نیز کسانی هستند که خدای متعال درباره‌ی آنها فرمود: «ضربت علیهم الذّلّة والمسکنة و باؤا بغضب من‌الله»[2]. درباره‌ی بنی‌اسرائیل، تعبیرات گزنده‌ی متعدد دیگری در قرآن وجود دارد.

این نعمت، شکر لازم دارد. شکر این نعمت و نگهداری این عطیه و تفضل بزرگ الهی به این است که ما به وظایفمان در قبال این لطف الهی آشنا بشویم و به آنها عمل کنیم؛ هدف را فراموش نکنیم؛ یادمان نرود که خدای متعال، این انقلاب را پیروز کرد و مسلمین ایران را به برکت این انقلاب و به برکت آن رهبر استثنایی، عزّت بخشید. اصلاً خدای متعال، او را برای چنین نقطه‌ی عطف تاریخی ذخیره کرده بود. ظاهراً آدم خیال می‌کند که خدای متعال، این وجود گرانبها و گرانمایه را تربیت کرده و نگهداشته بود، تا چنین حرکتی را در دنیا و در تاریخ به وجود بیاورد.

وقتی این انقلاب، به برکت عطایای متواتره‌ی الهی به پیروزی رسید، شما که انقلابی و مؤمن به این راه و این هدف هستید، آیا فکر کرده‌اید که چرا وارد محدوده‌ی مؤمنین و کارگزاران و عاملان این مجموعه شده‌اید؟ آیا انگیزه‌یی جز این وجود داشت که خدای متعال وعده‌اش را عمل کرد و ما را از ضعف و ذلت و ادبار و توسری‌خوری همه‌ی قدرتهای ظالم و دوری از هویت اسلامی نجات داد؟ بسیار خوب، حالا بایستی با همه‌ی وجودمان، در راه اسلام حرکت کنیم.

این هدف، باید یک لحظه از یاد من و شما نرود. همه‌ی ما هم مثل

---

۱. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۵.
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶۱.

www.ourpresident.ir

یکدیگر هستیم. باید همین حرفها را کسی به خود من بزند. اگر من به شنیدن این حرفها، از شما محتاجتر نباشم، حداقل به‌قدر شما محتاجم. همه‌ی ما همین‌طور هستیم.

ما باید این هدف را از یاد نبریم که استقامت، یعنی بی‌راهه نرفتن، خط را گم نکردن و هدف را فراموش نکردن. این امر، این‌قدر حساس و مهم است که خدای متعال به پیامبر با آن عظمت نیز همین توصیه را می‌کند که ما حالا می‌خواهیم به خودمان این توصیه را بکنیم. می‌فرماید: «فاستقم کما امرت و من تاب معک»[1]؛ مواظب باش راه را گم و اشتباه نکنی. این گم کردن راه، حرف کلی و مبهمی است؛ هر کس می‌گوید که راه این است. ممکن است دو رفیق یا دو برادر، سلیقه‌ها و دیدگاهها و مبانی مختلفی داشته باشند و در زمینه‌های سیاسی یا اقتصادی، از دو نوع فکر برخوردار باشند و هر کدام بگوید که راه من، راه درستی است. آیا معنای استقامت در راه، این است؟ نه، طبعاً این اختلافات سلایق وجود دارد.

برادران! دارای هر سلیقه و هر جناح و هر فکر و ـ به قول معروف ـ هر خطی که هستید، بدانید که یک‌جا نقطه‌ی انشعاب است؛ مواظب آن‌جا باشید. آن‌جا عبارت از آن نقطه و لحظه‌یی است که احساس می‌کنید به جای خدا، «خود» وارد میدان می‌شود. نقطه‌ی انحراف، این‌جاست. «اعدی عدوّک نفسک الّتی بین جنبیک». این نفس و این من، از همه‌ی دشمنان، دشمنتر است؛ چیزی است که برای ارضای آن، گاهی ممکن است خدای ناکرده ما حاضر بشویم که شریفترین و عزیزترین ارزشها را هم از یاد ببریم. این‌جا نقطه‌ی انحراف است و هر لحظه هم در انتظار ماست؛ باید مواظب این بود.

این، از آن اشتباهاتی نیست که ما در تاریخ زندگی خود دنبالش بگردیم؛

---

۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۲.

www.ourpresident.ir

نقطه‌ی آن را حدس بزنیم و در آن‌جا مواظبش باشیم. نه، ممکن است در هرلحظه برای ما پیش بیاید. همین حالا که من حرف می زنم، در وسط حرف زدن، این دوراهی وجود دارد. شما که دارید می‌شنوید، در اثنای شنیدن، این دوراهی وجود دارد. در اقدامی که می‌خواهیم بکنیم، این دوراهی وجود دارد. در آن‌جایی که شهوتی از شهوات نفسانی ما حضور پیدا می‌کند و خودش را عمده می‌نماید، این دوراهی وجود دارد. در آن‌جایی که می‌خواهیم تصمیمی بگیریم ـ چه تصمیم شخصی، چه تصمیم دولتی و کلی ـ این دوراهی وجود دارد. در ظریفترین و لطیفترین حالات، این دوراهی وجود دارد.

لذا شما واقعاً می‌بینید که این ظرافتها، چه‌قدر در ذهن و زبان ائمه‌ی بزرگوار ما وجود داشته است. در دعای مکارم‌الاخلاق می‌خوانید: خدایا! به من عزّت بده، به من جاه بده؛ ولی «لاتبتلینی بالکبر»[1]؛ من را مبتلای به غرور نکن. من را به عبادت موفق بکن؛ ولی مبتلای به عجب نکن. یعنی حتّی در اثنای عبادت، این دوراهی هست. لحظه‌ی خودشگفتیِ «این منم»، همان لحظه‌یی است که از این جاده‌ی مستقیم مبارکِ خوش‌عاقبت، به یک جاده‌ی پُررنج و گمراه‌کننده می‌لغزیم. این، نقطه‌ی انحراف است؛ باید به این توجه کرد.

شما اقلاً در هر نماز دو بار، و هر روز اقلاً ده بار، خدمت پروردگار عرض می‌کنید: «اهدناالصّراط المستقیم»[2]. معمولاً انسان یک‌بار دعا می‌کند. این‌که دایم صراط مستقیم را از خدا می‌خواهیم، همان استجابت «استقم کما امرت»[3] است؛ استقامت. بخصوص ماها که کارگزار و مسؤولیم، بارمان سنگینتر است.

---

۱. صحیفه‌ی سجادیه، دعای مکارم الاخلاق.
۲. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۶.
۳. سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۵.

www.ourpresident.ir

برادران عزیز! از ما سؤال خواهد شد. ما در دو جا محاکمه می‌شویم: یکی در تاریخ، که آینده درباره‌ی ما قضاوت خواهد کرد، و دیگری در پیشگاه الهی.

من این نکته را فراموش نمی‌کنم که در آن سالهای اختناق، همیشه در حوزه‌های علمیه و در جمعهای مبارزی و روشنفکری، ماها در بین خودمان، آن کسانی را که در فاصله‌ی بین سالهای ۲۰ و ۳۲ ـ که اختناق مجدد محمّدرضاخانی بر این مملکت مسلط شد ـ کاری نکرده بودند، محاکمه می‌کردیم و می‌گفتیم: در آن ده، دوازده سالی که مقداری گشایش بود و می‌شد کاری کرد، چرا کاری نکردند؟ شاید همین حالا بعضی از ماها، خودمان یا دیگری را، در برهه‌هایی از همین ده، دوازده سال گذشته، مورد سؤال و ملامت قرار بدهیم، که فلان‌جا که می‌شد فلان کار را بکنیم، چرا نکردیم؟ یا در آینده، مردم این کشور و مسلمانان دنیا، از ما سؤال خواهند کرد که فرصت گرانبهایی در اختیار شما قرار گرفت، در این فرصت چه کردید؟ آیا به همه‌ی وظیفه‌ی خود عمل کردید، یا نه؟ اگر ما ذرّةٌمثقالی کوتاهی کرده باشیم، زیر ذره‌بینها مورد مداقه و مؤاخذه قرار خواهد گرفت.

این، یکی از موارد است، که البته چیز بزرگی هم است. همین سرزنش احتمالی تاریخ و نسلهای آینده، خیلی از افراد را به صحت عمل وادار می‌کند؛ اما ما از این بالاتر را هم داریم و آن، محاکمه‌ی در پیشگاه الهی است؛ آن را چه کار کنیم؟

وقتی انسان بعضی از این آیات قرآن را مرور می‌کند، واقعاً تکان می‌خورد. «وقفوهم انّهم مسئولون»[1]؛ آنها را نگهدارید. پروردگار نمی‌گذارد ما قدم از قدم برداریم. در آن عرصه‌ی عجیب و هول‌انگیز، یکی‌یکی کارها و حرکات و حرفها و اعمال و حتّی گاهی تصورات ما، زنده خواهد شد و مورد مداقه

۱. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۲۴.

www.ourpresident.ir

قرار خواهد گرفت. «فمن یعمل مثقال ذرّة خیرا یره. و من یعمل مثقال ذرّة شرّا یره»[1]. شما خود آن خیر و شر را در قیامت می‌بینید. خود آن عمل، آن‌جا در مقابل ما مجسم و زنده خواهد شد.

لحظه‌لحظه‌ی زندگی ما، در زیر پرتو نافذ علم و بصیرت الهی است؛ به همان بیان عارفانه و برخاسته از بصیرت کامل آن انسان الهی و عبد صالح که فرمود: «عالم محضر خداست». ما الان در محضر خدا هستیم و خدای متعال به زوایای فکر و ذهن ما واقف است. با این فکر، ما کارگزاران حکومت اسلامی، باید به وظایف این برهه‌ی حساس توجه کنیم و به آنها عمل نماییم.

وقتی ما گفتیم حکومت اسلامی، چیزهایی را در زندگی و وضع عامه‌ی مردم، در نظام اجتماعی، در افکار و فرهنگ، در همه‌ی مناسبات اجتماعی، از جمله در روش و منش کارگزار حکومت اسلامی، متعهد شده‌ایم. این حکومت اسلامی، معنای خاصی دارد. حکومت اسلامی، غیر از حکومت سلطنتی است؛ غیر از حکومت دنیایی است؛ غیر از حکومت طاغوتی است؛ غیر از سلطه‌ی بر مردم است؛ غیر از زندگی به صورت اغتنام فرصت شهوات است، برای کسانی که دستشان می‌رسد و می‌توانند. حکومت اسلامی، یعنی کارگزارانش برای اسلام و خدا کار می‌کنند، نه برای خود.

ما باید خودمان را به معنای واقعی کلمه ـ نه به معنای تعارفی کلمه ـ خدمتگزار مردم بدانیم. ما در هر سطحی از سطوح که هستیم، باید این فکر را که: «از امکاناتی که در اختیار ماست، می‌توانیم برای تأمین خواسته‌ها و هوسهای خود استفاده کنیم؛ پس بکنیم»، بکلی دور بیندازیم. مسؤولان کشور باید به معنای واقعی کلمه، از لحاظ زهد ـ یعنی بی‌رغبتی به زخارف دنیایی ـ

۱. سوره‌ی زلزله، آیات ۷ ـ ۸.

www.ourpresident.ir

سرمشق دیگران باشند؛ حد آن هم، حد ورع است.

امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاةوالسّلام) در آن نامه‌ی معروف خود به «عثمان بن حنیف»، بعد از آن‌که می‌فرمایند تو سر چنین سفره‌یی بودی و چنین و چنان، زندگی خودشان را می‌فرمایند: «الا و انّ امامکم قد اکتفی من دنیاه بطمریه و من طعمه بقرصیه»[1]. بعد می‌فرمایند: «الّا وانّکم لا تقدرون علی ذلک»؛ یعنی من از شماها توقع این‌طور زندگی را ندارم.

من و شما کجا می‌توانیم به خاطرمان خطور بدهیم که قادریم در آن حد اوج پرواز کنیم؟ مگر شوخی است؟ بحث این نیست که ما از خودمان مسؤولیت را دفع کنیم. نه، اگر کسی می‌تواند، باید بکند. بحث این نیست که برای عمل خودمان، توجیهی درست کنیم. نه، آن‌طور زندگی کردن، یک عمل تصنعی نیست؛ بلکه به یک روح پولادین متکی است، که آن روح در امیرالمؤمنین وجود داشت.

در دنبال آن می‌فرمایند: «ولیکن اعینونی بورع و اجتهاد»؛ ورع پیشه کنید و هرچه می‌توانید، در این راه سعی و کوشش نمایید. اگر آن‌طوری نمی‌توانید، تا هرجا که می‌توانید، این را دنبال کنید. ما اگر می‌خواهیم و شعار می‌دهیم و می‌گوییم که جامعه‌ی ما باید روحیه‌ی مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگهای غربی ترویج می‌شود، رها کند، عمل به آن، متوقف به عمل ماست. ما هستیم که باید این را به مردم یاد بدهیم. مگر می‌شود خود ما دچار انواع و اقسام تشریفات و تجملاتِ ممکن باشیم، اما درعین‌حال از مردم توقع داشته باشیم که تجملاتی نباشند؟! اگر در جاهای دیگر شعارش را می‌دهند، ما باید عمل کنیم.

یک نکته‌ی دیگر، نحوه‌ی رابطه‌ی با مردم است. در نظام اسلامی، رابطه‌ی

---

۱. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۵.

www.ourpresident.ir

اخلاقی با مردم، رابطه‌ی مخصوصی است؛ مردم را در همه‌ی کارها مالک و صاحب امر دانستن، یک مُراجع مزاحم ندانستن. شما برادران عزیزی که در بخشهای گوناگون دولتی و قوّه‌ی قضاییه مشغول کار هستید، یکی از اولین تعلیماتتان به زیردستان و چیزی که از آن مؤاخذه می‌کنید، باید رفتار خوش با مردم باشد. حقیقتاً مردم صاحب قضیه‌اند. حقیقتاً مردم ولی‌نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند. این، تعارف نیست. بعضی خیال می‌کنند، امام که این حرفها را می‌زدند، تعارف می‌کردند!

اگر این مردم، با جان و تن و فرزندان خودشان به این جبهه‌ها نمی‌رفتند و دفاع نمی‌کردند، چه چیزی از این نظام باقی بود؟ اگر این مردم، با همه‌ی وجود و به انحای طرق، در طول این دوازده سال، حمایت و پشتیبانی خودشان را از ماها نشان نمی‌دادند، چه چیزی مایه‌ی قدرت و عزّت ما در دنیا بود؟ مگر ما چه داریم که دیگران ندارند؟ ما به عنوان یک حکومت، مگر چه چیزی در اختیارمان است که می‌توانیم آن را به کار ببریم و خرج کنیم؛ ولی قدرتها و دولتها و طواغیت و گردنکشان و این پُرروها و امپراتوران عالم، آن را ندارند؟ آیا جز ایمان یک ملّت شجاع و به‌پا خاسته، چیز دیگری هست؟ پشتوانه‌ی این حکومت، غیر از کمک این مردم چیست؟

پس، اینها صاحب قضیه‌اند. اینها بودند که رژیم شاه را سرنگون کردند. اگر این مردم به فرمان امام گوش نمی‌کردند، به خیابانها نمی‌رفتند و جوانانشان را نمی‌دادند، من و شما که این افتخار را هم با خودمان یدک می‌کشیم که جزو مبارزان آن زمان بوده‌ایم، باید صد سال آن‌گونه مبارزه می‌کردیم! مردم بودند که به خیابانها رفتند و جان خودشان را فدا کردند. حالا که این مردم به ما مراجعه می‌کنند، آیا باید با آنها مثل مزاحمی که مرتب ما را اذیت می‌کند، برخورد کنیم؟! این مسأله، یک مسأله‌ی اخلاقی نیست.

حرف من این است که باید ترتیبی داده بشود و مکانیسمی به وجود

www.ourpresident.ir

بیاید که کارگزاران حکومتی، خودشان را به معنای حقیقی کلمه، خدام و خدمتگزاران مردم بدانند؛ بروند کار کنند و همان‌قدری که برایشان مقرر و معیّن شده است، زحمت بکشند و وظیفه‌ی خود را انجام بدهند؛ کوتاهی نباید باشد.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّد احمد خمینی ـ ۶۹/۹/۱۴

www.ourpresident.ir

پیروزی انقلاب، پاداش مجاهدتها

نظام جمهوری اسلامی، یک حرکت عظیم الهی است. ابعاد این حرکت، به ابعاد مرزهای این کشور محصور نیست. این حرکت، حتّی به حصارهای زمان کنونی هم محدود نمی‌شود؛ یک حرکت عظیم تاریخی است. باید طوری باشد که نسلهای دیگر و ملّتهای مسلمان معاصر ما، از این حرکت درس بگیرند، نیرو به دست آورند و راهشان را پیدا کنند.

این مقطع، مقطع عجیبی است. انسان هرچه بیشتر در این مسأله غور می‌کند، حقیقتاً لطف و عنایت خداوند را بیشتر می‌بیند. پدیده‌ی عظیم حکومت دینی ـ آن هم دین اسلام ـ همیشه مورد خصومت و دشمنیِ حساب‌شده و دقیق دشمنان بوده، و بخصوص دویست سال یا بیشتر است که علیه آن، کسانی در دنیا برنامه‌ریزی و کار می‌کنند. در این شرایط، ناگهان نهال حکومت دینی در این سرزمین رویید و بالید. یعنی در زمان اقتدار روزافزون و از همیشه بیشتر قدرتهای جهانی، و این تکنولوژی انحصاری که در اختیار آنهاست ـ که هیچ‌وقت قدرتهای عالم، این‌گونه مسلح نبوده‌اند

www.ourpresident.ir

و ابزار فشار در اختیارشان نبوده است ـ انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد؛ آن هم در کشوری که سالهای متمادی، روی فرهنگ و روحیه‌اش، کار منفی شده بوده است. این، جز لطف و دست پنهان قدرت الهی، چیز دیگری نبود؛ هم به وجود آمدن آن، و هم پیشرفت و ادامه‌اش تا امروز. این نکته‌یی بود که امام بزرگوارمان، عمیقاً به آن معتقد بودند.

ایشان یک‌وقت در جریانی فرمودند: من از اول انقلاب احساس کرده‌ام که در همه‌ی مراحل، دست قدرتی به ما کمک می‌کند و ما را راهنمایی می‌نماید. واقعاً همین‌طور است. البته خدای متعال، این دست قدرت را تصادفی و شانسی و بیهوده نمی‌فرستد؛ بلکه به عنوان پاداش یک مجاهدت و یک ازخودگذشتگی می‌فرستد؛ یعنی قوانین تاریخ، به هم نخورده است. این‌طور نیست که کسی تصور کند آنچه پیش آمده، کتره‌یی بوده است. نه، آنچه پیش‌آمده، منطبق بر قواعد عالم است؛ منتها برطبق قوانین و قواعد مادّیِ شناخته شده نیست؛ بلکه عنصر معنوی در آن کار، مؤثر و کننده‌ی کار است.

حالا در مقابل این رسالت تاریخی و این حادثه‌ی عظیم، خصومت و عناد روزافزون قدرتها را نسبت به نظام جمهوری اسلامی می‌بینیم. ممکن است که فرض کنیم، امروز خطر قدرتهای بزرگ برای انقلاب و کشور، کمتر از اوایل انقلاب است؛ چون امروز نظام اسلامی ریشه‌دار شده و سخن حق آن در خیلی از اقطار عالم پیچیده و طرفداران زیادی در دنیا دارد؛ در داخل هم کارهای زیادی انجام گرفته و بر کار خودش مسلط و جاافتاده است. ممکن است این‌گونه فرض کنیم؛ ولی نمی‌خواهیم به طور قاطع هم قضاوتی در این مورد بکنیم. امروز خطر کمتر است؛ اما عناد و دشمنی و استنتاج مخالف دشمنان اسلام، قطعاً بیشتر از اول انقلاب است.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّد احمد خمینی ـ ۶۹/۹/۱۴

www.ourpresident.ir

امام حکیم و بصیر

امام(ره) به معنای واقعی کلمه، یک حکیم بود. خدای متعال، حکمت به همان معنای حقیقی «ولقد اتینا لقمان الحکمة»[1] را به این مرد داده بود. او واقعاً بصیرتی داشت. خیلی از چیزهایی که ما‌ها حتّی گاهی با دقت نمی‌دیدیم، او آنها را در نگاه عادی مشاهده می‌کرد. حرفهای او، برخاسته‌ی از چنین دلی و چنان حکمتی بود.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّد احمد خمینی ـ ۶۹/۹/۱۴

۱. سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۲.

www.ourpresident.ir

همگان مدیون انقلاب

ماها از انقلاب طلب نداریم؛ هیچ‌کس طلب ندارد. «یمنّون علیک ان اسلموا قل لاتمنّوا علی اسلامکم بل‌الله یمنّ علیکم ان هدیکم للایمان»[1]. خدای متعال توفیق داد، تا ما بتوانیم در صفوف مقدم این انقلاب، حرکت و کار بکنیم. ماها مدیون این انقلابیم. ما از این انقلاب طلبکار نیستیم؛ ولی مسلمانان عالم و عامه‌ی مردم ما، از این انقلاب طلبکارند؛ هر چند خوشبختانه آنها هم در این انقلاب، احساس طلبکاری نمی‌کنند و خودشان را سرباز انقلاب می‌دانند.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّد احمد خمینی ـ ۶۹/۹/۱۴

۱. سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۷.

www.ourpresident.ir

اسلام، سدّ راه استعمار

وحدت حوزه و دانشگاه که امام به عنوان یک شعار مطرح کردند، اغلب از واقعیت تلخی در جامعه‌ی ما و یا همه‌ی جوامع اسلامی منشأ می‌گرفت که آن واقعیت تلخ، ساخته و پرداخته‌ی مستقیم و حساب‌شده‌ی دست استعمار بود. آن واقعیت این بود که وقتی استعمارگران، نقشه‌های فتوحات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را طراحی می‌کردند، به یک مانع عمده برخورد کردند و آن، اعتقادات دینی ملّتها بود.

البته اعتقادات دینی، همه‌جا مزاحم تجاوزطلبی استعمارگران نیست. آن دین تحریف‌شده، دینی که ساخته‌ی دست قدرتها باشد، به‌طور طبیعی با قدرتها معارضه‌یی ندارد. اسلام مصداق تام و تمام آن دینی بود که با حمله و یورش همه‌جانبه و متجاوزانه‌ی دول استعماری به مناطق اسلامی، حقیقتاً معارضه می‌کرد. استعمارگران در مطالعات خودشان، این را فهمیدند.

زیاد شنیدید، نمی‌خواهم تکرار کنم. در هند، این را تجربه کردند و در کشورهای عربی، این را تجربه کردند. در ایران، این را تجربه کردند.

www.ourpresident.ir

هرجا که احساس وجدان دینی در مردم بیدار بود، نقشه‌های استعمار با مانع مواجه می‌شد. یک نمونه، ماجرای تنباکو در ایران بود. یک نمونه، نهضت مشروطیت در آغاز کار در ایران بود. یک نمونه، حوادث خونینی بود که در هند، در مقابل انگلیسیها اتفاق افتاد. یک نمونه، برخورد افغانیهای مسلمان با انگلیسیها در اواسط قرن نوزدهم بود. یک نمونه، حرکت سیّدجمال در مصر بود که انگلیسیها را لرزاند. از این قبیل نمونه‌ها، فراوانند.

لردهای سیاسی و انگلیسیهای عالی‌رتبه‌ی دولتی در آن زمان، تقریباً انگشت آنها نقشه‌ی سیاسی دنیا را رقم می‌زد. درحقیقت، آنها با همه‌ی دنیا کار داشتند؛ از استرالیا بگیرید، تا مناطق مرکزی آسیا، تا شبه‌قاره‌ی هند، تا ایران، تا خاورمیانه، تا شمال آفریقا و تا امریکا. این جزیره‌ی کوچک، در تمام مناطق دنیا اعمال نفوذ می‌کرد.

آنها، به این نتیجه رسیدند که در این منطقه‌ی حساس دنیا ـ که نفت و گاز دارد و می‌باید انرژی آینده‌ی دنیای آن روز را تأمین بکند و از لحاظ سوق‌الجیشی، آن وقتی‌که هواپیماها و این وسایل ارتباطیِ سریع نبود، نقطه‌ی حیاتی بین شرق و غرب محسوب می‌شد ـ اگر بخواهند خودشان را تثبیت بکنند، مجبورند فکر اسلام را بکنند و به‌گونه‌یی وجود وجدان دینی اسلام را در این منطقه علاج کنند؛ والّا با بیدار بودن وجدان دینی و ایمان اسلامی مردم، ادامه‌ی نقشه‌های آنها ممکن نخواهد بود.

این تشخیصشان، تشخیص درستی بود و واقعاً درست فهمیده بودند. مانع عمده برای آنها، عبارت از اسلام بود. حالا ما که انگلیسیها را گفتیم، نه این‌که بقیه‌ی دولتهای اروپایی مؤثر نبودند؛ خیر، فرانسه و ایتالیا و پرتغال و بلژیک هم بودند. در همه‌ی کارهایی که آن روز در نقاط مختلف می‌کردند، محور عمده انگلیسیها بودند. در صحنه‌ی زندگی سیاستها و اجتماعات، هر ملّتی نوبتی دارد. آن روز هم نوبت آنها بود؛ می‌تاختند و بی‌رحمانه تصرف

www.ourpresident.ir

می‌کردند.

وقتی که نوبت به کشورهای اسلامی رسید، به این فکر افتادند که باید کاری کرد که نسلهای روبه‌رشد این کشورها، از دین جدا بشوند. برای این کار، دو راه باید پیموده می‌شد:

بیانات در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاهها، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه ـ ۶۹/۹/۲۸

www.ourpresident.ir

انحطاط اخلاقی، روش استعمار در مبارزه با دین

یک راه، اشاعه‌ی شهوات و بازکردن راه شهوترانی بود. همه‌ی ادیان عالم، ـ نه فقط دین اسلام؛ منتها دین اسلام، منظمتر و دقیقتر از سایر ادیان ـ با عنان گسیختگی شهوات انسانها مخالفند. ادیان برای شهوات، ضابطه و قاعده و حدود و قیود دارند. پرورش روح انسان، بدون محدود کردن شهوات که امکان‌پذیر نیست. وقتی که شهوات انسان، عنان گسیخته باشد، همان حیوان و بهایم است و رشد انسانی امکان ندارد. لذا ادیان با شهوات و عنان گسیختگی آن مخالفند.

پس در هر جامعه‌یی، راه مبارزه‌ی ساده و آسان با ادیان این است که راه عنان‌گسیختگی و مهارگسیختگی شهوات را باز کنند. در ایران، این کار را شروع کردند. یکی از راههایش ـ که جزو مهمترین کارها بود ـ کشف حجاب بود. یکی دیگر از راههایش، رواج میخوارگی بود که این کار را انجام دادند. کار دیگر این بود که رابطه‌ی محدود زن و مرد را بشکنند. این، جزو کارهای تجربه‌شده است. وسایل جدید علمی و پیشرفتهای تمدن ـ مثل

www.ourpresident.ir

سینما و رادیو و تلویزیون و امثال اینها ـ نیز به آنها این امکان را می‌داد که با خیال راحت این کارها را در جامعه انجام بدهند. این، غیر از مقوله‌ی علم و سواد و فکریات و ذهنیات بود.

اشتباه این‌جاست که عده‌یی خیال می‌کنند، آن چیزی که موجب می‌شود شهوات رواج پیدا کند، علم و دانش است. نه، علم و دانش، آن جریان دوم بود. جریان اول، جریان فرهنگی محض و بازکردن راه فساد فکری و عملی و جنسی و ابتذال زندگی روی مردم بود. این، آن کار اول بود که انجام دادند. لذا اولین کسانی که با این حمله‌ی غربیها در ایران و همین‌طور در کشورهای دیگر فاسد شدند، با سوادان نبودند؛ بسیاری از بی‌سوادان بودند. همین حالا هم همین‌طور است.

کسانی که در دوران رژیم ستمشاهی غرق در فساد بودند، اکثر و اغلبشان بی‌سوادان و طبقات متوسط جامعه بودند. بله، رفاه مؤثر است و کمک می‌کند. آن حالت رفاه و مصرف‌زدگی و آسایش زندگی، به آن فسادی که آنها دنبال می‌کردند و برنامه‌ریزی می‌نمودند، کمک می‌کرد. این، یک جریان بود.

جریان دیگر، جریان علمی و فکری بود. یعنی با ورود تفکرات علمیِ جدید به کشورهای اسلامی ـ که قهراً جاذبه داشت و طبیعی بود که پیشرفتهای علمی‌یی که اروپا به آن دست یافته بود، جاذبه داشته باشد ـ این پیشرفتهای علمی را وسیله‌یی برای بی‌اعتقادی به دین و خاموش کردن شعله‌ی ایمان دینی در دلها و از بین بردن بیداری وجدان دینی در آحاد مردم قرار دادند. لذا دانشگاهها را از اول بر پایه‌ی بی‌اعتقادی گذاشتند.

هر گروه از جوانانی که در دوره‌های اول برای تحصیل رفتند، هدف تبلیغات ضد اسلامی اروپاییها قرار گرفتند. آن کسانی که اولین پرورش‌یافته‌های فرهنگ غرب بودند، غالباً ـ نمی‌گویم همه ـ کسانی بودند که با دین، بیگانگی و بلکه عنادی احساس می‌کردند. البته ضعف نفسها و نبودن تبلیغات دینی

www.ourpresident.ir

قوی و باب روز هم مؤثر بود.

بنیان دانشگاه ـ یعنی مرکز پرورش انسانهای دانشمند طبق پیشرفتهای علمی روز ـ بر بی‌دینی و معارضه‌ی با دین گذاشته شد و چندین سال این مسأله را با قوّت و دقت دنبال کردند. یعنی نه تنها دین را در دانشگاهها ضعیف کردند، بلکه به معارضه‌ی با آن پرداختند.

هدف اینها معارضه‌ی با دین ـ به عنوان دین ـ نبود؛ هدف، همان چیزی بود که اول عرض کردم؛ یعنی بتوانند بر کشورهای اسلامی سلطه پیدا کنند. برای این کار، مجبور بودند نسلی را پرورش بدهند و تربیت بکنند که آینده‌ی کشور را ـ چه از لحاظ اداره و چه از لحاظ سازندگی کشور ـ به دست بگیرد و به دین اعتقادی نداشته باشد و به ایمان مذهبی پایبند نباشد و بتواند در تصرف آنها واقع بشود. متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شدند. بنابراین، بنای دانشگاه را بنای بدی گذاشتند.

البته ایمان اسلامی و وجدان ملی در میان مردم ما، آن‌چنان بود که عده‌یی از دانشمندان و تحصیلکردگان سالم بمانند و سالم هم ماندند. به‌هیچ‌وجه نمی‌شود همه‌ی تحصیلکردگان دانشگاه را از دین و مصالح دینی و مصالح کشور، بیگانه توصیف کرد. این، ادعای درستی نیست. اما آن کسانی را که اینها می‌خواستند از میان این جمع به مسندهای قدرت برسانند، براحتی این کار را کردند و در اختیار خودشان قرار دادند. لذا رجال سیاسی، تحصیلکردگان این دانشگاهها و کسانی که در سرتاسر کشور برای پستها یا کارهای مؤثر و حساس احتیاج داشتند، در یک نسل، بکلی با دین بیگانه شدند. آن نسلِ پرورش‌یافته‌ی دوران رضاخانی و اوایل دوران نفوذ دانش جدید و فرهنگ اروپایی در ایران، غالباً نسل بی‌اعتقادی بود.

البته بعدها وضع عوض شد و کسان زیادی با پیشرفتهای دینی و آگاهیهای مذهبی آشنا شدند و احساسات در دلها بیدار شد و تفکرات صحیح و

www.ourpresident.ir

روشنفکران متدینی پیدا شدند و روحانیون نافذالکلمه‌یی ـ امثال شهید مفتح، شهید مطهری، شهید بهشتی؛ این شخصیتهای برجسته ـ در دانشگاهها رسوخ کردند و اثر گذاشتند و نیز بعضی از شخصیتهای دانشگاهی، با دنیای دین و مسایل مذهبی آشنا شدند و برخلاف آنچه که آنها می‌خواستند، پیش آمد؛ اما بنای کار را آن‌طور گذاشته بودند.

امام(ره) این واقعیت را بهتر از همه کس مشاهده می‌کردند، از ریشه‌های قضیه آگاه بودند، مظاهر آن را در دوران سلطه‌ی حکومت پهلوی مشاهده کرده بودند، علاج مشکلات ایران و بقای استقلال و شعار «نه شرقی و نه غربی» در کشور را در این می‌دانستند که روشنفکران و تحصیلکردگان جدید، حقیقتاً با دین و ایمان مذهبی آمیخته باشند و روحانیون ما که از آن‌طرف بر اثر عواملی ـ از جمله، همین عواملی که گفته شد ـ از پیشرفتهای علمی و حوادث جهان و رویدادهای مهم کشور به دور مانده بودند و بعضاً دچار جمود شده بودند، مسایل جدید و پیشرفتهای علمی و حوادثی را که در دنیا می‌گذرد، ببینند و با آنها آشنا بشوند و روشهای تازه را تجربه کنند.

بیانات در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاهها، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه ـ ۶۹/۹/۲۸

www.ourpresident.ir

پرورش انسان صالح، هدف انبیاء الهی

حقیقتاً این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهمتر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است. یعنی این حرف، واقعاً استدلال نمی‌خواهد؛ چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده‌ی بی‌جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان می‌بخشد، ارزش می‌دهد، نور می‌دهد و معنا و مضمون به وجود می‌آورد، انسان است. «انّی جاعل فی الارض خلیفة»[1]. جانشین، عنوانی است که خدا به انسان داده است. این جانشین را کجا گذاشته‌اند؟ «فی‌الارض». ارض بدون این جانشین، چیست و چه ارزشی دارد؟

تمام پیامبران و عبادالله الصّالحین، همّشان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. این‌که شما دیدید، امام در بیانیه‌یی در چند سال قبل

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۰.

www.ourpresident.ir

فرمودند، فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است، یک حرف نبود که همین‌طور بر قلم امام جاری شده باشد. این، یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد. واقعاً فتح‌الفتوح، یعنی ساختن انسان صالح.

این بدبختیهایی که شما می‌بینید روی زمین را فراگرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولیّ‌عصر(ارواحنالتراب‌مقدمه‌الفداء) آمده است: «کما ملئت ظلما و جورا»[1]؛ زمین در تمام دوره‌های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و می‌شود و آن بزرگوار می‌آید، همه‌ی زمین را از قسط و عدل پُر می‌کند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح.

دنیا امروز از چه می‌نالد؟ پاسخش روشن است. دنیا امروز از تبعیض می‌نالد، از محرومیتهای تحمیل شده بر انسانها می‌نالد، از تحقیر انسان می‌نالد، از پُر شدن فضا از گند غرور متکبرانه‌ی قشری خاص در عالم می‌نالد. بشریت، در فشار این حوادث تلخ است. پنج هزار سال پیش، دنیا از چه می‌نالید؟ آیا از نداشتن هواپیما می‌نالید؟ از نداشتن کامپیوتر می‌نالید؟ مگر کامپیوتر، کسی را سعادتمند می‌کند؟ پنج هزار سال پیش هم دنیا از همین تبعیضها و ظلمها و از همین تحقیر جوهر انسانیت و سلطه‌ی نامردمان بر زندگی و سرنوشت انسانها می‌نالید.

تا وقتی که عدالت و دین خالص و ناب بر دنیا مستقر نشود، بشریت همیشه از همان چیزها می‌نالد؛ والّا بشریت نمی‌تواند بگوید، آن روزی که قطار برقی و جت نداشتم، بدبخت بودم؛ امروز که اینها را دارم، خوشبختم. آیا امروز بشریت خوشبخت است؟ آیا امروز انسان مظلوم در دنیا در اکثریت نیست؟ آیا امروز یک مجموعه‌ی تبهکار ـ که در عالم، در اقلیت مطلقند ـ بر

۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۱۹.

www.ourpresident.ir

سرنوشت انسانها حکومت نمی‌کنند؟ همین حرفها در همیشه‌ی تاریخ بوده و این، آن سرشت دگرگونگی‌ناپذیر انسان است. گوهر انسانیت، همیشه یک گوهر است و همواره در مقابل یک جریان فاسد ایستاده است.

انقلاب ما آمد، تا انسان صالح تربیت کند. نقش انسان صالح، این است. برادران عزیز من! آن چیزی که این انقلاب را تا امروز نگهداشته است، عبارت از صلاح انسانهاست؛ همان مقدار مایه‌ی صلاحی که ما ملّت داریم. در حق ملّتمان هم مبالغه نمی‌کنیم. امروز صلاح غلبه دارد و پرچم را به دست گرفته و حاکم است و حرکت به سمت صلاح، برنامه‌ریزی شده است. البته تا صلاح مطلق هم فاصله بسی طولانی است.

بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی ـ ۶۹/۱۰/۱۰

www.ourpresident.ir

امام دریادلی از توکّل

اعتقادم این است که مهمترین خصلت امام بزرگوار ما این بود که خویش و بیگانه و دوست و آشنا، برایش فرقی نداشت. حقیقتاً خدا می‌داند که آن بزرگوار در این دنیای تاریک ظلمانی، مثل یک خورشید، چند صباحی آمد درخشید و رفت، تا مردم بدانند که خورشیدی هم هست. دیگر بعد از ائمه و معصومین، ما و دیگران هم مثل آن آدم سراغ نداریم. اگر کسی هم بگوید، به نظر من بی‌انصافی کرده است. انسانیت باید بفهمد که این گوهر در خزانه‌ی الهی وجود دارد. آن مرد، اگر می‌فهمید که تکلیف است، عمل می‌کرد. نگفت که اگر من تنها بمانم، راه حق را خواهم پیمود؟ او، این را راست می‌گفت.

آن روزی که او به مردم خطاب کرد و مبارزه را شروع نمود، در بین علما و بزرگان و شخصیتهای برجسته و انسانهای لایقی که بودند، انصافاً هیچ‌کس گمان نمی‌کرد که مردم پشت سر کسی که صاحب این دعوت و فریاد است، راه بیفتند. البته امام به مردم ایمان داشت و معتقد بود که می‌آیند؛ اما در عین حال، آن دریادلی از توکل به خدا و این‌که من تکلیفم را عمل می‌کنم،

www.ourpresident.ir

می‌خواهند بیایند، می‌خواهند نیایند، مهم بود. خدای متعال هم قاعده‌یی دارد: «من کان لله کان الله له»[1]. «من اصلح فیما بینه و بین الله اصلح الله فیما بینه و بین النّاس»[2]. هر کس بین خود و خدا را درست و اصلاح کند، خدا بین او و مردم را درست خواهد کرد.

بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی ـ ۶۹/۱۰/۱۰

۱. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۱۹.
۲. همان، ج ۶۸، ص ۳۶۶.

www.ourpresident.ir

دهه‌ی فجر، شکست سلسله‌های ظلم و بیداد

دهه‌ی فجر، در حقیقت مقطع رهایی ملّت ایران و آن بخشی از تاریخ ماست که گذشته را از آینده جدا کرده است. همه می‌دانند که گذشته‌ی ما، فراز و نشیبهایی داشته است. عزّت داشتیم، ذلت داشتیم، هدایت داشتیم، ضلالت داشتیم؛ اما در طول دوره‌های گذشته، حتّی در زمانی که اسلام به این کشور آمد، به خاطر این‌که این‌جا از مراکز اسلامی دور بود، حکومت اسلامی به معنای صحیح مفهوم این کلمه، در این کشور ایجاد نشد. فتوحات اسلامی شد، عناصر اسلامی بزرگی به این‌جا آمدند، عناصر بزرگتری از خود ایرانیان در این‌جا پرورش پیدا کردند، علما و بزرگان و دانشمندان برجسته‌ی تاریخ اسلام و ستاره‌های آسمان اسلام در این‌جا به وجود آمدند و رشد کردند؛ اما نظام اسلامی حقیقتاً در این کشور برقرار نشد.

ما حکومتهای اموی و عباسی را نظام اسلامی نمی‌دانیم. آن حکومتها هم، نظام پادشاهی و شاهنشاهی است؛ منتها یک نوع و شکل دیگرش. حکومت هارون‌الرشید یا عبدالملک یا هشام و امثال اینها، چه فرقی با حکومت اردشیر

www.ourpresident.ir

درازدست دارد؟ آیا چون اسمشان مسلمان است، برتری دارند؟ مگر اسم، مسأله را حل می‌کند؟ حکومت سلطان محمود غزنوی در این کشور، چه فرقی با حکومتهای جبارانی که در گذشته بودند، دارد؟ از لحاظ حاکمیت، غزنویان چه تفاوتی با ساسانیان داشتند؟ تفاوتی که وجود دارد، مربوط به فضای اسلامی است. فضای اسلامی، سلطان محمود غزنوی را هم وادار می‌کند که نمازش را بخواند. آن کسی هم که در ظل حکومت اوست، او هم نمازخوان بار می‌آید. این، ربطی به سلطنت سلطان محمود ندارد. این، برکت همان مقداری از اسلام است که وجود دارد.

در این کشور، قبل از دوران حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی، حاکمیت و مناسبات بین حاکم و مردم، همواره رابطه‌ی غیراسلامی ـ رابطه‌ی سلطان و رعیت، رابطه‌ی غالب و مغلوب ـ بوده است. همه‌ی کسانی که به این‌جا آمدند و حکومت کردند، احساس نمودند که بر این مردم غلبه پیدا کرده‌اند. از این آخریش که رضاخان و پسرش بود، بگیرید و همین‌طور عقب بروید. قاجاریه احساس کردند که بر این مردم غلبه پیدا کرده‌اند و فاتح شده‌اند. از اول به عنوان فاتح، بنای حکومت خودشان را گذاشتند. قبل از آنها، زندیه و افشاریه و صفویه فاتح شده بودند.

اگر همین‌طور به عقب بروید، سلسله‌های گوناگونی را می‌بینید که با پول و زور و قبیله‌گری و قلدری و پهلوانی و با وسایل گوناگون آمده‌اند و بر این مردم فاتح شده‌اند و آنان را به زیر یوغ حکومت خودشان کشانده‌اند. لذا همیشه روابطشان با مردم، «ما فرمودیم» بوده است. «من به ملّت عرض می‌کنم»، «من خدمتگزار ملّتم» که امام می‌گفت، متعلق به جمهوری اسلامی و اسلام و امامِ اسلامی ما بود؛ والّا قبل از او، «ما امر می‌فرماییم» و «ما چنین فرمودیم» بود.

www.ourpresident.ir

از این کلمات، می‌شود رابطه را فهمید. رابطه، رابطه‌ی یک حاکم و فاتح و غالب و اختیاردار و قدَرقدرت بود. سلطنت را هم یا با شمشیر به دست آورده، یا از پدرانشان ارث برده بودند؛ لذا زیر بار منت کسی هم نبودند و «السّلطان بن سلطان» می‌نوشتند! به کسی مربوط نیست که من پادشاهم؛ من ارث برده‌ام! مثل کسی که فرضاً از پدرش یک آفتابه‌ی مسی ارث می‌برد و متعلق به خودش است. آیا کسی می‌تواند بگوید تو چرا این آفتابه‌ی مسی را داری؟ ارث برده است دیگر. این هم سلطنت را ارث برده است و مثل همان آفتابه‌ی مسی، برایش ملک شخصی است و هیچ‌کسی حق دخالت در آن را ندارد؛ «السّلطان بن سلطان»! اینها نکاتی است که باید به آنها توجه کنید.

آن پادشاهی هم که حکومت را با شمشیر به دست آورده بود، خدا را بنده نبود؛ مثل نادرشاه، مثل آقامحمّدخان، یا مثل خود رضاخان. اینها با زور و قدرت به حکومت رسیده بودند. البته رضاخان، در سایه‌ی شمشیر خودش هم نبود؛ در سایه‌ی شمشیر دولت بریتانیا بود که حکومت را به دست آورده بود.

دهه‌ی فجر آمد و این سلسله‌ی غلط، این هندسه‌ی معیوب و این رشته‌ی بیمار را قطع کرد و تمام شد. آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت. دیگر آن‌جایی که حکومت، غالب و فاتح و آقا و قدَرقدرت و صاحب‌اختیار است، گذشت. دوره‌یی آمده که اگر آقایی هست، خود مردمند. وقتی که امام سر کار آمد، مردم او را قبول داشتند و مظهر قدرت مردم بود. او از خودش چیزی نداشت، از پدرش چیزی به ارث نبرده بود، با شمشیرش چیزی علیه مردم به دست نیاورده بود؛ بلکه شمشیر مردم در دست او بود و بر سر ضد مردم و بر سر مهاجم و استعمارگر و توطئه‌چی و کودتاچی زد. هر وقت هم مردم اراده می‌کردند که شمشیر را از دستش بگیرند، متعلق به خودشان بود

www.ourpresident.ir

و او هم دو دستی تقدیم می‌کرد و طلبی از کسی نداشت. ببینید، این بنای حکومت جمهوری اسلامی است. این برکات، این انتقال مهم و این تغییر خط، در نقطه‌ی دهه‌ی فجر انجام گرفته است. این لحظه‌ی تاریخی، لحظه‌ی مهمی است.

بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسؤولان ستاد برگزاری دهه‌ی فجر ـ ۶۹/۱۰/۱۱

www.ourpresident.ir

اهمیت فوق‌العاده‌ی دهه فجر

شما ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام را جشن می‌گیرید. صدها سال است که ولادت مسیح علیه‌السلام را جشن می‌گیرند. چرا ولادتها اهمیت و ارزش دارند؟ به خاطر این‌که یک مقطع حساس و تعیین‌کننده و یک نقطه‌ی عطف و یک پیچش در تاریخند. یعنی تاریخ در خطی می‌رفت؛ اما در این لحظه، به یک سمت دیگر پیچید. این، نقطه‌ی پیچ و نقطه‌ی عطف و نقطه‌ی انعطاف به یک سمت دیگر است. اگر ما با این حساب نگاه کنیم، اهمیت دهه‌ی فجر خیلی زیاد است.

ما در تاریخ، واقعاً مثل دهه‌ی فجر نداریم. حتّی اسلام با آن عظمت، در دهه‌ی فجر برای ما اثر بخشید. آیا غیر از این است؟ اسلامی که نبیّ‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورد، در روزگار امویها و عباسیها به ما اثر نبخشید. البته آثار درجه‌ی دو را به این ملّت داد و افراد برجسته و شخصیتهای ناب و عرفا و علما و زهادی بندرت پیدا شدند و توانستند در آن فضا پروازی بکنند؛ اما عامه و توده‌ی مردم و نیز نظام اجتماعی، از آن برکات خیری ندید. آن برکات، امروز

www.ourpresident.ir

خودش را نشان می‌دهد.

البته دهه‌ی فجر، جزو رشحات اسلام است. خیال نکنید که دهه‌ی فجر منهای اسلام، چیزی است. دهه‌ی فجر منهای اسلام، یک پول هم ارزش ندارد. دهه‌ی فجر، آن آیینه‌یی است که خورشید اسلام در آن درخشید و به ما منعکس شد. اگر این آیینه نبود، باز هم مثل همان دوره‌های تاریک و قرون خالیه، بایستی ما می‌نشستیم و اسمی از اسلام می‌آوردیم. با حلوا حلوا گفتن هم که دهان شیرین نمی‌شود!

پادشاهانی بودند که حتّی علمای بزرگ ما در کتابهایشان از اینها تعریف کرده‌اند. البته علمای بزرگی مثل کاشف الغطاء یا علامه‌ی مجلسی، بی‌خود تعریف نمی‌کنند؛ مصلحتی برایشان داشته که تعریف کرده‌اند. ببینید این پادشاهان چه‌قدر بد بودند. واقعاً فتحعلی‌شاه چه‌قدر بد است. اصلاً می‌شود اندازه‌یی برای بدیِ فتحعلی‌شاه معیّن کرد؟ شاه عباس صفوی چه‌قدر نحس است. اصلاً می‌شود اندازه‌یی برای بدی شاه عباس صفوی پیدا کرد؟ حالا می‌گوییم شاه اسماعیل صفوی تشیع را آورد؛ شاه عباس صفوی چه کار کرده است؟ روی منبر تشیع نشسته، آقایی کرده و بالا رفته است. البته شاه اسماعیل و شاه طهماسب، حساب دیگری دارند.

از نجسترین انسانهای روزگار، همین پادشاهانی هستند که گذشتند. همه‌شان همین‌طورند و هیچ فرقی باهم ندارند. من تاریخ را زیاد خوانده‌ام و در میان پادشاهان، واقعاً استثنایی سراغ ندارم. همین امیراسماعیل سامانی، همین آل بویه‌ی شیعه، همین سلجوقیان و غزنویان و دیگران، هر کجای کارشان را نگاه کنید، می‌بینید که مظهر زشت‌ترین خصوصیات بشری بودند و چه‌قدر از نعم الهی سوءاستفاده کردند. این سلسله، در دهه‌ی فجر منقطع شد و دهه‌ی فجر، خاستگاه ارزشهای اسلامی گردید. حالا شما ببینید، برای

www.ourpresident.ir

این نقطه‌ی عطف، چه‌قدر باید بزرگداشت گرفت و چه کار باید کرد. نکته این‌جاست.

بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسؤولان ستاد برگزاری دهه‌ی فجر ـ ۶۹/۱۰/۱۱

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، محو همه‌ی «خود»ها در «کل»

بهترین خاطره‌ی انقلاب این است که همه از خودشان بیرون آمدند و در انقلاب حل شدند. در دوران انقلاب و در مقاطعی از دوران جنگ هم همین‌طور بود. ناگهان یک فرمان از امام صادر می‌شد، می‌دیدید که مردم دیگر سر از پا نمی‌شناسند. پدر به پسر می‌گوید، من می‌روم؛ پسر به پدر می‌گوید، من می‌روم؛ مادر به هر دو می‌گوید، هردوتان بروید. مال می‌دهند، جان می‌دهند و اصلاً خودی مطرح نیست. همین مقطعها بوده که انقلاب را نگهداشته است؛ اشتباه نشود. این‌طور نیست که خیال کنیم در همه‌ی این احوال دوازده‌ساله، ما هر لحظه انقلاب را نگه می‌داشتیم. نه، لحظه‌هایی هم داشتیم بندهای انقلاب را باز می‌کردیم. آن‌جایی که باز انقلاب جان گرفته، نفس کشیده و بالا آمده، همین مقاطع حساس است که ناگهان جمع کثیر و قابل توجهی، گاهی هم همه‌ی مردم، دیگر از «خود» فراموش کردند و به میدان «کل» و میدان انقلاب و کشور و اسلام آمدند. البته چنین چیزهایی،

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

فقط به برکت اسلام و دین قابل تحقق است و لاغیر. مراسم شما باید اینها را به یاد مردم بیاورد.

بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسؤولان ستاد برگزاری دهه‌ی فجر ـ ۶۹/۱۰/۱۱

www.ourpresident.ir

نقش‌برجسته‌ی قم در نهضت اسلامی

هم نوزدهم دیماه که شروع مرحله‌ی جدیدی در نهضت اسلامی بود و بشارت فتح و ظفر می‌داد، هم نام قم و مردم قم که آفریننده‌ی این روز بزرگ بوده‌اند، در خاطره‌ی این ملّت و این انقلاب، همواره باعظمت باقی خواهد ماند.

اساساً در تاریخ پُرفرازونشیب ایران مظلوم و خونین ما، قم یک نام برجسته و نمایشگر یک جهت‌گیری و یک حرکت خاص است. تقریباً هفتاد سال قبل از این، شهر قم، حوزه‌ی علمیه‌یی راکه به وسیله‌ی مرحوم آیةالله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری تأسیس شد، صمیمانه در آغوش گرفت. بعد از تشکیل این حوزه، تقریباً چهل سال که گذشت، اولین نشانه‌های برکات جهانگیر آن ـ یعنی نهضت اسلامی و گوهر یکتای درخشان امام عظیم‌الشأن ـ درخشید. اگرچه در آن چهل سال هم علما و بزرگانی از حوزه‌ی قم بیرون آمده بودند و برکاتی بر آن مترتب شده بود؛ اما در مقطع تقریباً چهل سالگی حوزه که امام قد برافراشت و حوزه‌ی علمیه وارد یک مرحله‌ی جدید

www.ourpresident.ir

تاریخی شد، داستان دیگری است.

تقریباً شصت سال بعد از تشکیل حوزه‌ی علمیه به وسیله‌ی آیت‌الله حائری، بزرگترین ثمره‌یی که ممکن است بر وجود همه‌ی حوزه‌های علمیه و علمای دین مترتب شود ـ یعنی تشکیل نظام اسلامی ـ مترتب شد. هیچ حوزه‌ی علمیه‌یی در تاریخ تشیع و غیر تشیع از محیطهای اسلامی، هرگز چنین برکتی را به جهان اسلام نداده بود که حوزه‌ی علمیه‌ی قم داد. سال ۱۳۴۰ هجری قمری حوزه تشکیل شد و در سال ۱۴۰۰ نظام اسلامی از حوزه درخشید و جوشید. در تمام این مدت، قم و اهل قم، مانند یار وفاداری، صمیمانه و مهربانانه، این حوزه را در آغوش گرفتند، آن را حفظ کردند و از آن حراست نمودند. از آن روز تا حالا هم که قریب دوازده سال می‌گذرد، شما مردم قم در میدان جنگ، در میدانهای سیاسی، در صحنه‌های گوناگون انقلاب، الگو و جلو بودید، فداکاری کردید و همه جا معنویت و روحانیتِ انقلاب را به اثبات رساندید. امروز هم جوانان، زنان، مردان و حوزه‌ی علمیه‌ی قم الگوست. امیدواریم که خدا کمک کند و شما هم همت کنید، تا قم و حوزه را همیشه در خط اسلام و انقلاب، پیشقراول و پیشرو نگهدارید.

در ماجرای نوزدهم دیماه و حوادثی که به مناسبت برگزاری چهلمها به صورت افزاینده و پی‌درپی به‌وجود آمد، نکته‌ی اساسی این است که مردم متدین و آماده‌ی فداکاری، بر دستگاهی که از لحاظ قدرت مادّی، هیچ کم و کسر نداشت، طوری پیروز شدند که هم آن دستگاه گیج ماند، هم همه‌ی محاسبه‌گران سیاسی و طراحان سیاستهای عالم، گیج و مبهوت ماندند؛ یعنی مثل توفانی، نظامی را که مردم متدین و فداکار با آن مقابل شدند، درنوردید. اگر کسی می‌خواهد اسمش را معجزه بگذارد، بگذارد؛ اما این از آن معجزه‌هایی نیست که قابل تکرار نباشد؛ معجزه‌یی است با تحلیل روشن و قابل تکرار در همه جای عالم و در همیشه‌ی زمان.

www.ourpresident.ir

اگر یک مجموعه‌ی عظیم مردمی، به خدا ایمان داشت و دل او با نور ایمان روشن و آماده‌ی فداکاری بود، می‌تواند بر هر قدرتی که بزرگتر از آن نباشد، پیروز شود. این، یک اصل است. ملّت ایران، این اصل را تجربه کرده است. در دوران انقلاب، این را تجربه کردید و دیدید که ملّت ایران با نهضتی که از قم شروع شد، در سایه‌ی ایمان و آمادگیش برای فداکاری، چه‌طور توانست نظام و رژیمی را که قدرتمندان درجه‌ی یک عالم پشت سر آن ایستاده بودند، از بین ببرد و نظامی اسلامی که باز همه‌ی قدرتمندان عالم با آن مخالف بودند، سرکار بیاورد. این، یک تجربه است.

تجربه‌ی دیگر در جنگ بود. دیدید و دنیا هم مشاهده کرد که ملّت ایران توانست در سایه‌ی همان ایمان و آمادگی برای فداکاری، جنگی را که شرق و غرب علیه او سرمایه‌گذاری کرده بودند، به سود خود به پایان برساند و تمام هدفهای دشمن را خنثی کند و به هدفهای خود برسد. این، تجربه‌ی کمی نیست.

بیانات در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دیماه ـ ۶۹/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

عجز استکبار از جلوگیری حاکمیت ارزشهای معنوی

این انقلاب، اولین سخنش این بود که دوران حاکمیت ارزشهای معنوی آغاز شده‌است. کسانی که بتوانند این حرف را بفهمند و باور کنند، کم بودند؛ چون دنیا را امواج مادّیگری و قدرتهای مبتنی برمادّیت، قبضه کرده بودند. امروز، کسانی که این حقیقت را لمس می‌کنند و می‌فهمند، بسیارند. امروز در همه جای عالم، ارزشهای معنوی، رو به احیا شدن مجدد هستند و بسیاری از آنها احیا شده‌اند و مادّیگری در شکلهای مختلفش ـ چه به شکل تفکرات مارکسیستی و چه به شکل خطرناکتر آن، یعنی حاکمیت مادّه، توأم با پول و زور و تبلیغات، که در استکبار جهانی و بیش از همه، در حکومت امریکا متجلی است ـ ناکامی و ناتوانی خود را نشان داده است.

پیام دیگر انقلاب ما این بود که قدرتهای مادّی، از مقابله‌ی با ارزشهای معنوی و حرکت و اراده‌ی انسانها عاجزند. امروز کسانی که در دنیا، این حقیقت را نفهمیده باشند، کمند؛ مگر آنهایی که به حوادث عالم، با دقت نظر نمی‌کنند. بزرگترین نشانه‌ی ضعف دستگاههای استکباریِ متکی به قدرت

www.ourpresident.ir

مادّی، همین است که این انقلاب و این نظام و اسلام ناب، در کشور ایران اسلامی ماند و روزبه‌روز قویتر و ریشه‌دارتر شد. این‌که یک نظام اسلامی، در عالم به‌وجود بیاید و بتواند بماند و روزبه‌روز قویتر بشود، نشانه‌ی پوچی و ناتوانی قدرتهای مادّی است؛ زیرا آنها اگر بتوانند، صبر و تحمل نمی‌کنند و چنین قدرتی را نمی‌توانند بگذارند بماند و با همه‌ی قدرت، با آن روبه‌رو می‌شوند و شدند.

بیانات در دیدار با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر ـ ۶۹/۱۱/۱۷

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

پرورش صالحان، رمز انقلاب و امام

پرورش نسلی از انسانهای صالح و پاکدامن و بلندنظر و بزرگ‌اندیش که نور ایمان و تقوا از ناصیه‌ی مطهرشان ساطع و دل صاف و ناآلوده‌شان به شعاع معرفت روشن بود و جهاد آگاهانه‌شان در راه خدا و زمزمه‌ی عارفانه‌شان در نیمه شبها، یاران امام حسین علیه‌السلام را به یاد می‌آورد، بی‌شک بزرگترین رمز انقلاب و پیشوای عظیم‌الشأنش حضرت امام خمینی(قدّس‌الله‌روحه) بوده است. و همینها بودند که به فرمان امام محبوبشان، صفوف پولادین و استوار خود را در برابر سهمگینترین خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کرد، آراستند و انقلاب و نظام اسلامی را باذن الله حراست کردند. جمعی از آنان، شربت گوارای شهادت فی‌سبیل‌الله را نوشیدند و جمعی کثیر، هستند و خواهند بود و از ودیعه‌ی الهی همچنان دفاع خواهند کرد.

پیام به خانواده‌های معظم شهدا در هفتمین روز دهه‌ی فجر ـ ۶۹/۱۱/۱۸

www.ourpresident.ir

مسئولیت همگانی: تقوا و عمل به تکلیف

شما در هر جا که هستید، هر شغلی که دارید، هر مسؤولیتی که برعهده گرفته‌اید، هر شأنی از شؤون اجتماعی را که دارا هستید، در درجه‌ی اول باید همتتان این باشد که رضای خدا را تحصیل کنید و وظیفه‌ی الهی را انجام بدهید. این، تقواست. این‌که درصدد انجام تکلیف باشید و از انحراف و بی‌راه رفتن پرهیز بکنید، همان تقواست. اگر این احساس در شما پیدا شد و این همت و تلاش را کردید، اولین قدم را که برداشتید، خدای متعال برای قدم دوم به شما کمک خواهد کرد.

هرچه مسؤولیت ما بالاتر باشد، تقوای بیشتری لازم داریم. در میدان جهاد هم تقواست که انسان را پیروز می‌کند. در میدان مبارزه‌ی با استکبار هم که شما ملّت سالها بودید و مثل این روزها در سال ۵۷ به پیروزی رسیدید، تقوا شما را پیروز کرد؛ تقوای آن رهبر که جز به امر الهی و تکلیف شرعی، به هیچ چیز دیگری نیندیشید، و تقوای شما آحاد ملّت که برای خاطر خدا، از هوسها و منافع شخصی خود گذشتید.

www.ourpresident.ir

یادتان است که آن روزها چه‌طور همه دل در گرو هدفی مقدس داشتند؛ کسی از خود یادش نبود، کسی به فکر مال‌اندوزی نبود، کسی به فکر زیاد کردن ثروت نبود، کسی به فکر شغل و مقام نبود، کسی به فکر جلو افتادن از دیگران نبود؛ هر کسی احساس می‌کرد تکلیف شرعی و اسلامی و انقلابیش چیست، آن را انجام می‌داد. امروز هم همین کار را باید بکنیم.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

دهه‌ی فجر، دهه‌ی میثاق دوباره

دهه‌ی فجر، دهه‌ی تجدید قوای نیروهای انقلابی با تجدید یادها و خاطره‌های پُرشکوه آن روزهاست؛ دهه‌ی تجدید عهد و میثاق ملّت ما با انقلاب است؛ دهه‌ی گرامیداشت بزرگترین معجزه‌ی الهی در این روزگارهاست.

این روزها، روزهایی است که در تاریخ عمر ملّتها، شبیه آن بندرت پیش می‌آید. چه‌قدر خونها ریخته می‌شود، زجرها کشیده می‌شود، مصیبتها تحمل می‌گردد، تا یک ملّت بتواند به آن اوج حرکت انقلابی‌یی برسد که در دهه‌ی فجر سال ۵۷ شما رسیدید و خدا آن میوه‌ی شیرین را در دامن او بگذارد.

ملّت ما، از چنگ قدرت شیطانیِ خونریزِ ظالمانه‌ی رژیم کافرمنش و فاسق و فاجر و عیاش و ضد مردمی و وابسته‌ی به بیگانه و بی‌اعتنای به مصالح ملّت و نیز سرانی که فقط خوشیهای خودشان را در نظر داشتند و همه‌ی امکانات عظیم این مملکت را برای چنین چیزی صرف می‌کردند، نجات پیدا کرد. این، حادثه‌ی خیلی عظیمی است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir
نشر انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب، احیای معنویت، شکست ابرقدرتها

آن روزی که این انقلاب پیروز شد، ارزشهای معنوی در دنیا مرده بود و ارزشهای مادّی بر همه‌ی ارکان زندگی ملّتهای عالم حاکم بود. این انقلاب، بر پایه‌ی ارزشهای معنوی سر بلند کرد. امروز اگر به دنیا نگاه کنید، می‌بینید که پایه‌های مادّیگری لرزیده است و انقلابهایی که بر اساس مادّیگری به وجود آمده بود، مثل بازیچه‌ی کودکان فرو ریخته است. آن نظامی که به مادّیگری افتخار می‌کرد ـ یعنی نظام مارکسیستی و سوسیالیستی ـ و امپراتوری بزرگی تشکیل داده بود و به ضدیت با معنویت و دین افتخار می‌کرد، متلاشی شده و از بین رفته است.

دوازده سال پیش، وضع این‌طوری نبود. دوازده سال پیش، امپراتوری شرق و نظام مارکسیستی عالم، آن‌قدر خود را قدرتمند می‌دید، که به آنچه داشت، اکتفا نکرد و به افغانستان حمله‌ی نظامی نمود، تا از آن طرف شاید این راه را باز ادامه بدهد. یک نظام متکی به مادّیگری، این‌طور احساس قدرت می‌کرد. امروز آن نظام متلاشی شده، از بین رفته و چیزی از آن باقی

www.ourpresident.ir

نمانده است. شگفتا ! در کشورهایی که این نظام حاکم بود، پرچم معارضه‌ی با این نظام به دست کسانی افتاد که شعار معنویت و دین و خدا و مسیحیت می‌دادند! این، از آثار انقلاب شماست.

آن روزی که انقلاب شما به پیروزی رسید، از اسلام بخصوص به عنوان یک پرچم نجاتبخش در دنیا خبری نبود. در کشورهای اسلامی هم اگر کسی می‌خواست انقلاب بکند، پایه‌های انقلاب، پایه‌های مارکسیستی بود! انقلابی، یعنی کمونیست!

اسلام را با تلاش زیاد، منفعل و به خیال خود مضمحل کرده بودند. کسی جرأت نمی‌کرد که به مسلمانی خود افتخار بکند. امروز شما نگاه کنید، هرجا چند نفر مسلمان دور هم هستند ـ ولو یک اقلیت ـ قرآن را سر دستشان می‌گیرند و با افتخار می‌گویند که ما مسلمانیم. این، از آثار انقلاب شماست. این را شما کردید، این را امام انجام داد.

علاوه‌ی بر اینها، انقلاب شما، حریم دروغین قدرتها و قلدرها را شکست. امریکا به عنوان ابرقدرت، یک روز امریکا بود؛ اما امروز دیگر نیست. امروز شما ببینید که در چند نقطه از نقاط عالم، مردم عکس رئیس جمهور امریکا را آتش می‌زنند، یا پرچم آنها را به آتش می‌کشند؟ چندجا از نقاط عالم، ملّتها و توده‌های مردم، مشت گره می‌کنند و «مرگ بر امریکا» می‌گویند. یک روز فقط شما این شعار را می‌گفتید، دیگران می‌گفتند که چرا می‌گویید؛ اما امروز نیز در اروپا و اقصای آسیا و کشورهای تحت نفوذ امریکا و کشورهایی که با نظامی شبیه خود امریکا اداره می‌شوند، «مرگ بر امریکا» می‌گویند. این، نه به خاطر آن است که آن ملّتها از رژیم عراق پشتیبانی می‌کنند. خیر، اصلاً رژیم عراق را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که قضیه چیست. اینها چون امریکا را متجاوز شناخته‌اند و چهره‌ی او برایشان آشکار شده است، «مرگ بر امریکا»

www.ourpresident.ir

می‌گویند. انقلاب شما این کار را کرد؛ یعنی حریم دروغین قلدرهای جهانی و ابرقدرتها را شکست.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۶۹/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

نیروی هوایی و عمل به تکلیف لحظه

روز نوزدهم بهمن، حقاً شایسته است که روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نام بگیرد و جا دارد که ما به این نیرو تبریک بگوییم. خاطره و تصمیم، یک لحظه‌ی گذراست؛ اما آثار و نتایج، ماندگار است. برای این است که انسانِ خردمند و هوشمند و مسلمان، وظیفه‌ی خود می‌داند که قدر و ارزش لحظه‌ها را درست بشناسد و در تقویم و ارزیابی لحظه‌ها، دچار اشتباه نشود.

هر لحظه‌یی از لحظات عمر ما، بار تکلیفی را بر دوش دارند. مهم این است که ما تکلیف هرلحظه را درست بشناسیم و آن را در جای خود ادا کنیم. آن روزها به هر تقدیر می‌گذشت؛ اما حضور جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش در صفوف مقدم انقلاب اسلامی، آن هم در حساسترین لحظات، بر سرنوشت ارتش و سرنوشت و جهت‌گیریهای موجود در انقلاب، تأثیراتی گذاشت.

بیانات در دیدار با جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، به مناسبت روز نیروی هوایی ـ ۶۹/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

لزوم تلاش برای تحقّق کامل انقلاب

انقلاب آن‌وقتی به صورت کامل تحقق پیدا می‌کند، که آحاد مردم حقیقتاً به مردم مسلمان و مؤمن تبدیل شوند. بخشی از اسلام، مربوط به عمل مردم است که نظام کلی اجتماعی و حرکت عمومی آنها را تصویر و ترسیم می‌کند و آنها را حرکت می‌دهد. بخش دیگر، مربوط به عقاید و کیفیات روحی و عمل شخصی مردم است. اگر انقلاب عظیم ما و نظام جمهوری اسلامی، با همه‌ی امکانات مادّی و معنویش نتواند دلها و خلقیات مردم و حقیقت وجود آنها را، از آنچه که معلول تربیتهای غلط دیرین است، به مردم مسلمان متبدل کند، قطعاً موفق نشده و انقلاب واقع نگردیده است. انقلاب، انقلاب مردم است. انقلابِ مناسبات اجتماعی و اقتصادی، فرع بر انقلاب مردم است. تا مردم منقلب نشوند، آن انقلاب اقتصادی و تغییر و تبدیل مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند. مردم در اول کار بحمدالله یک انقلاب روحی پیدا کردند که حرکت بسیار مهمی بود و نتیجه‌اش همینی شد که می‌بینیم.

www.ourpresident.ir

اگر آنچه که واقع شد، ادامه پیدا نکند و تعمیق نشود و تعمیم نیابد و نسلی که رو به وجود است و نسلهای بعدی را فرا نگیرد و خدای نکرده اسم، اسلام و جمهوری اسلامی و حاکمیت منادیان اسلام باشد، اما واقع قضیه و متن زندگی مردم چیز دیگری باشد، این انقلاب قطعاً موفق نبوده و نیست. در آن صورت، از این‌که چنین چیزی پیش بیاید، به خدا پناه می‌بریم. نباید بگذاریم چنین چیزی رخ دهد. دشمن روی این نقطه کار می‌کند. تمام دستگاهها و تمام افراد، بخصوص علمای اعلام و روحانیون، بایستی روی تربیت نفوس مردم و تحقق انقلاب قلبی و اخلاقی در آنها، مخصوصاً در جوانان تلاش کنند.

بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان ـ ۶۹/۱۲/۱

www.ourpresident.ir

مروری بر قرنها تلاش علما و روحانیون

در دیدار با روحانیون محترم و علمای معظّم، باید یک مطلب تذکر داده بشود و ادای حقی است که باید انجام بگیرد. آن مطلب، عبارت از ذکر اجمالی خدماتی است که روحانیت برای پیشبرد اسلام و اهداف پیامبران، در طول قرنهای متمادی انجام داده است. علما، دین و معارف و فقه اسلامی را نگهداشتند، تحریف را از ساحت احکام الهی دور کردند، شعله‌ی ایمان را در دل مردم برافروختند و برافروخته نگهداشتند، توجه مردم را به قرآن و تعالیم اهل‌بیت علیهم‌السلام تأمین کردند و برانگیختند. علما بودند که در طول تاریخ، با ستمگران مبارزه کردند و پناه مظلومان و ملّتهای ضعیف و مردم مؤمن مستضعف شدند. علما بودند که از فرصتها استفاده کردند، تا معارف اسلامی را گسترش بدهند و سرتاسر بلاد اسلامی را با ایمان اسلامی و با دین، و در این مناطق، با محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام و با سیره‌ی آن بزرگواران آشنا کنند. علما بر اساس سیره‌ی انبیا و اولیا زندگی کرده‌اند.

شمشیر، دین را در اقطار کشورهای اسلامی نبرد. شمشیر نمی‌تواند ایمان

www.ourpresident.ir

را در دلها برویاند. آنچه می‌تواند گل ایمان را در دلها سبز کند، موعظه و تبیین احکام و معارف الهی است. امروز بحمدالله تفکر اسلامی، همه جا در اقطار عالم اسلام زنده است. در یکی، دو قرن اخیر که احساسات آزادیخواهانه در ملّتها بیدار شد، به‌خاطر این است که در کشورهای مختلف، علما پیشاهنگ و پیشقراول نهضتهای موفق شدند. نهضتهای دیگری هم در کشورهای اسلامی بود که در صفوف مقدّم آن، علمای دین قرار نداشتند و غالباً یا عموماً به نتیجه نرسید.

آنچه توانست در شرق دنیای اسلام ـ یعنی شبه‌قاره‌ی هند ـ و در غرب دنیای اسلام ـ یعنی آفریقا ـ و در میان این دو، دست استعمار را از سر مردم کوتاه کند و فرهنگ اسلامی را حفظ نماید و در مقابل فرهنگ متجاوز و مهاجم بایستد، نفوذ علما بود. در ایران خود ما هم نهضت تنباکو و مبارزه‌ی با استعمار دولتهای خارجی و بیدار کردن مردم و نیز نهضت مشروطیت و مقابله‌ی با استبداد رضاخانی و ادامه‌ی این مبارزه تا پیدایش نهضت مقدس عظیم اسلامی، به پیشقراولی و پیشاهنگی علما بود؛ والّا پیش نمی‌رفت. این، یک سابقه و یک تاریخ است؛ کسی هم نمی‌تواند آن را انکار کند؛ مگر مغرض یا جاهلی که حرفی بزند و بخواهد حقیقتی را بپوشاند. این، در تاریخ ملّت ما و دیگر ملّتهای اسلامی، مضبوط و محفوظ است.

دشمنان کوشش کردند که علما را از صحنه‌ها کنار ببرند، آنها را به کنج مساجد مکتفی و در آن‌جا منزوی کنند؛ تا حدود زیادی هم توفیق پیدا کردند. در همان برهه هم مردم از آگاهیهای دینی و حرکت عظیم دینی محروم شدند. این، یک باب و فصل طولانی است. همچنین دشمنان تلاش کردند، تا عناصری از میان روحانیون را به خودشان جذب کنند و آنها را اغفال نمایند، یا بخرند و در اختیار اهداف خبیث خودشان قرار بدهند. آن هم فصلی جداگانه است.

www.ourpresident.ir

اما حرکت عمومی علمای اسلام، بخصوص در دنیای تشیع و به برکت فرهنگ معارضه و انقلابی تشیع، در خدمت مردم و در مقابله‌ی با استبداد و استعمار و ظلم و امثال آن بود و کار به آن‌جا رسید که بحمدالله نهضت عظیم ملّت ایران به پیروزی رسید و حکومتی بر مبنای دین به‌وجود آمد. مسلمانان و متدینان، بعد از چند صدسال تحقیر اهل دین، عزّت نفس پیدا کردند، احساس سربلندی کردند، زنده شدند و احساسات و شعور و هویت اسلامی در دنیای اسلام پیدا شد.

این‌که شما می‌بینید در کشورهایی از آفریقا، گروههای اسلامی داعیه‌ی حکومت پیدا کرده‌اند، یا مسلمانان با حکومتهای ستمگر مبارزه می‌کنند و شعار الله‌اکبر می‌دهند، یا حتّی کسانی که از اسلام بری هستند، ولی به تظاهر به اسلام مجبور می‌شوند، چیز جدیدی است. اینها ناشی از این صبح روشنی است که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و این حرکت عظیم، در تاریخ ملّتهای مسلمان به‌وجود آمده است. این، مرهون زحمات علمای بزرگ و بیش از همه آن بزرگمردی بود که رهبری و بنیانگذاری این حرکت را با دست توانا و دل پُراراده و پُرایمان خود و با توکل بی‌پایان و با تقرب به خدا و اخلاص‌لله انجام داد و حادثه‌یی در تاریخ شد.

این انقلاب، انصافاً حادثه‌ی بی‌نظیری است. حکومت تشکیل شد، نظام اسلامی پیاده گردید و روزبه‌روز بحمدالله به احکام اسلامی نزدیکتر می‌شویم و باید هم بشویم. ملّتهای مسلمان بیدار شده‌اند و حرکت به سمت گسترش ایمان اسلامی آغاز شده است. این، آن چیزی است که تاکنون شده است.

روحانیت اسلام، بخصوص تشیع، امتیازات بسیاری دارد. عشق اینها به علم، اخلاص برای خدا، دلسوزی برای مردم، بی‌اعتنایی به دنیا، نترسیدن از قدرتها و قلدرها و زورمدارها، وابسته نبودن به ارباب قدرت، امتیازات فراوانی است که هست و بودهای ما اینهاست. اما علاوه‌ی بر آنچه که ما به

www.ourpresident.ir

عنوان مثبتات روحانیت داریم، بایدهایی هم هست که بایستی به آنها توجه کرد، تا این‌حرکت استمرار پیدا کند.

نکته‌ی اساسی این است که آنچه امروز در صحنه‌ی جمهوری اسلامی به وسیله‌ی روحانیت ظهور کرده است، نمی‌شود آن را به حساب روحانیون زمان و عصر ما گذاشت و گفت روحانیون این زمان، این هنر را کرده‌اند. این‌طور نیست. آنچه روحانیون این زمان انجام دادند، استفاده‌ی خوبی بود که از ذخیره‌ی هزارساله‌ی آبروی روحانیت کردند. روحانیت شیعه، در طول هزار سال به مرور دهور، گنجینه‌ی عظیمی از آبرو و حیثیت و وزانت به وجود آورده بود و در عصر ما، آن بزرگمرد عظیم‌الشأن، آن امام بزرگوار و شخصیت استثنایی و دیگر کسانی که در کسوت روحانیت بودند و در این راه حرکت کردند، از آن گنجینه بهترین استفاده را کردند.

اما این‌طور نیست که این ذخیره تمام‌نشدنی باشد. اوّلاً باید این ذخیره حفظ شود، ثانیاً بر آن افزوده گردد. اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهیها، غفلتها، وقت‌نشناسیها، وظیفه‌نشناسیها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهایی که بر اثر گذشت قرنها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به‌وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن‌چنان ذخیره‌یی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین بایدِ ما معممان و متزیّیان به زیّ علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور، در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ـ ۶۹/۱۲/۲۲

www.ourpresident.ir

اهمیت وجهه‌ی فرهنگی انقلاب

ما از اول گفته‌ایم که واجهه‌ی انقلاب ـ یعنی آن بخش نمادین و چهره‌ی بیرونی انقلاب ـ چهره‌ی فرهنگی است. سیاست ما هم مقهور فرهنگ ماست. ما که نخواستیم دیانتمان را از سیاست جدا کنیم. فرهنگ ما، ساخته شده‌ی تاریخ و مکتب و انقلاب ماست. با این ادعای بزرگ، مردم از ما توقعات دارند.

بیانات در دیدار با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور ـ ۷۰/۲/۳

www.ourpresident.ir

استعمارگران و تحقیر علمی و فرهنگی ملّت ایران

یک شعار بزرگ انقلاب، یعنی استقلال ملّت و کشور ـ که دشمنان ما در دنیا با همین مخالفند ـ بسته به وجود کارگر و تلاش و زحمت زحمتکشان این قشر و احساس حسنه در آنهاست. کارگر باید احساس کند که «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها»[1]. یعنی هر کس کار حسنه‌یی انجام بدهد، خدای متعال ده برابر به او اجر می‌دهد. این کار، همان حسنه است. یا معلم احساس کند که اگر ما گفتیم ایرانی مسلمان باید بر روی پای خود بایستد، یعنی این رشته‌های بردگی را که در طول دو، سه قرن به گردن و دست و پای او بستند، باز کند و این فرهنگ غلط استعماری را که می‌گفتند: «ایرانی نمی‌تواند کار بکند»، از بین ببرد.

آن روزی که می‌خواستند نفت را در این مملکت ملی کنند، یکی از رجال پهلوی گفت: «ایرانی نمی‌تواند یک لولهنگ بسازد، چه‌طور می‌خواهد نفت را اداره کند؟»! این، همان فرهنگی است که خود استعمارگران به ملّتهای

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۶۰.

www.ourpresident.ir

مسلمان و استعمارزده و به ملّت ما تلقین و القا کردند که از شما کاری برنمی‌آید؛ صنعتتان را هم باید ما درست کنیم، کشاورزیتان را هم باید ما اصلاح کنیم، برای مدارستان هم باید ما برنامه‌ریزی کنیم، دولتتان را هم باید ما بگردانیم!

ذلتی که خاندان پهلوی (لعنةالله‌علیهم) و خاندان قاجار (لعنةالله‌علیهم) بر سر این مملکت آوردند و بر این ملّت تحمیل کردند، ما را صد سال عقب انداختند. اگر بخواهیم این ذلت برداشته شود و این استعداد درخشان ایرانی در اختیار مصالح و منافع ایران و اسلام قرار بگیرد، آیا جز با تربیت نیروی انسانی کارآمد، امکانپذیر است؟ چه کسی این تربیت را خواهد کرد؟ این سنگ علی‌الظاهر تیره، یا این فلز علی‌الظاهر گرفته را چه کسی خواهد تراشید و صیقل خواهد داد، تا به تیغ برنده‌یی تبدیل بشود و همه کار انجام بدهد؟ معلم. این، نقش معلم است.

سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان سراسر کشور، به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم ـ ۷۰/۲/۱۱

www.ourpresident.ir

حقایق بدیهی انقلاب

من امروز چند حقیقت بدیهی و روشن را عرض می‌کنم و بعد از آن، یک نتیجه‌گیری برای ملّت ایران، و یک نتیجه‌گیری برای همه‌ی ملّتهای مسلمان جهان خواهم کرد.

حقیقت اول که کسی منکر آن نیست و هیچ منصفی نمی‌تواند آن را انکار کند، این است که امام بزرگوار ما به اسلام و مسلمین قوّت و عزّت بخشید. دشمنان اسلام، اسلام را ضعیف می‌خواستند. آنها تلاش کرده بودند تا اسلام را از صحنه‌ی عمل، بلکه از ذهن ملّتهای مسلمان ـ چه برسد به غیر آنها ـ خارج کنند؛ متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده بودند. در این سیاست پلید، حکومتهای فاسد و وابسته، با استکبار و شبکه‌ی جهانی دشمنان اسلام هماهنگی کامل داشتند.

امام بزرگوار با این انقلاب، مسلمانان را نشاط بخشید و اسلام را زنده کرد. امروز در کشورهای بسیاری، اسلام آرزو و آرمان نسلهای جوان و به‌پاخاسته و روشنفکر است. یک نمونه، فلسطین عزیز است. سالها به نام

www.ourpresident.ir

فلسطین حرف زده شد و مبارزه گردید؛ اما ناکام و ناموفق. امروز ملّت فلسطین، به نام اسلام مبارزه و مقاومت می‌کند؛ لذا مبارزه از شکل سازمانها و گروهها و شخصیتها و سردمدارها، به میان توده‌ی مردم کشیده شده است. چنین مبارزه‌یی، هرگز ناکام نخواهد شد. مبارزه‌ی مردمی اگر باقی بماند، بی‌شک در نهایت به پیروزی خواهد رسید. این، به برکت اسلامی بود که امام نام آن را زنده کرد و وجدان اسلامی را در مسلمین بیدار نمود.

امروز در کشورهای اسلامی شمال آفریقا، گروههایی به نام اسلام و با هدف ایجاد حکومت و نظام اسلامی مبارزه می‌کنند؛ پیشرفت هم کرده‌اند. قبل از نهضت امام بزرگوار ما، چه کسی چنین چیزی را حتّی به خاطر می‌گذرانید؟ در شرق و غرب جهان اسلام، مسلمانان بیدار شده‌اند. اقلیتهای مسلمان در کشورهای اروپایی و غیر اروپاییِ دارای حاکمیت کفر و الحاد، احساس شخصیت می‌کنند. هویت و شخصیت اسلامی، در میان مسلمانان زنده شد. این، به برکت امام و حرکت عظیم امام بود.

حقیقت دوم این است که آنچه امام بزرگوار و ملّت شجاع ما را در راه این مبارزه‌ی بزرگ موفق کرد، بصیرت و صبر بود ـ مقاومتی همراه با بصیرت ـ همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاةوالسّلام) فرمود: «و لا یحمل هذا العلم الّا اهل البصر والصّبر»[1]. علت آن هم این است که امروز مبارزه با کفر خالص و شرک خالص نیست، تا مطلب روشن، و صف‌بندیها مجزا و جدای از هم باشد؛ بلکه امروز مبارزه با نفاق و دورویی و تزویر و شعارهای توخالی و دروغزنیها و لافزنیهایی است که بلندگوهای استکبار را در همه‌ی انحای عالم پُر کرده است. بسیاری دم از طرفداری از حقوق بشر می‌زنند و دروغ می‌گویند. بسیاری دم از اسلام می‌زنند و دروغ می‌گویند. اسلام آنها، اسلام باب طبع و میل سردمداران استکبار است. بسیاری دم از مساوات و

۱. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳.

www.ourpresident.ir

برابری انسانها می‌زدند و می‌زنند و دروغ می‌گفتند و می‌گویند. بنابراین، مبارزه در دوران کنونی، مبارزه‌یی دشوار است؛ هم به خاطر قدرت زر و زور استکبار، و هم به خاطر قدرت تبلیغاتی و توجیه‌گر دروغگوییها و نفاقهای استکبار و ایادیش.

انسانهای بی‌بصیرت، زود فریب می‌خورند. همین امروز هم در دنیا آدمهای دلسوزی هستند که فریب خورده‌اند؛ دشمن را نشناخته‌اند و صف را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشأن ما، به برکت بصیرت مردم ـ که با صبر و مقاومت آنها همراه بود ـ این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگترین مؤثر بود. هرجا در انحای عالم مبارزه‌یی صورت می‌گیرد، حرکتی می‌شود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت می‌کند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی‌شدنی است، و لاغیر.

حقیقت سوم این است که همه‌ی دنیا ـ هم توده‌های مسلمان و مستضعف و محروم عالم، و هم اردوگاه استکبار ـ تشخیص داده و فهمیده‌اند که کانون و محور و مرکز این حرکتی که امروز در جهت آرمانهای اسلامی در دنیا مشاهده می‌شود، جمهوری اسلامی است؛ لذا در درجه‌ی اول، همه‌ی دشمنیهای عالم متوجه ماست. ما در لابلای سخنان گرم و به‌ظاهر دوستانه، همواره نشانه‌های خصومت و کینه را می‌شناسیم. ما می‌دانیم که استکبار نسبت به جمهوری اسلامی و شما ملّت و این امام بزرگوار، چه‌قدر دشمن است. دشمن چون او را زنده می‌داند، یک سر سوزن از دشمنیش با او کم نشده است. اگر بوقهای استکباری و اردوگاه استکبار و دشمنان امام فکر می‌کردند که او مرده و تمام شده است، بعد از گذشت دو سال از رحلت جانسوز او، این‌قدر با شخص او و با نام او دشمنی نمی‌کردند، که امروز می‌کنند.

www.ourpresident.ir

ایران اسلامی، ایران امام، ایران انقلاب، مرکز و محور حرکت عظیم جهانی مسلمانان است، و به همین نسبت محور دشمنیهاست. این، به‌جای آن‌که ما را غمگین کند، خوشحال می‌کند؛ و به‌جای آن‌که ما را وحشت‌زده کند، امیدوار می‌کند؛ چون نشان می‌دهد که ما قدرتمندیم و علیه منافع استکبار و منافع دزدان و غارتگران، همچنان تهدید بزرگی به شمار می‌رویم. دشمنی استکبار، ما را مطمئنتر می‌کند که راهی را که در حرکت پیشرونده‌ی انقلاب و سازنده‌ی کشور و جامعه انتخاب کرده‌ایم، درست و موفق و صائب بوده است. اگر ما در حرکتمان علیه منافع دشمنان بشریت و در جهت مصالح انقلاب و کشور، راه خطا را پیموده بودیم، دشمن این‌قدر با ما دشمنی نمی‌کرد.

... استنتاجی که من از این سه حقیقت می‌کنم، این است که شما ملّت عزیزمان باید بدانید، اگر به فضل الهی همین حرکت مبارکی را که دوازده سال است با قدرت در پیش گرفته‌اید، با وحدت حرکت کرده‌اید، به اسلام متمسک بوده‌اید، با همین تمسک به اسلام، با همین وحدت کلمه و با همین قدرت و عزّت، پشت سر مسؤولان دلسوز ادامه بدهید، تمام مشکلاتی را که دشمنان بزرگ اسلام علیه این ملّت به وجود آورده‌اند ـ چه در طول پنجاه سال گذشته، چه در جنگ تحمیلی، و چه در حول‌وحوش آن ـ خود شما خواهید توانست برطرف کنید و کشور را یک کشور اسلامیِ حقیقیِ نمونه‌ی آزاد آباد بسازید

بیانات در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۷۰/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

امام و هنر غربت‌زدایی از اسلام

هنر بزرگ و خدمت بی‌بدیل امام بزرگوارمان این بود که اسلام را از غربت درآورد. مسلمانان، حتّی در خانه‌ها و شهرهای خودشان غریب بودند. اسلام، حتّی در مواطن اصلی خود غریب بود. دشمنان اسلام، با فرهنگ الحاد و فساد و نظامهای طاغوتی، فرصت به‌خوداندیشیدن را هم از مسلمانان گرفته بودند. در چنین شرایطی، امام بزرگوار ما، آن سلاله‌ی پیامبران و دست قدرت خدا در این روزگار، این گرد غربت را از چهره‌ی اسلام زدود و سترد.

بیانات در دیدار با اولین گروه از میهمانان خارجی مراسم دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ـ ۷۰/۳/۱۵

www.ourpresident.ir

تقابل فرهنگ اسارت و فرهنگ نجات

حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی، عبارت است از طغیان بر ارزشهای جاهلی و نظامهای طاغوتی که بشر را به زنجیرکشیده و موجب ظلم و فساد و تبعیض طبقاتی و نژادی و فحشای عمومی و ستم‌پذیری توده‌ها و دیگر بدبختیهای ملّتها شده و همه چیز را فدای سود بیشتر و حاکمیت ظالمانه‌ی بیشتر صاحبان زر و زور نموده است. پس، حرکت صحیح اسلامی، صف‌بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه‌ی میان دو فرهنگ است: فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر. لذا هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه‌ی زورمندان عالم آماده کند و غافلگیر نشود.

پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ـ ۷۰/۳/۲۶

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

عقب‌ماندگی و جهل ثمره‌ی حاکمیت طاغوت

این آثار شوم دوران سلطه‌ی طاغوت چیست؟ در درجه‌ی اول، همین فقر و عقب‌ماندگی و جهل در بسیاری از مناطق کشور ماست. این ملّت بااستعداد و هوشیار، این زمین بااستعداد و غنی از همه جهت، و آن معارف اسلامی پیشاپیش این ملّت، همه‌ی اینها باید موجب می‌شد که امروز ایران یکی از آبادترین، و ملّت آن یکی از غنیترین ملّتهای عالم باشد؛ اما می‌دانیم که این‌طور نشده است.

چه چیزی موجب شد که این ملّت بااستعداد، در طول سالهای متمادی ـ شاید در طول یکی، دو قرن یا بیشتر ـ این‌قدر از قافله‌ی علم و معرفت عقب بماند؟ یقیناً سلطه‌ی دستهای غیرامین بر این ملّت، و این سلاطین ظالم و مستبد و کوته‌بین در طول این سالها، این بلاها را بر سر این کشور آوردند و همین‌طور مسأله‌ی آبادانی و عمران متوقف ماند. اگر قوانین اسلامی در کشوری اجرا بشود و حکومت اسلامی تشکیل گردد، این مانعها را از سر راه

www.ourpresident.ir

مردم برخواهد داشت. انقلاب اسلامی در ایران، باید این هنر بزرگ و این معجزه را بکند.

بیانات در دیدار با وزیر، مسؤولان و جمعی از جهادگران جهاد سازندگی، خانواده‌های شهدا، گروهی از عشایر، و جمعی از بازماندگان زمین‌لرزه‌ی استانهای گیلان و زنجان ـ ۷۰/۳/۲۸

www.ourpresident.ir

هدف انقلاب: تغییر ارزشها

انقلاب برای این نیست که کسانی بروند و کسان دیگری بیایند؛ انقلاب برای این است که ارزشها در جامعه تغییر کند؛ اعتبار و ارزش انسان به عبودیت خدا باشد؛ انسان بنده‌ی خدا باشد، برای خدا کار کند، از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد، از خدا بخواهد، در راه خدا کار و تلاش کند، در آیات خدا تدبر کند، عالم را درست بشناسد، کمر به اصلاح مفاسد جهانی و بشری ببندد و از خود شروع کند؛ هر کدام ما از خودمان شروع کنیم.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۷۰/۷/۵

www.ourpresident.ir

اسلام و روحانیت سدّ هجوم استعمار

در کشورهای اسلامی، برای ضایع کردن نسل جوان، برنامه‌ی همه‌جانبه‌یی شروع شد. می‌دانید که دوران استعمار ـ یعنی دست‌اندازی کشورهای غربی به کشورهای آسیایی و آفریقایی ـ نزدیک به دویست سال قبل شروع شد. آنها می‌دانستند که این وضع ادامه پیدا نمی‌کند، و اگر جوانان رشد کنند، بافرهنگ بشوند، با اراده باشند، نمی‌گذارند آب خوش از گلوی بیگانگان و چپاولگران پایین برود؛ لذا برای فاسد کردن نسل جوان برنامه‌ریزی کردند.

این‌که شاید شما در بعضی از کتابها یا مقاله‌ها خوانده‌اید که در بعضی از کشورهای امریکای لاتین یا شرق آسیا، نسل جوان غرق در فسادهای گوناگون است ـ از مواد مخدر و سکرآور و فساد جنسی ـ این‌طور نیست که روال کار از اول چنین بوده است؛ این سیاست پیاده شده است. متأسفانه در دوران ستمشاهی، ما هم از این قضیه برکنار نبودیم. در این کشور هم به دست خاندان خائن و سیه‌روی پهلوی و دستیارانشان، هرچه توانستند، این سیاست را پیاده کردند.

www.ourpresident.ir

البته کشورهای اسلامی خصوصیتی داشتند، که همان «اسلام» بود؛ و کشور ما در بین کشورهای اسلامی خصوصیت دیگری اضافه‌ی بر آن داشت، که آن «روحانیت مردمی» بود؛ و می‌دانید که در کشورهای دیگر اسلامی، به این شکلِ ایران نبوده، هنوز هم نیست. اسلام و تبلیغات اسلامی، جلوی آن موج سهمگین ایستاد. شعارهای انقلابی و حرکت کوبنده‌ی امام عالی‌مقام و عظیم‌الشأن، کار را بر دشمن مشکل کرد. در بحبوحه‌ی همان موج فسادآفرینی که بر این کشور حکومت می‌کرد، جلوه‌های ایمان و سرسپردگی به دین، باز اول در بین جوانان خود را نشان داد.

من پدران و مادران متوسطی را می‌شناختم که طاقت همراهی کردن با احساس دینی جوان خودشان را نداشتند؛ حتّی گاهی از احساسات دینی و تعبد و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و به خوراک و به آسایشی که در جوانانشان مشهود بود، پیش ما شکایت می‌کردند! آن پدران و مادران، با همان تربیتهای غلط رشد کرده بودند، مسلمان هم بودند؛ اما این جوشش ایمان اسلامی در آنها نبود؛ ولی جوانشان تحت تأثیر تربیت انقلابی قرار گرفته بود؛ به همین خاطر بود که جوانان، خانواده‌ها را پشت سر خودشان می‌کشیدند؛ و این شد که آن قیام عظیم مردمی و آن حرکت بی‌نظیر در عالم ـ یعنی انقلاب اسلامی ما ـ به رهبری امام و با پشتیبانی قاطبه‌ی ملّت و با میدانداری جوانان به پیروزی رسید. این یک فتح بود؛ هم فتح میدان مبارزه با استکبار بود، و هم بالاتر از آن، فتح سرزمین دل جوانان بود؛ که این را اسلام و انقلاب و امام کرده بودند، و این فتح‌الفتوح بود. بزرگترین کار امام، ساختن جوانان بود.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ـ ۷۰/۸/۱۵

www.ourpresident.ir

بازگشت به اسلام تنها راه نجات

ملّتهای اسلامی باید به اسلام برگردند. البته دروازه‌ها گشوده شده است. قرن گذشته ـ یعنی قرن سیزدهم هجری ـ قرن فریادگری فریادگران اسلام بود. از اوایل قرن که میرزای شیرازی[1] ـ مرجع تقلید بزرگ اسلام ـ در برخورد با کمپانی انگلیسی، آن فتوای قاطع را داد و یک ملّت را به حرکت درآورد، تا واقعه‌ی مشروطیت در ایران، تا حرکتهای اسلامی در هند، تا بیداری اسلامی در غرب دنیای اسلام ـ در خاورمیانه و در منطقه‌ی شمال آفریقا ـ و بزرگانی که سخن گفتند و سیّد جمال‌الدین‌ها و دیگران و دیگران، تقریباً قرن فریاد و قرن مبارزات بود، و قرن بعد، قرن تجربه است. این قرنی که ما امروز در آن قرار داریم، قرن تجربه است. قرن چهاردهم هجری، قرن فریاد و بیدارگری و اعلام بود، و این قرن پانزدهم ـ از آغاز و از افتتاح آن ـ قرن تجربه و عملکرد است.

می‌بینیم که ملّتهای اسلامی مجرب شده‌اند و دارند عمل می‌کنند؛ یک

۱. ۱۳۱۲ ـ ۱۲۳۰ ق.

www.ourpresident.ir

نمونه، جمهوری اسلامی بود؛ و این نمونه‌ی اول بود. ما به خاطر این‌که اولین نمونه بودیم، مشکلات بسیاری را گذراندیم. مسلمانان باید از این نمونه، تجربه بیندوزند. آن ملّتهایی که امروز بخواهند در کشورهای خودشان حرکت اسلامی را تحقق ببخشند، می‌توانند کار جامعتری از ملّت ایران نشان بدهند و به منصه‌ی ظهور بیاورند؛ اگر خدا کمک کند و اگر آنها همت کنند.

مسلمانان جز برگشت به اسلام راهی ندارند؛ جز تشکیل حاکمیت اسلام و تحقق و پیاده شدن عمل اسلامی، راهی ندارند. از دشمنان دیرین و کینه‌ورز اسلام نباید هیچ امید همراهی داشت؛ امید تحمل هم نباید داشت. شما ببینید در این سیزده سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشت ـ و ما این روزها داریم سیزدهمین سالگرد و شروع سال چهاردهم را جشن می‌گیریم ـ نسبت به ملّت ایران چه کردند، چه گفتند، چه نوشتند و چگونه برخورد کردند؛ اینها برای ملّتهای اسلامی تجربه است.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر، در سالروز عید سعید مبعث ـ ۷۰/۱۱/۱۳

www.ourpresident.ir

تمسّک به اسلام تنها راه پیروزی

یک قرن فریاد، دارد نتیجه‌ی خودش را در ذهنیت دنیای اسلام نشان می‌دهد. پیروزی انقلاب اسلامی و تجربه‌ی موفق این ملّت فداکار، دارد نتایج و آثار خودش را نشان می‌دهد. ملّتها به سمت اسلام گرایش پیدا می‌کنند و مسلّماً علی‌رغم همه‌ی کارشکنیها، بالاخره آن‌که پیروز خواهد شد، ملّتها هستند. ما بحمدالله تجربه‌ی اسلام را با افتخار و سربلندی با خودمان داریم. ما این را فهمیده‌ایم که تا وقتی به اسلام متمسک باشیم، این عروه‌ی وثقای الهی در همه‌ی مزال[1] اَقدام به ما کمک خواهد کرد؛ «فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لاانفصام لها»[2]. گسستن در این عروه‌ی وثقای الهی نیست. ما باید مشتهایمان را محکم کنیم و این ریسمان و این دستاویز الهی را محکم بچسبیم.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر، در سالروز عید سعید مبعث ـ ۷۰/۱۱/۱۳

۱. لغزشگاهها.
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۶.

www.ourpresident.ir

ایمان و مجاهدت، شرط موفقیت

حرکت عالم و حرکت تاریخ، به سمت محو قدرتهای ستمگر و ان‌شاءالله رشد ارزشهاست؛ البته شرط آن، تلاش و مجاهدت است. هیچ چیز بدون مجاهدت به دست نخواهد آمد؛ «و من اراد الاخرة و سعی لها سعیها و هو مؤمن»[1]؛ شرطش اینهاست. مسلمانان باید سعی کنند، باید ایمان داشته باشند، تا خدای متعال ان‌شاءالله دریچه‌های رحمت را به روی آنها باز کند. این راه ملّت ایران است؛ این راه این جوانان مؤمن است؛ راه مردمی است که برای اسلام تا امروز با اخلاص مجاهدت کردند. ان‌شاءالله که خداوند متعال هم دست ما و دست همه‌ی ملّتهای مسلمان را بگیرد، ما را هدایت کند، به ما کمک کند و ان‌شاءالله قلب مقدس ولیّ‌عصر(ارواحنافداه) از ما راضی و خشنود باشد.

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر، در سالروز عید سعید مبعث ـ ۷۰/۱۱/۱۳

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱۹.

www.ourpresident.ir

راه طولانی پیش روی ملّت

ما در اول راهیم. آن تصویری که از جامعه‌ی اسلامی در ذهن ماست، با وضع کنونی ما فاصله‌ی زیادی دارد. ما توانستیم حصاری را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و دنیای اسلامی برداریم. آنچه را که می‌توانیم بین خودمان و خدا بگوییم، این است که ما تلاش کردیم و مردم ما صادقانه حرکت کردند و امام ما خوب رهبری کرد و خوب پیش برد؛ اما آنچه را که در اثنای این جاهلیت مظلم طی کردیم، نسبت به آنچه که بعداً باید طی کنیم، مطمئناً خیلی کم است.

گفت و شنود با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر ـ ۷۰/۱۱/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

تحوّل معنوی، اوّلین گام حرکت

اولین و مهمترین کاری که پیش روی ما قرار دارد، تحول معنوی و روحی انسانهاست. ما متأثر از تربیتهای طولانی غیراسلامی هستیم. آنچه که هیجان عظیم انقلاب و دوران جنگ انجام داد، البته معجزه‌آسا بود؛ اما تا این پدیده عمق پیدا بکند، و تا وقتی که اعماق ضمایر را متحول نماید، کار زیادی لازم است.

گفت و شنود با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر ـ ۷۰/۱۱/۱۴

www.ourpresident.ir

انتظار فرج، آرمان و انگیزه‌ی حرکت

امام زمان علیه سلام‌الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه بشریّت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را می‌کشند. البته مسلمانان به صورت مشخّص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شده است، آگاهیهای روشن و مشخّص کننده‌ای هم دارند. لذاست که موضوع امام زمان عج الله تعالی فرجه الشّریف، با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه قشرهای بشر و ملّتهای عالم است. امیدی است در دل بنی‌آدم؛ که تاریخ بشریّت به سمت صلاح حرکت می‌کند. این امید، به بازوان قوّت می‌بخشد، به دلها نور می‌دهد و معلوم می‌کند که هر حرکت عدالتخواهانه‌ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است. به همین خاطر است که وقتی ملّت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریّت حرکت می‌کنند . بعد

www.ourpresident.ir

از پیروزی انقلاب هم احساس ملّت ایران این است که هر حرکت و هر اقداممان؛ هر مبارزه‌ای که کردیم و هر رنجی که تحمّل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. و اسلام این عدل را تأمین می‌کند.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و قشرهای مختلف مردم درروز نیمه شعبان ـ ۷۱/۱۱/۱۸

www.ourpresident.ir

تأثیر پیروزی انقلاب در قلوب مبارزان جهان

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امیدی در دل ملّتها و مبارزان مسلمان در همه جای عالم پدید آورد؛ دلهای مرده را زنده کرد و هرچه علیه اسلام و بلکه علیه مطلق دین، تبلیغ و فعالیت و تلاش شده بود، آنها را از ذهن و عملِ ملّتهای مبارز در سراسر دنیا زدود و از بین برد. لذاست که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در اطراف عالم نهضتهای انقلابی پدید آمد، یا اگر هم قبلاً بود، اوج گرفت و شتاب پیدا کرد. علاوه بر این، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی جوانان و غیرتمندان یک ملّت می‌خواستند مبارزه‌ای را علیه ظلمی که بر آن ملّت و در منطقه خودشان حاکم بود، آغاز کنند، به دنبال تفکّرات چپ می‌رفتند. از چپیها الهام می‌گرفتند و از آنها جزوه و نوشته و دستورالعمل دریافت می‌کردند. هر جای دنیا که نهضت یا مبارزه‌ای علیه ظلم وجود داشت، شما می‌دیدید یک صبغه‌ی چپ در آن هست، یا سعی می‌شد این صبغه‌ی چپ به نحوی به آن داده شود. چنین تصوّر می‌شد که بدون ارتباط و اتّصال با یک تفکّر یا با یک مکتب ـ که آن هم مثلاً مکتب

www.ourpresident.ir

مارکسیسم بود نمی‌شود مبارزه‌ای را سازماندهی و هدایت کرد و به پیروزی رساند! امّا بعد از آن‌که انقلاب اسلامی پیروز شد، دیدیم در هر نقطه‌ی عالم که یک حرکت انقلابی و یا حرکت غیورانه‌ای در مقابل ظلم و جور انجام می‌شود، صبغه‌ی مذهب پیدا می‌کند. حرکتهای مذکور در کشورهای اسلامی، صبغه‌ی اسلام به خود می‌گرفت و در کشورهای غیراسلامی، گرایش به یک مذهب دیگر را در خود داشت. ما حتّی در اوایل پیروزی انقلاب، مبارزاتی را مشاهده کردیم که قبل از آن، گرایشهایشان مارکسیستی بود؛ امّا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نه این‌که آن گرایش مارکسیستی به کلّی از بین برود، ولی یک رگه مذهبی هم در آن به وجود آمد و یا یک عنصر مذهبی هم در آن وارد شد. این همه، از تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بود.

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی خود، از یک طرف به مبارزان دنیا امیدداد و دلهای غیرتمندانی را که می‌خواستند با ظلم و جور و نامردمی در هر نقطه عالم مبارزه کنند زنده کرد و از طرف دیگر، هویّت اسلامی را به ملّتهای مسلمان برگرداند. در این هیچ شکّی نیست. این تأثیر مثبتی بود که انقلاب اسلامی در همه جای دنیا گذاشت. اما همزمان با این تأثیر، یک تأثیر دیگری هم در دنیا به جانهاد و آن این بود که دشمنان جبهه اسلام را بیدار کرد و به آنان تجربه داد! دشمن کیست؟ جبهه ضدّ اسلامی است؛ استکبار است؛ همان که ما به آن «استکبار» می‌گوییم؛ قدرتهای مسلّطِ عالم. یک روز مظهر استکبار، امریکا و شوروی بودند. امروز که شوروی نیست، امریکا در رأس استکبار قرار گرفته است. قدرتهای مرتجع، قدرتهای ضدّ مردمی، قدرتهای متجاوز، قدرتهایی که ملّتهای ضعیف را در مشت خود می‌خواهند و دنیا را متعلّق به خود می‌دانند، همه در جبهه استکبار ثبت نام کرده‌اند و اسلام و انقلاب اسلامی با اینها روبه‌روست. اینها بعد از انقلاب اسلامی، مجرّب شدند و تجربه پیدا کردند. وقتی انقلاب اسلامی پیش آمد، استکبار

www.ourpresident.ir

هیچ تجربه‌ای نسبت به حرکتهای عظیم اسلامی نداشت. در گذشته حرکتهای نامنسجمی پیش آمده بود؛ اما این انقلاب و این مبارزه، واقعه و حرکت عظیمی بود که استکبار در مقابلش غافلگیر شد.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و قشرهای مختلف مردم درروز نیمه شعبان ـ ۷۱/۱۱/۱۸

www.ourpresident.ir

انتظار فرج، مانع تردید و هراس

ملّت ایران، به برکت دین و هشیاری و وحدت کلمه، توانسته است تا امروز از همه موانع بگذرد. مواظب باشید و این هشیاری را حفظ کنید. این هشیاری که از اعتقاد و ایمان دینی سرچشمه می‌گیرد، ما را به نکاتی از جمله «وحدت کلمه» توجه می‌دهد. این هشیاری را باید با همه وجود و با همه قدرت حفظ کنید. دشمنان ما بدانند که ملّت ایران به برکت تعلیمات دینی، همچنان که در طول این راه از تهدید دشمن نترسیده است، امروز هم از تهدید و اُشتلم آنان نمی‌هراسد. قدرتمندان، دنیا را پر از ظلم می‌خواهند. گر چه به زبان نمی‌آورند؛ امّا عملشان گواه آن است. ظلم می‌کنند، برای این‌که منافع خودشان را تأمین کنند. ما با ظلم و قلدری مخالفیم. ما برای استقرار قسط و عدل قیام و تلاش کرده‌ایم و باز هم این ملّت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکّی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است.

www.ourpresident.ir

انتظار فرج یعنی این‌که در سرنوشت بشریّت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم. از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا تردید کنیم؟ چرا اطمینان خودمان را از دست بدهیم؟ دستورات اسلام، چراغ راهنمای ماست. آنچه را که میراث گرانبهایی از اسلام است، در دست داریم. مجموعه گفتار امام، که متّخذ از اسلام است، میراثی گرانبها و دستاوردی عظیم است که چراغ راه ماست.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان ـ ۷۱/۱۱/۱۸

www.ourpresident.ir

دیانت و روحانیت، عامل پیروزی

این روز به یادماندنی [نوزدهم دی ماه]، که امسال با شهادت یا رحلت زینب کبری سلام‌الله‌علیها همراه است، باید از چند جهت مورد توجّه قرار گیرد: اوّل این‌که، چنین روزی در تاریخ معاصر، در حقیقت سرآغاز دوره مهمّی از تاریخ انقلاب بود. این‌که قمیها، از روحانیان و غیرروحانیان و جوانان و آحاد مردم قم، در صحنه خونین انقلاب پا گذاشتند و مبارزه‌ای خونین را شروع کردند، چیز کمی نیست، و همین روند بود که انقلاب را به پیروزی رساند. دوم از این باب که شهر قم، حقیقتاً مرکز قیام و کانون جوش و خروش انقلابی مردم بوده است و انشاءالله باید همواره چنین باشد. این شهر، چه به خاطر حوزه علمیه و چه به خاطر جوانان پرشور و مردم فداکار و انقلابی، مرکز و کانون اصلی است.

مبارزه، چه در دوران نهضت در سال ۴۱ و چه در این دوران، از قم شروع شد. این هم یک جهت دیگر. امّا آن جهتی که قابل توجّه بیشتری است و بنده راجع به آن می‌خواهم مختصری عرض کنم و بر آن تکیه داشته باشم،

www.ourpresident.ir

جهت پیوستگی انقلاب با دین، معارف اسلامی، روحانیت اسلام و کانون علوم دین است. این، پدیده مهمّی است.

اگر انقلاب ما یک انقلاب دینی نبود و در رأس آن علمای دین نبودند، به پیروزی نمی‌رسید. کما این‌که شورشها و قیامهای گوناگونی در این کشور به وجود آمده است؛ اما آن‌جا که با دین و علمای دین آمیخته نبوده، به جایی نرسیده است. این انقلاب وقتی هم به پیروزی رسید، اگر با دین و علمای دین پیوسته نمی‌شد، بعد از پیروزی شکست می‌خورد و دشمنان بر آن غلبه می‌کردند. شما دیدید وقتی بعد از پیروزی انقلاب، در هر گوشه از کشور حادثه‌ای به دست دشمن درست شد، به دستور رهبر عظیم‌الشّأن و پیشوا و امام ما رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و نفوذ روحانیت و عَلَم دین، فوراً مردم به در آمدند و آتش آن غائله‌ها را خاموش کردند. حتّی اگر این مشکل، مشکلی در حد جنگی هشت ساله بود، آن را هم در حقیقت مردم حل کردند. اگر مردم در این جنگ نبودند و پشت سر دفاع مقدّس قرار نداشتند، این گونه همراه با سربلندی و پیروزی، تمام نمی‌شد. پس چون انقلاب انقلابِ دینی است و در رأس آن رهبریِ علمای دین و رهبری دینی قرار دارد، بعد از پیروزی هم دشمن نتوانست آن را شکست دهد.

نکته دیگر این است که چون انقلاب، دینی است و رهبری علمای دین در این انقلاب، نقش مهمّی بوده است، دچار انحراف نشده است. اگر غیر از این بود و خوشبین بودیم که دشمن هم آن را شکست نمی‌دهد و حادثه‌ای هم برای پیکره و ظاهر انقلاب پیش نمی‌آید، نهایتاً از داخل منحرف می‌شد. مثلاً با ابرقدرتها می‌ساخت؛ با این و آن کنار می‌آمد و از درون می‌پوسید و شعارهایش از بین می‌رفت. چه چیز مانع از بروز چنین مشکلاتی برای انقلاب اسلامی شد؟ مسلماً دینی بودن انقلاب و رهبری علمای دین و

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

رهبری دینی نگذاشت که انقلاب از مسیر صحیح خود منحرف شود؛ کما این‌که در بعضی کشورهای دیگر هم انقلابهایی شده بود، ولی به مرور منحرف گردید.

مثلاً پیش از این، در کشور خود ما، انقلاب مشروطیت بود. امّا بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیت به جایی رسید که رضاخان قلدر، فردی که ضد همه آرمانهای مشروطه خواهی بود، به حکومت رسید. اگر انقلاب اسلامی ما هم تحت رهبری دینی نبود، سرنوشتی چون انقلاب مشروطیت پیدا می‌کرد. هر انسان هوشمندی، وقتی توجّه می‌کند که اوّلاً شروع این نهضت و پیروزی آن، ثانیاً بقای جمهوری اسلامی و مضمحل نشدن آن و ثالثاً مستقیم حرکت کردن جمهوری اسلامی و انحراف نشدن آن، به برکت دین و رهبری دینی است، پشت سرِ آن، یک نکته دیگر را هم می‌فهمد و آن نکته این است که دشمنان انقلاب اسلامی، چه در خارج و چه در داخل، سعی می‌کنند دین و رهبری دینی را از این انقلاب بگیرند. این، یک امر قهری است. اگر از یک قلعه یا حصار، جوانی کارآمد، جانانه دفاع کند، دشمنِ آن قلعه و آن حصار، راه را در این می‌بیند که زیر پای آن جوان، حفره و گودالی بکَند و او را از بین ببرد.

دشمن، همیشه در صدد است تا نیروی دفاع‌کننده طرف مقابل را نابود کند و از بین ببرد. چون نیروی پیش برنده و دفاع کننده این انقلاب، عنصر دین و رهبری دینی بوده است، لذا دشمن سعی می‌کند این را از بین ببرد. شما ببینید بعد از پیروزی انقلاب، چقدر علیه حضور رهبری دینی در انقلاب حرف زدند! این حرفها مخصوصِ بعد از زمان امام هم نیست. کسی خیال نکند کسانی که با رهبری دینی مخالفت می‌کنند، بعد از زمان رحلت امام رضوان‌الله علیه پیدا شده‌اند.ابداً! از اوّل پیروزی انقلاب، همه کسانی که

www.ourpresident.ir

از دست این انقلاب داغدار بودند، با رهبری و هدایت دینی این انقلاب مخالفت کردند. چرا؟ برای این‌که انقلاب را از پا در آورند. این، آن هدفی است که دشمن نشانه‌گیری کرده است و باز هم می‌کند.

بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ـ ۷۱/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

سلسله‌ی حوادث سرنوشت‌ساز سیزدهم آبان

روز سیزدهم آبان، به لحاظ التقای سه حادثه تاریخی که به شکل عجیبی به هم وصلند، روز مهمّی در تاریخ ماست. امروز فرصتی است که از یک درد بزرگ جهانی و یک بیماری سیاسی مهلک که بر جهان بشریّت حاکم است و ملّتهای بسیاری از آن در رنجند، سخن گفته‌شود. این سه حادثه هم، اتّفاقاً در ارتباط با همین مسأله اساسی است.

حادثه اوّل، تبعید امام است. ملّتی در زیر فشار حکومتی فاسد، دست و پا می‌زد و عدّه کثیری ازمردم در خشم و ناراحتی بودند و کسی که می‌توانست احساسات مردم را هدایت کند و افکار آنها را جهت بدهد ودرد دل آنها را بیان کند و از خطرات این راه نترسد، فقط امام بزرگوار ما بود. او را در نیمه شبی ـ در مثل چنین روزی ـ از خانه و مسکن خودش ربودند و از میان این ملّت، اوّل به زندان و بعد به تبعید فرستادند؛ تا شاید خشم ملّت هدایت نشود و مبارزه‌اش سرنگیرد. ولی برخلاف نظر آنها، امام، رهبری خود را از تبعیدگاه هم ادامه داد و دست از افشاگری و بیان حقایق و هدایت مردم برنداشت.

www.ourpresident.ir

این ملّت ـ بخصوص جوانان ـ وارد یک مبارزه عمومی شدند که پانزده سال ادامه پیدا کرد. در ادامه همین مبارزه، در چنین روزی بود که همان دستگاه جبّار و وابسته و فاسد و تحت تأثیر سیاستهای آلوده به همان بیماری ـ که عرض خواهم کرد ـ دست جنایت از آستین در آورد و دانش‌آموزانی را به شهادت رساند. اما بالأخره، حق پیروز شد. مبارزه محقّانه مردم ایران پیروز گردید و آن دستگاه جبّار و فاسد، مجبور شد بساط خود را جمع کند و امریکا از کشور ما برود. باز در مثل چنین روزی، خشم مقدّس و حق طلبانه یک عدّه جوان و دانشجوی مسلمان، حادثه سوم، یعنی تسخیر لانه جاسوسی راپیش آورد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلّمان و پرستاران، به مناسبت روز ۱۳ آبان ـ ۷۱/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

عزّت و استقلال منوط به خودسازی جوانان

جوانان مسلمان و بچه‌های مؤمن ما، در این انقلاب نقش داشتند. امروز سالروز به خون غلتیدنِ عدّه‌ای از همین دانش‌آموزان است. رژیم منحوس پهلوی هم با دانش‌آموز مؤمن و انقلابی، مخالف بود و می‌خواست او را یا ضایع و فاسد کند، یا اگر نشد، بکُشد. امروز خوشبختانه استکبار و استبداد جهانی، دستش نمی‌رسد که به دانش‌آموزان عزیز ما آسیب جسمانی برساند. بحمدالله سدّی به ارتفاع جمهوری اسلامی جلو تجاوز دشمن را با قدرت گرفته است. اما ممکن است از لحاظ تضییع و افساد معنوی، بتواند کاری انجام دهد. باید مواظب بود. این تکلیف بردوش شماست.

امام بزرگوار، چند صباحی را در میان ما زندگی کرد. همیشه همین‌طور است. فرد که ابدی نیست. فرد باید بتواند وظیفه خودش را در مدّت عمر کوتاهش در همین چند صباح، انجام دهد. امام رفت و همه ما رفتنی هستیم. امّا این انقلاب ماندنی است. این ملّت ماندنی است. این کشور ماندنی است

www.ourpresident.ir

و عزّت و استقلال ما، ان‌شاءالله پایدار است. و این، به کمک شما جوانان و با خودسازی شما شدنی است. خودتان را بسازید.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلّمان و پرستاران، به مناسبت روز ۱۳ آبان ـ ۷۱/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

اهمیت تشخیص تکلیف اهم و مهم

روزی در همین کشور ما، مبارزات ضدّ استعماری و ضدّ استبدادی و ضدّ دستگاه کفر و طاغوت، مطرح بود؛ اما بعضی، این تکلیف را تشخیص نمی‌دادند و به کارهای دیگر چسبیده بودند. احیاناً اگر کسی تدریسی داشت، اگر تألیفی داشت، اگر یک حوزه کوچک تبلیغی داشت، اگر هدایت جمع محدودی از مردم در کارهای دینی برعهده او بود، فکر می‌کرد اگر به آن مبارزه بپردازد، آن کارها معطل خواهد ماند! مبارزه به آن عظمت و به آن اهمیت را ترک می‌کرد، برای این‌که از این کارها باز نماند! یعنی اشتباه در شناختنِ آنچه لازم بود، آنچه مهم بود و آنچه اهمّ بود.

بیانات در دیدار علما و روحانیان ـ ۷۱/۵/۷

www.ourpresident.ir

یازده مشخصه‌ی خطّ امام

من رؤوس مطالبی را در خصوصیات این خط و این جهتگیری ـ که ما به آن «خطّ امام» می‌گوییم و مشخّصه حرکت نظام جمهوری اسلامی در ده سال حیات با برکت امام بوده است ـ عرض می‌کنم: خطّ امام، یعنی آن مسلک و سلوک حکومتی امام امّت. یعنی چیزی‌که تفسیرکننده نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، می‌تواند با جهتگیریهای مختلفی تحقّق یابد. آنچه‌که این جهتگیریها را به صواب نزدیک می‌کند و مورد قبول و اعتقاد امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه بوده است، اینهاست:

اوّل، ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرتهای خارجی و نداشتن سرِ سازش با این قدرتها. این، اوّلین مشخّصه حرکت امام بزرگوارماست.

دوم اهتمام به تعبّد وعمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی. این دو مطلبِ بزرگ و این دو میدان مبارزه را، امام از هم جدا نمی‌کردند و در صحنه اجتماع و سیاست، در مقابل شیطان بزرگ و شیطانهای قدرت می‌ایستادند. در صحنه روان آدمی و درون وجود انسان،

www.ourpresident.ir

امام با نفس مبارزه می‌کردند و اصرار بر تعبّد و عمل اسلامی و فردی و شخصی داشتند.

سوم، اهمیت دادن به توانایی ملّتها و «اصل» دانستن آنها بود. امام با ملّتها سخن می‌گفتند و معتقد بودند که تحوّلات بزرگ عالم، اگر به دست ملّتها انجام گیرد، غیر قابل شکست است و ملّتها می‌توانند در دنیا تحوّل ایجاد کنند و محیطهای خودشان را عوض نمایند.

چهارم، اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار.

پنجم، اصرار بر ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها؛ مگر استثناهایی که هرکدام استدلالی قوی پشت سرش بود. امام به مایاد دادند که جمهوری اسلامی، در سطح عالم می‌تواند و باید از روابط سالمی با دولتها برخوردار شود. البته رابطه با امریکا مردود است؛ به سبب این‌که آمریکا یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضه و محاربه است. ارتباط با رژیم صهیونیستی و نیز ارتباط با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی[1] مردود است؛ اما رابطه با بقیه دولتها، بسته به مصالح نظام جمهوری اسلامی است و اصل برایجاد ارتباط است.

ششم، اصرار بر شکستن حصار تحجّر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب. هم تحجّر، از دیدگاه امام ـ در بیان و عمل ـ مردود بود، هم التقاط.

هفتم، نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی. همیشه، مردم در چشم امام، «اصل» بودند. در منطق و در خطّ حکومتی امام امّت، محرومان و مستضعفان محور تصمیم‌گیریها محسوب می‌شدند و همه فعّالیتهای اقتصادی و امثال آن، بر محور نجات محرومین از محرومیتها بود.

هشتم، توجّه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب

۱. فرمایش معظّم‌له، ناظر بر زمانی است که هنوز دست استعمار از حکومت آفریقای جنوبی کوتاه نشده بود و در آنجا «آپارتاید» حاکم بود.

www.ourpresident.ir

صهیونیستی بود. مبارزه با اسرائیل، جایگاه خاصّی در منطق امام ـ در راه و رسم حکومتی ـ داشت. از اموری که در نظر امام امّت به هیچ وجه برای ملّتهای مسلمان قابل اغماض نبود، مبارزه با صهیونیستها بود؛ چون امام بزرگوار، نقش ویرانگر و مخرّبِ این رژیم تحمیلی را از سالها پیش از پیروزی انقلاب، به درستی تشخیص داده بودند.

نهم، حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملّت ایران و اصرار بر مقابله و مبارزه با هر شعار تفرقه افکنانه.

دهم، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها. لذا امام، هم به مسؤولین سفارش می‌کردند که «از مردم جدا نشوید؛ با مردم باشید؛ زیّ مردم را داشته باشید؛ به فکر مردم باشید» و خلاصه، رابطه را از طرف مسؤولین تأمین می‌کردند، هم متقابلاً به مردم سفارش مسؤولین و دولتها را می‌کردند. یعنی امام با کسانی که ارگانهای نظام و دولت را تضعیف می‌نمودند، به نحوی از انحا مقابله می‌کردند.

یازدهم، اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان، که در ماههای آخر عمر با برکت امام، جایگاه مهمّی داشت. بر این اصرار داشتند که کشور باید از لحاظ اقتصادی، از لحاظ کارهای زیر بنایی و از لحاظ موارد در آمد، بازسازی شود و برای مردم، نمونه‌ای عینی و عملی از سازندگی اسلامی ارائه گردد.

آن مواردی که به اعتقاد بنده رؤوس و خطوط اصلی بینش امام و سلوک عملی و حکومتی ایشان بود، اینهاست.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت‌امام(ره) ـ ۷۱/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

استکبار و تحمیل مبارزات به ملّت ایران

یک وقت است که کشوری فاقد مردم است و یا مردم بی‌فرهنگی دارد. بدیهی است که تصرّف آن کشور برای استعمارگران آسان است. اما یک وقت کشوری برخوردار از مردمی با فرهنگ و با ادّعاست که برای خودشان شخصیّت و سابقه‌ای قائلند. آن وقت دیگر ورود استعمار به آن کشور، چندان بی‌دردسر نیست؛ چرا که از طرف مردم آن کشور، علیه استعمارگران، مبارزه‌ای به وجود می‌آید. عاملی که ما امروز به آن «استکبار» می‌گوییم، مبارزه مذکور را بر ملّت ایران تحمیل کرد. در گذشته، وقتی که استکبار وارد کشوری می‌شد، به شکل استعمارِ مستقیم می‌آمد و آن کشور را قبضه می‌کرد. اما امروز، از طُرق پیشرفته‌تری برای تسلّط و تصرّف ملّتها و منابعشان استفاده می‌کند. بنابراین، مبارزه‌ای که ملّت ایران در طول صد و پنجاه سال یا بیشتر، با کشورهای استعمارگر داشت ـ از «مبارزه تنباکو» بگیرید تا قضایای بعدی و نهضت ملی و تا مبارزات امروزِ ملّت ایران با سیاستهای استکباری و با امریکا و با دیگران ـ همه و همه از مبارزاتی است که بر مردم ما تحمیل کرده‌اند. والّا

www.ourpresident.ir

اگر ملّت ایران را رها می‌کردند و او را راحت می‌گذاشتند تا خودش به کار خودش، به کشور خودش، به منافع خودش و به منابع خودش برسد، ممکن بود چنین مبارزه‌ای به این شکل پیش نیاید. آنها این مبارزه را بر ملّت ایران تحمیل کردند. امروز هم، آنها متعرّض و متجاوزند.

بیانات در دیدار ارتشیان، به مناسبت «روز ارتش» ـ ۷۳/۱/۲۴

www.ourpresident.ir

ذلّت حکومتهای سابق در برابر استکبار و استعمار

شما ملاحظه کنید که روزگاری نه چندان دور، در این تهرانِ مرکز کشور، حکومتی بر سرِکار بوده است که شاهِ آن وقتی می‌خواست نخست‌وزیری برای خود انتخاب کند، اوّل از امریکاییها می‌پرسید: شما موافقید من فلانی را انتخاب کنم یا نه؟ وقتی می‌خواست مدیر شرکت نفت یا وزیر دفاع و یا رئیس ستاد ارتش را عوض کند ـ «زید» را بردارد و «عمرو» را بگذارد ـ از سفیر امریکا خواهش می‌کرد که «شما یک تُکِ پا به محلّ اقامت من تشریف بیاورید تا ببینیم سیاست شما با چنین تعویضهایی مخالفت دارد یا ندارد؟» به معنیِ ساده‌تر، از آنها کسب تکلیف می‌کرد! استکبار هم عادت به تعارف کردن ندارد که تا ببیند طرف کوتاه آمد، بگوید: «ببخشید! ما با شما عرضی نداریم.» هرگز این طور نیست! شما در مقابل استکبار و استعمار، هر چه بیشتر خم شوید، بیشتر فشار وارد می‌کند. اگر سرتان را پایین آورید، فشار خود را راحت‌تر وارد می‌کند تا به سجده بیفتید! وقتی هم در مقابلش به خاک افتادید و سجده کردید، پایش را محکم روی شما می‌گذارد! این، خاصیت

www.ourpresident.ir

قدرتهای استکباری و متجاوز است.

باری؛ آنها در مقابل چنان شاهی، که چنین کسب تکلیف می‌کرد، گاهی می‌گفتند: «عیبی ندارد. اگر شما فلان کس را به فلان سمت منصوب کنید ما حرفی نداریم و موافقیم.» البته، گاهی هم با انتصابهای او مخالفت می‌کردند و نمی‌گذاشتند هر کس را که دلش می‌خواست عزل و یا نصب کند! فکرش را بکنید! چنان حکومتی، تا پانزده سال پیش در این کشور و در این شهرِ تهران حاکمیت داشته است!

خوب؛ در هنگامه تسلّط چنان حکومتی بر ایران، نفت این مملکت، فولاد این مملکت، زغال سنگ این مملکت، منابع این مملکت، کشاورزی این مملکت، دانشگاه این مملکت و ارتش این مملکت، چه وضع و حالی داشت و در خدمت چه کسی بود؟ بدیهی است که در خدمت آن قدرتِ مستکبر و زورگو بود. البته آن زورگو هم همیشه یک کشور استکباری نبود. تا مدّتی انگلیسیها بودند. بعد که امریکاییها به عنوان یک قدرتِ تازه نفس و پولدار و جوان، وارد میدان شدند، آن رقیبِ پیرِ قدیمی و کهنه را بیرون انداختند و خودشان همه کاره این‌جا شدند.

در چنین وضعیّتی، انقلاب پدید آمد و آن حکومتِ نوکرِ مخلصِ حلقه به گوشِ ارادتمندِ «هرچه شما بفرمایید» را بیرون انداخت و حکومتی بر سرِ کار آورد که سرِ تسلیم در مقابل فلک هم خم نکرد و نمی‌کند. حکومتی را که انقلاب بر سرِ کار آورد، حتّی برای یک لحظه هم در مقابل دو ابرقدرت امریکا و شوروی تسلیم نشد.

بیانات در دیدار ارتشیان، به مناسبت «روز ارتش» ـ ۷۳/۱/۲۴

www.ourpresident.ir

گرایش معنوی و دینی، پایه‌ی انقلاب اسلامی

در قبل از انقلاب، زمانی یکی از نویسندگان معروف عرب به ایران آمده بود. در دیداری که با هم داشتیم، به من گفت: «من به همه کشورهای اسلامی سفر کرده‌ام؛ اما در هیچ کشوری ندیدم وقتی مردم سوار بر قطارند و به مسافرت می‌روند، به هنگام نماز، ناگهان قطار توقف کند و همه برای ادای نماز پیاده شوند.» می‌گفت: «من برای اوّل بار در ایران است که شاهد چنین موضوعی هستم و در هیچ جای دیگر نظیرش را ندیده‌ام.»

آری؛ همین گرایش معنوی و دینی بود که نقطه قوّت بعدی را به وجود آورد و آن، انجام یکی از بزرگترین آزمایشهای ملی و قیامهای شجاعانه طول تاریخ، در برهه‌ای حسّاس از حیات این ملّت، یعنی انقلاب کبیر اسلامی ما و ایستادن پای این انقلاب و تشکیل حکومتی براساس این انقلاب بود که همان حکومت هم جمهوری اسلامی ایران است. اینها از برکات همان دین‌باوری است. دیدید کسانی را که ادّعای آزادیخواهی و مبارزه و انقلابیگری می‌کردند اما ته و توی وجودشان از دین بیگانه بود، چطور میان راه، سقط و زمینگیر

www.ourpresident.ir

شدند و به قول شماها «کُپ» کردند و نتوانستند جلو بیایند؟! اما ملّت ایران، همچنان پیش رفت و پیش رفت و هنوز هم به برکت ایمان پیش می‌رود.

پس، نقطه قوّت بعدیِ ملّت ایران، عبارت است از شکل‌گیری و ایجاد یک قیام شجاعانه. شما به قیامهای تاریخ که بر ضدّ قدرتهای ظالم شکل گرفته است نگاه کنید! در هر کدام نگاه و مدّاقه کنید، باز هم می‌بینید قیام عظیم ملّت ایران که مراحل عملی آن پانزده سال طول کشید، هم ریشه‌هایش بیشتر از پانزده سال بود و هم فداکاریها و شهید دادنها و گذشتهایش. در این انقلاب، چقدر گذشت شد! مگر شوخی است؟! مگر گذشت کار آسانی است؟! شما اگر در صف اتوبوس ایستاده باشید و جایتان را به کس دیگری بدهید، می‌گویید: «من گذشت کردم.» هم خودتان خوشحالید و هم دیگران به خاطر این گذشت به شما «آفرین» می‌گویند. گذشت این قدر مهم است. حتی در حدّ بخشیدن جای خود در صف اتوبوس به دیگری که ظاهراً کار مهمّی هم نیست. بالأخره، یک ربع بعد از آن، اتوبوسی دیگری از راه می‌رسد و شما می‌روید. آن وقت ببینید گذشت از جان، گذشت از عزیزان و گذشت از همه زیورهای حیات مادّی، چقدر اهمیت دارد! اینها مگر شوخی است؟!

بیانات در دیدار ارتشیان، به مناسبت «روز ارتش» ـ ۷۳/۱/۲۴

www.ourpresident.ir

سیر قدرت و ضعف مجلس در ادوار گذشته

در این کشور، دهها سال نام مشروطیت وجود داشت؛ اما در دورانهای سلطنت خاندانِ منحوسِ زیانبارِ خفّت‌آورِ پهلوی بر ایران، مجلس در حقیقت کان لم یکن بود؛ جز در همان برهه کوتاهی که مرحوم آیت‌الله کاشانی و نهضت ملی حرکتی کردند و مجلس جانی گرفت. و الّا بقیه آن پنجاه سال، هر چه بود، اسم بود بی‌مسمّا؛ ظاهر بود بی‌لُبّ و بی‌معنا.

این، از آن دوران پنجاه ساله. قریب به بیست سال قبل از دوران پنجاه ساله هم، در این کشور، مشروطیت بود که مجموعاً، با تعطیلها و انسدادها و به توپ‌بستنها و غیره، تقریباً در حدود چهار دوره، مجلسِ شورایِ ملّیِ درست شده در اوّلِ مشروطیت، کار کرد. تاریخِ آن مجالس، بسیار عبرت‌آور است و واقعاً یکایک ملّت ایران، برای این‌که بدانند جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به این کشور و این ملّت چه داده است، باید آن گذشته را بخوانند. تا ندانیم چگونه بوده‌ایم، نخواهیم دانست که امروز چه در اختیار داریم. در آن چند سال اولیه، تا وقتی که هنوز مجلس، آن مجلسِ تحت نفوذ

www.ourpresident.ir

سلطان و سردار و دوله و سلطنه و سفارتخانه خارجی نبود، مجلسی بود که با وجود ابتدایی بودن، تأثیر خود را در اوضاع کشور می‌گذاشت. هر جا که اندکی نشانه سلطه خارجی بود، آن مجلس، باقدرت تمام می‌ایستاد. اولتیماتوم روس بود، مجلس ایستاد. استقراض از خارجیها بود، مجلس ایستاد. قرار داد وثوق‌الدوله بود، مجلس ایستاد. امثال مدرّس‌ها در آن مجلس، کم و بیش بودند. آنهایی هم که گذشتِ زمان نشان داد نمی‌توانند همیشه مدرّس باقی بمانند و مثل مدرّس باشند، در سایه حضور مردانِ مستقلِّ با ایمانی از قبیل مدرّس، خیابانی و امثال آنها، یک حالت واقعیِ مردمی به آن مجلس دادند.

این، از آن دو دوره اوّلیه که وضعیتش این گونه بود. بعد از آن‌که نفوذ سیاستهای خارجی در همان مجلس، با همان اشخاصْ پیدا شد، کار به آن‌جا رسید که نخست‌وزیر بعد از کودتا ـ حسن مشیرالدوله پیرنیا ـ وقتی کابینه خودش را در مجلس شورای ملی ارائه کرد و مجلس یکی دو نفر از وزرایش را رد نمود، به مجلس گفت: «همسایه جنوبی ما [یعنی انگلیس!] مایلند این دو نفر در کابینه باشند» و مجلس رأی داد! به صرفِ تمایل همسایه جنوبیِ دروغی، دو وزیرِ ابتدا رد شده، رأی مجلس را به دست آوردند. و اما، از آن‌جا که انگلیس، غاصبِ هند و بحرین بود و در خلیج فارس حضور داشت، آن را «همسایه جنوبی» می‌نامیدند و حتّی تا زمان پهلویها هم، انگلیس همسایه جنوبی نامیده می‌شد! آن کشور که در اروپا واقع بود و هزاران کیلومتر با ایران فاصله داشت، اسمش «همسایه» بود! چون این همسایه ناخوانده دروغین، تمایل داشت که دو نفرِ مورد نظرش در کابینه مذکور باشند، نه مشیرالدوله خجالت می‌کشید به مجلس بگوید که «همسایه جنوبی، مایل است این دو نفر باشند» و نه مجلس خجالت کشید از این‌که به خاطر میل همسایه جنوبی، حضور دو وزیری را که نمی‌خواست، قبول کند. همان مجلسی که قبلاً در مقابل اولتیماتوم روس و قرار داد وثوق‌الدوله و بقیه قضایا ایستادگی کرده

www.ourpresident.ir

بود، کارش به این‌جا رسید!

بنده، مواردی را که مجلس اوّل و دوم ایستادگی کرد، یادداشت کرده‌ام که احتمالاً به ده یا نزدیک به ده مورد می‌رسد. آن مجلس، مجلسی بود که محکم ایستاده بود؛ ملّت را به نشاط آورده بود و دولتها را نیز تقویت کرده بود. اگر چه دولتهای آن روز، ذاتاً دولتهای ناتوان و مریضی بودند و بسیاری از آنها ساختمانِ ذهنی‌شان، اساساً ساختمانِ باج دادن به گردن کلفتهای غربی بود؛ اما بالاخره، این مجلس، همانها را تا آن‌جا که ممکن بود، حفظ می‌کرد.

بیانات در جمع «نمایندگان مجلس شورای اسلامی» ـ ۷۳/۳/۱۱

www.ourpresident.ir

۵۰ سال خسارت به دلیل کوتاهی مجلس

این مجلسی که به خاطر همان دوره‌های اوّلیه، در تاریخ سرافراز ماند، بتدریج کارش به آن‌جا رسید که بعضی از نمایندگانش، جرأت مخالفت نداشتند! بعضی در جلساتِ به خیال خودشان مسأله‌دار، حضور پیدا نکردند. مگر وقتی شما حضور پیدا نکردید، مسؤولیتتان از بین می‌رود؟! شما نماینده‌اید و باید احساس مسؤولیت داشته باشید.

بعضی از آنها افتخار می‌کردند که در آن جلسه‌ای که سلطنت ایران به خاندان فاسد و ننگین پهلوی داده شد، حضور نداشتند! در حالی که بایستی می‌بودند و مخالفت می‌کردند. بعضی وابسته و فاقد استقلال بودند. شجاعت هم داشتند؛ اما آن شجاعت را در جهت باطل و خلاف حق به کار می‌گرفتند. جیبها و شکمهایشان از مال حرام، پر بود. طمعِ رشوه، طمعِ رسیدن به مقامات، طمعِ کمکِ فلان کسی که ممکن است قدرت را در دست بگیرد یا امروز بر سر قدرت است، چنان آنها را گیج می‌کرد که نمی‌فهمیدند مسؤولیت چیست. احساس مسؤولیت نبود، استقلال نبود، شجاعت نبود،

www.ourpresident.ir

آگاهی و معرفت و فرزانگی نبود و کار به آن‌جا رسید. و الاّ اگر مشروطیت در آغاز کار، منطبق با خواسته رهبران واقعی و مخلص و مؤمن آن نهضت ـ که بلاشک برترینِ آنها علمای بزرگ بودند و هر کس منکرِ این حقیقت شود، منکرِ ضروریات و واضحات شده است، چنان که عده‌ای منکر می‌شوند و امروز برای گذشته ما تاریخ می‌نویسند و حقایق را انکار می‌کنند ـ به پیش می‌رفت، کشور ما پنجاه سال در حسّاسترین مقاطع تاریخ جهان، از قافله عقب نمی‌ماند. ما پنجاه سال ضرر کردیم. ما ملّت ایران، به خاطر تسلّطِ آن قلدر بی‌سواد و خاندان و فرزندان و کسان و همراهانش؛ یعنی تسلّط قدرتهای مسلّط بر این کشور ـ که در نیم قرن آخرِ قبل از پیروزی انقلاب، انگلیسیها و بعد هم امریکاییها بودند ـ و نیز به خاطر کوتاهی مجلس، ضرر کردیم و دچار خسران شدیم.

مجلس می‌توانست از اوّل جلو این ضرر را بگیرد. شما به تاریخ دوران مشروطیت که نگاه کنید، می‌بینید هر جا مجلس از خود قدرتی نشان داد، در مقابل آن قدرت، همه مجبور شدند راه و روش خود را اصلاح کنند. لذا، دشمن در مجلسِ آن وقت نفوذ کرد: «تلک امّة قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم»[1] اینها عبرت است.

بیانات در جمع «نمایندگان مجلس شورای اسلامی» ـ ۷۳/۳/۱۱

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۳۴.

www.ourpresident.ir

سه ویژگی امام: ایمان، عمل صالح، تزکیه

اگرچه درباره امام، گویندگان گفته‌اند، نویسندگان نوشته‌اند و سرایندگان سروده‌اند؛ لکن من امروز در ذهنم، مضمونِ دو آیه مبارکه سوره «طه» را که قرائت شد، با شخصیت امام بزرگوار، تطبیق کردم. در امام عزیز، سه خصوصیّتِ درخشان وجود داشت که همان سه خصوصیّت، در این دو آیه شریفه هم مطرح شده است. در آیه اوّل می‌فرماید: «و من یأته مؤمناً قد عمل الصّالحات»[1]. ایمان، خصوصیّت اوّل و عمل صالح، خصوصیّت دوم است. در پایان آیه دوم، خصوصیّت سومی هم در عبارتِ: «وذلک جزاءُ من تزکّی»[2] ذکر شده است که خصوصیّت تزکیه و تهذیب نفس است. قرآن کریم برای کسی که دارای این خصوصیّات است، وعده درجاتِ «عُلی» داده است: «فاولئک لهم الدّرجات العُلی».

این سه خصوصیّت در امام بزرگوار برجسته بود. ایمان آن مرد بزرگ،

---

۱. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۷۵.
۲. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۷۶.

www.ourpresident.ir

نمونه و استثنایی بود. عمل صالح او، عملی بود که بعد از صدر اسلام تا امروز، کسی آن را انجام نداده است. یعنی تشکیل نظام اسلامی، که امروز اندکی به آن خواهم پرداخت. تزکیه او هم، چنان بود که در اوج شهرت و قدرت و محبوبیت، اوج عبودیّت را برای خود انتخاب کرد و هر روز که گذشت، بر الحاح و تضرّع و توسّل او به خدای بزرگ، افزوده شد.

این سه خصوصیّت، در امام بزرگوار وجود داشت. پس، حقّ است که گفته شود: او از جمله کسانی است که «اولئک لهم الدّرجات العُلی»[1]. این علوّ مرتبه‌ای که امروز شما در سراسر جهان، برای امام بزرگوار مشاهده می‌کنید ناشی از این خصوصیّات سه‌گانه است. هرجا انصاف هست، امام در آن‌جا بزرگ است. هرجا عدالتخواهی هست، آن‌جا امام زیباترین چهره است. آن‌جا که به امام خمینیِ بزرگوارِ ما بی‌ارادتی می‌شود، عدل نیست، انصاف نیست، حق‌طلبی نیست؛ بلکه دنیا خواهی و فساد است. این سه خصوصیّت مربوط به امام بزرگوار است که امروز محور سخن ما هم، امام عظیم‌الشّأن است.

همان‌طور که گفتیم، عمل صالح یکی از این سه خصوصیّت است. عملِ صالح امام، پایه‌ریزی حکومت اسلام و نظام اسلامی بود. خوب است برادران و خواهران ارجمند توجّه کنند، تا این اهمیت و عظمتی که عملِ صالح امام از آن برخوردار است، به درستی در ذهن آنان بنشیند. امام بزرگوار ما، نظام اسلامی را تشکیل داد؛ یک نظام اسلامی که بر اساس آن یک حکومت و تشکیلات سیاسیِ اسلامی هست و پشت سر آن هم یک برنامه اسلامی قرار دارد. هر سه نقطه درخور توجّه و تعمّق است.

بیانات در مراسم «پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام»(ره) ـ ۷۳/۳/۱۴

۱. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۷۵.

www.ourpresident.ir

بزرگترین هدیه‌ی انقلاب

عزیزان من! بزرگترین هدیه‌ای که انقلاب اسلامی به این ملّت داده است، این است که شرِّ حکومتهای فاسد و وابسته را که سالیان و سالیان بر این کشور و ملّت و این مواهب الهی مسلّط شده بودند، از سراسر این ملّت واین کشور کم کرده است.

بیانات در مراسم «پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام»(ره) ـ ۷۳/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

بازجویی بخاطر نام‌بردن از اسرائیل

شما ببینید در کشورهای عربی، چه تعداد انسانهایی هستند که دلشان از قضایای مربوط به سازش با دشمن صهیونیستی خون است ولی نمی‌توانند چیزی بگویند. درست مثل دوران رژیم گذشته در این‌جا که ما نمی‌توانستیم علیه صهیونیستها مطلبی به زبان بیاوریم. دلهای ما آن روز خون بود، ولی نمی‌توانستیم چیزی بگوییم. بنده در همان سالها، یک وقت در جمع دانشجویان، به مناسبتِ تفسیر آیات مربوط به بنی اسرائیل ـ در اوایل سوره بقره ـ مطالبی گفته بودم. بعد، در یکی از بازداشتها زیر منگنه سؤال و بازجویی‌ام قرار دادند که شما اسم از اسرائیل آورده‌اید! آیات مربوط به بنی‌اسرائیل را مطرح کرده بودم؛ گفتند: چرا اسم از اسرائیل آورده‌اید؟! یعنی کسی که تفسیر قرآن هم می‌کرد، حق نداشت یک کلمه از بنی‌اسرائیل بگوید که مبادا به متّحد آن رژیم خبیث و خائن ـ که آن زمان با اسرائیل روابط گرمی داشت ـ بر بخورد! امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی، وضعیت

www.ourpresident.ir

به همان‌گونه است.

بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد علیه‌السلام و در آستانه میلاد با برکت حضرت علی علیه‌السلام ـ ۷۳/۹/۲۳

www.ourpresident.ir

تفاوت انقلاب اسلامی و دیگر انقلابها

از نکاتی که در خصوص آن کمتر بحث شده،این است که انقلاب عظیم ما از لحاظ کیفیت پیروزی، انقلابی استثنایی بود. یعنی واقعاً انقلابی با این ابعادِ عظیمِ مردمی که به وسیله حضور مردم در خیابانها و در فضای شهرها و روستاها پدید آید و در آن، با حضور همه مردم، علیه رژیم حاکم مبارزه شود، تا آن زمان لااقل در انقلابهای دوره خود ما سابقه نداشت. همه انقلابهایی که تا آن روز در اطراف و اکناف دنیا اتّفاق افتاده بود ـ از جمله انقلابهای چپ و مارکسیستی امریکای لاتین و افریقا و آسیا و جاهای دیگر ـ از نوع و شکل دیگری بود.

تفاوت انقلاب ما با انقلابهای دیگر این بود که به وسیله یک گروه ویژه پارتیزانی به پیروزی نرسید. البته احزابی در ایران بودند که به اقدامات پارتیزانی و چریکی دست می‌زدند، اما اینها در حدود سالهای ۵۴ و ۵۵ به کلّی فلج شده بودند. این موضوع را می‌توانید از کسانی که آن روز در میدان حضور داشتند، بپرسید. ما این اوضاع را به چشم خود دیدیم. اما جوانانی

www.ourpresident.ir

که امروز از اوضاع آن زمان، مباشرتاً مطّلع نیستند، از کسانی که در جریان وقایع بودند، بپرسند.

از سالهای ۵۴ و ۵۵ تا سال ۵۶، گروهها و گروهکهایی که در ایرانِ آن روز، اقدام مسلّحانه می‌کردند ـ چه آنهایی که تفکّرات مارکسیستی داشتند و چه آنهایی که تفکّراتشان التقاطی بود ـ تقریباً از میدان خارج شده بودند و کارشان منحصر به این شده بود که مثلاً در گوشه‌ای از کشور بمبی بگذارند و جایی منفجر شود، یا این‌که کسی را ترور کنند. همه اقداماتی که گروهها و گروهکها در ایرانِ آن روز می‌کردند، در مقایسه با آنچه که امروز مثلاً در کشوری از کشورهای عربی صورت می‌گیرد ـ از کشوری اسم نمی‌آورم تا بعضی کسان دچار محذور نشوند ـ و اخبارش را می‌شنوید که مسلمانان در فلان کشور عربی با پلیس درگیرند و کارهایی می‌کنند، به اندازه یک دهم هم نبود! حال ببینید اینها چقدر به پیروزی نزدیکند؛ آن وقت بفهمید آنها چقدر ممکن بود پیروز شوند! اصلاً تصوّرِ این‌که یک روز مبارزه چریکی و پارتیزانی بتواند در ایران به پیروزی برسد، تصوّری محال بود و امکانش وجود نداشت؛ همان‌طور که تصوّر کودتا نیز تصوّری ناممکن به نظر می‌رسید.

در دوران معاصر، بعضی از انقلابها، یا به اصطلاح انقلابها، با یک کودتا شروع می‌شود. اما در ایرانِ آن روز، ارتش در چارچوبی به کلّی محدود، به وسیله امریکاییها گرفتار شده بود و عدّه ارتشیهایِ ناراضی از نظام ستمشاهیِ پلید، بخصوص در قشرهای جوان و طبقات پایین‌تر، بسیار بود. بسیاری از ارتشیها ناراضی بودند؛ اما کسی جرأت نداشت فکرِ مقابله با آن نظام را در سر بپروراند. به عنوان مثال و در مقام مقایسه، این طور می‌توان گفت که آنها وضعیت و شرایط نیروی مسلّح در عراق امروزی را داشتند که به کلّی در پنجه قدرتِ حاکم گرفتار است.

البته گرفتاری آنها، بیشتر از اینهایی که امروز در عراق گرفتارند بود.

www.ourpresident.ir

زیرا ارتشیهای ایران فقط از طرف یک قدرت بالا دست مراقبت نمی‌شدند، بلکه در میان آنها عناصر امریکایی هم حضور داشتند. در اغلب پادگانها ـ بخصوص پادگانهای حسّاس ـ چند هزار نفر امریکایی حضور داشتند که این حضور، در بعضی از نیروها، پررنگتر بود. بنابراین، آن روز در ایران تصوّر و امکانِ کودتای نظامی وجود نداشت. احزاب سیاسیِ وقت هم، در عین ناتوانی به سر می‌بردند. همین احزاب ملی که امروز در دوران جمهوری اسلامی با استفاده از آزادی و بزرگواری نظام، دائم علیه حکومت حرف می‌زنند، مصاحبه می‌کنند، شبنامه می‌دهند و جمهوری اسلامی را متّهم به ایجاد اختناق می‌کنند، آن روز هم بودند؛ اما توان انجام هیچ اقدامی را در راه آزادی ایران نداشتند. مضاف بر این عدّه‌ای از آنها با رجال دربار پهلوی رفاقت نزدیک داشتند و با همدیگر به عیش و نوش می‌پرداختند. به تعبیری دیگر، سرهایشان در یک آخور بود! یک عدّه دیگرشان که بعضاً مهندس و متخصّص شده بودند، در دستگاههای دربار پهلوی مشغول کسب و کار بودند. یعنی از آنها پولی می‌گرفتند، نانی به دست می‌آوردند و به غفلت نمی‌خوردند، که مبادا غفلت کنند و این تصوّر به سراغشان بیاید که می‌شود با آن نظام دعوا کرد!

اینها آن زمان را با چنین شرایطی گذراندند، تا این‌که جمهوری اسلامی به وجود آمد؛ به فضل الهی فضای باز ایجاد شد، مردم سیاسی شدند و آن گاه اینها هم زبان درآوردند! مردم ایران به این احزاب سیاسی هیچ‌گونه اعتمادی ندارند. چون اعتماد ندارند، قاعدتاً به آنها رو نمی‌کنند. آن وقت آنها هم دقّ‌دلی‌شان را سرِ جمهوری اسلامی در می‌آورند! اگر مردم به احزاب سیاسی اعتنا و اعتماد نمی‌کنند، تقصیر کسی نیست. مگر کسی جلو مردم را گرفته است؟!

بهترین احزاب سیاسی در آن روز، حزبهایی بودند که در میان آنها یکی

www.ourpresident.ir

دو، سه نفر آدم برخوردار از مقداری شجاعت وجود داشت که مثلاً در ارتباط با قضیه‌ای، اعلامیه می‌دادند و آن اعلامیه هم نه در سطح مردم که در میان طرفدارانشان پخش می‌شد. فرضاً هزار نسخه از یک اعلامیه که در آن به موضوعی اعتراض کرده بودند، پخش می‌شد. بعد هم آنها را دستگیر و محبوس می‌کردند. مدّتی که در زندان به سر می‌بردند، یا مصاحبه می‌کردند و آن مصاحبه باعث رهایی‌شان می‌شد و یا این‌که دوران حبس را می‌گذراندند و رهایشان می‌کردند.

بهترینهایشان، اینها بودند. کار و حرف آنها، مطلقاً موجی در بین ملّت ایجاد نمی‌کرد. ملّت ایران، ملّتی دینی، مذهبی و معتقد به روحانیت و علما بود و همین خصوصیت، نقطه انفجار عظیم مردمی علیه رژیم ستمشاهی شد. یک مرجع تقلیدِ متّفقٌ علیه نزد همه؛ یک روحانی موجّهِ عظیم‌الشأن که هر کس او را می‌شناخت به خوبی می‌شناخت و حتّی دشمنانش اعتراف می‌کردند که «انسان خوبی است»؛ یک انسان پرهیزکارِ متّقی که تنها عیب او از دیدگاه دشمنانش این بود که می‌گفتند مثلاً فلان جا به ما محل نگذاشته، یا معتقد به فلان عقیده فلسفی است؛ یک انسان با علم و با تقوای در سطح بالا، با امداد الهی قدم به میدانِ مبارزه گذاشت. او در طول پانزده سال، یک عدّه شاگرد، یک عدّه همکار و یک عدّه علمای در سطح مراجعِ دیگر را با خود همراه کرد. مردم هم وقتی حضور علمای مورد اعتماد را دیدند، ابتدا کم کم، بعد گروه گروه و آخر سر یکپارچه به میدان آمدند.

در سال ۵۶ عدّه‌ای از ما را به شهرهای مختلف کشور تبعید کردند که این تبعید، در اوایل یا اواسط پاییز ۵۷ به پایان رسید. بنده وقتی از تبعید به مشهد برگشتم، آنچه که در این شهر مقدّس دیدم، برایم غیر قابل باور بود. با این‌که ما در تبعید خبرها را می‌شنیدیم، اما واقعیتی که با آن مواجه شدیم، واقعیت عظیمی بود. در مشهد، مردم شب و روز راهپیمایی می‌کردند و آن

نشر انقلاب اسلامی

راهپیماییها برایشان به صورت عادت درآمده بود. نه تنها مشهد، که همه جای کشور این گونه بود.

تهران در این زمینه نقش محوری داشت؛ بعد شهرهای بزرگ؛ سپس شهرهای کوچک و نهایتاً روستاها به جنبش در آمدند و مردم در همه جا به راهپیمایی پرداختند. کیفیّت راهپیماییها هم این گونه بود که مثلاً در مراسمی، از طرف مرکزی اعلام می‌شد به فلان مناسبت، فلان روز راهپیمایی است. یا از طرف امام، که آن زمان در پاریس بودند، و یا از طرف مسؤولین سطح بالایِ روحانی در تهران و شهرهای دیگر، چنین اعلانی می‌شد. آن گاه مردم مثل سیل به خیابانها می‌ریختند.

بتدریج دستگاههای وابسته به دولت، اداریها، نظامیها و حتی مسؤولینِ وقت هم به مردم پیوستند. بدین‌ترتیب، نشانه‌های تلاشیِ رژیم پادشاهی آشکار شد و نهایتاً رژیم از هم پاشید. روزی که محمّدرضا از ایران فرار کرد، در واقع رژیم پادشاهی از بین رفته بود. او دید ماندنش دیگر فایده‌ای ندارد. لذا مجسّمه‌ای از فرد بیچاره بدبختِ[1] بدنامی که بدنامتر هم شد، درست کردند تا چند روزی رژیم در آستانه انحلالِ کامل را نگه دارند. او سی، چهل روز بر سرِ کار ماند، تا این‌که امام آمد و با یک اشاره دستِ ایشان، همه چیز روی هم ریخت.

نظام پادشاهی در ایران پوک شده بود. به خاطرِ چه؟ به خاطرِ حضور مردم. مردم به چه خاطر به میدان آمدند؟ به خاطر دین. چون شعار، شعارِ اسلامی بود؛ چون پیشوایان، پیشوایانِ اسلامی و روحانیونِ مورد اعتمادِ مردم بودند.

در بین مردم، کسان زیادی بودند که به روحانیون کمک می‌کردند و به آنها مشورت می‌دادند. حتّی در بعضی از شهرها، روحانیون را راهنمایی می‌کردند.

۱. مقصود «شاپور بختیار» آخرین نخست‌وزیر رژیم ستمشاهی است.

www.ourpresident.ir

اما عامه مردم و توده‌های میلیونی در سرتاسر کشور، چون می‌دیدند در رأسِ علمای بزرگ و روحانیون موجّه، امام بزرگوار قرار دارند، که هم مرجع تقلید و هم روحانی‌ای در سطح عالی دینی‌اند، به صحنه می‌آمدند. این انقلاب استثنایی، این گونه پدید آمد و به پیروزی رسید. به تعبیری دیگر، انقلاب ما به برکت حضور مردم شکل گرفت؛ مردمی که حضورشان در صحنه، ناشی از اعتقادات دینی بود.

در آن روزگار، همه سیاسیّون ـ حتی گروههای پارتیزانی چپ؛ کمونیستها و التقاطیها که از زندانها یا بیرون زندانها با ما دوست و مرتبط بودند وبا هم رفت و آمد داشتیم و ما با آنها جلسه می‌گذاشتیم ـ یک صدا اعتراف می‌کردند وضعیتی که در ایران پیش آمده است، جز به پیشوایی کسی مثل امام و جز با شعارهای دینی، ممکن نبود پیش آید.

یکی از مطالبی که در باب انقلاب می‌توان گفت، این است. این، حقیقتی است که جلو چشم همه بود. هر کس هم اهل تحلیل باشد، غیر از این نمی‌تواند بگوید؛ چنان که در روزهای اوّل، احدی جز این نمی‌گفت. فقط یک عدّه گروهکیهای پُر رویِ گستاخ که چهار، پنج سال در زندان بودند و به برکت انقلاب و حضور مردم از زندانها نجات پیدا کردند، به محض خلاص شدن، پرچمهای خود را جلو مردم برافراشتند. مردم هم پرچمهای آنان را گرفتند، پاره کردند و به دور افکندند. گروهکها، از همان وقت با مردم بد شدند؛ از مردم روی گردان شدند؛ با مردم دشمنِ خونی شدند و در خانه‌های مردم، در مغازه‌های مردم و در میدانهای تهران و شهرهای دیگر، شروع به بمب گذاری کردند. جز اینها، یک عدّه آدمهای لجوجِ لجبازِ حق‌ناپذیر، حاضر نبودند حق را قبول کنند. و الّا هر کس که نگاه می‌کرد، حقایق را می‌دید.

البته این نکته را هم در کنار این مطلب بگوییم که عوامل بسیاری به

www.ourpresident.ir

پیروزی انقلاب کمک کرد. هر کس کلمه‌ای در باب انقلاب گفته بود، به قدر همان یک کلمه به پیروزی انقلاب کمک کرده بود. در این هیچ تردیدی نیست. اما کمک کردن به انقلاب به قدر یک کلمه، به قدر صد کلمه و به قدر یک کتاب، یک مطلب است و موج انقلاب راه انداختن، مطلب دیگری است. اصلاً با هم قابل مقایسه نیست. البته این طور هم نیست که کسانی، به صرف گفتن کلمه‌ای در تأیید یا راجع به انقلاب، که فرضاً زمانی در جایی عنوان شده است، بگویند «پس ما هم جزو ـ مثلاً ـ برانگیزانندگان و رهبران این انقلابیم!» مثل آن مردی که ران ملخی در دیگ آش صد نفره انداخت و گفت: «حاجی؛ انا شریک!»

مسلّماً همه آحاد مردم ـ مردمی که جان خودشان را در مقابل دشمن قرار دادند ـ صاحب این انقلابند. دیگر از این بالاتر چیست؟ گیرم که بنده هزار جلسه راجع به انقلاب صحبت کردم. مگر این صحبت به قدر جان یک انسان ارزش دارد؟! بدیهی است کسانی که در راه پیروزی انقلاب جانشان را تقدیم کردند، از ما جلو افتادند. اگر ما واقعاً بخواهیم منصفانه در این باره حرف بزنیم، باید چنین حرفی بزنیم. علی‌ایّ‌حال، حضور مردمی، حقیقتی در باب انقلاب است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه سوم رمضان ۱۴۱۵ ـ ۷۳/۱۱/۱۴

www.ourpresident.ir

قطع دست بیگانگان متجاوز به سرمایه‌های ملّی

و اما مطلب دیگری که دنبال این مطلب می‌آید، در خصوص کارکردِ انقلاب است. انقلاب با نیرو و اراده مردم و با رهبران یا رهبری که صد در صد متّکی به عواطف مردم است و مردم، عاشقانه دوستش می‌دارند، پیروز شده است. اکنون این انقلاب می‌خواهد چه کار کند؟ جواب این است: اوّل کاری که چنین انقلابی می‌کند، قطع امتیازهای ظالمانه‌ای است که بیگانگان در طول زمان در این کشور به دست آورده بودند. چنین امری، طبیعی است دیگر! هر فرد وطندوستی از این‌که ببیند فرضاً دولت انگلیس آمده است و نفت ایران را به غارت می‌برد، ناراضی است و احساس ناراحتی می‌کند. این امری معلوم و آشکار است.

در زمانهای گذشته، بسیاری از رجال دولتی و نمایندگان مجلس شورای ملی در دو، سه دوره اوّل که واقعاً نماینده بودند و به وسیله مردم انتخاب می‌شدند ـ و این، قبل از زمانی بود که رضاشاه، دست روی مجلس گذاشت ـ با دادن امتیازات به بیگانگان، مخالف بودند. شخصیتهای وطندوست و ملّیِ

www.ourpresident.ir

واقعی، حاضر نبودند امتیازات بدهند. اما در عین حال، جرأت مخالفت هم نداشتند. چرا جرأت نداشتند؟ چون مردم پشت سرشان نبودند و در واقع وجهه مردمی نداشتند. تا یک نخست‌وزیر می‌آمد کلمه‌ای بگوید که بوی اصطکاک با منافع خارجیها را داشته باشد، از کار برکنارش می‌کردند. تا یک رجل دولتی می‌آمد قیافه‌ای بگیرد و حرفی بزند که بوی اعتراض به امتیازات خارجی بدهد، فوراً از قدرت ساقطش می‌کردند و به دنبال کارش می‌رفت! اگر کسی هم مثل مرحوم مدرّس رضوان‌الله‌علیه، سرسخت بود، کتکش می‌زدند، محبوسش می‌کردند، تبعیدش می‌کردند و بعد هم به دست قلدری مثل رضاخان، با دهان روزه، در ماه رمضان، شهیدش می‌کردند. رجالی که جرأت و ایمان مدرّس را نداشتند، تا یک کلمه حرف می‌زدند، با چشم غرّه‌ای از طرف اربابان خارجی مواجه می‌شدند و فوراً سکوت می‌کردند. لذا امتیازات خارجیها در ایران، روزبه‌روز بیشتر شد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه سوم رمضان ۱۴۱۵ ـ ۷۳/۱۱/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

نقشه استعمارگران برای غارت نفت

آقایان و خانمها؛ برادران و خواهران عزیز در سرتاسر کشور! در این مملکت، منبعِ ثروتی به نام «نفت» کشف شد. کشفِ نفت به منزله این بود که ملّتی گنجی پیدا کند. تا این گنج در این مملکت کشف و پیدا شد، یک عدّه از خارجیها و عمدتاً انگلیسیها ـ که گناه این کار به گردن انگلیسیهاست ـ به ایران آمدند، بر سر این گنج نشستند، سالهای متمادی این گنج را استخراج کردند و خوردند؛ بی آن‌که به روی مبارکشان بیاورند که این غصبِ مالِ ملّت ایران است! آیا این غصه ندارد؟! واقعاً مسأله نفت، یکی از مسائل فوق‌العاده تلخِ ملّتِ ایران است که هنوز درست باز نشده است.

انگلیسیها در زمان قاجاریه به ایران آمدند و با رجال خائن آن روز، برای بردن نفت مملکت قراردادی شصت ساله بستند! (ظاهراً قرارداد دارسیِ[1] اوّل، یک قرارداد شصت ساله بود.) قرارداد شصت ساله بسته شد تا انگلیس بیاید

۱. ویلیام ناکس دارسی (۱۹۱۷م ـ ۱۸۴۹م) شخصیت استرالیاییِ متولد انگلستان که در سال ۱۹۰۱ میلادی امتیاز نفت ایران را از دولت قاجاریه گرفت.

www.ourpresident.ir

و نفتی را که آن روز مثل آب خوردن به آن نیاز داشت، ببرد. واقعاً برای انگلیس، نفت ارزشمندترین کالا محسوب می‌شد؛ چون به کارهای استعماری مشغول بود و سرزمینها را می‌گرفت؛ لذا و به پول احتیاج داشت. پول هم با فعالیت کارخانه‌ها به دست می‌آمد و کارخانه‌ها نیز با نفت می‌گشت. انگلیس به ایران آمد و نفت گرانقیمت و ارزشمندِ این مملکت را به قیمتی ارزانتر از آب برمی‌داشت و می‌برد! اگر می‌خواستند به جای نفت در بشکه‌ها آب بریزند و ببرند، شاید برایشان گرانتر تمام می‌شد!

مدّت زمانی از انعقاد قرار داد شصت ساله نگذشته بود که رضاخان را بر سرِ کار آوردند. اواخر حکومت ضعیف قاجاریه بود و انگلیسیها کسی را می‌خواستند تا به قلع و قمع گردنکشانی که در گوشه و کنار ایران سربلند کرده بودند بپردازد. آنها برای این‌که کسی منافعشان را تهدید نکند، به قلدرِ گردن کلفتی که ضمناً سرسپرده خودشان باشد، احتیاج داشتند.

باری؛ رضاخان را پیدا کردند؛ به تربیت او پرداختند و به آن‌جا که باید برسد، رساندندش. اوّل، سردار سپه و نخست‌وزیر بود و بعد هم پادشاه و رئیس کشور ایران شد! چند سالی از به قدرت رسیدن رضاخان توسّط انگلیسیها نگذشته بود که او به فکر افتاد اگر بشود، پول بیشتری بابت نفت از آنها بگیرد. البته سرسپردگی او به جای خود محفوظ بود؛ اما بالاخره هر نوکری، گاهی به این فکر می‌افتد که مقدار بیشتری پول از ارباب خود اخّاذی کند! مزاج قلدرمآبانه او به کمکش آمد تا با قرارداد دارسی که هنوز سی سال دیگر مانده بود تا به سر آید، برخوردِ قلدرانه کند. یعنی وارد هیأت دولت شد و قرارداد دارسی را در بخاری انداخت و سوزاند! وقتی به او گفتند «از مدّت قرارداد، سی سال دیگر باقی مانده است» گفت: «این چه قراردادی است! باید بابت نفت، پول بیشتری به ما بدهند.» آن وقت، طرفش کیست؟یک کمپانی انگلیسی! به مجرّد این‌که رضاخان با قرارداد دارسی چنین برخوردی کرد،

www.ourpresident.ir

حکومت انگلیس وارد میدان شد و های و هوی و سر و صدا به راه انداخت. نهایتاً انگلیسیها دماغ رضاخان را به خاک مالیدند و کاری کردند که همین قرار داد را که فقط سی سال دیگر از اعتبارش مانده بود، به مدّتِ شصت سال دیگر تمدید کرد! یعنی با انگلیسیها قرارداد دیگری بست.

این، کاری بود که انگلیسیها از زمان قاجاریه تا پایان حکومت رضاخان در ارتباط با نفتِ ایران کردند. بعد هم زمان مصدّق رسید و زمزمه «ملی شدن صنعت نفت» آغاز شد. انگلیسیها دوباره آمدند. اما این دفعه دیگر تنها نبودند؛ بلکه امریکاییها را نیز به همراه داشتند. در واقع، امریکاییها از سال ۱۳۳۲ وارد این میدان شدند.

من عرض می‌کنم: اگر ملّت ایران، بغض و نفرت از دولت انگلیس را از دل خود پاک نکرده باشد و پاک نکند، حق دارد و به نظر هر عاقلی هم، حق با ملّت ایران است. کاری که انگلیسیها با مردم ایران کردند و بلایی که بر سرِ این ملّت آوردند، هیچ‌وقت از یادها نخواهد رفت. اینان که امروز در گوشه‌ای از دنیا نشسته‌اند و علیه ملّت و دولت ایران حرفهای مغرضانه و بی‌محتوا می‌زنند، یادشان رفته است که این دولت ظالم با ملّت ایران چه کرد!

البته خدای متعال سرشان را به سنگ کوبید و آن قدرت کذا را از آنها گرفت. امروز انگلیسیها، در دنیا نه آبرویی دارند و نه از قدرت چندانی برخوردارند.به مجرّد این‌که امریکاییها احساس کردند در ایران میدانی باز وجود دارد و انگلیسیها به تنهایی قادر به جولان در این میدان نیستند، آنها هم حضور پیدا کردند.

از سال ۱۳۳۲ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، انگلیس و امریکا بر سرِ چاههای نفت، و در واقع گنج نفت ایران نشستند و تا آن‌جا که توانستند، برداشتند و بردند. ملّت ایران چگونه دلش با اینها صاف شود؟! رژیم پهلوی،

www.ourpresident.ir

سر سپرده انگلیس و امریکا بود و محمّدرضا، واقعاً مثل یک مأمورِ امریکا در ایران عمل می‌کرد. یک عامل امریکا در رأس یک رژیم وابسته، وظیفه‌ای نداشت جز این‌که وقتی بگویند فلان نخست‌وزیر را بگذار و فلان نخست‌وزیر را بردار، اطاعت کند. آنها هر کاری می‌خواستند، می‌کردند. اگر هم یک وقت خودِ او می‌خواست نخست‌وزیری را برکنار کند و امریکاییها راضی نبودند، به امریکا می‌رفت و این و آن را می‌دید، تا اجازه دهند فلان نخست‌وزیر را بردارد یا بگذارد! وضعیت این گونه بود. سفرای امریکا و انگلیس در تهران، تعیین کننده خطوط اساسی این مملکت بودند.

حال می‌فهمید که چرا امریکاییها عصبانی‌اند؟ حال می‌فهمید که وقتی دولتمردان امروز امریکا ـ بخصوص آن وزیر خارجه زشت و نفرت‌انگیزشان ـ دور دنیا راه می‌افتند و این‌جا و آن‌جا می‌گویند «ما می‌خواهیم دولت ایران را زیر فشار بگذاریم تا سیاستهای خود را عوض کند»، این سیاستها چیست که می‌خواهند عوض شود؟

اینها کسانی بودند که روزگاری، شاه ایران ـ آن روسیاه نگونبختی که به اسمِ «شاه» در ایران بود ـ از سفر ایشان؛ یعنی سفیر انگلیس و سفیر امریکا در تهران، حرف‌شنوی داشت و هر چه آنها در مسائل اساسی این کشور می‌گفتند، انجام می‌داد. اما امروز با نظام و دولتی در ایران مواجهند که از صد عامل در مسائل اساسی کشورش، یک مورد هم منطبق با خواست امریکا نیست. با نظامی مواجهند که در بدو استقرار، اوّلین کارش قطع کردن امتیازات اینها بود. در واقع انقلاب اسلامی، اوّل کاری که کرد این بود که به قطع امتیازات انگلیس و امریکا در ایران پرداخت. این هم حقیقتی دیگر راجع به این انقلاب.

توجّه کنید! مطلب دوم را که گفتیم، این شد که این انقلاب، چون متّکی

www.ourpresident.ir

به مردم بود، نظامی را بر سرِ کار آورد که مردمی بود؛ و چون رهبر این انقلاب، محبوبیت مردمی داشت و مردم پشت سر وی حرکت می‌کردند، برای قطع کردن امتیازات خارجی، منتظرِ گذشتِ زمان نشد و بلافاصله امتیازات قطع گردید.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه سوم رمضان ۱۴۱۵ ـ ۷۳/۱۱/۱۴

www.ourpresident.ir

فراگیری موج انقلاب در ارتش

وقتی که موج انقلاب همه‌جا را فرا گرفت، طبیعی است که دلِ عناصر ارتش هم مثل دلهای بقیه مردم تپید. در ارتش هم، مثل بقیه قشرها، افراد دوگونه بودند. بعضی با ایمانتر، علاقه‌مندتر و پا به‌رکابتر بودند و بعضی کندتر و عقبتر. بعضی در صفوف جلو، از نهضت و انقلابْ اعلام پشتیبانی کردند؛ در خیابانها راه افتادند و به صورت علنی یا مخفی، موضعگیری کردند. کسانی که در لباس ارتشی به انقلاب ایمان نیاوردند، کسانی بودند که از بُنِ دندان سرسپرده نظام طاغوتیِ پهلوی بودند؛ مال آنها و متعلّق به آنها بودند. چنین کسانی معلوم بود که به اسلام و آرمانهای الهی و ملی هرگز سر تسلیم فرود نمی‌آوردند!

بیانات در دیدار اعضای ارتش جمهوری اسلامی ایران ـ ۷۴/۱/۳۰

www.ourpresident.ir
نشر انقلاب اسلامی

پیشروی انقلاب در دو جبهه داخلی و خارجی

انقلاب بزرگ اسلامی که امام بزرگوار آن را هدایت کرد، به ثمر رساند و نتیجه مهمّ جمهوری اسلامی را بر آن مترتب کرد، دارای دو وجهه است: یک وجهه، وجهه داخلی و ایرانی و وجهه دیگر، وجهه جهانی، بین‌المللی، اسلامی و انسانی است. هر دو وجهه انقلاب، حائز اهمیّت است. در هر دو وجهه، ما به برکت استعداد ذاتی خود، رهبری آن بزرگوار و مجاهدت و پایمردی شما ملّت عزیز، پیشرفتهای زیادی داشته‌ایم. من امروز در مقابل مرقد آن رهبر بی‌نظیرِ دورانِ ما، به مناسبت سالگرد رحلت امام بزرگوار، می‌خواهم اعلام کنم که انقلاب، در هر دو وجهه، باز هم به پیش می‌رود و جهتگیری انقلاب در هر دو جهت، به قوّت خود باقی است.

وجهه اوّل، مربوط به کشور و ملّت ایران است. هدف انقلاب در درجه اوّل این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد. وابستگی برای یک کشور و ملّت، آفت بزرگی است و همه آفتهای دیگر، بر آن مترتّب می‌شود. ملّتی که به یک قدرت خارج از خود

www.ourpresident.ir

وابسته است، خیرات، استعدادها و منابع عظیم انسانی و مادّی‌اش در جهت خواست آن قدرت خارجی مصرف می‌شود، نه در راه خیر ملّت. شخصیتها و افرادِ دلسوز و علاقه‌مندِ این ملّتها، یا منزوی می‌شوند، یا به وسیله نظام و رژیم وابسته، نابود می‌گردند. منابعِ نفت، گاز و معادن زیرزمینی دیگرش اگر استخراج شود، به صلاح و خیرِ قدرتی که به آن وابسته است، مصرف می‌شود. دوستی، دشمنی و موضعگیری جهانی‌اش، به تبع میل و خواست قدرتی است که به آن وابسته است. مذهب، اخلاق، فرهنگ و آدابش، آن‌طوری است که آن قدرت خارجی می‌خواهد، انتخاب می‌کند و تشخیص می‌دهد. میل خودش و ایمان، اراده، خواست و نظر مردمش، مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد. لذا، در یک نظام وابسته، مردم و مغزهای متفکّر، هیچ‌کاره می‌شوند. اداره حقیقی کشورِ وابسته، نه به دست دولتِ خودش، بلکه در واقع به دست دولتی است که به آن وابسته شده است.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر ـ ۷۴/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

نمونه‌هایی از وابستگی ذلّت‌بار رژیم پهلوی

برای یک ملّت، بدبختی‌ای از این بالاتر نیست. مادرِ همه آفتهای ملی، وابستگی است. برادران و خواهران عزیز! کشور ایران، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یک کشور وابسته بود. این وابستگی، بخصوص در پنجاه‌وچند سالی که نظام منحوس و فاسد پهلوی بر سرِ کار بود، به اوج خود رسیده بود.

من دو، سه نمونه واضح و محسوس را عرض می‌کنم تا معلوم شود که وجهه درونی و ایرانی انقلاب، چه عظمتی برای این ملّت به وجود آورده و چه کار بزرگی انجام داده است: انگلیسیها رضاخان را در ایران بر سرِ کار آوردند و به حکومت رساندند. این، حرفی نیست که مخالفین رضاخان بگویند. خودِ وابستگان به آن رژیم و همه مورّخین بی‌طرف و بی‌نظر هم، به همین مطلبْ تصریح و اعتراف کرده‌اند. خود انگلیسیها هم رضاخان را بردند؛ چون در اثنای سلطنت او احساس کردند که رژیم پهلوی به قدرت آلمان، که آن‌وقتها، در اثنای جنگ بین‌الملل دوم، پیشرفتهای مختصری به دست آورده بود، گرایشی پیدا کرده است. همچنین، به‌خاطر این‌که اخلاق

www.ourpresident.ir

رضاخانی با اخلاق هیتلری به هم شبیه بود؛ به طوری‌که رضاخانْ به هیتلر علاقه‌مند و دلبسته شده بود. انگلیسیها این را احساس کردند. طاقت نیاوردند و رضاخان را برداشتند. انگلیسیها، بعد، محمّدرضا را به حکومت رساندند. این، مطلبی است که خود آنها هم به آن اعتراف کرده‌اند و جزو مسلّمات و واضحات است.

من نقلی را از یکی از وابستگان به رژیم محمّدرضا عرض می‌کنم؛ شما ببینید این وابستگی در چه حدِّ پست‌کننده و ذلت‌آوری بوده است! در اوایل رفتن رضاخان که هنوز تکلیف سلطنت در ایران درست معلوم نشده بود، سفیر انگلیس در تهران به کسی که از طرف محمّدرضا به او مراجعه کرده بود که تکلیف خودش را بداند، می‌گوید که چون بر طبق اطّلاعات ما، محمّدرضا به رادیو برلین گوش می‌کند و پیشرفتهای آلمان را روی نقشه پی می‌گیرد، پس مورد اعتماد ما نیست. آن شخص، خبر را به محمّدرضا می‌دهد. او هم گوش کردن به رادیو برلین را ترک می‌کند و کنار می‌گذارد! آن‌وقت سفیر انگلیس می‌گوید: «حالا دیگر عیبی ندارد؛ می‌شود او را به سلطنت انتخاب کرد.» رژیم و دولتی که در رأس آن کسی قرار دارد که تا این حد به یک سفارت بیگانه وابسته است که آنها برای سلطنت او شرطهای حقیر و ذلّت‌آوری از این قبیل معیّن می‌کنند و او هم آن شرطها را می‌پذیرد و عمل می‌کند تا آنها او را به سلطنت برسانند، معلوم است که چقدر به بیرون از این مرزها و به قدرتهای خارجی وابسته است.

در اواخر حیات رژیم منحوس پهلوی هم، خاطرات و گفته‌های خودِ آن کسانی که جزو دوستان اینها بودند، همین را مشخّص می‌کند. در سال پنجاه هفت، سفیر امریکا و حتّی انگلیس ـ در آن‌وقت که دولت انگلیس دیگر قدرتی جهانی هم به حساب نمی‌آمد ـ در تعیین وضع محمّدرضا، سرنوشت او و تصمیمی که بایستی می‌گرفت، مؤثّر بودند. به او مراجعه می‌کردند و

www.ourpresident.ir

می‌گفتند: باید این کار را بکنی، باید این حرکت را انجام ندهی. به او نظر می‌دادند و او هم از آنها می‌پذیرفت. در طول این پنجاه سال هم، همیشه همین‌طور بود. قرارداد نفت را به مدّت شصت سال، با رضاخان تمدید کردند. دولتهایی را به اسم، معیّن کردند، که فلانی باید در رأس حکومت و دولت باشد. ببینید در طول این پنجاه سال، چقدر به این ملّت بزرگ بی‌اعتنایی و اهانت شده است!

انقلاب، رژیمی با این میزان وابستگی را از بیخ و بن برکند و نابود کرد. اوّلین چیزی که برای انقلاب اهمیّت دارد، این است که نظام و دولتمردانی بر کشور حکومت کنند که چشم به قدرتهای خارج از این کشور ندوخته باشند. این، وجهه اول انقلاب است. مصالح ملی، برای نظامی که روی پای خود قرار دارد، مستقلّ است، وابسته نیست و به قدرتهای دیگر اعتنایی ندارد، مهمّ است. وقتی چنین نظامی بر سرِ کار است و دولتمردان و فرمانروایان کشورْ چنین آدمهایی هستند، بدیهی است که در همه تصمیم‌گیریها، اقدامها و موضعگیریها، آنچه که مورد نظر قرار می‌گیرد، عبارت از صلاح، صرفه و خواست ملّت است. آنچه که برای این کشور و ملّت لازم است، چیزی است که امروز دشمنان و مخالفین انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، از آن ناراحت و نگرانند.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر ـ ۷۴/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

رهایی ایران از سلطه‌ی بیگانگان

ملّت عزیز ایران! مسأله تمایل قدرتها به وابستگی کشورها، مسأله تاریخ نیست؛ متعلّق به همین امروز و همین حالاست. همین روزها قدرتهای بزرگ جهانی، همه همّتشان را برای گسترش نفوذ و وابستگی کشورها به خودشان، مصروف می‌کنند. امروز میزان دوستی و دشمنی کشورها برای قدرتهای بزرگ، این است. امروز که ابرقدرت امریکا در دنیا داعیه تسلّط بر جهان را دارد، مسأله این است. رئیس جمهور امریکا، در همین چند روز قبلْ یک سخنرانی کرده است که در آن در پاسخ به کسانی از خود امریکاییها که معتقدند «رژیم امریکا، زیادی در امور و مسائل کشورهای دیگر دخالت می‌کند» صریحاً گفته است: « ما برای منافع امریکا، در امور داخلی کشورها دخالت می‌کنیم!»

آنچه برای آنها حائز اهمیّت است، مصلحت کشور خودشان است و برای تأمین مصالح آن کشور، در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت می‌کنند و خودشان را ذی‌حق می‌دانند. کشوری مثل ایران اسلامی و نظامی مثل

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی که در مقابل این خواست غیرمشروع می‌ایستد، از نظر آنها، دشمن به حساب می‌آید. حرف و استدلال آنها هم این است که می‌گویند: «با منافع امریکا مخالفند.» در اظهارات جهانی، این را تکرار می‌کنند که «دولت جمهوری اسلامی ایران، با منافع امریکا مخالفت می‌کند.» شما اگر منافع خودتان را در داخلِ کشور امریکا محصور کنید، ما با شما چه‌کار داریم؟! اگر شما به امور ایران و کشورهای دیگر دست اندازی نکنید، ما با شما کاری نداریم! اما شما افزون‌طلب هستید. شما همان کاری را می‌کنید که دولتهای اروپایی قرن نوزدهم در اکناف عالم کردند؛ یعنی استعمار. در قرن نوزدهمْ دولتهای اروپایی، بساط استعمار را در اطراف عالم به راه انداختند. هرجا را که توانستند استعمار کردند و اختیار کشورهای کوچک را در دست گرفتند. بعضی کشورها، با حکومت مستقیم خودشان استعمار شدند ـ مثل هندوستان ـ و بعضی با دخالتهای نامشروع، با عَلَم کردن دولتهایِ ملیِ علی‌الظّاهر بومی، ولی وابسته به دولت انگلیس.

بعد از آن که در اواسط قرن بیستم، دولتهای اروپایی به سبب دو جنگ بین‌المللی ـ که هر دو در اروپا به وجود آمده بود ـ ضعیف شده بودند، ملّتها بیدار شدند و به پاخاستند. ملّتهای استعمار زده، یکی پس از دیگری، خود را از چنگ استعمار بیرون آوردند. روشنفکران غرب، شروع به گفتن و نوشتن در مذمّت استعمار کردند. یکی از مراکزی که در آن، از استعمار به‌شدّت مذمّت می‌شد، همین کشور ایالات متّحده امریکا بود؛ چون تا آن روز، فرصت استعمار پیدا نکرده بود. دولتهای اروپایی در باب استعمار، گویِ سبقت را از امریکا ربوده بودند. آمریکاییها از استعمار بدگویی می‌کردند. بتدریج، ملّتها خودشان را آزاد کردند و دولتهای مستقلْ به وجود آمد. آنچه که امروز دولت امریکا دنبال می‌کند، در روح و معنا، همان چیزی است که استعمارگران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دنبال می‌کردند. آن روز هم

www.ourpresident.ir

دولتهای اروپایی حرفشان این بود که «ما به منابع حیاتی این کشورها احتیاج داریم. پس، وارد می‌شویم و استعمار می‌کنیم.» آنها کشورهای کوچک و ضعیف را تحقیر می‌کردند. امروز هم امریکا، به خاطر منافع خودش، همین کار را می‌کند. خوب؛ منافعی که به‌خلاف مصالح یک ملّت دیگر باید تأمین شود، منافع نامشروعی است.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر ـ ۷۴/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

گسترش پیام انقلاب در سطح جهانی

... انقلاب اسلامی یک حوزه بزرگتر دارد و آن، حوزه بشریّت و به طور ویژه، حوزه امّت اسلامی و ملّتهای مسلمان است. در این حوزه بزرگ، به‌خلاف آنچه که تبلیغاتچیهای استکبار خواسته‌اند به همه بباورانند که ایران در امور داخلی کشورها دخالت می‌کند، ما ابداً در امور داخلی کشورها دخالتی نمی‌کنیم و چنین قصد و نیّتی هم نداریم. احتیاجی هم به این نمی‌بینیم. ما برای این‌که یک کشور مستقل و آباد و یک ملّت قوی، شجاع و پیشرو باشیم، هیچ احتیاجی به دخالت در امور ملّتهای دیگر نداریم. ملّت ما هم یک ملّت مبارز است. اما این مبارزه‌جویی ملّت ما، علیه ظلم، تبعیض و تحمیل است. این مبارزه‌جویی به هیچ‌وجه در راه دخالت در امور کشورهای دیگر نیست. بنابراین، این‌که ما می‌گوییم «انقلاب یک وجهه بین‌المللی و جهانی دارد» به این معنا نیست که انقلاب در امور کشورها و ملّتها دخالت می‌کند. انقلاب یک پیام، حرف منطقی و یک راه روشن دارد. این راه روشن در مقابل چشم ملّتهاست. ملّتها آن را می‌بینند. اگر بپسندند آن را می‌پذیرند

www.ourpresident.ir

و از آن راه می‌روند. ما هیچ تحمیلی بر ملّتهای دیگر نداریم؛ امّا واقعیتی که اتّفاق افتاده این است که ملّتها این راه روشن را دیده‌اند و شناخته‌اند. تعداد ملّتهایی که پیمودن این راه را انتخاب کرده‌اند، کم نیست.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر ـ ۷۴/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

پیام‌های جهانی انقلاب

۱. معنویت

این، حقیقتی است که در بخش دوم می‌خواهم عرض کنم و باید به آن توجّه شود. وجهه جهانی و بین‌المللی انقلاب، عبارت از پیام معنویّت در سطح جهان است. دنیا غرق در مادّیت است. دستهای سردمداران و شبکه‌های اختاپوسی مادّی، از یکی دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادّیگری سوق داده و ملّتها را در منجلاب مادّیگری غرق کرده است. امروز دنیا در جهتگیری خود و راهی که قدرتها و دولتها برای آن پیش‌بینی می‌کنند، نه تنها هیچ جنبه معنوی ندارد، بلکه به طرف مادّیگری حرکت می‌کند و معنوّیات را از انسانها سلب می‌نماید. علّت این‌که می‌بینید در بسیاری از کشورها، نسلهای جوان به ستوه می‌آیند، خودکشی زیاد می‌شود، خانواده‌ها متلاشی می‌شوند و جوانان به آوارگی می‌افتند، همین کمبود معنویّت است. برای بشر، معنویّتْ یک غذا و تغذیه روحی است. مگر می‌شود بدون معنویّت انسان بتواند مدّت طولانی‌ای راحت زندگی کند؟ هرجا علم و تمدّن مادّی بیشتر است،

www.ourpresident.ir

آشفتگیها هم بیشتر می‌شود. این هم به خاطر گناه حذف معنویّات به وسیله قدرتهای جهانی از صحنه زندگی مردم عالم است. پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویّت، توجّه به معنویّت، وارد کردن عنصر معنویّت در زندگی انسان و توجّه به اخلاق و خداست. هر جا که نام و پیام امام نفوذ کرد، معنویّت را در آن‌جا به همراه برد. حتّی اگر به جوامع مسیحی و غیر مسلمان که به انقلاب اسلامی روی خوشی نشان دادند، از آن درسی طلب کردند و بهره‌ای بردند نگاه کنید، معنویّت را در آن‌جا مشاهده خواهید کرد. ردّ پای انقلاب بزرگ اسلامی ما معنویّت است و این معنویّت، اوّلین پیام این انقلاب و امام معنوی است؛ امامی که خودْ یک انسان والا و معنوی، عارف ، فقیه، دین‌شناس، متعبّد و قائم‌باللّیل بود. امام، کسی بود که نیمه‌شب با خدا خلوت می‌کرد و تضرّع می‌نمود.

۲. عدالت

پیام دیگر انقلاب، «عدالت» است. در دنیا هرجا که ندای عدالتخواهی بلند شده است، این انقلابْ آن‌جا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حقجویان و عدالتخواهان عالم، همراهی کرده است. بسیاری از عدالتخواهان، آزادیخواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قارّه‌های پنجگانه عالم، می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» و راست می‌گویند. این هم یک پیام است؛ پیام عدالتخواهی.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر ـ ۷۴/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

پیام انقلاب به جوامع مسلمان: بازگشت به اسلام

پیام بزرگ و مهمِ انقلابِ ما برای امّت اسلامی و جوامع و ملّتهای مسلمان، عبارت از «احیای هویّت اسلامی، بازگشت به اسلام، بیداری مسلمانان و بازگشت به نهضت اسلامی» است. این، پیام بزرگ انقلاب ما به ملّتهای مسلمان است که امام و پیشوای بزرگ این راه و معلّم بزرگ این خطّ و مکتب بود.

مسلمانان را از خود بیگانه کرده بودند. مسلمان در اطراف دنیا خجالت می‌کشید بگوید «من مسلمانم». دولتهای غیر اسلامی و ضدّ اسلامی، در کشورهای خود وضعیتی به وجود آورده بودند که هیچ جوانِ امروزی، بویی از اسلام حس نکند و خبری از اسلام نداشته باشد. اسلام را متعلّق به نسل گذشته معرفی می‌کردند. می‌گفتند «اسلام مُرد؛ رفت؛ تمام شد.» در جوامع مدرن، مترقّی و متمدّن دنیا، کاری کرده بودند که مسلمانان جرأتِ ابراز مسلمانی خود را نداشتند. یا عمل به اسلام را، به کلی ترک می‌کردند یا اگر هم انجام می‌دادند، در خفا و با ترس و وحشت بود.

www.ourpresident.ir
شرح انقلاب اسلامی

کشورهای اسلامی هم، وضع بهتری نداشتند. یک رئیس کشور اسلامی، در یک مجمع جهانی رؤسای کشورها، خجالت می‌کشید نطق خود را با «بسم‌الله» شروع کند! این را عیب و ارتجاع می‌شمردند! از اسلام و نشانه‌های اسلام، شرم می‌کردند و عوامل استکبار که ضربت و سیلی اسلام را در اوایل و اواسط دوران استکبار و استعمار خورده بودند و از اسلام می‌ترسیدند، احساسِ کنار گذاشتنِ اسلام را در مردم تقویت می‌کردند.

در کشور خود ما ایران هم همین‌طور بود. برادران و خواهران! کدام یک از شما که آن دوران را درک کرده‌اید، یادتان می‌آید که یک مسلمان، جرأت کند در حضور جماعتی در غیر مسجد نماز بخواند؟ اگر کسی در فرودگاهها یا در میدانی در وسط شهر نماز می‌خواند یا اذان می‌گفت، او را مسخره می‌کردند. اسلام را بتدریج قاچاق کرده بودند. در سربازخانه‌ها، اسلام قاچاق بود. در دانشگاهها تا وقتی یک گروه مسلمان مبارز به وجود نیامده بود، اسلام و نماز خواندن قاچاق بود. همه جای دنیا این‌طور بود. بعضی جاها، حتّی از ایران هم بدتر بود. پیام بزرگ انقلاب ما، احیای هویّت اسلامی در ملّتهای مسلمان بود. امروز همه ملّتهای مسلمان، در هرجای دنیا ـ اعم از اروپا، امریکا و آسیا ـ به مسلمانی خودشان افتخار می‌کنند. امروز در قلب اروپا، دختر محجّبه دبستانی افتخار می‌کند و می‌گوید: «من مسلمانم و می‌خواهم با حجاب به مدرسه بروم.» امروز ملّتی مثل ملّت بوسنی هرزگوین، در قلب اروپا، با وجود این همه دشمنی و فشاری که علیه آن هست، می‌ایستد و می‌گوید: «من مسلمانم». خسارت این مسلمانی را هم تحمّل می‌کند، چوبش را هم می‌خورد؛ ولی می‌ایستد. رؤسای کشورهای اسلامی، به خاطر گرایش ملّتهایشان به اسلام، مجبورند اظهار مسلمانی کنند و دم از مسلمانی بزنند. امروز رؤسای استکباری کشورهای مستکبر هم، برای این‌که دل مسلمانان را به خودشان جلب کنند، می‌گویند: «ما با اسلام موافقیم و طرفدار اسلامیم.»

www.ourpresident.ir

البته دروغ می‌گویند و به زبان می‌گویند؛ امّا برای تظاهر هم که شده است، این حرف را می‌زنند. چرا؟ چون امروز اسلامْ زنده و هویّت اسلامی، ارجمند و بزرگ است. چون امروز اسلام عزیز است. چون امروز حرکات اسلامی رو به رشد است و به فضل پروردگار، تا آن روز که «لیظهره علی الدّین کلّه»[1]، این حرکت آزادی اسلامی و پیشرفت تفکّر اسلامی، روزبه‌روز در کشورها قویتر خواهد شد. آن وقت که این احساس مسلمانی و هویّت اسلامی در ملّتها زنده شود، وقتی است که همه کسان و جناحهایی که نقشه‌هایی علیه اسلام شکل داده‌اند، احساس انزوا، غربت و وحشت می‌کنند. لذا، شما می‌بینید که در همین چند روز قبل، یکی از سردمداران رژیم صهیونیستی گفته بود «ما از لشکرها و ارتشهای عرب نمی‌ترسیم؛ از بنیادگرایی اسلامی می‌ترسیم.» بله؛ ما با این‌که در همه مسائل با دشمن صهیونیستی مخالفیم، در این یک حرف، با آنها موافقیم. آنچه علاج صهیونیستها را می‌کند، همین بیداری اسلامی است و بس. آنچه می‌تواند سرزمین فلسطین را آزاد کند، بیداری ملّتهای مسلمان و بیداری اسلامی است.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر ـ ۷۴/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۳؛ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۸؛ سوره‌ی صف، آیه‌ی ۹.

مقایسه‌ی انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه

انقلاب بزرگ اسلامی ایران، حقیقتاً انقلابی استثنایی بود. ما انقلابهای دیگری را، هم در تاریخ خوانده‌ایم و هم در زمان خودمان مشاهده کرده‌ایم. کاش شما مردم عزیزمان با کتابها و نوشته‌های تاریخی، بیشتر اُنس می‌گرفتید و آنچه را که من می‌خواهم در چند کلمه برایتان عرض کنم، خودتان در کتابها و تفاصیل مطالعه می‌کردید که چیزی جای آن را نمی‌گیرد. واقعاً این انقلاب با انقلابهای دیگر فرق داشت. این فرق، هم در چگونگی به‌وجود آمدن آن و هم در انگیزه به‌وجود آمدن حرکت مردم دیده می‌شود. از جنبه دوم می‌توانیم آن را مثلاً با انقلاب اکتبر روسیه که ماجرای هفتاد، هشتاد ساله کمونیستی از بطن آن برخاست، مقایسه کنیم تا ببینید آن انقلاب و شورش مردمی، چطور و با چه شعارهایی به‌وجود آمد. در جریان آن انقلاب چقدر فاجعه آفرینی شد؛ این‌جا چگونه بود. اصلاً تفاوت از زمین تا آسمان است. البته این مقایسه با انقلابهایی است که مردمی هستند؛ چون آن انقلاب هم مردمی بود. قبل از آن هم انقلاب کبیر فرانسه بود که اسمش انقلاب است؛

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

اما در واقع کودتایی نظامی به‌شمار می‌رفت و واقعاً فاصله‌اش با انقلاب به قدری است که اصلاً نمی‌شود این دو را با هم مقایسه کرد. انقلاب ما از نظر عظمت، سلامت، طهارت، دوری و اجتناب از گمراهیها و فاجعه آفرینیهایی که در شورشهای مردمی همه جا دیده می‌شود و از نظر استمرار و نیز تواناییها و اقتدار و کارهایی که انجام داد، انقلاب عجیبی است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۴۱۶) ـ ۷۴/۱۱/۲۰

www.ourpresident.ir

پیروی امام از نهضت حسینی در مسیر انقلاب

پیروزی، دو پیروزی است: یک پیروزی، پیروزی‌ای است که انسان خودش آن را می‌بیند؛ که آن، همین تشکیل حکومت و نابود کردن دشمنان انقلاب بود و امام این را به چشم مبارک خود مشاهده کرد. یک پیروزی، که از این پیروزی مهمّتر و بل پیروزی ماندگار است، پیروزی فکر و پیروزی راه و مدّعاست. این، همان پیروزی‌ای است که انبیای الهی، با وجود این‌که در دوران حیات، آن همه مرارت را تحمّل کردند، بالاخره به آن نائل شدند. این پیروزی، پیروزیِ فکر و ایده و راه یک انسان بزرگ و متفکّر است. امام، به این پیروزی هم رسید. استمرار خاطره آن بزرگوار و پرشور شدن هر ساله این مراسم، بدین معناست.

درباره نهضت امام بزرگوارمان، مطلبی را می‌خواهم عرض کنم که برای ما حامل درس است. خواهش می‌کنم افرادی که صاحبِ فکر و دارای اندیشه و خرد سیاسی و تأمّل در مسائل بزرگند، روی این مسأله تأمّل کنند و آن را بیشتر بشکافند.

www.ourpresident.ir

می‌دانید که حرکت امام، مشابهتهای زیادی با نهضت حسینی دارد و تقریباً، الگوبرداری شده از حرکت حسینی است. گرچه آن حرکت ـ یعنی حرکت امام حسین علیه‌السلام ـ منتهی به شهادت آن حضرت و یارانش شد و این حرکت به پیروزی امام منتهی گردید؛ ولی این فارقی ایجاد نمی‌کند. زیرا یک نوع فکر، یک مضمون و یک طرح کلّی بر هر دو حرکت حاکم بود. اقتضائات متفاوت بود؛ لذا سرنوشت آن حرکت، شهادت امام حسین علیه‌السلام و سرنوشت این حرکت، حکومت امامِ بزرگوارِ ما شد. این، به طور کلّی، امر روشن و واضحی است.

از جمله ویژگیهایی که در هر دو حرکت، به طور بارزی وجود دارد، موضوعِ «استقامت» است. با کلمه استقامت و معنای آن، نباید عبوری و گذرا برخورد شود؛ چون خیلی مهمّ است.

در مورد امام حسین علیه‌السلام استقامت به این صورت است که آن حکومت، ایستاد. هنوز مشکلات، خود را بروز نداده بود. پس از مدتی، آن حضرت تصمیم گرفت تسلیم یزید و حکومت جائرانه او نشود. مبارزه از این‌جا شروع شد؛ تسلیم نشدن در مقابل حاکمیت فاسدی که راه دین را به کلّی منحرف می‌کرد. امام از مدینه که حرکت فرمود با این نیّت بود. بعد که در مکه احساس کرد یاور دارد، نیّت خود را با قیام همراه کرد. و الّا جوهر اصلی، اعتراض و حرکت در مقابل حکومتی بود که طبق موازین حسینی، قابل تحمّل و قبول نبود.

امام حسین علیه‌السلام ابتدا در مقابل آن حرکت، مواجه با مشکلاتی شد که یکی پس از دیگری رخ نمود. ناگزیریِ خروج از مکه، بعد درگیری در کربلا و فشاری که در حادثه کربلا بر شخص امام حسین علیه‌السلام وارد می‌آمد، از جمله این مشکلات بود. یکی از عواملی که در کارهای بزرگْ جلوِ انسان را سد می‌کند، عذرهای شرعی است. انسان، کار واجب و تکلیفی را باید انجام

www.ourpresident.ir

دهد؛ ولی وقتی انجام این کار مستلزم اشکال بزرگی است ـ فرض بفرمایید عدّه زیادی کشته خواهند شد ـ احساس می‌کند که دیگر تکلیف ندارد. شما ببینید در مقابل امام حسین علیه‌السلام از این گونه عذرهای شرعی که می‌توانست هر انسان ظاهر بینی را از ادامه راه منصرف کند، چقدر بود! یکی پس از دیگری، رخ می‌نمود. اوّل اعراض مردم کوفه و کشته شدن مسلم پیش آمد. فرضاً این‌جا بایستی امام حسین علیه‌السلام می‌فرمود: «دیگر عذر شرعی است و تکلیف ساقط شد. می‌خواستیم با یزید بیعت نکنیم؛ ولی ظاهراً در این اوضاع و احوال، امکان‌پذیر نیست. مردم هم تحمّل نمی‌کنند. پس، تکلیف ساقط است. لذا از روی اجبار و ناچاری بیعت می‌کنیم.»

مرحله دوم، حادثه کربلا و وقوع عاشوراست. این‌جا امام حسین علیه‌السلام می‌توانست در مواجهه با یک مسأله، به مثابه انسانی که حوادث بزرگ را با این منطقها می‌خواهد حل کند، بگوید: «زن و بچه در این صحرای سوزان، طاقت ندارند. پس، تکلیف برداشته شد.» یعنی تسلیم شود و چیزی را که تا آن وقت قبول نکرده بود، بپذیرد. یا بعد از آن‌که در روز عاشورا حمله دشمن آغاز گردید و عدّه زیادی از اصحاب امام حسین علیه‌السلام به شهادت رسیدند ـ یعنی مشکلات، بیشتر خود را نشان داد ـ آن بزرگوار می‌توانست بگوید: «اکنون دیگر معلوم شد که نمی‌شود مبارزه کرد و نمی‌توان پیش برد.» آن‌گاه خود را عقب بکشد. یا آن هنگام که معلوم شد امام حسین علیه‌السلام شهید خواهد شد و بعد از شهادت او، آل الله ـ حرم امیرالمؤمنین و حرم پیغمبر علیهم‌السلام ـ در بیابان و در دست مردان نامحرم، تنها خواهند ماند ـ این‌جا دیگر مسأله ناموس پیش می‌آید ـ به عنوان یک انسان غیرتمند، می‌توانست بفرماید: «دیگر تکلیف برداشته شده است. تکلیف زنان چه می‌شود؟ اگر این راه را ادامه دهیم و کشته شویم، زنان خاندان پیغمبر و دختران امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاة والسّلام و پاکیزه‌ترین و طیّب و طاهرترین زنان عالم اسلام، به دست دشمنان

www.ourpresident.ir

ـ مردان بی سرو پایی که هیچ چیز از شرف و ناموس نمی‌فهمند ـ خواهند افتاد. پس، تکلیف برداشته شد.»

توجّه کنید برادران و خواهران! مطلب مهمّی است که در واقعه کربلا از این دیدگاه دقّت شود که اگر امام حسین علیه‌السلام می‌خواست در مقابل حوادثِ بسیار تلخ و دشواری مثل شهادت علی اصغر، اسارت زنان، تشنگی کودکان، کشته شدن همه جوانان و حوادثِ فراوانِ دیگری که در کربلا قابل احصاست، با دیدِ یک متشرّعِ معمولی نگاه کند و عظمتِ رسالتِ خود را به فراموشی بسپارد، قدم به قدم می‌توانست عقب نشینی کند و بگوید: «دیگر تکلیف نداریم. حال با یزید بیعت می‌کنیم. چاره چیست!؟ الضرورات تبیح المحذورات.» اما امام حسین علیه‌السلام چنین نکرد. این، نشانگر استقامت آن حضرت است. استقامت یعنی این! استقامت، همه جا به معنای تحمّل مشکلات نیست. تحمّل مشکلات برای انسان بزرگ، آسانتر است تا تحمّل مسائلی که بر حسب موازین ـ موازین شرعی، موازین عرفی، موازین عقلی ساده ـ ممکن است خلاف مصلحت به نظر آید. تحمّل اینها، مشکلتر از سایر مشکلات است.

یک وقت به کسی می‌گویند: «این راه را نرو؛ ممکن است شکنجه شوی.» خوب؛ انسانِ قوی می‌گوید: «شکنجه شوم! چه مانعی دارد؟! راه را می‌روم.» یا می‌گویند: «نرو! ممکن است کشته شوی.» انسان بزرگ می‌گوید: «خوب؛ کشته شوم! چه اهمیت دارد؟!» اما یک وقت صحبتِ کشته شدن و شکنجه شدن و محرومیت کشیدن نیست. می‌گویند: «نرو؛ ممکن است که گروهی از مردم، به خاطر این حرکت تو کشته شوند.» این‌جا دیگر پای جان دیگران در بین است: «نرو؛ ممکن است بسیاری از زنان و مردان و کودکان، به خاطر پیش رفتن تو، سختی بکشند.» این‌جا دیگر کسانی که کشته شدن برایشان مهمّ نیست، پایشان می‌لرزد. آن کسی پایش نمی‌لرزد که اوّلاً در حد اعلی

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

بصیرت داشته باشد و بفهمد چه کار بزرگی انجام می‌دهد. ثانیاً قدرت نفس داشته باشد و ضعفِ نفس نگیرد. این دو خصوصیت را امام حسینی علیه‌السلام در کربلا نشان داد. لذا، حادثه کربلا مثل خورشیدی بر تارک تاریخ درخشید؛ هنوز هم می‌درخشد، و تا ابدالدّهر هم خواهد درخشید.

عرض من این است که امام بزرگوار ما در این خصوصیت، به طور کامل دنباله رو امام حسین علیه‌السلام شد. لذا، این خصوصیت امام، انقلاب را به پیروزی رساند. ثانیاً، پیروزیِ بعد از رفتن خودش را هم تضمین کرد؛ هم پیروزی فکرش و هم پیروزی راهش را که مظهر آن، همین اجتماع عظیم شما مردم و مظهر وسیعترش در سطح عالم، گرایش ملّتها به اسلام و به راه امام است. کسب این پیروزیها، به خاطر استقامت او بود.

بیانات در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی(ره) ـ ۷۵/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

استکبار و سیاست تحقیر مسلمانان

یکی از مؤثّرترین شگردهای دشمنان اسلام این بود که ملّتهای مسلمان را تحقیر کنند. به ایران و کشورهای عربی و شبه قارّه هند و کشورهای آسیای میانه و آسیای دور و آفریقا و اقلیّتهای اسلامی در اروپا و امریکا نگاه کنید! همه جا این سیاست ـ یعنی تحقیر مسلمانان ـ اعمال شده‌است. درست توجّه کنید که این چقدر مهمّ‌است. مسلمانان خصوصیتی دارند که می‌توانند اراده خود را در حرکت عالم مؤثّر کنند. به خاطر چه؟ به خاطر احکام نورانی اسلام؛ بلکه به خاطر روحیّات و خلقیّاتی که اسلام به مسلمانان می‌دهد؛ مثل ظلم ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد، مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی‌سبیل‌الله، که جهاد فی‌سبیل‌الله میدان گسترده وعرض عریضی دارد و مخصوص صحنه نبرد رویاروی جسمانی نیست، بلکه جهاد داخل خانه‌ها هم‌ممکن است و همه‌جا انسان می‌تواند با دشمن خدا جهاد کند؛ اگر اراده داشته باشد و اگر بداند باید چه کارکند.

این، مجموعه احکام اسلامی است. این، جهاد و امر به معروف و عدم

www.ourpresident.ir

کنار آمدن بابدی و فساد و تحمّل نکردن ظلم است: «لاتظلمون و لاتظلمون»[1]. مجموع این احکام و معارف موجب شده است مسلمان به طور طبیعی در هر جای دنیا که هست ـ چه به صورت یک ملّت و چه از یک ملّت کوچکتر، تا یک فرد ـ به برکت این احکام قادر باشد اراده خود را در اداره جهان و محیط خودش مؤثّر سازد. این، خصوصیت مسلمان است. استعمارگران از چنین خصوصیتی چیزی ناراحتند. ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند.

روزی که اروپاییها سوار کشتیها شدند و آمدند کشورهای منطقه آسیا و آفریقا و خاورمیانه و بقیّه جاها را تصرف کردند، از این روحیّه مسلمانان می‌ترسیدند. برای این که مسلمان بی خطر شود، دوکار باید با او بکنند: یکی این که او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم این که روحیه اورا بشکنند و تحقیرش کنند. پس، ببینید همه سیاستهای دشمنان اسلام در طول مبارزه با اسلام ـ که این یکی دو قرن اخیر، اوج این مبارزه بوده است ـ در این دوچیز متمرکز می‌شود: یکی دور کردن مسلمین از احکام اسلام و دوم تحقیر مسلمین و شکستن و خرد کردن روحیه آنان. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که کشورهای اسلامی، به صورت کشورهای درجه سه عالم درآمدند. نمی‌شود گفت درجه دو.هرجا کشور اسلامی بود، یا مستقیم زیرنفوذ دشمنان اسلام و قدرتهای بیگانه بود، یا یک عامل قدرتهای بیگانه برآنها مسلّط بود؛ مثل خاندان منحوس پهلوی در این جاو بعضی کشورهای دیگر که نظیر این را داشتند.این، وضعیّت مسلمانان بوده است.

امام بزرگوار ما آمد و درست روی همین دونقطه انگشت گذاشت. علّت این که شما می‌بینید اسم امام، دنیای اسلامی را مثل توفانی در نوردید، اینهاست. با تبلیغات و با پروپاگاند که نمی‌شود کسی را این طور در دل ملّتها جا داد. این که در بعضی از نقاط عالم که مردم آن جا اسم ایران را اصلاً

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۷۹.

www.ourpresident.ir

نشنیده بودند، به امام بزرگوار ما عشق و ارادت می‌ورزیدند، به خاطر این چیزهاست. این، سنّت الهی و قاعده آفرینش است. امام روی این دونقطه تکیه کرد. وجدان ملّتها بیدار شد و دیدند که راه نجات، همین و الگوهم ملّت ایران است.

امام بزرگوار، ملّت ایران را به برگشت به اسلام دعوت کرد و گفت بیایید به اسلام به معنای حقیقی کلمه عمل کنید. نه فقط عمل کردن در داخل مسجدها و به صورت عبادات فردی؛ بلکه به صورت عمل کامل این کار را انجام دهید و نظام زندگی را از اسلام بگیرید. به همین خاطر، جمهوری اسلامی را تشکیل داد. در نقطه دوم هم روحیه این ملّت را احیا و بازسازی کرد. به ملّت ایران آموخت و فهماند که قدرت دارد و می‌تواند. به همه ملّتهای مسلمان دنیا پیام داد که شما دارای قدرت واقعی هستید و می‌توانید دشمن را به زانو در آورید. هرجا و به‌هراندازه، نسخه امام بزرگوار عمل شد، این نتیجه را داد. در خود کشور ما، ملّت ایران از حالت ضعف و انفصال به جایی رسید که امروز در قضایای مهمّ دنیا، اراده‌اش دارای نقش است. دشمنان ما نیز همین را می‌گویند.

بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۷۵/۳/۱۶

www.ourpresident.ir

تداوم نام و یاد امام شرط عزّت پایدار

نسخه‌ی امام بزرگوار ما، مسلمانان را در هر نقطه عالم عزیز کرد. امروز، مسلمانان جهان در هر نقطه‌ای از دنیا احساس عزّت می‌کنند. روزی بود که مسلمان از مسلمانی خود احساس سرشکستگی می‌کرد؛ اما امروز مسلمان از مسلمانی خود احساس سربلندی و عزّت می‌کند. اینها، کلیّات حرکت امام بزرگوار ماست.

عرض من این است که چه ملّت ایران و چه ملّتهای دیگر، هرچه نام و یادامام را برجسته و زنده بدارند، بیشتر از راه امام بهره خواهند برد. دشمنان اسلام و مسلمین می‌خواهند نام امام زایل شود و از بین برود و یا کم رنگ گردد. می‌خواهند وانمود کنند این حادثه که پیش آمد و اتّفاق افتاد، گذشته است. می‌خواهند در آینده دنیااثری نداشته باشد. ملاحظه می‌کنید در اعمال این تصمیمات، شیوه ها و طرقی هم به کار می‌برند؛ مثل تبلیغات زهرآگین و تحریفها و لجن پراکنیها. این چیزها، در همه جای حوزه نفوذ قدرتهای استکباری وجود دارد. نقطه مقابل آنها، حرکتی است که مسلمانان باید انجام

نشر انقلاب اسلامی
www.ourpresident.ir

دهند. باید یاد امام را زنده و نام او را بلند کنند. خطّ روشنی را که او ترسیم کرده است، برای افکار و اذهان تبیین کنند و بگویند که امام دنبال چه چیزی بود. بفهمانند که احکام اسلام و روحیه عزّت اسلامی، آن دو نقطه روشنی است که امام به دنبال آن بوده است.

در داخل کشور ما نیز همین طور است. ملّت ما اگر می‌خواهد این راه عزّت را دنبال کند، باید یاد و نام امام را روز به روز زنده تر کند.اگر ملّت می‌خواهد به برکت بازوان توانا و ابتکار و خلاّقیّت خودش، ایران را بسازد که مایه غبطه ملّتها و کشورها باشد، باید روز به روز به دستورات امام بیشتر توجّه کند. بعضی دلهای غافل، ممکن است خیال کنند یا تبلیغ نمایند که راه امام و خطّ امام، معنویّات و آخرت را برای مردم تأمین می‌کند؛ اما دنیا یشان آباد نمی‌شود! این، خطاست. راه خدا برای انسانها، دنیا و آخرت را آباد می‌کند؛ زندگی را شیرین و آسان می‌کند و فشار تحمیل دشمن را از سرآنها برمی‌دارد و کم می‌کند. راه خدا این گونه است و راه امام نیز همین راه خداست.

ملّت ایران به خاطر دخالت بیگانگان و حکومتهای فاسد و حکومت جبّار پهلوی و قاجار ـ که این دوسلسله ننگین، سالها بر این کشور حکومت کردند و پای بیگانگان را بر این سرزمین گشودند ـ از قافله علم و دانش بازماند. ملّت ایران درصورتی می‌تواند زندگی را به آبادی و توسعه و رشد حقیقی برساند که بتواند روی پای خود بایستدو احکام الهی را در زندگی عمل و پیاده کند و دست و پای دشمن را به کلّی از این کشور قطع نماید. این، همان راه و توصیه های امام است.

ملّت ایران، عزّت و رفاه و روسفیدی دنیا و سعادت و کمال معنوی و اخروی را در راه همان خطّی می‌تواند پیدا کند که امام بزرگوار و رهبرعظیم‌الشّأن او، پیش پای این ملّت گذاشت. خدای متعال، ده سال هم به

www.ourpresident.ir

او مهلت و فرصت داد تا توانست این راه را برای مردم تبیین کند. در کلمات امام رضوان‌الله‌تعالی علیه نقطه پنهان و مشکوکی وجود ندارد. این، راه ملّت ایران است.

بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۷۵/۳/۱۶

www.ourpresident.ir

فرهنگ جهاد نظامی، سیاسی، فرهنگی

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، فرهنگ رزمندگی و جهاد است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هر گونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقّی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگِ مسلّحانه است که جهاد رزمی نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که جهاد سیاسی نامیده می‌شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به جهاد فرهنگی تعبیر می‌شود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن جهاد سازندگی اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اوّلِ جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش این‌که، در مقابل دشمن صورت گیرد.

www.ourpresident.ir

این نکته در فرهنگ اسلامی، نکته‌ی برجسته‌ای است، که گفتیم نمونه‌هایی هم در میدانهای مختلف دارد. در روزگار ما هم، وقتی ندای مقابله با رژیم منحوس پهلوی از حلقوم امام رضوان الله علیه و همکاران ایشان در سال ۱۳۴۱ بیرون آمد، جهاد شروع شد. پیش از امام هم، البته جهاد به صورت محدود و پراکنده وجود داشت که حائز اهمیت نبود. هنگامی که مبارزه‌ی امام شروع شد، جهاد اهمیت پیدا کرد تا این‌که به مرحله‌ی پیروزی خود، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی رسید. بعد از آن هم، تا به امروز، در این کشور جهاد بوده است. چون ما دشمن داریم. چون دشمنان ما، از لحاظ نیروی مادّی، قوی هستند. چون اطراف و جوانب ما را، از همه جهت، دشمنان گرفته‌اند. آنها در دشمنی با ایران اسلامی، جدّی هستند و سرِ شوخی ندارند؛ چون می‌خواهند از هر راهی که شد ضربه بزنند. پس، در ایران اسلامی، هر کس به نحوی در مقابل دشمن ـ که از اطراف، تیرهای زهرآگین را به پیکر انقلاب و کشور اسلامی، نشانه رفته است ـ تلاشی بکند، جهاد فی سبیل الله کرده است. بحمدالله، شعله‌ی جهاد بوده است و هست و خواهد بود.

البته یکی از جهادها هم جهاد فکری است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هر کس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آن‌جا که در مقابله با دشمن است، تلاشش جهاد نامیده می‌شود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهمّ محسوب می‌شود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمّد رسول‌الله ﷺ / عوام و خواص ـ ۷۵/۳/۲۰

www.ourpresident.ir

نشر انقلاب اسلامی

نقش مساجد در تاریخ نهضت

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی ـ و یا لااقل سهولت این پیروزی ـ این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد. در دوره مشروطیت هم همین‌طور بوده است؛ در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسأله، به حدّاعلی رسید.

ملّت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند. اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد، خطاست. این‌طور نیست. اوّلاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خودِ نماز که به زبان مُشَرِّع مقدّس نماز و اذان، خیرالعمل

www.ourpresident.ir

و فلاح است، مایه برکات زیادی می‌شود. نماز یک ملّت را به قیامِ لله وادار می‌کند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند.

بیانات در دیدار علما، طلاّب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به‌مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه

www.ourpresident.ir

عوامل حدوث و بقای انقلاب

معروف است که بقای هر چیز، با همان عواملی تأمین می‌شود که حدوث آن شیء، با آن عوامل تأمین شده است. فی‌الجمله این حرف، حرف درستی است. یعنی اگر مثلاً برای تداوم و بقای انقلاب اسلامی ایران، دنبال عاملی می‌گردیم، باید نگاه کنیم و ببینیم شروع و حدوث این انقلاب، با چه عواملی شد. اگر آن عوامل را در جامعه تأمین کنیم، انقلاب تداوم پیدا می‌کند. یک حرکت که با عامل خاصّی و با یک قدرت آغاز شده است؛ ادامه آن حرکت هم با همان عامل خاصّ است.

عوامل حدوث انقلاب چه چیزهایی بود؟ عوامل متعدّد و فراوانی داشت. حدوث انقلاب که یک عامل نداشت. این، یک نگاه علمی و جامعه‌شناسی و تاریخی و دقیق لازم دارد که انسان نگاه کند و ببیند. البته نگاه هم کردند؛ این مسائل هم مکرراً بحث شده است.

انقلاب، عوامل گوناگونی داشته است که شناخت آن عوامل، خود یک بحث طولانی و علمی و مفصّلی است؛ اما آن چیزی را که انسان می‌تواند به

www.ourpresident.ir

عنوان روح و رقیقه‌ی موجود در همه این عوامل معرفی و به آن اشاره کند، توجه به خدا، انجام تکلیف الهی و قیام‌لله ـ برای خدا قیام کردن ـ است. درست است که ممکن بود انگیزه‌های گوناگونی در ذهن بعضی از افراد باشد ـ فرض بفرمایید مبارزه با دیکتاتوری رژیم طاغوت و مبارزه با فساد ـ همه اینها درست است.

این انگیزه‌ها در ذهن همه بود و جزو مؤثّرات این انقلاب هم بود؛ لیکن علت کارایی همین عوامل و مؤثّرها هم این بود که با روح دینی و با احساس تکلیف همراه بود. چون مبارزه با استبداد، با فساد، با وابستگی، با عقب‌افتادگی و فقر و تلاش برای بهسازی زندگی انسانها و رفع فقر از زندگی فقرا و مستضعفان، چیزهایی است که مورد رضای الهی است. خدای متعال انسانها را به این چیزها امر کرده است.

اگر روح دینی باشد، این عوامل به صورت فراگیر در میان همه اقشار مردم، آن هم به صورت عمیق، به وجود می‌آید. لذا این انقلاب تمام‌شدنی نبود و نیست. اگر عامل دینی نباشد، چند صباحی حرکتی می‌شود، عدّه‌ای معیّن و قشر مشخّصی، کاری می‌کنند؛ بعد هم خسته می‌شوند. عدّه‌ای به دنیای خود می‌رسند؛ عدّه‌ای هم به حکومت و مقام می‌رسند؛ عدّه‌ای با قدرتمندان سازش می‌کنند؛ عدّه‌ای می‌ترسند؛ عدّه‌ای به زندگی راحت خو می‌گیرند و عدّه‌ای مأیوس می‌شوند و قضیه تمام می‌شود و از بین می‌رود! کمااین که در بسیاری از نهضتهای دنیا، چون اسم خدا، یاد خدا و روح تعبّد و اخلاص نبود؛ چون یک رهبر الهی و معنوی مثل آن بزرگوار، آن انسان بزرگ، امام راحل عظیم‌الشّأن، در میان آنها نبود، حتی استعدادهای معمولی هم برای حرکت در مبارزه با فساد و استبداد و بدبختیهای دیگر یک ملّت، شکوفا نشد.

اما در این جا همه آحاد مردم؛ مردان، زنان، پیرمردان، افرادی که در مدّت

www.ourpresident.ir

عمرشان در مسائل اجتماعی دخالت نداشتند و کسانی که در هیچ کار مضرّ و خطردار برای زندگی مادّی خود قدمی نگذاشته بودند، بپاخاستند و بی‌محابا به خیابانها آمدند. یک غوغای همگانی به وجود آمد، شد نهضت و انقلاب؛ آن هم انقلابی که به دنبال خود کاری کرد که در طول تاریخ اسلام ـ بعد از حکومت صدر اوّل تا زمان ما ـ این کار انجام نشده بود؛ نه در این‌جا و نه در هیچ جای دیگر. آن، چه بود؟ آن، حاکمیت قرآن، حاکمیت فقه اسلامی و احکام دینی بود. این که قوانین و اداره امور کشور، بر اساس اسلام شود. این، سابقه نداشت؛ هیچ‌جا سابقه ندارد.

امروز عدّه‌ای حقیقتاً ناشکری می‌کنند. بعضیها نعمت خدا را حقیر می‌شمرند. یک چیز و یک نابسامانی، فرض بفرمایید یک دادگاه در یک جا حکمی کرده است، یا یک بخشدار، یا فرماندار در یک گوشه کشور حرفی زده است، یا یک مأمور دولت برخوردی کرده است که به نظر اینها ناشایسته است، می‌بینید که ناگهان همه چیز را زیر سؤال می‌برند! انقلاب و حکومت و جمهوری اسلامی و ولایت و این حرکت عظیم، به‌کلّی فراموششان می‌شود! نمی‌فهمند چه اتّفاقی افتاده است!

عزیزان من! مسلمانان هوشمند و انسانهای برجسته از اکناف عالم، اکنون که قریب هجده سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، گاهی می‌آیند و با ما ملاقات می‌کنند و به ما می‌گویند شما خودتان که در انقلابید، درست نمی‌دانید که چه اتّفاقی در ایران افتاده است! این حادثه، یک حادثه غیر قابل توصیف است!

در کشوری که مأمن استکبار و پایگاه امریکا بود، سرانش نوکران حلقه به گوش قدرتهای جهانی بودند، ثروتش در بین خانواده‌های حاکم تقسیم می‌شد، از دین روزبه‌روز کاسته می‌شد، مردم روزبه‌روز و به زور، به بداخلاقی و فساد اخلاقی و فساد جنسی سوق داده می‌شدند، انسان بیاید و

www.ourpresident.ir

حکومتی مستقل، آزاد، شجاع و مردمی درست کند! رؤسا و مسؤولین کشور، رؤسای قوا، انسانهای مؤمن و علمای بالله! کارکنان، نظامیان، ارتش، سپاه و نمایندگان مجلسش؛ همه مردمان مؤمن، متعبّد، متدیّن و بعضی نافله‌خوان و نماز شب‌خوان هستند! این کشور در مقابل قدرتی مثل قدرت امریکا می‌ایستد؛ نمی‌ترسد و واهمه نمی‌کند؛ منافع کشور را به بیگانگان نمی‌دهد.

بیانات در دیدار علما، طلاّب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به‌مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه

www.ourpresident.ir

یادی از فدائیان اسلام

این روزها، همچنین یادآور یکی از روزهای تلخ این ملّت در سالهای دهه سی است که آن، شهادت فداییان اسلام است و من در چند کلمه، فقط یاد این عزیزان را گرامی بدارم. آن وقتی را که خبر شهادت این جوانان مخلص و مؤمن و پاکباز به مشهد رسید، فراموش نمی‌کنم. در بین طلّاب جوان حوزه مشهد، در آن مدرسه‌ای که ما بودیم، هیجان عجیبی پیدا شد. علّت هم این بود که سال قبل یا دو سال قبلش، مرحوم نوّاب صفوی، این جوان مؤمن روحانی، در همین مدرسه ـ که اتّفاقاً اسم مدرسه، مدرسه نوّاب است ـ آمده و سخنرانی کرده بود و نماز جماعت اقامه نموده بود و غوغایی از شور و هیجان به وجود آورده بود که تأثیرات او بر روحیه طلاب، در هنگام شهادتش محسوس بود. یکی از مدرّسان بزرگ هم در درس اشاره‌ای کرده بود و یادی از اینها نموده بود.

جامعه آن وقت، از اهمیت این قیام غافل بود. اینها را به عنوان چند نفری که فقط بلدند گلوله‌ای از دهانه اسلحه‌ای خارج کنند و به سینه کسی

www.ourpresident.ir

بنشانند، معرفی می‌کردند. حتّی بزرگان آن دستگاه جبّار منحوس که خودشان مظهر اوباشگری و چاقوکشی و الواطی بودند و جزو افرادی به‌شمار می‌رفتند که ارزش نداشتند از آنها یاد شود، به عنوان یک انسان تربیت یافته، به این جوانان مؤمنِ صالحِ پاکبازِ مخلصِ و بی‌طمع و بی‌اعتنای به دنیا و به زخارف دنیا، چاقوکش می‌گفتند! بعضی از مردم نیز همین‌طور می‌شناختند و باور می‌کردند و بعضیها هم باور نمی‌کردند و بعضی هم غافل بودند.

از مسأله فداییان اسلام، غفلت شد. اگر چه شاید آن زمان، آمادگی هم نبود که بخواهند آنچه را که می‌گفتند ـ که همان حکومت اسلامی بود ـ بر سرِ پا کنند. برای این کار، یک حرکت عمومی در درازمدّت لازم بود؛ لیکن سخن اینها در بین فریادها و عربده‌های مستانه دشمنانشان گم شد. اینها مردمانی بودند که «انّهم فتیة امنوا بربّهم»[1]. واقعاً جوانانی بودند که به خدا ایمان آوردند و از روی اخلاص، در راه حاکمیت معارف و احکام نورانی اسلام تلاش کردند و در مقابل ظلم و فساد ایستادند.

ظلم و فساد خاندان پهلوی و وابستگی آنها به بیگانگان، این حرکت و نهضت را به وجود آورد. اصلاً قضیه اینها چنین بود که در جهت اسلامی شدن جامعه، مبارزه ضدّ استبدادی و ضدّ سلطنتی خودشان را آغاز کردند و متأسّفانه در وسط کار، همه‌شان از بین رفتند. البته برای خود آنها خوب شد؛ چون به شهادت رسیدند و به مقام عالی شهادت دست یافتند؛ اما برای جامعه خسارتی بود. به هر حال از آن تاریخ، چهل سال می‌گذرد. الان چهل سال است که از این قضیه گذشته است؛ اما بعد از چهل سال، شما ملاحظه می‌کنید که اسم این عزیزان، این‌طور در ملأ عام و علی‌رؤس الاشهاد آورده می‌شود؛ چون آرزوی آنها عملی شد و این ملّت در این راه به حرکت درآمد و فداکاری و ایستادگی نمود و آن چهره کفر و استکبار را نابود کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۷۵/۱۰/۲۸

۱. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۳.

www.ourpresident.ir

علّت دشمنی استکبار: قطع منافع

علّت این که امریکاییها با این انقلاب و با این ملّت بدند، معلوم است. روزگاری این کشور از صدر تا ذیل، در مشت امریکا بود و او منافعش را از این کشور تأمین می‌کرد. در این کشور، پادشاهی بود که خود را در مقابل امریکا متعهّد می‌دانست. به تعبیر رایج، نوکر حلقه به گوش امریکا بود. به تعبیر سیاسی، طرفدار و متعهّد نسبت به مصالح امریکا در این کشور بود. این کشور در رأسش، چنان کسی بوده است که مصالح امریکا برای او، از مصالح خود ملّت و کشور ایران، اهمیت بیشتری داشته است. برای مجموعه دستگاه حکومتی در آن روزگار که اعم از دوروبریها و دولت و وزرا و رجال حکومت باشند، به اضافه شخص شاه، مطامع و سود کلان خودشان، از مصالح ملی به مراتب اهمیت بیشتری داشت. طبعاً این‌طور آدمها، با دشمن زود کنار می‌آیند. آدمی که به فکر استفاده مادی خود و پرکردن جیب خود است، با دشمن کنار می‌آید و به‌راحتی خیانت انجام می‌دهد. در رأس حکومت، اینها بودند.

اسلحه امریکایی به هر قیمتی که آنها می‌خواستند، در این کشور فروش

www.ourpresident.ir
نشر انقلاب اسلامی

می‌رفته است. کارهای مهمّی که در این کشور انجام می‌شده است، یا به وسیله سرمایه‌داران امریکایی، یا بالأخره مجموعه سرمایه‌دارانی که حول و حوش همین محور استکباری حضور داشته‌اند، انجام می‌گرفته است. البته گاهی هم برای این که دهان رقبای سیاسی خودشان را ببندند، پای روسها و شورویها و امثال آنها را هم در بعضی از امور باز می‌کردند و اجازه می‌دادند که حضور داشته باشند. اما زمام کار در این کشور، در دست رژیم ایالات متّحده امریکا بود. این‌که چقدر در این چند ساله، از کشور خوردند و بردند و از پول این کشور برای سرکوب ملّتهای این منطقه استفاده کردند؛ از هیأت حاکمه این کشور، برای به دام کشیدن هیأتهای حاکمه کشورهای همسایه استفاده نمودند، حکایت دیگری است. یعنی واقعاً کشور ایران در دوره دوم حکومت پهلوی ـ یعنی بعد از ۲۸ مرداد به این طرف ـ در واقع متعلّق به دولت امریکا بوده است.

ناگهان انقلابی آمد و مردم را بیدار کرد. مردم، این انقلاب را به پیروزی رساندند. حکومتی را خود این مردم به وجود آوردند که حرف اوّلش این است که می‌گوید، من مصالح این ملّت را محترم می‌شمارم؛ نه مصالح کشورها و دولتهای دیگران را؛ هر کس می‌خواهد باشد. در باب سیاست خارجی و ارتباط با دنیا، حرف اساسی نظام جمهوری اسلامی، این است دیگر. از این موضع، عصبانی‌اند. در گذشته، اگر گفته می‌شد که نفت را به فلان قیمت بفروشید، می‌گفتند چشم. به فلان کشورها بفروشید، می‌گفتند چشم. به فلان کشورها نفروشید، می‌گفتند چشم. کما این که امروز نمونه‌هایش را در اوپک می‌بینیم. امروز بعضی از کشورها هستند که به خاطر امریکا، به خاطر سرمایه‌داران بین‌المللی، به خاطر کمپانیها غربی، قیمت نفت خودشان را از صفر هم کمتر می‌دهند! یعنی واقعاً این پولی که امروز بابت نفت می‌گیرند، چیزی نزدیک به صفر است! اگر یک مقدار ملاحظه کنند و مدّت و مهلت

www.ourpresident.ir

بدهند، زیر صفر می‌شود! برای خاطر این که مصالح آنها تأمین شود، دستور شرکتهای خارجی و کمپانیهای بزرگ این است که بایستی این مادّه حیاتی ـ که امروز تمدّن بشری متوقّف به همین نفتی است که متعلّق به ماست و اگر نفت ما نباشد، تمام چرخهای بزرگ صنعت عالم از کار خواهد افتاد و تمام شهرها خاموش خواهد شد ـ با قیمت پایین عرضه شود. نفت هم قسمت عمده‌اش در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است. هر چه که آنها بخواهند، بعضی از این آقایانی که در اوپک هستند، همان را عمل می‌کنند؛ ملاحظه خودشان را نمی‌کنند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۷۵/۱۰/۲۸

www.ourpresident.ir

انتظار ثبت تاریخ انقلاب از هنرمندان

روز دوازدهم به یک معنا، روز شروع قدرت اسلام است. اگرچه در دوازدهم بهمنِ سال ۵۷، هنوز ظاهراً نظام طاغوت سرِ کار بود؛ اما در واقع نبود. در واقع با ورود امام بزرگوار، این نظام پوسیده‌ی فاسد و اصل نظام پادشاهی ـ که یک رژیم ارتجاعی و غلط و غیر انسانی و غیر قابل قبول بود ـ پوچ و نابود و دود شد و از بین رفت. تلاش بیهوده‌ای می‌کردند بلکه بتوانند آن را نجات بخشند و تا چند روز ادامه دهند، که نمی‌شد و نشد.

ورود قدرتمندانه‌ی امام بزرگوار، همه چیز را معنا کرد. امام وارد شد؛ شهر تهران، بلکه ایران از آن بزرگوار استقبال کردند. یعنی در شهرهای دیگر هم مردم شاهد این حادثه و گوش به زنگ این قضیه بودند. بعضی حرکت کردند و به تهران آمدند؛ بعضی هم در همان شهرهای خودشان کاری را کردند که اگر تهران هم بودند، انجام می‌دادند. در واقع «فاذا دخلتموه فانّکم غالبون»[1]. با ورود امام همان مطلبی که خدای متعال به اصحاب موسی فرمود،

۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲۳.

www.ourpresident.ir

در مورد اصحاب امام بزرگوار ما تحقّق پیدا کرد. وقتی وارد شد، خدای متعال غلبه را ثبت کرد و تمام شد.

روز مهمّی است. شاید بشود گفت از همین روز دوازدهم هم، توطئه‌ی دشمن شروع شده است. البته تاریخ انقلاب یک بحث دیگر است. باید تاریخ انقلاب را کسانی بنویسند. تاریخ انقلاب هم فقط تاریخ پیروزی انقلاب نیست؛ تاریخ شروع نهضت است. حقیقتاً مردم ما از قضایای طولانی این نهضتی که از روز شروع تا روز پیروزی، پانزده، شانزده سال طول کشید، به تفصیل مطّلع نیستند. از قضایای بعد از پیروزی هم، گاهی به وسیله‌ی بعضی افراد، مختصر سخنی گفته می‌شود؛ اما به طور کامل و جامع و ریز، بخصوص با شکلهای هنری و ماندگار و نافذ، ثبت نشده، یا خیلی کم ثبت شده است. من از کسانی که توانایی این قبیل کارها را، بخصوص در زمینه‌های هنری دارند، واقعاً انتظار دارم. باید تاریخ انقلاب را ثبت کنند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۷۵/۱۱/۱۲

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

ماندگاری نهضت‌های الهی

اگر کسی خیال می‌کند که این ملّت را می‌شود با تهدید ترساند، سخت در اشتباه است. اگر کسی خیال می‌کند که مواضع مسؤولان این کشور را می‌توان با تهدید تغییر داد، سخت در اشتباه است. اگر مواضع کسی تغییر پیدا کند، از این ملّت و از این انقلاب نیست. آن کسی که متعلّق به این انقلاب، مبعوث و مطلوب این انقلاب و محبوب این مردم است، برای مصالح و خواست این مردم، برای انقلابِ این مردم ـ که برایش این خونهای پاک را بر زمین ریختند و این مجاهدات بزرگ را انجام دادند ـ در مقابل دشمنان این مردم می‌ایستد و سر سوزنی تسلیم فشارهای دشمنان این ملّت نمی‌شود.

امروز خبر انقلاب ما عبارت از قدرت روزافزون این نظام الهی و این انقلاب، ایستادگی روزافزون این مردم و ضعف و ناکامی روزافزون دشمنان است. خبر تازه‌ی ما و قضیه‌ی این انقلاب، این است و همین هم خواهد بود. همچنان که پیامبران به طور عام و بدون استثنا، بر دشمنانشان پیروز شدند؛ این انقلاب هم بدون هیچ تردیدی بر دشمنانش پیروز خواهد شد.

www.ourpresident.ir

امام ده سال در میان این مردم بود و رفت. امام نیست؛ اما پیروزی این مردم، پیروزی امام است. وقتی می‌گوییم که امام پیروز شد، لازم نیست معنایش این باشد که امام تا ابدالدّهر در میان این مردم بماند؛ بلکه وقتی این ملّت و این انقلاب پیروز شد، امام پیروز شده است. دشمن انقلاب که شکست خورد، دشمنِ امام شکست خورده است.

پیامبرانْ در بین راه از دنیا رفتند. در تیه چهل ساله‌ی بنی‌اسرائیل که بعدش به قدرت و حکومت رسیدند، حضرت موسی از دنیا رفت، جناب هارون از دنیا رفت؛ اما نهضت موسی پیروز شد. افراد، ماها، مسؤولان، آدمهایی که در انقلاب مسؤولیتی بر دوششان است، می‌روند. اشخاص به معنای انقلاب و نشان دهنده‌ی انقلاب نیستند. ماها می‌رویم؛ آن‌که می‌ماند، این انقلاب است؛ آن‌که می‌ماند، این ملّت است؛ آن‌که پیروز می‌شود، کشور ایران اسلامی است و این پیروزی در انتظار شماست.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۷۵/۱۱/۱۲

www.ourpresident.ir

تحوّل نظام سیاسی، معجزه‌ی انقلاب اسلامی

امام بزرگوار، نهضت عظیمی را در ایران سازماندهی کرد که ابعاد آن از ایران فراتر بود. بهره‌مندان از این انقلاب، فقط ملّت ایران نبودند؛ بلکه جهان اسلام و ـ با یک دید ـ فراتر از جهان اسلام را هم شامل می‌شد. در ایران، تأثیر و نتیجه کوتاه مدّتِ بسیار مهمّی که بر این نهضت مترتّب شد، دگرگونی نظام سیاسی در این کشور بود. امام بزرگوار به کمک این ملّت بزرگ، یک نظام سیاسی فاسد و وابسته و منحرفی را برانداخت و به جای آن، نظام سالم و مستقلّ و کارآمدی را در کشور ایران برسرِ کار آورد. توجّه به تفاوتها و تقابلهای اساسی این دو نظام، نکته مهمّی است که در این صحبت کوتاه و مقدّمه مطلب دوم، به طور مختصر به آن اشاره می‌کنم.

آن نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار ما با نهضت خود و به کمک این ملّت از بین برد ـ یعنی نظام فاسد و وابسته پادشاهی ـ نظامی بود که سردمداران و مسؤولان و رؤسای آن، به سرنوشت ملّت ایران و جوانان این کشور اهمیتی نمی‌دادند و کشور و ملّت را به سمت وابستگی هر چه بیشتر سوق می‌دادند.

www.ourpresident.ir

سعادت مردم به عنوان یک هدف، برای آنها مطلقاً مطرح نبود. اداره کشور، با الگوهای غلط و نامتناسبی انجام می‌شد، که از کشورهای بیگانه به طور ناقص گرفته شده بود و تازه همان هم اجرا نمی‌شد؛ یعنی یک نظام استبدادی و دیکتاتوری محض، تحت نامهای گوناگون و با روشهایی که هیچکدام از آن روشها، برخاسته از اراده و خواست ملّت و متوجّه به مصالح آنها نبود.

در نظام وابسته منسوخ و برافتاده قبل از انقلاب، مردم دچار فساد و بی‌بند و باری بودند، یا به تعبیر درست‌تر، به سمت فساد و بی‌بند و باری و خودباختگی و بی‌ایمانی سوق داده می‌شدند. یعنی حرکت ملّت را این طور تنظیم کرده بودند که روز به روز در کشور، بی‌ایمانی همه‌گیرتر شود و مردم از ایمان معنویِ درست محروم بمانند و به فساد و بی‌بند و باری کشانده شوند و خودباختگی در مقابل بیگانگان در آنها تقویت گردد و استقلال اقتصادی و فرهنگی در کشور، مفهومی نداشته باشد. جهت کلّیِ حرکت در آن نظام منسوخ و فاسد، این بود.

در این مرحله، هنر بزرگ امام بزرگوار در این بود که به جای آن نظام فاسد، یک نظام سیاسی در این کشور برقرار کرد که به جای بی‌اعتنایی به مردم، عشق به مردم بر آن حاکم است. به جای بی‌توجّهی به سرنوشت ملّت، بخصوص سرنوشت جوانان، عشق به سرنوشت ملّت و عشق به سرنوشت جوانان و اهمیت فوق‌العاده به آنها در آن مطرح است. به جای خودباختگی در مقابل بیگانگان، خودباوری در میان مردم روز به روز توسعه پیدا می‌کند. به جای وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هدف قرار گرفته است.

ملّت ایران، در بینش نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور برقرار کرد، نیازی ندارد که روشهای زندگی خود را از دیگران تقلید کند و یاد بگیرد؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است. اسلام را دارد، آموزشهای

www.ourpresident.ir

قرآنی را دارد، دستورات الهی را دارد، سنّتهای اصیل ملّی و بومی خود را دارد و می‌تواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرفّه و همراه با عزّت را برای خود ترتیب دهد. تفاوت شکل نظام اسلامی‌ای که امام بزرگوار در این کشور مستقر کرد، با نظام فاسدی که قبل از نهضت امام بزرگوار و قبل از وقوع معجزه عظیم زمان ما در این کشور مستقر بود، این قدر عمیق و آشکار است. وقتی نگاه کنید و دقّت نمایید، می‌بینید که همه نقاط منفی‌ای که در نظام منحطِّ پهلوی بر ملّت ایران تحمیل شده بود و جزو خصلتهای ذاتیِ آن نظام سیاسی بود، در نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور به وجود آورد، به نقاطی که صد و هشتاد درجه با آن فاصله دارد، تبدیل شده است.

در نظام اسلامی، مردم به خودشان ایمان و اعتقاد دارند؛ نظام سیاسی برای خود احترام قائل است؛ زیر بار تحمیل قدرتمداران جهانی و سلطه استکباری نمی‌رود؛ استقلال کشور، متّکی به منافع و مصالح خودِ این مردم است، نه متّکی به خواست و مصالح بیگانگان؛ مسؤولان کشور، منتخبان خودِ ملتند، نه تحمیل شده به وسیله اجانب، یا به وجود آمده در کودتاهای نظامی و با پول دشمنان. در آن نظام، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، هیچ نقشی نداشتند؛ اما در نظام اسلامی، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، همه نقش و تأثیر را دارا هستند.

آنچه را که امام بزرگوار، با دست قدرتمند و معجزنشان خود به وجود آورد ـ که آن هم از ایمان و توکّل و شخصیّت مستحکم او سرچشمه می‌گرفت ـ بر اساس اسلام بود. یعنی هدفهای نظام اسلامی، هدفهای اسلامی است؛ هدفهایی است که در قرآن و اسلام تعریف شده است. روشها و برنامه‌های نظام اسلامی هم، همان مقرّرات و برنامه‌ها و احکامی است که در منابع اسلامی تبیین و معیّن شده است؛ یعنی نظام اسلامی، نظامی است که صددرصد برخاسته از اسلام است.

www.ourpresident.ir

...ملاحظه کردید که امام بزرگوار در طرّاحی این انقلاب و در تنظیم نظام سیاسی بر اساس این انقلاب ـ یعنی تشکیل حکومت و نظام جمهوری اسلامی ـ به فضل پروردگار و به هدایت الهی، روشی را برگزید که روش پیامبران و بندگان متّصل به منبع غیب است. این، به خاطر آن است که امام، قرآن را دوست می‌داشت، خود شاگرد مکتب قرآن بود، با قرآن مأنوس بود، از قرآن استمداد می‌کرد و قرآن برای او برنامه زندگی به حساب می‌آمد. این، یکی از نتایج و آثار بزرگ و شکوهمند آن حقیقت است.

بیانات در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) ـ ۷۶/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

آفات انقلاب

۱. تحجّر

چنین حرکت عظیمی، معمولاً و عادتاً با یکی از دو آفتِ «تحجّر» یا «انفعال» مواجه می‌شود. چنین کار بزرگی، آفاتی دارد و آفت بزرگ چنین حرکت عظیمی با این ابعاد وسیع ـ همان‌طور که گفتم ـ یکی از دو آفت «تحجّر» یا «انفعال» است.

تحجّر این است که، کسی که می‌خواهد کار بزرگی را با این عظمت انجام دهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملّت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود. این، امکان‌پذیر نیست. معنای تحجّر آن است که، کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملّت و یک نظام و یک کشور ـ که نیاز لحظه به لحظه است ـ نتواند علاج و

www.ourpresident.ir

دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد. این، بلای بزرگی است.

اگر در رأس نظامهای سیاسی‌ای که براساس اسلام، یا تشکیل شده است، یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و منبع لایزال معارف و احکام اسلامی نخواهند توانست جامعه را پیش ببرند. امام، خود را از این آفت مبّرا کرد. به خاطر طول سالهایی که فقهای شیعه و خودِ گروه شیعه، در دنیای اسلام به قدرت و حکومت دسترسی نداشتند و فقه شیعه، یک فقهِ غیرحکومتی و فقهِ فردی بود، امام بزرگوار، فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی کشاند.

استفاده‌ی امام از فقه شیعی در انقلاب

همچنان که اهل فن اطّلاع دارند، در میان کتب فقهی شیعه، بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره کشورند ـ مثل مسأله حکومت، مسأله حسبه و چیزهایی که با کارهای جمعی و داشتنِ قدرت سیاسی ارتباط پیدا می‌کند ـ چند قرن است که جایشان خالی است. بعضی از آنها، از اوایل هم در کتب فقهی شیعه، مورد تعرّض قرار نگرفته است؛ مثل همین مسأله حکومت. بعضی مسائل مثل مسأله جهاد ـ که یک مسأله اساسی در فقه اسلام است ـ چند قرن است که از کتب فقهی استدلالی شیعه، بتدریج کنار گذاشته شده و در اغلب کتب فقهی استدلالی، مورد توجه قرار نگرفته است.

علّت هم معلوم است. فقهای شیعه، در این مورد تقصیر یا قصوری نکرده‌اند. برای آنها، این مسائل مطرح نبوده است. شیعه، حکومت نداشته است. فقه شیعه، نمی‌خواسته است جامعه سیاسی را اداره کند. حکومتی در اختیار او نبوده است که جهاد بخواهد آن حکومت را اداره کند و احکامش را از کتاب و سنّت استنباط نماید. لذا فقه شیعه و کتب فقهی شیعه، بیشتر

www.ourpresident.ir

فقه فردی بود؛ فقهی که برای اداره امور دینی یک فرد، یا حدّاکثر دایره‌های محدودی از زندگی اجتماعی، مثل مسائل مربوط به خانواده و امثال آن کاربُرد داشت.

شاید بشود به جرأت گفت که فقه شیعه، عمیقترین فقه‌های اسلامی است. یعنی کتب فقهیِ فقهای امامیّه، از لحاظ عمق، از همه کتب فقهی‌ای که ما دیده‌ایم، به طور معدّل عمیقتر و دقیقتر است؛ امّا این مباحث و این گرایش در زمینه‌های مختلف، در آن وجود نداشته است.

امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمتِ فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملّتها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملّتها باشد، کشاند. این، یعنی نطقه مقابل آن آفتی که گفتیم تحجّر است. حتّی در اواخر سالهای عمرِ بابرکت امام بزرگوار، مسائلی که به ظاهر جزئی می‌نمود ـ اما با توجّه به این که یک خط و یک سَمتگیری را به فقهای شیعه نشان می‌داد، بسیار مهم بود ـ پیش آمد و ایشان باز هم نشان داد که آن کسی که می‌خواهد نظام را اداره کند؛ آن فقهی که می‌خواهد یک ملّت یا مجموعه عظیمی از انسانها و ملّتها را اداره کند، بایستی بتواند شرایط زمان را بشناسد و پاسخ هر نیازی را در هنگام آن نیاز، به آن بدهد و نمی‌تواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه مسائلِ زندگی مردم، نقطه‌ای را بی‌پاسخ بگذارد.

۲. انفعال

آفت دومی که در چنین مواردی، مسؤولان و رهبران و گردانندگان اجتماعات را تهدید می‌کند، این است که آنها را دچار انفعال و خودباختگی کنند و و در موضع تأثیرپذیریِ ناخواسته از اراده دیگران قرار دهند. امام

www.ourpresident.ir

بزرگوار، در مقابل این آفت دوم هم مثل کوه ایستاد. آن چیزی که باید مورد توجّه قرار گیرد و من اصرار دارم که مردم عزیز ما ـ بخصوص جوانان ـ و همچنین مسؤولان بخشهای مختلف نظام مقدّس جمهوری اسلامی به آن توجّه کنند، این است که دشمنان نظامِ جمهوری اسلامی، وقتی نمی‌توانند در میدان مبارزه رویاروی، کار مؤثّری با این نظام انجام دهند؛ یعنی نمی‌توانند به آن ضربه نظامی بزنند؛ نمی‌توانند انفجار داخلی درست کنند؛ نمی‌توانند ضربه‌های امنیتی بزنند؛ نمی‌توانند با محاصره اقتصادی، آن را به زانو درآورند ـ وقتی از همه اینها مأیوس می‌شوند ـ یک راه برایشان باقی می‌ماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را به مواضعی برخلاف اصولِ خود سوق دهند، یا به عبارت ساده‌تر و روشنتر، آن را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه مسائل انقلاب برگردد؛ حرف و مواضع خود را تخطئه کند و خودش را دچار تناقض نماید! این را از چه راهی انجام می‌دهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، فشارهای سیاسی، فشارهای فرهنگی. جو را آن‌چنان از فشار انباشته می‌کنند که انسانهای ضعیف‌النّفس، در مقابل این فشار نمی‌توانند مقاومت کنند.

اگر بخواهیم یکی، دو مثال در زمینه مسائل سیاسی عرض کنیم، باید بگوییم که تا ده، پانزده سال قبل، مسأله فلسطین در دنیای اسلام، مسأله‌ای بود که همه به نامِ آن شعار می‌دادند؛ بعضی صادقانه‌تر، بعضی همراه با ظاهرسازی؛ ولی به هر حال، همه حکومتهای اسلامی، شعار مسأله فلسطین را اقلاً به زبان می‌گفتند و تکرار می‌کردند. فشار استکبار و دشمنان شروع شد. یعنی همان کسانی که از اوّل، بانی غصبِ کشور فلسطین از یک ملّت ـ یعنی ملّت فلسطین ـ و سپردن آن به دستِ یک مجموعه مهاجر و دروغین و یک ملّت ساختگی بودند، شروع به فشارآوردن بر روی دولتها و شخصیّتها

www.ourpresident.ir

کردند.

ملت کنونیِ صهیونیستِ اشغالگر، یک ملّت ساختگی است. هیچ عنصری از عناصر اصلی یک ملّت در اشغالگران نیست، از جاهای مختلف عالم، با دیدگاههای مختلف، با مناشئ اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده‌اند؛ صرفاً از جهت این که به نژاد بنی‌اسرائیل اتّصال و ارتباط دارند! قرنها از هم جدا بوده‌اند، ولی آنها را به عنوان یک ملّت تلقّی کرده‌اند. یک ملّت تصنّعی و دروغین؛ برای این که بتوانند در این نقطه حسّاس از جهان ـ یعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلام ـ پایگاهی برای استکبار باشند. روز اوّل، انگلیسیها آنها را به وجود آوردند؛ امروز هم رژیم امریکا حداکثر استفاده را از آن می‌برد و اهداف استکباری خود را تأمین می‌کند.

همانهایی که این زمینه را به وجود آورده‌اند، شروع به ایجاد فشارهای تبلیغاتی و سیاسی بر روی دولتها و شخصیّتها و نظامهای سیاسی کرده‌اند و باب گفتگوهای پشت پرده و رشوه دادنها و رشوه گرفتنها را باز گشوده‌اند و کاری کرده‌اند که این شعار عمومی مسلمانان را بتدریج از زبان دولتها بگیرند؛ والّا از ملّتها که نمی‌توانند بگیرند. همان کسانی که پانزده یا بیست سال قبل، دولت صهیونیست را به عنوان دولت غاصب، مورد قطع رابطه و محاصره اقتصادی قرار داده بودند، امروز برای ایجاد ارتباط اقتصادی با او، مسابقه می‌گذارند! این، همان انفعال است. فشار گوناگون دستگاههای متمرکز استکبار، چه از لحاظ تبلیغات و چه از لحاظ مسائل اقتصادی و غیره، به قدری بر اینها به طور متوالی وارد می‌آید، که احساس می‌کنند ناچارند عقب‌نشینی کنند، و عقب‌نشینی می‌کنند. این، خودباختگی و انفعال در زمینه مسائل سیاسی است.

همین قضیه، به شکل بسیار خطرناکتر، در زمینه مسائل اعتقادی و مواضع

www.ourpresident.ir

اصولی مطرح می‌شود. در اواسط این قرن، بسیاری از کسانی که با اتّکا به موج چپ، در آفریقا و آسیا، انقلابها و نظامهایی به وجود آوردند، بعد از گذشت پنج سال، ده سال، پانزده سال، زیر فشار دشمنان مسلّط و دارندگان زر و زور و بوقهای تبلیغاتی، همه مواضع اصولی خودشان را از دست دادند و بتدریج به آنها نزدیک شدند! فقط اسمهایشان با هم فرق داشت؛ اما باطنشان یکی بود.

بیانات در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) ـ ۷۶/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

ایستادگی امام در برابر فشار دشمنان

خطر بزرگی که انقلابها و اصالت ملّتها را تهدید می‌کند، این خطر است. خطر بزرگی که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید می‌کند، این خطر است. امام، در مقابل این خطر، مثل کوه استوار ایستاد؛ «کالجبل لا تحرکه العواصف»[1]. از ساعت اوّل، از نام نظام جمهوری اسلامی بگیرید، تا بقیه قضایا. آن روزها معمول بود که کلمه «دمکراتیک» را در کنار نام جمهوری بیاورند؛ یعنی یک کلمه غربی، دارای محتوای دوگانه. هم غربیها ادّعا می‌کردند که ما دمکراتیک هستیم، هم کشورهای سوسیالیستی و شرقیِ آن روز می‌گفتند ما دمکراتیکیم! در دنیا مُد بود که اسم کشورها و نظامهای سیاسی را دولت دمکراتیک فلان جا بگذارند. اصرار داشتند که این کلمه را بر کلمه جمهوری اسلامی اضافه کنند. البته صرفِ اضافه کردن یک کلمه نبود؛ دنباله این اضافه کردن، خیلی از حرفها و مسائل وجود داشت که امام با آن دیدِ تیزبین خود دید.

---

۱. کمال الدین، ص ۳۸۹.

www.ourpresident.ir

امام از اوّل اعلام کرد: «جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد». جمهوری اسلامی، همان است که انسان از قرآن می‌گیرد. در هر مرحله‌ای، بخصوص در سالهای اوّل که هنوز قاطعیت امام بزرگوار برای تصمیم‌گیرندگان جهانی در داخل دولتهای استکباری، درست معلوم نشده بود، از این فشارها زیاد می‌آوردند؛ ولی البته بعدها مأیوس شدند. این، آن نکته‌ای است که همه باید توجّه داشته باشند.

بیانات در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) ـ ۷۶/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

رژیم پهلوی و حفظ منافع بیگانگان در توسعه‌ی کشور

شاید در طول دوران رژیم گذشته، حتّی بخشی از آنچه در این چند سال در بازسازی این کشور انجام گرفت، انجام نگرفته بود؛ چون کار را با کیفیّت و کمیّت ـ هر دو ـ باید دید. آنها اگر کاری هم برای کشور می‌کردند ـ که از لحاظ کمیّت هم نسبت به آنچه در این دوره کوتاه انجام گرفته است، حقیقتاً کم است ـ از لحاظ کیفیت، مخدوش بود؛ زیرا در آن، استقلال این ملتْ ملاحظه نشده بود. اساسِ سیاست آن رژیم، بر وابستگی بود. چند نفر دولتمردِ نسبتاً شجاع یک روز در زمان رضاخان پیدا شدند و یک قرار داد نفتی را نوشتند که منافع ملّت ایران، تا حدودی در آن ملاحظه شده بود. به‌خاطر انگلیسیها، رضاخان با چکمه‌هایش وارد اتاق هیأت دولت شد و نوشته‌های آنها ـ پرونده نفت ـ را گرفت، در آتش بخاری انداخت و جلو چشم آنها سوزاند! این، چیزی است که خود آنها نوشته‌اند. امثال تقی‌زاده و دیگران این ماجرا را نوشته‌اند.

سیاست، سیاستِ وابسته بود. راه‌آهن هم که می‌کشیدند، بیش از آن‌که

www.ourpresident.ir

برای ایران و تجارت ایران باشد، به نفع اتّصال دو جبهه متّفقین بود که آن روز بایستی علیه آلمان می‌جنگیدند. راه‌آهن سراسری این است! (راه‌آهن شمال و جنوب برای این بود که شورویِ آن روز را به جنوب، در خلیج فارس که محلّ استقرار انگلیسیها بود وصل کنند تا بتوانند سلاح منتقل نمایند، و جبهه‌های جنگ متّفقین علیه متّحدین ـ آلمان و همکارانش ـ همواره قادر به دفاع باشد. راه‌آهن هم برای این کشیده می‌شد. طرفداران رژیم منحوس و تفاله‌های رژیم گذشته، بعد از گذشت پنجاه سال، هنوز که هنوز است، صحبتِ راه‌آهن شمال و جنوب را می‌کنند؛ راه‌آهنی که براساس طرحی خائنانه و بی‌توجّهی به استقلال این ملّت به‌وجود آمد و در آن، آبرو و شأن این ملّت رعایت نشد.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ـ ۷۶/۵/۱۲

www.ourpresident.ir

خاطره‌ای از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

نکته قابل توجّهی هم به مناسبت هفدهم شهریور عرض کنم، که این روزها، روزهای ماندگاری در تاریخ ماست. من از روز هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷ خاطره‌ای در ذهن دارم. قبل از آن که این حادثه خونبار در تهران اتّفاق بیفتد، سیاست رژیم ستمشاهی به دنبال این بود که مبارزان و به تبع آن ملّت ایران را، به تندرو و کندرو، افراطی و معتدل تقسیم کند. این، نکته خیلی قابل توجّهی است که امروز مثل آیینه‌ای، همه عبرتها را به ما درس می‌دهد. کسی که روزنامه‌های آن وقت و اظهارات مسؤولان رژیم ستمشاهی را مطالعه می‌کرد، می‌فهمید که اینها می‌خواهند کسانی را که در مقابل آنها هستند و مبارزه می‌کنند، از هم جدا کنند. عدّه‌ای را که طرفداران و علاقه‌مندان مخلص امام بودند و راه امام را علناً اظهار می‌کردند، به عنوان تندرو و افراطی و متعصّب معرفی می‌کردند. در مقابل اینها هم، بعضی از کسانی را که علاقه‌مند به مبارزه بودند، ولی خیلی جدّی در آن راه نبودند، یا جدّی بودند، ولی دستگاه آن‌طور خیال می‌کرد اینها جدیّتی ندارند، به عنوان

www.ourpresident.ir

افرادی که معتدلند و با اینها می‌شود مذاکره و صحبت کرد، معرفی می‌کردند. من در آن روز این احساس خطر را کردم. آن زمان من در جیرفت تبعید بودم. شاید روز چهاردهم یا پانزدهم شهریور بود. به یکی از آقایان معروف که در قم بود، نامه‌ای نوشتم و این سیاست رژیم را برای آن آقا تشریح کردم و گفتم اینها با این تدبیرِ خباثت‌آمیز می‌خواهند بهانه‌ای برای سختگیری بر مخلصان و عشّاق امام بزرگوار به دست آورند و شما را بدون این‌که خودتان بخواهید، در مقابل آنها قرار دهند. این نامه را نوشته بودم؛ اما هنوز نفرستاده بودم. روز شنبه هجدهم شهریور بود که رادیو و روزنامه‌ها، خبر کشتار هفده شهریور را پخش کردند. فردای آن روز، ما در جیرفت از این قضیه مطّلع شدیم. من برداشتم در حاشیه آن نامه برای آن آقا نوشتم که: «باش تا صبح دولتش بدمد، کاین هنوز از نتایج سحر است». آن نامه را به وسیله مسافر، برای آن آقای محترم فرستادم. آنها شروع کردند سختگیریها را علیه مبارزان و انقلابیون حقیقی راه انداختن که نمونه‌اش کشتار هفدهم شهریور بود.

بیانات در دیدار پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار ـ ۷۶/۶/۱۹

www.ourpresident.ir

اهمیت نقش امام در افشای کاپیتولاسیون

امام بزرگوار ما، سخنرانی تاریخی و تعیین‌کننده‌ی خودشان را درباره‌ی مصونیت قضایی مستشاران و عناصر امریکایی در ایران، ابتدا در میان یک جمع جوان ایراد کردند و جوانان بودند که ابتدائاً در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سپس در همه‌ی کشور، این پیام را منتشر کردند و به گوش همه رساندند و در طول سالهای متمادی، بتدریج آن را به‌صورت یک مسأله‌ی اصلی در مبارزه‌ی بزرگ ملّت ایران درآوردند، والاّ مردم از قضیه‌ی مصونیت قضایی مستشاران امریکایی در ایران اطّلاعی نداشتند؛ اهمیت این مسأله را هم که در فرهنگ سیاسی رایج روز به آن «کاپیتولاسیون» گفته می‌شود، نمی‌دانستند چقدر است و برای حیثیت ملی چقدر بزرگ و مضرّ است. امام این را مطرح کردند و جوانان حوزه‌ی علمیه آن را منتشر نمودند؛ بعد در سراسر کشور و در محافل عناصر مؤمن و مبارز، به صورت یک مسأله‌ی اصلی و به شکل یک فرهنگ درآمد.

اگر چه به خاطر این قضیه امام را تبعید کردند، ولی فکر در میان مردم

www.ourpresident.ir

باقی ماند و رشد کرد و ریشه‌دار شد، تا این‌که در سیزدهم آبان سال ۱۳۵۷ یک عدّه جوان دانش‌آموز، به مناسبت سالروز دستگیری و تبعید امام، آن تظاهرات پُرشور را به راه انداختند و دهها نفر از آنها به شهادت رسیدند. باز قضیه روی دوش جوانان پیش رفت و شدّت و کیفیّت پیدا کرد. باز در سال بعد از آن ـ یعنی در آبان ۱۳۵۸، سال اوّلِ پیروزی انقلاب ـ مجدداً جوانان بودند که نقطه‌ی اساسی حضور امریکاییها را در محلّی که به نام سفارت معرفی شده بود؛ اما در حقیقت کانون توطئه و سازماندهی ضدّ انقلاب در تهران محسوب می‌شد، به درستی شناختند، به آن حمله کردند و آن محل را تسخیر نمودند.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان ـ ۷۶/۸/۱۴

www.ourpresident.ir

تفاوت نگاه رژیم پهلوی به روشنفکران و روحانیان

قبل از انقلاب هم من با محافل روشنفکری کشور، ارتباطات زیادی داشتم. خیلی حرفها می‌زدند؛ اما در یک محفلِ پنج نفری، ده نفری، و احیاناً در یک نشستِ پنجاه نفری؛ همان‌جا هم دفن می‌شد و از بین می‌رفت. اما وقتی امام حرفی می‌زد؛ وقتی یک روحانیِ موجّه حرفی می‌زد، ممکن بود سرِ آن روحانی بلای بزرگی بیاورند، اما چون با مردم مواجه بود، موج برمی‌داشت. لذا رژیم پهلوی، از خیلی از روشنفکرانِ آن زمان اصلاً نمی‌ترسید و هیچ اهمیتی هم نمی‌داد. می‌گفت هر چه می‌خواهند بگویند، بگویند؛ اثری نداشت. اما اگر یک روحانی در جلسه‌ای منبر می‌رفت و مطلبی را می‌گفت، ولو با چند واسطه به سیاستهای آن رژیم ارتباط داشت، فوراً او را دستگیر می‌کردند، فشار می‌آوردند، زندانی می‌کردند، ممنوع‌المنبر می‌کردند! او چون در متن مردم بود، موج برمی‌داشت. در دنیا این‌طور است که روشنفکرانی که چیزهایی هم می‌خواهند بگویند و می‌گویند، اگر تهدید و تطمیع هم نشوند و بگویند، موجی برنمی‌دارد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان ـ ۷۶/۸/۱۴

www.ourpresident.ir

برکات اسلام در انقلاب

ما توانسته‌ایم در راه اسلام و در جهت اسلام حرکت کنیم، قوانین اسلام را در جامعه به وجود آوریم و آنها را در حدّ وُسع و توان خودمان در زندگی پیاده کنیم. ما توانسته‌ایم ارزشهای اسلامی را به عنوان ارزشهای برتر در جمهوری اسلامی معرفی کنیم. ما توانسته‌ایم کلام خدا را در بین مردم رایج و دلها را به سمت خدا متوجّه کنیم؛ یعنی انقلاب، این کار را کرده است، اشخاص که نمی‌توانند این چیزها را به خودشان نسبت دهند. انقلاب ما ـ به فضل الهی ـ چنین کار بزرگی را در نظام ما انجام داده است. ما این توفیق را پیدا کرده‌ایم. باید این راه را با جدیّت ادامه دهیم؛ چون به همین اندازه آثار آن را مشاهده کرده‌ایم و خدای متعال به ما عزّت داد.

کشور و ملّت ما در طول سالیان متمادیِ حکومت طواغیت، تحقیر می‌شد، عقب افتاده بود، مردم به حقوق خودشان واقف نبودند، دولتمردان با مردم رابطه‌ای نداشتند و نظام حاکم بر کشور در مقابل قدرتمندان عالَم، شخصیتی نداشت. تبعیت و دنباله‌روی محض بود، معارف الهی برای مردم ـ در ذهن

www.ourpresident.ir

و در نظر آنها ـ اهمیتی نداشت، تعلیم و تربیت بر اساس اسلام نبود، ضعف و ذلّت و فقر و ناتوانی از اطراف ـ در طول حکومت طواغیت ـ بر کشور ما تحمیل شده بود و ملّت ما را رنج داده بود!

خدای متعال به برکت اسلام، به برکت توجّه به معنویّت اسلام و توجّه به پیام سیاسی اسلام، ما را از آن رنجها خلاص کرد؛ یعنی بعثت برای این نبود که یک عدّه مردم، عقیده‌ای را در ذهن خودشان حفظ کنند و اعمال شخصی را انجام دهند، اما نظام اجتماعی، تحت حاکمیت دشمنان خدا و انداداللّه باشد! بعثت آمد تا زندگی مردم را شکل دهد. بحمداللّه این کار در نظام اجتماعی اسلام انجام گرفت؛ ملّت ما هم آثارش را مشاهده کرد و ثمرات شیرین آن را هم چشید.

بیانات در دیدار با مسؤولین کشور به مناسبت مبعث پیامبر گرامی اسلام ﷺ ـ ۷۶/۹/۷

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

کتاب قطور جنایات امریکا در ایران

عزیزان من! سیاست دولت امریکا از سالهای ۱۳۲۰ به بعد ـ تقریباً سالهای بیست‌ویک و بیست‌ودو ـ وارد کشور ما شد؛ بتدریج آمدند و نفوذ پیدا کردند و یواش یواش جای انگلیسیها را گرفتند. در طول این تقریباً بیست‌وهفت هشت سالی که امریکاییها در این کشور حضور قدرتمندانه داشتند، همه اهانتها و بدیها و ستمگریهایی که یک دولت مستکبر با یک ملّت مظلوم می‌تواند انجام دهد، انجام دادند؛ منابع را بردند، رژیم مستبد پهلوی را تقویت کردند، به مسؤولان ما اهانت کردند، به مردم اهانت کردند، کاپیتولاسیون را آوردند، حکومتهای ملی را سرنگون کردند و خیلی جنایات که واقعاً اگر کسی بخواهد جنایات امریکا را در طول مدّت تقریباً بیست‌وهفت، هشت سال قبل از انقلاب بنویسد، یقیناً یک کتاب قطور خواهد شد.

خطبه های نماز جمعه تهران ـ ۷۶/۱۰/۲۶

www.ourpresident.ir

خاطراتی از سالهای خفقان

اوّلاً نکته‌ی خیلی مهمّی که امروز شاید شما [نوجوانان و جوانان] واقعاً نتوانید آن را درست تصوّر کنید، این است که آن دوران، مسائل کشور ـ سیاست و دولت ـ مطلقاً برای مردم مطرح نبود. امروز مردم ما در کشور، وزرا را می‌شناسند، رئیس جمهور را می‌شناسند، آن وقتی که نخست‌وزیر بود، او را می‌شناختند، کارهای عمده را می‌دانند، در مبارزات سیاسی خیلی چیزها را خبر دارند که دولت، امروز چه اقدامی کرده و چه تصمیمی گرفته است؛ ولی آن زمان، دولتها می‌آمدند و می‌رفتند و اصلاً مردم نمی‌فهمیدند! یک نخست‌وزیر می‌رفت، یک نخست‌وزیر دیگر می‌آمد، کابینه عوض می‌شد، انتخابات می‌شد و اصلاً مردم خبر نمی‌شدند! توجّه می‌کنید؟! به کل نسبت به مسائل دولت، بی‌تفاوت بودند. دولت برای خودش کارهایی می‌کرد، مردم راه خودشان را می‌رفتند، دولت راه خودش را می‌رفت، فشار روی مردم، خیلی زیاد بود و آزادی اصلاً نبود.

من یادم است که دوستی از دوستان ما از پاکستان آمده بود، برای ما

www.ourpresident.ir

نقل می‌کرد که بله، من در داخل پارک، فلان کس را دیدم که اعلامیه‌ای را به فلانی داد؛ من تعجّب کردم که مگر در پارک کسی می‌تواند به کسی اعلامیه بدهد! او از تعجّب من تعجّب کرد و گفت: چرا نشود؟! پارک است دیگر، انسان اعلامیه را درمی‌آورد و به آن طرف می‌دهد. گفتم: چنین چیزی می‌شود؟! این مربوط به دوران مبارزات ما بود که من دوره نوجوانی را هم گذرانده بودم؛ یعنی اختناق در ایران آن‌قدر زیاد بود که اصلاً تصوّر نمی‌کردیم ممکن است کسی بتواند به زبان صریح، روشن، روز روشن، جلوِ چشم مردم، حرف سیاسی به کسی یا به دوستی بزند، یا کاغذی را به او بدهد، یا کاغذی را از او بگیرد! از بس فشار و خفقان بود. به کوچکترین سوءظن، افراد را می‌گرفتند و به خانه‌های مردم می‌ریختند!

بارها به منزل ما ریختند و منزل ما را گشتند ـ منزل پدرم، منزل خودم ـ کاغذها و نوشته‌های مرا بارها بردند! خیلی از نوشته‌ها و یادداشتهای علمی و غیر علمی من از بین رفته و غارت شده است؛ بردند، جمع کردند و بعد دیگر ندادند! یا وقتی دادند، همه‌اش را ندادند!

زندگی از لحاظ سیاسی، زندگی سختی بود؛ یعنی زندگی سیاسی بسیار زندگی سختی بود. خفقان بود و آزادی نبود. من در دوره مبارزات، برای جوانان و دانشجویان در مشهد، مدّتها درس تفسیر می‌گفتم. یک وقت به بخشی از قرآن رسیدیم که راجع به قضایای «بنی‌اسرائیل» بود؛ قهراً راجع به بنی‌اسرائیل هم تفسیر قرآن می‌گفتیم. یک مقدار راجع به بنی‌اسرائیل و یهود صحبت کردم؛ بعد از مدّت کمی مرا بازداشت کردند! البته نه به آن بهانه، به جهت و به عنوان دیگری بازداشت کردند و به زندان بردند. جزو بازجوییهایی که از من می‌کردند، این بود که شما علیه اسرائیل و علیه یهود حرف زده‌اید! توجّه می‌کنید؟ یعنی اگر کسی آیه قرآنی را که راجع به بنی‌اسرائیل حرف زده بود، تفسیر می‌کرد و درباره آن حرف می‌زد، بعد باید جواب می‌داد که

www.ourpresident.ir

چرا این آیه قرآن را مطرح کرده است! چرا این حرفها را زده و چرا راجع به بنی‌اسرائیل، بدگویی کرده است! یعنی وضع سیاسی، این‌گونه وضع سخت و دشواری بود و سیاسها این‌قدر ضدّ مردمی و وابسته به خواست اربابها بود!

البته با این دو سه کلمه نمی‌شود اوضاع و احوال دوران اختناق را بیان کرد. من این را به شما بگویم که حقّاً و انصافاً اگر ده جلد کتاب هم نوشته شود و همه آنها تشریح و توصیف آن دوران باشد، باز هم نمی‌شود بیان کرد! البته بعضی از حرفها هست که اصلاً نمی‌شود با زبانِ معمول بیان کرد؛ بعضی از تصوّرات هست که جز با زبان ادب و هنر بیان نمی‌شود. در شعر می‌شود بیان کرد، در کارهای ادبی و هنری می‌شود بیان کرد؛ اما خیلی از آنها را در زبان معمولی نمی‌شود گفت.

گفت و شنود صمیمانه با گروهی از جوانان و نوجوانان ـ ۷۶/۱۱/۱۴

www.ourpresident.ir

اهمیت بندرعبّاس، و جفای رژیم طاغوت به آن

شاید در میان شهرهای کشورمان، غیر از بندرعبّاس، شهری نداشته باشیم که تاریخچه‌ی بنای آن همراه با مبارزه قهرمانانه مردمی با خارجیان باشد و اساساً شهر بر این اساس شکل گرفته باشد. اگر هم باشد، بسیار معدود است. شهر بندرعبّاس، از آغاز بر اساس مبارزه با اشغالگران پرتغالی شکل گرفت؛ بیگانگانی که طبق عادت همه استعمارگران، محلّ و زمین و دریا و امکانات و بلکه مردم را متعلّق به خود و مملوک خود خیال می‌کردند. از آن سر عالم، گروهی اروپایی آمده بودند و منطقه حسّاس تنگه هرمز و لبِ این آبراه عظیم تجاریِ جهانی و تاریخی را اشغال کرده بودند. تقریباً چهارصد سال قبل، مردم ایران با فرماندهی فرماندهان غیور و میهن‌دوست و بیگانه‌گریز، توانستند این پایگاه مهم را که متعلّق به خودشان بود، از دست بیگانه خارج کنند و از آن وقت این‌جا شد بندرعباس؛ به عنوان یک شهر، به عنوان یک پایگاه اساسی و حسّاس برای هم تجارت و هم نظارت بر این آبراه عظیم و مهّم جهانی. بعد از آن، انگلیسیها و هلندیها و انواع و اقسام بیگانگان، در این

www.ourpresident.ir

منطقه بساط حاکمیت و زورگویی خودشان را گستردند. بالاخره ملّت ایران بر همه آنها فائق آمده و این منطقه و این ساحل حسّاس، به صاحبان حقیقی و اصلی آن متعلّق شده است. شهر بندرعبّاس و این استان بزرگ و طولانی، با هزار کیلومتر ساحل، با امکانات زیاد، با استعدادهای طبیعی، با مردمی سختکوش و خونگرم و علاقه‌مند، در کنار خلیج‌فارس شکل گرفته است؛ اما عزیزان من! تا قبل از انقلاب، از این استعدادهای مردمی و از این استعدادهای طبیعی و سرزمینی ـ چه در خشکی و چه در دریا ـ استفاده به قدر شایسته که هیچ، حتّی استفاده کمتر از حدّ شایسته هم نمی‌شد. این شهرِ حسّاس و این مرکز مهم، به عنوان یک تبعیدگاه برای رژیم گذشته مطرح بود ـ تبعیدگاهِ اشرار، چاقوکشها از اطراف دنیا و از اطراف کشور ـ اما زنده کردن امکانات عظیم این شهر و این منطقه، مورد توجّه نبود. این که ملاحظه می‌کنید از بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، با این همه فعّالیتی که شده است و این همه سرمایه‌گذاری و تلاش و سازندگی، هنوز چهره استان نتوانسته است غبار محرومیت را بشوید، به خاطر آن جفای تاریخی است که در طول دهها سال در دوران طاغوت بر این شهر و دیگر شهرهای این استان رفته است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم بندرعبّاس ـ ۷۶/۱۱/۲۸

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

حقّ اسلام انقلاب و امام بر ملّت ایران

ملت و دولت ایران، با انقلاب عظیم خود که به رهبری امام خمینی عظیم‌الشأن (رحمةالله‌علیه) و ادامه‌ی خطّ و راه او، پرچم عظمت اسلام و ایران را برافراشت، عزّت و استقلال ملّی خود و حیات دوباره‌ی تاریخی خود را بازیافته است. به برکت انقلاب اسلامی، ملّت ایران از فساد روزافزون و انحطاط علمی و اخلاقی و استبداد سیاسی و وابستگی به امریکا نجات یافت و نشاط زندگی و سازندگی را دوباره به دست آورد. از حاکمیت مهره‌های نوکر مآب و بی‌کفایت و غیرامین و فاسق و بدکار و مستبد و ظالم، خلاص شد و حکومتی مردمی و مدیرانی دلسوز و کاردان و مؤمن و امین یافت. سرنوشت کشور و منابع ملّی و ثروتهای خداداده‌اش را که به وسیله‌ی بیگانگان غارت می‌شد، خود به دست گرفت. نیروی ابتکار و سازندگی را که بر اثر ضعف و فساد پادشاهان خائن و وابسته، سالها به‌خمودگی و رکود کشیده شده بود، در خود زنده کرد و در همه‌ی میدانهای علمی و عملی، به جبران دو قرن عقب‌افتادگی، گامهای بلند برداشت و برای آینده نیز همت

www.ourpresident.ir

بلند و عزم قاطع و فکر روشن را با تجربه‌ی دوران نوزده ساله، چراغ راه ساخته است.

اسلام و انقلاب اسلامی و امام کبیر آن، حق حیات، بر گردن ایرانی و ایران دارند، و ملّت و دولت ما این حقیقت را از یاد نخواهد برد و این راه روشن و صراط مستقیم را از دست نخواهد داد.

رژیم امریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه‌ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضدمردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده‌ی خود را بر ملّت ما تحمیل و منابع ملی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملّت را از طریق معاملات خسارتبار نفت و سلاح، ربود، نیروهای مسلّح ایران را در قبضه‌ی خود گرفت، دستگاه ضدّ امنیتی شاه و شکنجه‌گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملّت ایران و بسیاری از ملّتهای مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ـ ۷۷/۱/۱۲

www.ourpresident.ir

۵۰ سال حکومت دست‌نشاندگان بیگانه

اینها را به جوانان تعلیم دهید. جوانان را جوانانِ پرداخته و ساخته امّت اسلام و اخلاق اسلامی بار آورید. اینها لازم است. از جمله نکاتی که باید به مردم ـ بخصوص به جوانان ـ بگویید، نعمت بزرگی است که خدای متعال به وسیله رهبر عظیم‌الشّأن و عظیم‌القدر و کم‌نظیر و حرکت عظیم ملّت ایران در این انقلاب عظیم به ما داد. جوانان امروز، قبل از این انقلاب را ندیدند، با آن آشنا نیستند و نمی‌دانند در این مملکت چه بود و چه ذلّتی بر ملّت ایران حاکم بود! در پنجاه سالِ آخر قبل از انقلاب، دو نفر در این مملکت حکومت کردند ـ پدر و پسر ـ که هر دو را بیگانگان بر سرِ کار آوردند. رضاخان را انگلیسیها از میان فوج قزّاق پیدا کردند ـ به یک قلدر بی‌باک و بی‌محابا احتیاج داشتند ـ آوردند و دست او سلاح دادند! دست، پشتش زدند، او را آوردند تا به مقام سلطنت رساندند، بعد مقاصد خودشان را به وسیله او اِعمال کردند! آن کاری را که می‌خواستند در این مملکت بکنند به وسیله او کردند. آن ضربه‌ای را که می‌خواستند به دین، به روحانیت، به سنّتهای قدیمی و ملی

www.ourpresident.ir

این کشور و به پایه‌های دینی و اعتقادی این کشور بزنند، به وسیله او زدند. چون آدم بی‌باک و گستاخی بود، به درد آنها می‌خورد! انگلیسیها مدّتها ـ از قبل از مشروطیت ـ دنبال وسیله نفوذی در این کشور می‌گشتند؛ اما نمی‌شد. بیشتر هم علما مانع نفوذ بودند. این آدم، آدمی بود که می‌دانستند در برخورد با علما، گستاخ و بی‌باک است. او را بر سرِ کار آوردند و هر کار خواستند، به وسیله او انجام دادند! بعد هم چون دیدند که از لحاظ سیاسی به سمتِ دیگری گرایش پیدا می‌کند، او را برداشتند و پسرش را جایش گذاشتند!

برای یک ملّت ـ برای ملّت ایران ـ هیچ ننگی بالاتر از این نیست که حکام، فرمانروایان، سیاستمداران و سررشته‌داران امور کشور را دولت انگلیس به وسیله سفارتخانه خود بیاورد و ببرد! کدام ننگ برای یک ملت، از این بالاتر است؟! خاطراتی را که از عناصر دوران پهلوی نوشته‌اند، بخوانید! بعد از آن‌که در سال ۱۳۲۰ رضاخان را بردند، پسر او محمّدرضا تا چند روز نمی‌دانست که آیا پادشاه خواهد بود یا نه! کسی را به سفارت انگلیس فرستاد، آنها گفتند که بله، عیبی ندارد، پادشاه باشد، به شرطی که فلان کار را نکند و فلان کار را بکند! خوشحال شد. اینها حقایق این کشور است.

پنجاه سال حکومت ایران که حکومت دیکتاتوری، سلطنتی، طاغوتی، فاسد و آن چنانی بود، به وسیله دو نفری انجام گرفت که آنها را بیگانگان بر سرِ کار آوردند و مردم هیچ نقشی نداشتند. قبل از آن هم که حکومت قاجار و حکومت سلاطین بود. شرحِ حال این سلاطین را ببینید! مردم که هیچ، مردم که اصلاً برای آنها قابل ذکر نبودند! عمّال دولت را از صدر اعظم تا پایین، نوکران خودشان می‌دانستند و به آنها می‌گفتند شما در بین نوکران ما چنین هستید، چنان هستید! چنین حکومتهایی بر این کشور حاکم بوده‌اند!

بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرّم ـ ۷۷/۲/۲

www.ourpresident.ir

وابسته کردن ایران از بزرگترین جرائم رژیم پهلوی

به گمان من، یکی از بزرگترین جرائم و گناهان رژیم محمّدرضا پهلوی، عبارت بود از این‌که کشور را از لحاظ فنّی، صنعتی و اقتصادی، وابسته نگهداشت و وابسته‌تر کرد. سرنوشت یک کشور را در نانش، در گندمش، در سیلوی گندمش، در وسیله آرد کردن گندمش، در مواد غذاییش و در همه چیزش، به خارج وابسته کرد! شما از این مواد غذایی و نان بگیرید، تا سایر چیزها، ایران به خارج از مرزها وابسته شد؛ به طوری که اگر یک وقت دشمنان اراده کنند، بتوانند این ملّت را از همه چیز محروم کنند. کسی که این‌طور کشوری درست کند و اداره نماید و به این‌جا برساند، خیانتی مرتکب شده است که هیچ خیانت دیگری جز آن‌که در همین سطح باشد، با آن قابل مقایسه نیست.

بیانات در دیدار کارگران و معلّمان در آستانه روز کارگر و روز معلّم ـ ۷۷/۲/۹

www.ourpresident.ir

اسلام و مستضعفان، سرمایه‌های انقلاب

دو نکته اساسی در حرکت امام بزرگوار بود که همین دو نکته، سرمایه ارزشمند این انقلاب بود و هست: یکی این است که هدف این انقلاب، اسلام است. دوم این که سربازان این انقلاب و لشکر این انقلاب، مستضعفان و پابرهنگان و همچنین قشر جوانند. این انقلاب را، پابرهنگان به پیروزی رساندند. این جنگ طولانیِ تحمیلیِ هشت ساله را جوانان این مملکت به نتیجه رساندند. امروز هم جوانان، در راه خدا و در راه اسلامند. امروز هم اگر خطری این انقلاب را تهدید کند، اوّلین کسانی که به میدان خواهند آمد، همین جوانانند؛ جوانان حوزه‌ها، دانشگاهها و جوانان سراسر کشور و قشرهای مختلف.

بیانات در اجتماع باشکوه عزاداران مراسم نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ـ ۷۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

عقب‌افتادگی ایران نتیجه‌ی بی‌اعتقادی و وابستگی

امروز آن دورانی است که باید با ابزار دانش و معرفت و تلاش علمی، کاری کنیم که عقب‌افتادگیهای تحمیلیِ دوران طولانی سلطه استبداد در این کشور، جبران شود؛ آن دورانی که نگذاشتند استعدادها شکوفا گردد؛ نگذاشتند هویّت اصلی و حقیقی این ملت، خود را نشان دهد؛ به تبع ورود کالاهای صنعتی ـ که نتیجه پیشرفت علم و صنعت غرب بود ـ در همه‌چیز، آن را به غرب وابسته کردند؛ کالاهای فکری و فرهنگی را وارد این کشور کردند و به اوّلین کاری که دست زدند، بی‌اعتقاد کردن قشر تحصیلکرده این کشور به موجودی خودش بود؛ به فرهنگ خودی، به رسوم و آداب خودی، به دانش خودی، به استعداد شکوفا و درخشانی که در نسل ایرانی وجود داشت. این بی‌اعتقادی، در طول سالهای متمادی، اثر خودش را بخشید. از روزی که این فکر ـ فکر تحقیر ایرانی ـ وارد این کشور گردید و موجب شد که این احساس حقارت تا اعماق جان قشرهای برگزیده این کشور نفوذ کند، تا وقتی که غرب محصول این حالت را چید، البته سالها طول کشید؛

www.ourpresident.ir

ولی بالأخره آنها موفّق شدند و نتیجه آن، همین عقب‌افتادگیهایی است که شما در کشورمان مشاهده می‌کنید. با این همه منابع انسانی، با این همه منابع مادّی، با این موقعیت جغرافیاییِ ممتازی که ما داریم، با آن سابقه درخشان علمی و فرهنگی و میراث عظیم گنجینه علمی که ما داریم، وضع ما امروز از آنچه که باید در میدان علم و صنعت و پیشرفتهای گوناگون علمی باشد، بسی عقبتر است.

بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرّس ـ ۷۷/۶/۱۲

www.ourpresident.ir

کشوری ویرانه، میراث پهلوی

کشوری که انقلاب و امام و این ملت، از دست رژیم وابسته و فاسد پهلوی تحویل گرفته بودند، یک ویرانه به تمام معنا بود. آبادانی و ثروت و ظواهر و رنگ و روغنها مربوط به شهرهای بزرگ بود؛ آن هم تا حدّی که به منافع عناصر اصلی آن رژیم ارتباط پیدا می‌کرد. روستاها خراب، بدون جاده و راه، بدون آب، بدون برق، بدون امکانات و بدون کار تولیدیِ به درد بخور؛ شهرها دچار انواع و اقسام اشکالات و اوضاع کشور، کلاً نابسامان!

بیانات در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی ـ ۷۷/۷/۱۵

www.ourpresident.ir

معجزه‌ی انقلاب، عبور از ذلّت به عزّت

خیلی از شما جوانان، دوران گذشته را به یاد نمی‌آورید. سخت‌ترین دوران در طول سالهای حکومت ظالمانه استبدادیِ سلطنتی برای ملّت ایران، همین دوران پنجاه سال قبل از پیروزی انقلاب بود. چرا؟ چون در دورانهای گذشته، همیشه سلطنتهای استبدادی بودند، به مردم هم خیلی ظلم کردند؛ لیکن اگر حکومتهای ایران، ظالم، مستبد و بد بودند، اگر با مردم سروکاری نداشتند ـ که نداشتند ـ لااقل زیر امر دشمنان خارجی ـ جز در برهه‌های خیلی محدودی ـ نبودند. حکومتهایی برای خودشان بودند؛ ایرانی بودند. ولی در این دوره اخیرِ سلطنت ـ یعنی از اواخر قاجار و در طولِ دوران حکومت پهلوی – استبداد، دیکتاتوری، بی‌اعتنایی به آراءِ مردم، فساد اداری، ظلم و ستم و تبعیض و سوء استفاده دولتمردان و درباریان بیداد می‌کرد! ـ همه اینها بود و علاوه بر اینها واقعیت بسیار تلختری وجود داشت که آن تسلّط بیگانگان بود. در این کشور، ایرانی در داخل خانه خود، بایستی تملّق خارجی را می‌گفت! رئیس ایرانی، نظامیِ ایرانی، مدیر و وزیر ایرانی در داخل

www.ourpresident.ir

خانه خود، بایستی تملّق سفیر امریکا و سفیر انگلیس و مأموران طمّاع بیگانه را ـ که صدها هزار مأمور بیگانه در این کشور بودند ـ می‌گفت! باید زیر دست آنها کار می‌کرد! باید از آنها دستور می‌گرفت! باید ملاحظه‌ی میل آنها را می‌کرد! این برای یک ملت، بدترین حادثه است؛ ذلّت است. یک ملت، ممکن است در دوره‌ای فقر و مشکلات اقتصادی را قبول کند؛ اما ذلّت را قبول نمی‌کند. ملّت ایران را ذلیل کردند! انقلاب آمد و این ملّت را از ذلّت نجات داد، از وابستگی، از دستِ فساد دستگاه سلطنتی فاسد و از اختناق، نجات داد؛ ملّت را آزاد کرد. ایرانی، مملکت خودش را گرفت. جوان ایرانی، مرد و زن ایرانی، مبتکر، عالم و دانشجوی ایرانی فهمید که برای خودش و با اراده خودش کار می‌کند. افق را روشن دید.

حقیقتِ درخشان نظام و انقلاب اسلامی، این حرکت عظیم را انجام داد، که هیچ کس هم خیال نمی‌کرد چنین چیزی اتّفاق بیفتد. بعضی از آن به اصطلاح روشنفکرانی که آن روز گاهی یک کلمه سیاسی می‌گفتند و دل خودشان را خوش می‌کردند که در میدان مبارزه کار می‌کنند، غایت مطلوبشان این بود که مثل اقمار شوروی سابق، مثل این کشورهای کمونیستی بیچاره آفریقا و آسیا و غیره، یا مثل کشورهایی از قبیل ترکیه و پاکستان و امثال اینها شوند! بیشتر از این به ذهنشان نمی‌رسید. این‌که این ملت، مستقل شود، روی پای خود بایستد، استعدادهای خود را شکوفا کند، حرف خود را خودش بزند، راه خود را خودش برگزیند، مسؤولین خود را خودش انتخاب کند، کشور را متعلّق به خود بداند و سرمایه‌های کشور را صرف شده در خود کشور بداند، به ذهن آنها خطور نمی‌کرد! این کار را انقلاب کرد. این کار به رهبری امام و به همّت این مردمی شد که ایمان داشتند. ستون این خیمه عظیم، ایمان است؛ ایمان به آن حقیقت درخشنده‌ای که چنین معجزه‌ای را می‌کند. ایمان به اسلام انقلابی و اسلام ناب محمّدی. دشمن هم این را

www.ourpresident.ir

فهمید. از روز اوّل، دشمن این را فهمید و تلاش کرد بلکه بتواند این ایمان را متزلزل کند. بیست سال است که دشمن از راههای مختلف، دائم برای ضعیف کردن ایمان مردم وارد می‌شود. به وسیله انقلاب، تودهنی می‌خورد، ولی باز از راه دیگر می‌آید!

بیانات در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی ـ ۷۷/۷/۱۵

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

انقلاب ایران، طرحی از اسلام

آنچه در ایران اسلامی اتّفاق افتاد ـ یعنی آن انقلاب عظیم و تشکیل این نظام اسلامی ـ طرح و پرتوی از آن چیزی بود که اسلام برای انسانها آورد. ملّت ایران زندگی بدی داشت. ملّت ایران روزگار تاریکی داشت. از شأن انسانی خود، خیلی فاصله گرفته بود. به خاطر دوری از اسلام، به او از جهت علمی و انسانی و سیاسی و اقتصادی ستم شده بود. به برکت آشنایی با اسلام و معرفت اسلام، این ملّت توانست با حرکتی عظیم، خود را به سرچشمه اسلام برساند؛ احکام اسلام را برای خودش در معرض عمل قرار دهد؛ امکان عمل به این احکام را برای خودش فراهم کند؛ به اسلام بیندیشد و از آن بهره ببرد؛ در اعماق معارف اسلام غور کند و با قرآن آشنا شود.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید مبعث ـ ۷۷/۸/۲۶

www.ourpresident.ir

حفظ منافع بیگانگان، نابودی استعدادهای ملّی

یک روز بود که بر این کشور ـ بر همین زمین و بر همین منابع ـ حکومتهایی حاکم بودند که استعدادها را می‌کشتند. دلیل بر این که استعدادها را می‌کشتند، این بود که در طول صدسال از ورود اروپاییها به این کشور تا سال شروع انقلاب ـ مثلاً از حدود سالهای ۱۲۵۷ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی ـ یعنی اوّل در نیمه دوم دوران قاجار، بعد هم در دوران پهلویها، در این کشور، علم، پیشرفت علمی، مغز متفکّر علمی و پدیده‌های گوناگون علمی دیده نشد؛ یعنی نگذاشتند. اگر آدم برجسته‌ای هم پیدا شد، جذب کردند، دزدیدند، جای دیگر بردند و از او استفاده کردند. در آن دورانی که همه دنیا چهار اسبه به سمت پیروزی و به سمت پیشرفت و تمدّن و نوسازی مادّی می‌رفت، کشور ما را در حال بدبختی نگهداشتند و به چیزهایی که برای یک ملّت سمّ است، سرگرم کردند. البته در دوره‌ای، به اصطلاح دانشگاه و مطبوعات و مجلس شورا هم داشتیم؛ اما در اختیار دستگاه جبّاری بود که

www.ourpresident.ir

برای آن در درجه اوّل، منافع بیگانگان و منافع مسؤولان آن روزِ کشور مطرح بود و منافع مردم و آینده اصلاً مطرح نبود.

بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان در آستانه ماه مبارک رمضان ـ ۷۷/۹/۲۳

www.ourpresident.ir

تجربه‌ی تحقّق وعده‌ی الهی

وعده الهی دیگر «والّذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا»[1] است. هر کس که در راه خدا مجاهدت کند، خدا قطعاً راه را به او نشان خواهد داد. اینها چیزهایی است که یک روز خودمان در دوره جوانی ـ اوایلی که با معارف اسلامی و با این حرفها آشنا می‌شدیم ـ می‌خواندیم، می‌گفتیم، اعتقاد هم داشتیم، ایمان هم داشتیم؛ اما برای ما به‌وضوح اتّفاق نیفتاده بود. می‌دانستیم کلام خدا راست است؛ اما آن را تجربه نکرده بودیم. امروز تجربه شده است. همان اوقات در زمان مبارزات نهضت اسلامی در ایران ـ که شما جوانان هیچ یادتان نیست، میانسالان هم بعضی یادشان است، بعضی یادشان نیست ـ اگر کسی می‌خواست در این کشور، که امروز مهد اسلام و مأذنه اسلام است، یا در این تهران فقط خودش مسلمان زندگی کند، واقعاً ممکن نبود؛ مشکل بود! یعنی اگر کسی می‌خواست منهای هدایت و تربیت دیگران، خودش به‌طور کامل مسلمان زندگی کند، نمی‌شد و انواع و اقسام موانع وجود داشت! اگر

۱. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹.

www.ourpresident.ir

کسی می‌گفت این نهضتی که در قم آن آقا شروع کرده است و عدّه‌ای طلبه هم دور و برش هستند و تا فریادی هم می‌کشند، فوراً آنها را می‌گیرند و به زندان می‌برند و می‌زنند و می‌کوبند و شکنجه می‌کنند، یک روز بر اثر صبر و استقامت مردان خدا و مردان راه حق و آن رهبری راشده مهدیّه، همه کشور را به خود متوجّه خواهد کرد و همه دلها را جذب خواهد نمود و آحاد ملّت را به صحنه خواهد آورد، کسی باور نمی‌کرد! و اگر می‌گفتند یک روز به برکت ورود مردم در صحنه، حکومت، حکومت اسلامی خواهد شد، کسی باور نمی‌کرد؛ اما وعده الهی بود و محقّق گردید؛ چون عمل شد.

خطبه‌های در نماز جمعه تهران ـ ۷۷/۱۰/۴

www.ourpresident.ir

چهار خصوصیت منفی حکومت پهلوی

انقلاب ما یک حرکت عظیم مردمی علیه حکومتی بود که تقریباً تمام خصوصیّات یک حکومت بد را داشت؛ هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم تحمیلی و کودتایی بود و هم بی‌کفایت بود. من همین چهار خصوصیت را توضیح مختصری می‌دهم:

آن حکومت، اوّلاً فاسد بود؛ فساد مالی داشتند؛ فساد اخلاقی داشتند؛ فساد اداری داشتند. در فساد مالیشان همین بس که خود شاه و خانواده او در بیشتر معاملات اقتصادی کلان این کشور داخل می‌شدند. خود او و برادران و خواهرانش، جزو کسانی بودند که بیشترین ثروت‌اندوزی شخصی را کردند. رضاخان در دوران شانزده، هفده ساله سلطنت خود، ثروت کلانی اندوخت. بدنیست بدانید که بعضی از شهرهای این کشور، به حسب سند، دربست متعلّق به رضاخان بود! مثلاً شهر فریمان تماماً ملک رضاخان بود! بهترین املاک و زمینهای این کشور، متعلّق به او بود. او به این چیزها و به جواهرات علاقه داشت. البته بچه‌هایش قدری مَشرب وسیعتری داشتند؛ هرگونه ثروتی

www.ourpresident.ir

را دوست می‌داشتند و جمع می‌کردند! بهترین دلیل هم این است که وقتی اینها از این کشور رفتند، میلیاردها دلار ثروتشان در بانکهای خارجی انباشته شده بود! شاید بدانید که ما بعد از انقلاب خواستیم که ثروت شاه را به ما برگردانند و البته طبیعی هم بود که جواب ندهند. آن وقت تخمینی که از مال مجموع این خانواده زده می‌شد، دهها میلیارد دلار بود! رفتند در جاهای مختلف دنیا مستقر گردیدند و همه‌شان جزو ثروتمندان شدند. این پولهای کلان را با زحمتکشی که به‌دست نیاورده بودند، کاسبیِ مشروع که نکرده بودند؛ اینها پولهایی بود که زراندوزیها و ثروت‌اندوزیهای غیرمشروع آن را به‌وجود آورده بود. نظامی که در رأس خودش این‌قدر فساد مالی داشت، ببینید چگونه نظامی بود و با مردم چه می‌کرد!

از لحاظ اخلاقی هم فاسد بودند. باندهای تبهکار معاملات قاچاق، زیر دست برادران و خواهران این شخص قرار داشتند. از لحاظ مسائل اخلاقی و جنسی، چیزهایی هست که گفتن و شنیدنش عرق شرم بر پیشانی انسان می‌آورد. البته گوشه‌ای از خاطرات این چیزها را، بعدها کسان و نزدیکان و دستیاران خودش نوشتند و منتشر کردند.

از لحاظ فساد اداری هم رو به تباهی بودند. در مدیریّتها، صلاحیتها را رعایت نمی‌کردند؛ وابستگیهای به خودشان و دستورات سرویسهای اطّلاعاتی و امنیتی بیگانه را ملاک قرار می‌دادند و کسانی را سرِکار می‌آوردند. ببینید؛ حکومتی که در رأس خودش رشوه می‌گیرد، ثروت‌اندوزی می‌کند، معامله قاچاق می‌کند و به مردم خیانت می‌کند، چگونه حکومتی است. اگر کسی بخواهد اینها را با دلایل و شواهدش بگوید، کتابها خواهد شد.

آنها وابسته بودند. وابستگیشان به خاطر این بود که از مردم به‌کلّی بریده بودند. برای حفظ حکومت خودشان، خود را ناچار می‌دانستند که به

www.ourpresident.ir

خارجیها متّکی شوند. رضاخان را انگلیسیها سرِکار آوردند، که جزو تواریخ مشخص و مسلّم و روشن است. محمّدرضا را هم انگلیسیها تثبیت کردند. بعد از دوره حکومت دکتر مصدّق، کودتا را امریکاییها به راه انداختند و البته از دست انگلیسیها ربودند و آنها خودشان تسلّط پیدا کردند. اینها در اغلب امورِ این کشور، وابسته بودند. مستشاران امریکایی و دهها هزار امریکایی دیگر در مهمترین مراکز نظامی، اطّلاعاتی، اقتصادی و سیاسی این کشور شغلهای حسّاس و درآمدهای گزاف داشتند و آنها در حقیقت کارها را انجام می‌دادند و به آنها خط می‌دادند. دستگاه اطّلاعاتی این کشور را امریکاییها و اسرائیلیها به‌وجود آوردند. در سیاستها، تابع نظرات انگلیسیها و در این اواخر، تابع نظرات امریکاییها بودند. در زمینه منطقه‌ای و جهانی، حتّی در زمینه‌های اقتصادی ـ مثلاً قیمت نفت چقدر باشد، فروش نفت چگونه باشد، وضع شرکتهای خارجی در نفت ایران به چه کیفیّت باشد ـ در همه این مسائل مهم و حسّاس، آن چیزی کاری را انجام می‌دادند که از آنها خواسته شده بود! البته منافع خودشان را هم در نظر داشتند. برای خارجیها فداکاری نمی‌کردند، بلکه برای حفظ حکومت خودشان، صددرصد به بیگانگان میدان می‌دادند و به آنها تکیه می‌کردند و دست آنها را در تطاول به این کشور و این ملّت باز می‌گذاشتند.

حکومت آنها تحمیلی و کودتایی بود. با کودتا سرِکار آمده بودند؛ هم رضاخان با کودتا سرِکار آمده بود، هم محمّدرضا با کودتا سرِکار آمد. حکومت کودتایی، معلوم است چطور حکومتی است: برمردم تحمیل بودند و از آراءِ مردم، عقاید مردم، دلبستگیهای مردم، فرهنگ مردم و درخواست و اراده آنها هیچ نشانی نبود. آنها برای آراءِ مردم، برای خواست مردم، برای عقاید مردم، برای دین مردم و برای فرهنگ مردم، هیچ احترامی قائل نبودند؛

www.ourpresident.ir

هیچ رابطه صمیمی و دوستانه‌ای با مردم نداشتند. رابطه، رابطه خصمانه بود؛ رابطه ارباب و رعیّت بود؛ رابطه آقایی و نوکری بود؛ سلطنت بود دیگر! سلطنت و پادشاهی، معنایش همین است؛ یعنی حکومت مطلقه‌ای که هیچ تعهّدی در مقابل مردم ندارد. خانواده پهلوی، پنجاه سال در کشور ما این‌گونه زندگی کردند.

و بالاخره، آنها بی‌کفایت بودند... در گذشته، از این استعدادها استفاده نمی‌شد و به آنها بی‌اعتنایی می‌شد. صرفاً در جهت اهداف و خواسته‌های نامشروع خودشان از آن استفاده می‌کردند. البته بعضیها می‌گذاشتند می‌رفتند، خیلیها هم می‌ماندند؛ لیکن بدون آن که در استعدادهای آنها هیچ درخششی به‌وجود آید و کاری انجام گیرد.

مملکت را ویرانه رها کرده بودند. بعد از جنگ، یکی از بزرگترین کارهای ما، اصلاح ویرانیهای جنگ بود. می‌دیدیم که آنچه جنگ برسر این ملّت آورده، به مراتب کمتر از آن چیزی است که حکومت سالهای متمادی خاندان پهلوی آورده بود! چنین حکومتی، سالها بر مردم حکومت کرده بود. وقتی در سال چهل و یک فریاد امام بلند شد، بغض مردم ترکید. مردم در طول دهها سال بغض کرده بودند. بعضیها به آن وضع عادت کرده بودند، بسیاری هم بغض کرده بودند. حرف امام به دلها نشست. بدانید آن روزی که امام این فریاد را بلند کردند، هنوز مرجع تقلیدِ معروفی نبودند. البته ایشان در قم بین علما و بزرگان، فضلا و طلّاب حوزه، خیلی موجّه بودند و پایگاه بسیار بلندی داشتند؛ اما در بین مردم سراسر کشور، آن‌چنان شناخته شده نبودند. این فریاد که بلند شد، چون درست بود، چون بحق بود ـ زیرا متّکی به خواستهای مردم و در اصل به اسلام و دین متّکی بود ـ بلافاصله همه جا به‌طور طبیعی منتشر شد؛ دهن به دهن، دست به دست، دل به دل سیر کرد،

www.ourpresident.ir

به همه جا رسید و مردم را به امام علاقه‌مند کرد. امام بزرگوار ما که در سال چهل و یک به هنگام شروع مبارزات، چندان معروفیتی نداشتند، در خرداد چهل و دو وضع و پایگاهشان در دلهای مردم به آن‌جایی رسیده بود که حادثه پانزده خرداد چهل و دو در تهران اتّفاق افتاد و هزاران نفر در راه امام جان خودشان را فدا کردند. این براثر حقانیت آن فریاد بود.

امام تعالیم اسلام را برای مردم بیان کردند؛ معنای حکومت را بیان کردند؛ معنای انسان را بیان کردند و برای مردم تشریح کردند که چه بر آنها می‌گذرد و چگونه باید باشند. حقایقی را که اشخاص جرأت نمی‌کردند بگویند، ایشان به‌طور صریح ـ نه به شکل درون گوشی، نه به شکل شبنامه، نه آن طوری که گروهها و احزاب به‌صورت بسته و سلّولهای حزبی و برای کادرهای حزبی بیان می‌کنند ـ روان، آسان، در فضا، برای عموم مردم بیان کردند. این بود که مردم پاسخ گفتند. البته از آن روزی که امام شروع کردند، تا آن روزی که این انقلاب پیروز شد، پانزده سال طول کشید؛ پانزده سال دشوار. شاگردان امام، دوستان امام، دستپروردگان امام، آحاد مردم و افراد روشن‌بین جامعه، اعماق و روح این پیام را درک کردند، آن را گرفتند و در نقاط مختلف و در محافل مختلف و در قشرهای مختلف، آن را گفتند. گفت و باز گفتِ این سخنان و ایستادگی در راه این سخنان، مشکلات فراوانی ایجاد کرد. هزاران نفر به شهادت رسیدند و تعداد چند برابر اینها زیر شکنجه‌ها افتادند. دوران خیلی سختی گذشت. بعضیها در طول این پانزده سال، یک شب با امنیت و راحت به خانه‌هایشان نرفتند؛ یک روز با اطمینان از این که به آنها آسیب نمی‌رسد، از خانه‌هایشان بیرون نیامدند. سختیها گذشت و امام در تمام این دوران، مرشدانه، حکیمانه و شجاعانه رهبری می‌کردند و بالاخره در یکی، دو سال آخر، این امواج خروشان مردمی به‌وجود آمد. هرجا که آحاد مردم با انگیزه

www.ourpresident.ir

دینی، با انگیزه خدایی و بدون چشمداشت مادّی وارد میدان شوند، هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابلشان ایستادگی کند. همان‌طور که امام فرمودند، آنها با همه آن ساز و برگشان، در مقابل ملتِ دست خالی ما نتوانستند بایستند؛ لذا این انقلاب به‌وجود آمد و پیروز شد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه‌ی فجر
۷۷/۱۱/۱۳_

www.ourpresident.ir

تأثیر اسلام و ویژگیهای شخصی امام در انقلاب

همان‌طور که گفتید، مبارزات با رژیم پهلوی، از دیرباز شروع شده بود؛ یعنی از دوره رضاخان و از سال ۱۳۱۴. البته قبلاً مرحوم مدرّس مبارزاتش را شروع کرده بود، اما ایشان را به شهادت رساندند. در سال ۱۳۱۴، نهضت بزرگ علما از مشهد شروع شد و مرحوم آیةالله قمی و عدّه‌ای از علما که با ایشان همراه بودند، مبارزه خود را شروع کردند. در اواخر دوره رضاخان، گروههای غیر اسلامی تجمّعهایی داشتند و مبارزاتی را شروع کردند. بعد در دهه بیست، باز مبارزات حزبی و گروهی از یک طرف و نهضت علمایی و مردمی از طرف دیگر آغاز گردید. در سالهای بعد هم همین‌طور بود و مبارزات زیادی شروع شد. البته همه این مبارزات هم تأثیراتی داشت؛ اما همان‌طور که می‌گویید، هیچکدام از اینها قدرت بسیج توده‌ها را نداشت و نتوانست مبارزه را از جمعهای کوچک و خواص، به جمع عظیم مردم بکشاند. راز پیروزی امام هم این بود که توانست این هنر بزرگ و این معجزه بزرگ را انجام دهد و مبارزه را به سطح مردم بکشاند. اما علّتش چه بود؟

www.ourpresident.ir

البته برخی از این علل، به خصوصیّات شخص امام بزرگوارمان برمی‌گردد که آنها را هم عرض خواهم کرد؛ لیکن عمده علت، عبارت بود از این که امام در موضع یک روحانی والا مقام و مورد اعتماد، از اسلام حرف می‌زدند. اسلام، باور عمومی مردم بود و هست. این، خاصیت حرکت دینی و خاصیت انگیزه دینی است.

انگیزه دینی، با انگیزه‌های مادّی و حزبی فرق می‌کند. در انگیزه‌های مادّی و حزبی، کسب قدرت و حکومت، بیشتر مطرح است. اشخاصی که وارد مبارزه می‌شوند، هر کدام برای خودشان جایگاه و موضعی را تعریف می‌کنند: در نظام آینده، ما چه کار باید بکنیم؟ چه‌کاره باید بشویم؟ اما در حرکت دینی، این حرفها نیست؛ همه برای انجام تکلیف وارد می‌شوند. امام بر اسلام تکیه کردند و تعالی اسلام را بیان نمودند. عمق حرکت مردمی از این‌جا شروع شد؛ چون همه مردم، با ایمان خودشان وارد شده بودند. شما مثلاً می‌دیدید که در فلان روستا، مردم نسبت به مسائل پاسخ می‌دهند. حالا شما ببینید اگر یک حزب سیاسی بخواهد مردم یک روستای دور افتاده را با خودش همراه نماید، چقدر باید تلاش کند تا فرد فرد آنها را به خودش متوجّه سازد؛ در حالی که امام چنین تلاشی با این خصوصیت نداشتند؛ اما با پیام ایشان آنها با ایمان وارد میدان می‌شدند. در شهرهای بزرگ هم همین‌طور بود. در تهران که مرکز هم بود، همین‌گونه بود. بنابراین، عمده، مسأله اسلام بود؛ یعنی امام به اسلام تکیه داشتند. البته خصوصیّات دیگری هم بود. امام طبیعتاً یک شخص مردمی بودند و به مردم اتّکاء داشتند. من فراموش نمی‌کنم که در سال چهل و یک ـ که هنوز امام بزرگوار ما این‌قدر هم معروفیت و شهرت نداشتند ـ در یکی از سخنرانیهایی که آن سال در قم و در همان محلّ درس انجام می‌دادند، خطاب به دولت آن زمان گفتند که اگر مثلاً به این رفتارتان ادامه دهید، من این صحرای بی‌پایان قم را از مردم پُر می‌کنم! همه تعجّب می‌کردند که امام چطور از گوشه مسجدی در

www.ourpresident.ir

قم، این‌طور به مردم متّکی و معتقد و خاطرجمع از مردمند. چند ماه بیشتر نگذشت؛ در سال چهل‌ودو که امام آن سخنرانی را در مدرسه فیضیّه کردند، دو روز بعدش در تهران حادثه پانزده خرداد اتّفاق افتاد و با آن وضع خونین، مردم در مقابل تانکها و مسلسلها و تفنگها ایستادند.

البته عرض کردم که خصوصیّات شخصِ امام خیلی دخیل بود. امام به معنای حقیقی کلمه، مردی با اراده و عزم پولادین بودند؛ شخصی بودند صددرصد مؤمن به راه خود؛ همان‌طور که در قرآن نسبت به پیامبر آمده که «امن الرسول بما انزل الیه من ربّه»[1]. ایشان به راه خود ایمان کامل داشتند؛ مردی بودند صادق و صریح؛ اهل سیاستبازی و سیاستکاری نبودند؛ مردی بودند بسیار هوشمند و آینده‌نگر. هوشمندی امام، آینده‌نگری امام و قدرت تشخیص قدمهای بعدی، در امام بسیار بالا بود. ایشان پیگیر و خستگی‌ناپذیر بودند. بد نیست به‌یاد بیاورید که امام این مبارزات را در سن شصت و سه سالگی شروع کردند. یادم هست که در همان سال چهل و یک ایشان در سخنرانی خود گفتند که من امسال شصت و سه سال دارم، که اگر مرا بکُشند، تازه در سنّی از دنیا رفته‌ام که پیامبر و امیرالمؤمنین در این سن از دنیا رفتند. مرد شصت و سه ساله، جوانان را گرم می‌کرد و به آنان نیرو و نشاط می‌داد. ایشان وقتی که وارد تهران شدند و وقایع روزهای دوازده بهمن به بعد و حادثه پیروزی انقلاب اتّفاق افتاد، مردی نزدیک هشتاد ساله بودند. ببینید پیرمردی در این سن ـ که وقت بازنشستگی و خستگی و بیکارگی است ـ این‌گونه با نشاطِ جوانان وارد میدان می‌شوند. بنابراین، خصوصیّات شخصی امام بسیار مؤثّر بود؛ مسأله تکیه به اسلام و دین و ایمان و باور مردم هم که وجود داشت.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه‌ی فجر ـ ۷۷/۱۱/۱۳

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۵.

www.ourpresident.ir

امام و پرورش نیروهای انقلابی

در هنگامی که امام مبارزه را شروع کردند، من نمی‌توانم بگویم که مثلاً در سالهای چهل و یک و چهل و دو ایشان کادرهای لازم را داشتند؛ لیکن امام کادرسازی می‌کردند. شما توجّه دارید که امام یک فرد جا افتاده علمی در حوزه علمیّه قم بودند و اطراف ایشان را جمعی از جوانان لایق و مؤمن احاطه کرده بودند. با قشرهای دیگر هم ایشان ارتباط داشتند. امام با پیامهای خود، با بیانهای خود، به معنای حقیقی کلمه، انسانها را تربیت و تصحیح می‌کردند؛ هم تربیت فکری، هم تربیت روحی و اخلاقی. یک کادر برجسته و لایق، کسانی نیستند که لزوماً درس مدیریّت یا دوره علوم سیاسی را گذرانده باشند؛ کسانی هستند که هدفها را خوب بفهمند، راهها را خوب تشخیص دهند، بتوانند خوب تصمیم بگیرند و خوب اقدام کنند. این با تربیتهای مداوم انجام می‌گیرد. این کاری بود که به طور طبیعی در مجموعه امام و به‌وسیله آن بزرگوار انجام می‌شد؛ نه در کلاس درس بخصوصی، بلکه با برخوردها، با رفتارها، با پیامها و با اصلاحها. ولی از این مهمتر، امام یک

www.ourpresident.ir

کادرسازی در سطح ملّت کردند. کادرسازیهای امام هم، غیر از کادر سازیهای حزبی بود. احزاب می‌نشینند اشخاصی را به‌طور خاص تربیت می‌کنند، برای این که مثلاً فلان شغل و فلان‌کار را به اینها بدهند؛ اما امام جوانان را تربیت می‌کردند و به آنها روحیه خودباوری می‌دادند. از اوّل هم امام روی جوانان تکیه بخصوصی داشتند و همین هم شد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه‌ی فجر ـ ۷۷/۱۱/۱۳

www.ourpresident.ir

انتخابات نمایشی مجالس دوران طاغوت

یک نکته این است که گفتن این حرفها که مجلس مرکز آراءِ مردم است، مظهر اراده مردم است، اداره کننده‌ی حقیقی کشور در سایه قوانین است، یک مرحله است؛ عمل به اینها و تحقّق اینها یک مرحله‌ی دیگر است. آنچه ما در جمهوری اسلامی به آن سرافرازیم، این دومی است، و الاّ در همه جای دنیا و در همه‌ی زمانها این حرفها گفته می‌شود. زمانهای بعد از مشروطیت، در همین کشور ما هم این حرفها بود. می‌گفتند مجلس، می‌گفتند قانون، می‌گفتند انتخاب؛ لیکن میان حقیقت و آنچه که اتّفاق می‌افتاد و واقعیت امر بود، با آنچه که گفته می‌شد، فاصله‌های زیادی وجود داشت. مردم ما حقیقتاً از دوران مشروطیت تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور خود را در اداره کشور به شکل قانونگذاری تجربه نکرده بودند؛ شاید یک یا دو دوره دو ساله در اوایل کار مجلس شورای ملی ـ مثلاً دوره دوم، سوم؛ آن هم با مناقشات و خدشه‌هایی ـ تا حدودی این معانی را با خود داشت؛ اما آنچه بود، حرف بود؛ برروی کاغذ بود؛ در امواج هوا بود، یواش یواش همان هم

www.ourpresident.ir

نبود! این‌طوری است که وقتی انحراف عمیق شود، مردم خودشان را ملزم هم نمی‌دانند که حتّی در زبان هم نام حقیقت را بیاورند؛ خطر این‌جاست. در دوره قبل از پیروزی انقلاب، این‌گونه بود.

در سالهای متمادی دیگر، حتی اسمی از آراءِ مردم و ادّعا و افتخار به این حرفها هم دیگر باب نبود؛ همه‌چیز صوری و دروغین بود؛ مصنوعی و ساختگی بود؛ هم در دوران دیکتاتوری صریح، که عبارت بود از دوران رضاخانی و اواخر دوران محمّدرضا؛ هم در دوران میانه که یک مقدار پوشیده و خفی بود، مردم رأیی نداشتند، مجلس وجود نداشت، نماینده‌ای نبود؛ دستوری و فرمایشی بود. انسان وقتی تاریخ آن دوره را می‌خواند ـ حالا برهه‌ای را که خود ما در این اواخر شاهدش بودیم، و نیز آن قبلیها را هم وقتی انسان می‌خواند ـ می‌بیند که چگونه بوده است. از مدّتی قبل از آن که وقت انتخابات شود، انتخابات فراهم می‌کردند؛ کار محافل شروع می‌شد؛ اصرارها، التماسها، تقرّبها، خوش‌رقصیها؛ برای این که خود را در لیست دولت داخل کنند؛ صریح می‌گفتند لیست دولت، لیست دربار؛ حیا هم نمی‌کردند!

بیانات در دیدار با نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی ـ ۷۸/۳/۱۰

www.ourpresident.ir

نگاه امیدوارانه‌ی امام به دانشگاه و دانشجو

گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از رهبر کبیر انقلاب، حرکتی پرمعنی و نشانه‌ی پیوندی استوار میان جامعه‌ی دانشگاهی کشور با آرمانها و درسهای آن معلم خردمند و آن روح قدسی زمان است. این رابطه، یکسویه نیست. امام نیز از آغاز نهضت اسلامی و بویژه از آغاز دوران پیروزی، به دانشگاه و دانشجو بچشم رکنی مهم برای بنای آینده‌ی انقلاب و کشور مینگریست و اهتمامی که از ایمان و عشق و حکمت، منشأ گرفته بود، بدان میگماشت. در نظر امام، دانشگاه نه تنها مرکزی برای فراگرفتن دانش، که عرصه‌یی برای پرورش اصیلترین نیروهای اداره‌ی کشور بود و دانشجو نه فقط جوانی طالب علم، که مظهر شور و نشاط و خلاقیت و آرمانگرایی.

نقش آفرینی دانشجو و دانشگاه، چه در دوران مبارزات اسلامی و چه در مقابله با فتنه‌ی گروهکها پس از پیروزی انقلاب، و سپس در سالهای دفاع مقدس، درستی نگاه امام راحل به دانشگاهیان را به اثبات رسانید و همتی

www.ourpresident.ir

را که آن حکیم فرزانه بر بنای دانشگاه مستقل، مبتکر، پیشرو و پایبند به ارزشهای اسلام و انقلاب، گماشته بود، موجّه ساخت.

کسانی که پیش از دمیدن جمهوری اسلامی، پنجاه سال سیاستگذاری و سرپرستی دانشگاه کشور را بر عهده داشتند، در جهتگیریهای خود نقطه‌ی مقابل راهی را که انقلاب در برابر دانشگاه گذاشت، دنبال میکردند. دانشگاه مطلوب آنان دانشگاهی بود که نه تنها در علم، بلکه در فکر و فرهنگ و نیز در آرزوها و پسندها، وابسته و دست‌آموز و پیرو غرب باشد. تاثیرپذیری و تبعیت بی‌چون و چرا از فرضیه‌ها و نظریه‌های رائج در غرب، آنهم نه فقط در علم وفناوری، بلکه حتی‌در اخلاق و سیاست و هنر و رفتار و آداب زندگی، شاخصه‌ی اصلی دانشگاهی بود که نظام وابسته و فاسد پهلوی میپسندید و آن را برنامه ریزی و اجرا میکرد، و دانشگاه در برنامه‌ی کلان آن رژیم، باید جلودار حرکت ایران به سمت سلب هویت اسلامی و ملی خویش میشد.

بی‌شک بخش مهمی از گناه عقب‌ماندگی علمی کشور در دوران بیش از پنجاه سال حکومت رژیم فاسد همچون سهم بزرگی از بی‌لیاقتی کارگزاران آن رژیم که در سایه‌ی چنین تفکری پرورش یافته بودند، بر دوش کسانی است که دانشگاه کشور را آنگونه می‌خواستند و برای آن برنامه ریزی میکردند.

انقلاب اسلامی، جهتگیری دانشگاه را یکسره دگرگون کرد و خودباوری، و ابتکار، و استقلال، و پایبندی به ارزشهای اسلامی، و جهاد علمی، و آزادی از اسارت و تبعیت، را جهت اصلی آن قرار داد.

پیام به گردهمائی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی ـ ۷۸/۳/۱۲

www.ourpresident.ir

درسهای همیشه ماندگار امام

نکته‌ای که در این‌جا باید مورد توجّه باشد، این است که تجلیل از امام بزرگوار ما فقط به‌عنوان یک قدردانی و تجلیل از گذشته نیست، بلکه به معنای اصرار و پافشاری بر آن خطّ و راهی است که امام بزرگوار با انقلاب خود، با قیام خود، با سیره خود، با درسهای خود، با وصیتنامه خود، برای ملّت ایران و همه مسلمانان عالم باقی گذاشت. امام به‌عنوان یک الگو، به‌عنوان یک معلّم، به‌عنوان یک رهبر، در ذهن ما و در واقعیت جامعه ما حضور دارد. جسم او نیست، اما فکر او هست، راه او هست، درس او هست و این درس، همان چیزی است که ملّت ایران و همه مسلمانان عالم به آن احتیاج دارند؛ دیروز هم احتیاج داشتند، امروز هم احتیاج دارند. لذا درس امام زنده است، راه امام زنده است، خطّ امام زنده است، انگشت اشاره امام جلوِ چشم همه است. اگر ما بخواهیم این درس را برای مسلمانان عالم خلاصه کنیم، این خلاصه عبارت است از بازگشت به اسلام ناب؛ اسلامی که می‌تواند برای مردم و ملّتها همه چیز را به ارمغان آورد.

www.ourpresident.ir

اسلام به ملّتها استقلال و آزادی می‌دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان ـ آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالتها، آزادی از تعصّبهای جاهلانه و کج فکریها ـ و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. اسلام به ملّتها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفّه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به‌دست می‌آید. امروز گرفتاریهای ملّتهای مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرتهای مسیطر و مستکبری است که از آن سوی دنیا بر ملّتهای مسلمان حکم می‌رانند؛ در زندگی آنها دخالت می‌کنند؛ آنها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه می‌دارند؛ از ثروتهای آنها به شکل نامشروعی استفاده می‌کنند. نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن حیثیّت انسانی، عقب ماندگی علمی و عقب ماندگی در شؤون زندگی، از دیگر گرفتاریهای ملّتهای مسلمان است. همه این گرفتاریها به برکت بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام، به برکت حاکمیت اسلام برطرف می‌شود.

پیام امام بزرگوار ما به مسلمانان این بود: طرد اجانب، طرد دشمنان مسلمین و دشمنان اسلام. امروز هم گرفتاریها اینهاست. ملّت ایران این راه را آزمایش کرده و خود را از ذلّت، از عقب ماندگی، از تبعیّت قدرتها نجات داده است. ما ادّعا نمی‌کنیم که توانسته‌ایم نظام اسلامی کامل را در کشورمان به‌وجود آوریم؛ اما ادعا می‌کنیم که در این راه تلاش کرده‌ایم و تا آخر برای تحقّق حاکمیت کامل اسلامی مجاهدت و تلاش خواهیم کرد. ملّت ایران

www.ourpresident.ir

در مقابل تهدید قدرتها عقب‌نشینی نمی‌کند. ملّت ایران و مسؤولان کشور، توصیه‌های امام را، توصیه‌های بزرگ و راهگشایی برای خودشان می‌دانند. نظام اسلامی این است، خطّ اسلامی این است.

بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۷۸/۳/۱۲

www.ourpresident.ir

ابعاد برجسته‌ی شخصیت امام

۱. تقوا

خصوصیت امام بزرگوار ما رعایت تقوا بود. همه شما تقوا را دستورالعمل زندگی خود قرار دهید، تا همچنان که ابواب رحمت الهی بر روی آن مرد بزرگ باز شد، بر روی ما هم باز شود. تقوا، رحمت و هدایت الهی را متوجّه فرد و جامعه باتقوا می‌کند. دستورالعمل اوّل و آخر پیامبران و جانشینانشان، تقوای الهی است.

در خطبه اوّل در نظر دارم آن درکی را که در طول زمان به عنوان یک شاگرد و پیرو این مرد بزرگ احساس کردم و دیدم و لمس کردم، به شما عزیزان ـ بخصوص جوانان ـ منتقل کنم. درباره امام خیلی حرف زده‌ایم. همه، از دوستان، از دشمنان، از ایرانی و غیر ایرانی و مسلمان و غیر مسلمان، از این مرد بزرگ تجلیل کردند. در اینها هیچ حرفی نیست. عظمت و جلالت و شأن او برای همه مسلّم است؛ اما این یک امر اجمالی است. من فکر می‌کنم نسل جوان ما ـ که امروز با قدرت و نشاط راه افتخار و عزّتی را که

www.ourpresident.ir

این مرد بزرگ در مقابل ما باز کرد، طی می‌کند ـ مایل است از امام خود چیزهای بیشتری بداند. من دریافتهای خودم را عرض می‌کنم؛ یعنی آنچه را که به مرور زمان در طول حدود سی‌سال که امام را از نزدیک شناختیم در او دیدیم و در هر برهه، مظهری و بُعدی از ابعاد این شخصیت عظیم را مشاهده کردیم. از این سی‌ویک سال ـ که از دوران جوانی بنده تا رحلت آن بزرگوار طول کشید ـ البته چهارده سال ایشان در تبعید بودند و ما به ظاهر از ایشان دور بودیم؛ اما در فضای ذهن و مسیر امام بودیم و از او جدا نبودیم. همان چهارده سال هم در واقع با امام بودیم.

یک نکته را به شما عزیزان عرض کنم. درست است که شاگردان امام و آشنایان با امام، امام را در حدّ بالایی با عشق و محبّت دوست می‌داشتند؛ اما آنچه درباره امام گفته شده است، منشأش محبّت نیست؛ محبّت منشأش آن خصوصیّاتی است که در امام بود. نکته دوم این است که این شخصیت دارای ابعاد گوناگون، هیچ اصرار و عجله‌ای نداشت که آن زیباییها و درخشندگیهای وجود خود را به رخ کسی بکشد. هر وقت هر جا تکلیف شرعی او را وادار به حرکتی کرد، بُعدی از ابعاد او آشکار شد. من از سال ۳۷ شروع می‌کنم؛ سالی که خودم به قم رفتم و اوّل‌بار امام را از نزدیک دیدم؛ البته قبل از آن در مشهد شنیده بودیم که در قم یک مدرّس و استاد بزرگی هست که جوان‌پسند و برجسته است. طلبه جوانی که به قم وارد می‌شود، دنبال استاد می‌گردد. در حوزه‌های علمیه، انتخاب استاد، اجباری نیست و هر کس طبق پسند و سلیقه خود، استاد را انتخاب می‌کند. استادی که طلّاب جوان و مشتاق را در وهله اوّل به خود جلب می‌کرد، همین مردی بود که آن روز در میان شاگردانش به عنوان «حاج‌آقا روح‌الله» شناخته می‌شد. مجموعه جوانان فاضل و درسخوان و پُرشوق در محفل درس او جمع بودند. ما در چنین فضایی وارد قم شدیم.

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

۲. تبحّر علمی در فقه و اصول

او مظهر نوآوری علمی و تبحّر در فقه و اصول بود. بنده قبل از ایشان استاد بزرگی را در مشهد دیده بودم ـ یعنی مرحوم آیةالله میلانی ـ که از فقهای برجسته بود. در قم هم همان وقت رئیس حوزه علمیه قم ـ که استاد امام هم بود؛ یعنی مرحوم آیةالله العظمی بروجردی ـ حضور داشت؛ بزرگان دیگری هم بودند؛ اما آن محفل درسی که دلهای جوان و مشتاق و کوشا و علاقه‌مند به استعدادهای خوب را جذب می‌کرد، درس فقه و اصول امام بود. یواش یواش از قدیمی‌ترها شنیدیم که این مرد، فیلسوف بزرگی هم هست و در قم درس فلسفه او، درس اوّل فلسفه بوده است؛ لیکن حالا ترجیح می‌دهد که فقه تدریس کند. شنیدیم که این مرد، معلّم اخلاق هم بوده است و کسانی در درس اخلاق او شرکت می‌کردند و او به تقویت فضایل اخلاقی در جوانان همّت می‌گماشته است. در خلال درس در طول سالها، این را ما از نزدیک هم مشاهده کردیم. اما تا این‌جا شخصیت این مرد بزرگ ـ که باطن او سرشار از خصوصیات ناشناخته بود ـ برای اکثر مردم در آن روز فقط به عنوان یک استاد عالم و شاگردپرور و یک تهذیب‌کننده اخلاق طلّاب و شاگردان شناخته می‌شد.

در سال ۱۳۴۰ مرحوم آیةالله بروجردی ـ مرجع تقلید ـ درگذشت. مراجع بزرگواری بودند که مطرح شدند و دوستانشان نام آنها را می‌آوردند. این‌جا صحنه‌ای شد برای این‌که این مرد ـ امام بزرگوار ـ به همه نشان دهد این درس اخلاقی که می‌گفته است، فقط زبانی و به قصد یاد دادن به دیگران نبوده است؛ بلکه خود او اوّلین عامل به درسهای تهذیب نفس است. همه دیدند، همه فهمیدند و تصدیق کردند که این مرد از مقام و از مطرح شدن برای ریاست ـ حتّی اگر آن ریاست، مرجعیّت باشد که یک ریاست روحانی و معنوی است ـ رویگردان است و برای مقام و منصب و رتبه و شخصیت،

www.ourpresident.ir

هیچ‌گونه تلاشی نمی‌کند؛ بلکه اگر دیگران هم بخواهند برای مطرح‌کردنش تلاش کنند، تا آن‌جایی که بتواند، مانع می‌شود.

۳. هوشیاری و تیزفهمی

بعد از گذشت حدود یک سال‌ونیم از فوت مرحوم آیةالله بروجردی، نهضت اسلامی شروع شد. در نیمه دوم سال ۱۳۴۱، بُعد دیگری از ابعاد این شخصیت آشکار شد و آن، هوشیاری و تیزفهمی و توجّه به نکاتی که غالباً به آن توجّه نمی‌کردند، از یک طرف، و غیرت دینی از طرف دیگر بود. خیلیها شنیدند که تصویب‌نامه دولت در آن زمان، قید مسلمان بودن و سوگند به قرآن برای فرد منتخب را حذف کرده است؛ اما خیلی توجّه نکردند که این چقدر اهمیت دارد! درعین‌حال خیلی اهمیت داشت؛ دلیل هم این بود که با آن‌که مجلس شورای ملیِ آن زمان، مجلس فرمایشی بود ـ خودشان آن را تشکیل می‌دادند و فقط نامزدهای مورد قبول خودشان به آن‌جا می‌رفتند؛ در واقع انتخاب مردم وجود نداشت و انتصاب بود ـ با وجود این، آن رژیم جرأت نکرد آن مقرّرات مربوط به انجمنها و این مسأله اسلام را در وقتی که مجلس سرِپا بود، مطرح کند. ترسیدند منعکس شود؛ گذاشتند در غیاب مجلس! مجلس را در آن وقت منحل کرده بودند؛ مجلس نبود؛ در محیط دربسته‌ای آن را تصویب کردند! این نشان می‌داد که پشت سرِ این قضیه، حرفهای فراوان و مقاصد زیادی هست. این را کسی نمی‌فهمید؛ اما امام این را فهمید و ایستاد. غیرت دینی او، او را وادار کرد که در این مسأله پیشقدم شود و مبارزه برای این زاویه علی‌الظّاهر کوچکِ ضدّ اسلامی را شروع کند و این کار را هم کرد.

۴. عمل به تکلیف

در همین‌جا یک نکته مهم وجود دارد: امام بزرگوار حتّی در میدان مبارزه

www.ourpresident.ir

هم نخواست جلو بیفتد. خود ایشان برای ما نقل کرد که در اوّل شروع نهضت، در منزل مرحوم آیت‌الله حائری، با یک نفر از مراجع معروفِ وقت آن زمان، و از همدوره‌های خودشان صحبت می‌کرد و به ایشان گفته بود شما جلو بیفتید، ما هم دنبال شما حرکت می‌کنیم. امام مقصودش این بود که تکلیف انجام بگیرد؛ آن فریضه‌ای را که بر دوش خود احساس می‌کرد، انجام دهد؛ جلو افتادن مطرح نبود. البته دیگران آن‌قدر توانایی و جرأت ورود در این میدان را نداشتند و به امام نمی‌رسیدند. امام به طور طبیعی رهبری و سررشته‌داری این حرکت را برعهده داشت؛ این مبارزه را شروع کرد و به مردم تکیه نمود. تا آن روز هیچ کس از بزرگان حوزه‌های علمیه و مراجع حدس نمی‌زد که یک حرکت دینی، آن هم در آن دوران اختناق، این‌گونه بتواند پشتیبانی مردم را جلب کند؛ اما امام در همان روز گفت من به پشتیبانی این مردم حرکت می‌کنم؛ مردم را به این بیابان قم دعوت می‌کنم. او می‌دانست که اگر مردم را دعوت کند، از همه ایران جمع می‌شوند و یک اجتماعِ عظیمِ غیرقابل علاج برای دولت آن وقت و رژیم فاسد به وجود می‌آورند.

۵. قدرت و شجاعت رهبری و سیاسی

در این‌جا بُعد جدیدی از شخصیت این مرد آشکار شد؛ بعد قدرت رهبری، شجاعت سیاسی، آشنایی با ریزه‌کاریهای کارهای دشمن، هوشیاری نسبت به هدفهای دشمنان؛ این بُعد در عمل آشکار شد. سال ۴۲ ـ یعنی سال دوم مبارزه ـ رسید که سال شدّت عملها و فشارها و کشتارها بود. آن‌جا امام مثل خورشیدی در آسمانِ امیدهای ملّت ایران ظاهر شد. در موضع یک مرد فداکار و یک آتشفشان؛ کسی که همه احساسات لازم برای یک مرد جهانی، یک مرد میهنی، یک مرد اسلامی در او جمع است؛ شجاعت لازم را دارد،

www.ourpresident.ir

قدرت بسیج عظیم مردم را دارد، صراحت لازم را دارد؛ چه در اوّل سال ۴۲ که ماجرای حمله کماندوها به مدرسه فیضیه و حوزه قم پیش آمد و چه در پانزده خرداد سال ۴۲ که عظمت امام در آن‌جا آشکار شد. ملّت ایران ناگهان احساس کرد که پشت و پناهی دارد؛ قلّه عظیمی وجود دارد که می‌تواند به او چشم بدوزد و به آن توجّه کند. امام در پانزده خرداد این‌گونه در صحنه ظاهر شد.

۶. فداکاری و خطرپذیری

بعد از این ماجرا، زندان و تبعید و فشارهای فراوان وجود داشت و امام در آن روز جوان نبود. برای ما که آن روز جوان بودیم، زندان رفتن و ماجراهای مشکلی که پیش می‌آمد، خیلی سخت نبود؛ بیشتر شبیه یک سرگرمی بود؛ اما امام در آن سال ـ در سال شروع مبارزه ـ شصت‌وسه ساله بود. در شصت‌وسه سالگی، این مرد با جوشش احساس خود می‌توانست احساسات یک ملّت را به جوشش آورد. زندان رفتن و تبعید شدن برای کسی در آن سنین، کار آسانی نبود؛ اما این فداکاری و از خودگذشتگی و خطرپذیری در این مرد آشکار شد. این هم بُعد جدیدی بود؛ یعنی مردی که در راه آرمانهای بزرگ و در راه تکلیف شرعی، هیچ مشکلی نمی‌توانست مانع راه او بشود. این جریان، درسال ۴۲ و ۴۳ به تبعید چهارده ساله امام، اول به ترکیه و بعد هم به عراق منتهی شد.

۷. طرّاحی نظام اسلامی

در دوران تبعید امام، ابعاد تازه‌ای از شخصیت این مرد کم‌نظیر و حقیقتاً استثنایی در زمان ما بروز کرد؛ چیزهایی که انسان در زندگی شخصیتهای بزرگ، بعضی از آنها را به‌ندرت مشاهده می‌کند. اوّلاً او در موضع یک طرّاح

www.ourpresident.ir

فکری ـ و به قول معروفِ مذاکراتِ سیاسی، یک تئوریسین ـ قرار می‌گیرد که طرح یک حکومت را، طرح یک نظام را، طرح یک بنا و دستگاه جدید را می‌ریزد؛ آن هم طرحی که هیچ‌گونه سابقه موجود و محسوسی در مقابل چشم ندارد. بنای اسلامی، با توجّه به نیازهای دنیای جدید و مسائلی که در دنیا مطرح است؛ ترکیب این مسائل، می‌شود طرّاحی یک نظام. ثانیاً این مرد با این‌که در ایران نبود، اما از راه دور، مدت چهارده سال قضایای مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در ایران را به معنای واقعی کلمه رهبری کرد. در طول این مدت چهارده سال و بخصوص چند سال اخیر ـ یعنی از سالهای ۵۰ و ۴۹ تا ۵۴ و ۵۵ ـ شدّت اختناق و فشار زیاد بود. گروهها، گروهکها، احزاب سیاسی گوناگون، مخفی، مبارز، سیاسی، غیرسیاسی به‌وجود می‌آمدند و همه در زیر فشارهای رژیم مضمحل می‌شدند و از بین می‌رفتند و یا بی‌خاصیت می‌شدند. با این که بعضی از آنها پشتیبانهای سیاسی بین‌المللی هم داشتند؛ به بلوک شرق و غرب ـ بخصوص به شرق ـ متّصل بودند و از آن جا هدایت و کمک می‌شدند، اما نهضت امام متّکی به تشکیلات حزبی نبود. امام هیچ تشکیلات حزبی در داخل کشور نداشت؛ عدّه‌ای شاگردان و دوستان و آشنایان به فکر او و متن مردم بودند. امام هم وقتی در اعلامیه‌ها پیام می‌داد، مخاطب او، آن عده دوستان و آشنایان مخصوص او نبودند؛ مخاطب او، متن مردم بودند. او با متن مردم و توده مردم حرف می‌زد و آنها را هدایت می‌کرد و توانست در طول چهارده، پانزده سال، از راه دور این مایه فکر اسلامی و نهضت اسلامی را اوّلاً در ذهنها عمیق کند، ثانیاً در سطح جامعه توسعه دهد؛ دلهای جوانان و ذهنها و ایمانها را به آن متوجّه کند، تا زمینه برای آن انقلاب عظیم آماده شود. خیلیها در داخل کشور کارهای بزرگ و مخلصانه و فداکارانه‌ای انجام می‌دادند، اما اگر مرکزیّت امام نبود، هیچکدام از این کارها نبود؛ همه این تلاشها شکست می‌خورد و همه این انسانها از نفس می‌افتادند.

www.ourpresident.ir

آن کسی‌که از نفس نمی‌افتاد، او بود و دیگران هم به نیروی او قوّت و نیرو می‌گرفتند. بعد هم هدایت حقیقی یک حرکت انقلابی و یک نهضت بزرگ در طول مدت چهارده سال و عبور دادن آن از آن همه عقبات گوناگون توسط آن بزرگوار بود. طوری شد که افکار غیراسلامی و ضدّ اسلامی به انزوا گراییدند و به حاشیه رانده شدند؛ روزبه‌روز فکر اسلامی و این تفکّر منطقی و مستحکم و قوی، غلبه خود را بر افکار دیگر ثابت و آشکار کرد. در همه قضایای مهم، حضور امام محسوس بود. در سال ۱۳۴۷، امام در نجف ـ مرکز فقاهت ـ فکر «ولایت فقیه» را با اتّکاء به مایه‌های محکم فقهی از آب درآورد.

البته «ولایت فقیه» جزو مسلّمات فقه شیعه است. این که حالا بعضی نیمه‌سوادها می‌گویند امام «ولایت فقیه» را ابتکار کرد و دیگر علما آن را قبول نداشتند، ناشی از بی‌اطّلاعی است. کسی‌که با کلمات فقها آشناست، می‌داند که مسأله «ولایت فقیه» جزو مسائل روشن و واضح در فقه شیعه است. کاری که امام کرد این بود که توانست این فکر را با توجّه به آفاق جدید و عظیمی که دنیای امروز و سیاستهای امروز و مکتبهای امروز دارند، مدوّن کند و آن را ریشه‌دار و مستحکم و مستدل و باکیفیت سازد؛ یعنی به شکلی درآورد که برای هر انسان صاحب نظری که با مسائل سیاسی روز و مکاتب سیاسی روز هم آشناست، قابل فهم و قابل قبول باشد.

۸. عظمت روحی

عزیزان من! در ایران، در آن دوران چهارده ساله ـ بخصوص در این سالهای آخر ـ مبارزان اسلامی احساس تنهایی نمی‌کردند؛ همیشه احساس می‌کردند که امام با آنها مرتبط و متّصل است. در ماجرای درگذشت فرزندش، یک بُعد دیگر از ابعاد این شخصیت عظیم آشکار شد. خیلیها بزرگند، عالمند،

www.ourpresident.ir

شجاعند؛ اما آن کسانی‌که این عظمتها در درون عواطف و در زوایا و اعماق دل آنها امتداد داشته باشد، خیلی زیاد نیستند. مرد مسنّی در سنین نزدیک به هشتاد سال در آن زمان، وقتی که فرزند فاضل و برجسته‌اش از دنیا رفت ـ که در واقع پسر او هم یک پسر برجسته و یک فاضل و یک عالم ممتاز و یک امید آینده بود ـ جمله‌ای که از او نقل شد و شنیده شد، این بود که «مرگ مصطفی از الطاف خفیه الهی است»! او این را مهربانی الهی و لطف پنهانی خدا تلقّی کرد؛ این‌طور فهمید که خدا به او لطف کرده است؛ آن هم لطفی پنهانی! ببینید چقدر عظمت می‌خواهد در یک انسان! این مصیبتها و این سختیها و این شدّتهایی که در دوران انقلاب بر این مرد بزرگ وارد آمد و او مثل کوه استواری آنها را تحمّل کرد، ریشه‌اش در همین عظمت روحی است که در مقابل مرگ عزیزی این‌چنین، چنین برخوردی پیدا می‌کند. بعد هم قضیه تبعید ایشان از عراق و شروع هجرت آن بزرگوار به کویت و سپس به فرانسه بود؛ که فرمود اگر به من اجازه اقامت در کشوری ندهند، فرودگاه به فرودگاه خواهم رفت و پیامم را به همه دنیا خواهم رساند. آن عظمت، آن شجاعت، آن شرح صدر، آن استقامت کم‌نظیر، آن قدرت رهبری الهی و پیامبرگونه، باز خودش را در این‌جا نشان داد. این هم بُعد جدیدی از ابعاد شخصیت آن بزرگوار بود. بعد هم که جریانِ آمدن ایشان به ایران و مواجهه با آن قضایا و تشکیل نظام جمهوری اسلامی بود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۷۸/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

انقلاب، امری واقعی و مثبت

انقلاب، یک امر ذهنی و فکری و خیالی نیست؛ یک امر واقعی است. انقلاب، یک حرکت عمومی است؛ راهی است که این ملّت می‌رود برای این که خود را به رستگاری حقیقی و به سعادت برساند و خود را از گرفتاریهای مشترک کشورهای تحت ستم امروز دنیا خلاص کند. انقلاب می‌خواهد این ملّت و این کشور را عزیز، سربلند، مرفّه، دارای برجستگیهای مادّی و معنوی، برخوردار از تعالی و تکامل مادّی و معنوی کند. انقلاب می‌خواهد سلطه بیگانگان را رفع و فرودستی و ذلت را که مدّتی سعی داشتند بر این کشور و براین ملّت تحمیل کنند، ریشه‌کن کند؛ بدبختیهایی را که تسلّطهای بیگانگان و دشمنان به‌وجود آورده است، زایل و اثرزدایی نماید. این، انقلاب است؛ علی‌رغم کسانی که سعی کردند اسم انقلاب و مفهوم انقلاب و هویّت انقلاب را در طیّ تبلیغات مغرضانه خودشان بد معرفی کنند و سعی کردند کاری کنند که مفهوم انقلاب، اوّل از یک مفهوم درخشان و پرجاذبه و عزیز، به یک مفهوم عادّی و بعد اگر توانستند به یک مفهوم منفی تبدیل شود.

www.ourpresident.ir

تلاشها برای این است. حتّی کسانی پیدا شدند برای این که با استفاده از خطّی که دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب و ایران می‌دادند، این طور وانمود کنند که اصل مفهوم انقلاب، یک مفهوم منفی است! بله؛ البته انقلاب برای کسانی که سالهای متمادی بر یک کشور، پنجه انداختند، بزرگترین بلاست ـ برای آنها منفی‌تر از انقلاب، هیچ چیزی نیست ـ اما ملتی که می‌خواهد خود را از چنگال سلطه صدساله و صدوپنجاه ساله مادّی و معنوی، فرهنگی و اقتصادی نجات دهد، انقلاب، علاج و شفابخش، نعمت الهی و تنها راه است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ ۷۸/۶/۲۴

www.ourpresident.ir

بازخوانی شخصیت حضرت امام خمینی(ره)

ملت عزیز ایران:

در هر یک از کشورهای جهان و در هر زمان، هر گاه انسانی با دانش و خردمندی و اندیشه‌ی بلند، یا با پرهیزگاری و پارسائی و ایمان استوار، یا با شهامت و دلیری و همّت والا، یا با زیرکی و تیزبینی و پختگی سیاسی، قدم در میدان کاری بزرگ بگذارد و پایدار و صبور، هدف مقدّسی را دنبال کند، بی‌تردید کشور و ملّت خود و گاه بشریت را به افتخارات بزرگ و پیشرفتهای ماندگار خواهد رسانید. همه‌ی کسانی که نامشان در فهرست نام‌آوران تاریخ قرار گرفته است به برخی از این ویژگی‌ها آراسته بوده‌اند.

امّا نام‌آور بزرگ دوران معاصر یعنی امام روح‌الله خمینی همه‌ی این ویژگی‌ها را با هم، آنهم در نصابی معمولاً دست نیافتنی و کم نظیر داشت. او دانشمندی پارسا، و خردمندی پرهیزگار، و حکیمی سیاستمدار، و مؤمنی نواندیش، و عارفی شجاع و هوشمند، و فرمانروائی عادل، و مجاهدی فداکار بود.

www.ourpresident.ir

او فقیه، و اصولی، و فیلسوف، و عارف، و معلّم اخلاق، و ادیب، و شاعر بود، برترین کرسی تدریس و فشرده ترین و گرمترین مجمع علمی حوزه در طول سالیان دراز به او تعلق داشت.

در او، خصلتهای برجسته‌ی خداداد، در آمیخته با آنچه او خود از معارف قرآنی آموخته و دل و جانش را به آن زیور داده بود، شخصیت عظیم و جذّاب و تأثیرگذاری پدید آورده بود که هر یک از چهره‌های برجسته‌ی یکقرن اخیر جهان ـ که قرن رجال بزرگ و مصلحان نام‌آور دینی و سیاسی و اجتماعی است ـ در برابر آن کم جاذبه و یک بعدی و کوچک به نظر می‌آمدند.

کاری که او بدان همت گماشت و با ایمان و توکّل و تدبیر و صبر خود بدان دست یافت، نیز به همان اندازه بزرگ و باورنکردنی و اعجاب‌انگیز بود.

شخصیت ممتاز و درخشان او در همه‌ی دوره‌های حیات سیاسی‌اش خیره کننده و منحصر به فرد بود، هم در آنروزی که از جایگاه مرجعیت دینی در قم، رژیم وابسته و فاسد پهلوی و حامیان مداخله‌گر آمریکائی آن را با نهیب پیامبرانه‌ی خود به مبارزه طلبید و ظلم و استبداد و زراندوزی و دین‌ستیزی شاه و دستیارانش را دستخوش طوفان خشم ملّت ساخت، و هم در آن هنگام که پس از مبارزه‌ی فشرده و پر محنتِ پانزده ساله، توانست با جهاد عظیم ملّت ایران، نظام اسلامی را بر سر کار آورد و رژیم خائن و فاسد و بی‌کفایت را ریشه‌کن سازد.

در همه حال، او همین قلّه‌ی ایمان و شجاعت و فداکاری را در کنار ژرفای حکمت و تدبیر و خردمندی، در وجود گرانبهای خود به نمایش نهاد.

او ایران را بدرستی می‌شناخت: از سوئی موقعیت حساس و تعیین

www.ourpresident.ir

کننده‌ی جغرافیائی و جفرافیای سیاسی آن، استعداد انباشته‌ی طبیعی و انسانی آن، دلبستگیها و هدفها و آرزوهای بزرگ آن، و از سوئی تاریخ محنتبار صدو پنجاه سال اخیر آن، سلطه‌ی بیگانگان و غارتگران بر آن، خیانت و فساد و خودکامگی خاندان پهلوی و هزار فامیل وابسته به آن، فقر و عقب‌ماندگی علمی و صنعتی و اخلاقی تحمیل شده بر آن و برتر از همه، ملّت بزرگ و ریشه‌دار و رشید و با ایمان آن.

با وضع جهان و ملّتهای استعمار شده و دولتهای مستکبر و نسل جوان حیرتزده و تشنه‌ی حقیقت، بویژه وضع اسفبار کشورهای مسلمان و امت اسلامی نیز آشنا و بخاطر آن دردمند بود و مسئله‌ی غمبار فلسطین روح با عظمت او را می‌آزرد.

احساس وظیفه‌ی دینی، او را وارد میدان مبارزه‌ئی بزرگ و تاریخی کرد که هرگز بجز مردان استثنائی تاریخ در آن قدم ننهاده و بجز معدودی از آن پیروز بیرون نیامده‌اند.

او به نجات ایران از چنگال رژیم فاسدی که عقب‌ماندگی و انحطاط و فقر اقتصادی و اخلاقی و علمی را بر آن تحمیل کرده بود می‌اندیشید و راه یگانه‌ی آن را بازگشت به اسلام، و ایجاد نظام سیاسی اسلام در کشور، و حکومت ارزشهای الهی تشخیص داد.

با گشودن این راه، الگوئی زنده در برابر امت اسلامی نهاد، و جریان تازه‌ئی در دنیای اسلام پدید آورد که احیاء دوباره‌ی هویّت اسلامی در میان مسلمانان، اولین محصول مبارک آن بود.

مبارزه‌ی خود را از قدم اوّل به کمک قشرهای وسیع مردم با نام خدا آغاز کرد، با آنان سخن گفت و ایمان و عقل و همت آنان را به یاری طلبید. هرگز به سراغ احزاب و گروههای مدّعی نرفت و غالباً به انگیزه‌های آنان با چشم تردید نگریست و از بند و بستها و بده بستانهای سیاسی آنان روی

www.ourpresident.ir

گردانید. با مردم همیشه صادقانه و دلسوزانه سخن گفت و چون معلّمی بصیر و راهنمائی بَلَد، در مسیر طولانی مبارزه، عقل و حکمت و معرفت خود را در اختیار راهروان نهاد.

هنگامیکه مبارزه‌ی ملّت ایران در میان ناباوری جهانیان به پیروزی رسید و ملّت ایران یکپارچه رهبری و زمامداری او را به جان پذیرفت او با رفتار و منش خود، بزرگترین تحوّل را در تاریخ سیاسی این کشور پدید آورد: یعنی سلطنت را که حکومت مستبدانه‌ی ستمگران و دنیاخواران بود به امامت که نهاد حکومت خدائی و مردمیِ بندگان خدا است تبدیل کرد. اقتدار و صلابت خود را با عدل و دادگری مزیّن کرد، و تفوّقِ همه کس پذیرِ خود را با عبودیت و خاکساری منوّر ساخت، و تمکّن و برخورداری را با زهد و پارسائی درمان کرد. راه خدا و بندگی خدا را لحظه‌ای رها نکرد و چون بار امانتی سنگین بر دوش داشت مراقبت روح خود را مضاعف ساخت. سخنِ از دل برخاسته و دلِ ذاکر و خاشع، و رفتارِ از دین الهام گرفته‌ی او، چشمه‌ی جوشانی از معرفت و حکمت و تدبیر الهی را بر فکر و ذهن ملّت ایران که عاشق صفا و معنویت او بودند، جاری ساخت و دولتمردان و مسئولان و آحاد مردم را برای مواجهه با انبوه دشمنی‌ها و دسیسه‌ها و حلّ کوه مشکلاتِ تحمیلی آماده و مجهّز کرد.

دوران دهساله‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، دوران پیدایش نظام سیاسی اسلام و احیاء هویت اسلامی در مسلمانان جهان و افراشته شدن پرچم اسلام در کشور ما است. دوران استقلال و آزادی ایران و عزّت و غرور ملّی و خیزش بیسابقه‌ی ملّت بسوی تعالی و ترقی است. دوران شور انقلابی و شعور سیاسی و حرکت برای حفظ کشور و سازندگی آن است. دوران سربلندیِ ایران در عرصه‌ی جهان و تأثیرگذاری بر حوادثِ بین‌المللی است. دوران آغاز راهی نو در تاریخ کشور ما است. با ادامه‌ی آن، ایران اسلامی به

www.ourpresident.ir

تعالی مادّی و معنوی دست خواهد یافت.

امام حکیم و خردمند، این راه را با نشانه‌هائی مشخص کرده است و آن را در دهها مناسبت و در ضمن صدها رهنمود راهگشا خطاب به مسئولان کشور و همه‌ی ملّت ایران، بروشنی نمایانده است.

پیام به مناسبت دهه‌ی بزرگداشت یکصدمین سال میلاد مبارک امام خمینی ـ ۷۸/۶/۳۱

www.ourpresident.ir

سه خصوصیت امام: دانایی، دینداری، دلیری

غیر از همه خصوصیاتی که در این بزرگوار بود، سه خصوصیت ممتاز در شخصیت او به شکل بسیار پیچیده و درهم‌تنیده‌ای، جذّابیت و تأثیر عجیبی در این مرد بزرگ به وجود آورده بود.

خصوصیت اوّل، عبارت از خردمندی و دانایی بود. او مردی دانا، خردمند، عاقل و عمیق بود. در او، به معنای حقیقی کلمه، جوهر دانایی وجود داشت؛ که:

هر که در او جوهر دانایی است بر همـــه کاریش توانایی است

لذا در هر جایی که از وجود او چیزی بروز کرد، نشانه این دانایی و خردمندی در آن دیده شد. در میدان دانشهای تخصّصیِ خود او ـ یعنی فلسفه، فقه، عرفان، اصول، اخلاق ـ همه جا این دانایی و عمق و این گوهر درخشانِ خردمندی بروز کرد؛ حرف نو و سخن تازه به میدان آورد و به تکرار سخن گذشتگان اکتفا نکرد.

خصوصیت دوم، دینداری و ایمانِ روشن‌بینانه بود. او متعبّد بود؛ اما

www.ourpresident.ir

تعبّدی دور از تحجّر و توقّف. او روشن‌بین و روشنفکر و نوآور در مباحث دینی بود؛ اما نوآوری دور از لاقیدیهای نوآوران. خیلیها در زمینه مسائل دینی، سخن نویی را به میدان می‌آورند؛ اما این سخن نو، نشانه‌ی لاقیدی و لاابالیگری آنها در وفاداری به متون اسلامی است؛ سخنِ آنهاست، نه سخن دین! روشن‌بینی و نوآوریِ امام، متّکی به دین و مبانی دینی بود؛ لذا آنچه را که در زمینه مسائل اعتقادی و اخلاقی و فقهی اسلام عرضه کرد و نو بود، آن‌چنان بود که متبحّرترین و واردترین کسانی که در این علوم و دانشها ورود داشتند، در مقابل آن اظهار تسلیم کردند و آن را به عنوان یک سخنِ بابنیاد پذیرفتند؛ نه به عنوان سخنی که متّکی به مبانی و اصول نیست. بنابراین، او متدیّن و متعبّد، اما درعین‌حال روشن‌بین و آگاه و به‌کار گیرنده خرد، با آفاق عظیم در مسائل اعتقادی و عملی بود؛ دینداری‌ای که به یادآورنده دینداریهای عصر نبوّت یا جلوه‌هایی از عصر معصومین علیهم‌السلام بود.

خصوصیت سوم، شجاعت و دلیری و جان‌نثاری او بود؛ آماده بود که در آن‌جایی که او حق می‌گوید و دنیا باطل می‌گوید، با آن دنیا مواجه شود. این‌که در یکی از بیانیه‌های خود فرمود «اگر استکبار جهانی دین ما را تهدید کند، ما هم همه دنیای او را تهدید خواهیم کرد» راست می‌گفت. می‌توانست در مقابل دنیایی بایستد؛ همچنان که آن روزی که این فریاد را در سال ۱۳۴۱ در قم بلند کرد، اوّلِ کار کسی با او نبود. البته فوراً بی‌فاصله، گروه گروه مردم مؤمن و دلهای پاک در همه جا به او گرویدند؛ اما اوّلی که وارد میدان شد، تنها وارد شد، تنها بود، احساس تنهایی هم می‌کرد؛ ولی این دلیری را داشت که وارد شود. انسان وارد میدانی شود که آن طرف قضیه، قدرتها و نیروهای نظامی و نیروهای امنیتی و داغ و درفش باشد، وجدان و دین و ملاحظه نباشد، پشتشان هم به سیاستهای جهانی و استکباری گرم باشد؛ وارد شدن

www.ourpresident.ir

در چنین میدانی، اوّلین شرطش این است که انسان از جان خود بگذرد و او از جان خود گذشته بود و برای پذیرفتن همه خطرها حاضر بود؛ یعنی برای او، جان و دیگرِ خصوصیّاتش اهمیت نداشت. بعضی‌کسان می‌گویند ما از جانمان گذشتیم؛ اما در مقام عمل که نگاه می‌کنید، از یک احترام خشک و خالی نمی‌گذرند؛ چطور از جان گذشتند؟! از یک پول و از یک لذّت و شهوت نمی‌گذرند؛ چطور از جان گذشتند؟! اما او راست می‌گفت؛ او حقیقتاً جان را کف دست داشت و آماده بود و به میدان آمد:

بسا باشد که مـــردی آسمانی　　بـه جانی بر فرازد لشکری را
نهد جان در یکی تیر و رهاند　　ز ننگ تیره روزی کشوری را

با این سه خصوصیتی که این‌گونه در وجود او درهم‌تنیده بود، وارد میدان شد. البته نقاط مثبت امام یک فهرست طولانی دارد؛ اما چون این سه خصوصیت به هم مرتبطند و تأثیرِ بارز و هماهنگ با یکدیگر دارند، لذا من این سه خصوصیت را انتخاب کردم.

او این میدان را طی کرد تا به نقطه نزدیک پیروزی ـ یعنی سال ۱۳۵۷ ـ رسید. امام حالا در مقابل حادثه عجیبی قرار گرفته است و آن، پیروزی نهضت اسلامی به پشتیبانی یک ملّت با همه وجودش است. آن پیروزی، نه فقط پیروزی بر یک رژیم فاسد و ارتجاعی بود، بلکه آن رژیم فاسد چون از پشتیبانیِ تقریباً همه قدرتهای استکباریِ آن روز برخوردار بود، این پیروزی، پیروزی بر همه آن قدرتهای استکباری به حساب می‌آمد. او می‌خواهد این مملکت را با سلیقه و نظر و نسخه اسلام اداره کند. در مقابل او چیست؟ کشوری که نزدیک دویست سال از جوانب گوناگون بر آن فشار آوردند تا همه خصوصیات ممتاز یک ملّت بزرگ را در آن بکوبند و ضعیف و سرکوبش کنند. اگر به تاریخ این دویست سال اخیر مراجعه کنید، عظمت

www.ourpresident.ir

کار امام را بهتر درمی‌یابید. من تأکید می‌کنم که جوانان، این مقطعِ تاریخی را بخوانند. دستگاههای تبلیغی هم حقایقی را که در این مدّت بر سر این کشور آمده، برای مردم تبیین کنند. به نظر من در این خصوص کار کمی شده است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۷۸/۷/۹

www.ourpresident.ir

روایت سالهای تلخ استعمار

از اوایل قرن نوزدهم میلادی که مأمور انگلیسی ـ «سرجان ملکم» ـ از مرز هندوستان وارد ایران شد؛ یعنی از زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار که با هدایای اغواکننده و گرانقیمت برای رجال درباری و سیاستمداران فاسد وارد ایران شدند و استعمار انگلیسی، یا به تعبیر دیگر، نفوذ ویرانگر انگلیسی ـ چون استعمار به معنای متداولش در ایران پیش نیامد؛ اما بدتر از استعمار پیش آمد ـ حکومتهای ایرانی را به‌شدّت در مشت گرفت و هر کار خواست به وسیله آنها انجام داد؛ از آن روز تا روزی که انقلاب پیروز شد، در حدود صدوهفتاد، هشتاد سال طول کشیده است. در تمام این مدّت، همه عوامل قدرت ـ قدرتهای بزرگ جهانی، عوامل قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی ـ کار کرده بودند برای این‌که این ملتِ ریشه‌دارِ تاریخیِ بافرهنگِ شجاعِ بزرگ را آن‌چنان ضعیف و خُرد و ناامید و مأیوس کنند که هیچ خطری از ناحیه آن، قدرتهای بزرگ را تهدید نکند. امام در مقابل چنین واقعیتی قرار گرفت. البته از این صدوهفتاد، هشتاد سال، عمده مدّتش دولت

www.ourpresident.ir

انگلیس، از سال سی‌ودو به بعد دولت امریکا و در اواسط هم نفوذ دولت روسیه و رقابتهای روس و انگلیس در ایران بود؛ در دوران قاجاریه یک طور، در دوران رژیم پهلوی به مراتب خطرناکتر و سخت‌تر.

آنها هر کاری توانسته بودند، با این ملّت کردند. نتیجه این شد که در مقابل امام، کشوری وجود داشت که از لحاظ سیاسی وابسته و تابع بود. هر کاری که دولت امریکا در آن برهه اراده می‌کرد، در ایران انجام می‌گرفت. هر کاری می‌خواستند، می‌توانستند بکنند؛ در زمینه اقتصادی، در زمینه نفت، در زمینه انتصابات، در زمینه دولتها ـ فلان دولت برود، فلان دولت بیاید ـ در زمینه ارتباطات بین‌المللی، در زمینه عادات و رفتاری که بر مردم تحمیل می‌شد، در زمینه دانشگاهها. بنابراین، هر کار می‌خواستند در ایران بکنند، می‌توانستند. ما کاملاً تابع و وابسته شده بودیم. از لحاظ اقتصادی، کاملاً مصرف کننده و فقیر بودیم؛ همه چیز را باید وارد می‌کردیم. من یک وقت گفتم، اما بعضیها باور نمی‌کردند؛ اما باور کنید که در کشور ما «دسته بیل» وارد می‌کردند؛ سوزن خیاطی وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام خوراکیها وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام محصولات صنعتی وارد می‌کردند! همه چیز مصرفی بود؛ یعنی این ملت، این استعدادها، این مغزها و این جوانان، قدرت یا فرصت این را نداشتند که بخشی از نیازهای خودشان را خودشان تولید کنند، که بتوانند بگویند ما به خارج احتیاجی نداریم. اگر صنعتی را هم در داخل کشور می‌آوردند ـ مثل صنعت اتومبیل‌سازی، یا ذوب آهن و امثال اینها، که به شکل بسیار ناقصی وارد کشور شده بود ـ سر تا پای آن صنعت، وابستگی بود. وسایل پیشرفته و مدرنی هم که می‌فروختند ـ مثل هواپیماهای جنگی ـ اجازه تعمیرش را حتّی به داخل نمی‌دادند؛ تعمیرش هم باید در خارج انجام می‌گرفت! از لحاظ اقتصادی، صددرصد وابسته و مصرف کننده؛ از لحاظ علمی، تقریباً صفر؛ این ملّت هیچ حرف تازه‌یی در بازار علم و دانشِ نویِ

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

جهانی نداشت. در دانشگاهها ـ که البته از لحاظ کمیت هم بسیار کم بودند؛ که در آخرین سالهای رژیم پهلوی، در حدود یک دهم وضعِ فعلی، دانشجو در کشور بود ـ اگر درسی در کلاسی گفته می‌شد ـ در هر زمینه‌ای؛ چه علوم انسانی، چه علوم فنّی و صنعتی، چه علوم طبیعی ـ همان حرفهای دیگران بود؛ چیز نویی از لحاظ علمی وجود نداشت! از لحاظ ثروت ملی، غارتزده بودیم: نفت را می‌بردند، معادن را می‌بردند، همه چیز را می‌بردند؛ با هر قیمتی که خودشان می‌خواستند! از لحاظ اجتماعی و وضعیت فقیر و غنی، کشور به‌شدّت مفلوک بود. هزاران، بلکه دهها هزار روستا در این کشور بود که برق و آبِ تصفیه شده و امثال اینها را نه دیده بودند، نه امیدش را داشتند! فقط به تهران و چند شهر بزرگ می‌رسیدند؛ آن هم به آن شکلی که همان روز تهران یکی از کثیف‌ترین و زشت‌ترین پایتختهای دنیا محسوب می‌شد! فقط به خودشان می‌رسیدند؛ هرجا خودشان جا پایی داشتند، آن‌جا فرودگاه هم بود، وسایل راحتی هم بود؛ اما آن‌جایی که مربوط به خودشان نبود، به‌کلّی رها شده بود! شکاف طبقاتی در اعلی درجه خود بود.

از لحاظ اخلاقی، ترویج فساد بود. در دوره‌ی پیش از انقلاب ـ همان سالهای اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه ـ بارها در سخنرانیهایی که برای جوانان تشکیل می‌شد، از روی شواهد و قرائن می‌گفتم این وضعیتی که ما از لحاظ بی‌بندوباری و بی‌حجابی و فحشا در کشورمان داریم، در کشورهای اروپایی نیست! واقعا هم نبود؛ من اطّلاع داشتم. البته در کشورهای اروپایی ممکن بود فلان مرکزِ فسادی وجود داشته باشد؛ اما عرف زندگی مردم در آن‌جا ـ مثلاً وضع و پوشش و رفتار زنان ـ بهتر از آن‌چیزی بود که انسان بخصوص در بعضی از شهرهای ما ملاحظه می‌کرد و می‌دید! از لحاظ اخلاقی، مردم دچار انواع واقسام آسیبهای اخلاقی بودند؛ نه فقط اخلاق شهوانی. توسط آنها، ارتباطات مردم، مراودات مردم، تکیه و اعتماد مردم،

www.ourpresident.ir

همه‌اش آفت زده شده بود. این‌طوری پیش برده بودند و اداره کرده بودند؛ بحثِ تعمّد بود. مردم را بی‌حال و بی‌حوصله و ناامید می‌خواستند. اخلاقهای پیشبرنده یک ملت، امید و تحرّک و جدّیت است. ملتی که ناامید باشد، ملتی که از آینده خود مأیوس باشد، ملتی که خود را تحقیر کند، پیشرفت نخواهد کرد. هر جنسی که گفته می‌شد در داخل تولید شده است، خودِ این داخلی بودن، معنایش این بود که ارزشی ندارد! خود افراد، تحصیلکرده‌ها، دیگران، به هم می‌گفتند که ایرانی یک لولهنگ ـ آن آفتابه‌های گِلی قدیمی ـ هم نمی‌تواند بسازد! یعنی نسل پیشرفته علمی هم نسبت به آینده علمی این کشور ناامید بود. این، آن مشکل اخلاقی است.

ما از قافله‌ی علم و تمدّن دنیا عقب بودیم. از لحاظ نظام حکومتی و حکّامی که بر این کشور حکومت می‌کردند، یکی از مرتجعترین حکومتها را داشتیم. سلطنت موروثی بود؛ یک نفر بمیرد، مردم مجبور باشند فرزند او را در هر سنّی، با هر شرایطی و با هر خصوصیّاتی، به حاکمیت مطلق خودشان قبول کنند؛ نه معیاری، نه علمی، نه تقوایی، نه عقلی، هیچ چیز ملاک نباشد! چنین رژیمی را در ایران در قانون اساسی هم برده بودند؛ قانون اساسی‌ای که زیر چکمه‌های رضاخان و زیر برق نگاههای مأموران رضاخانی در همین تهران تصویب شده بود. ایران در دنیا ذلیل شده بود. در مجامع جهانی، نامی از ایران به عنوان صاحبِ یک نظر، صاحبِ یک رأی و صاحبِ یک شخصیت، وجود نداشت؛ صدقه‌بگیر و محل آزمایش دیگران شده بود! بعضی از نظرات اقتصادی و غیره را برای این‌که آزمایش کنند، این‌جا عمل می‌کردند، تا ببینند چگونه جواب می‌دهد! از لحاظ معنوی، فقیر؛ از لحاظ مادّی، فقیر؛ از لحاظ سیاسی، فقیر؛ از لحاظ شخصیتی، فقیر! امام در مقابل چنین جامعه و چنین کشوری قرار گرفته بود.

البته نکته بسیار مهمی در این‌جا وجود داشت و آن این بود که ملّت ایران،

www.ourpresident.ir

ملّت بزرگ و با استعدادی است. آن حالتی که به‌وجود آورده بودند، یک حالت عارضی بود. وقتی فریاد امام بلند شد، ملّت خود را تکان داد. البته از روزی که امام شروع کرد، تا روزی که این اقیانوس عظیم تموّج یافت و به خروش افتاد، پانزده سال طول کشید ـ پانزده سالِ پُررنج ـ اما ملت، ملتی اصیل، ریشه‌دار، با استعداد، با فرهنگ، با غیرت و با دین بود و توانست خود را از آن حالت تخدیری و خواب‌آلودگی نجات دهد و بلند شود؛ توانست شخصیت خود را در دوران مبارزه ـ بخصوص در یکی، دو سال اخیر ـ نشان دهد. این، آن نقطه قوّت بود؛ اما آن واقعیتها که در طول سالهای متمادی بر این کشور تحمیل شده بود و آثارش را در زندگی گذاشته بود، در مقابل امام بود؛ حالا امام می‌خواهد این جامعه را به شکل مطلوب و آرمانی بسازد؛ چه کار باید بکند؟ ببینید چقدر این مهم است؛ شوخی نیست. شما مثلاً به نقطه‌ای رفته‌اید که مصالح هست، امکانات هست، فضا هست، اما ساختمان ویرانه و درهم ریخته است؛ می‌خواهید از این مصالح و از این فضا، یک بنای شامخ و باعظمت و ماندگار درست کنید؛ هر مهندسی نمی‌تواند این کار را بکند. این‌جاست که آن هویّت و شخصیت عظیم، خودش را نشان می‌دهد. امام به این ملّت و به این کشور و به این صحنه و به این مصالح نگاه کرد. او اسلام را می‌شناخت، آرمانهای اسلامی و احکام اسلامی را هم می‌دانست و می‌خواست با مصالح اسلامی و به دست این مردم، بنای شامخ یک حکومت عظیم، مستقل، سربلند، خوشبخت کننده، پیشرونده و جبران کننده ضعفهای گذشته را به‌وجود آورد. در این مردم، چه چیزی را باید بیش از همه چیز دنبال کند؟ اولویّت چیست؟

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۷۸/۷/۹

www.ourpresident.ir

اولویتهای اصلی در حرکت امام

امام، اولویّتها را تشخیص داد و انتخاب و دنبال کرد. به‌نظر من، این اولویّتها در درجه اوّل دو چیز بود. ما که از روز اوّل خیلی از فرمایشها و افکار و قضاوتها و نحوه برخورد امام را با قضایا از نزدیک شاهد بودیم، می‌توانیم درست بفهمیم. امروز شما هم اگر به بیانات امام نگاه کنید، رفتار امام را ببینید و آنچه را که از امام می‌دانید، جلوتان بگذارید، همین دو چیز را به‌طور برجسته مشاهده می‌کنید:

اول، احیای روح خودباوری و استقلال در مردم. در طول سالیان دراز به مردم تفهیم شده بود که شما نمی‌توانید. هرچه افراد از همه طبقات ـ روحانی، غیرروحانی، دانشگاهی، عالم، جاهل ـ می‌گفتند، پاسخ می‌دادند که نمی‌شود و فایده‌ای ندارد. این روحیه باید عوض می‌شد. این‌گونه خُلقیّات اجتماعی، مثل خُلقیّات فردی نیست. خُلقیّات فردی هم به آسانی عوض نمی‌شود؛ اما خُلقیّات اجتماعی خیلی دشوارتر است. امام باید این را به روح خودباوری و اتّکاءِ به نفس و مشی مستقل تبدیل می‌کرد. برای خاطر این خصوصیت، امام

www.ourpresident.ir

باید هیچ‌گونه دخالت و نفوذی را از غیر این ملّت بر این ملّت تحمّل نکند و نکرد. این‌که می‌بینید امام این‌گونه در مقابل امریکا و در مقابل شورویِ آن روز می‌ایستاد، به‌خاطر این بود. امریکاییها بیست و پنج سالِ تمام، سرشان را پایین انداخته بودند و به این‌جا آمده بودند. سفره‌ی گسترده‌ای بود که اینها و یک مشت مزدور، هر کار خواسته بودند، کرده بودند؛ تا ماههای اوّلِ انقلاب هم هنوز قطع امید نکرده بودند! من قضایایی را در ذهن دارم که حالا وقت نیست آنها را بگویم. امام، به‌کل نوک همه این پُرمدّعاها را چید! اگر اندک غفلتی از امام سرمی‌زد، از طرق مختلف و از پنجره‌های متعدّد، همان کسانی‌که از در بیرون شده بودند، دوباره وارد می‌شدند. امام قرص و محکم جلوِ نفوذ و تسلّط بیگانه را به هر کیفیّتی بست و ایستاد. این اوّلین نقطه بود.

دومین چیزی که امام برروی آن نهایت اهتمام را داشت، احیای روح دینی و تقویت ایمان در مردم بود؛ همان ایمانی که در خودش وجود داشت؛ لذا روی مسائل دین ـ تعبّد و هر آنچه که به دین مربوط می‌شد ـ نهایت کوشش و دقّت را داشت و هیچ حاضر نبود در این زمینه کوتاه بیاید؛ چون دین علاج کننده است. وقتی روح دینی در ملتی بود، اثر آن فقط این نیست که از لحاظ شخصی، مردمِ خوب و پاکیزه و پارسایی خواهند شد؛ اثر روح دینی، در زندگی اجتماعی منعکس می‌شود؛ اگر دینِ درست باشد. برای همین هم بود که با دینی که امام ترویج می‌کرد، اسلامی که امام آن را اسلام ناب می‌نامید، همه دشمنان بزرگ دنیا و دنباله‌هایشان در داخل کشور، شروع به مخالفت کردند؛ به‌عنوان این‌که این دین، سیاسی و حکومتی است. گاهی هم دایه دلسوزتر از مادر می‌شدند ـ حالا هم گاهی می‌شوند ـ که آقا شما دینِ سیاسی و دینِ حکومتی را که مطرح می‌کنید، دین از نظر مردم ضعیف می‌شود؛ ایمان دینی مردم سست می‌شود! این، درست عکس واقعیت است. وقتی دین در

www.ourpresident.ir

یک جامعه بود، روح فداکاری در آن جامعه هست. وقتی دین در یک جامعه بود، آگاهی و هوشیاری و احساس مسؤولیت در یک جامعه هست. این‌که شما می‌بینید امروز در جامعه و کشور ما نسبت به مسائل دینی ـ تا آن‌جایی که به‌اطّلاع مردم می‌رسد ـ در مردم احساس مسؤولیت و احساس غیرت هست، این به‌خاطر روح دینی است. دشمن می‌خواهد این روح را تضعیف کند. امام این روح را در همه ارکان جامعه ـ چه ارکان حکومتی، چه آحاد مردم ـ به‌شدّت تقویت می‌کرد؛ یعنی در دولت، در مجلس، در قوّه قضاییّه، در قوانین، در شورای نگهبان، در انتخابات و در همه چیز، امام برروی ایمان دینی و تعبّد دینی و تقیّد دینی تکیه می‌کرد. امام این دو خصوصیت را در اولویّتِ اوّل قرار داد. غالب آنچه را که امام به‌عنوان دستورالعمل در مقابل پای این ملّت گذاشته است، مربوط به این دو چیز است.

امام جمهوری اسلامی را مطرح کرد. جمهوری اسلامی، یعنی یک نظام حکومتیِ نوبنیاد و نوآورده شده که با هیچیک از نظامهای متعارف دنیایی شباهت نداشت؛ اما همه‌ی خصوصیّات مثبتی را که می‌شود در یک نظام پیش‌بینی کرد، در جمهوری اسلامی هست: اسلام هست، آراءِ مردم هست، ایمان مردم هست، احساس عزّت هست، تعبّد هست، احکام و مقرّرات اسلامی ـ که احیا کننده زندگی انسان است ـ هست. بله؛ اگر ما اسلام را به معنای شناخته‌شده به‌وسیله امام ـ یعنی به همان معنای صحیح و ناب و متّکی به مبانی و اصول ـ به مرحله عمل بیاوریم، همه جا جواب خواهد داد؛ همچنان که هرجا به میدان آمدیم و دفاع کردیم و اصرار ورزیدیم، جواب داد. این اسلام، در نظام حکومتی جواب داد؛ که حالا مجال نیست من بگویم این قواره حکومتی که امروز در ایران وجود دارد، از همه قواره‌هایی که امروز در بخشهای مختلف جهان هست، برای آزادی و پیشرفت یک ملّت متناسبتر است؛ هم از دمکراسیهای غربی، هم از انواع و اقسام نظامهای حکومتی

www.ourpresident.ir

دیگر؛ چه برسد به آن نظامهای بسته‌ی استبدادی که راجع به آنها اصلاً بحثی نداریم. آن‌جایی که پیشنهاد نظام اسلامی، هرچه بود، عمل شد، جواب داد؛ در زمینه پایبندی به مسائل فرهنگی و مقابله با دشمن، جواب داد. تا آن روز، همیشه کشور و ملّت ما گیرنده فرهنگ غرب بود؛ اما به برکت اقدام امام، جریان فرهنگی دو سویه شد؛ یک جریان فرهنگی هم از سوی مرکز ما ـ یعنی از سوی جامعه اسلامی ـ به سمت بیرون این جامعه به حرکت درآمد؛ آن‌چنان شد که سران استکبار را بارها و بارها به وحشت انداخت و تا امروز هم آن را تکرار می‌کنند؛ البته این روزها کمتر. فریاد می‌کردند که شما می‌خواهید انقلابتان را صادر کنید؛ در حالی‌که ما انقلابمان را بسته‌بندی نکرده بودیم تا به جایی صادر کنیم! معنایش همین جریان این سویه فرهنگی بود که به کشورهای اسلامی و حتّی به غیر کشورهای اسلامی می‌رفت و انسانها را بیدار و متوجّه می‌کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۷۸/۷/۹

www.ourpresident.ir

سه چهرهی استکبار در ۱۳ آبان

امروز مناسبت دیدار ما سیزدهم آبان است که «روز مبارزه با استکبار» نامگذاری شده است و عنوان بسیار مهم و پر عمق و پیچیده و درخور تأمّلی است. جا دارد که جوانان عزیز، هم کلمه استکبار و هم کلمه مبارزه را پیش خودشان در بحثهای دانشجویی و دانش‌آموزی درست بشکافند و به اعماق عنوانی که اصطلاح جدیدی است و انقلاب وارد فرهنگ سیاسی دنیا کرد، درست برسند. این، خصوصیتِ همه حرکتهای اصیل و پرمغز و ریشه‌دار است که در فرهنگ سیاسی عالم، واژه‌های تازه‌ای را وارد می‌کنند تا بتوانند مفاهیم مورد نظر خود را درست ادا کنند. کلمه استکبار و مبارزه با استکبار از این قبیل است. سه حادثه‌ای هم که در مثل سیزده آبان اتّفاق افتاده است، مجموعاً و با هم درخور تأمّل و تعمّق و ژرف‌بینی است. اگر دقّت کنید، هر کدام از این سه حادثه، یک چهره از استکبار و یک چهره از مردمی را که در مقابل استکبارند، نشان می‌دهد. ترکیب این چهره‌ها، یک حقیقت سیاسی مهم را روشن می‌کند.

www.ourpresident.ir

حادثه اوّل، حادثه تبعید امام در سال ۱۳۴۳ است. قضیه این‌گونه بود که امریکاییها قانون کاپیتولاسیون را در ایران به کرسی نشاندند. معنای کاپیتولاسیون این است که امریکاییها یا افراد وابسته به هر قدرت بیگانه مسلّطی در هر کشور دیگر، اگر جنایتی کردند، دستگاه قضایی آن کشور حق ندارد جنایت آنها را رسیدگی کند، به محاکمه آنها بپردازد و حکم صادر کند! آن روز بیش از دویست هزار نفر امریکایی در مشاغل مختلف در ایران حضور داشتند. معنای این قانون ـ که در مجلس وابسته فاسدِ آن روز به دستور دربارِ وابسته فاسد تصویب شد ـ این بود که اگر از این دویست، یا سیصد هزار نفر امریکایی ساکن ایران که حقوقهای کلانی می‌گرفتند و در همه امور کشور دخالت می‌کردند، یک نفر جنایتی مرتکب شد ـ قتلی کرد، دزدی‌ای کرد، هر کاری کرد ـ دادگستری و دستگاه قضایی ایران حق ندارد به او بگوید بالای چشمت ابروست و بایستی قضاوت درباره او زیر نظر امریکاییها انجام شود! این، یکی از قوانین ذلّتبار برای همه ملّتهایی بود که به آن تن دادند. اما امام تسلیم نشدند و مقاومت کردند. فریاد امام در قم، در میان طلاّب علوم دینی بلند شد و این قانون را تقبیح کردند. رژیم وابسته هم عکس‌العمل نشان داد؛ امام را گرفت و به ترکیه تبعید کرد. این مربوط به چه شرایطی است؟ این مربوط به آن شرایطی است که دولت امریکا با دولت ایران کمال دوستی و همبستگی را دارد با هم منافع مشترک دارند و امریکا در ایران حضور دارد. یکی از نشانه‌ها و ثمرات حضور قدرت امریکا در کشور ما، همین قضیه است.

قضیه دوم، قضیه سیزدهم آبان سالِ پنجاه‌وهفت است که دوران شور و اعتلای مبارزات ضدّ رژیم و ضدّ امریکایی در ایران است. این باز یک چهره دیگر را نشان می‌دهد. در چنین روزی، دستگاههای وابسته به رژیم ـ که همه یا بسیاری از آنها تربیت شده و دستور گرفته از امریکاییها بودند ـ حتّی به

www.ourpresident.ir

دانش‌آموزان هم رحم نکردند. در این حادثه، دهها دانش‌آموز کشته شدند. البته همیشه می‌کشتند، همیشه برروی مردم فشار می‌آوردند؛ اما این‌طور یکجا در شهر تهران این تعداد دانش‌آموز به خاک و خون کشیده شوند، این هم یک چهره دیگرِ استکبار است. این مربوط به کجاست؟ این مربوط به آن جایی است که مبارزات ملّت با آن استکبارِ زیاده‌طلب و فزونی‌خواه بالا می‌گیرد. در چنین شرایطی، استکبار دیگر به هیچ چیز رحم نمی‌کند. علی‌رغم همه شعارهای انسان دوستی و مردم دوستی و طرفداری از جوانان، حتّی با دانش‌آموز هم که سر و کار می‌افتد، دهها دانش‌آموز را به قتل می‌رساند!

قضیه سوم، چهره دیگری است. مربوط به آن وقتی است که همین ملّت ـ که سالهای متمادی آن ظلمها و آن تحقیرها و آن دخالتها و آن غارتگریها را تحمّل کرده است ـ دیگر به پیروزی رسیده است. در دوران پیروزی این ملت، امریکا به زاویه رانده شده است؛ اما این‌جا هم دستگاه جاسوسی امریکا از تلاش باز نمی‌ماند و حرکاتی انجام می‌دهد که مردم و امام را دچار سوءظنّ شدید نسبت به سفارت امریکا می‌کند و جوانانی از میان دانشجویان، در چنین روزی، از راهپیمایی روز سیزدهم آبان استفاده و سفارت امریکا را تسخیر می‌کنند. جوانان دانشجو به آن جا رفتند و اسناد و مدارک را جمع‌آوری کردند و دهها جلد کتاب ـ در حدود هفتاد جلد یا شاید هم بیشتر ـ منتشر نمودند که این کتابها نشان‌دهنده ارتباط سفارت امریکا با عناصر وابسته خودشان در داخل کشور ما ـ بعضی مربوط به قبل از انقلاب، بعضی هم مربوط به بعد از انقلاب ـ بود. بعضی از آنها حتی در دولت موقّتِ آن روز انقلاب هم منصب و مقام داشتند؛ یعنی امریکاییها دست بر نداشته بودند!

بنابراین، سه چهره از استکبار در روز سیزدهم آبان‌ماه دیده می‌شود: یکی در دوران اوج اقتدار امریکا در ایران که کاپیتولاسیون را به‌وجود می‌آورد و

www.ourpresident.ir

مقاومت امام را که مظهر مقاومت ملّت ایران بود، و پاسخ جوانان را ـ که آن روز، اوّل جوانان حوزه علمیه، بعد هم جوانان همه کشور پاسخ دادند ـ به همراه دارد. قضیه دوم در هنگام اوج مبارزات همین ملّت با استکبار است که نشان‌دهنده خوی درّندگی استکبار است که حتّی دانش‌آموز و نوجوان را به خاک و خون می‌کشد. قضیه سوم هم مربوط به وقتی است که این ملّت بعد از سالها اسارت توانسته است روی پای خود بایستد. انقلابش پیروز شده است و دولت تشکیل داده؛ اما آنها جاسوسی می‌کنند! این جا ملّت مقتدرانه وارد میدان می‌شود و ماجرای سفارت امریکا اتّفاق می‌افتد. اینها سه رمز و سه نماد بودند. اگر این سه قضیه را بر روی هم جمع کنید، به‌طور کلّی چهره استکبار، چهره مردم مظلوم، سرنوشت استکبار و سیر حرکت استکباری در کشور ما شناسایی می‌شود.

چرا مردم با استکبار مبارزه کردند و چرا استکبار بد است؟ باید توجّه کنید، اوّلین احساسی که یک ملّت در مقابله با روح و خوی استکباری دارد، احساس دینی نیست؛ احساس غیرت ملی است؛ احساس هویّت و احساس وجود است؛ چون استکبار وقتی وارد کشوری شد و بر آن کشور مسلّط گردید، هویت ملی آن ملّت را انکار می‌کند. منابع آن کشور را غارت می‌کند، در امور سیاسی آن کشور دخالت می‌کند؛ اما همه اینها فرع انکار هویّت آن ملّت است. استکبار، اوّل هم که وارد می‌شود، نمی‌گوید من می‌آیم تا هویت ملی شما مردم را انکار کنم؛ این‌طور که نمی‌آید؛ به بهانه‌های مختلف وارد می‌شود. وقتی وارد شد، آن چیزی را که هدف می‌گیرد، هویت ملی است. یعنی فرهنگ، اعتقادات، دین، اراده، استقلال، حکومت، اقتصاد و همه چیز را از آن ملّت سلب می‌کند و در مشت خود می‌گیرد؛ همان چیزی که در ایران قبل از انقلاب اتّفاق افتاده بود. این احساس است که ملّتها را در مقابل استکبار به جوش و خروش می‌آورد؛ لذا شما می‌بینید ملّتهایی که این را هم

www.ourpresident.ir

ندارند، مسلمان هم نیستند، امروز ـ نه آن‌روز؛ آن‌روز کسی جرأت نمی‌کرد در مقابل امریکا بایستد؛ این راه را ملّت ایران باز کرد ـ تا آن جایی که می‌توانند، در مقابل امریکا می‌ایستند.

بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به‌مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی) ـ ۷۸/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

تجربه‌ی تلخ رابطه با امریکا

مقابله ملّت ما با استکبار، ریشه دینی هم دارد. کلمه استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست. وقتی ملّت ما با این روحیه در مقابل امریکا و دستگاه فاسدِ وابسته به امریکا ایستاد، یک پشتوانه عظیم از اعتقادات و ایمان دینی پشت سرش بود و همین هم توانست او را موفّق کند و پیش ببرد. استکبار وارد هر کشوری می‌شود، سعی می‌کند آن کشور را تهی کند؛ یعنی تا هر جا بتواند، همه چیز آن کشور را به نفع خود مصادره می‌کند. امروز خودِ امریکاییها ـ یعنی همان دستگاه تبلیغاتی‌ای که گفتم ـ در صف مقدّم و بعضی قلم به مزدهای واقعاً حقیر و پست، و شاید هم یک عدّه گول خورده و غافل در داخل کشور ما در صفِ پشت سر آنها خیال می‌کنند که اگر امریکا ارتباطاتش با کشوری ـ مثلاً جمهوری اسلامی ـ عادّی شد و رابطه برقرار کردند، ناگهان همه مشکلات اقتصادی ملّت ایران حل خواهد شد! اگر کسی این‌طور فکر کند، خطای عظیمی مرتکب شده است. ملّت ایران، ارتباط با امریکا را یک دوره تجربه کرده است. امریکاییها از سال

www.ourpresident.ir

سی‌ودو که زمام قدرت استکباری را در ایران در دست گرفتند، تا سالهای پنجاه‌وشش و پنجاه‌وهفت هرچه داشتیم، از ما گرفتند؛ هرچه بوده است، بردند. اغلب گرفتاریهای امروز ملّت ایران مربوط به آن دوران و همچنین دوران تسلّط انگلیسیهاست. انگلیس هم مثل امریکاست؛ فرقی نمی‌کند. قبل از امریکاییها، انگلیسیها بر سیاست ایران مسلّط بودند. از اواخر دوران قاجار تا روی کار آمدن رضاخان، تا بعد ـ تا سال سی‌ودو ـ همه چیز در ایران در دست انگلیسیها بود. حکومت می‌آوردند، حکومت می‌بردند؛ نفت را می‌بردند، منابع را می‌بردند؛ فرهنگ را رقم می‌زدند و هر کار می‌خواستند، می‌کردند. بعد هم امریکاییها آمدند و در آن رقابت بین‌المللی خودشان، از انگلیسیها تحویل گرفتند؛ مثل یک منطقه مفتوحه!

بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به‌مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی) ـ ۷۸/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

عزّت‌بخشی انقلاب به امّت اسلامی

انقلاب اسلامی، عزّت اسلام را برروی دست گرفت و به همه دنیا نشان داد. انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام می‌تواند به یک ملت، سرافرازی و عزّت دهد؛ یک ملّت را از زیربار فشار و تحمیل بیگانگان نجات دهد و از حالت تحقیری که بر آن ملّت تحمیل کرده‌اند، بیرون بکشد. می‌تواند استعدادهای یک ملّت را در همه میدانها بروز و ظهور بخشد؛ می‌تواند به یک ملت، قدرت دفاع از خود، قدرت دفاع از عقاید و از هویت و شخصیت خود بدهد. انقلاب اسلامی این را نشان داد. لذا آن وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و وقتی امام بزرگ ما ـ آن شخصیت عظیم، آن شخصیت بی‌نظیر در زمان ما ـ توانست از زبان این ملت، سخن بگوید، همه مسلمانان عالم احساس افتخار و حیات کردند؛ احساس کردند که زنده شده‌اند. این خون تازه‌ای که در رگهای امّت اسلامی دوید، دشمنان را بسیار دستپاچه و سراسیمه کرد. آنها نیروهایشان را روی هم گذاشتند تا با این پدیده عظیم ـ یعنی اسلام انقلابی

www.ourpresident.ir

که امروز آن را یک ملّت فریاد می‌کند ـ مبارزه کنند.

بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته بسیج و روز ولادت حضرت مهدی(عج) ـ ۷۸/۹/۳

www.ourpresident.ir

تحلیل پیوستن نیروی هوایی به انقلاب

اگر روز نوزدهم بهمن و حرکتی را که نیروی هوایی انجام داد، به‌طور درست بشکافیم، انسان معانی زیادی در این حرکت و در این روز، مشاهده می‌کند. آن روز در واقع، ارتش آمد و خود را در صفوف مقدّم ملّت قرار داد؛ با همان هدفها، با همان آرزوها، با همان انگیزه‌ها و با همان روشها. ملّت رنج می‌برد؛ انقلاب حرکت عظیمی بود که این ملّت بزرگ، برای رنج‌زدایی و آینده‌سازی انجام داد. ملّت از دیکتاتوری و استبداد سیاهِ حاکم بر این کشور رنج می‌برد. اوّلاً، این از لوازم سلطنت بود؛ چون نظام پادشاهی نظام مالکیت و مَلِکیّت و فرو بردن پنجه اقتدار در همه ارکان جان یک ملّت است و تحمّل آن بسیار دشوار است. ثانیاً آن خاندان طاغوتی حاکم، این استبداد و خودکامگی را با فساد اخلاقی و فسادآفرینی و بدتر از همه با تسلیم یکپارچه این کشور و این ملّت به بیگانگان و دشمنان، آمیخته بودند. ملّت از این رنج می‌برد.

وقتی یک ملت، زیر سلطه فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و نظامی یک

www.ourpresident.ir

قدرت بیگانه باشد، مجال رشد و حرکت در سمت مورد آرزوی خود را پیدا نمی‌کند. هر موجود زنده‌ای می‌خواهد رشد کند. اگر شما بخواهید جلوِ رشد یک گیاه را بگیرید، آن ظرفی را که در اطراف او به وجود آورده‌اید می‌شکند و آن سنگ را می‌شکافد تا رشد کند. یک انسان و یک ملّت هم همین‌گونه است. راهی که قدرتمندان برای این‌که این احساس و انگیزه را در یک ملّت از بین ببرند، اندیشیده‌اند، بی‌حس کردن، بی‌خیال کردن و تخدیر کردن ملّتهاست. این کار را رژیم فاسد و مفسد پهلوی، با استفاده از همه ابزارهای ممکنی که در اختیارش گذاشته می‌شد، انجام می‌داد: بی‌حس کردن، بی‌خیال کردن، غافل کردن، غرق در توهّمات کردن و البته گاهی ظواهر و تشریفاتی هم با زرق و برق، جلوِ چشمها نشان دادن. آن روز ارتش را به همین بلا دچار کرده بودند؛ ارتش تحمّل نکرد و پوسته را شکست. آمدن جوانان نیروی هوایی در چنین روزی ـ به مدرسه علوی ـ که من آن جا بودم و از نزدیک آن شور و حماسه را دیدم ـ همان شکستن آن پوسته بود.

ارتش را از باطن پوک می‌کردند. به ارتش، تا آن‌جایی که برایشان صرفه داشت و به خودشان و جلال و شکوه ظاهری خودشان مربوط بود، ظواهر و تشریفات و زرق و برقی می‌دادند؛ اما علم، فناوری، تحقیق، ساخت و تولید، ابدا! این‌که نیروی هوایی بتواند به یک ابزار و وسیله‌ای اشاره کند و بگوید این را من به وجود آورده‌ام و فرزندان من از محصول اندیشه خودشان ساخته‌اند، ابدا! این‌گونه نبود؛ یعنی اجازه نمی‌دادند. انسان همان انسان است؛ جوانِ آن روز نیروی هوایی، از لحاظ استعداد و کیفیت، مثل جوانِ امروز نیروی هوایی بود؛ اما او اجازه پیدا نمی‌کرد. تحصیلات در یک چهارچوب خاص و در محیط مشخصی در کشور بیگانه؛ دستورها، اندازه‌ها و روشها ـ نه فقط در حوزه کار نظامی، که در زمینه فرهنگ و اعتقادات ـ تحت تأثیر و در مشت بیگانه بود. چهار تا ابزار هم در اختیارش می‌گذاشتند! ارتشی

www.ourpresident.ir

که یک ابزار را در اختیارش بگذارند، اما اگر یک قطعه این ابزار جابجا یا خراب شد، قدرت استفاده از آن را نداشته باشد، چگونه ارتشی است و چقدر می‌تواند مستقل باشد؟ قضیه این‌گونه بود. در آن روز، صحبت از این نبود که ارتش ایران بتواند از تولید و از محصول تحقیقات خود استفاده کند؛ ابدا. حتّی صحبت این نبود که بتواند آن هواپیما یا رادار یا وسیله مدرن الکترونیکی‌ای را که در اختیارش می‌گذارند، درست بشناسد! اجازه این هم داده نمی‌شد. این همان سنگ و حجاب و محفظه‌ای است که جلوِ رشد یک موجود را می‌خواهد بگیرد. این موجود تا مادامی که بی‌حسّ و بی‌خیال باشد، این محفظه هست و وقتی به خود آمد، آن وقت است که محفظه‌ها را می‌شکند و مانعها را برمی‌دارد. این اتّفاق افتاد و ارتش، خود را در صفوف مقدّم ملّت ایران قرار داد.

بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، در دانشگاه هوایی شهید ستّاری ـ ۷۸/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

وابستگی اقتصادی، صنعتی، علمی رژیم دیکتاتوری پهلوی

من می‌گویم دولت امریکا، امروز هم که اعتراف می‌کند بیست‌وپنج سال از دیکتاتوری دفاع کرده است، باز از آن دیکتاتوری دفاع می‌کند؛ منتها دفاع تبلیغاتی و موذیانه! امروز آنها که نیستند؛ آنها که به جهنّم رفتند؛ اما تفاله‌ها و زباله‌هایشان در امریکا زیر چتر حمایت دولت امریکا هستند. دست‌نشاندگان و مزدورانشان در هر نقطه از دنیا ـ اگر در گوشه و کنار کشور خودمان هم پیدا شوند ـ مورد حمایت امریکا هستند. امروز همین وزیره امریکایی[1] در همین سخنانش هم از رژیم شاه، تبلیغ و تعریفِ دروغ کرده است. می‌گوید رژیم شاه دیکتاتور و بد بود؛ منتها اقتصاد ایران را شکوفا کرد! این بزرگترین و خنده‌آورترین دروغی است که یک وزیر خارجه می‌تواند در شرایط فعلی بر زبان جاری کند! آیا اقتصاد ایران را آنها شکوفا کردند؟! این نکته را مخصوصاً جوانان بدانند ـ کسانی که در آن زمان بوده‌اند، وقایع را از نزدیک

۱. مادلین آلبرایت (وزیر وقت امور خارجه ایالات متحده).

www.ourpresident.ir

لمس کرده‌اند ـ در ایران قبل از انقلاب، نه فقط از لحاظ اقتصاد زمان پهلوی، بلکه از لحاظ حتی پایه‌های اقتصادی ـ که تا سالها بعد هم اثرش باقی ماند ـ بزرگترین خیانت را رژیم پهلوی به اقتصاد ایران کرده است! ایران را به انبار کالاهای وارداتیِ کم ارزش و بی‌فایده غربی تبدیل کردند؛ ابزارهای بنجل و چیزهای زیادی و غیرلازم را با پولهای کلان خریدند! کشاورزی این کشور را که یک روز به‌کلّی خودکفا بود، به‌کلّی نابود کردند؛ به‌طوری که بعد از گذشت سالها هنوز هم که هنوز است، کشاورزی ما به حال اوّل برنگشته است، چون سیل مهاجرتهایی که با تشویق آنها به سمت شهرها به راه افتاد، چیزی نبود که به آسانی بشود جلوش را گرفت. ملّت را از لحاظ کشاورزی، وابسته به بیگانه کردند. آن روز گندم ایران را از امریکا می‌خریدند؛ سیلوی گندم را هم شورویها می‌ساختند! یعنی هم از لحاظ گندم، هم از لحاظ جای نگهداری گندم، وابسته بودند. آن روز روستاها را تخریب کردند. صنعت کشور را ـ که وقتِ پیشرفت آن بود ـ متوقّف نگه داشتند. آن پیشرفتی که باید در صنعت پیش می‌آمد، برای این که بتواند جلوِ واردات را بگیرد، ایجاد نشد. جلوِ صنعت فعّال در این کشور گرفته شد و آن صنعتی ترویج شد که وابستگی‌اش به خارج، به قدر کالاهای تولید شده ـ یا حتی بیشتر بود. علم را متوقّف کردند. آن همه دم از دانشگاه و دانشجو زدند، اما عملاً دانشگاههای کشور از کمترین فعالیت علمی برخوردار بودند! هرکس مغز فعّال و استعداد درخشانی بود، اگر می‌خواست کار کند، اگر در داخل کشور سرکوبش نمی‌کردند، مجبور بود برود بیرون کار کند؛ این‌جا نمی‌شد. کمپانیهای خارجی را بر بیشترین منابع اقتصادی کشور مسلّط کردند و بیشترین ذخایر نفتی را به صورت رایگان از دست دادند. البته امروز هم قیمت نفت ارزان است. امروز هم پولی که تولید کنندگان نفت برای نفت می‌گیرند، حقیقتاً شاید بشود گفت یک دهم پولی است که باید بگیرند. من این را به شما عرض کنم، پولی که امروز دولتهای وارد کننده نفت به عنوان

www.ourpresident.ir

مالیات دریافت می‌کنند، بیشتر از سودی است که کشورهای صادر کننده نفت از پولِ فروش نفت به دست می‌آورند. امروز نیز همین‌طور است؛ اما آن روز با امروز قابل مقایسه نبود. سالهای متمادی ـ تا اوایل دهه پنجاه ـ قیمت هر بشکه نفت زیر یک دلار بود. بعد خودِ اروپاییها و امریکاییها برای این که بتوانند اجناس خودشان را به قیمت گران به اینها بفروشند، و چون اینها توان پولی نداشتند، به اراده خود آنها قیمت نفت تکانی خورد و به حدود هشت، نه دلار رسید؛ تا اینها پولی پیدا کنند و بتوانند با آن، اجناس کارخانجات آنها را بخرند. همین‌طور هم شد. در ایرانِ زمان رژیم شاه، در صندوقهای متعلّق به امریکاییها پولهایی بی‌حساب ریخته می‌شد، تا در مقابل آنها قطعات یدکی هواپیما و چیزهایی که لازم بود، باز بی‌حساب و کتاب به اینها بدهند و بفروشند و اصلاً مسأله ساخت مطرح نبود. اقتصادِ آن روز ایران، برای ملّت ایران بدترین اقتصادها بود. البته برای غارتگران و امریکاییها چیز بسیار خوبی بود. این جناب، امروز بعد از گذشت سالهای متمادی که هر تحلیلگر و اقتصاددانی می‌داند ـ آن روز هم می‌دانستند و برافرادِ وارد پنهان نبود ـ که رژیم شاه چه بلایی بر سر اقتصاد کشور درآورده است، می‌گوید که آن رژیم، اقتصاد کشور ایران را شکوفا کرده است! چرا این حرف را می‌زند؟ برای این که جوانی که امروز در این کشور است و احیاناً از شرایط اقتصادی موجود رنج می‌برد، تصوّر کند که در دوران رژیم گذشته، شرایط اقتصادی خوب بوده است! این شیطنت را آن جناب سیاسی، بسیار ساده با این قصد بیان می‌کند و نیّت این است که بگوید و شایع کند که اقتصاد ایران در زمان گذشته، اقتصاد شکوفایی بود! بدترین دوران برای طبقات فقیر، بدترین دوران از لحاظ غارتگری و چپاولگریِ منابع طبیعی توسط بیگانگان ـ بخصوص امریکا ـ در این کشور، این دوران بوده است؛ اما وی امروز می‌گوید که از لحاظ اقتصادی، شکوفا بوده است!

بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا علیه‌السلام در مشهد مقدّس ـ ۷۹/۱/۶

www.ourpresident.ir

نقش برجسته‌ی کارگران و معلّمان در مسیر انقلاب

اگر به سابقه بیست‌ویکساله انقلاب و همچنین سالهای آخر قبل از انقلاب ـ بخصوص سال آخر آن ـ نگاه کنیم، می‌بینیم که نقش این دو قشر [کارگران و معلّمان] در پدید آمدن انقلاب و نیز در ادامه راه انقلاب و پیروزیهای آن، نقش تعیین کننده‌ای بوده است.

بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری ـ ۷۹/۲/۱۴

www.ourpresident.ir

دلایل خودداری انقلاب از الگوبرداری از شرق و غرب

انقلاب، یک تحول بنیادین براساس یک سلسله ارزشهاست و یک حرکت به جلو محسوب می‌شود. آنچه در کشور ما واقع شد، انقلاب اسلامی است که تحوّل عظیمی در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت به جلو و یک اقدام به سمت پیشرفت این کشور و این ملّت بود. البته در نظامی که براساس انقلاب به وجود آمد، ما از شرق و غرب الگو نگرفتیم. این نقطه بسیار مهمی است. ما نمی‌توانستیم از کسانی الگو بگیریم که نظامهای آنها را غلط و برخلاف مصالح بشریت می‌دانستیم. بحث تعصّب مذهبی و دینی و جغرافیایی مطرح نبود؛ بحث این بود که پایه‌هایی که نظامهای شرقی کمونیستیِ آن روز بر آنها بنا شده بود ـ که امروز در دنیا دیگر چنین هویّتی وجود ندارد – همچنین پایه‌هایی که نظامهای غربی بر آنها بنا شده بود، پایه‌های غلطی بود؛ لذا ما نمی‌توانستیم و نمی‌خواستیم از آنها الگو بگیریم. الگوی ما ارزشهای دیگری بود که به مقداری از آن ارزشها اشاره کردم.

www.ourpresident.ir

اما چرا از آن دو رژیم جهانی – رژیم شرقیِ کمونیستی و رژیم غربیِ سرمایه‌داری – الگو نگرفتیم؟ چون رژیمهای باطلی بودند. رژیمهای کمونیست، رژیمهای مستبدی بودند که با شعار حکومت مردمی سرِ کار آمده بودند؛ اما اشرافی هم بودند! با این که دم از ضدّیت با اشرافیگری می‌زدند، اما عملاً حکومتهای اشرافی بودند. از لحاظ استبداد، در نهایت درجه استبداد بودند و حاکمیت مطلق دولت بر اقتصاد، بر فرهنگ، بر سیاست و بر فعالیتهای گوناگون اجتماعی و غیره به چشم می‌خورد! در رژیمهای شرقی، مردم هیچکاره محض بودند. بنده از نزدیک رفته بودم و این کشورها را در اواخر عمرشان دیده بودم. حتی در رأس بعضی از کشورهای عقب افتاده و فقیرشان هم یک رژیم به اصطلاح و به قول خودشان کارگری سرِ کار بود؛ اما همان رفتارهای اشرافیگری و همان کارهای غلطِ دربارهای قدیم را تکرار می‌کردند! نه انتخاباتی در این کشورها بود، نه رأی مردمی در کار بود؛ اما به خودشان دمکراتیک هم می‌گفتند و ادّعای مردمی بودن می‌کردند! مردم هیچکاره محض بودند: از لحاظ اقتصادی، صددرصد وابسته به دولت؛ از لحاظ کارهای فرهنگی، صددرصد وابسته به دولت! معلوم بود که چنین رژیمهایی محکوم به فنا بود. البته چون شعارهاشان، شعارهایشان برّاق و جذّابی بود، توانستند در اطراف دنیا جوانانی را به سمت خودشان جذب کنند و حکومتهایی تشکیل دهند؛ اما دیگر نمی‌توانستند عمری بکنند. دیدید آخرش هم به کجا رسیدند؛ بعد از چند ده سال به‌کلّی زایل شدند. طبیعی بود که آن رژیمها برای ما قابل الگو گرفتن نبود. آن روزی که انقلاب ما پیروز شد – یعنی بیست و یک سال قبل از این – هیچ انقلابی در دنیا وجود نداشت که وقتی پیروز می‌شد، به همین حکومت شرقی – یا مارکسیستی و یا سوسیالیستی که مرتبه‌ی رقیقترش بود – گرایش نداشته باشد؛ لیکن اسلام و ملّت ایران و رهبر این ملّت آن را رد کردند و قبول نداشتند و کنار گذاشتند.

www.ourpresident.ir

از غرب هم نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم؛ چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمتِ نداشتن چیزهای مهمتری. در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان؛ اسم دمکراسی و مردم سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری بود، نه مردم سالاری؛ امروز هم همین‌طور است. این مطلبی که عرض می‌کنم، ادّعای من نیست. من از قول فلان نویسنده مسلمانِ متعصّب نقل نمی‌کنم؛ از قول خود غربیها نقل می‌کنم. امروز در کشورهای غربی و در خود امریکا، آن چیزی که به نام دمکراسی و انتخابات وجود دارد، صورت انتخابات است. باطن آن، حاکمیت سرمایه است. من مایل نیستم که از نویسندگان و کتابهایشان اسم بیاورم؛ اما خود نویسندگان امریکایی تشریح می‌کنند و می‌نویسند که انتخابات شهرداریها، انتخابات نمایندگی مجلس و انتخابات ریاست جمهوری، با چه ساز و کاری انجام می‌گیرد. اگر کسی نگاه کند، خواهد دید که در آن‌جا، آراء مردم تقریباً هیچ نقشی ندارد و آنچه که حرف اوّل و آخر را می‌زند، پول و سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتیِ مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است! اسم دمکراسی هست، اما باطن دمکراسی مطلقاً نیست. پیشرفتهای علمی در غرب بود، اما این پیشرفتهای علمی وسیله‌ای برای استثمار ملّتهای دیگر شده بود. غربیها به مجرّد این که یک قدرت علمی پیدا کردند، آن را به قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل نمودند و به طرف شرق و غرب دنیا راه افتادند. هرجا کشوری ممکن بود رویش دست بگذارند و آن را استثمار کنند، بی‌دریغ کردند. هر جا نکردند، ممکنشان نشد! در غرب، آزادی بود، اما آزادی همراه با ظلم و بی‌بندوباری و افسارگسیختگی. روزنامه‌ها در غرب آزادند و همه چیز می‌نویسند؛ اما روزنامه‌ها در غرب متعلّق به چه کسانی هستند؟ مگر متعلّق به مردمند؟! این که امر واضحی است؛ بروند نگاه کنند. شما در همه

www.ourpresident.ir

اروپا و امریکا یک روزنامه قابل ذکر نشان دهید که متعلّق به سرمایه‌داران نباشد! پس روزنامه که آزاد است، یعنی آزادی سرمایه‌دار که حرف خودش را بزند؛ هرکس را می‌خواهد، خراب کند؛ هرکس را می‌خواهد، بزرگ کند؛ به هر طرف می‌خواهد، افکار عمومی را بکشد! این که آزادی نشد. اگر یک نفر پیدا شد و علیه صهیونیسم حرف زد – مثل آن آقای فرانسوی[1] که چند جلد کتاب علیه صهیونیستها نوشت و گفت این که می‌گویند یهودیان را در کوره‌های آدم‌سوزی سوزاندند، واقعیت ندارد – طور دیگری با او رفتار می‌کنند! اگر کسی وابسته به سرمایه‌داران نباشد و مراکز قدرت سرمایه‌داری نباشد، نه حرفش زده می‌شود، نه صدایش به گوش کسی می‌رسد و نه آزادی بیان دارد! آری؛ سرمایه‌داران آزادند که به‌وسیله روزنامه‌ها و رادیوها و تلویزیونهای خودشان، هرچه را که دلشان می‌خواهد، بگویند! این آزادی، ارزش نیست؛ این آزادی، ضدّارزش است. مردم را به بی‌بندوباری و به بی‌ایمانی بکشند؛ هرجا می‌خواهند، جنگ درست کنند؛ هرجا می‌خواهند، صلح تحمیلی درست کنند؛ هرجا می‌خواهند، اسلحه بفروشند. آزادی یعنی این!

بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران ـ ۷۹/۲/۲۳

۱. روژه گارودی (نویسنده‌ی مسلمان فرانسوی).

www.ourpresident.ir

الگوگیری انقلاب از اسلام

طبیعی بود که برای ملتی که با جانِ خود و عزیزانش قیام کرده بود و در رأسش یک عالم ربّانی و جانشین پیامبران قرار داشت. نظام غربی نمی‌توانست الگو باشد. پس، ما الگو را نه از رژیمهای شرقی و نه از رژیمهای غربی گرفتیم؛ ما الگو را از اسلام گرفتیم و مردم ما براثر آشنایی با اسلام، نظام اسلامی را انتخاب کردند. مردم ما کتابهای اسلامی خوانده بودند؛ با روایات آشنا بودند؛ با قرآن آشنا بودند؛ پای منابر نشسته بودند. در این دهه‌های اخیر، روشنفکران مذهبی – از علما، روحانیون، فضلا و دانشگاهیان – کارهای زیادی کرده بودند. برای مردم یک سلسله ارزشها جا افتاده بود و دنبال آنها بودند. در محیط رژیم گذشته هرچه نگاه می‌کردند، از این ارزشها خبری نبود. انقلاب برای دستیابی به آن ارزشها بود. و اما این ارزشها چیست؟ من در این جا تعدادی از این ارزشها را عرض می‌کنم. البته اگر بخواهیم این ارزشها را در یک کلمه بیان کنیم، من عرض می‌کنم اسلام؛ اما اسلام یک کلمه، مجمل

www.ourpresident.ir

است و تفاصیل گوناگونی از آن می‌شود. ملّت ما به دنبال ارزشهایی بود که همه‌اش در داخل اسلام هست و من به بخشی از آنها اشاره می‌کنم:

بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران ـ ۷۹/۲/۲۳

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

ارزشهای مورد توجّه ملّت ایران

ارزش اول، ایمان است. مردم از هُرهُری مسلکی و بی‌بندوباری و بی‌ایمانی بیزار و ناراضی بودند و می‌خواستند دلشان به ایمانی قرص باشد. ارزش بعدی، عدالت است. مردم می‌دیدند که جامعه، جامعه غیرعادلانه‌ای است. بی‌دریغ از بالا تا پایین ظلم می‌کردند؛ خودشان هم به خودشان ظلم می‌کردند. در داخل رژیم طاغوت، آن‌جا هم نسبت به همدیگر ظلم و بی‌عدالتی روا می‌داشتند؛ به مردم هم بی‌نهایت ظلم می‌شد. در قضاوت ظلم می‌شد، در تقسیم ثروت ظلم می‌شد، در کار ظلم می‌شد، به شهرهای دور دست ظلم می‌شد، به آدمهای ضعیف ظلم می‌شد. همه جا ظلم محسوس بود و انسان با پوست و گوشتِ خودش ظلم را حس می‌کرد. مردم به دنبال عدالت و رفع شکاف طبقاتی و رفع فقر بودند. این هم یکی از ارزشهایی بود که مردم دنبالش بودند. این مقوله دیگری غیر از عدالت است. در جامعه، کسی یا مجموعه‌ای در اوج غنا و برخورداری؛ اما یک عدّه دیگر از اوّلیات زندگی محروم. این چیزی است که هرکسی از آن مشمئز می‌شود و آن را

www.ourpresident.ir

نمی‌پسندد. مردم به دنبال رفع شکاف طبقاتی و نزدیک کردن فاصله‌ها بودند. ما مثل کمونیستها ادّعا نمی‌کردیم که همه بیایند نان‌خور دولت شوند و ما به همه حقوق مساوی بدهیم؛ نه. اما شکاف طبقاتی به این صورت و با این عمق، برای مردم و انقلابیون مسلمان و برای رهبر آنها قابل قبول نبود.

رژیم طاغوت و رژیمهای قبل از آن در ایران، مردمی نبودند. مردم هیچکاره بودند. یک نفر به کمک انگلیسها آمده بود، در تهران کودتا کرده بود و خودش را پادشاه نامیده بود. بعد هم که خواست از ایران برود – یعنی خواستند او را ببرند؛ چون پیر شده بود و به‌دردشان نمی‌خورد – پسرش را جانشین خودش کرد! آخر این پسر کیست و چیست؟! پس مردم چه‌کاره‌اند و رأی آنها چیست؟! اینها اصلاً مطرح نبود. قبل از آنها هم قاجاریه بودند. یک فاسد می‌مرد، یک فاسد دیگر به جای خودش می‌گذاشت. مردم در اداره و تعیین حکومت، هیچکاره محض بودند. مردم این را نمی‌پسندیدند. مردم می‌خواستند که حکومت متعلّق به آنها باشد؛ برخاسته از آنها باشد؛ رأی آنها در آن اثر داشته باشد.

ارزش بعدی، دینداری است. مردم می‌خواستند متدیّن باشند. آن رژیم گذشته در همه جا – در محیط جامعه، در سربازخانه، در دانشگاه و در مدرسه – سعی می‌کرد مردم را به بی‌دینی سوق دهد؛ اما مردم نمی‌خواستند. مردم متدیّن بودند. مردم نشان دادند که ایمان و اعتقاد به اسلام، تا اعماق جان آنها نفوذ دارد.

ارزش دیگر، دوری از اسراف و تجمّل در سطح زمامداران است. البته تجمّل و اسراف در همه جا بد است؛ اما آن چیزی که مردم را وادار می‌کرد که نسبت به این قضیه حسّاسیت نشان دهند، رفتارهای مسرفانه و متجمّلانه و ولخرجیها با مال مردم در سطح حکومت بود. این از آن چیزهایی بود که مردم نمی‌خواستند. نظام اسلامی بر اساس این ارزش به‌وجود آمد که چنین

www.ourpresident.ir

چیزی نباشد.

ارزش دیگر، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران است. مردم می‌خواستند کسانی که در رأس جامعه‌اند، متدیّن باشند؛ فاسد نباشند؛ اخلاقشان فاسد نباشد؛ رفتارشان فاسد نباشد؛ خودشان فاسد نباشند؛ دوروبریهایشان فاسد نباشند، که آن روز بودند!

رواج اخلاق فاضله، یکی دیگر از ارزشها بود. مردم مایل بودند که اخلاق نیک و خلقیّات اسلامیِ پسندیده در بین آنها شیوع پیدا کند و برادری، محبت، همکاری، صبر، اغماض، بخشش، دستگیری از ضعفا و کمک به ضعفا و گفتن حق بین آنها رایج شود.

آزادی فکر و بیان هم یکی از ارزشهای انقلاب بود. مردم می‌خواستند آزادانه فکر کنند. آن روز، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری هم نبود. مردم این را نمی‌خواستند؛ می‌خواستند این آزادیها باشد.

یکی دیگر از ارزشها، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. مردم می‌خواستند که این کشور از لحاظ سیاسی، محکوم فلان رژیم اروپایی یا امریکا نباشد؛ از لحاظ اقتصادی، اقتصادش وابسته به کمپانیهای جهانی نباشد که هر کاری می‌خواهند، با این کشور بکنند. از لحاظ فرهنگی، با فرهنگ عمیق و غنی‌ای که دارد، کورکورانه تابع و دنباله‌روِ فرهنگ بیگانه نباشد.

ارزشها که می‌گوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسانهای برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها. ابزار تحقق این خواسته‌ها چه بود؟ روح ایمان و جهاد و فداکاری و ایثار همین مردم مؤمن. آن چیزی که توانست این بنای رفیع و این بنای اسلامی را بعد از قرنها در این مملکت استوار کند، چه بود؟ آن عبارت بود از این که ارزشهایی از این قبیل – که عرض کردیم – پایه بنای نظام جدید باشد و زندگی نوینی در این منطقه

www.ourpresident.ir

از عالم براساس این ارزشها به وجود آید. برای اینها مردم فداکاری کردند و جان خود و فرزندانشان را در معرض جهاد فی‌سبیل‌الله و شهادت قرار دادند و بسیاری هم شهید شدند. مردم می‌دانستند چه می‌خواهند؛ مردم دنبال این ارزشها بودند. من بعداً عرض خواهم کرد که همه این ارزشها در جامعه قابل تحقّق است و آنچه به‌وسیله نظام اسلامی به‌وجود آمد، آن مقداری بود که هیچ‌کس گمان آن را هم نداشت و تصوّر آن را هم نمی‌کرد.

البته ما امروز چون خودمان را با وضعیت مطلوب مقایسه می‌کنیم، بسیار عقبیم؛ اما اگر با آن وضعیتی که در آن روز بود، با آن وضعیتی که در جاهای دیگر بود، مقایسه کنیم، آن‌وقت می‌بینیم که این نظام بسیار با توفیق توانست در این میدان حرکت کند و این انقلاب حقیقتاً کارآیی نشان داد و مردم همین را می‌خواستند. آن‌وقت بروند بنشینند بگویند که مردم نمی‌دانستند چه می‌خواهند! نخیر؛ مردم می‌دانستند. مردم اسلام را می‌خواستند. اسلام، فقط نماز خواندن و سجده کردن نیست – آنها هم جزو اسلام است – اسلام یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه‌های مستحکمی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت آنها را تأمین کند. می‌تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزّت بین‌المللی و همه چیز را برای آنها فراهم کند. مردم دنبال این بودند.

کسانی که خودشان اسلام را نه می‌شناختند و نه تهِ دلشان چنان اسلامی را می‌خواستند؛ حداقلش این بود که جرأت نمی‌کردند به رژیمهای طاغوتی غربی پشت کنند یا بی‌اعتنایی کنند؛ امروز می‌نشینند و این طرف آن طرف می‌گویند که مردم در رفراندوم جمهوری اسلامی نمی‌دانستند چه می‌خواهند! چطور نمی‌دانستند چه می‌خواهند؟! مردم اگر نمی‌دانستند، چگونه هشت سال جنگ تحمیلی را با فداکاریهای خودشان پیش بردند؟! چیزی را که نمی‌دانند، چطور برایش فداکاری می‌کنند؟! مردم خوب می‌دانستند چه می‌خواهند؛

www.ourpresident.ir

امروز هم خوب می‌دانند چه می‌خواهند.

این ارزشهایی که در جامعه هست و پایه نظام اسلامی است، باید اوّلاً یکجا پذیرفته شود. اگر بعضی از اینها را قبول داشته باشیم، بعضیها را قبول نداشته باشیم، کار ناقص است. اگر به بعضی اهمیت دهیم، به بعضی اهمیت ندهیم، مقصود حاصل نخواهد شد. ثانیاً خود انقلاب، حرکت و تحوّل و رفتن به جلوست. بر پایه این ارزشها جامعه باید حرکت کند، تحوّل پیدا کند و به جلو برود. باید روزبه‌روز روشهای غلط را اصلاح کند و یک قدم جدید بردارد تا بتواند به نتیجه برسد.

عزیزان من! انقلاب یک امر دفعی نیست؛ یک امر تدریجی است. یک مرحله انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دفعی است؛ اما در طول زمان، انقلاب باید تحقّق پیدا کند. این تحقّق چگونه است؟ این تحقّق به آن است که آن بخشهایی که عقب مانده و تحوّل پیدا نکرده است، تحوّل پیدا کند و روزبه‌روز راههای جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روشهای جدید، در چارچوب و برپایه آن ارزشها در جامعه به‌وجود بیاید و پیش برود، تا آن ملّت بتواند با نشاط و با قدرت به سمت هدفِ خودش حرکت کند. برگشت، غلط است؛ عقبگرد، خسارت است؛ اما ایستادن هم غلط است؛ باید حرکت کرد و به جلو رفت.

بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران ـ ۷۹/۲/۲۳

www.ourpresident.ir

مروری بر تحوّلات جهان در قرن بیستم میلادی

ببینید؛ برادران و خواهران عزیز من! قرن بیستم میلادی – یعنی این قرنی که چند ماه قبل به پایان رسید – قرن تحوّلات عظیم اجتماعی و سیاسی است. ملّتها هر کدام برحسب موقعیت، شرایط، استعداد و هوشیاریشان، زودتر یا دیرتر، به تحوّلات عظیمی دست پیدا کردند. البته همین‌جا عرض کنم که ملّت ایران جزو اولین ملّتهایی بود که در این قرن میلادی به یک تحوّل عظیم سیاسی و اجتماعی دست پیدا کرد؛ یعنی در سال ۱۹۰۵ یا ۱۹۰۶ میلادی که برابر است با ۱۳۲۴ یا ۱۳۲۵ قمری، ملّت ایران زودتر از اغلب ملّتهای عالم به یک تحوّل سیاسی و اجتماعی نزدیک شد که آن تحوّلی است که در دوران مشروطیت اتّفاق افتاد. ملّت ایران هوشیاری و پیشروی و مجاهدت و شرایط مناسب خودش را با این عمل ثابت کرد. علمای دین و دلسوزان جامعه، پیشوایان آن حرکت بودند. یک غفلت از سوی سیاستمداران وابسته به انگلیس آن زمان موجب شد که قدرتهای غربی و خارجی بتوانند از این حرکت ملّت مسلمان سوءاستفاده کنند؛ عدالتخواهی ملّت ایران را در قالب

www.ourpresident.ir

از پیش ساخته‌ای مطابق نظریات خودشان بریزند و حرکت ملّت ایران را منحرف کنند؛ بعد از چند سال هم سلسله پهلوی را برسرکار آورند. در واقع نزدیک به شصت سال حرکت ملّت ایران و تحوّل کشور را عقب انداختند. این کار را انگلیسیها در حقّ ملّت ایران کردند. در واقع دشمنی‌ای که در این دوره شصت، هفتاد ساله با ملّت ایران شد، یکی از دشمنیهای فراموش نشدنی و بسیار مهم است؛ والاّ قبل از کشور هند و روسیه و الجزایر و قبل از بقیه انقلابهای بزرگ قرن بیستم، ما وارد میدان تحوّل اجتماعی شدیم؛ ما آمدیم کشور و سازمان حکومت و نظام اجتماعیمان را متحوّل کنیم. ملّت ما در تهران، در تبریز، در خراسان، در فارس، در بسیاری دیگر از نقاط این کشور، فداکاریهای بزرگی هم کردند؛ منتها بیگانگان نگذاشتند؛ عامل هم آن سیاستمداران وابسته به غرب بودند. کسانی که آن روز با غربیها و با قدرت دولت انگلیس میانه صمیمی و گرمی داشتند؛ حرکت ملّت ایران را منحرف کردند؛ بعد هم رضاخان را سرِ کار آوردند؛ لذا تحول ملّت ایران شصت سال عقب افتاد!

ملتهای دیگر هم در این قرن هر کدام به گونه‌ای وارد این میدان شدند. در هندوستان این تحوّل اجتماعی به یک شکل انجام گرفت؛ در کشور روسیه این تحوّل یک طور انجام گرفت؛ در کشور الجزایر این تحوّل به یک شکل دیگر انجام گرفت؛ در دهها کشور، در آسیا و در آفریقا و در نقاط مختلف دیگر عالم، این تحوّل اجتماعی به شکل خاصّی انجام گرفته است. همه این تحوّلات در یک نقطه با هم مشترکند و آن این است که در همه این تحوّلات، نیروهای بشری و انسانی بر نیروهای استکباری غلبه کردند؛ منتها این غلبه در یک جا غلبه واضح و قاطعی بود و اثر ماندگاری به جا گذاشت؛ اما در جاهای دیگر نه، اثر آن زودگذر بود و به‌خاطر غفلتها از بین رفت. این حقیقت روشنی است که هرجا ملّتها به نیروهای اثرگذار انسانی خودشان

www.ourpresident.ir

تکیه کنند، می‌توانند بر نیروهای فشار و زوری که از طرف قدرتهای غاصب و ظالم و زورگو و غارتگر به میدان آورده می‌شود، غلبه کنند.

بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره) ـ ۷۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

احساس ضعف، مهمترین مشکل ملّتها

مشکل امروز ملّتها این است که وقتی در مقابل دشمنیِ قدرتمندان قرار می‌گیرند، احساس ناتوانی می‌کنند. امروز شما به صحنه جغرافیایی عالم در تقسیمات سیاسی و در تعاملات سیاسی نگاه کنید، ببینید کسانی‌که در صحنه دنیا همه چیز را متعلّق به خود می‌دانند و ملّتها را به چیزی نمی‌انگارند و منابع انسانی و مادّی را به غصب در اختیار خود قرار می‌دهند – یعنی قدرتهای استکباری – به چه چیزهایی تکیه می‌کنند؟ مهمترین چیزی که آنها به آن تکیه می‌کنند، این است که به ملّتها وانمود می‌کنند که قدرت آنها قدرتی است که نمی‌توان با آن مقابله کرد. شما اگر امروز به سراغ روشنفکران کشورهای عقب افتاده – از جمله کشورهای اسلامی – یا به سراغ سیاسیّون، یا به سراغ آحاد مردم آنها بروید و از آنها سؤال کنید که چرا شما برای احقاق حقوق ملیِ خودتان حرکتی انجام نمی‌دهید، جوابی که می‌دهند این است که ما نمی‌توانیم و قدرت نداریم؛ قدرتها همه چیز را از ما گرفته‌اند و ما نمی‌توانیم در مقابل قدرتهای ستمگر اظهار وجودی کنیم! این منطق کسانی

www.ourpresident.ir

است که امروز در میان کشورهای عالم در موضع ضعف قرار دارند.

حقیقت قرآنی، عکس این را بیان می‌کند. حقیقت قرآنی می‌گوید که اگر انسانها به نیروی درونی خودشان – یعنی به ایمان و اراده و اتّحاد کلمه و فداکاریهای خودشان – تکیه کنند، هیچ قدرتی در مقابل آنان یارای ایستادگی ندارد. در دوران رژیم طاغوت، ما ملّت ایران هم همین اشتباه را می‌کردیم. آن روز اگر از ما سؤال می‌کردند که این رژیم طاغوت نفت این مملکت را برده است، منابع این مملکت را برده است، امریکا را مسلّط کرده است، دین را از مردم گرفته است، اخلاق را گرفته است، فرهنگ ملی و اسلامی و بومی را گرفته است، تاریخ این ملّت را خراب کرده است، چرا شما در مقابل آن ایستادگی و مقاومت نمی‌کنید، جوابی که روشنفکران و سیاسیّون می‌دادند، این بود که می‌گفتند کاری از ما ساخته نیست و ما نمی‌توانیم اقدامی بکنیم! حرکت امام، درس بزرگ امام، خدمت بزرگ امام به این ملّت و به ملّتهای دیگر این بود که عکس این را ثابت کرد. به مردم گفت می‌توانید و قدرت دارید؛ قدرت در دست شما و متعلق به شماست؛ فقط باید این قدرت را اعمال کنید؛ باید اراده کنید؛ باید تصمیم بگیرید؛ باید خواص و اثرگذاران در ذهن مردم وارد میدان شوند و مردم باید آماده‌ی فداکاری باشند. در آن صورت همه کار خواهد شد و همه موفّقیتها به‌دست خواهد آمد. خودِ او اوّل کسی بود که وارد میدان شد. با ورود او به میدان، خواص آمدند؛ علما آمدند؛ روشنفکران آمدند؛ طلاب آمدند؛ دانشجویان آمدند؛ طبقات گوناگون مردم آمدند و در مدت چند سال، همه قشرها بتدریج به این نهضت عظیم پیوستند و در نتیجه، آن قدرت سیاسی و نظامی و تبلیغاتی که در مقابل این نیروی عظیم مردمی قرار داشت، نتوانست مقاومت کند. نیروی ایمان، نیروی اراده، نیروی رهبری حکیمانه و نیروی استقامت و صبر و پایداری، نه فقط

www.ourpresident.ir

بر قدرت رژیم طاغوت فائق آمد، بلکه بر قدرت امریکا هم که پشت سر او بود، چیره شد.

بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره) ـ ۷۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

نیاز همیشگی ملّتها به اراده و ایمان

اگر سی سال پیش در این کشور کسی می‌گفت ممکن است رژیم پهلوی به‌وسیله این مردم نابود شود و از بین برود، هیچ‌کس باور نمی‌کرد. اگر می‌گفتند به جای رژیم طاغوتی پهلوی یک نظام اسلامی سر کار خواهد آمد، هیچ‌کس باور نمی‌کرد؛ اما این چیزِ غیرقابل باور به حسب ظاهر، اتّفاق افتاد و معلوم شد که آرایش حقیقی نیروهای اثرگذار در تحوّل سیاسی و اجتماعی انسانها، غیر از آن چیزی است که چشمهای ظاهربین می‌بینند و تبلیغات استکباری می‌خواهد آن را آن‌طور وانمود کند. نیروهای اثرگذار، عبارتند از: اراده انسانی، ایمان انسانی، تصمیم‌گیری، ایثار پیشروان و رهبران و خسته نشدن آنها. آری؛ اگر ملّت فلسطین زمام کار خود را به دست کسانی بدهد که نشان دادند لایق صحنه فلسطین نیستند؛ نشان دادند که حقیرتر از آنند که بخواهند مسأله‌ای به عظمت مسأله فلسطین را بر دوش گیرند و بروند سازش کنند و نقش ایادی و مزدوران رژیم صهیونیستی و امریکا را ایفا کنند؛ البته نتایجی به‌دست نخواهد آمد. اما اگر همچنان که امروز

www.ourpresident.ir

در صحنه فلسطین مشاهده می‌کنیم، انسانهای مؤمن، جوانان مؤمن، رهبران مؤمن، آدمهای خسته نشو، کسانی که دلهایشان به نور ایمان – ایمان به قرآن و ایمان به اسلام – روشن و منوّر است، وسط صحنه باشند و جوانان دور اینها جمع شوند و ایمانشان را از ایمان آنها تغذیه کنند – کما این‌که امروز چنین می‌کنند – این حرکت پیش خواهد رفت و بدانید که یک روز مردم دنیا شاهد آن خواهند بود که فلسطین به صاحبان اصلی آن – از مسلمان و مسیحی و یهودی – برخواهد گشت.

من در پایان صحبتم به ملّت عزیزمان عرض کنم: ملّت عزیز ایران! ای ملّت سرافراز! ای ملتی که یک بار دیگر تجربه قرآنی صدر اسلام را با وجود خود، با حضور خود، با اراده خود، با ایثار و فداکاری خود تکرار کردید و تحقّق بخشیدید! ای ملتی که به پشتیبانی تو و با تکیه به تو، خمینی بزرگ توانست مفاهیم سیاسی دنیا را عوض کند؛ توانست معیارها را به هم بریزد؛ توانست راه نویی را در مقابل بشریت بگذارد و باز کند! ای ملّت بزرگ! شما امروز به همان اراده و ایمان احتیاج دارید تا بتوانید آنچه را که به‌دست آورده‌اید، تثبیت کنید. امروز نظام اسلامی بحمدالله تثبیت شده است؛ اما کسانی‌که با انقلاب شما ملت، تودهنی خورده‌اند، سیاستهایی که با دست قدرتمند ملّت ایران از صحنه غارت این کشور کنار زده شدند، بیکار ننشسته‌اند؛ آنها از دشمنی منصرف نشده‌اند؛ آنها نقشه‌هایی دارند.

بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره) ـ ۷۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، تجربه‌ای نو

بدون کمک الهی نمی‌توانیم کاری انجام دهیم؛ و کمک و رحمت الهی جز با توجّه و توسّل به او، جز با شستشوی دل، جز با خالص کردن نیّت، جز با کنار گذاشتن هدفهای حقیر و کوچک شخصی میسّر نخواهد بود؛ و این انقلاب، با این روحیه و با این حالت پیروز شد؛ و این مجلس شورای اسلامی – که افتخاری برای نظام جمهوری اسلامی و برگ زرّینی بر شناسنامه انقلاب و نظام ماست – با این ترتیب پیش آمد.

ما قبل از انقلاب در این کشور چیزی به‌نام مجلس شورا را تجربه کرده بودیم. هرکس که آن مجلس و آن اوضاع و آن تاریخ را دیده، یا لمس کرده، یا در آثار خوانده است، قدر این مجلس و این انقلاب را می‌داند؛ قدر آن مجاهدتهایی را می‌داند که باعث شد در طول بیست و یک سال، یک روز مجلس شورای اسلامی تعطیل نشود. البته آن مجلس هم فرآورده اسلام بود. اگر مبارزات اسلامیِ مؤمنینِ به اسلام و علمای بزرگ نمی‌بود، آن مجلس هم شروع نمی‌شد؛ منتها آن مجلس منحرف شد. دو آفت بر آن مجلس

www.ourpresident.ir

مسلط شد: یکی تعطیل و توقّف، یکی انحراف. انحراف مجلس هم این بود که نمایندگان به وظیفه نمایندگی خود عمل نکردند. بعد از مجلس سوم و چهارم به این‌طرف، چهار، پنج دوره مجلسِ دو ساله تشکیل شد که تقریباً براساس انتخاب مردم بود؛ اما بعد دیگر انتخاب و گزینشی نبود و مردم حضور نداشتند! هیچ‌کس به‌قدر کسانی که آن وضعیت را دیدند، یا لمس کردند، یا شنیدند و فهمیدند، قدر این مجلس شورای اسلامی و این محیط قانونگذاریِ آزاد و این گزینش مردمیِ حقیقی را نمی‌داند. خدا را شکر بگزارید که شما را جزو کسانی قرار داد که بتوانید در چنین جایگاه مهم و رفیعی حضور پیدا کنید؛ برای او فکر کنید و تصمیم بگیرید و برای انجام وظیفه، کار و تلاش و مجاهدت کنید. این کشور به تلاش و مجاهدت، بسیار احتیاج دارد.

انقلاب اسلامی یک تجربه جدید و یک حرف نو در دنیاست. نظام اسلامی یک حرف تازه در محیط سیاسی عالم است. این چیزی نیست که نظامهایی که منافع کلان قدرتهای مستقر و مسیطر عالم به آن آنها وابسته است، حاضر باشند به آسانی از سرش بگذرند. لذا مقابله و معارضه و کارشکنی و تهدید می‌کنند؛ برای این‌که بتوانند این تجربه جدید را به شکست بکشانند.

بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی ـ ۷۹/۳/۲۹

www.ourpresident.ir

امریکا و انگلیس علّت اصلی عقب‌ماندگی ایران

مگر وجود فساد و اختناق و خرابی وضع در این کشور، غیر از تسلّط و نفوذ قدرت استکباری انگلیس در دوره اوّل، و امریکا در دوره بعد، علت دیگری دارد؟ چه قدرتی در این مملکت اختناق به‌وجود آورد؟ چه قدرتی در این مملکت دستگاههای ملی و دولتی را برمبنای فساد پایه‌گذاری کرد؟ چه قدرتی در طول پنجاه سال با اخلاق عمومی و انسانی مبارزه کرد؟ چه دستی رضاخان را به قدرت رساند؟ چه عواملی کودتای ۲۸ مرداد را راه انداخت؟ در طول این پنجاه و چند سال، چه کسانی زشت‌ترین تبلیغات را در جهت کشاندن این ملّت به سمت فساد، بی‌بندوباری و ناباوری به اصول اخلاقی و دین انجام دادند؟ جوانان ما امروز چیزی از مطبوعات دوران رژیم پهلوی به یاد ندارند؛ اما شما که به یاد دارید. آن مطبوعات فاسد و – به قول یک روشنفکر مسلمانِ معروف – آن رنگین نامه‌ها، به وسیله چه کسی تشویق می‌شد؟ آنها از کجاها تغذیه و تشویق می‌شدند؟ از چه کسی الگو می‌گرفتند؛ غیر از همین دستگاههای قدرتی که آن نظام را سر کار آورده

www.ourpresident.ir

بودند و با همه وجود آن را تقویت می‌کردند؟

امروز ما برای این‌که با نام و یاد و سلطه استکباری دولت امریکا با همه وجود مخالف باشیم، محتاج چه دلیلی باشیم، جز این که آن رژیم، پنجاه سال همه منابع انسانی و مالی و اخلاقی و استعدادیِ ما را ضایع و نابود کرد؟ دستاورد رژیم پهلوی در طول این پنجاه سال برای ایران چه بود؟ این ویرانه‌ای که اینها به‌وجود آوردند، چگونه، با کدام تلاش و در چه مدت قابل اصلاح است؟ چه کسی آن را زمینه‌سازی کرد؟ چه کسی کمک کرد؟ چه کسی هدایت کرد؟ چه کسی دستگاه جاسوسی‌شان را تقویت کرد؟ چه کسی به آنها خط داد؟ در عین حال همان دولت امریکا و انگلیس، همان رؤسایشان، همان سیاستمدارانشان، همان مراکز رسانه‌ای‌شان، امروز از چیزی به نام اصلاحات و آزادی در ایران دفاع و حمایت می‌کنند! این باید هر هوشمندی را به فکر وادار کند و هر غافلی را بیدار و هوشیار نماید. مسأله چیست؟ این یک صحبت بسیار مهم و یک سؤال بسیار اساسی است.

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران / طرح امریکایی فروپاشی شوروی ـ ۷۹/۴/۱۹

www.ourpresident.ir

نقش رهبری روحانیت در تاریخ

در دوران اختناق که رهبری این تجسّم را نداشت، دلهای مردم متدیّن در قبضه‌ی رهبری بود؛ منتها رهبری‌ای که تشخّص و هویّت قابل اشاره در بیرون و جایگاه قانونی نداشت؛ به صورت مراجع تقلید و به صورت علمای بزرگ، تأثیر خودش را بارها نشان داده بود؛ لذا آن وقتی که به فلان قرارداد ننگین استعماری اشاره می‌کرد، قرارداد از بین می‌رفت؛ آن وقتی که به یک حادثه نامناسب اشاره می‌کرد، آن حادثه مورد تخاصم مردم قرار می‌گرفت. پانزده خردادی که بنابر آنچه نقل شده است، چند هزار نفر آدم در آن حادثه جان خود را فدا کردند و کشته شدند، آن وقتی بود که امام بزرگوار ما رهبر به معنای قانونی خودش نبود؛ یک روحانی برجسته بود.

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران / طرح امریکایی فروپاشی شوروی ـ ۷۹/۴/۱۹

www.ourpresident.ir

پیشتازی قم در نهضت اسلامی

در اوّلی که این نهضت پا به عرصه وجود گذاشت، مردم این شهر[1] بودند که پاسخ گفتند و دست یاری به سوی امام دراز کردند. من فراموش نمی‌کنم، در همین مسجد اعظم قم، در هنگامی که تازه اوّلین هفته‌های مبارزه و نهضت عظیم روحانیت آغاز شده بود، مردم شهر قم از قشرهای مختلف به محل درس امام بزرگوار ما آمدند، صدایشان را بلند کردند و گفتند ما از شما پشتیبانی کردیم و پشتیبانی می‌کنیم؛ چرا این کار پیش نمی‌رود؟ مسأله انجمنهای ایالتی و ولایتی بود. یعنی از قدم اوّل، مردم قم امام را و مبارزه را تنها نگذاشتند. آن روزی هم که قلمهای مزدور و خائن، به امام بزرگوار اهانت کردند، باز این شهر بود؛ همین مردم بودند؛ همین جوانها بودند؛ همین مادران و خواهران و همسران بودند که قیام کردند؛ همین جوانها بودند که به خیابانها آمدند؛ شهید دادند، کتک خوردند، زیر فشار قرار گرفتند؛ اما ایستادند.

---

۱. قم.

www.ourpresident.ir

مبارزه مردم قم، مبارزه ملّت ایران را به دنبال داشت. حضور شما در خیابانهای شهرتان، به مردم شهرهای دیگر درس داد؛ راه را به آنها نشان داد؛ فهمیدند باید وارد میدان شوند، بی‌تفاوتی را کنار بگذارند و کنار گذاشتند و این توفان عظیم و این کوره آتشفشان شروع به فعّالیت کرد و دنیا را تکان داد و ملّت ایران را آزاد نمود. بعد هم که دفاع از نظام نوپای اسلامی پیش آمد، باز شما مردم قم در صفوف مقدّم بودید. لشکر شما، جوانهای شما، بسیجیهای شما، خانواده‌های شما، مادرهای شما، پدرهای شما؛ اینها بودند که جوانمردانه و پُر از گذشت وارد میدان شدند و توانستند سهم بسیار درخشانی را ایفا کنند. من از این‌که در میان شمایم، خوشحالم، و از این‌که یکی از مسائل بسیار مهم و فراوان انقلاب را با شما در میان می‌گذارم، احساس آرامش می‌کنم.

آنچه را که من امروز با شما مردم عزیز در میان می‌گذارم، این است که شعار اصلی انقلاب ما این سه کلمه بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی، همان نظامی است که وارد میدان شد؛ با تلاشهای خود و چالشهایی که با آن روبه‌رو بوده است، پیش می‌رود و راه را باز می‌کند. شعار آزادی، جزو شعارهای بسیار جذّاب است؛ تکرار شده است؛ درباره آن حرف زده‌اند؛ مقاله نوشته‌اند؛ کتاب نوشته‌اند و شعار داده‌اند. درباره آزادی، سخنها گفته شده است؛ بعضی با اعتدال، بعضی با افراط، بعضی با تفریط. شعار آزادی، زنده مانده است؛ اما شعار استقلال برخلاف آن دو شعار دیگر، در انزوا قرار گرفته است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ـ ۷۹/۷/۱۴

www.ourpresident.ir

مفهوم و معنای استقلال‌طلبی

شعار استقلال، یکی از مهمترین شعارهاست. اگر استقلال نباشد، یک ملّت به آزادی خود و به شعار آزادی خود هم نمی‌تواند خوشبین باشد. استقلال را بعضی عمداً، بعضی سهواً، بعضی از روی غفلت و بعضی از روی خباثت، می‌خواهند به دست فراموشی بسپارند. من امروز درباره‌ی مسأله استقلال – در وقتی که گنجایش این سخن را داشته باشد – در برابر شما برادران و خواهران عزیز مطالبی را عرض می‌کنم.

معنی استقلال چیست؟ برای یک ملت، استقلال چه مفهوم و چه ارزشی دارد؟ استقلال، یعنی این‌که یک ملّت بتواند بر سرنوشت خود مسلّط باشد؛ بیگانگان دست دراز نکنند و سرنوشت او را خائنانه و مغرضانه رقم نزنند. این معنای استقلال است. اگر از ملتی استقلال او گرفته شد؛ یعنی اگر بیگانگان – که یقیناً دلسوز او نیستند – بر سرنوشت او مسلّط شدند، دو چیز را از دست می‌دهد: اوّل، عزّت نفس خود را، افتخارات خود را، احساس هویّت خود را؛ دوم، منافع خود را. دشمنی که بر سرنوشت یک ملّت مسلّط شود،

www.ourpresident.ir

دلسوز آن ملّت نیست و منافع آن ملّت برای او اهمیت ندارد. آن‌که می‌آید یک ملّت را مسخّر سرپنجه قدرت خود می‌کند، در درجه اوّل – در حقیقت، در اوّل و آخر – به فکر منافع خود است. آنچه برای او کمترین اهمیتی ندارد، منافع آن ملتی است که استقلال خود را از دست داده است. ما در این زمینه نمونه‌های فراوانی در قرن نوزدهم و سپس به دنبال آن در قرن بیستم، داریم.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ـ ۷۹/۷/۱۴

www.ourpresident.ir

تاریخ سیاه استعمار در جهان

استعمارگران اروپایی آمدند و بر مناطق بسیاری از آسیا، آفریقا و امریکای لاتین تسلّط پیدا کردند؛ ملّتهای آن مناطق را ذلیل کردند؛ فرهنگ آنها را، هویّت آنها را، ثروت آنها را به تاراج بردند؛ حتی زبان آنها را، خطّ آنها را، سابقه و سنّت آنها را زیر پا له کردند. ملّتها را ذلیل کردند؛ آنها را دوشیدند؛ ثروت آنها را غارت کردند؛ فرهنگ آنها را نابود کردند؛ تا آن وقتی که ممکن بود، ماندند، بعد هم رفتند. من نمونه‌هایی از این قبیل، بعضی را به چشم خود دیده‌ام، بعضی را شنیده‌ام و بعضی را خوانده‌ام.

یک نمونه، کشور بزرگ و پهناور هندوستان است. انگلیسیها از راه دور آمدند؛ اوّل با تزویر و فریب و بعد با سلاح و قوّت نظامی، سرزمین هند را گرفتند. سالهای متمادی بر این سرزمین مسلّط ماندند؛ مردم را ذلیل کردند؛ بزرگان را نابود کردند و ثروتهای هند را از بین بردند. انگلیس، خزانه خود و جیب سرمایه‌داران خود را از سرمایه‌ها و فرآورده‌های هند پر کرد؛ اما هند را در فقر و مسکنت و بدبختی باقی گذاشت. فقط ثروت مادّی نبود؛ ثروت

www.ourpresident.ir

معنوی آنها را هم گرفتند و زبان خود را بر آنها تحمیل کردند. زبان رسمی امروز دولتهای هند و پاکستان و بنگلادش – که مجموعاً شبه قارّه هند قدیم است که مستعمره انگلیس بود – انگلیسی است! آن منطقه دهها زبان محلی داشته است؛ این زبانها را تا آن‌جایی که توانستند، منسوخ کردند و از بین بردند. یک ملت، زبان خود را که از دست داد، یعنی از گذشته خود، از تاریخ خود، از سنّتهای خود و از میراثهای گرانقدر خود منقطع و جدا می‌شود و از آنها بی خبر می‌ماند.

یک نمونه دیگر عرض می‌کنم. رئیس جمهور کشور پرو در امریکای لاتین، در زمانی که بنده رئیس جمهور بودم، به من گفت: ما اخیراً یک تمدّن بسیار باشکوه را در حفّاریهای خود در کشورمان پیدا کرده‌ایم. او می‌گفت: سالها استعمارگران بر کشور پرو مسلّط بودند؛ اما نگذاشتند مردم و روشنفکران و صاحب‌نظران پرو بفهمند که در گذشته چنین تمدّنی داشتند! یعنی اینها حتی از این‌که مردم، تاریخ خودشان را بدانند و به گذشته خودشان افتخار کنند، مانع می‌شدند!

یک نمونه دیگر، الجزایر، این کشور عربی و مسلمان است. فرانسویها آمدند و دهها سال بر آن کشور مسلّط شدند؛ با سلاح آن‌جا را قبضه کردند؛ در آن‌جا حکومت تشکیل دادند؛ حکّام و افسران خودشان را به حکومت و فرماندهی آن کشور گماشتند؛ اوّلین چیزی که کمر به آن بستند، از بین بردن آثار اسلامی و حتی از بین بردن زبان عربی بود. باز زمانی که من رئیس جمهور بودم، یکی از بلندپایگان دولت الجزایر در آن روز، به تهران آمد و با من ملاقات کرد. در اثنای صحبت می‌خواست مطلبی را بیان کند؛ اما تعبیر عربی آن مطلب را بلد نبود! عرب زبان، می‌خواست مفهومی را به من منتقل کند، نمی‌دانست با زبان عربی چگونه می‌شود آن را منتقل کرد! رو کرد به وزیر خارجه‌اش، به زبان فرانسوی از او پرسید که این به عربی چه می‌شود؟

www.ourpresident.ir

او هم در جواب گفت به عربی این می‌شود؛ بعد لغت عربی را به کار برد! یعنی زبدگان و نخبگان یک ملت، به خاطر تأثیر استعمار، از زبان خودشان دور ماندند. دلسوزان الجزایری بعد از آن با ما صحبت کردند و گفتند ما همت گماشته‌ایم که بعد از ازاله استعمار، بتوانیم زبان عربی را برگردانیم.

عزیزان من! برادران و خواهران من! نبودن استقلال، با یک کشور این‌طور عمل می‌کند. هویّت ملی را از مردم آن کشور می‌گیرد؛ افتخارات را از آنها می‌گیرد؛ سابقه تاریخی را از آنها می‌گیرد؛ منافع مادّی آنها را چپاول می‌کند؛ هویّت فرهنگی و زبان آنها را هم می‌گیرد. این وضع تسلّطِ یک قدرت بر یک کشور است. در دوران استعمار این‌گونه بود. در دوران بعد از استعمار – که معروف به دوران استثمار است – طور دیگری بود. البته کشور ما هرگز استعمار نشد؛ یعنی بیگانگان نتوانستند به این کشور بیایند و یک حکومت غیر ایرانی – حکومت مثلاً انگلیسی؛ چون انگلیسیها این‌جا مسلّط بودند – تشکیل دهند. ملّت ایران این را اجازه نداد؛ اما هرچه توانستند – در آن‌جایی که می‌توانستند و در دورانی که قادر بودند – نفوذ خودشان را در ایران توسعه دادند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ـ ۷۹/۷/۱۴

www.ourpresident.ir

چهار نمونه از نتایج تسلّط بیگانه بر کشور

من چهار نمونه را از تاریخِ نزدیکِ خودمان - تاریخ صد سال پیش به این طرف - به شما عرض کنم. این چهار نمونه به ما نشان می‌دهد که وقتی یک قدرت بیگانه بر دستگاههای سیاسی و فرهنگی یک کشور مسلّط شود، بر سر آن کشور و آن ملّت چه می‌آید.

یک نمونه، نمونه مشروطیت است. می‌دانید، دوران استبداد حکومت قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم قیام کردند، دلسوزان جامعه قیام کردند؛ پیشرو آنها هم علمای دین بودند. در نجف، مرجع تقلیدی مثل مرحوم آیةالله آخوند خراسانی؛ در تهران سه نفر عالم بزرگ - مرحوم شیخ فضل‌الله نوری، مرحوم سید عبدالله بهبهانی، مرحوم سید محمّد طباطبایی - پیشوایان مشروطه بودند. پشتوانه‌ی اینها هم دستگاه حوزه علمیه در نجف بود. اینها چه می‌خواستند؟ اینها می‌خواستند که در ایران عدالت برپا شود؛ یعنی استبداد از بین برود. وقتی که جوش و خروش مردم دیده شد، دولت انگلستان که آن وقت در ایران نفوذ بسیار زیادی داشت و از عواملی در میان

www.ourpresident.ir

روشنفکران برخوردار بود، اینها را دید و نسخه خودش را به اینها القاء کرد. البته در بین همان دلسوزان هم عدّه‌ای از روشنفکران بودند. حقّ آنها نباید ضایع شود؛ لیکن یک عدّه روشنفکر هم بودند که مزدور و خود فروخته و از عوامل انگلیس محسوب می‌شدند. باری؛ مشروطه، قالب و ترکیب حکومتیِ انگلیس بود. این روشنفکران به جای این‌که دنبال دستگاه عدالت باشند و یک ترکیب ایرانی و یک فرمول ایرانی برای ایجاد عدالت به وجود آورند، مشروطیت را سر کار آوردند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که این نهضت عظیم مردم که پشت سرِ علما و به نام دین و با شعار دین خواهی بود، بعد از مدّت بسیار کوتاهی منتهی به این شد که شیخ فضل‌الله نوری را – که این شهید بزرگوار همین‌جا مدفون است – در تهران به دار کشیدند. اندک زمانی بعد، سید عبدالله بهبهانی را در خانه‌اش ترور کردند. بعد از آن‌هم سید محمّد طباطبایی در انزوا و تنهایی از دنیا رفت. آن‌وقت مشروطه را هم به همان شکلی که خودشان می‌خواستند برگرداندند؛ مشروطه‌ای که بالاخره منتهی به حکومت رضاخانی شد!

نمونه دوم، خودِ حکومت رضاخان است. انگلیسیها قراردادی را با دولت قاجاریه در میان گذاشتند که براساس آن قرارداد، تمام مسائل مالی و تمام مسائل نظامی کشور ایران در قبضه انگلیسیها قرار می‌گرفت. مرحوم سید حسن مدرّس، آن عالم آگاه، با این قرارداد مخالفت کرد و نگذاشت این لایحه در مجلس شورای ملیِ آن روز تصویب شود. بعد که انگلیسیها از این‌جا محروم شدند و دیدند نمی‌شود این‌طوری عمل کرد، به فکر تازه‌ای افتادند. فهمیدند باید در ایران یک دیکتاتور را بر سرِکار بیاورند تا امثال مدرّسها را قلع و قمع کند؛ با مردم با کمال خشونت رفتار کند؛ خواسته‌های انگلیس را اعمال کند. لذا رضاخان را بر سرِ کار آوردند. ماجرای به سلطنت

www.ourpresident.ir

رسیدن رضاخان در ایران، یکی از ماجراهای بسیار عبرت‌انگیز تاریخ ماست. ماجرایی است که همه جوانهای این کشور، امروز باید بدانند. هرج و مرج قبل از رضاخان، به وسیله مشت پولادین رضاخان و با کمک دولت انگلیس از بین رفت و یک نظم تحمیلی و استبدادی در کشور به وجود آمد که پنجاه و پنج سال ادامه پیدا کرد. نفوذ انگلیس در دستگاههای سیاسی و فرهنگی کشور ما، مردم را تحت فشار قرار داد.

نمونه سوم، نمونه شهریور ۱۳۲۰ است که رضاخان به وسیله حامیان قبلی خود از سلطنت عزل شد و از ایران بیرون رفت. محمّدرضا را بر سرِ کار آوردند؛ با قرار تسلیم محض در مقابل انگلیسیها! هر کاری آنها می‌خواستند، انجام می‌داد؛ دیگر احتیاج به استعمار نبود! وقتی که یک خائن ایرانی حاضر است در مقابل کمکِ بیگانه، بر ملّت ایران سلطنت و حکومت کند و خواسته آن بیگانه را در ایران اِعمال نماید، دیگر چه لزومی دارد زحمت استعمار را به خودشان بدهند!؟ این کار را کردند.

بعد، نمونه چهارم پیش آمد. و آن مرداد سال ۱۳۳۲ هجری شمسی بود. بعد از آن که حکومت مصدّق را سرنگون کردند – البته قبلاً مرحوم آیةالله کاشانی را با ترفندهای خودشان منزوی کردند، کنار زدند و با بی‌تدبیریهایی که انجام گرفت کنار گذاشتند – باز سرِ کار آمدند و وارد ایران شدند و توانستند با نفوذ خود، با ایادی خود، با فعالیت خود، کودتای ۲۸ مرداد را به وجود آورند و محمّدرضا را که از ایران فرار کرده بود، به ایران برگردانند. بیست و پنج سال بعد از آن، حکومت دیکتاتوری سیاه پهلوی ادامه پیدا کرد. این چهار مقطع است؛ اینها همه عبرت‌انگیز است.

یک ملّت وقتی اجازه بدهد که یک قدرت بیگانه در دستگاههای سیاسی او یا در دستگاههای فرهنگی او نفوذ کند، سرنوشت این ملّت همین است.

www.ourpresident.ir

اگر انقلاب اسلامی پیش نیامده بود، اگر این ملّت پشتِ سر امام بزرگوار، این حرکت عظیم تاریخی را به وجود نیاورده بود، می‌دانید امروز ملّت ایران چگونه بود؟ ملتی که هیچیک از پیشرفتهای علمی غرب را فرا نگرفته بود. نه اختراعی، نه اکتشافی، نه سازندگی‌ای. منابعش را از دست داده بود؛ نفتش را از آب رودخانه‌ها هم ارزانتر به همان دشمنها فروخته و در اختیار آنها گذاشته بود. نفت مال آنها، پالایش از آنها، قراردادهای طولانی مدت برای آنها! دشمنان این کشور، برای بقیه معادن و منابع کشور هم برنامه‌ریزی کرده بودند. می‌خواستند مغزهای این ملّت را ببرند و دستگاه علمی کشور را در سطح پایین نگه دارند.

در روزهای نفوذ امریکا و انگلیس در ایران، ملّت ایران روزهای سختی را گذراند. صد سال، اوّل انگلیسیها و بعد امریکاییها با نفوذ خود این کشور را عقب انداختند. ما امروز هر مرحله‌ای را که وارد می‌شویم، نشانه‌های کوتاهیهای آنها، خیانتهای آنها و بدعملی آنها را به چشممان مشاهده می‌کنیم.

انقلاب اسلامی از بزرگترین کارهایی که کرد این بود که دست امریکا را کوتاه کرد. انقلاب اسلامی جزو افتخاراتش این بود که نفوذ امریکا، دست امریکا و ریشه‌های امریکا و بند و بست‌های امریکایی را در این کشور از بین برد. البته عدّه‌ای که در اوّلِ کار بر مسند حکومت در این کشور نشسته بودند و دل در گرو امریکا و امریکایی داشتند، می‌خواستند نگذارند. من در شورای عالی دفاعِ سال ۵۸ از نزدیک خودم شاهد بودم. داشتند مصوّبه‌ای می‌گذراندند که بر اساس آن مصوّبه، هیأتهای مستشاریِ نظامیِ امریکایی –همانهایی که آن همه جنایت و خیانت کرده بودند – با نام دیگری در ارتش جمهوری اسلامی باقی بمانند! بنده مانع شدم، گفتم این چه کاری است که

www.ourpresident.ir

شما می‌کنید؟! قدری بحث شد، مطلب را متوقّف گذاشتند. بعد هم خدای متعال به آنها توفیق نداد این کار را بکنند و رفتند. یک بار دیگر هنوز یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که همان آقایان، در الجزایر طرح گفتگوی با امریکاییها – دشمنان خونی این ملّت – را ریختند؛ ولی امام مانع شدند و نگذاشتند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ـ ۷۹/۷/۱۴

www.ourpresident.ir

استقلال و آزادی، دو ارزش توأم

انسان وقتی از این گونه افراد، نام «اصلاح» و «آزادی» را می‌شنود، حق دارد بدبین شود. کسانی که پس از یک چنین انقلاب باشکوهی - که لبه تیز این انقلاب هم علیه سلطه امریکا بود - می‌خواستند با تدابیر گوناگون، امریکاییها را که از در رفته بودند، از پنجره برگردانند، اکنون دم از «آزادی» و «اصلاح» بزنند و کسانی از تفاله‌ها و از مزدوران رژیم گذشته به آنها کمک کنند! هر آدم هوشمندی حق دارد نگران شود و سوءظن پیدا بکند. استقلال، بیت‌الغزل انقلاب اسلامی بود؛ یعنی نفوذ بیگانه در این کشور ممنوع؛ یعنی امریکا و انگلیس و دیگران حق ندارند در مسائل سیاسی و فرهنگی کشور هیچ‌گونه اعمال نفوذی بکنند.

برادران و خواهران عزیز من! مسأله استقلال را مطرح کردم، برای این که قانون اساسی ما تصریح می‌کند، نه استقلال می‌تواند جلوِ آزادی را بگیرد، نه آزادی می‌تواند جلوِ استقلال را بگیرد؛ و این بسیار مبنای متین و مستحکمی است. اگر کسانی به نام آزادی و با شعار آزادی بخواهند پای دشمن را باز

www.ourpresident.ir

و نفوذ او را برقرار کنند، این آزادی نیست. این آن چیزی است که دشمن می‌خواهد. این همان دامی است که دشمن می‌گستراند. امروز، روز حسّاسی است. این روزگار، روزگار حسّاسی است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ـ ۷۹/۷/۱۴

www.ourpresident.ir

انقلاب و شکستن طلسم سلطه‌ی استکبار

سیاستِ مراکز اقتدار بین‌المللی از اوایل این قرن تا امروز، همیشه این بوده است که ملّتها را از معادله قدرت جدا کنند؛ یعنی از آن روزی که کشورهای اروپایی و بعد امریکا برنامه‌ریزی کردند که بخصوص اختیار کشورهای اسلامی این منطقه را در دست گیرند؛ از نفتشان استفاده کنند، از موقعیت سوق‌الجیشی‌شان استفاده کنند، از بازارهای مصرفشان استفاده کنند، از نیروی کار ارزانشان استفاده کنند؛ یک تصمیم اساسی و حیاتی دیگر هم در کنار این گرفته شد و آن تصمیم این بود که ملّتهای این منطقه را از معادلات قدرت کنار بگذارند؛ چون اگر ملّتها در معادله قدرت وارد شوند، دستگاه اقتدارطلبِ استکبار، شکست خورده است. ملّتها را چطور کنار بگذارند؟ راه این که ملّتها در قضایای این منطقه سخنی و نقشی و عزمی نداشته باشند، این بود که در رأس کشورها، عناصر طرفدار خود را که با مردم هیچ نسبتی و در میان مردم هیچ محبوبیتی نداشتند، سرکار بیاورند. نمونه‌اش در ایران ما، آدمی مثل رضاخان بود؛ بعد هم پسر رضاخان. اینها هیچ ارتباطی با مردم نداشتند. وقتی

www.ourpresident.ir

در یک کشور مثل ایران یا مثل بعضی کشورهای شمال آفریقا و یا کشورهای دیگری در این منطقه، ملّتها مواجه با قدرت، با حکومت و زمامداریِ چنان انسانهایی می‌شوند، بدیهی است که از آنها پشتیبانی نمی‌کنند. وقتی ملّت از زمامدار پشتیبانی نکرد، اختیار این زمامدار در دست آن مرکز اقتدار خارجی است. بگوید بکن، مجبور است بکند؛ بگوید نکن، مجبور است نکند؛ بگوید صلح خاورمیانه را به رسمیت بشناس، مجبور است بشناسد؛ بگوید قیمت نفت را این قدر پایین بیاور، مجبور است پایین بیاورد؛ بگوید فلان فرد را از دولت خود کنار بگذار، یا فلان فرد را در داخل دولت خود به فلان کار بگمار، مجبور است بکند! چرا مجبور است؟ چون اگر نکند، با خشم مرکز اقتدار جهانی مواجه می‌شود و ملتی هم ندارد که از او پشتیبانی کند. نتیجه این می‌شود: تصمیم‌گیری در این کشورها به‌وسیله زمامداران فاسد و خود فروخته، می‌شود تصمیم‌گیریِ دستگاههای اقتدار جهانی؛ یعنی همان چیزی که ما از اوّل انقلاب به آن «استکبار» گفته‌ایم؛ آن که ملّتها را خُرد می‌شمارد؛ آن که به حقوق ملّتها اعتنا نمی‌کند؛ آن که منافع ملّتها را در نظر نمی‌گیرد. این سیاست استکبار بوده؛ این کار را هم کرده‌اند. در ایران عزیز ما، قبل از انقلاب دهها سال این سیاست دنبال شد. در کشورهای دیگر هم اگر نگاه کنید – من اسم نمی‌آورم و زمان معیّن نمی‌کنم – می‌توانید نمونه‌های متعدّدی را ببینید. نقطه مقابل این چیست؟ نقطه مقابل این است که ملّت در یک کشور، در معادله قدرت وارد شود؛ «آری» و «نه» بگوید؛ خواست خود را علنی کند؛ حقوق خود را مطالبه کند؛ در مسائل کشورش با چشم باز، با عزم راسخ، با قدم ثابت و استوار دخالت کند. این کار را انقلاب عظیم اسلامی ما و رهبر بی‌نظیر این انقلاب، در این کشور – که مانند طلسمی بسته شده بود – باز کردند؛ این کار را راه انداختند. قبل از انقلاب، دهها سال در این کشور نام مجلس و انتخابات و از این رقم چیزها بود. این مردم در آن

www.ourpresident.ir

دوران یک مرتبه پای صندوق انتخابات نمی‌رفتند؛ انتخابات نمی‌شناختند؛ دولت را نمی‌شناختند؛ از تصمیمها خبر نداشتند؛ همه چیز در غیاب ملّت رقم می‌خورد و تصمیم گرفته می‌شد و عمل می‌شد. از اوّلِ انقلاب، این ملّت است که در وسط میدان است. مسؤولان کشور اگر تصمیمی می‌گیرند، اگر شجاعتی به خرج می‌دهند و اگر اقدام راسخی می‌کنند، به پشتیبانی این ملّت است. ملّت وقتی در یک کشور وسط میدان باشد، در معادله قدرت، شریک و سهیم می‌شود. دیگر نه قدرتهای زورگوی بین‌المللی می‌توانند چیزی بر او تحمیل کنند یا کسی را بر گُرده‌ی او سوار کنند؛ نه زمامداران می‌توانند ضعف نشان دهند و تسلیم خواست بیگانگان شوند؛ چون ملّت مطالبه می‌کند.

بیانات در جمع بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی، رزمیِ یاران امام علی علیه‌السلام ـ ۷۹/۷/۲۹

www.ourpresident.ir

سوابق درخشان قم

از خداوند متعال مسألت می‌کنم که شهدای ارزشمند و پیشروِ نوزدهم دی را – که جزو «سابقون» و «اوّلون» این راه محسوب می‌شوند – مشمول رحمت و مغفرت ویژه خود قرار دهد.

نوزدهم دی یک نقطه درخشنده است؛ نه فقط در تاریخ قم، بلکه در تاریخ کشور ما و تاریخ انقلاب. جوانان قم، مرد و زن، طلبه و غیر طلبه، در این روز یک پاسخِ مؤمنانه و قهرمانانه به نیاز زمان دادند. مهم این است که هر ملتی، هر شخصی و هر مجموعه‌ای بتواند به نیاز زمانه خود پاسخ دهد. البته مردم قم اوّلین بار در نوزدهم دی نبود که این هوشیاری و هوشمندی و شجاعت را از خود نشان دادند؛ هزارودویست سال است که شهر قم پایگاه اشاعه افکار منوّر اهل‌بیت علیهم‌السلام است. آن وقتی که حکومتهایِ مخالف اهل‌بیت هم بر سرِ کار بودند، مردم قم این موضع را حفظ کردند و اگر سختیهایی هم داشت، آن را تحمّل کردند. هفتاد سال هم هست که قم مرکز و پایتخت فکری و علمی دنیای اسلام است. از زمان ورود مرحوم آیةالله

www.ourpresident.ir

حائری به قم – سال ۱۳۴۰ قمری – این شهر به مرکز اصلیِ علمیِ عالم اسلام و تشیّع تبدیل شد و بعد در زمان مرحوم آیةالله بروجردی به اوج خود رسید؛ و محصول آن دوره‌ها پیدایش شخصیت عظیم‌القدر و کم‌نظیری مثل امام بزرگوار بود. این سابقه درخشان برای قم وجود دارد که همیشه به نیاز زمان پاسخ گفته است. نوزدهم دی هم از این قبیل بود.

اشکال کار ملّتها و اشخاصی که توسری‌خور زمانه باقی می‌مانند و مغلوب حوادث دورانِ خود می‌شوند، این است که زمان و جریانات خود را نمی‌شناسند؛ آنچه را که اقتضاء و نیاز زمان است، درک نمی‌کنند؛ اگر هم درک می‌کنند، گاهی شجاعت ابراز آن را ندارند. لذا زمانه و عوامل مخالف و معاند بر آنها غلبه می‌کند.

اگر مردم قم در نوزدهم دیماه سال ۱۳۵۶ قیام نمی‌کردند و آن حوادث عظیم را پی‌درپی به‌وجود نمی‌آوردند، احتمالاً حوادث به سمت و سوی دیگری می‌رفت؛ اما آنها ابتکار به‌خرج دادند و مرد و زن و جوان و پیر و روحانی و غیر روحانی، در این حرکت سهیم شدند؛ هرچند نقطه اصلی ثقل این کار بر دوش جوانها بود؛ چون فطرت پاک و پایبند نبودن به تعلّقات مادی، جوان را راحت‌تر به وسط میدانِ انجام وظیفه می‌بَرَد. همه ملّت ایران در دوران انقلاب، این منش و کار بزرگ را نشان دادند؛ یکی زودتر، یکی دیرتر؛ اما جلوتر از همه قم بود. نتیجه این شد که دژ تسخیرناپذیری که دربست در اختیار دشمنان ملّت ایران و غارتگران و زورگویان و راهزنان بین‌المللی بود – دژ حکومت ایران – به وسیله مردم از دست آنها خارج شد و مردم آن را فتح کردند.

گاهی بعضی افراد دژی را فتح می‌کنند، لیکن به‌سرعت آن را از دست می‌دهند. در میان جمع حاضر یقیناً عدّه زیادی در جنگ تحمیلی حضور داشتند و دیده‌اند که گاهی انسان یک دژ را، یک منطقه را، یک شهر را،

www.ourpresident.ir

یک روستا را می‌گیرد؛ اما در نگهداری آن غفلت می‌کند. یعنی اوّل انگیزه دارد، اما بعد انگیزه خود را از دست می‌دهد؛ دشمن هم بدون درنگ مجدداً حمله می‌کند – به اصطلاح نظامیها، پاتک می‌کند – و آنچه را که با زحمت، جانفشانی، انگیزه و ایمان از او گرفته شده، پس می‌گیرد. هنر ملّت ایران تا امروز این بوده که پاتک دشمن را در همه جا خنثی کرده است. نه این‌که دشمن نمی‌خواسته پاتک کند؛ دشمن همیشه درصدد ضربه زدن به ما بوده است.

بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم ـ ۷۹/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

نقش اسلام در بیداری ملّت

اسلام، ملّت و جوانهای ما را بیدار کرد. اسلام، اوّلاً نشان داد که اگر ملّت اراده کند روی پای خود بایستد و امور خود را اصلاح کند، می‌تواند؛ ثانیاً چشم مردم را هم باز کرد تا بفهمند کسانی که بر سرنوشت کشور حاکمند، از مردم منقطع و جدایند. این را مردم حس کردند و دیدند. کسی که می‌خواهد حکومت کند، یا باید به مردم متّکی باشد، یا باید به بیگانه متّکی باشد، یا باید به زورگویی و شمشیرِ خود متّکی باشد. آنها به مردم که متّکی نبودند، به بیگانه متّکی بودند؛ بیگانه هم به آنها کمک می‌کرد که به زور و شمشیر متّکی باشند. نظام اسلامی آمد و همه این بساط را به هم زد. امروز نظام اسلامی و حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه متّکی به مردم و مبانی اسلامی است. ما ادّعا نمی‌کنیم که احکام اسلامی پیاده شده است؛ نه، بسیاری از احکام اسلامی، هنوز مانده است تا پیاده شود؛ لیکن چه کسی می‌تواند پیاده کند؟ کسی که مؤمن به اسلام و متّکی به مردم باشد. بنابراین، حرکت، حرکتِ درستی است.

بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم ـ ۷۹/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

حکومت حقیقت و عدالت،
سخن تازه‌ی انقلاب در جهان

در مورد این انقلاب عظیم، به نظر من باید یک نکته همواره مورد توجّه باشد و آن این است که این انقلاب حرف نویی را در جهان بشریت مطرح کرد. سعی بر این است که این حرف تازه و نو را که در دنیای امروز کاملاً بدیع و جدید است، از صحنه خارج کنند و ذهنهای مردم، بخصوص جوانان را در همه عالم از این مقوله منصرف نمایند. آن حرف نو این بود که انقلاب، علیه حکومتهای مبتنی بر ناپرهیزگاری و ظلم قیام کرد. قرنهای متمادی در همه جای عالم – چه در ایران و چه در نقاط دیگر – ما شاهد بودیم و امروز هم هستیم که ملّتها عادت کرده‌اند حکومتهای ناپرهیزگار و حکومتهایی را که انواع و اقسام ظلم از آنها سر می‌زند، مشروع بدانند و قبول کنند و تسلیم آنها شوند؛ چه حکومتهای موروثی که هیچ مبنای اعتقادی و فکری ندارند و هیچ منطقی دنبال آنها نیست؛ چه حکومتهای مبتنی بر کودتا و زورگویی و قدرت‌نماییهای نامشروع که آن هم هیچ منطقی دنبالش نیست

www.ourpresident.ir

و چه حکومتهای علی‌الظّاهر مبتنی بر آراء مردم که اوّلاً علی‌الباطن و فی الحقیقة مبتنی بر آراء و میل و خواست مردم نیست و ثانیاً آنهایی هم که در آغاز ورودشان چنین خصوصیتی را دارند، از انواع و اقسام تجاوزها و ظلمها پرهیز نمی‌کنند. شما به صحنه عالم در دو قرنِ نوزدهم و بیستم نگاه کنید و ببینید چقدر ظلم و استعمار و نسل‌کشی و شایع کردن انواع و اقسام فسادها در میان ملّتهای گوناگون به چشم می‌خورد. همیشه دست همین قدرتها پشت چنین کارهایی بوده است؛ همین قدرتهایی که در کشورهای خودشان احیاناً ممکن است یک پوشش ظاهری موسوم به دمکراسی هم داشته باشند؛ اما دمکراسی همه چیز نیست و در آن، عدل – که اساس حکومت صحیح است – وجود ندارد.

حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی این حرف نو را مطرح کرد که حاکم و حکومت و قدرت سیاسی باید مبتنی بر پرهیزگاری، عدالت و حقیقت باشد. قانون اساسی بر این مبنا شکل گرفت. این حادثه بسیار مهمی در عالم است. این همان چیزی است که سالهای متمادی، از زمان «سید جمال» به این طرف، روشنفکران و نوآوران دینی درباره آن حرف می‌زدند و آن را می‌خواستند و آرزو می‌کردند؛ و همین حرف زدن و مطلب نوشتن و شعار دادن، خواب قدرتمندان عالم را برمی‌آشفت و آنها را عصبانی و وادار به عکس‌العمل می‌کرد. شما ببینید با روشنفکران اسلامی در همه مناطق اساسی اسلامی – اعم از مصر و هند و ایران و عراق و جاهای دیگر – در طول این صد سال، صدوپنجاه سال و دویست سال چه کردند.

استکبار و استعمار، هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم اعمال قدرت می‌کردند. کسی مثل مرحوم آیةالله کاشانی را انگلیسیها گرفتند و از ایران تبعید کردند؛ یعنی برایشان هیچ اهمیتی نداشت که در یک کشور دیگر اعمال قدرت کنند و یک نفر را بگیرند و او را به نقطه‌ای تبعید کنند و یا به زندان

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

بفرستند. همین‌طور در بسیاری از مناطق دیگر به طور غیرمستقیم به وسیله ایادی و دست‌نشانده‌های خودشان – یعنی قدرتهای محلی که منافع آنها را تأمین می‌کردند – اعمال قدرت می‌کردند. اینها از شعارهای اسلامی، این‌گونه می‌ترسیدند. در حال حاضر این شعارها به واقعیت تبدیل شده است؛ یعنی به یک انقلاب تبدیل گردیده که بلافاصله پشت سر آن هم حکومت اسلامی بر سر کار آمده است.

البته مثل بسیاری از انقلابهای دیگر، انتظار آنها این بود که این انقلاب هم اگرچه با حول و قوّه دین شروع شده است، اما اهل دین آن را کنار بگذارند و بروند؛ کما این‌که در بسیاری از نقاط عالم نیز همین اتّفاق افتاد. بسیاری از این نهضتهای آزادیبخش و مبارزات ضدّ استعماری، به وسیله علما و اهل دین به وجود آمد؛ لیکن اهل دین بعد از آن‌که یک مقدار جلو رفتند، اندکی قبل از پیروزی یا پس از آن، کنار کشیدند.

علل کنار رفتن آنها چه بود؟ انواع و اقسام عوامل وجود داشت. گاهی ساده‌اندیشی بود؛ گاهی از میدان خارج شدنِ به‌زور بود؛ گاهی از میدان خارج شدنِ با تبلیغات دشمن بود – که اینها را تمسخر می‌کردند و مورد تهاجم قرار می‌دادند – گاهی با سرگرم کردن اینها به مسائل گوناگون بود؛ که ما نمونه‌اش را در الجزایر و بعضی از کشورهای شمال آفریقا دیدیم، که حتّی حکومت دینی هم در آن‌جا تشکیل شد – مثل کشور تونس – اما بعد از اندک مدتی به‌خاطر اشتباهاتی که می‌شد، آن حکومتهای دینی از هم پاشید و یک عدّه از افرادی که خودشان عامل استعمار در همان کشورها بودند، بر سرِ کار آمدند. در هند نیز همین‌طور شد؛ یعنی رهبران مذهبی در وسط راه، کار را رها کردند. در مصر هم کم و بیش همین وضعیت پیش آمد؛ در عراق هم نظیر این وضعیت اتّفاق افتاد. امیدوار بودند که در ایران هم این‌گونه شود؛ حتّی یکی از همین کسانی که به برکت انقلاب وارد میدان شده بود،

www.ourpresident.ir

ولی پرورش‌یافته فکر غربی بود، در همان اوایل انقلاب به امام توصیه کرد که شما به قم بروید و مشغول کارهای خودتان باشید، ما هم در این‌جا مملکت را اداره می‌کنیم! آنها این امید را داشتند، اما نشد. دیدند عزم راسخ و کوه استواری پشت سرِ این حرکت وجود دارد؛ مردم هم رها نمی‌کنند و با معرفت و آگاهی آمده‌اند. طبعاً انواع و اقسام توطئه‌ها شروع شد، که تا امروز هم ادامه دارد. بنابراین، این حرف نو در دنیا رایج شد؛ اگرچه هجوم تبلیغات هم از همه طرف شروع گردید.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ـ ۷۹/۱۱/۲۷

www.ourpresident.ir

خدمات متقابل انقلاب و دانشگاه

البته انقلاب و دانشگاه خدمات متقابل فراوانی دارند. اگر بنا باشد ما فهرستی از خدمات متقابل انقلاب و دانشگاه تهیه کنیم، یک فهرست طولانی خواهد شد. دانشگاه خدمات بزرگی به انقلاب کرده است. از سال ۴۲ که نهضت اسلامی به میدان آمد، دانشگاه جزو اوّلین جاهایی بود که تجاوب کرد. البته آن روز فضای دانشگاه، فضای کاملاً نامطلوبی بود؛ اما عناصر دانشگاهی، از استاد و دانشجو، به صورت تک و در اقلیّت مطلق، از فضا نهراسیدند و پاسخ دادند. در طول دوران مبارزه، از سال ۴۲ تا ۵۷ – پانزده سال – یکی از عناصر صفوف مقدم، دانشگاه بود، که بنده از نزدیک شاهد آن فعّالیت بودم. امروز عدّه‌ای هستند که تفسیرها و تعبیرهای مطلوبِ خودشان را ارائه می‌کنند. در دانشگاه نبودند، بعضیشان حتّی در ایران هم نبودند؛ در اروپا از دور تماشا می‌کردند؛ گاهی حوصله تماشا هم نداشتند و از خبرها هم مطّلع نبودند. اینها امروز می‌آیند و راجع به خدمات دانشگاه می‌گویند! مطّلع نبودند که دانشجو در آن موقع چه کسی بود، چه کار می‌کرد، در دانشگاه

www.ourpresident.ir

چه کار می‌شد و چه احساسات و چه تلاش و چه مجاهدتی وجود داشت. گفت:

مـــؤذّن بـــانـــگ بـی‌هنگـــام برداشـــــت
نمـی‌دانـد که چنـد از شب گذشته است
درازیِ شـــب از چشمـــــان مـــن پـرس
که یک دم خواب در چشمم نگشته است

در آن دوران، ما دانشگاه را از نزدیک دیدیم. وقتی که نهضت به دوْر افتاد، دانشگاه بتدریج گداخته شد؛ تا این‌که سال آخر، حضور دانشگاه بسیاری از محیطهای دیگر را تحت تأثیر و تحت‌الشّعاع قرار داد. انقلاب هم که پیروز شد، جزو اوّلین کسانی که در قدمهای اوّلِ پیروزی انقلاب، نقشهای بسیار مؤثری را برعهده گرفتند، عناصری از دانشگاهیان بودند، که من همین امروز در بین اساتید محترمی که در جلسه حضور داشتند، ناگهان بعضی از این دوستان را دیدم و خاطراتی از همان روزهای ورود امام و نقش اینها در ذهنم زنده شد؛ در جاهایی که نه نام، نه نان و نه شهرت کاذب مطرح بود؛ فقط مجاهدت خالصانه و مخلصانه دیده می‌شد. بعد هم در دوران جنگ، سه‌هزار شهید دانشجو تقدیم انقلاب و اسلام شد، که از این تعداد، نود نفر متعلّق به دانشگاه شماست. اینها چیزهای کمی نیست؛ اینها خدمات دانشگاه است.

انقلاب هم به دانشگاه خدمات بزرگی کرد. به نظر من بزرگترین خدمت انقلاب به دانشگاه دو چیز بود: یکی این‌که احساس هویّت مستقل ملی را به دانشگاه داد و دانشگاه را از رو به بیگانه داشتن و مجذوب و مبهوت بیگانه بودن و منفعل در مقابل بیگانه بودن نجات داد. قبل از انقلاب این‌گونه بود. دوم این‌که دانشگاه را با مردم آشتی داد. دانشگاهِ قبل از انقلاب، یک جزیره تک‌افتاده در میان اقیانوس خروشان مردم بود. از عناصر استثناییِ استاد و دانشجوی مؤمن و متعهّد و خوب که بگذریم، در آن موقع محیط غالب

www.ourpresident.ir

دانشگاه این‌گونه بود که اگر شما به دانشگاه وارد می‌شدید، باید به فرهنگ عمومی، به ایمان عمومی، به باورهای عمومی و به دلبستگیهای مردمی پشت می‌کردید. محیط دانشگاه برای اکثریت بزرگی از استاد و دانشجو، محیط دغدغه‌های صرفاً شخصی بود. غیر از عدّه‌ای که سیاسی و مبارز بودند، دغدغه سایر افراد، دغدغه‌های شخصی بود. دغدغه‌های اجتماعی نداشتند و دردهای جامعه خودشان را حس نمی‌کردند. مهمترین آرزو برای یک دانشجو در آن هنگام این بود که بتواند وسیله‌ای به دست آورد و خودش را به خارج از مرزها برساند. دانشگاه مجذوب غرب بود و نمی‌خواست نوآوری کند. نه این‌که استاد و دانشجو میل به این معنا نداشتند؛ فرهنگ غالب بر دانشگاه، این فرهنگ نبود. فرهنگ وابستگی بود که رژیم شاه هم آن را به‌شدّت ترویج می‌کرد. کسانی هم که در داخل دانشگاه داعیه روشنفکری داشتند، روشنفکران مردمی نبودند؛ روشنفکرهای کافه‌ای و بریده از مردم بودند! بسیاری از آنها بعد از انقلاب رفتند و امروز در کشورهای اروپایی باز هم کافه‌ای‌اند و بیشترین محیطشان، محیط کافه‌هاست! دانشگاه چنین وضعی داشت. انقلاب، دانشگاه را از این دو آفت بزرگ نجات داد؛ دانشگاه را خوداندیش، مستقل، دارای اعتماد به نفس، دارای قدرت تولید – تولید فکر و تولید علم – مرتبط با قشرهای مختلف مردم، مرتبط با فرهنگ مردمی و متّصل به دلبستگیها و عشقها و جاذبه‌های موجود میان مردم قرار داد. این اهمیت بسیار زیادی دارد.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ـ ۷۹/۱۲/۹

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

اعتراف امریکا به نقش‌آفرینی در کودتای ۲۸ مرداد

من اخیراً شنیدم که اسناد سازمان سیا در خصوص نقش آن سازمان در مطبوعات قبل از ۲۸ مرداد منتشر شده است. البته من خودم آن را ندیدم؛ اما آنچه که نقل کردند، بسیار جالب است. نشان می‌دهد که چه روزنامه‌هایی با پول و هدایت و تغذیه سازمان سیا برای زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد در همین تهران پخش می‌شد. البته در جاهای دیگر هم نمونه‌هایش را دیده‌ایم: در شیلیِ دوران سالوادور آلنده، یکی از نقشهای مهم را روزنامه‌ها داشتند؛ برای این که حکومت دو ساله آلنده را ناموفّق جلوه دهند و تمام افکار را علیه او بسیج کنند و بالاخره آن بلا را بر سرش بیاورند. البته آن روز کسی اعتراف نکرد؛ اما بعد همه فهمیدند که چه کسانی بوده‌اند و آنهایی که بر سرِکار آمدند، انگیزه‌هایشان چه بود و از کجا دستور گرفته بودند و آنهایی که زمینه‌سازی کردند، چه کسانی بودند. نمی‌شود صبر کرد تا فاجعه اتفاق بیفتد، بعد آن را کشف بکنیم. امروز باید دید و با چشم باز حرکت کرد.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ـ ۷۹/۱۲/۹

www.ourpresident.ir

لزوم آگاهی نسل جوان از تاریخ کشور

من کلاً به جوانها و بخصوص به دانشجویان و طلاّب توصیه می‌کنم که آگاهیهای خودشان را افزایش دهند. بسیاری از این کجرویهایی که شما ملاحظه می‌کنید، ناشی از کمبود آگاهی است. نسل امروز – به‌ویژه نسل جوان ما – باید از تاریخ کشورش اطّلاع داشته باشد؛ بخصوص از زمان مشروطیت به این طرف را بداند. شما در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کنید، چون جزو نخبگان جامعه هستید – بعد از این هم ان‌شاءاللّه جزو نخبگانِ برتر خواهید بود – باید بدانید که کشور شما در چه موقعیتی قرار داشته و دارد. شما باید بخصوص تاریخ رژیم گذشته را بدانید. نسل امروز ما درست نمی‌داند که انقلاب اسلامی چگونه این کشور را از چنگال آن رژیم خلاص کرده است. این را ما که با همه‌ی پوست و گوشت و همه‌ی هستیِ خود آن رژیم را حس کردیم، خوب می‌دانیم. اینها باید منعکس و گفته شود. البته در این زمینه، چیزهایی هم نوشته شده است. رژیم گذشته، رژیمی فاسد و صددرصد وابسته و به‌کلّی دور از عدالت بود. برای آن رژیم مسأله‌ی مردم

www.ourpresident.ir

در کشور به‌هیچ‌وجه مطرح نبود. برای آن رژیم ارزش یک مستشار امریکایی یا یک سیاحتگر صهیونیست، به مراتب بیشتر بود تا جمعیت عظیمی از مردم ایران! عناصر آن رژیم به مفتخوری، زیادی‌خوری، غارت منابع ملی و استفاده‌ی نامشروع از همه‌ی امکانات کشور عادت کرده بودند. آن رژیم بر پایه‌ی نامشروعی بنا شده بود؛ یعنی کسی که در آن زمان در رأس قدرت بود – که تقریباً سی‌وپنج سال هم حکومت کرد – فقط با این اعتبار به حکومت رسیده بود که پدرش قبل از او حاکم بوده است! شما ببینید چه منطق غلطی برای حاکمیت یک نفر وجود داشت. همه‌ی قدرتها و ثروتها در اختیار او بود و اگر گفته می‌شد که شما با چه استدلالی روی کار آمده‌ای، پاسخ این بود که چون پدرم قبل از من در این‌جا حاکم بوده است! او با پشتوانه و خواستِ مستقیم انگلیسیها بر سرِ کار آمد و سی‌وپنج سال هم حکومت کرد؛ بدیهی است که مملکت متعلّق به آن کسانی باشد که او را بر سر کار آوردند یا از او حمایت کردند. ما چنین رژیمی را پشت سر گذاشتیم. پدر او چرا روی کار آمده بود؟ چون یک کودتای انگلیسی شده بود و آنها این‌طور خواسته بودند. شما باید اینها را بدانید. شما باید تاریخ کودتای رضاخان در اسفند ۱۲۹۹، بعد رسیدنش به سلطنت در ۱۳۰۳، بعد جانشین شدن محمّدرضا را بدانید. البته در تلویزیون هم برنامه‌های خوبی گذاشتند و اینها را تشریح کردند. در کتابهایی هم این مطالب نوشته شده است.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ـ ۷۹/۱۲/۲۲

www.ourpresident.ir

آرمانهای انقلاب ایران

این انقلاب بیش از ادّعا، آرمانهایی داشت. انقلاب نیامده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلابِ خود مردم بود. مردم برای تحقّق آرمانهایی انقلاب کردند. این آرمانها عبارت بود از ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردمِ آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از وابستگی و عقب‌ماندگیِ علمی و استبداد و قهری که آن روز بر این مملکت حکمفرما بود.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ـ ۷۹/۱۲/۲۲

www.ourpresident.ir

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، الگوی انقلاب

انقلاب اسلامی بر اساس الگو قرار دادن همین شخصیتِ همه‌جانبه کامل به وجود آمد. آنهایی که خواستند از انقلابهای گذشته و از بعضی حوادث کشورهای دیگر برای انقلاب اسلامی شبیه‌سازی کنند، به این نکته توجّه نکردند. انقلاب اسلامی الگو و نمونه خود را از امیرالمؤمنین گرفت و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد. امام بزرگوار ما که یک شاگرد و رهرو مکتب امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاةوالسّلام بودند، در رفتار و گفتار خود، همین توصیه‌ها را می‌کردند. اگر نگاه کنید، در تعالیم امام بزرگوار، جابه‌جا شاخصهای علوی را مشاهده می‌کنید. به خاطر همین بوده است که دشمنان، نقطه مقابل راه امام را هدف فعالیت خودشان قرار داده‌اند. تبلیغات دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی – که دشمنان ملّت ایرانند – هدف خود را همین قرار داده‌اند که نقطه مقابلِ راهی را که امام بزرگوار با شاخصهای معیّن ترسیم کرده بودند، در میان مردم ترویج کنند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام ـ ۸۰/۱/۱

www.ourpresident.ir

قیام اسلامی میرزا کوچک خان

میرزاکوچکِ شجاع جنگلی، یک نمونه و یک مسطوره[1] است؛ والّا وقتی مرحوم میرزا کوچک جنگلی در این منطقه دلش با احساسات شجاعانه اسلامی بیدار شد، آن روز نغمه اتّحاد اسلام در سرتاسر گیلان و در بین خواصِ این مرز و بوم پیچیده بود. گیلانیها پیشروِ مبارزات سیاسی و فعّالیتهای مطبوعاتی بودند. از جمله قدیمی‌ترین روزنامه‌های کشور و قدیمی‌ترین فعّالیتهای سیاسی، در این منطقه بوده است. در دوران رژیم ستمشاهی چون این‌جا خطّه سرسبز و با برکتی بود و آن را برای خودشان می‌خواستند – نه برای مردم – انواع و اقسام جاذبه‌هایی را که برای آنها جاذبه محسوب می‌شد، در این استان ایجاد کردند؛ شاید بتوانند دین را از این مردم جدا کنند. من در آن سالها به گیلان آمدم و رشت و مناطق مختلف این استان را از نزدیک مشاهده کردم. دیدم دستهای استعماری و مغرض، با فکر و دل و جان این مردم چه می‌کند؛ شاید بتواند اینها را از دین و دینداری جدا کند.

۱. نمونه.

www.ourpresident.ir

اما بعد از آن‌که شعله انقلاب برخاست و انقلاب پیروز شد، همه دیدند یکی از نقاطی که آن‌چنان پای مردانگی و استقامت فشرد که همه را متوجّه خود کرد و هویّت و شخصیت خود را نشان داد، منطقه شمال کشور، از جمله منطقه گیلان بود؛ چه در انقلاب، چه در جنگ، چه در روزهای قبل از جنگ در آغاز انقلاب؛ وقتی که هر کدام از گروهکهای گوناگون می‌خواستند یارگیری و سربازگیری کنند و از فضایی که با خون مردم مسلمان و با همّت جوانان مؤمن و تحت رهبری امام بزرگوار پدید آمده بود، سوءاستفاده کنند. من همان روزها وارد رشت شدم، برای این‌که در محافل دانشگاهی و میان جوانان سخنرانی کنم. فراموش نمی‌کنم، در میدان بزرگ شهر آن‌قدر پلاکارد و اعلامیه‌های بزرگ و پرده‌های عظیم از طرف گروهکها زده شده بود که انسان متحیّر می‌ماند! با مرحوم شهید دکتر عضدی به قبرستان شهر رفتیم تا بر مزار میرزا کوچک فاتحه‌ای بخوانیم. آن‌جا هم عناصر گروهکها خودشان را رساندند برای این‌که ما را تهدید کنند؛ برای این‌که میرزاکوچک‌خان را تحقیر کنند؛ برای این‌که حرکت عظیم اسلامی مردم ایران را یک حرکت مادّی و جدای از انگیزه‌های معنوی بنمایانند، که البته موفّق نشدند. در آن شرایط، انسان گمان نمی‌کرد که پنجه متجاوز آن بیگانه‌پرستها از این شهر و از این استان کنده شود؛ اما دین و ایمان و عشق و معنویت و جوهر ذاتی مردم این منطقه، دستها و انگشتان بیگانه را قطع کرد و اسلام و انگیزه‌های ایمانی و خواستِ برخاسته از دل و جان مردم مؤمن این استان را بر هوسهای فاسد و مفسد بیگانگان غلبه داد. گیلان نشان داد که از اعماق جان به اسلام و قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام معتقد است. بعد هم دوران جنگ تحمیلی شد. در این دوران، لشکر گیلان یکی از لشکرهای خطشکن بود. سرداران و شهیدان و جانبازان گیلانی، ستارگان درخشانی شدند که از یادها هرگز نخواهند رفت.

www.ourpresident.ir

این یک تصویر بسیار کوچک و بسیار کمرنگ از مناقب مردم گیلان است. این‌جا یک خطّه بسیار پُر برکت است.

بیانات در جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادیوم شهید عضدی شهرستان رشت ـ ۸۰/۲/۱۱

www.ourpresident.ir

تأثیر الگوی انقلاب در آفریقای جنوبی

جوان این مملکت در دهه‌های پنجاه و شصت معجزه آفرید؛ جوان این مملکت کاری کرد که تا آن روز هیچ ملتی نتوانسته بود چنین کاری بکند؛ جوان این مملکت با تن و جسم خود به خیابانهای این کشور آمد – در همین شهر رشتِ شما، در شهرهای دیگر استان، در شهرهای دیگر کشور – و چنان این حضور را با همین جسم خود برجسته کرد که آن نظامِ تا دندان مسلّحِ متّکی به پشتیبانی همه سیاستهای استعماری دنیا، دید دیگر جای نفس کشیدن ندارد؛ لذا مجبور شد فرار کند و برود. این تجربه، بعد از ما تکرار شد؛ قبل از ما هیچ جای دیگر نبود. انقلابهایی که در جاهای دیگر رخ می‌داد، نتیجه کارهای چریکی و پارتیزانی و پرتاب ترّقه و شلیک گلوله بود؛ اما این تجربه، تجربه ملّت ایران بود که به وسیله جوانان ایجاد شد.

«نلسون ماندلا» قبل از آن‌که در آفریقای جنوبی به پیروزی برسد – زمانی که تازه از زندان آزاد شده بود – به ایران آمد و با من ملاقات کرد. راجع به اوضاع آفریقای جنوبی از او سؤال کردم، چیزهایی گفت. من به او گفتم،

www.ourpresident.ir

ما تجربه‌ای داریم که گمان می‌کنم در کشور شما هم قابل عمل باشد؛ و آن تجربه عبارت است از این‌که انسانهای داوطلب – که اکثریت جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دادند – زن و مرد، با جسمِ خودشان به خیابانها آمدند، نه با مشتشان، نه با سلاحشان، نه با نارنجکشان، نه با خانه‌ی تیمی‌شان، بلکه با تنِ خودشان آمدند؛ روی خود را هم نبستند، با صورتِ باز آمدند؛ لذا نظام را منفعل کردند و او هم دید نمی‌تواند بایستد. واقعاً بر چه کسی می‌خواست حکومت کند؟ گفتم به نظر من این الگو در آفریقای جنوبی قابل عمل است. او سری تکان داد. بعد از رفتن او، یکی دو ماه طول نکشید که خبرهای تظاهرات عظیم مردمی در آفریقای جنوبی را در روزنامه‌ها خواندیم! من فهمیدم که این بذر، سبز شد؛ عین همان وضعیت ایران. تمام خیابانهای شهرهای بزرگ آفریقای جنوبی از سیاهان پُر شد و یک عدّه از سفیدپوستها هم آمدند و همراه با آنها راهپیمایی کردند و گفتند ما هم با حکومت تبعیض نژادی مخالفیم! نتیجه نیز همان شد؛ یعنی کسی که در رأس بود، دید اصلاً نمی‌تواند کاری بکند. اوّل رفت و کس دیگری را جای خودش گذاشت؛ او هم دید نمی‌تواند؛ لذا در یک انتقال قدرت آرام، حکومت را به دست سیاهپوستان دادند و خود «ماندلا» هم رئیس‌جمهور شد! این حادثه تقلیدشدنی و این الگوی ملّتها برای آزادیخواهی، به وسیله جوان ایرانی در دهه‌های پنجاه و شصت اتّفاق افتاد.

معجزه انقلاب اسلامی در دهه پنجاه، و معجزه جنگ هشت ساله در دهه شصت اتّفاق افتاد.

بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلّای رشت ـ ۸۰/۲/۱۲

www.ourpresident.ir

انحطاط اخلاقی، سوغات رضاخان از غرب

یک روز عدّه‌ای غربزده چشمهای خود را بستند و گفتند ما باید همه چیز را از غرب بگیریم. آنها چه چیزی را از غرب گرفتند؟ یکی از خصوصیات خوبی که اروپاییها دارند، خطرپذیری است. منشأ عمده موفقیتهای آنها این بوده است. آیا غربزده‌های ما این را گرفتند و به ایران آوردند؟ آیا ایرانیها ریسک‌پذیر شدند؟ خصوصیت خوب دیگر آنها عبارت از پشتکار و از کار نگریختن است. آیا آن را به ایران آوردند؟ بزرگترین و ماهرترین مکتشفان و دانشمندان غربی کسانی‌اند که سالهای متمادی با زندگیهای سخت در اتاق خود نشستند و چیزی را کشف کردند. انسان وقتی زندگی آنها را می‌خواند، می‌بیند چگونه زندگی کردند. آیا این روحیه تلاشِ خستگی‌ناپذیرِ فقط برای علم را به ایران آوردند؟ اینها بخشهای خوب فرهنگ غربی بود. اینها را که نیاوردند؛ پس چه چیزی را آوردند؟ اختلاط زن و مرد و آزادیِ عیّاشی و پشت میز نشینی و ارزش کردن لذّات و شهوات را آوردند!

رضاخان قلدر وقتی خواست از غرب برای ما سوغات بیاورد، اولین

www.ourpresident.ir

چیزی که آورد، عبارت از لباس و رفع حجاب بود؛ آن هم با زور سر نیزه و همان قلدریِ قزّاقیِ خودش! لباسها نباید بلند باشد؛ باید کوتاه باشد؛ کلاه باید این‌طوری باشد؛ بعد همان را هم عوض کردند: اصلاً باید کلاه شاپو باشد! اگر کسی جرأت می‌کرد غیر از کلاه پهلوی – کلاهی که آن موقع با این عنوان شناخته می‌شد – کلاه دیگری سرش بگذارد، یا غیر از لباس کوتاه چیزی بپوشد، باید کتک می‌خورد و طرد می‌شد. این چیزها را از غرب گرفتند! زنها حق نداشتند حجابشان را حفظ کنند؛ نه فقط چادر – چادر که برداشته شده بود – اگر روسری هم سرشان می‌کردند و مقداری جلوی چانه‌شان را می‌گرفتند، کتک می‌خوردند! چرا؟ برای این‌که در غرب، زنها سربرهنه می‌آیند! اینها را از غرب آوردند. چیزی را که برای این ملّت لازم بود، نیاوردند. علم که نیامد، تجربه که نیامد، جِدّ و جهد و کوشش که نیامد، خطرپذیری که نیامد – هر ملتی بالاخره خصوصیات خوبی دارد – اینها را که نیاوردند. آنچه را هم که آوردند، بی‌دریغ قبول کردند. فکر و اندیشه را آوردند، اما بدون تحلیل قبول کردند؛ گفتند چون غربی است، باید قبول کرد. فرم لباس و غذا و حرف زدن و راه رفتن، چون غربی است، بایستی پذیرفت؛ جای بروبرگرد ندارد! برای یک کشور، این حالت بزرگترین سمّ مهلک است؛ این درست نیست.

بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلّای رشت ـ ۸۰/۲/۱۲

www.ourpresident.ir

دروازه‌ی تمدّن بزرگ یا نابودی معنویت در ایران

در دوران رژیم گذشته، شاهِ دست‌نشانده و خائن می‌خواست این راه حلّ کاذب را با عنوان «دروازه‌ی تمدّن بزرگ» برای این مردم به ارمغان بیاورد. البته سالها روی این زمینه کار شده بود؛ فلاکت اخلاقی در حد اعلی بود؛ ورشکستگیِ معنوی و روحی و علمی در این کشور، بی‌نظیر بود. با نام «دروازه تمدّن بزرگ» و با نام مدرنیزم ایرانی می‌خواستند به بقیه موجودی معنویت کشور چوب حراج بزنند. شاهِ عیّاشِ بی‌سوادِ مفلوک در مقابل بیگانه و مقهورِ پنجه امریکا و صهیونیسم، و ملتی که تحقیر شده و مورد اهانت قرار گرفته بود؛ این مدرنیزم ایرانی مال همانهاست. این‌که مدرن شدن و به تمدّن واقعی رسیدن نیست. مظهر آن راه کاذب این بود که در این‌جا هر نقطه‌ای که می‌شد از آن پول ساخت، لانه‌ای برای عوامل و ایادی کمپانیهای خارجی بود. البته به وسیله‌ی شرکای داخلیشان این کار را می‌کردند که شرکای داخلی هم به همان دستگاههای دربار و رجال سیاسیِ وابسته خائنِ آن روز مربوط می‌شدند. این مدرنیزم به درد نمی‌خورد؛ این برای یک ملت، بدبختی و

www.ourpresident.ir

بیچارگی و فنا شدنِ همه چیز را به بار می‌آورد. اگر این انقلاب اتّفاق نیفتاده بود، اگر آن فریاد رعدگونه همه چیز را در این مملکت به جنب و جوش نیاورده بود و دلها را از جا نکنده بود، خدا می‌داند که امروز کشور ما در چه وضعی بود. شما به بعضی از کشورهای عقب افتاده – چه در آسیا، چه در آفریقا – نگاه کنید؛ یقین بدانید با این موقعیت ممتاز جغرافیایی و اقلیمی و تاریخی ایران، وضع ما از آنها بدتر بود. انقلاب به داد این کشور رسید و این ملّت را از این‌که در قعر دریایی فرو رود که دیگر نتواند از آن بیرون بیاید، نجات داد. بنابراین، چنان راه حلّی، راه حلّ کاذب است و جوان نباید دنبال آن باشد.

بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلّای رشت ـ ۸۰/۲/۱۲

www.ourpresident.ir

اهمیت و نقش میرزا کوچك خان

میرزا کوچک، مرد تنهایی بود که به دو قدرت بزرگ آن روز دنیا – یعنی روسها و انگلیسیها – یک «نه»ی بزرگ گفت. نه با روسها ساخت، نه با انگلیسیها؛ اما در کنار او کسانی بودند که می‌خواستند با دستگاه حکومتِ آن روز – بعد هم با رضاخان که تازه می‌خواست سرِ کار بیاید – مبارزه کنند، اما به روسها پناه می‌بردند؛ به باکو رفتند و بند و بستهایشان را کردند و به ایران برگشتند و سرسپرده آنها شدند. اما میرزاکوچک‌خان قبول نکرد و حاضر نشد سازش کند؛ او، هم با انگلیسیها جنگید، هم با قزّاقهای روس جنگید، هم با لشکر رضاخانی – و قبل از رضاخان، آن کسانی که بودند – مبارزه کرد؛ با احسان‌الله‌خان و دیگران هم کنار نیامد. وقتی جوان گیلانی سرِ قبر میرزاکوچک‌خان می‌رود و می‌بیند این مرد تنها، این مرد باایمان و باصفا، اگرچه در وسط جنگلهای گیلان در مظلومیت مُرد، اما شخصیت خودش را در تاریخ ایران تثبیت کرد؛ مُرد، اما یک مشعل شد. ما در دوران مبارزه خودمان، هر وقت نام میرزاکوچک‌خان را به یاد می‌آوردیم و شرح حال او

www.ourpresident.ir

را می‌خواندیم، نیرو می‌گرفتیم. او از همت و اراده و شخصیت و هویّت خود خرج کرد، برای این‌که به یک نسل هویّت و شخصیت و نیرو و اراده ببخشد. این بسیار ارزش دارد. امثال او تعدادی بودند که در غربت مبارزه کردند، در غربت هم مُردند؛ اما می‌بینید که امروز غریب نیستند. جریان تاریخ، جریان عجیبی است. نگذاشت و نخواهد گذاشت شیخ فضل‌الله‌ها و میرزاکوچک‌خان‌ها و خیابانی‌ها و امثال اینها، همچنان که غریب مُردند، غریب بمانند. دشمنان می‌خواهند این مفاخر را از دست جوان ایرانی بگیرند.

بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلّای رشت ـ ۸۰/۲/۱۲

www.ourpresident.ir

عناصر اصلی بنای مستحکم نظام

امروز در دوازدهمین سالگرد غروب خورشید درخشان امامت و ولایت در دوران معاصر – یعنی رهبر عظیم‌الشّأن و بزرگوار ما، امام خمینی – وقتی در سیره و عملکرد این مرد بزرگ و جانشین پیامبران دقّت می‌کنیم، خصوصیات امامِ هدایت را در زندگی و سیره و تعالیم او به‌وضوح می‌یابیم. آنچه که امروز برای همه ما بسیار اهمیت دارد، این است که با راه و رسم و تعالیم امام – که در واقع تشکیل‌دهنده حقیقی شخصیت اوست – آشنا شویم؛ اگرچه ملّت ما بحمدالله این سرمایه معنوی را برای خود حفظ کرده است.

امروز من در این مجمع عظیم، یک بُعد از شخصیت امام را به عرض شما برادران و خواهران و همه ملّت ایران می‌رسانم. چون سیره امام بزرگوار فقط بیان شخصیت یک انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه ملّت ایران و مسلمانان جهان است؛ راهنمای عمل همه کسانی است که می‌خواهند در سایه اسلام، برای خود زندگی شایسته انسانی فراهم کنند. البته ملّت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان است؛ زیرا بار امانتی که بر دوش

www.ourpresident.ir

ماست – یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب – یک ویژگی برای ملّت ایران است. با حفاظت از این ذخیره عظیم، باید شکر این نعمت را بگزاریم. این بُعد از شخصیت امام عبارت است از این‌که امام در ساخت و مهندسیِ نظام جمهوری اسلامی، همه عناصر و اجزایی را که می‌توانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارتِ تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن‌ستیزی. امام بزرگوار در بنای نظام شامخی که به جای رژیم پوسیده سلطنتی در ایران بر سر کار آورد، این عناصر و اجزا را با دقّتِ تمام کار گذاشت؛ در عملِ خود به آنها پایبند و متعهّد ماند و در پیام و بیان و تعالیم خود بر آنها پافشاری کرد. امروز هم مثل بیست‌ودو سال گذشته، همه کسانی که وجود نظام اسلامی را با منافع نامشروع خودشان ناسازگار می‌بینند و با آن دشمنی می‌کنند، بیش از همه با همین چهار عنصر مقابله می‌کنند. عمده تلاش آنها این است که یا عنصر اسلامیّت را از نظام بگیرند؛ یا تکیه بر مردم را – با همان معنای وسیع و بدیعی که امام به آن توجّه داشت – از نظام سلب کنند؛ یا در بنای قانونی نظام خدشه کنند؛ یا هشیاری و بیداریِ دائمی در مقابل دشمن را از نظام بگیرند و بیداری را به خواب‌آلودگی و غفلت تبدیل کنند. لذا برای ما این چهار عنصر اهمیت پیدا می‌کند. من امروز درباره هر کدام از اینها، نکات کوتاهی را به عرض شما می‌رسانم:

اسلام، رمز پیروزی انقلاب

نکته اوّل – که اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده نظام است – عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی. خیلیها از این حقیقتِ بسیار مؤثّر غفلت کردند؛ اما راز پیروزی انقلاب در این نکته بود؛

www.ourpresident.ir

چون ملّت ایران از اعماق قلب به اسلام معتقد و مؤمن و وابسته بود و هست. اغلب ملّتهای مسلمان همین‌گونه‌اند و اگر موانع از سر راهشان برداشته شود، ایمان عمیق آنان به اسلام آشکار خواهد شد. لذا وقتی مردم پرچم اسلام را در دست امام مشاهده کردند و باور کردند که امام برای احیای عظمت اسلامی و ایجاد نظام اسلامی وارد میدان مبارزه شده است، گِرد او را گرفتند. بعد هم که انقلاب پیروز شد، با همین انگیزه، از روی طوع و رغبت در میدانهای خطر حاضر شدند؛ چون ایمان آنها به اسلام، عمیق بود.

بعضی از کسانی که خودشان را در شمار زبدگان و نخبگان و احزاب سیاسی و صاحب‌نظران مسائل سیاست به حساب می‌آوردند، این را نمی‌پسندیدند. جدای از کسانی که به اسلام عقیده نداشتند، بعضی کسان به اسلام عقیده داشتند، اما نظام اسلامی را قبول نمی‌کردند. لذا از اوّلِ انقلاب، در عرض و به موازات خطِّ امام، جریانی پیدا شد که به یک نظام لائیک و الگوبرداری شده از نظامهای غربی دعوت می‌کرد؛ منتها با رنگ و لعاب اسلامی؛ اسمِ اسلامی، اما باطنِ غیراسلامی؛ ساختِ اسلامی، اما جهتگیریِ غیراسلامی. البته آنها بی‌میل نبودند که در کنار چنین نظامی، آخوند وجیه‌الملّه‌ای هم برای مقبول جلوه دادن نظام در چشم مردم وجود داشته باشد – چون مردم به اسلام دلبسته بودند – بدشان نمی‌آمد روحانیِ مورد قبولی در کنار نظام قرار گیرد تا نظام را در چشم مردم، اسلامی جلوه دهد؛ دولتمردان نظام هم به همان شکلی که خودشان می‌پسندند و تشخیص می‌دهند، نظام را به همان صورت غیراسلامی – و در حقیقت، شکل بازسازی‌شده رژیم سلطنتی، منتها طبق قبول سیاستمداران و قدرتمندان دنیا – اداره کنند. ظاهر و رنگ و لعاب دین هم این فایده را برای آنها داشته باشد که نیروهای مردم را در خدمتشان قرار دهد؛ هرجا به حضور مردم احتیاج است – در هنگام جنگ و دفاع و دادن مالیّات و غیره – همین ظاهر اسلامی، مردم را به همکاری با آن نظام

www.ourpresident.ir

وادار کند؛ اما اگر حقوق شرعی مردم تأمین نشد، نشد؛ اگر با سلطه‌گران مبارزه نشد، نشد؛ اگر استقلال کشور و فرهنگ و اقتصاد مردم در قبضه دشمنان قرار گرفت، گرفت! لذا از اوّلی که امام دستور داد قانون اساسی به وسیله خبرگان منتخب مردم تدوین شود، هرجا که نام اسلام و نشانی از حضور واقعی اسلام بود، اینها مقابله کردند. آن‌جایی که اصل مربوط به «ولایت فقیه» مطرح شد، اینها بی‌تابانه مبارزه کردند. البته با ولایتش مخالف نبودند – ولایت یعنی حکومت؛ آنها تشنه قدرت و حکومت کردن بودند – با فقیه‌اش مخالف بودند؛ چون به معنای حضور حقیقی دین در جامعه بود؛ این را برنمی‌تافتند و تحمّل نمی‌کردند. هرجا که نشانه حضور واقعی اسلام بود، اینها معترض بودند.

امام در مقابل این جریان – که بسیار هم مدعی بود – ایستاد؛ روی مبانی اسلام تکیه کرد؛ روی ترکیب و ساخت اسلامی نظام، با جدیت اصرار ورزید؛ چون امام مانند هرکسی که با اسلام آشناست، معتقد بود – و امروز هم ما معتقدیم – که سعادت و رفاه و آزادگی و عزّت یک ملّت و نیز عدالت و تکیه به مردم – به معنای واقعی کلمه – در سایه احکام اسلام تأمین می‌شود. آنهایی که شعار عدالت و مردم‌سالاری دادند، نشان دادند که نمی‌توانند حقوق و منافع مردم را عادلانه تأمین کنند؛ اما اسلام می‌تواند این کار را بکند. تکیه بر اسلام، به معنای ایمان عمیق امام بزرگوار به رسالت اسلام بود؛ یعنی امروز اسلام می‌تواند ملّتها را نجات دهد. لذا هم در تدوین قانون اساسی و هم در تمام رهنمودهایی که امام در طول ده سال زندگی مبارک خود به ملّتهای مسلمان داد، بر روی اسلام تکیه کرد و همین موجب شد که نظام جمهوری اسلامی با وجود دشمنیهای بی‌اندازه قدرتهای جهانی، در میان ملّتهای مسلمان، هم طرفداران بی‌شماری پیدا کند و هم در آنها شوق و امید و انگیزه به‌وجود آورد و حرکت اسلامی را در سرتاسر جهان اسلام

شهر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

زمینه‌سازی کند. امروز هم اگر نظام جمهوری اسلامی و مسؤولان و رؤسای این نظام در دنیا عزّت و آبرویی دارند، به برکت اسلام است. چه آنهایی که در دنیا به اسلام معتقدند و چه حتّی آنهایی که به اسلام معتقد نیستند، عزّتی که برای جمهوری اسلامی و مسؤولان آن قائلند، به خاطر اسلام است. آنهایی هم که به اسلام معتقد نیستند، نقش و نفوذ و تأثیر و اقتدار اسلامی را می‌شناسند و می‌دانند و آن کسی که مظهر این اقتدار است، در چشمشان دارای عظمت و جلال است.

امام بر روی اسلام تکیه کرد؛ به اسم اسلام قانع نشد؛ بر این اصرار ورزید که باید قوانین اسلامی در تمام گوشه و کنار دستگاههای دولتی و حکومتی حاکم شود. البته این کار، یک کار بلندمدّت بود. امام هم این را می‌دانست که در کوتاه‌مدّت، این مقصود تحقّق پیدا نمی‌کند؛ اما راه را باز کرد و حرکت را شروع نمود و جهت را نشان داد و همه فهمیدند که باید به معنای حقیقی کلمه به سمت احکام و تعالیم اسلام و ساخت اسلامی برای نظام و جامعه حرکت کنند تا بتوانند عدالت را تأمین، فقر را برطرف و فساد را ریشه‌کن کنند؛ تا بتوانند دردهای مزمنی را که بر این ملّت تحمیل شده است، جبران کنند.

امروز بنده به عنوان کسی که با آمار و ارقام و واقعیّات دستگاههای حکومتی از نزدیک آشناست، به شما مردم عزیز عرض می‌کنم: هرجا که ما با قاطعیّت، معرفت و روشن‌بینی، احکام اسلام را بر سر دست گرفتیم، دنبال آن حرکت کردیم و صادقانه خواستیم اسلام را پیاده کنیم، موفّق شدیم؛ اما هرجا ناکامی و ضعفی وجود دارد، بر اثر این است که ما در آن مورد، از اسلام و حکم اسلامی و ترتیب اسلامی غفلت کرده‌ایم. هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه سیاسی، هم در زمینه بین‌المللی و هم در زمینه تربیتهای صحیح مردمی، امروز هرجا که ضعف و ناکامی‌ای مشاهده می‌شود، اگر کسی دقّت

www.ourpresident.ir

و ریشه‌یابی کند، به این‌جا می‌رسد که در این نقطه، دستور اسلام و حکم اسلامی مورد توجّه قرار نگرفته است. امام می‌دانست که اگر ما به اسلام متمسّک شویم، هم عزّت دنیا، هم رفاه مادّی، هم قدرت سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پدید خواهد آمد؛ لذا امام اسلامیّت را – به معنای حقیقی کلمه – در بافت نظام اسلامی و این بنای مستحکم و شامخ گذاشت.

اصالت مردم در نظام اسلامی

عنصر دومی که امام به آن حدّاکثر توجّه را کرد، عنصر «مردم» بود. تقریباً در همه نظامهای حکومتی در دنیا، از مردم صحبت می‌شود و هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتّی در رژیمهای استبدادیِ سلطنتیِ موروثی، هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم بر خلاف میل مردم عمل کنم. بنابراین ادّعای مردم‌گرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شأن و منزلت و حقّ و نقش قائل می‌شوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می‌کرد، لفّاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجّه دقیق و حقیقی خود قرار داد.

عرصه اوّل، عرصه تکیه نظام به آراء مردم است. تکیه نظام به آراء مردم، یکی از میدانهایی است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در این‌جا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنماییهای امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتّکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتّکاء به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و

www.ourpresident.ir

انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به‌شدّت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیّت‌نامه خود آن را منعکس و به مردم و مسؤولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخابِ رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخابهایی که می‌کنند، هم حقّ مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد.

مسأله اساسی‌ای که بنده بارها بر آن تأکید کرده‌ام، این است که اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساسِ حقّ مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما – که مردم‌سالاری دینی است – دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رأی دهند؟ چرا باید رأی مردم دارای اعتبار باشد؟ این متّکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متّکی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام همواره بر آن تأکید می‌کرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مسأله حضور مردم در انتخاب مسؤولان نظام و منتهی شدن مسؤولیتها به اراده و خواست مردم است.

مسئولان خدمتگزار مردم

عرصه دوم، عرصه تکلیف مسؤولان در قبال مردم است. وقتی ما می‌گوییم «مردم»، معنایش این نیست که مردم بیایند رأی بدهند و مسؤول یا نماینده‌ای را انتخاب کنند؛ بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسؤولیتی وجود نداشته باشد؛ صرفاً همین باشد که اگر کسی می‌خواهد برای مردم کاری

www.ourpresident.ir

بکند، به این خاطر باشد که مردم بار دیگر به او رأی دهند؛ مسأله این نیست. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسؤولیت پیدا کردنِ مسؤولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسؤولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسؤولیتی به دست می‌آورد، باید همه همّ و غمّش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیّت مردم، هم برای معنویّت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است. البته وقتی می‌گوییم «مردم»، منظور همه طبقات مردمند؛ لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجّه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند؛ لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می‌کردند. این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفّه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه این‌که نباید برای طبقات مرفّه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشترِ توجّه و همّت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام به طور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می‌کرد. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجّه قرار گیرند.

خودباوری شرط اعتلای کشور

عرصه سوم – که باز بر محور مردم حرکت می‌کند – عبارت است

www.ourpresident.ir

از بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن. از اوایل انقلاب، همیشه امام خطاب به جوانان، دانشجویان، متفکّران کشور و کسانی که داری استعداد بودند، می‌گفت که به خودتان ایمان بیاورید؛ نیروی خودتان را باور کنید و بدانید که می‌توانید. این درست در مقابل تعالیمی بود که در دوران طولانی استبداد در این کشور، تلقین می‌شد که مردم ایران نمی‌توانند. ما در دوران انقلاب هم دیدیم همان کسانی که اسلام را به معنای حقیقیِ خود باور نداشتند، به این معنا هم باور نداشتند. همیشه چشم آنها به بیرون مرزهای کشور بود و به مردم و تواناییهای آنها اعتقاد نداشتند. این فکر و این توجّه را هم، امام در این نظام نهادینه کرد، که استعدادهای جوان این کشور، احساس توانایی کنند؛ و شما بعد از انقلاب هرچه از نشانه‌های علم و پیشرفت علمی و صنعتی در کشور مشاهده می‌کنید، ناشی از این است. هرجا که نشانه‌های وابستگی مشاهده می‌شود – که به معنای تحقیر ملّت ایران و استعدادهای اوست – ناشی از نقطه مقابل این تفکّر است.

اهمیت روشنگری و تبیین حقایق

عرصه چهارم در خصوص توجه امام به مردم، عبارت است از لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم. خود امام در سنین بالای عمر – با حال پیرمردی – از هر فرصتی استفاده کرد برای این‌که حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگاههای تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجّه داشت. وسایل ارتباطیِ فکریِ نامطمئن و وابسته به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار می‌کرد که هم خود او به طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایقی

www.ourpresident.ir

که دشمن سعی می‌کند آنها را مکتوم نگه‌دارد، آشنا کنند. این‌که ما دائماً به صاحبان بیان و قلم و تریبونهای مختلف توصیه می‌کنیم که هدف و همّت خود را بر تبیین صحیحِ حقایق قرار دهند، برای این است.

امروز دشمن، درست در موضع مقابل این نقطه اساسیِ اسلامی کار می‌کند. از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهمّ دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا می‌شد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می‌کرد، می‌دیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند می‌شود. امروز نیز همین‌طور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی به خاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملّت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره‌های انقلاب باشد، می‌بینید که در دنیا از طرف دستگاههای تبلیغاتی استکبار برای او هورا می‌کشند و او را تشویق می‌کنند! تبیین، موضوع بسیار مهمّی است. انسانها تابع بینش و دید خودشان هستند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدسات و مجاهدتهای این ملّت قلمفرسایی کنند و چیزی بنویسند؛ اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور – یعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خدا – اظهارنظری کنند و ریشی بجنبانند؛ اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند؛ می‌بینید مورد تشویق رادیوها و سیاستمداران و نویسندگان خارجی قرار می‌گیرند. امروز همه افراد – چه کسانی که بیاناتشان در حوزه‌های وسیع کاربُرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچکتر سخنانشان مؤثّر واقع می‌شود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیطهای کارگری و غیره – مسؤولند و اگر دیدند حقایق و محکمات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار

www.ourpresident.ir

می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه می‌کرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.

تأکید امام بر حفظ نظم و قانون

عنصر سومی که برای امام اهمیت داشت، نظم و قانون بود. لذا حتّی قبل از آن‌که انقلاب به پیروزی برسد، امام دولت معیّن کرد. انقلابهای دنیا یا کودتاهایی که به اسم انقلاب در دنیا به وجود می‌آمدند – که دهه‌های میانی قرن گذشته میلادی از این‌گونه انقلابها پُر بود – هیچکدام این‌طور نبودند. وقتی در کشوری انقلاب می‌شد – یا انقلاب حقیقی، یا کودتایی به اسم انقلاب – مدتها از دولت و تشکیلات دولتی و نظم دولتی خبری نبود. یک گروه به نام مسؤولان انقلاب، زمام کشور را در دست می‌گرفتند و طبق میل و تشخیص خودشان – هرطور بود – عمل می‌کردند. در انقلاب اسلامی، امام اجازه نداد این‌طور بشود؛ حتّی از قبل از پیروزی انقلاب دولت تعیین کرد تا نظم وجود داشته باشد. با این‌که آن وقت شورای انقلاب هم بود، اما امام خواست با شکل قانونی و منطقی، کشور اداره شود. اصل تشخیص این‌که چه نظامی در کشور بر سر کار بیاید، این را امام به عهده‌ی رفراندم و آراء عمومی گذاشت. این هم در دنیا سابقه نداشت. در هیچ انقلابی در دنیا، ما نشنیدیم و ندیدیم که انتخاب نوع نظام را – آن هم در همان اوایل انقلاب – به عهده مردم بگذارند. هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام همه‌پرسی درباره نظام اسلامی را اعلان کرد، که مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفت باید قانون اساسی نوشته شود. آن کار هم نه به وسیله جمعی که خود امام معیّن کند، بلکه باز به وسیله منتخبان مردم صورت گرفت. مردم اعضای مجلس

www.ourpresident.ir

خبرگان را – که منتخبان مردم بودند – انتخاب کردند تا قانون اساسی تدوین شود؛ باز مجدداً همان قانون را به رأی مردم گذاشتند. هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد. بنابراین از اوّل، مبنای کارِ انقلاب بر نظم و قانون بود. کسانی که با این ترتیب منطقی انقلاب نمی‌توانستند کنار بیایند، یا نمی‌توانستند تحمّل کنند که این انقلاب این‌گونه قدم‌به‌قدم منطقی حرکت کند، در همه این موارد اخلال کردند. تفاله‌های آنها امروز هم انقلاب را به بی‌قانونی متّهم می‌کنند! این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود؛ در هیچ جای دیگر دنیا، در این انقلابهایی که اتّفاق افتاده است – چه در انقلابهای این قرن و چه قبل از آن – چنین چیزی دیده نشده است. این را باید مغتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسؤولیتهای قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد.

اگر شما امروز می‌بینید که با تبلیغات و تحریک دشمنان، در هر برهه‌ای از زمان، قوای قانونی کشور مورد تعرّض تبلیغاتی قرار می‌گیرند، این دنباله همان دشمنی‌ای است که از اوّل با اساس نظم و قانون در جمهوری اسلامی وجود داشت و امام مقابل آن ایستاد. ما همیشه این را تأکید کرده‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم، وظایفی که در قانون اساسی برای قوای سه‌گانه و مسؤولان قانونی معیّن شده، معتبر و محترم است و همه باید در مقابل این قانون، حالت تسلیم داشته باشند. بی‌قانونی به شکلهای مختلفی خود را نشان می‌دهد. یکی از آنها همین است که علیه اساس و ترتیبات قانون اساسی مبارزه تبلیغاتی شود و لجن‌پراکنی صورت گیرد و به مسؤولیتهای قانونی در هر بخشی از بخشها بی‌احترامی گردد. این آن چیزی است که از اوّلِ انقلاب، دشمنان امام و اسلام بر روی آن پافشاری می‌کردند و امام در مقابل آن ایستاد.

www.ourpresident.ir

هوشیاری و دشمن‌ستیزی

عنصر اساسی چهارم که امام آن را در پایه‌های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت – و بحمدالله مایه ماندگاری نظام شد – مسأله دشمن‌ستیزی و سلطه‌ستیزی است. امام یک لحظه نه خود از کید و مکر و حیله دشمن غفلت کرد و نه گذاشت که مسؤولان غفلت کنند. نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی که منافع دستگاههای استکباری دنیا را در این نقطه از عالم و در بسیاری از کشورهای اسلامی تهدید کرده است، بدیهی است که مورد دشمنی است. در ایران عزیز ما، اینها سالهای متمادی مثل ماری بر روی منابع ملی و دستگاههای سیاسی کشور چنبره زده بودند. در نظام سلطنتیِ غاصب و وابسته، مگر کسی جرأت داشت به کسانی که وارد این کشور شده بودند تا ملّت را تحقیر و فقیر و منابع او را غارت کنند و او را عقب‌مانده نگه‌دارند، اندک اهانتی کند؟! کسی جرأت نداشت به آنها بگوید بالای چشمتان ابروست! امریکاییها و صهیونیستها و دیگر غارتگران و چپاولگران دنیا، در کمال امنیت و آرامش به ایران می‌آمدند، می‌رفتند و می‌بردند. سیاست کشور، در دست آنها؛ آمدن و رفتن حکومتها، در دست آنها؛ آوردن و بردن شاه مملکت، در اختیار آنها؛ تعیین نخست‌وزیران، با صوابدید آنها؛ و موضعگیریهای سیاسی کشور، تماماً در جهت خواسته‌ها و منافع آنها بود. نظام جمهوری اسلامی آمد و این بساط را به‌کل به هم ریخت. امام می‌دانست که این دشمن ساکت نمی‌نشیند و تعرّض می‌کند. اگر در برهه‌ای تعرّض کرد و تودهنی خورد، موقّتاً عقب‌نشینی می‌کند تا باز تعرّض کند؛ لذا باید هشیار و بیدار بود. امروز من متأسفانه می‌بینم که کسانی طبق خواسته آن دشمنان، تبلیغ می‌کنند که این توهّم است! دشمن همین را می‌خواهد که مردم، مسؤولان، کارگزاران حکومت، اداره‌کنندگان کشور و طرّاحان و قانونگذاران امور زندگی مردم، از تهدید دشمن غفلت کنند. نباید اجازه داد؛ باید دشمن و شیوه‌های دشمنیِ

www.ourpresident.ir

او را شناخت. این آن چیزی است که باید برای همیشه به یاد ما بماند و امام بر روی این نکته تأکید می‌کرد. این‌که می‌دیدید امام می‌فرمود: «هرچه فریاد دارید، بر سر امریکا بکشید»، به خاطر این است.

برادران و خواهران عزیز! جوانان عزیز من! ملّت عزیز ایران! اینها چهار نقطه قوّت اساسی است. هم مردم و هم مسؤولان باید قدر اینها را بدانند. این چهار عنصر موجب پایداری نظام است. این چهار عنصر موجب آن است که هیچ وقت دشمن نتواند به این نظام ضربه بزند. هر جا ما از این چهار عنصر غفلت کردیم، ضربه خوردیم. اگر ضربه اقتصادی خوردیم، اگر عقب‌ماندگی اقتصادی پیدا کردیم، اگر در زمینه‌های سیاسی دچار ضعفی شدیم، بر اثر غفلت از این عناصر بوده است. آن‌جایی که پیشرفت کردیم، آن‌جایی که عزّت به دست آوردیم، آن‌جایی که توانستیم موانع را از سر راه برداریم، آن‌جایی که دشمن را ناکام کردیم، به خاطر تکیه بر این عناصر بوده است. نگذارند و نگذارید این عناصر از دست مردم برود و مورد تهاجم قرار گیرد. نگذارید دشمن به میل خود، راه را برای تسلّط مجدّد بر این کشور هموار کند. هشیاری مسؤولان کشور و آحاد مردم لازم است.

بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهّر امام خمینی (ره) ـ ۸۰/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

تحقیر ایران در روی کار آوردن پهلوی

عزیزان من! عدّه‌ای از شما با تاریخ به‌خوبی آشنا هستید. من هم با تاریخ آشنا هستم. من سطرسطر ورقهای تاریخ هفتاد، هشتاد سال گذشته و قبل از آن را مکرّر در مکرّر خوانده‌ام. ما حقیقتاً یکی از گرفتارترین ملّتها در پنجه گردن‌کلفتی و قلدری قدرتهای جهانی بوده‌ایم. بنده در باب شبه قارّه هند مطالعات مفصّلی داشته‌ام و کتابی هم در این زمینه نوشته‌ام. وقتی وضعیت ایران را با شبه قارّه مقایسه می‌کنم، می‌بینم با این‌که آن‌جا استعمار مستقیم انگلیسیها وجود داشت، اما به لحاظ فشار انسانی بر یک کشور از ناحیه قَدرتهای اهریمنی دنیا، وضع ما از آنها بدتر بود. آنها از طرف نیروهای خودی و میهنیِ خودشان دچار خیانت و نفاق و فساد و وابستگی نبودند. یک مشت انگلیسی به آن کشور وارد شده بودند. خودیهای آنها عبارت بودند: از گاندی و نهرو و مولانا محمّد علی و مولانا شوکت علی و جناح و غیره. آنها با انگلیسیها جنگیدند و بسیار هم زجر کشیدند؛ اما وضع ما این‌گونه نبود. انگلیسیها رضاخان را به عنوان یک عامل دست‌نشانده بر سرِ کار آوردند تا

www.ourpresident.ir

کار مورد نظر آنها را انجام دهد. این حرفها جای انکار نیست؛ حرفی نیست که من بزنم؛ این حرفها جزو واضحات تاریخ است که هم گزارشگران نوشته‌اند و هم اسنادی که بعد از سی، چهل سال منتشر شده، گویای آن است. همین چند روز پیش در سندی از همین قبیل می‌خواندم که در جلسه‌ای که سید ضیاء و رضاخان و مأموران انگلیسی بودند، رضاخان گفته بود که من سیاست سرم نمی‌شود و وارد نیستم؛ هرچه شما دستور بدهید؛ من گوش به فرمانم! همین‌طور هم بود؛ اما لحظه‌ای که احساس کردند یک ذرّه حالت گوش به فرمانی‌اش متزلزل شده و گرایشی، آن هم نه به سمت استقلال حقیقی، بلکه به سمت آلمان هیتلری پیدا کرده است – طبیعتاً وقتی رضاخان به هیتلر نگاه کند، به هیجان می‌آید و لذّت می‌برد – او را کنار زدند و پسرش را بر سرِ کار آوردند. اینها جزو واقعیّات کشور است.

بیانات در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ـ ۸۰/۵/۱

www.ourpresident.ir

توقع انقلاب از هنرمندان

کشور ایران با همه این خصوصیات فرهنگی عمیقی که شما می‌گویید و راست هم می‌گویید و من هم به همینها اعتقاد دارم، تحقیر شد. پنجاه، شصت سال کسانی بر ما حکومت کردند که آورنده آنها، نه این‌که ما نبودیم – چون در ایران حکومت مردم به این صورت اصلاً سابقه نداشت – بلکه دلاوریِ خودشان هم نبود. ای کاش اگر دیکتاتور بودند، اقلاً مثل نادرشاه با زور بازوی خودشان، یا مثل آقامحمّدخان با حیله‌گری خودشان بر سر کار آمده بودند؛ اما این‌طور نبود. دیگران آمدند و آنها را بر این ملّت مسلّط کردند و تمام منابع مادّی و معنوی این ملّت را به غارت بردند. با رنجها و محنتهای بسیاری، حرکت عظیمی در مقابل این پدیده شوم اتّفاق افتاد و توانست با فدا کردن جانها و با عریان کردن سینه‌ها در مقابل دشنه‌ی دشمن غدّار، به جایی برسد. این زیبا نیست؟ هنر چگونه می‌تواند از کنار اینها بی‌تفاوت بگذرد؟ این توقّعِ انقلاب است. هنر انقلابی که ما از اوّل انقلاب همین‌طور گفتیم و آن را درخواست کردیم، این است. آیا این توقّعِ زیادی است؟ موسیقی و فیلم

www.ourpresident.ir

و تئاتر و نقاشی و سایر رشته‌های هنریِ شما باید به این مقوله بپردازد؛ اینها چیزهای لازمی است. توقّعِ انقلاب از هنر و هنرمند، یک توقّعِ زورگویانه و زیاده‌خواهانه نیست؛ بل مبتنی بر همان مبانی زیباشناختی هنر است. هنر آن است که زیباییها را درک کند. این زیباییها لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمّل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید.

بیانات در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ـ ۸۰/۵/۱

www.ourpresident.ir

سوءاستفاده‌ی استکبار از هنر

ببینید عزیزان من! سیاست در دنیای امروز از هنر استفاده ناشایسته می‌کند. اگر بگوییم نمی‌کند، دلیل بی‌اطّلاعی است. نه فقط امروز استفاده می‌کند، بلکه از سابق استفاده می‌کرده است. چند روز پیش سندی از اسناد منتشر شده وزارت خارجه امریکا درباره جریان کودتای ۲۸ مرداد را ترجمه کرده و برای من آوردند. البته به هنگام وقوع این حادثه، سنّ من زیاد نبود – چهارده، پانزده سال داشتم – چیزهای اندکی یادم هست؛ اما از زبانها بسیار شنیده‌ام و در آثار هم زیاد خوانده‌ام؛ ولی به این تفصیل هیچ‌جا وجود ندارد. آنهایی که خودشان دست‌اندرکار این جریان بودند، این اسناد را نوشتند و برای وزارت خارجه و سازمان سیا فرستادند. این اسناد متعلّق به امریکاییهاست. البته عملیات، بین امریکاییها و انگلیسیها مشترک بوده که در این گزارش کاملاً منعکس شده است. آن بخش مورد توجّه من این است: «کیم روزولت» می‌گوید وقتی ما به تهران آمدیم، یک چمدان بزرگ پُر از مقاله‌هایی که نوشته شده بود و باید ترجمه می‌شد و در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید،

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

و نیز کاریکاتورهایی را با خودمان آوردیم! شما فکرش را بکنید، دستگاه سی. آی. ایِ امریکا برای ساقط کردن حکومتی که با آنها ناسازگار بود و منافع آنها را تأمین نمی‌کرد؛ حکومتی که به آراء مردم متّکی بود – برخلاف همه حکومتهای دوران پهلوی، این یک حکومت ملی بود که قانونی و با آراء مردم بر سر کار آمده بود – تحت عنوان این‌که ممکن است پشت پرده آهنین شوروی برود، از همه ابزارها – از جمله از ابزار هنر – علیه آن استفاده کرد. البته آن روز کاریکاتوریستی که هم به درد اینها بخورد و هم بتواند مورد اعتمادشان قرار گیرد، لابد نبوده است؛ لذا با خودشان کاریکاتورهای آماده را آورده بودند! در آن اسناد آمده است که ما به بخش هنری سازمان سیا سفارش کردیم که این چیزها را تهیه کند! اتفاقاً دو، سه سال پیش نیز ایتالیاییها کتابی نوشتند که به فارسی هم ترجمه شده است؛ آن‌جا هم به وجود بخش هنری سازمان سیا و فعّالیتهای گوناگونش اشاره شده است. سیاست، این‌گونه از هنر استفاده می‌کند. شما در این‌جا می‌خواهید چه کار کنید؟ اگر همه‌ی سیاستمداران و مستکبران و قلدران و صاحب‌اختیاران دنیا می‌آمدند در مقابل کتاب مقدّس خودشان قسم جلاله می‌خوردند که از هنر استفاده نکنند، می‌شد آدم نسبتاً خیال راحتی پیدا کند و بگوید بسیار خوب، الحمدلله، هنر خلاص شد؛ اما آنها از هنر استفاده می‌کنند. شما می‌خواهید چه کار کنید؟ آیا شما می‌خواهید در مقابله با مطامعی که آنها به وسیله هنر به آن می‌رسند، از این ابزار بهره نبرید؟ این خردمندانه است؟ نه؛ این خردمندانه نیست.

بیانات در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ـ ۸۰/۵/۱

www.ourpresident.ir

عنصر زشت دخالت بیگانه در دوران پهلوی

ملت ایران در طول قرنهای متوالی، همواره در مقابل خود حاکمانی را مشاهده کرده بود که یا خود یا اجدادشان به ضرب شمشیر، حکومت را به دست آورده بودند و با اتّکا به قبضه شمشیر و سرنیزه قدرت، آن را برای اعقابشان گذاشته بودند. حکومت و حقّ حاکمیت بر مردم، بدون خواست و میل و انتخاب مردم، مثل مال شخصیِ حاکمان به فرزندان و اعقابشان، تا نسلهای متعدّد به ارث می‌رسید. در دوره‌های اخیر – یعنی از اواسط دوره قاجار و سرتاسر دوره پهلوی – عنصر زشت دیگری وارد عرصه حاکمیت کشور شد و آن عنصر دخالت بیگانه بود. انگلیسیها رضاخان پهلوی را با انتخاب و گزینشِ خودشان بر سرِکار آوردند و پشتیبانی کردند؛ بعد پسر او را بر سرِکار آوردند و بعد پس از کودتای ۲۸ مرداد، نقش‌آفرین مسائل ایران و قدرت حکومت در کشور ما امریکاییها بودند و ملّت در این میان هیچکاره بود. یک ملّت در اساسی‌ترین مسائل زندگیش، در امر تعلیم و تربیتش، در امر اقتصادش، در امر سیاستش، در ارتباطات جهانی‌اش و در نظم معمولی

www.ourpresident.ir

زندگی‌اش، هیچ‌گونه اختیاری نداشته باشد و کسانی بر سرنوشت او و بر این همه حکومت کنند که برای تصدّی این مسؤولیت، هرگز از مردم اجازه نگرفته باشند. ما هرگز حضور مردم و رأی آنها را – جز در یک دوران کوتاه، آن هم به صورت بسیار ناقص – تجربه نکرده بودیم. این اسلام و انقلاب و مجاهدت و ایثار این ملّت و عظمت و شخصیت کم‌نظیر امام بزرگوار بود که زمینه‌ساز لطف و رحمت الهی شد و این هدیه بزرگ به ملّت ایران داده شد.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ـ ۸۰/۵/۱۱

www.ourpresident.ir

سلب اعتماد متدینین، یکی از عوامل شکست مشروطیت

یکی از عواملی که موجب شکست مشروطیت در ایران شد، این بود که متدیّنین بعد از مدتی احساس کردند کأنّه کار به سمت بی‌دینی پیش می‌رود. جنجال زیاد مطبوعاتی که آن وقت همه انگیزه خودشان را این قرار داده بودند که به مقدّسات دینی حمله کنند – البته کسانی که در مشروطیت با اساس دین و مظاهر دینی و اعتقادات دینی و روحانیت و با این‌طور چیزها در مجامع به صورت قلمی و شعاری مقابله و اهانت می‌کردند، عدّه زیادی نبودند، اما جنجالشان زیاد بود – موجب شد که متدیّنین و علما که در صفوف اول مبارزه مشروطیت بودند، بتدریج دلسرد شدند و کنار نشستند. وقتی چنین شد، نهضت شکست می‌خورد؛ و مشروطیت شکست خورد. بعد از پانزده، شانزده سال از عمر مشروطیت، دیکتاتوریِ رضاخانی به وجود آمد. این بسیار عبرت‌انگیز است. رضاخانِ قلدر و چکمه‌پوش کجا، شعار مشروطیت کجا؛ چقدر اینها با هم فاصله دارند! چرا این‌طور شد؟ چون اطمینان و اعتماد مردم مؤمن سلب شد؛ کنار نشستند و از صحنه بیرون رفتند.

www.ourpresident.ir

مسؤولان نباید بگذارند چنین حالتی در مؤمنین به وجود آید.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ـ ۸۰/۵/۱۱

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

ایدئولوژی سلطنت و ضدّیت اسلام با آن

اهمیت ایرانیِ نظام اسلامی به خاطر این است که نظام سیاسیِ مستقرِّ پایدارِ ریشه‌داری است که به دست خود مردم به وجود آمده است. یک نظام تحمیل شده بر مردم نیست؛ ضدِّ ایدئولوژی سلطنت است. سلطنت یک ایدئولوژی دارد. ایدئولوژی سلطنت همان چیزی است که شما در همه سلطنتهای دنیا با انواع و اقسامش مشاهده می‌کنید؛ یعنی استبداد، بهره‌مندیهای اختصاصی و زورگویی؛ آن‌جایی که به زورگویی نیاز داشته باشند. یک روز هم پیدا می‌شود که همین انوشیروان – که سعی کردند اسم او را عادل بگذارند – به‌خاطر یک کینه‌ی شخصی از دوره جوانی، در یک روز دهها هزار مزدکی را به قتل می‌رساند! نقل می‌کند که در دوره جوانی، پدرم – قباد– گفت به پای مزدک بیفت (چون قباد، مریدِ مزدک بود)؛ هنوز بوی گند پایِ مزدک در شامّه‌ی من هست و اکنون که به سلطنت رسیده‌ام، انتقام می‌گیرم؛ نه از خودِ مزدک، از دهها هزار مزدکی!

پادشاهان صفوی، مایه افتخار ما هستند – می‌دانید، ما برای پادشاهان

www.ourpresident.ir

صفوی ارزش و اعتباری قائلیم؛ چون پیرو مکتب اهل‌بیت بودند و استقلال و تمامیّت ارضی ایران را حفظ کردند – اما شما ببینید همین شاه‌عباس که یک چهره برجسته است، چقدر ظلمِ ناشی از خودکامگیِ محض کرده است. آن‌قدر از خویشاوندان خود را کُشت و کور کرد که بعضی اشخاص مجبور شدند برخی از شاهزاده‌های صفوی را به گوشه‌ای ببرند و گم و گور کنند تا شاه از وجود آنها مطّلع نباشد! مثلاً دستور داد چهار پسر امام قلی‌خان را سر ببُرند و جلوِ او بگذارند؛ در صورتی که امام قلی‌خان جزو افرادی بود که به صفویه خیلی خدمت کرده بود؛ جزو خدّامِ قدیمی صفویه و سرداران و سیاستمداران صفویه بود؛ اما به خاطر وجود روح دیکتاتوری و استبداد در شاه، این بلا سرِ او آمد. ظلم و جور، مخصوص محمّدرضا و رضاخان نبود. در ایدئولوژی سلطنت، ظلم و جورِ ناشی از استبداد، قدرت مطلقه و متعهّد نبودن به هیچ مسؤولیتی و هیچ عهد الهی و مردمی وجود دارد. نظام اسلامی در مقابل ایدئولوژی سلطنت قیام کرد؛ در حالی که کشور ما قرنهای متوالی دچار این حالت بود؛ چه قبل از اسلام، چه حتّی بعد از آمدن اسلام. اسلام در مدینه به معنای واقعی کلمه، متضمّن آزادی و – به تعبیر امروز ما – مردم‌سالاری بود. در مدینه و زادگاه و پایگاه نبوّت، این‌طور بود؛ اما در مناطق دوردستی که فلان سردار اموی در خراسان یا اصفهان یا فارس مشغول حکومت بود، این خبرها وجود نداشت؛ بلکه هر سرداری برای خود یک پادشاه مستبد بود و هر کاری می‌توانست، می‌کرد. البته ایمان مردم ایران به اسلام، به خاطر این شخصیتها و این سردارها نبود؛ به خاطر پیام اسلام بود، که خود داستان و ماجرای دیگری دارد. از ایدئولوژی سلطنت که استبداد یک رکن ذاتی آن است، از صد سال پیش به این طرف، آفتهای دیگری هم در کشور ما بروز کرد که یکی از آنها وابستگی بود؛ دیگری فساد سلطنت و اطرافیان و درباریان بود؛ فساد جنسی، فساد اخلاقی و فسادهای

www.ourpresident.ir

فراوان مالی.

اینها برای مردم، شاه و قدرت مطلقه بودند؛ اما در مقابل بیگانگان تسلیم و مطیع: «اسد علیّ و فی الحروب نعامة»! در مهمترین مسائل، مطلبی به آنها دیکته می‌شد؛ نه به وسیله یک رئیس جمهور، بلکه به وسیله سفیر! سفیر انگلیس به دربار مراجعه می‌کرد و می‌گفت مصلحت شما این است که این‌طور باشد؛ شاه هم می‌فهمید «مصلحت شما این است» یعنی چه! در کنار وابستگی مطلق و مطیع بودن در مقابل بیگانگان، بی‌کفایتی هم الی ماشاءالله وجود داشت.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ـ ۸۰/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

القای تقلید علمی از غرب در رژیم پهلوی

من به شما عرض کنم؛ در صد سال اخیر، به معنای حقیقی کلمه، برای این کشور هیچ کار اساسی‌ای قبل از انقلاب انجام نگرفته است. امروز در محیط دانشگاه چشم شما به حقایق علمی باز شده است؛ می‌بینید که ما چقدر کارِ نکرده و راهِ نرفته داریم. می‌شد این راهها را رفت، می‌شد با کاروان علم همراه شد، می‌شد علم و عالم و دانشمند و تحقیق و استقلال در علم و تحقیق را در کشور آزمایش کرد؛ اما این کار را نکردند؛ بلکه بعکس عمل کردند.

در دوران ورود دانش جدید به کشور ما، آنچه که وارد شد، عبارت بود از تقلید و ترجمه. البته منظورم ترجمه یک اثر ارزشمند نیست – که یک کار لازم است – منظورم فکر و ذائقه و روحیه ترجمه‌ای است؛ یعنی قدرت ابتکار را از یک ملّت گرفتن؛ شجاعت حرف نو را از یک ملّت گرفتن؛ همه‌اش توی سر او زدن؛ به او این‌طور تلقین کردن که اگر می‌خواهی به جایی برسی و آدم شوی، باید همان کاری را بکنی که غربیها کردند و از آن

www.ourpresident.ir

سر سوزنی تخطّی نکنی! به مردم ما و محیطهای علمی، این‌گونه یاد دادند. اجازه ابتکار و نوآوری و خلاقیت علم را ندادند. علم و فکر را باید تولید کرد. اینها نه در علوم تجربی، نه در علوم انسانی و نه در علوم سیاسی و اجتماعی، برای آفرینش علمی میدان ندادند. لذا وضع این‌گونه است که امروز ملاحظه می‌کنید.

البته در این بیست سال بعد از انقلاب، با همه گرفتاریهایی که وجود داشته، ورق برگردانده شده است؛ والّا قبل از آن که انقلاب به میدان بیاید و شجاعتِ خواستن، اندیشیدن، اعتماد به نفس و اتّکاء به استعداد ایرانی در کشور مطرح شود - که اینها از برکات انقلاب بود - غایت آمال و آرزوی یک انسان این بود که بتواند بر طبق نسخه‌ای که غربیها عمل کرده‌اند، عمل کند؛ یعنی افراد اصلاً به خود اجازه نمی‌دادند که از آن روند تخطّی کنند! پس استبداد، وابستگی، فساد، عدم ابتکار، عدم پیشرفت و بی‌کفایتی وجود داشت؛ اما انقلاب و نظام اسلامی در مقابل همه اینها قد علم کرد و شورشی علیه همه اینها بود. این انقلاب و این نظام، کار یک دسته و یک گروه خاص نبود؛ کار ملّت بود.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ـ ۸۰/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

تفاوت انقلاب اسلامی و دیگر انقلابها از نظر مردمی بودن

قرن بیستم، قرن تحوّلات کوچک و بزرگ سیاسی در دنیاست و انقلابها و کودتاها و تحوّلات زیادی در آن صورت گرفته است. در قرن بیستم هرچه که شما چشم بگردانید، هیچیک از این تحوّلات را نمی‌بینید که تحت تأثیر ساخت و پاختهای پشت پرده و اعمال نفوذ قدرتهای بیگانه نباشد. البته در بین همه اینها، انقلاب اکتبر شوروی مستثناست – که آن، نوع دیگری بود – اما بقیه تحوّلات سیاسی که در دنیا اتّفاق افتاد، یا تحت تأثیر گروههای حزبی و پشت سرش شوروی بود، یا یک کودتای قدرت‌طلبانه چند نفر نظامی بود. بنابراین کار مردم نبود؛ به شکلی که در ایران، انقلاب اتّفاق افتاد. انقلاب اکتبر شوروی هم مردمی نبود، و عرض کردم که تحلیل و تفسیر آن انقلاب، داستان مفصّل دیگری دارد.

انقلاب اسلامی ایران صددرصد مردمی بود. در دوران انقلاب، شما وقتی به هر روستایی از روستاهای این کشور می‌رفتید، می‌دیدید که در آن‌جا مردم برانگیخته‌اند، حرف دارند، مطالبه دارند، شعار دارند و همه این مطالبات و

www.ourpresident.ir

حرفها هم حول محور واحدی حرکت می‌کرد؛ حول پیام اسلام که مظهر آن را در امام عزیز و بزرگوار ما می‌دیدند. اهمیت نظام اسلامی از لحاظ ابعاد ایرانی در اینهاست: اوّلاً صددرصد مردمی است؛ ثانیاً نقطه مقابل چیزی است که قرنهای متمادی کشور ما از آن رنج برده بود؛ یعنی ایدئولوژی سلطنت و کارگزاران سلطنتی. شما هیچ ملیّتی را پیدا نمی‌کنید که بتواند چنین انگیزه‌های عمیقی را در دلهای تک‌تک مردم به وجود آورد. یکایک آحاد مردم، این انقلاب و این نظام را با همه وجودِ خود مطالبه و دنبال می‌کردند؛ بی‌تفاوت‌ترین آدمها در این حرکت سهیم بودند. این در ابعاد ایرانی است.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ـ ۸۰/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

داستان غم‌بار استعمار در جهان اسلام

و اما در ابعاد اسلامی. یک ملیّت معمولاً در داخل مرزهای خود زندانی است و بیرون مرز، هیچ‌گونه ارزش و جاذبه و احترامی ندارد؛ اما نظام اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام و هرجا که مسلمانی وجود داشت، هویّت اسلامی و احساس شخصیت را هم در افراد و هم در ملّتها زنده کرد. اقلیتهای مسلمان که در دنیا متفرّق بودند، احساس شخصیّت کردند. ملّتهای مسلمان، بخصوص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا – یعنی در واقع اجزای امپراتوریِ متلاشی شده قدیمی عثمانی که سالهای سال رنج استعمار را تحمّل کرده بودند – احساس کردند مجدّداً نسیمی وزیده است. البته ما امپراتوری عثمانی را اصلاً تأیید نمی‌کنیم؛ یک حکومت سلطنتی بود مثل بقیه حکومتهای سلطنتی، با همان مشکلات و گرفتاریها؛ اما اروپاییها – فاتحان جنگ بین‌الملل اوّل – وقتی این حکومت بزرگ را که از منطقه بالکان تا تمام آسیای صغیر و خاورمیانه و شمال آفریقا گسترش داشت – از بوسنی و هرزگوین تا مصر و ترکیه کنونی و عراق و سوریه و فلسطین – متلاشی نمودند، به این اکتفا

www.ourpresident.ir

نکردند که حکومت را زایل کنند؛ از ملّتها انتقام کشیدند و آنها را تحقیر کردند! قطعه قطعه بخشهای این حکومت به دست یکی از دولتهای اروپایی افتاد و همان داستان غمبار استعمار تکرار شد؛ داستانی که هرگز از یاد این ملّتها نخواهد رفت و از تاریخ آنها زایل نخواهد شد. در یک کشور، بیگانه‌ای بیاید حکومت کند و تمام امکانات آن کشور در خدمت شخص بیگانه و دستگاه بیگانه و نظام بیگانه باشد و مردم آن کشور مجبور باشند از بیگانه‌ای که بر آنها حکومت می‌کند، اطاعت کنند و جرأت نکنند اندکی برخلاف مصالح او حرف بزنند یا حرکت کنند. واقعیت استعمار این بود.

آن‌جاهایی که استعمارِ مستقیم نکردند – مثل عراق – حکومت پادشاهی درست کردند و آدم غیر عراقی را (خانواده فیصل، خانواده سلطنتیِ عراقی نبودند) آوردند و بر مردم حاکم کردند؛ اما در واقع انگلیسیها حکومت می‌کردند. سیاست، سیاست انگلیسیها بود؛ خواست، خواست انگلیسیها بود و مردم عراق تسلیم و مقهور سرپنجه یک حکومت بیگانه بودند. شما ببینید برای یک ملت، کدام تحقیر از این بالاتر است؟ همه چیزشان را تحقیر کردند و دین و دنیا و شخصیت و ادب و فرهنگ و استقلالشان را به‌کلّی از بین بردند.

آن روزی هم که به اصطلاح موج مدرنیته را وارد این منطقه کردند، در واقع باید گفت فاضلابهای مدرنیته را به این منطقه فرستادند! علم و ابتکار و اختراعات جدید و پیشرفت فکری و دانشگاههای پیشرو را که به کشورهای الجزایر و مصر و عراق و بقیه مناطق تحت استعمار نیاوردند. اوّل چیزی که آوردند، ابتذال فرهنگی، کشف حجاب و کالاهای مصرفی پس‌مانده بود؛ یا حدّاکثر نظامهای نسخ‌شده درجه دو و سه آموزش و پرورش خود را آوردند؛ یعنی مردم را از همه جهت تحقیر کردند.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ـ ۸۰/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

تأثیر انقلاب اسلامی در جهان اسلام

وقتی موج چپ در دنیا بلند شد، بسیاری از روشنفکران در دنیای اسلام، شعارهای چپ - شعارهای سوسیالیستی و مارکسیستی - می‌دادند و در واقع می‌خواستند از غرب انتقام بگیرند؛ اما وقتی نظام اسلامی و انقلاب اسلامی پدید آمد، غوغا به پا شد و تمام کشورهای اسلامی از این‌که دیدند یک ملّت آمده و پرچم اسلام را بلند کرده و در مقابل سخت‌ترین تهدیدها ایستاده است؛ نه فقط در مقابل غرب، بلکه در مقابل شرق و غرب، شعار «نه شرقی، نه غربی» می‌دهد و در مقابل جذّابترین تطمیعها، بی‌اعتنایی نشان می‌دهد، یکپارچه هیجان شدند.

عزیزان من! عکس‌العمل امریکا و غرب در مقابل انقلاب اسلامی، ناشی از چنین حقایقی بود. انقلاب در ابتدا آن‌چنان انفجاری در دنیای اسلام به وجود آورد که همه را به وحشت فرو برد. تحلیل کردند و گفتند اگر جلوِ این انقلاب را سد نکنیم و این نظام را از پا نیندازیم، دنیای اسلام را تسخیر و منافع غرب را در دنیای اسلام تهدید خواهد کرد. راست هم می‌گفتند؛ لذا

www.ourpresident.ir

توطئه‌ها علیه انقلاب اسلامی شروع شد. پس، نظام اسلامی و انقلاب اسلامی همان کاری را کرد که ملّیت برای یک ملّت می‌کند؛ یعنی همه احساس خودمانی‌گری کردند و شعار دادند. در کشورهای دوردست، نام فرزندان خود را، نام شخصیتهای انقلاب گذاشتند. شعرای بزرگ عرب که ما نام آنها را نشنیده بودیم و مطلقاً با ایران ارتباطی نداشتند، در وصف تهران، ایران و مردم ایران قصاید غرّایی سرودند. نزار قبّانی[1] – که شاعر بسیار برجسته‌ای بود و سه چهار سال پیش فوت شد – به این معروف بود که شعرش دائم با قدرتهای عربی گلاویز است. او در شعرهایش – که بسیار هم جاذبه داشت – خاندانهای سلطنتی و حرمسراهای آنها را تحقیر می‌کرد. البته او هیچ وقت به ایران نیامده بود و هیچ رگ ایرانی هم نداشت؛ اما درباره تهران – تهرانی که ندیده بود و نمی‌شناخت، و ایرانی که ناسیونالیسم عربی همیشه با آن مقابله کرده است – قصیده مفصّلی دارد.

و اما در ابعاد جهانی. در ابعاد جهانی – حتّی در دنیای غیر اسلام – هم انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت و توجّه به قدرت مذهب در بسیج انسانها را در دنیا مطرح کرد. مذهب – که یک پدیده منزوی و تشریفاتیِ محض بود – ناگهان آن‌چنان یک ملّت را بسیج کرد که توانست یک نظام متّکی به حمایتهای بین‌المللی را به‌کلّی به خاک سیاه بنشاند و اجازه ندهد بر روی ویرانه‌های آن، خلأ به وجود آید؛ بلکه نظامی با حرفهای نو بر سر پا کند. قائلین همه حرفهایی که برای بشریّت ایده‌آل بود – مسأله عدالت، انسانیّت و تکریم انسان، برابری انسانها، برابری نژادها، لزوم مبارزه و مقابله با زورگوییهای بین‌المللی – و کسانی که در دلهایشان حرفهایی بود، ولی

۱. ابونواس (نزار قبّانی) از شاعران معاصر عرب که در سال ۱۹۲۳ میلادی در دمشق به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۸ میلادی درگذشت.

www.ourpresident.ir

جرأت نمی‌کردند آنها را ابراز کنند و یا میدانی برای ابراز نمی‌یافتند، دیدند نظام سیاسیِ مستقرّیِ در یک گوشه از دنیا به وجود آمده، این حرفها را روی پلاکارد نوشته و در مقابل چشم جهانیان بلند کرده است. این برای آنها، بسیار فوق‌العاده بود.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ـ ۸۰/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

نقش سرنوشت‌ساز آیةالله کاشانی در نهضت ملّی شدن صنعت نفت

آیةالله کاشانی کسی است که اگر او نبود، نهضت ملی شدن صنعت نفت یقیناً در این کشور به وقوع نمی‌پیوست. من به جوانان عرض می‌کنم، با تاریخ گذشته نزدیک کشورتان آشنا شوید؛ چون یکی از راههای فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به‌وفور صورت می‌گیرد. مرحوم کاشانی کسی است که به کمک او دکتر مصدّق و دیگر سرانِ نهضت ملی شدن صنعت نفت توانستند حمایت مردم را به این حرکت جلب کنند؛ والاّ حمایت مردم جلب نمی‌شد. کسی مصدّق را نمی‌شناخت؛ کسی معنای ملی شدن صنعت نفت را نمی‌دانست؛ توده‌های عظیم مردم که رأی و حضور و اقدام آنها در تحوّلات اجتماعی تعیین کننده است، در جریان وارد نبودند و برای آنها توضیح داده نشده بود. دستگاه دربار که مخالفت چیزفهمیِ مردم بود، خودش هم عامل دست انگلیسیها بود. روشنفکران و سیاسیّونی که جهت حرکتشان این بود، وسیله و راهی نداشتند و مردم به

www.ourpresident.ir

آنها اعتماد نمی‌کردند. مرحوم آیةالله کاشانی وارد میدان شد. سابقه این مرد را، علما می‌شناختند و مردم ایران هم به او ارادت داشتند. او کسی بود که به وسیله قشون غاصبِ مداخله‌گرِ انگلیس در ایران، از کشور تبعید شده بود. شما ببینید آن روز وضع کشور چگونه بود. امروز به استقلال سیاسی ملّت ایران نگاه کنید، ببینید هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند هیچ‌گونه موضع‌گیری‌ای – حتّی موضعگیری زبانی – را بر دولتمردان ما تحمیل کند؛ اما آن موقع چنین بود که یک دولت بیگانه در دنباله جنگ بین‌الملل دوم – که انگلیسیها و امریکاییها و روسها در زمان حکومت محمّد رضای پهلوی از چند طرف وارد کشور ما شده بودند – به خودش جرأت می‌داد که یک عالم دینی را به خاطر مخالفت با سیاست انگلیس بگیرد و به خارج از کشور تبعید کند! البته قبلاً او را در قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد زندانی کردند، که من رفتم آن سلولی را که می‌گفتند مرحوم آقای کاشانی در آن‌جا زندانی بود، از نزدیک دیدم. وقتی که از تبعید به تهران برگشت، امواج احساسات و ارادت مردم نسبت به این روحانی مجاهد و مبارز، چنان توفانی به راه انداخت که همه دشمنان را پس زد و انگلیسیها و دیگران حساب کار خود را کردند و فهمیدند که مبارزه با این عالم روحانی به جایی نخواهد رسید. بعد، مرحوم آیةالله کاشانی به عنوان نماینده مردم تهران و رئیس مجلس آن روز، پشتیبان طرح ملی شدن صنعت نفت شد. نمایندگان مرحوم آیةالله کاشانی به سرتاسر کشور مسافرت می‌کردند. من خودم آن وقت نوجوان بودم. نماینده مرحوم آیةالله کاشانی به مشهد آمد و منبر رفت. او چنان دلهای مردم را مثل مغناطیس به خود جذب می‌کرد که هیچ عامل دیگری نمی‌توانست جای این حرکت را بگیرد. و به این ترتیب در سال ۱۳۲۹ شمسی – یعنی پنجاه و یک سال قبل که شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران است – مردم طرفدار ملی‌شدن صنعت نفت ایران شدند و علی‌رغم این‌که محمّدرضا موافق نخست‌وزیری مصدّق

www.ourpresident.ir

نبود، به پشتیبانی حمایت مردمی، مصدّق نخست‌وزیر شد. اگر مرحوم آیةالله کاشانی این حمایت عظیم مردمی را برای مصدّق به وجود نمی‌آورد، او نخست‌وزیر نمی‌شد. بعد در سال ۱۳۳۱ که ضدّ حمله دربار علیه مصدّق شروع شد و او از نخست‌وزیری برکنار گردید، فقط یک عامل توانست مجدّداً قدرت را به مصدّق برگرداند و او مرحوم آیةالله کاشانی بود. اینها جزو واضحات تاریخ است؛ جزو حوادثی است که کسانی که آن روز بودند، دیده‌اند و از قضایای آن خبر دارند و به‌روشنی می‌دانند چه گذشته است؛ لیکن عدّه‌ای عمداً اینها را کتمان می‌کنند و نمی‌گذارند این حرفها به گوش نسل حاضر برسد؛ که البته مقاصدشان معلوم است. وقتی شاه، قوام‌السلطنه را به جای مصدّق به نخست‌وزیری انتخاب کرد، مرحوم آیةالله کاشانی در مقابل قوام‌السلطنه اعلامیه داد؛ مردم کفن پوشیدند و در تهران و شهرهای دیگر به خیابانها آمدند؛ لذا قوام‌السلطنه سه روز بیشتر نتوانست به عنوان نخست‌وزیر بماند. اصلاً مگر می‌شد در مقابل امواج عظیم مردم که آیةالله کاشانی راه انداخته بود، مقاومت کرد؟ لذا قوام‌السلطنه کنار رفت و دوباره مصدّق بر سرِ کار آمد. انگلیسیها نفت ایران را مِلک شخصی خود به حساب آورده بودند و دهها سال استفاده غاصبانه می‌کردند و مال ملّت ایران را تقریباً مفتِ مفت می‌بردند و دربار سلطنت هم برای این‌که چهار روز بیشتر به حکومت ننگین خود ادامه دهد، با انگلیسیها همکاری می‌کرد. اما این بساط را نهضت ملی شدن صنعت نفت به هم زد، که عامل و سرچشمه اصلی جوشش در این نهضت، همین مرد بزرگ و شجاع بود: مرحوم آیةالله سید ابوالقاسم کاشانی.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ـ ۸۰/۸/۲۰

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

جداکردن اهل سیاست از روحانیت، نقشه‌ی دشمن برای کودتا

بخش بسیار مهم این ماجرا این است که الان عرض می‌کنم و این مطلبی است که می‌خواهم بخصوص جوانان ما به آن توجّه کنند. دشمن فهمید که راز پیروزی ملّت ایران چیست؛ لذا درصدد برآمد تا سیاسیّون و سردمداران دولتی را از روحانیت و دین جدا کند. آنها را از آیةالله کاشانی جدا کردند و بینشان فاصله انداختند و متأسفانه موفّق هم شدند. از سی تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیةالله کاشانی توانست ملّت ایران را آن‌طور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل امریکا در تهران توانستند مصدّق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید. در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضدّ استقلال این کشور و با توطئه دشمنان این ملت، دکتر مصدّق مرتّب فاصله خود را با آقای کاشانی زیاد کرد، تا این‌که مرحوم آیةالله کاشانی چند روز قبل از ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت – همه این نامه‌ها موجود است – و گفت

www.ourpresident.ir

من می‌ترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدّق گفت: من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین‌جا بود. ملّت ایران را سرانگشت روحانیت – کسی مثل آیةالله کاشانی – وادار می‌کرد که صحنه‌ها را پُر کند و به میدان بیاید و جان خود را به خطر بیندازد. در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود – و در واقع دولت مصدّق او را منزوی و از خود جدا کرده بود – عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا کودتاچیهای مأمور مستقیم امریکا توانستند بیایند و به‌راحتی بخشی از ارتش را به تصرّف درآورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدّق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوریِ محمّدرضاشاهی به وجود آمد که بیست‌وپنج سال این ملّت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که امریکاییها طرّاحی آن را کردند. هرچه دشمن خواست، همان شد؛ به خاطر جدا شدن از روحانیت و دین. اینها عبرت است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ـ ۸۰/۸/۲۰

www.ourpresident.ir

مأیوس کردن روحانیت، نقشه‌ی دشمن برای انحراف مشروطیت

شبیه همین قضیه در صدر مشروطیت اتفاق افتاد. آن‌جا هم کار را مردم کردند و حضور آنها بود که مشروطیت را بر حکّام مستبد قاجار تحمیل کرد؛ والّا مظفرالدین شاه کسی نبود که مشروطیت را قبول کند؛ حضور و فشار مردم او را مجبور کرد که مشروطیت را بپذیرد. روحانیون و علمای بزرگ، مردم را به صحنه آورده بودند. بعد از آن‌که مشروطیت به وجود آمد، جمعی از روشنفکران خودباخته در مقابل انگلیس، با تبلیغات و روزنامه‌ها و روشهای خود، کاری کردند که روحانیت و مردم متدیّن را نسبت به نهضت مشروطیت بدبین و مأیوس کردند. نتیجه این شد که در ابتدا یک دیکتاتوری توأم با هرج و مرج، چند سال بعد هم دیکتاتوری سیاه دوران رضاخان بر این ملّت مسلّط شد. این دو واقعه، دو تجربه است که البته هر کدام تحلیل و داستان جداگانه‌ای دارد.

من از این‌که می‌بینم جوانان ما از این قضایا بی‌اطّلاعند، رنج می‌برم.

www.ourpresident.ir

همیشه اطّلاع از آنچه که دشمن در گذشته عمل کرده است، موجب می‌شود که انسان ترفندهای دشمن را در زمان خودش هم بداند. البته روشها عوض می‌شود. شما می‌بینید که در مبارزات ورزشی هم مربّیان می‌نشینند و عملکرد فلان تیم رقیب را با دقّت نگاه می‌کنند تا روشهای او را بشناسند. ملّت ایران در طول صد سال اخیر اقلاً در دو قضیه مهم قبل از انقلاب اسلامی با امریکا و انگلیس روبه‌رو شده است. یک قضیه، قضیه مشروطیت است؛ یک قضیه، قضیه نهضت ملی شدن صنعت نفت است. در هر دو قضیه، آنها ترفندی زدند و ملّت ایران را از لذت بردن از پیروزی خود محروم کردند و یک دیکتاتوریِ سخت و سیاه را در هر کدام از این دو مقطع در کشور به وجود آوردند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ـ ۸۰/۸/۲۰

www.ourpresident.ir

هوشیاری امام و جلوگیری از تکرار نقشه‌های مستکبران

ماجرای سوم، ماجرای انقلاب اسلامی بود که امام هشیاری به‌خرج داد و نگذاشت. عدّه‌ای اوّلِ انقلاب به تلقینِ همان دشمنان، تبلیغ می‌کردند که بسیار خوب، امام آمد، انقلاب را پیروز کرد، مردم را به صحنه آورد و دولت جمهوری اسلامی تشکیل شد؛ کار امام دیگر تمام شد؛ امام به قم برود و مشغول درس و بحث و کارهای خود باشد! معنایش این بود که همان کاری که در مشروطیت شد، در انقلاب اسلامی هم بشود. امام بزرگوار ما، ملّت مؤمن، مبارزان آبدیده‌ای که تجربه‌های تاریخی را داشتند و بزرگان سیاستمدار انقلاب که می‌فهمیدند چه می‌کنند و دشمن از کدام منفذ ممکن است هجوم و حمله‌ای دوباره به این کشور بکند، ترفند دشمن را فهمیدند. قانون اساسی تدوین شد و امام بزرگوار در همه جریان کار، بر استحکام این پایه اشراف و نظارت داشت. در طول این مدت، مردم در کنار حقایق دینی و پرچمداران معرفت دینی باقی ماندند. جوانان ما به جای این‌که طبق خواسته دشمن، به حقایق و زیباییهای معرفت دینی و به برجستگیهای اسلامی که

www.ourpresident.ir

پرچم عدالت را در دنیای امروز بلند کرده است، پشت کنند، از همه قشرهای دیگر آگاهانه‌تر و با اصرار بیشتر، پرچم اسلام و اسلام‌خواهی را در کشور برافراشته و به دست گرفته‌اند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ـ ۸۰/۸/۲۰

www.ourpresident.ir

اولویت منافع بیگانگان و درباریان
در حکومتهای سابق

نگاه مسؤولان دولتی در رژیم پهلوی و قبلش در رژیم قاجار به کشور، نگاه یک مالک به ملک خود بود؛ یعنی هر مقدار برای جیبشان فایده می‌داشت، برای آن تلاش می‌کردند. مالکی را فرض کنید که هزاران هکتار زمین دارد؛ یک جا حاصل بیشتری دارد، زحمت کمتری دارد، لذا اعتبار بیشتری برای او می‌آورد و در آن‌جا سرمایه‌گذاری می‌کند؛ یک جا این‌طور نیست، نه جلوِ چشم است و نه برای او محصول چندانی دارد، لذا در آن‌جا سرمایه‌گذاری نمی‌کند. در کشور ما مسأله این بود: هر جا جلوِ چشم دشمن بود، هرجا مربوط به اشخاص خودشان بود، هرجا مربوط به منافع درباریان و وابستگان بود، هرجا مربوط به شرکتهای متعلّق به مراکز اقتصادی دنیا بود، هرجا مربوط به صهیونیستها بود، آباد بود، از امکانات دولتی برخوردار بود، از تلاش برخوردار بود، از بودجه کشور برخوردار بود؛ اما هرجا این‌گونه

www.ourpresident.ir

نبود، اصلاً به چشم نمی‌آمد؛ نه جاده، نه سد، نه کارهای زیربنایی دیگر، نه دانشگاه، نه دانشجو، نه علم، نه فرهنگ، نه صنعت، نه هنر و نه هیچ چیز دیگری به آنها معطوف نمی‌شد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ـ ۸۰/۸/۲۰

www.ourpresident.ir

نقش برجسته‌ی مردم قم در انقلاب

امروز، هم مصادف است با حادثه بزرگ نوزدهم دی - که مبدأیی برای یک تحرّک عظیم در صحنه نهضت و انقلاب شد - و هم مصادف است با روز حادثه اثرگذار و فراموش‌نشدنی فیضیّه در بیست‌وپنجم شوّال سال ۱۳۴۲. این دو حادثه، نشان‌دهنده عظمت و اهمیت شهر قم، حوادث قم و مردم قم در تحوّلات این کشور است. قمیها - چه حوزه علمیّه در شهر مقدّس قم و چه آحاد مردم قم - به لطف خداوند در مسائل عظیم و فراموش‌نشدنی این کشور در دوران انقلاب و قبل و بعد از آن، نقشهای مؤثّر ایفا کردند. یاد شهیدان؛ آن فداکاران و کسانی که با جان و فکر و بیداری خود، این صحنه‌های درخشان را به‌وجود آوردند، گرامی می‌داریم و از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را نسبت به این عزیزان، ناسپاس قرار ندهد و ان‌شاءالله همان راه و اهداف را ادامه دهیم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم ـ ۸۰/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

آرمان نهضت: اقامه‌ی عدل و تقوا

راهی که در نوزدهم دی به وسیله مردم و جوانان قم آغاز شد، راه پُرمخاطره‌ای بود؛ اما هدف بزرگی هم در پایان این راه وجود داشت و آن، ایجاد نظام اسلامی بود؛ یعنی نظامی که به برکت احکام و شریعت الهی، نظام عدالت و تقوا باشد. هدف همه پیغمبران هم ایجاد چنین دنیایی بوده است؛ دنیایی که در آن عدالت و تقوا باشد. چه موقع دنیا از عدالت و تقوا برخوردار خواهد شد؟ وقتی کارگردانان حوادث عالم – یعنی مسؤولان کشورها و رؤسای ملّتها – دارای عدالت و تقوا باشند؛ والّا در هر کشوری اگر مسؤولان آن – مثل رژیم طاغوت – از تقوا و عدالت فرسنگها فاصله داشته باشند، در آن کشور نه عدالت معنا پیدا می‌کند و نه تقوا. بنابراین، اساس باید درست باشد. اساسِ درست، آن نظام و حکومتی است که بر پایه احکام الهی بنیاد شده باشد و مسؤولان آن از عدالت و تقوا برخوردار باشند. مردم دنبال این موضوع بودند. امروز نیز همین‌طور است. اگر بخواهیم مشکلات دین و دنیای ما برطرف شود، باید بر این نقطه – یعنی اقامه عدل و تقوا – پافشاری

www.ourpresident.ir

کنیم. اوّلین کسانی که از این حرکت و تحوّل عظیم اجتماعی زیان می‌کردند، چه کسانی بودند؟ کسانی که بر این کشور سلطه غاصبانه خود را برقرار کرده بودند؛ بر مردم حکومت می‌کردند؛ به مردم زور می‌گفتند و منابع ثروت مادّی و معنوی آنها را به غارت می‌بردند. آنها اوّلین دشمنان این حرکت و تحوّل بودند؛ همان چیزی که ما در اصطلاح انقلاب اسلامی، به آن استکبار جهانی می‌گوییم. چون امروز ملّتها و کشورهای دنیا مسائلشان با هم مرتبط و متّصل و فاصله‌ها کم است، غارتگرانِ منابع ثروت و قدرت در دنیا به پیرامون خود اکتفا نمی‌کنند و در صدد دست‌اندازی به همه دنیا هستند. شما امروز می‌بینید که قدرتهای استکباری برای تسلّط بر دنیا و ملّتها و کشورها چه می‌کنند. اگر در کشوری یک ملّت توانست این سلطه جهنّمی و شیطانی را از خود دور و برای اقامه حق و عدل قیام کند، اوّلین دشمنِ او همین مراکز جهانی هستند. تا آن‌جایی که بتوانند، مانع می‌شوند که آن ملّت بساط ظلم و ستم را از بین ببرد؛ کمااین‌که در دوران انقلاب – کسانی که بودند و هستند، به یاد دارند – و در مقابل حرکت مردم، همین مراکز جهانی، با همه قوا سعی کردند ملّت ایران را از این راه منصرف کنند؛ چه با سلاح، چه با توپ و تانک، چه با تبلیغات و چه با وسوسه‌ها. اگر توانستند مردم را منصرف کنند، به مقصود خود رسیده‌اند و سلطه غاصبانه خود را ادامه خواهند داد؛ اما اگر به مقصود نرسیدند و مردم توانستند بساط ظلم و ستمِ طاغوت را از کشوری برچینند، آن‌گاه شکل دشمنیِ مراکز استکباری و استعماری عوض می‌شود. همّت آنها این می‌شود که نگذارند این ملّت به هدف و آرمان خود – که استقرار عدالت و تقوا در کشور است – دست پیدا کند. انواع مختلف کارشکنیها و دشمنیها و مخالفتها را به‌وجود می‌آورند، که این را هم در این بیست‌وسه سال شاهد بوده‌اید. جنگ را تحمیل کردند، بمباران کردند، حمله تبلیغاتی کردند، محاصره اقتصادی کردند، تبلیغات سراسریِ جهانی علیه این انقلاب به راه

www.ourpresident.ir

انداختند؛ همه برای یک هدف. آن هدف چیست؟ نگذارند نظام اسلامی به پشتیبانی ملّت ایران – این پشتوانه قوی – به هدفها و آرمانهای خود دست پیدا کند. کاری کنند که ملّت خسته شود و مسؤولان به ستوه آیند. وقتی ملّت و مسؤولان از ادامه راه خسته شوند، آن‌گاه اوّلِ تجدید سلطه دشمنی است که او را بیرون کردید. برگردد، سلطه جهنّمی خود را دوباره شروع کند و وضع را به همان شکلی برگرداند که مردم آن را به هم زده و از بین برده بودند.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم ـ ۸۰/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

۲۲ بهمن، پایان تحقیر و سلطه‌ی ایران

درباره حادثه‌ی پیروزی انقلاب و بیست‌ودوم بهمن، خیلی حرف زده شده و سالهاست که مطالبی گفته شده است؛ اما حقیقت این است که هنوز اهمیت و عظمت و ابعاد این حادثه برای خود ما درست روشن نیست. ما می‌دانیم و می‌بینیم این حادثه، خیلی عظیم است؛ اما تا وقتی نزدیک هستیم، درست نمی‌توانیم ابعاد آن را درک کنیم. تاریخ قضاوت خواهد کرد. کسانی که این حادثه را از دور می‌بینند و می‌توانند آن را در مجموعِ حوادث تاریخی مشاهده کنند، به عنوان یک لحظه تاریخی می‌فهمند این حادثه چقدر عظیم است.

حادثه بیست‌ودوم بهمن و پیروزی انقلاب، پایان تحقیر ملّت ایران بود. ملّت ایران در طول قرنهای متمادی تحقیر شده بود. یک مدت به وسیله سلاطین مستبد تحقیر می‌شد؛ یعنی در دورانهای قدیم که هنوز استعمار و سلطه و نفوذ خارجی نبود، پادشاهانی بودند؛ بعضی مقتدر، بعضی هم ضعیف و بی‌کفایت؛ اما بدون استثناء همه آنها این ملّت را تحقیر می‌کردند.

www.ourpresident.ir

اگر شما به خاطراتی که بعضی از سلاطین یا فرزندان و شاهزادگانشان نوشته‌اند، مراجعه کنید، به‌خوبی می‌بینید که تلقّی آنها این بوده که ایران، مِلکی متعلّق به آنهاست؛ یک مشت رعیت هم در این مِلک برای آنها کار می‌کنند. حقوقی داشته باشند؟ نه. اراده آنها معتبر باشد؟ نه. بنابراین تلقّی آنها از ملّت و کشور و خودشان، این‌قدر تلقّی غلط و مفتضحی بود. واقعاً تصوّر می‌کردند که این‌جا مال آنهاست؛ اگر کسی از آحاد ملّت خدمتی می‌کند و کاری انجام می‌دهد، طبق وظیفه‌اش عمل می‌کند. کسانی هم که کوتاهی می‌کنند، سرکشانی هستند که به منافع حاکمِ زورمند و مستبد ضربه وارد آورده‌اند!

در دوره دیگری هم که تقریباً بعد از مشروطیت شروع شد، این تفکّر به‌کلّی برنیفتاد و تا آخر دوران سلطنت وجود داشت. مثلاً سلاطین پهلوی علی‌رغم این‌که ادّعای مدرنیته می‌کردند و می‌خواستند خود را با مفاهیم دنیا آشنا نشان دهند، در ذهنشان جز این، چیز دیگری نبود؛ کشور را متعلّق به خودشان و خود را مالک کشور و صاحب سرنوشت این ملّت می‌دانستند.

در دوره اخیر، یک بخش دیگر هم اضافه شد و آن نفوذ خارجی بود؛ که این از اواخر دوره قاجار شروع شد و در دوره پهلویها به اوج خود رسید؛ زیرا رضا خان را انگلیسیها بر سرِ کار آوردند و مقدّمات کارش را فراهم کردند؛ آنها اطراف کارش را نگه داشتند و به او دیکته کردند که چگونه حرکت کند. بعد از او هم، پسر او را باز انگلیسیها بر سرِ کار آوردند، که اینها جزو مسلّمات تاریخ است و ادّعا نیست. ما گاهی در گذشته، این چیزها را به صورت حدس و تحلیل می‌گفتیم؛ لیکن بعد اسناد و مدارک فراوانی رو شد و معلوم گردید که این افراد را به دست خودشان آورده‌اند. اینها مجری سیاستهای خارجی بودند؛ یک مدت عمدتاً مجری سیاستهای انگلیس، بعد هم پس از دوره مصدّق، مجری سیاستهای امریکا. گاهی هم ممکن بود در

www.ourpresident.ir

بعضی از قضایا، به خاطر برخی از منافع خود – نه به خاطر منافع ملّت – از این‌که سیاستی را امریکا به آنها دیکته می‌کند، در دل خود ناراحت هم باشند؛ اما بالاخره مجری سیاستهای آنها بودند؛ بروبرگرد نداشت. دولت را آنها معیّن می‌کردند و نخست‌وزیرها باید مورد تأیید آنها قرار می‌گرفتند. آنها گاهی برای این‌که گوش شاه را مقداری بتابانند تا مبادا به فکر سرکشی بیفتد، نخست‌وزیری را که با او میانه چندانی نداشت، بر او تحمیل می‌کردند، که این مکرّر اتفاق افتاد؛ یعنی شخصی را که او خیلی نمی‌پسندید، اینها می‌گفتند باید نخست‌وزیر باشد؛ او هم مجبور بود و عمل می‌کرد. مملکت، این‌گونه در اختیار بیگانه و سیاستهای امریکایی بود. این، مخصوص سیاستهای نفتی هم نبود؛ در همه شؤون مملکت، سیاستهای آنها حاکم و غالب بود و اجرا می‌شد؛ چه در مسائل نفتی، چه در زمینه مسائل صنعتی کردن کشور، چه در اداره سیاست خارجی و موضعگیری در مقابل کشورهای دنیا. اگر در داخل کشور، کسی در میان مسؤولان دولتی، یک وقت به این فکر می‌افتاد که به نحوی خود را به جای دیگری هم متّکی کند – مثلاً به بلوک شرق در آن روز، یا به یک قدرت دیگر – چنانچه امریکاییها می‌فهمیدند و می‌دانستند، یا او را از قدرت خلع ید می‌کردند، یا به نحوی او را به آن مرکزی که خودشان می‌خواستند، برمی‌گرداندند. بنابراین بین قدرتها میدان رقابت بود که نفوذ کدامیک در این کشور بیشتر باشد؛ که البته قدرت مسلّط، قدرت امریکا بود. ملّت در این بین، اراده و خواست و قدرتی نداشت.

بالاترین مصیبت برای یک کشور و یک ملّت این است که نادیده گرفته شود و در خانه خود مورد اهانت قرار گیرد و تحقیر شود. همه چیز دنبال این وجود دارد: مشکل اقتصادی هست، مشکل فرهنگی هست، بی‌اعتنایی به عقاید و آرمانها و فرهنگ ملی هست. اینها چیزهایی است که جزو نتایج قهری سلطه بیگانه بر کشور است.

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

یکی از مهمترین هدفگیریهای قیام مردم و انقلاب شکوهمند اسلامی، قطع این سلطه بود؛ لذا در همان ایام شما ملاحظه می‌کنید که شعارهای مردم به مسائل خارجی هم متوجّه بود و علیه امریکا و انگلیس و حامیان شاه و علیه اسرائیل شعار می‌دادند. در طول زمان، همیشه وجدان عمومی مردم از تسلّط خارجیها متأذّی بود؛ اما این انقلاب عظیم که با مطرح کردن شعارهای اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام و بازگشت به دین و هویّت دینی آغاز شد و پیشقراول آن هم مراجع و بزرگان علما بودند، روح استقلال‌طلبی را در مردم اشباع و ارضاء کرد. مردم فهمیدند که با تکیه به اسلام و تمسّک به آن خواهند توانست پوشش تحقیر را کنار بزنند؛ لذا این یکی از جهات مبارزه شد.

بیانات در پایان درس خارج فقه ـ ۸۰/۱۱/۲۱

www.ourpresident.ir

دشواری‌ها و پیچیدگی‌های دوران مبارزه

کسانی که این حرکت [انقلاب اسلامی] را شروع کردند، ممکن بود در ذهنشان بگذرد که یک روزی بتوانند حکومت و نظامِ مورد نظر خود را تشکیل دهند؛ اما کاملاً در ذهن آنها این معنا هم وجود داشت که ممکن است در این راه شهید شوند یا تمام عمرشان را در مبارزه و سختی و ناکامی به سر ببرند. هر دو راه وجود داشت، درست مثل حرکت امام حسین علیه‌السلام. در سال ۴۱ و ۴۲ و بعد سالهای سخت و سیاه اختناق در این زندانها، تنها شعله‌ای که دلها را گرم نگه می‌داشت و آنها را به حرکت وادار می‌کرد، شعله ایمان به مبارزه بود؛ نه عشقِ رسیدن به حکومت. این راه، همان راه امام حسین علیه‌السلام بود؛ منتها دو طرف دارد، شرایط زمانی و مکانی متغیّر است. یک وقت امکانات به وجود می‌آید، حکومت اسلامی پرچمش برافراشته می‌شود؛ یک وقت هم راه بدون این امکانات است و با شهادت تمام می‌شود. از این قبیل در طول تاریخ زیاد داشته‌ایم.

در آن دورانی که امام در این راه قدم گذاشت، زمانه و روابط انسانی،

www.ourpresident.ir

به‌مراتب از آن دورانی که امام حسین علیه‌السلام در این راه قدم گذاشت، پیچیده‌تر بود؛ و امروز هم روابط انسانها همچنان پیچیده‌تر می‌شود. راهها نزدیک شده، ارتباطات آسان شده، اما رابطه‌ها دشوارتر و پیچیده‌تر شده است؛ عوامل گوناگون برای یک حادثه متراکم‌تر شده است. امروز کسانی که در جایگاه آن روز یزیدبن‌معاویه قرار دارند، می‌توانند همّت خودشان را متوجّه به همه دنیا کنند؛ یعنی طغیان و فساد را به سمت همه بشریّت سوق دهند. این کاری است که امروز با ارتباطاتِ نزدیک، عملی است و متأسفانه این طغیان در دنیا وجود دارد و رشد کرده است. فنآوری پیشرفته و دانش پیچیده بشری همان قدر که سهولت و سرعت را در اختیار مردم عادی گذاشته، به همان اندازه و بیشتر، امکانات و سهولت و سرعت را در اختیار انگیزه‌های ناپاک قرار داده است. امروز قدرتهای طاغوتی دنیا می‌توانند هدف خودشان را سلطه بر جهان، همه بشریت و بر همه ثروتهای بشری قرار دهند؛ می‌توانند هدف خودشان را کوبیدن همه‌ی موانعی که آنها را از این راه باز می‌دارد، قرار دهند؛ و متأسفانه در مواردی طغیانهای بزرگ که نشانگر یک چنین اهداف پلید و خبیثی است در دنیا مشاهده می‌شود. امروز وظیفه خیلی سنگین است.

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ـ ۸۰/۱۲/۲۷

www.ourpresident.ir

کارنامه‌ی سیاه استکبار

آن روزی که بعد از فروپاشی اردوگاه کمونیسم، رئیس جمهور وقت امریکا – پدر رئیس جمهور فعلی – نظم نوین جهانی را اعلام کرد، هدف استکباریِ دیرین امریکا را آشکار کرد؛ ما فی‌الضّمیر خودش و دستگاه سیاستگذار امریکایی را نشان داد و آشکار کرد. البته این مخصوص آن روز نبود؛ از دهها سال پیش تصمیم گرفتند و اعلان کردند که اجازه نخواهند داد هیچ قدرت دیگری وارد امریکای لاتین شود. امریکای لاتین به عنوان یک منطقه اختصاصی دولت ایالات متحده امریکا به حساب آمد. بعد بتدریج این به همه دنیا توسعه داده شد؛ منتها این را به عنوان یک هدف اعلام‌شده ذکر نمی‌کردند و بر زبان نمی‌آوردند. بعد از آن‌که احساس کردند در مقابلشان رقیب بزرگی مثل شوروی وجود ندارد، این هدف را تقریباً به‌صراحت اعلام کردند: دنیای تک قطبی؛ نظم نوین جهانی با یک قدرت واحد و مسلّط بر همه عالم. هدفی که برنامه‌های کاری امریکا در طول این دهها سال گذشته، همه همین را نشان می‌دهد. هدف، گسترش سلطه نظامی و به دنبال آن،

www.ourpresident.ir

سلطه سیاسی و اقتصادی است؛ و تماماً در جهت منافع کمپانیهایی که در واقع سیاست دولت امریکا را آنها تعیین می‌کنند؛ جهتگیریها را آنها به وجود می‌آورند. اینها واقعیّاتی است که بشرِ امروز اگر این واقعیات را بداند، به‌موقع تصمیم خواهد گرفت. انسانها اگر بفهمند در دنیای آنها چه می‌گذرد، قدرت تصمیم‌گیری و موضعگیری دارند. آحاد ملّتها کارهای بزرگی می‌توانند انجام دهند.

به من آماری دادند که دولت امریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز در سرنگونی چهل دولت مستقل، که تابع امریکا نبودند، نقش ایفا کرده و در بیست و چند مورد دخالت نظامی داشته است! این دخالتها بدون استثناء با کشتار عمومی و با فجایع بزرگ همراه بوده است. البته در مواردی موفّق شده و در مواردی هم ناکام مانده و موفّق نشده است. آنچه که در ذهن خود ماست و از یاد ماها دور نیست، مثالهای روشنی است؛ از جمله بمباران اتمی ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم، که آقای رئیس جمهور اشاره کردند؛ مثال ویتنام، آن جنگهای خونین، آن فجایع فراموش نشدنی که بالاخره هم با ناکامی امریکا تمام شد؛ مثال شیلی؛ مثال خود ایران در کودتای ۲۸ مرداد – که مأمور امریکایی به تهران آمد و مشغول برنامه‌ریزی و اقدام شد؛ و بعد هم خودشان این موضوع را اعلام کردند و اسنادش نیز منتشر شد که الان در دسترس همه است – و همچنین در جاهای متعدّد دیگر. عامل همه اینها، کمپانیهای بزرگ اقتصادی، سردمداران مالی بزرگ امریکا، احزاب اقتدارطلب، دستجات پُرنفوذ صهیونیستی، شخصیتهای معیوب از لحاظ فکری و اخلاقی – که در رأس کارها هستند – می‌باشند. این پرونده بسیار سنگین و گذشته بسیار ننگینی است. اینها چیزهای کوچکی نیست. برای اینها نابودی انسانها مهم نیست، نابودی ثروتها مهم نیست، نابودی عدالت مهم نیست، فاجعه‌های بشری مهم نیست؛ این مسائل هیچ کدام مانع سر راه اینها محسوب نمی‌شوند. البته برای

www.ourpresident.ir

حفظ ظاهر، امکانات فراوان تبلیغی و رسانه‌ای را هم در اختیار دارند. تعبیر کردند به «صدای بلندتر»، تعبیر درستی است. سعی می‌کنند با صدای بلندتری فضای دنیا را آن‌طور تنظیم کنند که این فاجعه‌آفرینی را بپوشاند؛ چهره آنها را باز هم طرفدار صلح، طرفدار مردم‌سالاری و دموکراسی، طرفدار حقوق بشر نشان دهد.

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ـ ۸۰/۱۲/۲۷

www.ourpresident.ir

سعادت، پاداش اراده و مجاهدت

در سنّت الهی، اراده انسان تعیین کننده است. این‌که اسلام انسانها را به مجاهدت دعوت می‌کند – «و جاهَدوا فی‌سبیل‌الله»[1] یا «و جاهِدوا فی‌الله حقّ جهاده»[2]؛ یعنی همه ظرفیت خود را در راه مجاهدت مصرف کنید – به خاطر این است که اگر به این توصیه الهی عمل کردیم، به هدف الهی زودتر خواهیم رسید. هدف الهی، ثابت و قطعی و تخلّف‌ناپذیر است. اگر ما عمل نکنیم، دیگران می‌آیند و عمل می‌کنند: «من یرتدّ منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه»[3]. خدای متعال این راه و این سرمنزل و این سرنوشت را قطعی قرار داده است. آنچه قطعی نیست، عبارت است از زمان و مردمی که سعادتِ بردن این گوی را از این میدان داشته باشند. این بسته به اراده من و شماست.

---

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۸.
۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۸.
۳. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۴.

www.ourpresident.ir

ملت ایران با رهبری امام بزرگوار همّت کردند و توانستند یک قدم جلو بروند و پرچم اسلام را در این‌جا بلند کنند. امروز در این کشور، پرچم شریعت محمّدی ﷺ برافراشته شده است. ممکن بود این اتّفاق نیفتد یا ده سال و صد سال دیگر اتّفاق افتد. آنچه این مهم را در این مقطع تحقّق بخشید، اراده و تصمیم این ملّت بر فداکاری و اعمال مجاهدت بود. این در همه جا ساری و جاری است.

بیانات در جمع مسؤولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده نبی‌اکرم ﷺ و امام جعفر صادق علیه‌السلام ـ ۸۱/۳/۹

www.ourpresident.ir

مقابله با اسرائیل، از شعارهای اصلی امام

امام بزرگوار ما، حقیقت مسأله را خوب شناخته و دیده بود. از شروع این نهضت از سال ۱۳۴۱ - یعنی چهل سال قبل - آن وقتی که هنوز در ایران مسأله فلسطین حتّی در بین خواص هم منتشر نشده بود، حرف امام این بود که در مقابل سلطه اسرائیل باید همه احساس خطر کنند؛ همه باید بایستند و مقابله کنند. بعد هم همین راه را ادامه داد و این یکی از شعارهای بزرگ آن مرد الهی و آسمانی بود.

بیانات در جمع مسؤولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده نبی‌اکرم ﷺ و امام جعفر صادق علیه‌السلام ـ ۸۱/۳/۹

www.ourpresident.ir

شخصیت بی‌نظیر امام خمینی(ره)

مناسبت سالگرد امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، هم وسیله‌ای است برای ملّت ایران تا محبّت و ارادت و احترام خود را نسبت به امام عزیز و بزرگوار بار دیگر تجدید کند، و هم فرصتی است برای این‌که دلهای شیفته امام و اصول و راهبردهای آن بزرگوار، وفاداری خود را به اصول و خطّ امام و اهدافی که ایشان ترسیم کردند، نشان دهند. برای همین است که هر سال روز چهاردهم خرداد، در چشم تحلیلگران سیاسی عالم، خصوصیت ویژه‌ای دارد. امروز در سرتاسر کشور، مردم همان شور و حال و اخلاص و مودّت و صمیمیّتی را نشان می‌دهند که از ملّت ایران نسبت به امام بزرگوار همیشه دیده شده است.

در این مناسبت، من راجع به امام و انقلاب عظیم و بی‌مانندی که ایشان آن را در دنیا و تاریخ معاصر مثل قلّه‌ای برافراشتند، صحبت می‌کنم. در حقیقت، سخن گفتن از امام و انقلاب، با یکدیگر تفاوتی ندارد. شخصیت امام فقط خصوصیات ممتازی نبود که در او وجود داشت و شخصیت ایشان

www.ourpresident.ir

را تشکیل می‌داد. شکّی نیست که امام بزرگوار ما از ابعاد مختلف، یک شخصیت برجسته و ممتاز، یک عالم بزرگ، یک فقیه صاحب مکتب، یک فیلسوف برجسته، یک سیاستمدار، یک مصلح بزرگ اجتماعی و از لحاظ روحیّات، صاحب خصلتها و خصوصیات ممتاز و کم‌نظیر بود. همه اینها شخصیت امام را در چشم مردم دوران خود او و دورانهای بعد برجسته می‌کند؛ لیکن شخصیت امام بزرگوار ما در این خصوصیات منحصر نیست. بُعد دیگر شخصیت او عبارت است از اصول و خطوط روشنی که او در این کشور، در این منطقه و در مقابل چشم همه مردم جهان آنها را بنیاد کرد؛ براساس آن یک نظام سیاسی و اجتماعی به وجود آورد و امیدهای بزرگی را در دل مستضعفان عالم و امّت اسلامی ایجاد نمود. شخصیت امام از اصول اساسی او جدا نیست. در حقیقت، هویّت و اصول انقلاب ما خطوط برجسته شخصیت امام را هم تشکیل می‌دهد. هر چه راجع به انقلاب بگوییم، در واقع درباره امام سخن گفته‌ایم.

بیانات در اجتماع بزرگ زایران حرم امام خمینی(ره) ـ ۸۱/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

سیاست مستکبران در مصادرمی انقلابها

خصوصیت انقلاب عظیم اسلامی که آن را به عنوان یک پدیده‌ی بی‌نظیر در تاریخ قرنهای اخیر در چشم تحلیلگران و صاحب‌نظران معرفی کرده است، قبل از آن در هیچیک از انقلابهای بزرگ عالم دیده نشده بود؛ نه در انقلاب فرانسه، نه در انقلاب کمونیستی در شوروی و نه در انقلابهای کوچک دیگری که به تبع این دو انقلاب و در خط آنها حرکت می‌کردند. البته به این نکته توجّه داشته باشید که دأب سیاستهای مسلّطِ عالم این بوده و هست که جنبشهای عدالتخواهانه مردم نقاط مختلف دنیا را در هاضمه سیاسی و فرهنگی خود بریزند و در واقع هویّت آن جنبشها و حرکتهای مردمی و عدالتخواهانه را از بین ببرند؛ این کار در ایران هم اتّفاق افتاده بود. نهضت عدالتخواهی‌ای که صد سال پیش در مشروطه ایران پیش آمد، یک حرکت مردمی و دینی بود. آن روز جریان سیاسیِ مسلّطِ عالم – یعنی انگلیسیها – این حرکت عدالتخواهانه مبتنی بر اصول اسلامی را در هاضمه سیاسی و فرهنگی خود ریختند؛ آن را استحاله کردند و از بین بردند و به یک حرکت مشروطه

www.ourpresident.ir

از نوع انگلیسی آن تبدیل نمودند. نتیجه آن هم این شد که جنبش مشروطه – که یک جنبش ضدّ استبدادی بود – آخر کار به دیکتاتوری رضاخانی منتهی شد که از استبدادهای قاجار، بدتر و شقاوت‌آمیزتر و قساوت‌آمیزتر بود. همین‌طور نهضت ملی شدن صنعت نفت به وسیله کسانی که آن را اداره می‌کردند، به لیبرال دمکراسیِ امریکایی ملحق شد. نتیجه این شد که همان امریکاییها به نهضت ملی شدن صنعت نفت خیانت کردند. با انگلیسیها که طرف مقابلِ نهضت عدالتخواهی در ایران بودند، همدست شدند و نهضت ملی را از بین بردند و دنباله آن، دیکتاتوریِ خشن و سیاه دوره محمّدرضا در طول سی و چند سال، سایه سنگین خود را بر این کشور انداخت و این ملّت را زیر فشار قرار داد. نهضتهای عدالتخواهانه ملّتهای آفریقا و آسیا در طول دهها سال به وسیله کمونیستها و سیاست مسلّط شوروی سابق مصادره شد و به دیکتاتوریهای گوناگونی که در جهت مصالح شوروی کار می‌کردند، منتهی گردید. این رسمِ جاری دنیا با نهضتهای عدالت‌طلبانه ملّتهای جهان بوده است.

بیانات در اجتماع بزرگ زایران حرم امام خمینی(ره) ـ ۸۱/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

هنر امام در تعیین اصول مستحکم انقلاب

هنر بزرگِ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه قدرتها و جریانهای سیاسیِ مسلّط هضم شود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعالیم امام و خطّ اشاره انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متّکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه‌داریِ لیبرال اردوگاه غرب. علّت این‌که شرق و غرب با این انقلاب دشمنی کرده‌اند و سرسختی نشان داده‌اند، همین بود.

این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد؛ هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را – که برای ملّتها از مهمترین ارزشهاست – مورد توجّه قرار داد، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی و آزادیخواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق

www.ourpresident.ir

است؛ منتها این عدالت را نباید با آن عدالت ادّعایی و موهومی که کمونیستها در شوروی سابق یا در کشورهای اقمارِ خود شعارش را می‌دادند، اشتباه کرد؛ این عدالتِ اسلامی است با تعریف خاص خود. همچنین آزادی در نظام جمهوری اسلامی را با آزادی غربی – که به معنای مهارگسیختگیِ صاحبان قدرت و سرمایه و همچنین به معنای بی‌بندوباری انسانها در هر گونه رفتار و عمل است – نباید اشتباه کرد. این آزادیِ اسلامی است؛ هم آزادی اجتماعی است، هم آزادی معنوی است و هم آزادی فردی با قید اسلامی و با فهم و هدایت و تعریف اسلام است. این معنویت و اخلاقی را هم که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی جزو اصول خود قرار داده است، نباید با دینداریهای متحجّر، بی‌منطق و ایستا در بسیاری از جوامع اشتباه کرد. آن دینداریها، به‌ظاهر و در زبان دیندار، اما با ایستایی و تحجّر و عدم فهم مسیر سعادت برای جامعه و انسان همراه است. این پسوند اسلامی بعد از عدالت و آزادی و معنویت، بسیار پُرمعناست و باید به آن توجّه کرد.

امام این اصول را قبل از پیروزی انقلاب، برای ملّت و آگاهان تشریح کرد؛ بعد از پیروزی انقلاب، براساس آن، جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری نمود و تا وقتی که زنده بود، پای این اصول ایستاد و برای آن مجاهدت کرد. لذاست که جمهوری اسلامی به عنوان یک پدیده نوین و بی‌نظیر توانست امیدها را در دل جوامع مسلمان زنده کند. همه در سرتاسر دنیای اسلام و بیرونِ دنیای اسلام فهمیدند که این یک شکل تقلیدی از آنچه که شعارش را از زبانهای نامطمئنِّ رژیمهای شرقی و غربی شنیده بودند، نیست؛ این یک پدیده نو و دارای حیات و قدرت تحرّکِ جدید است. بنابراین در سرتاسر دنیای اسلام، با برپا شدن جمهوری اسلامی، ملّتهای مسلمان به تحرّک و امید جدیدی دست پیدا کردند. الان هم همین‌طور است. الان علی‌رغم این‌که بوقهای تبلیغاتی استکبار در سرتاسر دنیا علیه جمهوری اسلامی سمپاشی

www.ourpresident.ir

و لجن‌پراکنی می‌کنند، امیدی که نظام اسلامی در دل مسلمین دنیا به وجود آورده، همچنان زنده است. روشنفکران مسلمان، جوانان مسلمان و نسلهای رو به رشد در کشورهای اسلامی، این نقطه روشن و پُر از امید را در مقابل چشم خود دارند.

بیانات در اجتماع بزرگ زایران حرم امام خمینی(ره) ـ ۸۱/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

اسلام و جمهوری اسلامی، تنها راه سعادت ایران

آنچه ملّت ایران باید به آن توجّه داشته باشد – که بحمدالله در طول این بیست‌وسه سال نشان داده است که به آن توجّه دارد – یک نکته است که آن را عرض می‌کنم. آنچه دشمنان این انقلاب و این ملّت هم باید بدانند، یک نکته است که می‌گویم:

آنچه ملّت ما می‌داند و باید به‌درستی روی آن پافشاری کند – که بحمدالله تاکنون پافشاری کرده – این است که نجات این کشور و رسیدن آن به نقطه‌ای که شایسته این ملّت است، فقط در سایه اسلام و جمهوری اسلامی و نظام اسلامی امکانپذیر است و بس. جوانانی که دوران پیروزی انقلاب را درک نکرده‌اند و سالهای قبل از پیروزی را ندیده‌اند، این نکته را بدانند که اگر انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ما نبود و اگر اسلام پرچمدار انقلاب و تحوّل در این کشور نبود، هیچ امیدی وجود نداشت که سلطه جهنّمیِ تحقیرآمیز امریکا و حکومت دیکتاتوریِ قسیّ‌القلب پهلوی از این مملکت برکنده شود. همه راههای ممکن در این کشور تجربه شد و همه

www.ourpresident.ir

ناکام و ناموفّق از آب درآمد. احزاب گوناگون سیاسی، جریانهای وابسته به شرق و غرب و حرکتهای مسلّحانه، همه و همه در این کشور در برهه‌ای از زمان سر بلند کردند؛ اما هیچکدام نتوانستند برای این ملّت کاری انجام دهند. لذا اختناق و سرکوب در این کشور روزبه‌روز شدیدتر شد. حتّی در سالهای آخرِ قبل از پیروزی انقلاب، وقتی جوانانی به مبارزه مسلّحانه رو آوردند، آن حرکتهای مسلّحانه به‌شدّت سرکوب شد؛ تسلّط رژیم پهلوی هم بیشتر گردید و بتدریج یأس دلها را فرا گرفت. آن نیرویی که می‌توانست در مقابل رژیم پهلوی به معنای واقعیِ کلمه بایستد، ملّت بود؛ یعنی باید همه ملّت به صحنه می‌آمد تا می‌توانست رژیم فاسد و وابسته و دیکتاتور و ظالم پهلوی و پشت سرش امریکا را شکست دهد. هیچ کانون و مرکزی در ایران وجود نداشت که بتواند ملّت را بسیج کند؛ مگر روحانیت و پرچمداران دین، با شعار دین. در کشور ما این یک تجربه طولانی است؛ اینها را باید با چشم دقّت نگاه کرد.

در قضیه مشروطه اگر علما نبودند، مشروطیت به وجود نمی‌آمد و به پیروزی نمی‌رسید. وقتی هم که غربزده‌ها و نوچه‌های انگلیسی در ایران، علمای دین و شعارهای دینی را کنار زدند، باز استبداد و تسلّط و نفوذ خارجی مسلّط شد. در نهضت ملی شدن صنعت نفت هم همین‌طور بود. تا وقتی روحانیت وسط میدان بود – که مرحوم آیةالله کاشانی یکی از اصلی‌ترین محورهای این مبارزه بود – ملّت در میدان حضور داشت؛ اما وقتی با سوء رفتارها، کج‌سلیقگیها و انحصارطلبیها، دستِ روحانیِ روشنفکر و آگاه و شجاعی مثل مرحوم کاشانی کوتاه شد، ملّت هم کنار کشید و رؤسای دولت نهضت ملی تنها ماندند. لذا دشمن آمد و با آنها هر کار می‌خواست کرد.

بیانات در اجتماع بزرگ زایران حرم امام خمینی(ره) ـ ۸۱/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

اعتماد همیشگی ملّت به روحانیت

در ایران همیشه ملّت با ندای دین به میدان آمده است؛ عدالت را در سایه دین دیده است؛ به خاطر اعتماد به روحانیت، هر جایی که آنها پیشگام در تحوّلی شده‌اند، آنها را تنها نگذاشته است. بنابراین وقتی امام بزرگوار ما به عنوان یک مرجع، یک عالِم دین و یک انسان آزمایش‌شده پاک و صدیق، با آن عزم راسخ وارد میدان شد و روحانیت پشت سر او وارد میدان شدند، همه ملّت به میدان کشیده شدند و دشمن دیگر نتوانست مقاومت کند. آن روز، حضور ملّت توانست ریشه استبداد را از این کشور بکَند.

برادران و خواهران عزیز! در کشور ما استبداد همیشه به پشتیبانی قدرتهای سلطه‌گرِ خارجی متّکی بوده است. استبداد و دیکتاتوری و خودکامگی حکومت پهلوی و قبل از آن به شکل دیگری حکومت قاجار، به خاطر اتّکای آنها به قدرتهای بیگانه بود. رضاخان، متّکی به انگلیس؛ محمّدرضا، اوّل متّکی به انگلیس و بعد متّکی به امریکا بود. او منافع و نفوذ امریکا را بر طبق میل آنها تأمین می‌کرد؛ آنها هم از او حمایت می‌کردند و هر کاری می‌خواستند، با

www.ourpresident.ir

این کشور و این ملّت می‌کردند. پنجاه سال این ملّت را زیر فشار اختناق نگه داشتند و پیشرفت علمی و صنعتی و فرهنگی و اخلاقی او را در دورانی که از لحاظ جهانی بهترین و آماده‌ترین دورانها برای این پیشرفت بود، متوقّف کردند و این ملّت و این کشور را عقب نگه داشتند. همّت آنها عیش و نوش، جمع کردن ثروت و خدمت دادن به اربابان خارجی بود. آنها به اتّکای همان قدرت خارجی، به طور کامل خود را در ایران مستقر کرده بودند و کندن اینها و نابود کردن این بنای کج و مضر و سرشار از لعنت و نفرت و شوم، کار هر کسی نبود. امام بزرگوار با پرچم هدایت اسلامی آمد؛ لذا اصول امام، اصول اسلامی است؛ عدالت امام، عدالت اسلامی است؛ مردم سالاری امام، مردم‌سالاری اسلامی است.

یکی از بزرگترین بی‌انصافیها درباره امام بزرگوار و نظام اسلامی ما این است که تبلیغات بیگانه، امام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را به استبداد و دوری از مردم‌سالاری متّهم می‌کنند. این انقلاب با این عظمت و توفندگی در ایران به وجود آمد و پس از پیروزی انقلاب اوّلین نظرخواهی از مردم به وسیله امام انجام گرفت که در هیچ انقلابی سابقه نداشت. شما نگاه کنید، یک کودتا، یک تحوّل کوچک و یک جابه‌جایی مختصر در کشوری صورت می‌گیرد؛ دو سه سال انتخابات تأخیر می‌افتد. در کشور، مردم صندوق رأی را نمی‌شناختند. انتخابات دوره رژیم طاغوت، صوری و دروغین بود. هیچ وقت مردم پای صندوق رأی نرفته بودند تا به معنای واقعیِ کلمه رأی دهند. هر کس را برای مجلسِ دست‌نشانده می‌خواستند، از صندوقها بیرون می‌آوردند. در چنین زمینه‌ای، دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، امام مردم را پای صندوقهای رأی کشاند و مردم به جمهوری اسلامی رأی دادند. در یک سال، مردم پنج بار پای صندوقهای رأی رفتند. در طول بیست‌وسه سالی که از انقلاب می‌گذرد، ملّت ما بیست‌وسه مرتبه برای انتخاب نمایندگان مجلس

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان، رئیس جمهور و اعضای شورای شهر و نیز تعیین قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی پای صندوقهای رأی رفت و رأی داد. در کدام نظام – حتّی به‌ظاهر دمکراتیک – این همه تکیه به رأی و خواست مردم وجود دارد؟ دشمنان وقیح و بی‌شرمِ این انقلاب و این ملت، این بی‌انصافی را می‌کنند که این انقلاب و نظام و بانی و معمار و بنیانگذار بزرگ آن را به ضدّیت با مردم‌سالاری متّهم می‌کنند.

بیانات در اجتماع بزرگ زایران حرم امام خمینی(ره) ـ ۸۱/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

کتاب قطور معارف انقلاب

وقتی انقلاب را مثل یک کتاب باز کنید، در درون آن، فصول و سطور معرفت وجود دارد: معرفت دینی، معرفت سیاسی و معرفت اخلاقی. همه اینها در ذیل کلمه انقلاب وجود دارد. در عرصه سیاسی، انقلاب تازه‌ترین و جذّابترین سخن را نه فقط برای ملّت ایران که برای بشریّت دارد. بعضی کسان خیال می‌کنند اصطلاحات و تعبیرات معرفتیِ فراهم‌آمده در اردوگاهِ به اصطلاح لیبرال دمکراسی غرب که وارد کشور می‌شود، سوغاتهای جدید و حرفهای تازه‌ای است که انقلاب آنها را نشنیده است و حالا باید انقلاب و انقلابیّون این حرفها را بشنوند؛ این خطاست. انقلاب در خلأ متولّد نشد. انقلاب اسلامی و این کتاب قطور معرفتی وقتی تدوین شد که همه این حرفها در دنیا بود؛ هم حرف و هم تجسّم و عینیّتش وجود داشت.

علاوه بر اردوگاه غرب و اردوگاهی که رأس آن امریکاست و مردم امروز از روش و سیاست امریکا به باطنِ آنچه در آن اردوگاه است – تعابیر معرفتی و مکتب معرفتی – پی می‌برند، آن روز دستگاه وسیع دیگری به

www.ourpresident.ir

اسم مارکسیسم و کمونیسم و سوسیالیسم وجود داشت که داعیه‌ی آن خیلی بیشتر از لیبرالهای غربی بود. هرچه هم از مبانیِ بایدهای اسلامی و بایدهای سیاسی یا معرفتی اسلام می‌گفتیم، اینها می‌گفتند: «باید چیست؟ ما باید نداریم. مارکسیسم علم است؛ شما می‌گویید باید بشود؟! ما می‌گوییم چه بخواهید، چه نخواهید، می‌شود.» تعبیر آنها از مسائل مارکسیستی، این بود؛ این‌قدر آن را مسلّم می‌دانستند. در طول صد سال و یا بیشتر، نشسته بودند کلمه کلمه چیزهایی را که باید پشت سر هم بیاید تا نظام سوسیالیستی و بعد نظام کمونیستی در دنیا به وجود آید، تدوین کرده بودند و می‌گفتند: «بروبرگرد ندارد؛ همین است که هست. چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگویید باید، چه بگویید نباید؛ روال مارکسیسم به خودی خود پیش می‌آید و همه دنیا را می‌گیرد!» امروز از آن قضاءِ لایردّ و لایبدّلی که مارکسیستها تصویر می‌کردند، در دنیا هیچ چیز باقی نیست. خودش که رفت، اسم و اعتبار و آبرویش هم رفت. امروز همان بایدها و همان قضاءِ لایردّ و لایبدّل را غربیها نسبت به مفاهیم خودشان تکرار می‌کنند: «چاره‌ای نیست؛ جهانی شدن، سرنوشت ناگزیر بشری است. چه بخواهید، چه نخواهید، خواهد شد!» البته آنها واقعیّتهای زندگی خود را در وسط یک پرده آهنین حبس کرده بودند تا کسی آن را نبیند و از باطنِ کارشان سر درنیاورد؛ لذا جوانان بسیاری به همین الفاظ فریب می‌خوردند؛ اما اینها باطن کارشان هم آشکار است؛ درعین‌حال خجالت نمی‌کشند و گستاخانه ادّعا می‌کنند که آنچه ما می‌گوییم، شدنی است و بروبرگرد هم ندارد! یک عدّه بیچاره‌های ساده‌لوح – که به نظر من خوشبینانه‌ترین تعبیر هم همین است که آدم بگوید ساده‌لوح – این الفاظ را می‌گیرند، به خیال این‌که اینها اصلاً قابل خدشه و مناقشه نیست. این مفاهیم را در محیط فکری و معرفتی جوان و غیرجوان می‌آورند و ترویج می‌کنند؛ برایش سینه می‌زنند و خودشان را می‌کُشند، برای این‌که این مفاهیم

www.ourpresident.ir

را در ذهن افراد وارد کنند. انقلاب روزی متولّد شد که همه این حرفها بود و انقلاب همه این حرفها را باطل کرد.

بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ ۸۱/۶/۲۴

www.ourpresident.ir

سراب دنیای جذّاب غرب

دنیای جذّابی را که غربیها تصویر می‌کنند – که در آن، حقوق بشر و آزادی و رأی وجود دارد – ما در طول دوران پهلوی در زندگی خود دیدیم. معنای دمکراسی و حقوق بشرِ آن روز را فهمیدیم. خود امریکاییها، برای ایجاد وحشتگاههای ساواک و شکنجه‌گاهها و ابزارهای شکنجه و روشهای شکار جوانان مردم و سرکوب ملت، با رژیم پهلوی همکاری کردند! این آن لیبرال دمکراسی‌ای است که امروز به مردم دنیا وعده می‌دهند و رادیوهایشان تبلیغ می‌کند که بشتابید به سوی این؛ ای ملّتهای جهان سوم! از جمله این را به ما می‌گویند. ما این را در زندگیِ خود آزمایش و تجربه کرده‌ایم؛ برای ما ندیده نیست. ما حکومت سیاه دیکتاتوری پهلوی را که از پنجه‌هایش خون می‌ریخت و از سر و پایش فساد می‌تراوید و در زیر سایه امریکا و با کمک امریکا و با تکیه به آن کشور، همه این جنایتها را می‌کرد، از نزدیک لمس کرده‌ایم؛ این قضایا برای ما ندیده نیست. حقوق بشر امریکایی را این‌جا دیده‌ایم – گوشه زندانها و در شکنجه‌گاهها – و با گوشت و پوستمان آن را

www.ourpresident.ir

لمس کرده‌ایم. مگر ملّت ایران این چیزها را فراموش می‌کند؟

آنچه انقلاب به عنوان معرفت سیاسی در دنیا مطرح کرد، در شرایطی بود که همه این حرفها در دنیا وجود داشت و پیام انقلاب در دنیا زلزله ایجاد کرد. آنچه آنها را وادار کرده است علیه این انقلاب موضع بگیرند، آن زلزله است. همه ملّتها و روشنفکران، در آن مفاهیم پوشالی تشکیک کردند. امروز هم همه حرفهایی که به اصطلاح روشنفکرانِ غربیِ وابسته به دستگاه وزارت خارجه و سیا و دستگاههای گوناگون امریکا بر زبان جاری می‌کنند یا در مطبوعاتی که نام آزاد دارند و به هیچ وجه آزادِ به آن معنا نیستند، می‌نویسند و منتشر می‌کنند، در نظر نسل جوان و روشنفکران و تیزبینان سراسر دنیا – چه در دنیای اسلام، چه حتّی بیرون دنیای اسلام – کاملاً زیر سؤال رفته و مورد تردید قرار گرفته و بسیاری از آنها به طور قاطع رد شده است. البته سیاستمداران به رو نمی‌آورند و همین حرفها را از موضع سیاسی و با روش قدرتمدارانه تکرار می‌کنند؛ اما اسلام و انقلاب اسلامی کار خود را کرد. انقلاب اسلامی در معرفت سیاسی‌ای که ارائه داد، با استبداد مخالفت کرد. استبدادِ به رأی، با هر نامی و از سوی هر کس، از نظر اسلام ممنوع است. انقلاب اسلامی با استکبار و دست‌اندازی و دخالت و تجاوز به ملّتهای مظلوم و جنگ‌طلبیهای خشن و قهرآمیز و قبضه‌کردن منافع ملّتها زیر نامهای خوش‌ظاهر هم مخالفت کرد. اینها مفاهیمی است که از دل اسلام جوشید؛ به عنوان مکتب سیاسیِ نظام اسلامی و جمهوری اسلامی در دنیا تابلو و عرضه شد و همه در مقابل آن سر تعظیم فرود آوردند.

علت رواج نام امام بزرگوار، اینها بود. این‌که در اقصی نقاط دنیا به هر کشوری رفتید و دیدید مردم در مقابل نام امام خمینی تعظیم می‌کنند، علّت، وجود مفاهیمی بود که ملّتها آن را، هم می‌فهمیدند و با همه وجود درک و لمس می‌کردند، هم احساس می‌کردند که تنها درمان دردهایشان همین است

www.ourpresident.ir

که از این راه بروند. منتها شرایط برای بعضی ملّتها فراهم بود و توانستند به این نسخه عمل کنند؛ بعضی هم نتوانستند و سرکوب شدند. خیلی از جاهای دنیا، در بخشهایی به این نسخه عمل کردند و اثر گرفتند.

بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ ۸۱/۶/۲۴

www.ourpresident.ir

استکبار، مشکل امروز دنیا

امروز مشکل دنیا، دست‌اندازی و تجاوز دیکتاتورانه قدرتهای بزرگ است؛ مگر غیر از این است؟ قدرتهای بزرگ اراده می‌کنند، یک یا دو کشور را ظرف چهل‌وهشت ساعت از همه فعّالیتهای اقتصادی‌اش محروم می‌کنند و به خاک سیاه می‌نشانند؛ همچنان که چند سال پیش دیدید در اندونزی و مالزی این کارها را کردند. با تسلّطی که بر پول و اقتصاد این کشورها داشتند، با بیرون کشیدن پولهای خود از این کشورها، ظرف چند روز، رتبه اقتصادی آنها را چهل، پنجاه درجه پایین آوردند. مردم این سلطه ظالمانه را احساس می‌کنند. در جاهایی مثل افغانستان، مناطق مسلمان‌نشین اروپا و جاهای دیگر، مردم دیدند که یک قدرت مستکبر و زورگو، به بهانه‌ای وارد کشوری می‌شود و هر کاری دلش می‌خواهد، می‌کند. مردم احساس می‌کنند مکتب و انقلابی که پیام معارضه و مهار کردن چنین قدرتهایی را دارد، بحقّ است و آن اسلام است و حامل آن، جمهوری اسلامی است.

مردم در آفریقای جنوبی از تبعیض نژادی رنج می‌بردند. همان روزها با

www.ourpresident.ir

این که هنوز حکومت تبعیض نژادی بر سر کار بود، روشنفکران آفریقای جنوبی نسبت به امام و مبارزانِ این‌جا اظهار ارادت می‌کردند و در مقابل اینها تعظیم می‌نمودند. همین کسی که بعداً از زندان آزاد و رئیس جمهور آن‌جا شد، آن موقع در زندان بود. بنده برای دیداری به زیمبابوه رفته بودم؛ او از داخل زندان به من پیغام داد که سلام مرا به امام برسانید. بعد هم با همان روشی که اینها از امام خمینی یاد گرفته بودند، وارد میدان شدند و توانستند حکومت را از دست فعّالان و حکومت تبعیض نژادی بگیرند و قبضه کنند. کشور همسایه آنها و بسیاری از جاهای دیگر دنیا هم همین‌طور عمل کردند. بنابراین انقلاب زنده است.

بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ ۸۱/۶/۲۴

www.ourpresident.ir

تلاش دشمن برای انزوای انقلاب

یکی از چیزهایی که از اوّل انقلاب از طرف دشمنان شروع شد، همین بود که رواج سکّه انقلاب را در دنیا انکار کنند؛ بگویند انقلاب منزوی است و کسی آن را قبول ندارد. الان هم همان حرفهایی را می‌زنند که بیست سال پیش می‌گفتند. آن روز دروغ بود، امروز هم دروغ است. مفاهیم انقلاب در دنیا زنده است. آنچه را که ما به آن معتقدیم – مردم‌سالاری دینی، خضوع در مقابل دین حق و ارزشهای دینی و اخلاقی، نفرت و معارضه با قدرتهای زورگو، قائل بودن حق برای همه انسانها و انسانیت – مفاهیمی است که همه ملّتها آنها را قبول دارند؛ می‌پسندند و می‌پذیرند. البته تبلیغات دشمنان، قوی است. من بارها گفته‌ام: امروز زر و زور و تزویر با هم در اختیار استکبار است و تزویرشان به وسیله همین بوقهای تبلیغاتی است.

انقلاب، زنده و پویاست. پاسدار انقلاب، پاسدار چنین موجود زنده و پویا و متحرّک و پیشرونده‌ای است. اگر این نبود، تا کنون انقلاب اسلامی و نظام اسلامی باید ده کفن پوسانده باشد. اما موجود زنده را نمی‌شود دفن کرد

www.ourpresident.ir

و از تحرّک باز داشت؛ زنده است و زنده خواهد ماند. ملّت ما هم این مفاهیم را قبول دارد؛ زبدگانِ بی‌نظر و منصف هم این مفاهیم را قبول دارند. با این خصوصیات، این انقلاب و این نظام، قدرت ایستادگی دارد؛ این را دشمنان ما هم فهمیده‌اند. تنها امیدی که آنها دارند، این است که این مفاهیم و این مبانی در دل مردم و پیش از آنها در دل مسؤولان دچار تردید و وسوسه شود. سعی می‌کنند در دل کسانی که دستی در گوشه‌ای از گوشه‌های این نظام دارند، این وسوسه‌ها و تردیدها را ایجاد کنند. تردید، صفت بسیار بد و عنصر خطرناکی است. این تردید را با استدلال القاء نمی‌کنند؛ استدلالی وجود ندارد. امروز نظامی که مدّعیِ رهبری دنیاست – که در رأسش هم امریکاست – جز ظلم، خونریزی، خشونتهای بی‌نظیر، تضییع حقوق و تبعیض، چیز دیگری از خود نشان نمی‌دهد و نمی‌تواند اطمینانی در دل کسی به وجود آورد؛ بنابراین استدلالی ندارند. با تبلیغات، با خریدن اشخاص و با شیرین کردن دهن این و آن، سعی می‌کنند در درون کالبد نظام اسلامی اختلال ایجاد کنند. باید مراقب این بود. نه تنها شما، بلکه همه ما باید مراقب این خطر باشیم. هر کس در درجه اوّل باید مراقب دل خود و سپس مراقب دل مجموعه و مرتبطانِ به خود باشد. دلهای سرشار از ایمان و معرفت و روشن‌بینی، هرگز مغلوب و مرعوب نمی‌شوند. برای مرعوب شدن، مغلوب شدن، تسلیم‌شدن و وادادگی، اوّل باید در دلها تردید ایجاد کرد. این تردیدها همیشه از راه مغز وارد نمی‌شود؛ گاهی از راه جسم هم وارد می‌شود.خواسته‌ها و هوسهای جسمانی، میل به پول – که در بخشی از دعای صحیفه‌ی سجادیه همان دعایی که در ایّام جبهه، خیلی از جوانان ما آن را می‌خواندند: «و حصّن ثغور المسلمین»[1]، آمده است که فکر مالِ فتون (مال فتنه‌انگیز) را از دل آنها ببر –

۱ . صحیفه‌ی سجّادیه، دعای ۲۷، دعای مرزداران.

www.ourpresident.ir

مالِ فتنه‌انگیز، جاه‌طلبی، مقام‌طلبی، راحت‌طلبی، عیش‌طلبی و تجمّل‌طلبی چیزهایی است که تردید را از طریق جسم و شهوات، وارد دل و مغز انسان می‌کند. مراقب اینها باشید.

بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ـ ۸۱/۶/۲۴

www.ourpresident.ir

غیر قابل پیش‌بینی بودن انقلاب

یک ملّت اگر با این مفاهیم [معنوی و دینی] آشنا شد و دل خود را در این فضا وارد کرد و حرکت خود را با این میزان تنظیم نمود، پیش خواهد رفت و کوهها را در مقابل خود ناچیز خواهد دید. ملّت ما در یک لحظه تاریخی، چنین حالتی پیدا کرد و این انقلاب به‌وجود آمد. شما خیال نکنید این انقلاب حتّی قابل پیش‌بینی بود؛ خیر، قابل پیش‌بینی هم نبود؛ این قدر عظیم بود. این‌که ملتی با دست خالی بتواند یک نظام پوسیده فاسد، اما مورد حمایت صددرصدِ همه قدرتهای ظالم دنیا را که با سخت‌ترین روشهای استبدادی حکومت می‌کرد و کسی جرأت نفس کشیدن نداشت، از بین ببرد و عقیده و آرمان خود - یعنی اسلام - را جای آن بگذارد، اصلاً متصوّر نبود. حتّی به ذهن آدمهای خوشبین هم نمی‌رسید که چنین چیزی ممکن باشد؛ اما ملّت ما این کار را کرد. آرمانهای معنوی و اخلاقی و آرزوهای بزرگ، آن‌چنان نیرویی به این ملّت داد که هیچ فشار و تحمیل

www.ourpresident.ir

و تهدید و حادثه تلخی نتوانست او را وسط راه نگه دارد و متوقّف کند. لذا تا آخر رفت.

بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین علیه‌السلام و روز پاسدار ـ ۸۱/۷/۱۷

www.ourpresident.ir

مهدویّت، اثبات زوال نظم ظلم جهانی

انسانها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطه محدود - بلند کنند. شما ببینید ملّتهایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود بپرورانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتّفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملّتها بیدار می‌شوند! یک روز ملّت ایران هم در پنجه اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دلها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشه‌کن و سرنگون کنند.

امروز دستگاههای تبلیغاتیِ مراکز استکباری دنیا و روشنفکرانِ وابسته به آنها، در سطح عالم این‌طور تبلیغ می‌کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمانگرایی مبارزه می‌کنند و

www.ourpresident.ir

می‌خواهند ملّتها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونیِ ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه‌ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملّت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه‌الصّلاةوالسّلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش می‌دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ می‌شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلّای تهران ـ ۸۱/۷/۳۰

www.ourpresident.ir

خودسازی و آگاهی درسهای اعتقاد به مهدویت

درس دیگرِ اعتقاد به مهدویّت و جشنهای نیمه شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنافداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکّی نیست؛ اما نباید مسأله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد – یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حدّاکثر در زبان، یا به صورت جشن – نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازیِ امام زمان آماده کنیم. سربازیِ امام زمان، کار آسانی نیست. سربازیِ منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد. عدّه‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.

www.ourpresident.ir

شنیده‌اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعّالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.

اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می‌کردند، الان هم در گوشه و کنار تبلیغ می‌کنند که امام زمان می‌آید و اوضاع را درست می‌کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه دنیا را روشن کند. خورشیدِ فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلّای تهران ـ ۸۱/۷/۳۰

www.ourpresident.ir

۱۳آبان، رویارویی امریکا با نهضت اسلامی

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ما جزئی از مجموعه امپراتوری امریکا در این منطقه محسوب می‌شد و خیلی هم وفادار به امریکا بود. سیاستهای امریکا در ایران و به وسیله این کشور، در هر جایی که در آن دستی داشت، اعمال می‌شد. ثروتهای ملی به صورت رایگان در اختیار امریکا بود. عناصر سیاسی، دولت، مجلس فرمایشی و نمایشی و دستگاه قضایی وابسته آن روز، همه در اختیار اراده امریکاییها بود. کشورهای همسایه ما هم غالباً کم و بیش همین‌طور بودند. البته آن روز رقیب بزرگ امریکا در دنیا شوروی بود، که آن هم در همسایگی ما قرار داشت و به همین جهت امریکاییها پنجه سلطه‌ی خود را در کشور ما خونینتر و بی‌محاباتر فرو کرده بودند. در این کشور اوضاعی بود!

کشور ما که زیرِ سلطه امریکا بود – با این همه غارتی که امریکا از این کشور کرد – حتّی یک قدم به سمت پیشرفت برنداشت. در آن دوره نه پیشرفت علمی کردیم، نه پیشرفت اقتصادی کردیم و نه یک کار

www.ourpresident.ir

صنعتی انجام دادیم. یک کشور صد در صد وابسته و مصرف‌کننده بازار مصنوعات امریکایی و غیرامریکایی بودیم. نه فقط مصرف‌کننده مصنوعات و فرآورده‌های صنعتی، بلکه مصرف‌کننده محصولات کشاورزی و فرهنگی و غیره هم بودیم! یک منطقه ثروتمند مثل ایران، مِلک طلقِ سیاستهای امریکایی و در اختیار کمپانیهایی بود که دولت امریکا را هم در حقیقت همانها اداره می‌کردند و می‌کنند.

وقتی نهضت اسلامی از سال چهل‌ویک شروع شد، خطر این نهضت را پیش از همه، دستگاههای جاسوسی و اطّلاعاتی امریکا احساس کردند. لذا در سال چهل‌وسه امام را از ایران تبعید کردند – البته دولت ایران تبعید کرد؛ اما پشت سرِ قضیه، اراده امریکاییها بود – و به کشور همسایه ما بردند، که آن‌جا هم تحت سلطه نظامیان و دولتهای وابسته به امریکا بود.

اوّلین مضمون سیزده آبان عبارت است از رویارویی رژیم امریکا با نهضت اسلامی و بیداری اسلامی. علّت هم این بود که آنها حدس می‌زدند اگر اسلام در دل مسلمانان احیاء شود و در عمل آنان تجلّی پیدا کند، این قضیه منحصر به ایران نخواهد ماند و دنیای اسلام را فراخواهد گرفت؛ همچنان که بعد از پیروزی انقلاب، در فلسطین، لبنان و بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی، همین معنا تجربه شد. با گذشت چند سال، نهضت اسلامی در ایران اوج گرفت. در سیزده آبان سال پنجاه‌وهفت – قبل از پیروزی انقلاب – کشتار دانش‌آموزی پیش آمد؛ یعنی باز چهره خشن رژیم که پشت سرش دستگاههای اطّلاعاتی امریکاییها بود، نمایان شد. این هم باز مقابله با نهضت اسلامی بود؛ البته با خشونت حیوانی. همان روزها رئیس جمهور امریکا و دست‌اندرکاران رسانه‌ایِ امریکایی، از ایران به عنوان یک نقطه ایده‌آل و جزیره ثبات و امنیت اسم می‌آوردند و به آن تفاخر می‌کردند

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

و از حرفهای حقوق بشر و چیزهایی که الان می‌شنوید امریکاییها دائم تکرار می‌کنند، هیچ خبری نبود!

بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان ـ ۸۱/۸/۱۳

www.ourpresident.ir

واقعیتهای تلخ ایران قبل از پیروزی انقلاب

هر ملتی به تناسب موقعیت و هدفها و همّتهای بلند یا کوتاهی که دارد، در این جنگ به نحوی درگیر می‌شود. شما ملّت ما را درنظر بگیرید! ما ملتی هستیم که حدّاقل از اوایل قرن گذشته‌ی میلادی – یعنی از صد سال پیش به این طرف – سیاستها و اداره‌ی امورمان تحت‌تأثیر خواست و اراده‌ی قدرتهای بیرون از مرزهای ما قرار گرفته بود. البته قبل از آن هم به نحو دیگری بود؛ اما از حدود صدوبیست سال پیش، اداره‌ی این کشور و همه‌ی دستگاههایی که در پیشرفت کارهای این کشور نقش داشتند، به طور مشخّص و واضح تحت‌تأثیر سیاستهایی قرار گرفتند که در بیرون از این مرزها تعریف می‌شد و منافعی برای آنها درنظر گرفته می‌شد و آنها دنبال منافع خودشان می‌آمدند و از شاه یا از وزرا و نمایندگان مجلسها و دیگران استفاده می‌کردند. این، یک بخش از واقعیّتهای جامعه‌ی ما قبل از پیروزی انقلاب؛ یعنی بخش وابستگی و در اختیار بیگانگان قرارداشتنِ عمده‌ی منابع انسانی و مادّی ماست.

البته یک بخش دیگر از واقعیّتهای جامعه‌ی ما قبل از پیروزی انقلاب،

www.ourpresident.ir

ریشه‌ی قدیمتری دارد و آن مسأله‌ی حاکمیت استبداد و اشرافیّت بر این کشور بود. قرنهای متمادی کسانی بر این ملّت با این فرهنگ و سابقه و استعداد، حکومت می‌کردند که مملکت را متعلّق به خودشان می‌دانستند؛ یعنی مثل اربابی که یک مزرعه یا یک ده یا یک ملک دارد و یک عدّه هم در آن مشغول کار و زندگی هستند. مسأله‌ی او، مسأله‌ی آن مردم نیست، بلکه مسأله‌ی خودش است. ملک، ملک اوست، درآمدهایی دارد، طبعاً زحماتی هم دارد، برای آن مردم باید زحماتی هم بکشد؛ مثلاً یک وقت بایستی پزشکی را خبر کند تا بیاید، یا اگر دینی باشند، مسأله‌گویی را خبر کند تا برایشان مسأله بگوید، یا مسجدی برایشان بسازد و یا چشمه‌ای برایشان راه بیندازد. اصلاً رابطه‌ی دستگاههای حکومتی با مردم چنین رابطه‌ای بوده است. مردم مطلقاً به عنوان صاحبانِ اصلی کشور مطرح نبودند. در این ملک بزرگ، ناصرالدّین شاهی حکومت می‌کرده که همه‌ی آحاد این مردم را نوکران خود می‌دانسته؛ اعم از نوکران رسمی‌اش، از صدراعظم گرفته تا وزرا و درباریان و آحاد مردم که رعیتش بودند و باید روی این ملک کار می‌کردند؛ یعنی چیزی خودشان می‌خوردند و منافع این حکومت هم محفوظ می‌شد. قرنهای متمادی سیاست و ذهنیّت حاکم بر کلّ کشور این بوده است و ملّت نقشی نداشت.

خوب؛ این انقلاب به وجود آمده و در هر دو جنبه، کارهای قاطعانه و اساسی انجام داده است. در زمینه‌ی بخش دوم، آن طبقه‌ی اشراف و حاکمان و مالکان و صاحبان کشور را به‌کلّی قلع و قمع کرده است. امروز در این کشور کسی وجود ندارد که حتّی به ذهنش بگذرد که من صاحب و مالک این کشورم. مالک این کشور، مردم هستند. هر کسی برای این‌که بتواند قدرتی داشته باشد – اگر اهل قدرت‌طلبی است – و وظیفه‌ای را در مسندی انجام دهد – اگر اهل انجام وظیفه است – شرطش این است که مردم او را

www.ourpresident.ir

بخواهند، با مردم رابطه‌ی خوب داشته باشد و رعایت مصالح مردم را بکند یا تظاهر کند که می‌کند؛ یعنی درحقیقت همه مجبورند مالکیت مردم را بر این کشور به رسمیت بشناسند. انقلاب ما این است.

در آن بخش دوم، انقلاب همه‌ی وابستگیهای رسمی کشور را نسبت به دستگاههای بیرون از این مرز قطع کرد. این‌که می‌گوییم وابستگیها را قطع کرد، می‌دانیم که وابستگی اقتصادی یا وابستگی فرهنگی به این آسانی قطع نمی‌شود. اما نمای بیرونی همه‌ی این وابستگیها، وابستگی سیاسی است و با انقلاب اسلامی، حرف شنوی و تملّق گفتن و رعایت مصالحِ مراکز قدرت جهانی را کردن، به‌کلّی از بین رفت. این ملّت آرمانها، اهداف، ایده‌ها و آرزوهایی دارد که می‌خواهد محقّق کند؛ ملاحظه‌ی قدرت یا سلطه‌ی جهانی را هم نمی‌کند و مقصدش در درجه‌ی اوّل این است که اهداف بزرگ و بلند مدّت کشور و ملّت را تحقّق بخشد. این اهداف به اعتباری در کلمه‌ی دین و به اعتبار دیگری در کلمات دین و آزادی و رفاه و امنیت و نظایر آن خلاصه می‌شود.

بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ـ ۸۱/۱۱/۱۴

www.ourpresident.ir

قاجاریه‌ی فاسد، پهلوی فاسدتر

وقتی پهلویها سرکار آمدند، یکی از همّتهای مهمّ خود را تخریب قاجاریه قرار دادند. قاجاریه خیلی بد بودند، اما نه به بدی پهلویها! آنها هم مستبد و وابسته و فاسد بودند، اما پهلویها به‌مراتب از آنها بدتر بودند. بین آنها هم باکفایت و بی‌کفایت بود، بین اینها هم باکفایت و بی‌کفایت بود؛ یعنی نمی‌شود مقایسه کرد. یقیناً خیلی از کارهایی که آنها در گذشته کرده بودند، از کارهایی که اینها کرده بودند یا نسبت به زمان بهتر بود و یا در همان حدها بود. اما اینها سالهای متمادی وقت صرف کردند برای این‌که آنها را به‌کلّی ضایع کنند و خودشان را حق جلوه دهند.

ما یک رژیم بی‌کفایت، فاسد، وابسته، بی‌دین، سوءاستفاده‌چی و خودخواه و دارای دیگر ممیّزات زشت را برکنار کرده‌ایم؛ ولی به مردم معرفی نمی‌کنیم که اینها چه‌کار کردند. بی‌کفایتی آنها یک کتاب است. وابستگی آنها یک کتاب است. فسادهای اخلاقی و شهوانیشان یک کتاب است. فسادهای اقتصادیشان یک کتاب است. هر کدام از این بخشها یک فصل مشبعی است.

www.ourpresident.ir

خوب؛ اینها باید به نسل جوان داده شود تا آنها دیگر جرأت نکنند نقاط منفی و تاریک خودشان را پنهان سازند و یک تاریخ مجهول و غلط را خلق نمایند و به ذهن جوانِ ناآشنای ما منتقل کنند.

بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ـ ۸۱/۱۱/۱۴

www.ourpresident.ir

۲۹ بهمن پرچم عزّت و افتخار تبریز

این حرکت مردم عزیز و هوشیار تبریز – یعنی زنده نگه‌داشتن نام و یاد بیست‌ونهم بهمن – حقّاً و انصافاً یک حرکت آگاهانه و ناشی از بیداری است. سیاستهای اقتدارطلب جهانی، همه سعی خود را متمرکز کرده که یادگارهای انقلاب و نشانه‌های غیرت دینی و غیرت ملی مردم را زیر آواری از جنجالهای تبلیغاتی خود پنهان کند و از یادها ببرد. اما دلهای بیدار و جانهای آگاه و هوشیار، درست نقطه مقابل آن سیاست شیطانی عمل می‌کنند؛ یعنی چیزهایی را که پرچم عزّت و افتخار این ملّت است، بر سرِ دست نگه می‌دارند. بیست‌ونهم بهمن از این قبیل است و شما با این حرکت خود – آمدن این راه طولانی و اجتماع در این‌جا – این نام و یاد را زنده نگه می‌دارید. این حقیقتاً بیداری است. بنده خطاب به شما عزیزانی که در این‌جا هستید و خطاب به مردم تبریز و آذربایجان عرض می‌کنم:

آذربایجان! اویاخسان انقلابـا دایـاخسان

این بیداری خیلی ارزش دارد و همین بیداری بود که حادثه بیست‌ونهم

www.ourpresident.ir

بهمن را در سال ۱۳۵۶ به‌وجود آورد. مردم شجاع تبریز و مبارزان حقیقی و راستین، چهلم شهدای قم را چنان بر سر دست گرفتند که در حقیقت انقلاب را به حرکت درآورد. این عمل، هوشیاری می‌خواست. رژیم طاغوت خیال می‌کرد که با سرکوب قیام مردم قم در نوزدهم دیِ آن سال، مسأله تمام شد. اما تبریزیها نگذاشتند و چهلم شهدای قم و آن حرکت عظیم را در بیست‌ونهم بهمن در سطح کشور به‌وجود آوردند و آن توفان را به راه انداختند. این هوشیاری است. هم هوشیاری است، هم غیرت دینی و ملی و هم ایثارگری و فداکاری. مجموعه این صفات و خصایل، مردم تبریز و آذربایجان را ممتاز کرده است. قبل از انقلاب، در حوادث مشروطه و در حوادث قبل از مشروطه هم همین‌طور بود. در حادثه تحریم تنباکو و مبارزه با کمپانی انگلیسی و سلطه اقتصادی انگلیس بر ایران، یکی از محورهای مبارزه، تبریز و مرحوم «حاج میرزا جواد مجتهد» عالم بزرگ تبریز بود. مگر این سوابق فراموش شدنی است؟!

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ـ ۸۱/۱۱/۲۸

www.ourpresident.ir

ارادهی رژیم پهلوی در به فساد کشیدن جامعهی ایرانی

پیش از انقلاب، تبلیغات رسمی و عمومی و همیشگی کشور ما، تبلیغاتی بود که مردم را به فحشا و هرزگی و عیّاشی سوق می‌داد. حتّی در نقاط فقیر و عقب‌افتاده – جاهایی که مردم به نان شب محتاج بودند – هم به نحوی برای عیّاشی و هرزگی امکاناتی فراهم بود. این امر به‌طور عمد در محیطهای جوان مثل دانشگاهها و سربازخانه‌ها – نه آن مقداری که مقتضای طبیعی غریزه‌ی جوانی است – برای سرگرم کردن و فاسد شدن نسل، تشدید می‌شد. وقتی که جوانان یک نسل فاسد شدند، دیگر ملتی وجود ندارد و مقاومتی به چشم نمی‌خورد.

بیانات در دیدار جوانان سیستان و بلوچستان ـ ۸۱/۱۲/۶

www.ourpresident.ir

اندیشه‌ی ماندگار بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی فقط این نبود که دگرگونی‌ای در داخل کشور ایجاد کند؛ علاوه بر این، یک فرهنگ خلق کرد؛ فرهنگی که در همه کشورهای اسلامی به‌طور متفاوت – در بعضی کشورها خیلی شدید، در بعضی کشورها با شدّت کمتر – اثر خودش را در ذهنها، بخصوص ذهن جوانان و روشنفکران و دانشگاهیان گذاشت. بلاشک شما از گرایشهای قشر جوان در کشورهای اسلامی نسبت به انقلاب، امام و ارزشهای ملّت ایران و ایستادگی‌اش مطالبی شنیده‌اید؛ اما یقیناً آنچه شنیده‌اید، به‌مراتب کمتر از چیزی است که در واقع وجود دارد. در طول این بیست و یکی دو سال، به‌مرور تفکّر اسلامی، فکر بیداری اسلامی و بازگشت و تمسّک به اسلام، در ذهنها به صورت اندیشه‌ای ماندگار درآمده است.

بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ـ ۸۲/۲/۲۲

www.ourpresident.ir

حرکت عظیم و سراسری بیداری اسلامی

امّت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی، چالشها و انحرافهایی داشته است. ما خود را از اسلام دور کرده و سرگرم چیزهایی کردیم که اسلام ما را از آن برحذر داشته بود. در طول این تاریخ طولانی، سرگرم جنگهای داخلی شدیم؛ به وسیله قدرتهای طاغوتی سرگرم شدیم. نتیجه این شد که امّت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی بعد از قرون اوّلیه اسلام، نتوانست خود را به هدف و غایتی که پیغمبر اسلام و اسلامِ عزیز برای او پیش‌بینی کرده و در نظر گرفته بود، برساند. با این‌که خدایِ متعال ثروتهای مادّی زیادی را در کشورهای اسلامی ذخیره کرده و می‌توانست وسیله پیشرفت ما باشد، اما در علم و صنعت و بسیاری از شاخصهای پیشرفت، جزو بخشهای عقب‌افتاده عالم شدیم. این چیزی نبود که اسلام برای ما مقدّر کرده بود؛ این چیزی بود که عملِ بد و رفتار و غفلت ما مسلمانان برای ما پیش آورده بود: «ما اصابک من سیّئة فمن نفسک»[1]؛ ما بودیم که بر اثر غفلتهایمان در طول

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۹

www.ourpresident.ir

زمان، خود را به این وضعیت دچار کردیم.

امروز اوضاع در دنیای اسلام تفاوت کرده است؛ بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده می‌شود؛ میلِ برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه عزّت و پیشرفت و ترقّی است. روشنفکران، علما و سیاسیون دنیای اسلام این حرکت را باید تقویت کنند. خطاست اگر کسانی در دنیای اسلام تصوّر کنند که حرکت بیداری اسلامی در بین جوانان، به ضرر دولتهای اسلامی است؛ نه، دولتهای اسلامی به برکت بیداری اسلامی می‌توانند عزّتی را که قدرتهای استکباری از آنها گرفته‌اند، به خودشان برگردانند. یک نمونه، کشور و انقلاب و امام ماست. ما بعد از آن‌که قرنهای متمادی دچار استبداد و دو قرنِ تمام دچار سلطه بیگانگان بودیم به خود آمدیم و امام بزرگوار توانست عزّت را به مردم ما برگرداند. انگلیسیها، روسها و امریکاییها به ترتیب در این کشور سیادت و حکمفرماییِ حقیقی کردند. ولو به صورت ظاهر در رأس حکومت نبودند؛ اما کارها در دست آنها و همه چیز کشور در اختیارشان بود. مردم ما از حقوق، منابع، عزّت و طعم حقیقیِ دین خود محروم بودند.

امام بزرگوار ما توانست سلطه بلندمدّت استبداد و استعمار را با برگشت به اسلام و تمسّک به اسلام، از سر کشورمان کم کند و به ما عزّت ببخشد؛ به مردم ما احساس هویّت اسلامی بدهد تا احساس کنند که می‌توانند روی پای خود بایستند؛ می‌توانند خودشان تصمیم بگیرند و انتخاب کنند؛ می‌توانند خودشان در مسائل سرنوشت‌ساز، «لا» و «نعم» بگویند. مردم ما قرنها بود که چنین چیزی را نچشیده بودند؛ این را اسلام به آنها داد. در هر نقطه‌ای از نقاط دنیا که حرکت بیداری اسلام تقویت شود و پا بگیرد و مردم و جوانان

www.ourpresident.ir

آن کشور احساس کنند که به سمت اسلام نزدیک می‌شوند، همین تجدید هویّت و عزّت به وجود خواهد آمد.

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاوّل ـ ۸۲/۲/۲۹

www.ourpresident.ir

سختی‌های طاقت‌فرسای مبارزه

در دوران مبارزه، بسیاری از شما در میدان بودید. همه می‌گفتند مشت است و درفش، چرا بیخود می‌جنگید و مبارزه می‌کنید؛ فایده‌ای ندارد. حقیقتاً هم دستگاه پلیسی رژیم طاغوت، دستگاهی نبود که به آسانی بشود با آن مبارزه کرد. آن‌قدر از این داعیه‌داران و خیلی از کسانی که تحلیلهای مارکسیستی و روشنفکری و ادّعا و حرف داشتند، وقتی آن زندانها را دیدند و شکنجه‌هایش را حتّی بسیاری ندیدند، بلکه فقط شنیدند، از وسط راه برگشتند و خودشان را تسلیم کردند! اما بسیاری هم ادامه دادند؛ حرکت کردند و آمدند. اوّلین برکتِ حرکت آنها این بود که خدای متعال صدق آنها را بر مردم آشکار و علنی کرد؛ راه آنها را درست نشان داد و مردم با آنها همراه شدند. وقتی مردم همراه شدند، همه چیز درست خواهد شد. مهم این است که آن مجموعه مبارزِ مصمّم، صداقت خودشان را در پیمودن راه اثبات کنند و نشان دهند که صادقانه دنبال این معنا هستند. آن‌وقت خدای متعال نصرتش را خواهد فرستاد. در نهج‌البلاغه هست که: «فلما رأی الله صدقنا»؛

www.ourpresident.ir

وقتی خدا صداقت ما را دید؛ دید ما راست می‌گوییم و به دنبال دنیا و پول و هوی و هوس نیستیم، «انزل بعدّونا الکیت و انزل علینا النّصر[1]»؛ ما را پیروز کرد و دشمنان ما را سرکوب نمود. این، در مبارزات ما هم بود و در این بیست و سه چهار سال هم همین موضوع بوده است و هیچ وقت نبوده که روی کشور و دولت فشار نباشد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ـ ۸۲/۳/۷

نشر انقلاب اسلامی

۱. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵۶ (موسوم به پایداری).

www.ourpresident.ir

صد و پنجاه سال فریاد پیوند دین و سیاست

امروز صد و پنجاه سال است که برجسته‌ترین و شریف‌ترین عناصر سیاسی و دینیِ ملّت ما پرچم حاکمیت اسلام را بلند کرده‌اند و پایش سینه زده‌اند و بسیاری در این راه جان دادند؛ امثال مدرّسها، آخوند خراسانیها و سید جمالّ الدینها. قضیه این‌طوری است. این، مربوط به امروزِ ما نیست که بگوییم دین و سیاست یکی است، عدّه‌ای هم بگویند یکی است؛ اما یک عدّه هم بگویند نه، خیلی هم یکی نیست! حرفِ امروز نیست؛ این حرف، صد و پنجاه سال ریشه دارد. پدرِ برجسته‌ترین زبدگان این کشور در راه مبارزه برای این فکر درآمد؛ هزاران جانِ پاک در این راه شهید شدند؛ مدرّسِ به آن عظمت سینه را برای این قضیه سپر کرد؛ اصلاً مشروطیت ایران برای همین پیش آمد، اگرچه بعد منحرفش کردند؛ عدّه‌ای بد و ناشیانه عمل کردند؛ عدّه‌ای هم متّکی به قدرتهای خارجی زرنگی کردند و آن را از دست مردم قاپیدند؛ بعد هم که امام بزرگوار آمد، از اوّل حرکتش را بر این اساس قرار داد و ملّت ایران هم این را خواستند و می‌خواهند. من به شما بگویم حتی

www.ourpresident.ir

ملّتهای لائیکترین دولتهایی که امروز حول و حوش ما هستند، همین‌طورند – من حالا اسم آن کشورها را نمی‌آورم، خودتان در ذهنتان مجسّم کنید – یعنی اگر شرایطی ایجاد شود، انسانی مثل امام و زمینه‌ای مثل آن روز در این کشورها به‌وجود آید و پرچمی بلند شود، همین ملّتهایی که می‌بینید دولتهایشان دم از لائیک و لائیسیسم می‌زنند و هر کس ذرّه‌ای علیه تفکّر سکولاریستی دم بزند یا حرکت کند، پدرش را در می‌آورند، دور این پرچم جمع خواهند شد. اسلام این است و این درست است و به صلاح ملّتهاست؛ ملّتها این را می‌دانند. اگر امروز احکام اسلام در این مملکت اجرا شود؛ یعنی من و شما این توفیق را بیابیم که احکام اسلامی را اجرا کنیم، همه این گرهها و مشکلات باز و حل خواهد شد. ما هرچه عقب مانده‌ایم، به‌خاطر این است که در این زمینه‌ها یا کوتاهی کرده‌ایم یا نشده است. این فریاد صد و پنجاه سال است که در بین مسلمانان بلند است. مگر می‌شود از آن برگشت؟! حال مظهر این تلاش صد و پنجاه ساله که محصول خون هزاران جانِ پاک است – آنهایی که شهید شدند، آدمهای معمولی نبودند که شهید شوند؛ مجاهدان، فداکاران، انسانهای سرافراز، رشید و شجاعی بودند که وارد میدان شدند و جانشان را دادند – چیست؟ مجلس شورای اسلامی، دولتِ جمهوری اسلامی، نظام اسلامی. اینها، محصول این همه تلاش است.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ـ ۸۲/۳/۷

www.ourpresident.ir

صبر و یقین، دو خصوصیت هدایتگران

مایلم عرایض خود را با آیه‌ای از قرآن آغاز کنم که امام بزرگوار ما مصداق آن بود. در سوره‌ی مبارکه‌ی سجده، خدای متعال ضمن بیان حالات ملّتها و اقوام و انسانهای مبارز و پر تلاشِ مؤمن، این تعبیر را می‌فرماید: «و جعلنا منهم أئمّة یهدون بأمرنا لمّا صبروا و کانوا بأیاتنا یوقنون»[1]؛ کسانی‌که دو خصوصیت و دو امتیاز را در خود به‌وجود آوردند، به این موهبت بزرگ سرافراز شدند که خدای متعال زمام هدایت مجموعه‌های انسانی را به آنها سپرد. آن دو خصوصیت، یکی صبر است و دیگری یقین؛ «لمّا صبروا و کانوا بأیاتنا یوقنون». یقین، همان ایمان آگاهانه و روشن‌بینانه است که وسوسه‌ها نمی‌تواند آن را در دل انسان، سست‌بنیاد کند. صبر، خصوصیتی است که به یک انسان بزرگ این امکان را می‌دهد که در راه آرمانهایی که آگاهانه و روشن‌بینانه انتخاب کرده است، به هنگام مواجهه با مشکلات، خود و راه خود را گم نکند؛ هدف را فراموش نکند و منصرف نشود. همه پیغمبران،

۱. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۲۴.

www.ourpresident.ir

همه هدایتگران و همه کسانی‌که توانسته‌اند در مسیر تاریخِ بشر یک اثر ماندگار و تحسین برانگیز از خود به جا بگذارند، باید از این دو خصوصیت برخوردار می‌بودند. امام راحل ما، این تجدید کننده حیات اسلام در میان ملّت ما و امّت اسلامی، از این دو خصوصیت برخوردار بود.

امروز بعد از چهل سال که از واقعه پانزدهم خرداد می‌گذرد، شما ملاحظه می‌کنید که نهضت مظلوم امام، دنیای اسلام را فراگرفته است. یک روز در همین شهر تهران و در قم، مثل امروز و فردا، کسانی مظلومانه جان باختند؛ چون نام اسلام را به پیروی از امام بزرگوار فریاد می‌کردند؛ چون با سلطه بیگانه بر این کشور و با استثمار منابع حیاتی این کشور به وسیله بیگانگان مخالف بودند. آن روز هر کس به این صحنه نگاه می‌کرد، شاید گمان می‌برد که این سخن و این فریاد به پایان رسیده است. امام را با قساوتِ هرچه تمامتر دستگیر و از خانه‌اش ربودند؛ مردم را با وحشیگریِ هرچه بیشتر سرکوب کردند؛ اما این فکر با الهام از همین قاعده بزرگ الهی – یعنی توأم شدن صبر و یقین – راه خود را ادامه داد. امام پانزده سال مبارزه کرد و به برکت همان ایمانِ آگاهانه توانست ملّت ایران را یکپارچه به صحنه رویارویی با استبداد داخلی و استکبار بین‌المللی بکشاند. وقتی ملّت در معرکه‌ای پای خود را وسط گذاشت، پیروزی در آن معرکه حتمی است.

فرق امام بزرگوار ما و دیگر مصلحان تاریخ اسلام در یکی دو قرن اخیر همین بود. امام وارد صحنه شد، وسط میدان آمد، میان مردم بود، با مردم حرف زد، اصول خود را برای مردم تبیین کرد و آنها را به ایمان روشن‌بینانه و آگاهانه‌ای مثل ایمان خود رساند؛ آن‌گاه ایمان و انگیزه مردم و تعالیم اسلام، معرکه را به سود حقّ و حقیقت تمام کرد. دیگران نمی‌توانستند و نتوانستند این مرحله دشوار را پیش ببرند؛ اما امام توانست. ملّت ایران به این اصول اعتقاد پیدا کرد، ایمان آورد و در راه آن به مجاهدت پرداخت. نتیجه این شد

www.ourpresident.ir

که اوّلاً نظام اسلامی علی‌رغم همه کارشکنیها و دشمنیها به پیروزی رسید و روزبه‌روز تا امروز ریشه‌دارتر شد و ثانیاً فکر تحقّق و حیات دوباره اسلام و نجات امّت اسلامی از ظلم و استکبار قدرتهای مستکبر، در مرزهای این کشور محدود نماند.

امروز شما به هر کشور اسلامی در شرق و غرب دنیای اسلام بروید – چه در خاورمیانه، چه در کشورهای عربی، چه در شمال آفریقا و چه در کشورهای شرق آسیا؛ در مناطقی که مسلمانان مجموعه‌هایی را تشکیل داده‌اند – خواهید دید انگیزه اسلامی، تمایل به حاکمیت اسلام و نفرت از تسلّط استثمارگران و استعمارگران و ظالمان، در میان مردم، بخصوص در میان جوانان، نوجوانان، نخبگان و روشنفکران موج می‌زند. در دنیای اسلام این خبرها نبود. اصول امام چه بود که توانست این موفقیت بزرگ را به‌وجود آورد؟

بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) ـ ۸۲/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

اسلام و مردم محورهای اصول امام

محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حقّ ملّتها، اهمیت رأی ملّتها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید می‌کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست‌ناپذیری اسلام، شکست‌ناپذیری مردم.

مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیاء کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه تلاش استعمارگران و سلطه‌گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال‌طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند. سلطه‌گران برای این‌که استیلای خود را بر ملّتها و منابع کشورهای اسلامی هرچه بیشتر گسترش دهند، خود را ناچار می‌دیدند که ابعاد سیاسی اسلام را از اسلام جدا کنند و اسلام را به معنای

www.ourpresident.ir

تسلیم در مقابل حوادث، تسلیم در مقابل اشغالگر و تسلیم در مقابل دشمن ظالم و قوی پنجه تفسیر کنند. امام حقایق فراموش‌شده اسلام را احیاء کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سرِ دست بلند کرد؛ ضدّیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیتها علنی کرد. از روز اوّل تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابرهنه‌ها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسؤولان و به همه ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مرهون طبقه پابرهنه این کشورید. عزیزان من؛ ملّت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجّه نمودیم و در برنامه‌ریزیها، قانونگذاریها، اجرا و عزل و نصبها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.

بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) ـ ۸۲/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

ابعاد اسلام ناب محمّدی

اسلام سعادت مردم را دنبال می‌کند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت مردم به میدان آمده است. امام این را از آغاز شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرّر بیان کرد. امامِ عظیم‌الشّأن ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام – یعنی مقرّراتِ اداره زندگی مردم – در کنار فلسفه اسلام – یعنی تفکّر روشن‌بینانه و عمیق و استدلالی – و عرفان اسلام – یعنی زهد و انقطاع الی‌الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی – چه معجزه بزرگی می‌تواند بیافریند. امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملّتهای اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلامِ معنوی و اسلامِ اخلاقی از اسلامِ سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ می‌کنند. امروز هم دستگاههای تبلیغاتی دشمن و جبهه دشمنِ نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می‌کند اسلامِ سیاسی و اسلامِ عدالتخواه و اسلامِ اجتماعی را به عنوان چهره‌ای خشن در

www.ourpresident.ir

دنیا معرفی کند و مردم را به اسلامِ منزوی، اسلامِ تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضدّ اسلام متحجّر و خرافی و همچنین ضداسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سالهای مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه دشمن اسلام روی آن تأکید می‌کند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد مسلمان باشد، باید سرِ خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به این‌که دشمن چه می‌کند، متجاوز چه می‌کند، اشغالگر چه می‌کند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ می‌کنند. امام نقطه مقابلِ این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، می‌بینید اسلامِ زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگانِ آن‌جا، اسلامی است که بتواند ملّت خود را در مقابل زورگویان و قلدران و قدرت‌طلبان و متجاوزان عالَم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیّت ببخشد و اجازه دخالت و تسلّط و سیطره دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را می‌خواهند و اسلام ناب محمّدی یعنی همین.

بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) ـ ۸۲/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

امام و ابطال ناسازگاری مردم‌سالاری و دینداری

در مورد مردم، مهمترین کاری که امام کرد، این بود که مفهوم مردم‌سالاری را از چیزی‌که طرّاحان دمکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه‌های عملی می‌خواستند نشان دهند، به‌کلّی دور کرد. سعی آنها این بود که این‌طور القاء کنند که مردم‌سالاری با دین سالاری و دینداری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زایل کرد و مردم‌سالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی- را در دنیا مطرح نمود. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد.

بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) ـ ۸۲/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

حماسه‌ی جانفشانی مردم ورامین

خدا را سپاسگزارم که امروز بنده را موفّق فرمود تا به زیارت این سرزمین پاک و شما مردم عزیز نائل شوم. به علّت خاطره بسیار پُرعظمت خرداد، مایل بودم این دیدار در خرداد ماه انجام گیرد. خردادِ ورامین، یک خاطره فراموش نشدنی است. همه مردم عزیز ورامین، پیشوا، قرچک، جوادآباد و پاکدشت مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که ارزشهای این منطقه از ایمان و عزم و اراده آنها ناشی شده است؛ حق هم همین است. از روزی که فرزند بزرگوار موسی‌بن‌جعفر – حضرت جعفربن‌موسی – بعد از آسیب دیدن به‌وسیله دشمنان و مخالفان، به مردم ورامین پناهنده شد و مردم ورامین این امامزاده عالی‌مقام را چون جان شیرینی در برگرفتند و در همین‌جا ایشان بر اثر جراحت به شهادت رسید، نشانه‌های توجّه این مردم به ارزشهای والای اسلامی آشکار شد؛ بخصوص چیزهایی که احتیاج به عزم و مجاهدت دارد. در پانزده خرداد سال چهل‌ودو هم مردم ورامین نشان دادند که در راه حقیقت و دفاع از حقّ و اسلام ایستاده‌اند؛ حتّی به قیمت جانشان. ورامینیها در حرم

www.ourpresident.ir

مطهّر حضرت جعفربن‌موسی سوگند یاد کردند و به سمت تهران راه افتادند و در میانه راه در مواجهه با شدّت عمل و خشونت رژیم سفّاک پهلوی، خون پاکشان در همین منطقه باقرآباد و قرچک بر زمین ریخت و مظلومانه جان دادند. آن روز هیچ‌کس گمان نمی‌کرد روزی خواهد رسید که این شهدای مظلوم و گمنام، مثل ستاره‌های درخشان، نه فقط در آسمان ورامین، بلکه در آسمان ایران اسلامی خواهند درخشید. آنها در مظلومیت جان دادند و خدا به مظلومیت و غربت آنها برکت داد و مجاهدت آنها در پی خود مجاهدتهای دیگری را به‌وجود آورد و حرکت حق، هر روز قویتر و ستبرتر شد.

بیانات در جمع مردم ورامین ـ ۸۲/۳/۲۲

www.ourpresident.ir

تحقّق آرمانی باورنکردنی عزم و پایداری مردم

جوانان عزیز، فرزندان عزیز من که در این جمعیت، اکثریت را تشکیل می‌دهید! بدانید تشکیل نظام اسلامی، یک روز در ایران شما، حتّی خواب و خیال و رؤیا هم به حساب نمی‌آمد و کسی آن را باور نمی‌کرد. نه فقط در این‌جا باور نمی‌کردند. بلکه در سطح دنیای اسلام هم هیچ‌کس باور نمی‌کرد که در میان سنگلاخ عظیمی که بر سر راه امّت اسلامی به‌وجود آوردند، یک ملّت بتواند به نام اسلام قد بکشد، رشد کند، پرچم اسلام را بر سرِ دست نگه دارد و دنیا را به عدل و آزادیِ اسلام دعوت کند. چه کسی فکر می‌کرد؟ اما این شد و به‌طور تصادفی هم نشد؛ این ملّت با عزم و پایداری خود، سلسله علّتها و معلولها را – همان اسبابی که خدای متعال برای پدید آمدن حوادث تاریخی معیّن کرده است – یکی پس از دیگری به‌وجود آورد و این‌گونه شد.

خیلیها آن روز مردم و مبارزان را مأیوس می‌کردند؛ می‌گفتند فایده‌ای ندارد. ظواهر هم حرف آنها را تأیید می‌کرد. یک عدّه جوانِ مؤمنِ روستایی

www.ourpresident.ir

و شهری، سر پُلِ باقرآباد خونشان بر زمین ریخته شد؛ نه حقوق بشریهای دنیا با خبر شدند و نه مدّعیان دفاع از آزادی، علیه رژیم پهلوی اخم کردند. در همان روز در تهران و قم چند هزار جوان با مسلسلِ مزدوران پهلوی روی آسفالت خیابانهای تهران به خاک و خون غلتیدند و همین مدّعیان دروغین و وقیح حقوق بشر در دنیا کمترین اعتراضی به رژیم پهلوی نکردند. چه کسی باور می‌کرد این شهادتهای مظلومانه یک روز این‌طور ببالد و رشد کند؟ ظواهر هم سخن وسوسه‌گرانِ مأیوس‌کننده را تأیید می‌کرد؛ اما استقامت و ایستادگی و همّت، این کار نشدنی را شدنی کرد. امروز هم همین‌طور است. امروز هم تمام بلندگوهای تبلیغاتی دنیا به کار افتاده است، برای این‌که هم به ملّت ایران و هم به دیگر ملّتهای مسلمان به زور بقبولاند که فایده‌ای ندارد؛ بیداری اسلامی به جایی نخواهد رسید و همین نظام اسلامی هم که در ایران هست، وسط کار خواهد ماند! به شما بگویم؛ هر کاری از دستشان برمی‌آید، تا به‌حال کرده‌اند و خواهند کرد؛ اما به فضل پروردگار بالاخره بینی‌شان به خاک خواهد رسید و موفّق نخواهند شد.

بیانات در جمع مردم ورامین ـ ۸۲/۳/۲۲

www.ourpresident.ir

مبارزه‌ی استعمار با تفکّرات نظام اسلامی

نام اسلام و حقیقت اسلام، به شکل فردی در سراسر دنیای اسلام بود –در بین بعضی غلیظ، در بین بعضی رقیقتر – اما نگاه اسلام به دنیا، به ملّت و به امّت اسلامی به‌عنوان یک موجود عظیم و دارای استعداد فراوان و قادر به حرکت و بیدار شدن، نگاهی است که در ایران اسلامی ریشه گرفت و ظاهر شد و به همه دنیا اشعاع کرد. نگاه به اسلام از این دید و ترویج این تفکّر در دنیای اسلام – تفکّری که حکومتی به‌وجود آورده است که توانسته آزادی، مردم‌سالاری و حکومتِ متّکی به آراءِ مردم را از درون مفاهیم و تعالیم اسلام بیرون آورد – چیزی است که در هیچ نقطه‌ای از دنیای اسلام در زمان ما و لااقل قرنهای پیش از زمان ما سابقه نداشته است. آنچه از حکومت اسلامیِ دوران خلفای عثمانی و خلفای قبل از آن – عبّاسی و اموی – در ذهن مردم وجود داشت، مفهوم دیگری بود که با مفهومی که امروز دنیای اسلام از حکومت با دید ایران اسلامی درک می‌کند، به‌کلّی متفاوت است. این فرهنگ دینیِ برخاسته از نظام اسلامی که خود منشاءِ نظام اسلامی هم بوده است و

www.ourpresident.ir

حرکت به سمت وحدت اسلامی – که در همین تفکّر، یکی از چیزهایی که وجود دارد، وحدت امّت اسلامی است؛ یعنی نگاه اسلام به امّت به‌عنوان یک مجموعه واحد – و همچنین پرهیز از اختلافات قومی و طایفه‌ای در دنیای اسلام و در جوامع اسلامی، چیزی است که پیام‌آور آن، انقلاب اسلامی بود. از اینها نباید غفلت نمود و اینها را نباید فراموش کرد.

ما باید به آزادی، مردم‌سالاری و عدالت‌طلبی – که انقلاب اسلامی شعار آنها را داد و اسلام را با این نگاهها و شعارها و نقطه نظرها به دنیا معرفی کرد – توجّه داشته باشیم. امروز هم در دنیا و در سطوح مختلف، با همه مفاهیمی که در مجموعه تفکّرات نظام اسلامیِ برخاسته از اسلام است، مقابله و مبارزه می‌شود. با حاکمیت دین، با تکفّل دین نسبت به امور زندگی مردم، با سازگاری مردم‌سالاری با دین، هم در میدان نظر و هم در میدان عمل، مقابله و مبارزه می‌شود؛ همچنان‌که با وحدت امّت اسلامی هم به‌شدّت مبارزه می‌شود، که این از تجربه‌های قدیمی استعمار است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ـ ۸۲/۶/۱۹

www.ourpresident.ir

میدان مجاهدت برای اتّحاد کلمه مسلمانان

شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه آن به‌وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلافشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتّحاد کلمه داشته باشند؛ روی مواردِ اتّفاقی تکیه کنند و از جریحه‌دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این فرهنگ دینی با این معنا و با این نگاه که در آن، آزادی و عدالت و مردم‌سالاری و بسط وحدت در دنیای اسلام و میان امّت اسلامی وجود دارد، یکی از میدانهای مجاهدت ماست که باید در آن تلاش کنیم.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ـ ۸۲/۶/۱۹

www.ourpresident.ir

هراس مستکبران از اسلام حقیقی

این استعداد جوشان، این سرزمین غنی، این موقعیّت جغرافیاییِ حسّاس، این تاریخ پُرشکوه – که پشتوانه فرهنگی و پشتوانه افتخارات ماست – و بالاتر از همه، نور ایمانی که امروز در دلهای جوانان ما می‌درخشد و دنیا را متوجّه خود می‌کند، همه نوید دهندگان به نسل جوان و نوجوان ما برای آینده است. تلاش شما باید این باشد که آن آینده را هرچه بهتر بسازید. ما همین جوان، همین موقعیت و همین گذشته تاریخی را قبل از انقلاب هم داشتیم؛ اما این درخشندگی و پیشرفت را نداشتیم. چرا؟ چون آن روز دستگاه سیاسی و قدرتی که بر این کشور و بر همه مراکزِ تلاش و توان در این کشور حاکم بود، اوّلاً از دین و ایمان و اعتقادات ارزشی بی‌بهره محض بود – یک مُشت افراد پوک بدون این‌که در درون خود ارزش والایی داشته باشند، بر مردم حکومت می‌کردند – ثانیاً همینها موجب شده بود که خود آنها وابسته به دشمنان باشند. ایران عزیز ما بهشتِ غارتگران و چپاولگران بود. چرا؟ چون کدخدا را دیده بودند، ده را می‌چاپیدند! مسؤولان نظام را در

www.ourpresident.ir

چپاولگریهای خودشان شریک کرده بودند و این ملّت را می‌چاپیدند. انقلاب آمد و بزرگترین مانع را در مقابل نفوذ خائنانه بیگانگان و همچنین سلطه غیرمشروع و غیرمنطقی افراد فاسد ایجاد کرد. آن مانع چه بود؟ اسلام بود. تا وقتی اسلام در جایگاه خود قرار داشته باشد، تبلیغاتچیهای استکبار جهانی و بین‌المللی از اسلام به‌شدّت بیمناکند. بله؛ اگر اسلام از سیاست و زندگی و محیط اجتماعی دور و مخصوص کُنج عبادتگاه و خلوت مساجد باشد، از آن باکی ندارند. اگر یک عدّه در خلوت، خود را به عبادت مشغول کنند، در حالی‌که عرصه جامعه، اداره جامعه، مدیریّت کشور و سررشته‌داریِ امور، دستِ افکار و اهواء و مکتبهای گوناگون باشد، آنها از این اسلام ابایی ندارند و به آن اهمیتی نمی‌دهند؛ اما اگر اسلام آن‌چنان که خدا خواسته و قرآن تشریع کرده، به معنای برنامه زندگی تلقّی شد و مورد پذیرش قرار گرفت، از آن می‌ترسند. چرا؟ چون این اسلام، در وهله اوّل دو عنصر بزرگ در درون خود دارد که یکی عبارت است از احترام به شخصیت و اهتمام به رشد انسان، و دوم جلوگیری از نفوذ غارتگران و طاغوتها و قدرتمندان نابحق و ظالم و ستمگر جهانی. در کلمه توحید، اینها وجود دارد؛ «لااله‌الّاالله»[1]. یکی از مصرعهای برجسته و مهمّ قصیده‌ی «لااله‌الّاالله» این است که با طاغوتها، طغیانگرهای جهانی، قدرتهای ظالم بین‌المللی و ستمگرانی که امروز شما می‌بینید در دنیا چگونه تاخت و تاز می‌کنند و با ملّتها چه می‌کنند، نمی‌شود کنار آمد. توحید اجازه نمی‌دهد مسلمان در مقابل قدرتهای بدون مهار که با فلسطین و عراق و افغانستان آن‌طور رفتار کردند و قبلاً با بوسنی و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی و سایر نقاط دنیا طور دیگر رفتار کردند، کرنش کند. همین کرنشهااز سوی برخی از ملّتهای ضعیف شده است که این‌طور

۱. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۳۵.

www.ourpresident.ir

این خون‌آشامها را قدرتمند کرده است. اگر ملّتها حقِّ خود را بشناسند و بخواهند زیر بار زورگوییهای بین‌المللی نروند و شعارهای دروغین این ریاکاران بین‌المللی را قبول نکنند، اینها این‌طور قدرتمند نمی‌شوند.

بیانات در دیدار اعضای اتّحادیه انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ـ ۸۲/۶/۲۶

www.ourpresident.ir

نشاط و روحیه‌ی جوانی عامل جان گرفتن همّتها

به شما جوانان در شروع عرایضم این را بگویم که حضور شما در صحنه‌های گوناگون کشور یکی از بزرگترین نعمتهای خدا بر این ملّت است. من هر وقت در جمع شما جوانان و جمعهای شبیه به این جمع شرکت می‌کنم، این بیت حافظ را به یاد می‌آورم که: عالم پیر دگرباره جوان خواهد شد این وعده درباره ملّت ایران به میزان زیادی تحقّق پیدا کرده است و شما جوانان که خودتان یکی از عوامل جوان شدنِ عالم پیر محسوب می‌شوید، تلاش خواهید کرد تا انشاءالله هرچه بیشتر چهره، نشاط، امید و تحرّک جوانی را در این ملّت به‌وجود آورید.

جوان شدن در یک مرحله، مربوط به جوان شدن نسل در جامعه است و یک کشورِ جوان در بخشی از جوانی خود مرهون کثرت جوانانی است که در آن کشور هستند، که ما از این جهت کشور جوانی هستیم. در بخش دیگر، مربوط به نو شدن آرزوها و جان گرفتن همّتها و دمیدن روح امید در رگ و ریشه ملّت است تا حرکتی نو را شروع کند؛ این هم در کشور ما به

www.ourpresident.ir

برکت انقلاب پیش آمد.

امروز همه عوامل شبکه اختاپوسی استکبار جهانی سعی می‌کنند چهره جوانی و نشاط و روحیه جوانی را از ملّت ما بگیرند؛ اما نمی‌توانند. برای من محسوس و ملموس است که روح، اراده، نشاط و خون جوانی در کشور ما در جریان است و این، نه در زیر سایه سنگین و ننگین حکومت پادشاهی ممکن بود و نه در زیر سایه ذلّت‌بار وابستگی به دشمنان. آنچه پیش آمده، به برکت آزادگی ملّت ایران بوده است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ـ ۸۲/۷/۲۲

www.ourpresident.ir

دیکتاتوری و وابستگی، ویژگی دوران پهلوی

ملت و کشور ما پس از گذراندن دوران طولانی سلطه‌های استبدادی و خاندانهای پادشاهی – که یکی پس از دیگری آمدند و رفتند – در حالی وارد مرحله دنیای نو شد که از طرفی عصر دیکتاتوری در آن تمام نشده بود، و از طرف دیگر دوران وابستگی در آن آغاز شده بود. اگر به مقطع اخیر تاریخی کشورتان – قبل از انقلاب – نگاهی بکنید، می‌بینید ما در حول و حوش این پیچ تاریخی که انقلاب آن را برای ما به‌وجود آورد، در چه وضعی بودیم؛ در این صورت می‌توانیم موقعیت کنونی خود را درست تشخیص دهیم. در آن مقطع، عصر استبداد و دیکتاتوری در این کشور به عصر وابستگی تبدیل شد. البته وابستگی کشور دفعتاً پیش نیامد، بلکه از اواخر دوران قاجار بتدریج وابستگی به اقتصاد و سیاستهای جهانی و دولتهای بیگانه با دادن امتیازات پی‌درپی به خارجیها – که به زیان ملّت ایران بود – شروع شد. بعد وقتی دوران استبداد به‌خاطر نهضت مشروطیت و قضایای دیگر ضعیف گردید، ناگهان عَلَم شوم و ننگین وابستگی در حکومت پهلوی بلند شد؛

www.ourpresident.ir

یعنی حاکمیت سیاستهای وابسته و قراردادهای تحت فرمان و حاکمان و شخصیتهای سیاسیِ دست‌نشانده و گوش به فرمان خارجی؛ البته دیکتاتوری هم در آن بود و روزبه‌روز خطرناکتر و مدرنتر و سخت‌تر هم می‌شد. انقلاب در چنین شرایطی به پیروزی رسید؛ یعنی ملّت ایران در آنِ واحد حرکت عظیمی را شروع کرد که هم علیه دیکتاتوری و استبداد و حکومتهای خودکامه‌ای بود که قرنهای متمادی بر این کشور حاکم بودند، و هم این حرکت بر ضدّ وابستگی، دست‌نشاندگی، گوش‌به‌فرمان‌بودن و تابع قدرتهای بیرونِ این مرزها قرار داشتن بود. انقلاب در مقابل این دو عارضه که برای کشور ما بسیار عمیق و دیرین و خطرناک بود، پنجه‌درپنجه انداخت. لذا کار انقلاب دشوار بود.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ـ ۸۲/۷/۲۲

www.ourpresident.ir

توحید، ستون اصلی انقلاب اسلامی

اگر انقلاب متّکی به اعتقاد دینی و ایمان اسلامی نبود، نمی‌توانست پیروز شود. ایمانِ یکایک مردم بود که توانست این حرکت را به‌وجود آورد و استمرار بخشد. قبل از انقلاب اسلامی همه نهضتهای صدوپنجاه سال اخیر همین هدف را دنبال کردند، ولی با ناکامی روبه‌رو شدند. انقلاب توانست در همان راه با قدرت پیش برود و بر عوامل ناکامی‌اش غلبه کند. چرا؟ چون انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد؛ حرف نویی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، بخصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند. قسمت اعظم این حرفِ نو توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه آن. توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومتهای طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ـ ۸۲/۷/۲۲

www.ourpresident.ir

توجّه کرامت انسانی، از ارکان انقلاب

رکن دیگر انقلاب اسلامی، توجّه به کرامت انسان است. جامعه‌ای که در یک مجموعه جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلّط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز کند. این چیزی بود که در طول دوران حکومتهای استبدادی و سپس حکومت وابسته پهلوی نادیده گرفته شده بود. حکومتهای استبدادی گاهی خدمات بزرگی هم از قبیل فتوحات و عمران و آبادی به ملّت کرده‌اند؛ اما بزرگترین ارزش انسانی هر انسان را که عبارت است از آزادی، اختیار، استقلال و در اختیار داشتن سرنوشت خویش، از ملّت ایران گرفته بودند. این طبیعتِ همه حکومتهای دیکتاتوری است.

متأسّفانه باید به شما بگویم که در بسیاری از کشورهایی که پرچم دیکتاتوری ندارند، بلکه پرچم آزادی و لیبرالیسم و تکیه به رأی مردم دارند، باطن کار همان دیکتاتوری و تسلّط بر اراده‌های مردم است. در حقیقت

www.ourpresident.ir

امروزه در بسیاری از کشورهایی که شعار و شیوه سیاسی‌شان دمکراسی است، مردم از آزادی اندیشه، فکر و اختیار برای تصمیم‌گیری برخوردار نیستند و این آزادیها تحت لایه‌های گوناگون تبلیغات، پنهان می‌شود. این چیزی است که امروز روشنفکران برجسته غرب – چه در امریکا و چه در اروپا – به‌صراحت آن را بیان می‌کنند. کرامت انسان – که انقلاب اسلامی پرچمدار کرامت انسان است – نقطه مقابل این حالت و رویّه است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ـ ۸۲/۷/۲۲

www.ourpresident.ir

معجزه‌ی انقلاب اسلامی: مردم‌سالاری

امروز دشمنان در تبلیغات خود می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که ایران باید به سمت دمکراسی برود! انقلاب، ایران را از آزادترین نوع دمکراسی برخوردار کرد؛ امروز ایران کجا می‌خواهد برود؟! دمکراسی یعنی مردم‌سالاری؛ یعنی حکمیّت و معیار بودن رأی مردم در شیوه‌ی سیاسی حکومت و اداره کشور. این کاری است که انقلاب به‌صورت معجزه در ایران انجام داد؛ کاری که اصلاً تصوّرش در تمام طول دوران دهها سال بعد از مشروطه تا انقلاب اسلامی وجود نداشت. البته در دوران نهضت ملی که انتخاباتِ آزاد وجود داشت، این‌کار عملی شد؛ ولی متأسفانه بر اثر اشتباهات مکرّر مسؤولان وقت، این دوران بیش از حدود دو سال طول نکشید. به‌هرحال، منظور این است که غیر از آن دوران کوتاه، یک روز ملّت ایران در این کشور برای انتخاب سرنوشت خود آزادی نداشت.

ملت ایران به برکت انقلاب توانست با کرامت خودش آشنا شود، بیندیشد، تصمیم بگیرد و اقدام و انتخاب کند. خوشبختانه ایمان عمیق ملّت ایران به مبانی اسلامی به‌طور طبیعی مردم‌سالاری را بر پایه تفکّرات دینی استوار

www.ourpresident.ir

کرد، که بهترین شکل مردم‌سالاری هم همین است. در چارچوب ارزشهای اسلامی و دینی است که می‌توان به‌طور مطلق از مردم‌سالاری حمایت کرد، و این به‌طور طبیعی در کشور ما پیش آمد؛ چون مردم ما مؤمنند و ایمانشان سطحی نیست.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ـ ۸۲/۷/۲۲

www.ourpresident.ir

دوران تلخ چپاولگری جهانخواران

این ایام، سالگرد انقلاب عظیم اسلامی است و برای ملّت ایران و بلکه مسلمانان عالم یک عید است. اسلام توانست این افتخار را به‌دست آورد که بر سیطره و سلطه قدرتهای چپاولگر و جهانخوار پنجه بیندازد و یک ملّت را نجات دهد. دهها سال قدرتهای استعماری بر ایران سلطه و سیطره داشتند. بلاهایی که دولت استعمارگر انگلیس در طول دهها سال بر سر ملّت ایران آورد، فراموش نشدنی است. انقلاب مشروطیت را مصادره کردند، دیکتاتوری سیاه رضاخان را بر این مردم تحمیل کردند، نفت را غارت کردند، کشور را عقب نگه داشتند، ملّت را مورد اهانت قرار دادند و ذلیل کردند و حقّ عمومی یک ملّت را در طول دهها سال پامال نمودند. بعد هم که قدرت انگلیسیها در سطح بین‌المللی رو به کاهش رفت، امریکاییها خود را سرِ این سفره رساندند و تطاول را شروع کردند. دیکتاتوریِ بیست و پنج ساله سیاه محمّدرضا و همان جنایتهایی که انگلیسیها می‌کردند، به‌وسیله امریکاییها در ایران صورت گرفت و روزبه‌روز پنجه قدرتشان را در این کشور بیشتر

www.ourpresident.ir

فرو می‌کردند. ثروتها را می‌بردند، فرهنگ اسلامی و ملی را نابود می‌کردند و فرهنگ بیگانه‌پرستی را به جای آن رسوخ می‌دادند. همه چیزِ این کشور تحت سلطه و در پنجه آنها بود و رمق این ملّت را کشیده بودند. اسلام توانست خون دوباره‌ای به رگهای این ملّت بدواند. شعار بیداری اسلامی، این ملّت را به حرکت درآورد. رهبری امام بزرگوار راه را به این ملّت نشان داد. این ملّت – همچنان که قرآن فرموده است – سرنوشت خود را با اراده و ایستادگی و مجاهدتِ خود عوض کرد؛ نظام دیکتاتوری را از بین برد؛ امریکا را از این کشور بیرون راند؛ سلطه قدرتها را از این کشور قطع کرد و حقّ انتخاب کردن و حکومت بر سرنوشت خود را دوباره به‌دست آورد. در نتیجه ملّت ایران زنده شد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ـ ۸۲/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

دهه‌ی فجر، جشنی برای همه‌ی مسلمانان

دهه فجر، یادبود حیات دوباره ملّت ایران و کشور عزیز ماست. مردم این ایام را جشن می‌گیرند و حق دارند جشن بگیرند. شما عزیزان من! بدانید؛ در دنیا هم هرجا مسلمانانِ آگاه و بیداری وجود دارند، نسل جوان، زبدگان و نخبگانِ فرهنگی و سیاسی آنها هم این جشن را جشن خودشان محسوب می‌کنند و این بیداری را به نفع خود می‌دانند. دنیای اسلام که زیر سلطه و سیطره قدرتهای استکباری در خواب بود، بیدار شد. بعضی جاها توانستند خود را نجات دهند؛ در بعضی جاها هم خودِ بیداری، مقدّمه نجات است.

ارزش این انقلاب از این جهت است که ایران را از سلطه قدرتهای مستکبر جهانی نجات داد. شما ببینید در دنیا زیاده‌خواهان و انحصارطلبان بین‌المللی با ملّتها چه می‌کنند! همینها بر این کشور، بر این ملت، بر نفت ما، بر فرهنگ ما، بر دولت ما و بر همه منابع انسانی و مالی ما مسلّط بودند. انقلاب دست اینها را قطع کرد؛ اینها را از این کشور بیرون راند و سلطه‌شان را از سر این ملّت کم کرد. این، ارزش انقلاب ماست. قدر این انقلاب را

www.ourpresident.ir

بدانیم؛ آن را در مسیر خود حفظ نماییم و کمک کنیم به سمت اهداف والای خود پیش برود. همین اصول و مبانی و پایه‌هاست که آینده و سرنوشت و اقتصاد و فرهنگ و دین و دنیای ما را بهبود خواهد بخشید و زخمهای پیکر ایران عزیز و مظلوم را التیام خواهد داد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ـ ۸۲/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

آثار شوم دیکتاتوری و وابستگی حکومتهای گذشته

در این خطبه قدری راجع به انقلاب صحبت می‌کنم. اوّلاً انقلاب ما چه بود و این پدیده چه نقشی را بر عهده داشت و ایفا کرد؟ ثانیاً انگیزه دشمنیها با این پدیده که تا امروز هم ادامه دارد – اگرچه دشمنان گاهی عوض می‌شوند – چیست؟ ثالثاً ترفندی که دشمنان این انقلاب و این نظام به‌کار می‌برند، چیست؟ رابعاً راه علاج چیست؟ اینها سرفصل عرایض من در خطبه اوّل است که سعی می‌کنم ان‌شاءالله کوتاه عرض کنم.

این انقلاب شروعِ یک دوران نو در تاریخ ما بود. در یک دوران طولانی در گذشته، ما ملّت ایران دچار استبداد بودیم؛ پادشاهان دیکتاتور و مستبد و خودکامه همه اختیار این مملکت را در دست داشتند؛ مملکت را مال خود و مردم را رعیّت خود می‌دانستند. در دوران اخیر – یعنی از اواخر دوران قاجار تا همه دوران پهلوی – بر این پدیده یک درد و مرض دیگر اضافه شد و آن وابستگی بود. پادشاهان قدیم اگر دیکتاتور بودند، وابسته و گوش به فرمان قدرتهای بیگانه نبودند؛ اما از اواخر دوران قاجار و همه دوران پهلوی،

www.ourpresident.ir

پادشاهان، هم دیکتاتور بودند و هم وابسته! این شد بیماری مضاعف نظام سیاسی حاکم بر ایران در دوران گذشته. این دیکتاتوری و وابستگی آثار و تبعات زیادی در کشور ما و روی ملّت ما داشته است. همین دیکتاتوری و وابستگی بود که کشور ما را عقب‌مانده نگهداشت؛ منابع و ثروتهای طبیعی ما را به کام دشمنان داد و مانع رشد و پیشرفت فکری و علمی ملّت ما شد و ما که یک روز در دنیا پرچمدار علم بودیم، دریوزه‌گر دانش – آن هم نقاط ضعیف و کم اهمیت و پسمانده‌های دانش دیگران – شدیم و دست نیاز به سمت دیگران دراز کردیم! آنها هم هر وقت خواستند، چیز کمی کف دست ما گذاشتند؛ هر وقت هم نخواستند – که غالباً هم نخواستند – منع کردند. بنابراین ملّت ما به شئامت آن دیکتاتوری و آن وابستگی، ملتی عقب‌افتاده و ضعیف شد. نفت و دیگر منابع ما هم رفت. برای آینده هم نقشه‌هایی به‌مراتب خطرناکتر از گذشته کشیده بودند. انسان وقتی به اسناد دوران اخیر حکومت شوم پهلوی نگاه می‌کند، به‌وضوح می‌بیند که اینها برای آینده این کشور و این ملّت برنامه‌های بسیار خطرناکی داشتند که در صورت اجرا باز صد سال دیگر ما را عقب می‌انداخت. انقلاب آمد این روند را قطع کرد و دوران نویی در تاریخ ملّت ما شروع شد. چهار خصوصیت اصلیِ انقلاب که عبارت است از استقلال، آزادی، خودباوری و پیشرفت، پایه‌های مستحکمی است که علی‌رغم همه مخالفتها و دشمنیها، انقلاب در این مملکت پایه‌گذاری کرد.

بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران ـ ۸۲/۱۱/۲۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

ارکان اصلی انقلاب

۱. استقلال

استقلال یعنی این‌که ملّت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل قدرتهای بیگانه را قبول کنند. بیگانگان هرچه خواستند، بر طبق میل آنها انجام شود؛ اگر آنها مصالح کشور را قربانی کردند، دولت دم نزند؛ اگر به منابع ملی کشور تعرّض و تجاوز کردند، کسی حرف نزند؛ اگر ملّت هم مخالفت کرد، دولت توی سرش بزند! این وضعی بود که در دوران پهلوی، خود ما با پوست و گوشت و جسم و جانِ خود آن را لمس کردیم. انقلاب آمد ملّت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند. مسؤولان کشور نگاه می‌کنند و هر کاری را که مصلحت تشخیص دادند، انجام می‌دهند. ملت، تماشاگر و قضاوت‌کننده کارهای مسؤولان است؛ اگر آنها را پسندید، پشت سر مسؤولان می‌ایستد؛ اگر نپسندید، آنها را عوض می‌کند؛ اختیار دست ملّت است.

www.ourpresident.ir

۲. آزادی

آزادی یعنی ملّت ما در چارچوب قانونِ خود – و نه قانون تحمیلی دیگران – مسؤولان کشور را انتخاب می‌کند. اگر از عملکرد آنها راضی بود، این انتخاب را ادامه می‌دهد؛ اگر راضی نبود، آنها را کنار می‌گذارد و دیگران را انتخاب می‌کند. این مهمترین شاخه آزادی در کشور ماست. امروز در کشور ما آزادی فکر و آزادی بیان به‌طور کامل وجود دارد؛ حالا رادیوهای بیگانه برخلاف این بگویند؛ خودِ ملّت می‌بینند. کسانی هستند که نه نظام را قبول دارند، نه دولت را قبول دارند، نه رهبری را قبول دارند؛ اما صحبت می‌کنند و نظرات خود را می‌گویند؛ کسی هم به کار آنها کاری ندارد. امروز هیچ‌کس به‌خاطر این‌که طبق عقیده خود حرف زده است، مورد مؤاخذه دستگاه نیست. البته آنها باز هم ناراضی‌اند و نارضایتی‌شان به‌خاطر این است که مردم به حرف آنها گوش نمی‌دهند. این تقصیر کسی نیست؛ مردم آنها را دوست ندارند و از آنها خاطره خوشی در ذهنشان نیست. مردم اشباه و نظایر آنها را در گذشته نزدیکِ از اوّل انقلاب تا الان دیده‌اند؛ لذا به آنها اطمینان ندارند؛ این تقصیر کسی نیست. بنابراین آزادی وجود دارد.

۳. خودباوری

سوم، خودباوری. این ملّت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت – یعنی باور کرد که می‌تواند – این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد. امروز جوان ما، دانشجوی ما، استاد ما، پژوهشگر ما، صنعتگر و سازنده ما باور دارد که می‌تواند. این خودباوری در علم به ما کمک کرد. ما امروز در میدان علم پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم؛ اما هنوز عقبیم. هیچ‌کس خیال نکند که چون در

www.ourpresident.ir

میدان علم پیشرفت کرده‌ایم، به مقصد رسیده‌ایم و دیگر بس است؛ نه، ما را خیلی عقب نگه داشته‌اند؛ ولی ما پیشرفت کرده‌ایم و در این بیست‌وپنج سال خیلی جلو آمده‌ایم. طبق آمار، در دوران انقلاب، نسبت پیشرفت علمی ما از همه دنیا بالاتر و بیشتر بوده است! چند روز قبل که جوانان نخبه پیش من آمده بودند، این نکته را به آنها هم گفتم. خودباوری در علم، سیاست و در دفاع از کشور به ما کمک کرد. در دوران جنگ هشت ساله اگر خودباوری نداشتیم، پدرِ این ملّت درآمده بود و این کشور پامال شده بود. همین بود که جوان بیست‌وپنج ساله به خودش باور و اعتقاد و اتّکاء داشت. یک لشکر را به یک جوان بیست‌وپنج ساله می‌سپردند؛ می‌رفت می‌ساخت، می‌پرداخت، آماده می‌کرد، حرکت می‌کرد، اقدام می‌کرد و کارهای بزرگ انجام می‌داد. امروز این خودباوری وجود دارد. دانشگاههای ما امروز کار علمی می‌کنند؛ جوانان ما پیشرفتهای علمی می‌کنند؛ در بخشهایی پیشرفتهای علمی ما دنیا را نگران کرده است؛ این به برکت انقلاب است. نمی‌خواهند ملّت و کشور ایران از لحاظ علمی پیشرفت کند؛ این را صریحاً گفته‌اند. یک کشور تا پیشرفت علمی و پیشرفت اقتصادی نداشته باشد، همیشه قدرتمندان به او زور می‌گویند. کشور ژاپن که تحت سلطه و تحت اشغال بود، خود را جمع‌وجور کرد و از لحاظ علمی پیشرفت نمود. غربیها که هیچ مایل نیستند به منطقه شرق نگاهی بیفکنند و به غیر نژاد اروپایی توجّهی بکنند، به‌خاطر پیشرفت علمی مجبورند آن را جدّی بگیرند. در بعضی از مراکز سیاسی یا سیاسی – علمیِ امریکا گفته‌اند ما نمی‌خواهیم یک ژاپن اسلامی به‌وجود آید! ژاپن اسلامی یعنی شما. گفته‌اند نمی‌خواهیم بگذاریم ملّت ایران از خود پیشرفت علمی نشان دهد. اینها حرکت ملّت ایران را می‌بینند؛ این خودباوری را می‌بینند؛ این هم از برکات انقلاب و نظام اسلامی بود.

www.ourpresident.ir

۴. پیشرفت

چهارم، پیشرفت است. علی‌رغم آنچه دشمنان ما می‌خواستند و امروز تبلیغ می‌کنند، ما پیشرفت کرده‌ایم. معنای این پیشرفتها این نیست که ما به هدفهای خود رسیده‌ایم. من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گویم: بنده به عنوان یک طلبه انقلابیِ معتقد به اسلام و انقلاب، اعتقادم این است که در بسیاری از اهدافِ خود هنوز در نیمه راه هستیم. ما عدالت اجتماعی و بنیان‌کنیِ فقر و آبادسازی همه‌جانبه کشور را می‌خواستیم؛ اما هنوز به آن مقاصد نرسیده‌ایم و در وسط راه هستیم؛ در عین حال حرکت کرده‌ایم و جلو آمده‌ایم و بخش مهمّی از راه را پیش رفته‌ایم. این کارها را انقلاب و نظام اسلامی کرد.

این چهار رکن اساسی انقلاب به برکت اسلام و زیر پرچم اسلام بوده است. اگر اسلام نبود، استقلال و آزادی و خودباوری و پیشرفت به دست نمی‌آمد؛ اینها را اسلام به ما داد؛ اینها موهبت اسلام است. یک عدّه با نام اسلام، یک عدّه با احکام اسلام، یک عدّه با روح اسلام مخالفت می‌کنند؛ اینها نمی‌فهمند چه ضربه‌ای به کشور و آینده کشورشان می‌زنند. «یکی بر سر شاخ و بُن می‌بُرید». اینها می‌خواهند بُنِ حرکت ملّت ایران را ببُرند. البته خوشبختانه قدرت این شجره طیّبه و استقامتِ آن بیش از این حرفهاست. علی‌ایّ‌حال، عدّه‌ای زخم می‌زنند؛ اما اشتباه می‌کنند.

بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران ـ ۸۲/۱۱/۲۴

www.ourpresident.ir

علّت دشمنی مستکبران با انقلاب

دشمنیها چیست؟ عدّه‌ای خیال می‌کنند مسؤولان انقلاب یا امام رضوان‌الله‌علیه دشمن‌تراشی کرده‌اند؛ نه، قضیه این نیست. اگر شما خانه‌ای داشته باشید که گردن‌کلفت و ظالمی سالها آن را غصب کرده باشد، بعد شما با اسناد و مدارک به مراکز قانونی مراجعه کنید و ایستادگی کنید تا خانه را پس بگیرید، طبیعی است که آن غاصب با شما دشمن خواهد شد. نمی‌شود شما را ملامت کرد که دشمن‌تراشی کرده‌اید؛ شما خواسته‌اید حقّ خود را بگیرید؛ این دشمن‌تراشی نیست. سفره‌ای در مقابل بیگانگان پهن بود و بر سر این خوان یغما هر کاری می‌خواستند، می‌کردند. انقلاب این سفره را جمع کرده؛ معلوم است دشمن می‌شوند و کینه بر دل می‌گیرند و غیظ پیدا می‌کنند. این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلّی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سر می‌برد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمی‌کرد درِ امیدی برایش

www.ourpresident.ir

باز باشد. ناگهان دروازه عظیم فَرَج گشوده شد و ملّتها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال می‌کردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملّت فلسطین با همه وجود و با همه توان وسط میدان آمده است و با این‌که فشار زیادی هم روی او وارد می‌کنند، باز ایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکستِ امریکاست؛ این شکستِ همه قدرتهای صهیونیستی است که بر دنیا مسلّطند. یک ملّت بی‌سلاحِ محصور در اراضی فلسطین، همه اینها را عاجز و بیچاره کرده است. این روح امیدواری بود که ملّت لبنان را بیدار کرد. همان ایام انقلاب ما، لبنان غوغایی بود؛ صهیونیستها هر کاری می‌خواستند، با لبنان می‌کردند: حمله می‌کردند، می‌کشتند، تجاوز می‌کردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می‌آمدند و می‌رفتند؛ مثل این‌که آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروههای لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک نوار دو ساعته از مرحوم دکتر «چمران» آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش می‌کردم. خودش در لبنان بود و جزئیات مصیبتهای مردم لبنان را در آن‌جا شرح می‌داد. الان کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به اسرائیل ضربه‌ای می‌زنند که از اوّل حضور صهیونیستها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه‌ای به آنها نزده است. دو سال قبل، آنها را وادار به عقب‌نشینی کردند؛ چند هفته پیش هم علی‌رغم صهیونیستها چند صد زندانیِ خود را آزاد کردند و قدرتمندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی‌آید؛ این امید را شما دادید. امروز این امیدآفرینی در همه دنیای اسلام و عرب به چشم می‌خورد، که مجال نیست جزئیات نمونه‌ها را به شما عرض کنم. انقلاب ایران دنیای اسلام را امیدوار و زنده کرد. معلوم است وقتی انقلاب با این خصوصیات وارد میدان می‌شود، کسانی که از رکود و ضعف دنیای اسلام بهره‌مند بودند، با آن دشمن می‌شوند؛ یک موجود زنده هم که ما باشیم، از خود دفاع

www.ourpresident.ir

می‌کنیم. یک ملّت وقتی زنده است و با او دشمنی کرده‌اند، طبیعی است که عکس‌العمل نشان می‌دهد. نمی‌شود ما دست بسته بنشینیم، با ما دشمنی کنند – دشمنیِ سیاسی، دشمنیِ اقتصادی – ما هم بگوییم چون نمی‌خواهیم دشمن‌تراشی کنیم، ساکت بمانیم و از خود دفاع نکنیم! این‌که منطق عقلایی نیست. مسأله دشمنیها این است.

بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران ـ ۸۲/۱۱/۲۴

www.ourpresident.ir

هدف دشمن از زیر سؤال بردن امام و راه او

بیست‌وپنج سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی، و پانزده سال پس از وفات رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، هنوز محور اصلی تبلیغات خشم‌آلود دشمنان انقلاب و کشور ما، دشمنی با امام بزرگوار ماست. آنها مهمترین هدف خود را – حتّی بعد از بیست‌وپنج سال از تشکیل نظام اسلامی – این قرار داده‌اند که با هزاران ساعت برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی در ماه برای صدها رادیو و تلویزیونی که در اطراف عالم از سوی محافل صهیونیستی و استکباری به راه افتاده است، شخصیت پُرجاذبه و چهره‌ی درخشان امام بزرگوار را زیر سؤال ببرند. باید تصدیق کنیم که دشمنان نظام اسلامی برای مقابله و مبارزه‌ی با نظام جمهوری اسلامی و حرکت ملّت ایران، جز این چاره‌یی هم ندارند؛ زیرا عامل مهم تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی ملّت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه‌ی سیاسی و مکتب سیاسی امام است، که ملّت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند. دشمنان انقلاب چاره‌یی ندارند جز این‌که با فلسفه‌ی امام، با

www.ourpresident.ir

مکتب امام و با شخصیت امام – که همچنان زنده و پایدار است – دشمنی کنند تا بتوانند این ملّت را به خیال خود به عقب‌نشینی و تسلیم در مقابل خودشان وادار کنند. امام بزرگوار با مکتب سیاسیِ خود بود که توانست طلسم دیرپای استبداد را در این کشور بشکند. امام بزرگوار با مکتب سیاسیِ خود بود که توانست دست غارتگران را از این کشور کوتاه کند؛ غارتگرانی که با همدستی با دیکتاتورها، ایران را به خانه‌ی امن خود تبدیل کرده بودند؛ کسانی که امیدوار بودند بتوانند ایران را به‌صورت یک کشور تولیدکننده‌ی مواد اولیه و انبار تمام نشدنیِ نفت برای خود نگه دارند. من می‌خواهم روی مکتب سیاسی امام تکیه کنم. مکتب سیاسی امام نمی‌تواند از شخصیت پُرجاذبه‌ی امام جدا شود. راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را به‌طور مجسم و به‌صورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد. البته انقلاب عظیم اسلامی ما به‌دست مردم به پیروزی رسید و ملّت ایران عمق توانایی‌ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملّت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود. مکتب سیاسی امام میدانی را باز می‌کند که گستره‌ی آن حتّی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیع‌تر است. مکتب سیاسی‌یی که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می‌کند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه‌ی آنهاست؛ لذا کهنه نمی‌شود. کسانی که سعی می‌کنند امام بزرگوار ما را به عنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاشِ خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است، و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.

در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است ... حرف

www.ourpresident.ir

نوی مکتب سیاسی امام بزرگوار ما برای دنیا این است که در همه‌ی ارکان برنامه‌ریزی‌های یک قدرت سیاسی، سیاست با معنویت، و قدرت با اخلاق همراه شود و اصول اخلاقی مورد مراعات قرار گیرد.

بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ـ ۸۳/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

شاخصهای مکتب سیاسی امام

۱. پیوند عمیق معنویت و سیاست

مکتب سیاسی امام دارای شاخصهایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته‌ی این مکتب را در این‌جا بیان می‌کنم. یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسیِ خود بود، سیاست و معنویت را با هم داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتّی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه‌ی رفتارها و همه‌ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده‌ی تشریعی پروردگار اعتقاد و به اراده‌ی تکوینیِ او اعتماد داشت و می‌دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند، قوانین و سنّت‌های آفرینش کمک گار اوست. او معتقد بود که: «ولله جنود السّماوات و الأرض و کان الله عزیزاً حکیما»[1]. امام قوانین

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۷.

www.ourpresident.ir

شریعت را بستر حرکت خود می‌دانست و علائم راهنمای حرکت خود به‌شمار می‌آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛ لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به‌حساب می‌آمد و او را به هدفهای بزرگِ آرمانی خود می‌رساند. این‌که از قول امام معروف است و همه می‌دانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل می‌کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه‌ی هدفهای بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی علاقه‌مند بود – نه این‌که علاقه‌مند نبود یا بی‌رغبت بود – اما آنچه او را به سوی آن هدفها پیش می‌برد، تکلیف و عمل به وظیفه‌ی الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه‌ی او این بود، لذا نمی‌ترسید؛ شک نمی‌کرد؛ مأیوس نمی‌شد؛ مغرور نمی‌شد؛ متزلزل و خسته هم نمی‌شد. اینها خاصیت عمل به تکلیف و عمل برای خداست. کسی که برای تکلیف عمل می‌کند، دچار تردید و تزلزل نمی‌شود؛ ترسیده و خسته نمی‌شود؛ از راه برنمی‌گردد و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، تعیین‌کننده‌ی راه و جهتگیری او نمی‌شود. کسی که سیاست را با عرفان جمع می‌کند و معنویت را با حرکت سیاسی، یکجا در برنامه زندگی خود قرار می‌دهد، برای او ترس از مرگ معنا ندارد؛ ترس از شکست هم معنا ندارد.

آثار تفکیک دین از سیاست

این درست نقطه‌ی مقابل سیاستِ کهنه شده و از مد افتاده‌ی غربی است که بدروغ آن را سیاستِ مدرن می‌گویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت. تمدن غربی بر پایه‌ی ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند – این خوب بود – اما

www.ourpresident.ir

با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می‌شود؛ هم خود آنها و هم همه‌ی بشریت را با میوه‌های زهرآگین خود تلخکام می‌کند؛ همچنان‌که تا امروز کرده است. پدیده‌ی استعمار – که دهها کشور و میلیونها انسان را سالهای متمادی غرق در سخت‌ترین و شدیدترین محنتها کرد – یکی از چیزهایی است که در نتیجه‌ی تفکیک علم از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد. دو جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه‌های تلخ بود. کمونیسم و حکومتهای اختناق مارکسیستی هم جزو نتیجه‌ها و میوه‌های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بود. ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه‌داریِ افراطی، همه نتایج همان تفکیک است. امروز هم اوج این دوری از معنویت را در زندان ابوغریب و دیگر زندانهای عراق می‌بینید. کسانی که این زندانها را اداره می‌کنند، مدعی هستند که در تمدن بشری پیشرفته‌ترین‌اند! نتیجه‌ی چنین پیشرفتی را مردم دنیا از راه عکس و فیلم در زندانهای عراق دیدند و یا از آن مطلع شدند. فجایعی که برای ملّت عراق – و قبل از آن برای ملّت افغانستان – پیش آمده است، منحصر به این چیزها نیست. در دو سه سال قبل کاروان عروسی در افغانستان بمباران شد و ماه قبل در عراق مجلس عروسی به‌وسیله‌ی هواپیماهای انگلیسی به عزا تبدیل گردید. تحقیر جوانهای عراقی، شکنجه‌ی مردان عراقی، تعرض به زنان و نوامیس عراقی، وارد شدن به حریم امن خانواده‌های عراقی، دولت فرمایشی به‌وجود آوردن برای ملّت عراق، همه سرریزهای همان حرکتی است که وقتی شروع شد، این نتایج به‌طور قهری به دنبال آن هست. معنویت از دستگاه سیاست حذف شده است. در گذشته هم حکام و مستبدین و دیکتاتورهای دنیا در شرق و غرب عالم از این کارها می‌کردند؛ اما وقتی نامها و شعارهای زیبایی مثل حقوق بشر،

www.ourpresident.ir

حقوق انسان و رأی انسان برای اروپایی‌ها شناخته شد، و وقتی پا در جاده‌ی علم گذاشتند، دوری از معنویت نگذاشت این شعارها آن‌طور که توقع بود و معنا می‌شد، برای بشریت خیر به بار آورد؛ همانها برای بشریت مایه‌ی شر و فساد شد. حرف نوی مکتب سیاسی امام بزرگوار ما برای دنیا این است که در همه‌ی ارکان برنامه‌ریزی‌های یک قدرت سیاسی، سیاست با معنویت، و قدرت با اخلاق همراه شود و اصول اخلاقی مورد مراعات قرار گیرد. شاخص اول از شاخصهای اساسیِ مکتب سیاسی امام این است.

در مکتب سیاسی امام رأی مردم به معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رأی مردم است.

۲. اعتقاد به کرامت و ارزش اراده‌ی انسان

شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین‌کننده بودن اراده‌ی انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما – که از متن اسلام گرفته شده است – مردم‌سالاریِ حقیقی است؛ مثل مردم‌سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگریِ ذهنهای مردم نیست. مردم با رأی خود، با اراده‌ی خود، با خواست خود و با ایمان خود راه را انتخاب می‌کنند؛ مسؤولانِ خود را هم انتخاب می‌کنند. لذا دو ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام اصل نظامِ برآمده‌ی از انقلاب را به رأی مردم گذاشت. شما این را مقایسه کنید با رفتاری که کودتاگران نظامی در دنیا می‌کنند، رفتاری که حکومتهای کمونیستی می‌کردند، و رفتاری که امروز امریکا می‌کند. امروز امریکا بعد از پانزده ماه که با اشغال نظامی

www.ourpresident.ir

عراق را گرفته است، هنوز به مردم این کشور اجازه نمی‌دهد که بگویند برای حکومتِ خود چه چیز و چه کسانی را می‌خواهند. نماینده‌ی سازمان ملل دیروز مصاحبه می‌کند و می‌گوید چون امریکایی‌ها در عراق حضور نظامی دارند، باید رأی حاکم امریکایی در انتخاب عناصر دولت مراعات شود! دمکراسی اینها این است. نام دمکراسی، اغواگری است. دمکراسی حتّی در کشورهای خودشان هم، یک مردم‌سالاری حقیقی نیست؛ جلوه فروشی به وسیله‌ی تبلیغات رنگین و پولهای بی‌حسابی است که در این راه خرج می‌کنند؛ لذا آراء مردم گم است. در مکتب سیاسی امام رأی مردم به معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رأی مردم است. از طرف دیگر امام با اتکاء به قدرت رأی مردم معتقد بود که با اراده‌ی پولادین مردم می‌شود در مقابل همه‌ی قدرتهای متجاوز جهانی ایستاد؛ و ایستاد. در مکتب سیاسی امام، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم»[1] برخاسته است؛ از «هو الّذی ایّدک بنصره و بالمؤمنین»[2] برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته‌ایم.

آثار دمکراسی غربی در جهان

عده‌یی می‌خواهند وانمود کنند که نقش مردم در اداره‌ی حکومتها را باید غربی‌ها بیایند به ما یاد بدهند! غربیها خودشان هنوز در خم یک کوچه گرفتارند! همین امریکایی‌ها و همین مدعیان دمکراسی، دیکتاتورهایی از قبیل محمّد رضای پهلوی را – که سی‌وپنج سال در این مملکت دیکتاتوری مطلق داشت و قبل از او پدرش حدود بیست‌سال در این کشور دیکتاتوری کرد – در آغوش گرفتند و پشتیبانی کردند و از آنها حمایت کردند. اینها

۱سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۳۸.
۲. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳.

www.ourpresident.ir

طرفدار دمکراسی‌اند؟! دروغ می‌گویند. هر کس می‌خواهد دمکراسی اینها را ببیند، به عراق برود. برود رفتار آنها را با مردم مظلوم افغانستان ببیند. برود دمکراسیِ امریکایی را از حمایت بی‌دریغ امریکا از شارونِ جنایتکار ببیند. دمکراسی آنها این است؛ ما از اینها دمکراسی یاد بگیریم؟! اینها برای انسان نقش و ارزش قائلند؟ شما ببینید امروز در فلسطین چه فجایعی دارد اتفاق می‌افتد. آیا فلسطینی‌ها انسان نیستند؟ آیا صاحب سرزمین خود نیستند؟ آیا حق ندارند رأی و عقیده داشته باشند؟ امروز زشت‌ترین و فجیع‌ترین رفتار در فلسطین و عراق و افغانستان – و قبل از این در بسیاری از مناطق دیگر – دارد صورت می‌گیرد؛ آن وقت همان کسانی که این رفتارهای زشت را انجام می‌دهند، خجالت نمی‌کشند و ادعای دمکراسی می‌کنند! رئیس‌جمهور امریکا وقیحانه ادعا می‌کند که رسالت گسترش دمکراسی در دنیا و خاورمیانه بر دوش او سنگینی می‌کند! دمکراسی آنها را در زندانهای امثال ابوغریب – که در عراق و گوانتانامو کم هم نیستند – مردم دنیا دارند می‌بینند. این، دمکراسی و حقوق بشر آنهاست! بسیار غافلانه است اگر کسی در داخل جوامع ما و در میان امت اسلامی خیال کند که غربی‌ها باید بیایند به ملّتهای ما دمکراسی و مردم‌سالاری یاد بدهند! ما توقع داریم گویندگان و نویسندگانی که از انصاف برخوردار هستند، طوری حرف نزنند و طوری ننویسند که گویی امروز آنها دارند به مردم ما پیام مردم‌سالاری می‌دهند. مردم‌سالاری را امام آورد؛ مردم‌سالاری را انقلاب آورد. در کشوری که در طول قرنهای متمادی، جز در برهه‌های بسیار کوتاه – که مثل یک لحظه گذشته است – معنای رأی و اراده‌ی مردم را نمی‌دانستند. ما در طول عمر خود چشممان به صندوق رأی نیفتاده بود! برای رأی مردم ایران کسی ارزش قائل نبود و دیکتاتورها در تمام دوران حکومتِ خود بیشترین بی‌اعتنایی را به مردم ما می‌کردند. امام و انقلاب و نظام اسلامی ما مردم‌سالاری را آورد. عده‌یی طوری حرف می‌زنند

www.ourpresident.ir

که گویا ما تازه داریم وارد میدان مردم‌سالاری می‌شویم! این بی‌انصافی نیست؟ این چشم بستن بر روی حقیقت نیست؟

۳. جهانی بودن پیام انقلاب اسلامی

شاخص سوم از شاخصهای مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانیِ این مکتب است. ... مکتب سیاسی اسلام فکر درست و سخن نوی خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند و مثل نسیم بهاری و عطر گلها در همه‌جا می‌پیچد. کسانی که شامه‌ی درستی داشته باشند، آن را استشمام می‌کنند و از آن بهره می‌برند؛ همچنان‌که امروز در بسیاری از کشورهای دنیا بهره‌ی آن را برده‌اند.

شاخص سوم از شاخصهای مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانیِ این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده‌ی سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملّت ایران. ملّت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزّت و استقلال خود را به‌دست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه‌ی بشریت است. مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزّت و ایمان را برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بشریت می‌خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان. البته تفاوت امام با کسانی که برای خود رسالت جهانی قائلند، این است که مکتب سیاسی امام با توپ و تانک و اسلحه و شکنجه نمی‌خواهد ملتی را به فکر و به راه خود معتقد کند. امریکایی‌ها هم می‌گویند ما رسالت داریم در دنیا حقوق بشر و دمکراسی را توسعه دهیم. راه گسترش دمکراسی، کاربرد بمب اتم در هیروشیماست؟! توپ و تانک و جنگ‌افروزی و کودتاگری در امریکای لاتین و آفریقاست؟! امروز هم در خاورمیانه این همه دغل بازی و فریبگری و ظلم و جنایت به چشم می‌خورد. با این وسایل می‌خواهند حقوق بشر و

www.ourpresident.ir

رسالت جهانی‌شان را گسترش دهند! مکتب سیاسی اسلام فکر درست و سخن نوی خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند و مثل نسیم بهاری و عطر گلها در همه‌جا می‌پیچد. کسانی که شامه‌ی درستی داشته باشند، آن را استشمام می‌کنند و از آن بهره می‌برند؛ همچنان‌که امروز در بسیاری از کشورهای دنیا بهره‌ی آن را برده‌اند. فلسطینی‌ها می‌گویند ما حیات دوباره و بیداری خود را از پیام امام گرفته‌ایم؛ لبنانی‌ها می‌گویند ما پیروزی خود بر ارتش رژیم صهیونیستی و اخراج صهیونیست‌ها را از مکتب امام درس گرفته‌ایم؛ مسلمانها در هر نقطه‌ی دنیا – جوانهای مسلمان، روشنفکران مسلمان، نخبگان مسلمان – فتوحات فکری خود در میدانهای سیاسی را برخاسته و برآمده‌ی از مکتب فکری امام می‌دانند؛ توده‌های امت اسلامی با نام اسلام احساس عزّت می‌کنند؛ این همان نگاه بین‌المللیِ مکتب امام به مسائل بشر است؛ مخصوص دنیای اسلام هم نیست؛ لذا امروز مسأله‌ی فلسطین برای ما یک مسأله‌ی اصلی است؛ مصایب امت اسلامی برای ما دردناک است. آنچه در دنیای اسلام اتفاق می‌افتد، برای ملّت ایران و کسانی که به نام و یاد امام بزرگوار دلبسته و دلخوش هستند، مسائل اساسی است؛ نمی‌توانند نسبت به این مسائل بی‌تفاوت بگذرند. برای همین است که دنیای استکبار می‌خواهد بزرگترین جنایتها را نسبت به ملّتهای مسلمان انجام دهد؛ در حالی‌که دیگر ملّتهای مسلمان نبینند، نفهمند و تصمیم نگیرند؛ حتّی اعتراض هم نکنند. ملّت ایران می‌بیند، می‌فهمد، اعتراض می‌کند، موضع می‌گیرد و نسبت به مسائل دنیای اسلام بی‌تفاوت نمی‌ماند.

ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت‌فقیه است.

www.ourpresident.ir

۴. پاسداری از ارزشها و ضوابط دینی

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزشهاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسأله‌ی ولایت‌فقیه روشن کردند. از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، بسیاری سعی کرده‌اند مسأله‌ی ولایت‌فقیه را نادرست، بد و برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشتهای خلاف واقع و دروغ و خواسته‌ها و توقعات غیرمنطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار. این‌که گاهی می‌شنوید تبلیغاتچی‌های مجذوب دشمنان این حرفها را می‌پراکنند، مربوط به امروز نیست؛ از اول، همین جریانات و دست‌آموزها و تبلیغاتِ دیگران این حرفها را مطرح می‌کردند. عده‌یی سعی می‌کنند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقه‌ی فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه – طبق قانون اساسی ما – نافی مسؤولیت‌های ارکان مسؤول کشور نیست. مسؤولیت دستگاه‌های مختلف و ارکان کشور غیرقابل سلب است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت‌فقیه است. بنابراین ولایت‌فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتیِ محض و احیاناً نصیحت‌کننده است – آن‌طوری که بعضی از اول انقلاب این را می‌خواستند و ترویج می‌کردند – نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسؤولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسؤولیتِ خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسؤولیتهای خود باشند. نقش ولایت‌فقیه این است که در این مجموعه‌ی پیچیده و در هم تنیده‌ی تلاشهای گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدفها و ارزشها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده‌بانیِ حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی و عالی‌اش، مهمترین و اساسی‌ترین نقش

www.ourpresident.ir

ولایت‌فقیه است. امام بزرگوار این نقش را از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین فهمید و استنباط کرد؛ همچنان‌که در طول تاریخ شیعه و تاریخ فقه شیعی در تمام ادوار، فقهای ما این را از دین فهمیدند و شناختند و به آن اذعان کردند. البته فقها برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند، اما این را جزو مسلّمات فقه اسلام شناختند و دانستند؛ و همین‌طور هم هست. این مسؤولیتِ بسیار حساس و مهم، به نوبه‌ی خود، هم از معیارها و ضابطه‌های دینی و هم از رأی و خواست مردم بهره می‌برد؛ یعنی ضابطه‌های رهبری و ولایت‌فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه‌های دینی است؛ مثل ضابطه‌ی کشورهای سرمایه‌داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آنها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب می‌کنند، اما ضوابط آنها این است؛ جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن، که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، اینها نیست؛ ضابطه، ضابطه‌ی معنوی است. ضابطه عبارت است از علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملّت را تأمین می‌کند؛ اینها ضابطه‌های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام. کسی که در آن مسند حساس قرار گرفته است، اگر یکی از این ضابطه‌ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه‌ها شود، چنانچه همه‌ی مردم کشور هم طرفدارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد. رأی مردم تأثیر دارد، اما در چارچوب این ضابطه. کسی که نقش رهبری و نقش ولی‌فقیه را بر عهده گرفته، اگر ضابطه‌ی علم یا ضابطه‌ی تقوا یا ضابطه‌ی درایت از او سلب شد، چنانچه مردم او را بخواهند و به نامش شعار هم بدهند، از صلاحیت می‌افتد و نمی‌تواند این مسؤولیت را ادامه دهد. از طرف دیگر کسی که دارای این ضوابط است و با رأی مردم که به‌وسیله‌ی مجلس خبرگان تحقق پیدا می‌کند – یعنی متصل به آراء و خواست مردم – انتخاب می‌شود، نمی‌تواند بگوید

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

من این ضوابط را دارم؛ بنابراین مردم باید از من بپذیرند. «باید» نداریم. مردم هستند که انتخاب می‌کنند. حق انتخاب، متعلق به مردم است. ببینید چقدر شیوا و زیبا ضوابط دینی و اراده‌ی مردم ترکیب یافته است؛ آن هم در حساس‌ترین مرکزی که در مدیریت نظام وجود دارد. امام این را آورد. بدیهی است که دشمنان امام خمینی و دشمنان مکتب سیاسی او از این نقش خوششان نمی‌آید؛ لذا او را آماج حملات قرار می‌دهند. در رأس اینها کسانی هستند که به برکت امام بزرگوار ما و مکتب سیاسی او، دستشان از غارت منابع مادی و معنوی این کشور کوتاه شده است. آنها جلودارند، یک عده هم دنبالشان حرکت می‌کنند. بعضی می‌فهمند چه‌کار می‌کنند، بعضی هم نمی‌فهمند چه‌کار می‌کنند.

۵. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت – در قانونگذاری، در اجرا، در قضا – باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد.

آخرین نکته‌یی که به‌عنوان شاخصه‌ی مکتب سیاسی امام عرض می‌کنم، مسأله‌ی عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت – در قانونگذاری، در اجرا، در قضا – باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این‌که ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم – یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم – اما ثروتها در گوشه‌یی به نفع یک عده انبار شود و عده‌ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین

www.ourpresident.ir

مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسؤولیت ماست. همه‌ی برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه‌ی کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکتِ خود به‌حساب آورند.

این مکتب، نظام اسلامی را بنیانگذاری کرد. بیست‌وپنج سال از آن زمان می‌گذرد. بیشترین حملات هم در طول این بیست‌وپنج سال به کشور و ملّت ما و این مکتب سیاسی شده است؛ اما ملّت ما روزبه‌روز پیشرفت کرده است.

بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ـ ۸۳/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

روحانیت و نقش برجسته‌ی آن در تاریخ ایران

امروز کشور و جامعه‌ی اسلامی ما با همه‌ی دوران گذشته‌ی تاریخ متفاوت است. به همین نسبت، نقش روحانیت هم امروز فوق‌العاده برجسته‌تر است از آنچه در گذشته داشته است. در گذشته، روحانیت ما همیشه به‌عنوان یک مجموعه‌ی بکلی جدا از اداره و تدبیر حرکت جامعه قرار داشته؛ خودش مغلوب گروه مغلوبی بوده. حتّی در دورانی هم که پادشاهان صفویه مدعی تشیع بودند و به علما احترام می‌کردند و فتحعلی‌شاه به خانه‌ی میرزای قمی در قم می‌رفت و زیر بازوی او را می‌گرفت، روحانیت یک گروه کاملاً حاشیه‌یی بود؛ مثل این‌که جریانی مانند سیل دارد حرکت می‌کند، خلیج کوچکی هم در این گوشه قرار دارد؛ با این جریان ارتباط دارد، اما هیچ تأثیری در این جریان به‌صورت بنیانی و اصولی ندارد. نه تنها روحانیت، دین هم این‌طور بوده است. امروز برای اولین بار در تاریخ کشور ما – بلکه در تاریخ کشورهای اسلامی – بعد از صدر اسلام، دین منشأ و منبع قدرت و تدبیر امور و اداره‌ی جامعه شده است. شاخص، بودن و نبودن روحانی

www.ourpresident.ir

نیست؛ شاخص، بودن دین و نبودن دین است. مجلس قانونگذار ما، مجلس شورای اسلامی است؛ یعنی ملاک قبول و عدم قبول قوانین ما، انطباق و عدم انطباقِ با دین است – شورای نگهبان – یعنی قوه‌ی مجریه‌ی کشور و همه‌ی بازوان و دستان و سرانگشتان اداره‌ی کشور، به یک منشأ دینی متصل می‌شود؛ اینها خصوصیات اصلی جامعه‌ی امروز ماست؛ این در گذشته سابقه نداشته است. اگر می‌بینید جبهه‌ی عظیم کفر و استکبار در همه‌ی اشکال گوناگون آن با این نقاط بشدت معارضه می‌کند، به‌خاطر این است. با شورای نگهبان سخت مخالفند؛ با مجلسی که شورای اسلامی باشد، بشدت مخالفند؛ با رئیس جمهوری که دم از اسلام بزند، بشدت مخالفند؛ به طریق اولی با رهبری و ولایت فقیه صددرصد مخالفند؛ چون اینها نقطه‌های اساسی‌یی است که حرکت و جهتگیری اسلامیِ نظام را تأمین می‌کند. اگر در تاریخ همین‌طور عقب بروید، این وضعیت تا صدر اسلام سابقه ندارد. اگر این کشور توانست در میدانهای تحرک و پیشرفت مادی به موفقیتهایی دست پیدا کند؛ اگر توانست علم و فناوری و صنعت پیدا کند؛ اگر توانست یک سیاست بین‌المللی و یک دیپلماسی قوی پیدا کند؛ اگر توانست اقتصاد جامعه را سر و سامان دهد؛ اگر توانست از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین، اعم از معدن و کشاورزی و امثال اینها استفاده کند؛ اگر توانست از سرزمین وسیع و متنوع ایران و موقعیت مهم سوق‌الجیشی آن استفاده کند؛ و خلاصه، اگر توانست با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی خودش را همراه کند، این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنیِ چراغ برافروخته‌ی فضیلت و معنویت به‌دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید؛ این در تاریخ کم‌سابقه است و در مقابل تمدن غربی یک پدیده‌ی بشدت هشداردهنده است. اگر در این مجموعه، شما نقش روحانیت را برجسته کردید، ببینید چقدر به این مدنیت خدمت کرده‌اید.

بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیة‌الله مجتهدی ـ ۸۳/۳/۲۱

www.ourpresident.ir

ارزش پیشرفتها در گرو دیانت و معنویت

دانشهای جدید، خیلی خوب است. ما جوانهایی را که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند، به علم و تحقیق و پژوهش تشویق می‌کنیم. می‌شنوید و می‌بینید؛ من به دانشگاه‌ها می‌روم و با جوانهای دانشجو و اساتید صحبت می‌کنم و آنها را به شکستن مرزهای دانش ترغیب می‌کنم؛ از مرزها عبور کنند، دانش جدید به‌دست آورند و علم تولید کنند؛ اینها کارهایی است که باید بشود. مدیران و بازوان فعال کشور را به کار فناوری و صنعت و کشاورزی و تولید و تکثیر ثروت ملی تشویق و ترغیب می‌کنیم؛ در این کار تلاش و سرمایه‌گذاری می‌کنیم؛ همه‌ی اینها لازم است؛ به شرطی که به بهترین وجه انجام بگیرد. اما اگر شما که برای روشن نگهداشتن فروغ معنویت و فضیلت و دین کمر بسته‌اید، غایب باشید، همه‌ی این پیشرفتها بی‌ارزش خواهد شد؛ بلکه به ضد ارزش تبدیل خواهد شد. اهمیت حوزه‌های علمیه، این‌جا معلوم می‌شود. با این نگاه، کار شما از همه‌ی کارهایی که انجام می‌گیرد، مهمتر است. وجود یک مجموعه‌ی روحانیِ عالم، روشن‌بین، روشنفکر، شجاع، پارسا، پاکدامن،

www.ourpresident.ir

دارای آگاهی وسیع و برخوردار از خشیت الهی، در جامعه‌یی که در حال پیشرفت است، نویدبخش این است که این پیشرفتها در جهت گمراهی و ضلالتِ هر چه بیشتر، و در فرآیند تاریخی در جهت سقوط به‌کار نخواهد رفت؛ این نقش شما جوانهای طالب علم و محصل علوم دینی است؛ این را قدر بدانید؛ خیلی مهم است. البته مشکلاتی در سر راه شماها وجود دارد. امروز طلاب و روحانیون ما مشکلات بسیاری دارند؛ مشکلات مادی دارند ، مشکلات حیثیتی دارند، سختی‌های گوناگون دارند، محرومیتهایی دارند؛ منتها اینها در راه این هدف بزرگ صفر است. هیچ مجموعه‌یی بدون دست و پنجه نرم کردن با مشکلات نتوانسته است یک نقش اثرگذار و ماندگار ایفا کند و به‌وجود بیاورد. طبیعت بشر این‌طور نیست که با راحت‌طلبی و برخورداری از آسایشِ مطلق بتواند به‌جای والایی دست پیدا کند؛ سختی‌ها را باید تحمل کرد؛ این همان سمتگیری به سوی رضای الهی و نقش آفرینی در سعادت یک جامعه است. حوزه‌های علمیه امروز می‌توانند خود را آن‌چنان بسازند که به معنای حقیقی کلمه نقش‌آفرین باشند.

بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیة‌الله مجتهدی ـ ۸۳/۳/۲۱

www.ourpresident.ir

دشمنی رژیم پهلوی با حوزه‌ی علمیه قم

حوزه‌ی قم در سال ۱۳۴۰ قمری - یعنی تقریباً هشتاد و پنج سال قبل - توسط مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری به‌وجود آمد و در سال ۱۳۵۵ قمری - یعنی پانزده سال بعد - با درگذشت مؤسس آن حوزه، بظاهر متلاشی شد؛ یعنی در اوج اقتدار و اختناق رضاخانی. وقتی مرحوم آقا شیخ عبدالکریم حائری از دنیا رفت، همان چند صد طلبه‌یی هم که در قم بودند، متفرق شدند. گرسنه و بی‌پول و بی‌منشأ درآمد و ترسان، روزها بیرون شهر قم می‌رفتند و در باغهای اطراف قم مباحثه می‌کردند؛ شب به مدرسه‌ی فیضیه یا به خانه‌هایشان برمی‌گشتند. اما در میان همان طلاب آواره‌ی پراکنده‌ی ترسانِ مرعوبِ از اقتدار دستگاه و زیر فشار شدید اقتصادی و حیثیتی و سیاسی، کسی مثل امام خمینی بیرون آمد. چهل سال بعد از تشکیل حوزه‌ی قم - یعنی در سال ۱۳۸۱ قمری - نهضت روحانیت شروع شد؛ اینها خیلی معنا دارد. تازه از این چهل سال، چندین سالش با این شدت گذشته بود. در فروردین سال ۱۳۴۲ شمسی که حوادث مدرسه‌ی فیضیه و زدن

www.ourpresident.ir

طلاب و انداختن آنها از بالای پشت‌بام پیش آمد، همان روز ما منزل امام رفتیم. بنده آن‌وقت طلبه‌ی جوانی بودم در سن الان شماها. دستگاه اختناق محمّدرضا علیه حوزه‌ی علمیه، شمشیر را از رو بسته بود. در خیابان ارم قم طلبه جرأت نمی‌کرد – این را من به چشم خودم دیدم – از این طرف خیابان به آن‌طرف برود! کماندوهای دستگاه شاه مثل شمر می‌ریختند سرش، کتکش می‌زدند، عمامه‌اش را برمی‌داشتند و لباسش را پاره می‌کردند. در چنین حالت رعب‌آوری، آن روز امام (رضوان‌الله‌علیه) بعد از نماز مغرب و عشا به خانه‌شان رفتند – همین خانه‌یی که الان هم در قم هست – طلبه‌ها هم رفتند، بنده هم بودم. ایشان خاطره‌ی اختناق دوران رضاخانی و رفتن طلبه‌ها به بیرون از قم را یادآوری کردند و گفتند آن‌روز ما این‌طور زندگی کردیم؛ آنها رفتند و ما ماندیم؛ حالا هم اینها خواهند رفت و شما خواهید ماند. این پیشگوییِ امام بود؛ پیشگوییِ مبنی بر وعده‌ی الهی. خدای متعال وعده کرده است که اگر جماعتی در راه او مجاهدت و ایستادگی کنند و دارای ایمان باشند، قطعاً به هدف خواهند رسید. وعده‌ی الهی دروغ نیست. خدای متعال راه را جلوی پای انسان می‌گذارد و قدم به قدم دست انسان را می‌گیرد. وقتی هدف، خدا بود، «والذّین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا»[1]. عمده، وجود این انگیزه و این ایمان است؛ وارد میدان شدن و تلاش کردن است. هر جا این باشد، موفقیت بدون تردید حاصل خواهد شد.

بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیة‌الله مجتهدی ـ ۸۳/۳/۲۱

۱. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹.

www.ourpresident.ir

تباهی ایران در دوران قاجار و پهلوی

در دوران حاکمیت بیست و پنج ساله‌ی نظام اسلامی، چندین برابرِ صد سال گذشته در این کشور کار شده است؛ صد سالی که خاندانهای ننگین قاجار و پهلوی بر این مملکت حکمروایی مستبدانه داشتند و برای این ملّت کاری نکردند و ظرفیتها را یا بر باد دادند و یا استفاده نشده باقی گذاشتند. آنچه ملّت و کشور را به سمت یک آینده‌ی مناسب با شأن این کشور حرکت داده، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم همدان ـ ۸۳/۴/۱۵

www.ourpresident.ir

انقلاب و نهادینه کردن آزادی و استقلال

انقلاب اسلامی دو موضوع را در این کشور نهادینه کرد: یکی، آزادی و دیگری، استقلال. آن جامعه‌یی که دو هزار و پانصد سال دچار دیکتاتورزدگی و استبدادزدگی بود - جامعه‌ی بزرگ ایرانی ما، که واقعاً عادت کرده بودیم به استبداد - امروز دیگر به برکت انقلاب این‌طوری نیست و اگر کسی هم خدای نخواسته یک وقت به ذهنش خطور کند که با مردم مستبدانه برخورد کند، مردم دیگر قبول نمی‌کنند. حالا شما ببینید درباره حضور استبداد در نظام جمهوری اسلامی، چقدر اینها تبلیغ می‌کنند. این حرف، مثل این است که بگویند این روز، شب است!

استقلال را هم نظام جمهوری اسلامی در ایران نهادینه کرد. این ملّت دیگر به هیچ قیمتی وابستگی به قدرتهای بزرگ را نخواهد پذیرفت - توجه کنید! آن‌که معلوم است؛ «مرگ بر امریکا» که هست ان‌شاءالله - آنچه که من می‌خواهم به شما جوانهای عزیز و به همه‌ی بسیجیان و به همه‌ی جوانهای متعهد کشور بگویم، این است که آنچه تا امروز کرده‌ایم، خیلی ارزشمند

www.ourpresident.ir

است؛ همین نهادینه کردن آزادی و استقلال در کشور از لحاظ اهمیت و ارزش و دستاوردهای مادی و معنوی که در طول این بیست‌وپنج سال به برکت نظام جمهوری اسلامی به‌دست آمده، قابل توصیف نیست، لیکن اینها پایان کار نیست؛ اینها آغاز کار است.

بیانات در دیدار اعضای بسیج و پرسنل اداره کل اطلاعات استان همدان ـ ۸۳/۴/۱۶

www.ourpresident.ir

بیداری انسانها، بزرگترین کار نهضت اسلامی

کشور ما و ملّت بزرگ ما و بخصوص طبقه‌ی جوان ما آن روز به‌طور عام – فقط استثناءها بیرون بودند – دچار غفلت بود. در میان این غافلین آدمهای متدین و متورع هم بودند، آدمهای بی‌دین و لاابالی هم بودند؛ کسانی هم بودند که اهل گناه نبودند، جوانهای پاکی بودند؛ اما در غفلت عمومیِ جوانها همه همراه بودند. بزرگترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگر زدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتناییِ به آینده خارج شویم. سعدی در گلستان – داستان دوم یا سومِ باب اول – حکایت مجموعه‌ی دزدانی را ذکر می‌کند؛ می‌گوید اینها می‌خواستند به افرادی حمله کنند؛ اما «اولین دشمنی که بر ایشان تاخت، خواب بود»؛ قبل از این‌که دشمن بیرونی بیاید، یک دشمن از درونِ خودشان بر آنها غلبه کرد؛ آن دشمن عبارت بود از خواب. ما خواب بودیم، انقلاب ما را بیدار کرد. من خودم وقتی از سه هزار و صد سال تاریخ همدان یاد می‌کنم، احساس افتخار می‌کنم. همدان خانه‌ی من هم هست. سه‌هزاروصد سال شهری سر پا بماند،

www.ourpresident.ir

آدم احساس افتخار می‌کند؛ اما این یک بعد قضیه است. بعد دیگر قضیه این است که در این سه‌هزار و صد سال تاریخ ایران – که نماد آن، همدان است – ما مردم ایران آیا آن‌چنان که پیغمبران الهی و ادیان الهی و بعثت الهی از انسان خواسته است، بر سرنوشت خود حاکم بوده‌ایم؟ خودمان را یافته‌ایم؟ برای آینده‌ی خودمان طراحی کرده‌ایم؟ بهترین دوره‌های این تاریخ طولانی و کهن، دوره‌هایی است که پادشاه دیکتاتورِ باعرضه‌یی سر کار بوده؛ او برای ما تصمیم گرفته؛ او برای ما آینده را طراحی کرده؛ او کشورگشایی کرده.

بیانات در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ـ ۸۳/۴/۱۷

www.ourpresident.ir

فرصت انتخاب چشم‌انداز در جمهوری اسلامی

ملّت ایران به‌عنوان یک ملّت و یک مجموعه، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فرصت و مهلت این را نیافت که برای خود چشم‌اندازی تعریف کند؛ آن چشم‌انداز را انتخاب کند؛ برای آن چشم‌انداز برنامه‌ریزی کند و به سوی آن چشم‌انداز حرکت کند. تا چشم‌انداز را برای خود تعریف نکنیم، هیچ کار درستی صورت نخواهد گرفت – همه‌اش روزمرّگی است – بعد از آن که تعریف کردیم، اگر برنامه‌ریزی نکنیم، کارِ بی‌برنامه به سامان نخواهد رسید. بعد از آن‌که برنامه‌ریزی کردیم، اگر همت نکنیم، حرکت نکنیم، ذهن و عضلات و جسم خود را به تعب نیندازیم و راه نیفتیم، به مقصد نخواهیم رسید؛ اینها لازم است.

یک وقت صحبت سر یک فرد است، او تصمیم می‌گیرد که بلند شود؛ اراده می‌کند که حرکت کند، و حرکت می‌کند؛ اما یک وقت صحبتِ یک ملّت است؛ یک ملّت باید حرکت کند؛ یک ملّت باید راه بیفتد؛ یک ملّت باید انتخاب کند؛ این‌جا کار پیچیده و دشوار است. انقلاب به ما این توان را داد

www.ourpresident.ir

که توانستیم دیواره‌ی سنگیِ تاریخی را بشکافیم و خود را از این چارچوب و حصار سنگی خارج کنیم. انقلاب به این اندازه هم اکتفا نکرد، بلکه یک الگو را در مقابل ما گذاشت و آن، جمهوری اسلامی است؛ «جمهوری» و «اسلامی».

بیانات در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ـ ۸۳/۴/۱۷

www.ourpresident.ir

اعتماد امام به مردم و پیشگامی او در حرکت

این مردم، بسیار مردم خوبی‌اند. حقیقتاً ملّت ایران از لحاظ شاخصهای شخصیتی، کرامتی و ارزشی در نقطه‌ی اوج‌اند؛ منیع‌الطبع، با گذشت، با ایمان، عازم، دارای شجاعت و آماده‌ی برای فداکاری. قبل از انقلاب، هیچ کس اینها را به‌خوبیِ امام نمی‌فهمید. نخستین کسی که از شخصیتهای برجسته، این خصوصیات را در مردمِ ما شناخت و جست و روی آنها تکیه کرد، امام بزرگوار ما بود. همان وقت مَن با بعضی از بزرگان تماس می‌گرفتم و چیزی می‌گفتم؛ اما آنها تقصیر را گردن مردم می‌انداختند: مردم نمی‌آیند، مردم نمی‌کنند، این مردم را ول کنید. امام در نقطه‌ی مقابل آنها، این مردم را شناخت؛ به این مردم اعتماد کرد؛ با این مردم صادقانه حرف زد؛ منتظر نشد مردم راه بیفتند؛ اول خودش راه افتاد؛ رهبر یعنی این. فرق میان رهبری مثل امام و یک راهنمای معمولی این است که راهنما اشاره می‌کند و می‌گوید اگر می‌خواهی فلان‌جا بروی، از این‌جا برو؛ بعد بپیچ دست راست، بعد بپیچ دست چپ؛ اما رهبر راه می‌افتد و خودش به طرف مقصد می‌رود؛ می‌گوید

www.ourpresident.ir

هر کس آمدنی است، با من بیاید؛ امام این‌طوری بود. ایشان مطمئن هم بود که مردم می‌آیند، و مردم با او آمدند. اول، او این خصوصیات را کشف کرد و ما به‌عنوان آدمهای کوته‌بین – بنده خودم را می‌گویم – کم تجربه و به‌عنوان کسی که مردم را درست نمی‌شناسد، با حیرت و تعجب حرکت عظیم مردم را تماشا کردیم و مجذوب او شدیم. این را ما اول در انقلاب تجربه کردیم. ما خیال نمی‌کردیم خیلی‌ها این‌طور به میدان بیایند؛ اما آمدند؛ جان دادند، جوان دادند، هستی‌شان را دادند و هرجا برای انقلاب لازم بود، ایستادند. اکثریت عظیمی از مردم این‌طور بودند.

در دیدار مسؤولان و نخبگان استان همدان ـ ۸۳/۴/۱۹

www.ourpresident.ir

اصول و آثار انقلاب اسلامی در عرصه‌ی جهانی

اصول سیاست خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست. ما کار کوچکی که نکردیم؛ ما حادثه و پدیده‌ی جدید و عظیم و عمیق و ماندگاری را به‌وجود آورده‌ایم که انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی است. ما چه در اول انقلاب اصول سیاست خارجی خودمان را تدوین کرده باشیم و چه نکرده باشیم، نفس ایجاد این حرکت و پدیده‌ی جدید، در بطن خود تکلیف ما را در مسائل سیاست خارجی روشن کرده است. ما همچنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به‌هم زدیم، نظام ارباب – رعیتی سیاسی و اجتماعی را به‌هم زدیم، دید ما در مسائل جهانی هم همین است؛ ما با نظام ارباب – رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولتها و ملّتها استقرار دهیم. امروز یکجانبه‌گرایی و انحصار ابرقدرتی امریکا مطرح و تکرار می‌شود، که البته موضوع کاملاً منفی‌یی است؛ اما اگر

www.ourpresident.ir

یکجانبه‌گرایی نباشد و ابرقدرتی هم منحصر به امریکا نباشد – مثل آن‌روزی که امریکا و شوروی ابرقدرت بودند – باز هم با نظام سلطه مخالفیم. ما آن‌روز هم مخالف بودیم، امروز هم مخالفیم؛ این سیاست جمهوری اسلامی است. ما روابط ناشی و برآمده‌ی از نظام سلطه در سیاست بین‌المللی را رد می‌کنیم؛ قبول نداریم. خودمان هم در هویت و شخصیت جمهوری اسلامی مانع می‌شویم از این‌که وارد نظام سلطه شویم و اجازه دهیم که بر ما سلطه‌یی به‌وجود بیاید یا خود ما بخواهیم سلطه‌گری کنیم. ما این فکر را در دنیا ترویج و منعکس می‌کنیم و بر اساس آن کار می‌کنیم؛ این اساس سیاست ماست.

در مقدمه‌ی قانون اساسی ما دفاع از مسلمانان و محرومان به‌صراحت ذکر شده است؛ ما دفاع از مسلمانها و دفاع از ملّت مظلوم را جزو سیاستهای اصولی خودمان می‌دانیم و از آن عدول نمی‌کنیم. استحکام و عمق فکر دفاع از یک ملّت مظلوم در سیاست ما بمراتب بیشتر از عمق سیاست دفاع از صهیونیسم در مجموعه‌ی سیاسی دولتی مثل امریکاست. آنها جزو اصول سیاسی‌شان – البته با تفاوتهایی – دفاع از دولت، حکومت و اشغال صهیونیستی است؛ از این دست‌بردار هم نیستند؛ لکن این بر هیچ مبنای فکری و عقیدتی در کاوش نهایی استوار نیست؛ ولی دفاع از ملّت مظلوم فلسطین یا دفاع از هر ملّت مظلوم دیگر یا مخالفت با اشغالگری و تسلط نظامی، بیش از این در سیاست و در برنامه‌ی عملی ما عمق دارد؛ اما این‌که چقدر می‌توانیم یا نمی‌توانیم، و این‌که چقدر برای ما فرصت و ظرفیت وجود دارد تا آن را پیش ببریم، بحث دوم است. واقعیت آن بحث، نمی‌تواند این حقیقت را در تفکر و نگاه ما به سیاست خارجی عوض کند. ممکن است اهداف کوتاه مدت و تاکتیکی را در موردی پیدا کنیم و از آنها استفاده کنیم، که این بستگی دارد به این‌که چقدر توانایی و هوشمندی و کاردانی و سرعت عمل و سرعت انتقال می‌توانیم به‌خرج دهیم؛ اما این موضوع، نمی‌تواند آن

www.ourpresident.ir

نگاه و سیاست اساسی ما را، در زمینه‌ی مسائل عالم و صحنه‌ی عمومی روابط بین‌المللی، عوض کند. ما طرفدار اسلام و طرفدار مسلمانها و طرفدار بیداری اسلامی هستیم و با تغذیه‌ی قدرتهای استثمارگر از منابع غنی ملّتهای مظلوم مخالفیم؛ با استعمار و با استثمار مخالفیم و این مخالفت در زبان و حرف هم نیست؛ اعتقاد ما این است و قالب سیاست خارجی ما هم همین است و این –همین‌طور که گفتم – بر اساس تفکر جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی پدیده‌ی کوچکی نبوده و تا امروز پدیده‌یی باعظمت‌تر و عمیق‌تر و ماندگارتر از تشکیل نظام جمهوری اسلامی به‌وجود نیامده است. قبل از آن را به تاریخ نگاه کنید و ببینید بوده یا نه؛ اما ما در دوران خودمان عمیق‌ترین، مهم‌ترین، ماندگارترین و اصیل‌ترین پدیده در سطح تعامل جهانی و روابط بین‌المللی و حیات انسانی در سطح جهان هستیم. کار بزرگی انجام داده‌ایم، که مفت هم انجام نگرفته و برای آن مجاهدت و کار شده است؛ شهید دادیم، خون دادیم، عواطف و احساسات یک ملّت را پشت سر این حرکت همیشه مشاهده کرده‌ایم – که تا امروز هم هست – و از خودمان دفاع کرده‌ایم؛ دفاع جانانه. این‌طور نبوده که ما روی جاده‌ی آسفالته راه برویم.

بیانات در دیدار مسوولان وزارت امورخارجه و روسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ـ ۸۳/۵/۲۵

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

سه شاخص اصلی اسلام ناب
معنویت، عقلانیت، عدالت

ما از اسلام دفاع می‌کنیم. اما منظور ما از اسلام چیست؟ اسلامِ ما با اسلام متحجر از یک سو و اسلام لیبرال از سوی دیگر، در اصول و مبانی کاملاً متفاوت است. ما هم این را رد می‌کنیم و هم آن را. اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت؛ این سه شاخص عمده در آن هست. ما از معنویت به هیچ عنوان صرف‌نظر نمی‌کنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است. عقلانیت مهمترین ابزار کار ماست؛ عقل را به‌کار می‌گیریم. همین‌طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه‌ی ماست، و در کنار آن، مصلحت. ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم. این، مخصوص سیاست خارجی ما نیست، بلکه در همه‌ی زمینه‌هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست. از عدالت هم به‌عنوان یک هدف به هیچ وجه صرف‌نظر نمی‌کنیم. این‌که تصور شود چون دنیای سرمایه‌داریِ مبتنی بر

www.ourpresident.ir

لیبرال دمکراسی برایش مسأله‌ی عدالت، مسأله‌ی فرعی و درجه‌ی دو و ابزاری است و برای آنها مسأله‌ی نفع و سود و پول مسأله‌ی اصلی است، موجب نمی‌شود که ما از عدالت به معنای یک مسأله‌ی محوری و اصلی صرف‌نظر کنیم. ما در قالبهای اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی‌مان، مسأله‌ی عدالت محور است. اسلام ما این است: اسلامِ معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزشهای غربی و ارزشهای امریکایی را ترویج کند و از روشهای آنها استفاده کند و با آنها در بخش‌های مختلف همرنگ و همصدا شود و احیاناً دعای ندبه‌یی هم بخواند. ما اسلام متحجرِ طالبانی را هم قبول نداریم. نه این‌که حالا قبول نداریم، از اولِ جریان نهضت آن را قبول نداشتیم. از بین شماها، کسانی که سابقه‌ی بیشتری دارند، از پیش از انقلاب یادشان است و جریانهای اسلامیِ پیش از انقلاب را می‌شناسند و می‌فهمند من چه می‌گویم. از اول، حرکتِ نهضت، حرکت روشنفکری و عقلانی بود و با تحجر هم مخالف. امروز هم روزبه‌روز همین رویکرد در تفکر اسلامی ما تقویت شده و تضعیف نشده است. ما بین این دو، صراط مستقیم خودمان را انتخاب کرده‌ایم و پیش می‌رویم. بنابراین، اساس کار ما این است و دیپلماسی ما بر روی این پایه‌ها استوار است و ما به دنبال چنین اسلامی هستیم. ما دنبال استحکام جمهوری اسلامی و دنبال بیداری اسلامی هستیم و می‌خواهیم اهداف خودمان را تحقق بخشیم و به هیچ‌وجه مایل نیستیم و اجازه نمی‌دهیم که بخواهند ما را در معادلات رایج جهانی حل کنند و هویت و تشخص ما را از بین ببرند.

بیانات در دیدار مسوولان وزارت امورخارجه و روسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ـ ۸۳/۵/۲۵

www.ourpresident.ir

ریشه‌یابی مخالفتهای سلطه‌گران با انقلاب اسلامی

اتفاقات ریز و درشتی در زمینه‌ی مسائل داخلی، خارجی، مخالفت‌ها، معارضه‌ها، انرژی اتمی و دیگر مسائل جریان دارد. ما اگر توجه کنیم کجا ایستاده‌ایم و در چه وضعیتی هستیم، جواب همه‌ی این سؤالها داده می‌شود؛ این‌که این اتفاقها چرا می‌افتد و انگیزه و هدف چیست؟ مسأله این است که ملّت ایران با انقلابِ خودش سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی در انداخته است. روزی که دنیا دو قطبی بود و دو ابرقدرت با همدیگر آن‌طور معارضه داشتند، در مقابله‌ی با این طرحِ نو با هم همدست شدند. پس معلوم می‌شود که طرح نوی ملّت ایران که با انقلاب اسلامی آن را به میدان آورد، چیزی است که جهت مشترک دو ابرقدرت را هدف و آماج خود قرار داده بود و آن را تهدید می‌کرد. آن جهت مشترک چیست؟ قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی. بله، ما با نظام سلطه مواجه شدیم. نظام سلطه یعنی این‌که در دنیا یک امپراتوریِ قدرت وجود دارد، متشکل از طرفهایی. در مقابل آنها، منابع ثروت متعلق به ملّتها وجود دارد. رابطه‌ی بین این دو

www.ourpresident.ir

قطب، رابطه‌ی سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری می‌کند؛ ملّتهایی هم که یا خاکشان، یا آبشان، یا نفت‌شان، یا منابعشان، یا موقعیت سوق‌الجیشی‌شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعش تأمین می‌شود، تقدیم او کنند. اگر این کشورها منابع و ثروت خود را تقدیم کردند، فبها؛ مثل خیلی از کشورهای جهان سوم به‌اصطلاحِ رایج؛ یعنی کشورهای عقب‌افتاده. دولتهایی سر کار بودند و منافع ملّتهای خود را دودستی تقدیم می‌کردند؛ مثل کشور خود ما در دوران رژیم طاغوت؛ اینها مطیع و تسلیم بودند. تسلیم بودن معنایش این نبود که در همه‌ی امور حرف آنها را گوش می‌کردند؛ نه، در برخی از امور اختلاف‌نظر هم داشتند، اما خواسته‌ی آنها را برآورده می‌کردند. آنها می‌گفتند قرارداد نفت این‌طوری باشد، اینها قبول می‌کردند؛ در اپک آن‌طوری تصمیم بگیرید، اینها می‌گفتند چشم؛ نسبت به اسرائیل و صهیونیسم این‌گونه عمل کنید، اینها می‌گفتند چشم؛ نسبت به کشورهای منطقه این‌گونه عمل کنید، اینها می‌گفتند چشم؛ موضعگیری‌تان در سازمان ملل این‌طوری باشد، اینها می‌گفتند چشم؛ بعد بتدریج وارد امور داخلی کشورها می‌شدند و می‌گفتند دولتِ آن‌طوری به‌کار بگمارید، این سیاستها را اعمال کنید، چنین تغییراتی در کشور به‌وجود بیاورید، اینها هم می‌گفتند چشم.

بیانات در دیدار مسؤولان نظام ـ ۸۳/۸/۶

www.ourpresident.ir

استبداد کهن قاجار و استبداد مدرن پهلوی

نامه‌ی حضرت به مالک‌اشتر خیلی عجیب است. واقعاً حِکَمی که در این نامه هست، «لا تُعدّ و لاتُحصی» است. گفت:

هـرچه گـــویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم خجل باشم از آن

وقتی انسان به اعماق این نامه باز می‌گردد، واقعاً در مقابل عظمتی که در هر فراز و جمله‌بندی آن وجود دارد، احساس حقارت می‌کند. می‌فرماید: «و انّما یؤتی خراب الأرض من اعواز اهلها»؛ ویرانی زمین از تنگدستی مردم زمین حاصل می‌شود؛ یعنی وقتی مردم تنگدست بودند، زمین ویران می‌شود. حضرت این را به عنوان یک نکته‌ی فلسفی بیان نمی‌کنند؛ به عنوان یک واقعیت بیان می‌کنند. «ارض»ی هم که این‌جا می‌گویند، همان سرزمین مصر است که مالک‌اشتر دارد می‌رود. البته آن‌وقت شام و عراق و ایران و مدینه و هر نقطه‌ی دیگر دنیا که حاکمی دارد، با مصر قابل مقایسه است. می‌گویند سرزمینی که تو داری به آن‌جا می‌روی، اگر توانستی مردمش را ثروتمند کنی،

www.ourpresident.ir

آباد خواهد شد؛ اما اگر مردم را فقیر نگه داشتی یا فقیر کردی و نتوانستی، این سرزمین هم آباد نخواهد شد؛ ویرانه خواهد ماند. مردم هستند که باید با نشاطِ خودشان و با توانایی‌هایی که پیدا می‌کنند، سرزمین‌شان را آباد کنند. ابتکار آحاد مردم است که همه جای زمین را آباد می‌کند. بعد می‌فرمایند: «و انّما یعوز اهلها». اعواز، باب افعال است؛ اما لازم است: مردم تنگدست می‌شوند. حضرت با لامِ تعلیل می‌فرمایند: «لاشراف انفس الوُلاة علی الجمع»؛ فقر مردم، تقصیر فرمانروایان است؛ آنها هستند که موجب فقر مردم می‌شوند؛ چون آنچه را که از ثروت و منافع به‌دست می‌آید، برای خودشان می‌خواهند؛ این موجب فقر مردم می‌شود. البته یک وقت فرمانروایان مثل مستبدهای قدیم هستند؛ مانند رضاخان که همه چیز را می‌خواست و به حدی قانع نبود. یک عده هم از بغل او استفاده می‌کردند؛ آنها هم می‌بردند. اول، سهم پادشاه بود و بعد هم بتدریج آنهایی که در حاشیه‌ی پادشاه قرار داشتند، هر کدام به قدر خودشان می‌بردند. استبدادهای قدیم این‌طور بود. البته شکل مدرن‌ترش در حکومت پهلوی بود؛ شکل قدیمی‌ترش را هم در کتابها، از قاجاریه و دوره‌ی ناصرالدین شاه و بقیه خوانده‌ایم. یک شکل هم روش مدرن است؛ یعنی روش حکومتهای بظاهر دمکرات که باطن استبدادی دارند؛ امروز زمام این حکومتها به دست کمپانی‌های اقتصادی است؛ اینها طراح سیاستها هستند. بظاهر کاره‌یی نیستند، اما در باطن نماینده‌ی مجلس را اینها می‌فرستند؛ رئیس‌جمهور را اینها روی کار می‌آورند. رئیس‌جمهور اعوان و انصاری دارد، سفرایی دارد، وزرایی دارد، مدیران گوناگونی در رده‌های مختلف دارد؛ در واقع این مجموعه حاکمند. نوع اِعمال استبداد هم مثل سابق نیست که بگوید حکم می‌کنم. وقتی رضاخان می‌خواست اِعمال استبداد کند، در تهران اعلامیه داد و در آن، چهار پنج بار «حکم می‌کنم» آورد. امروز حاکم نمی‌گوید حکم می‌کنم؛ آن نزاکت دمکراتیک را به‌هیچ‌وجه از دست

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

نمی‌دهد. اصلاً حکم نمی‌کند؛ اما مسیر کار، همان «حکم می‌کنم» است. یعنی قانونی که برای این کمپانی لازم است، حتماً تصویب می‌شود؛ حرکتی که برای حیات پیدا کردن این کمپانی‌ها لازم است، حتماً انجام می‌گیرد؛ ولو در حد حمله‌ی به کشوری مثل عراق. از آبادسازی عراق و نفت عراق مگر چه کسانی استفاده می‌کنند؟ حکومتهای امریکا یا انگلیس، دولت‌سالار نیستند که کمپانی و نفت و همه چیز مال آنها باشد و بگوییم آنها استفاده می‌کنند؛ نه، دستگاه مالیِ اقتصادیِ مسلطِ بر این کشورهاست که از هر چیز جدیدی استفاده می‌کند.

بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ـ ۸۳/۸/۲۰

www.ourpresident.ir

۱۹ دی نقش‌آفرینی تاریخی مردم قم

روز نوزدهم دی یکی از مقاطع مهم تاریخ سیاسی ملّت ماست. اگر نگاه تیزبینی با قدرت تحلیل به این حادثه نگاه کند، خواهد دید که حادثه‌ی نوزدهم دی یک مقطع تاریخی در زندگی سیاسی ملّت ایران است. قهرمان این حادثه هم مردم قم هستند؛ اعم از جوانان پرشور و مردم مؤمن در آن شهر و حوزه‌ی کهنِ علمیه‌ی جوان شده که نقش خود را به معنای حقیقی کلمه، آن روز و پس از آن روز ایفا کرد.

مسأله هم به‌طور خلاصه این بود که ملّت ایران از فشار دیکتاتوری رژیم دست‌نشانده از یک طرف، فشار زندگی از یک طرف، فشار تحمیل فرهنگ فساد از یک طرف، و سلطه‌ی خارجی و به‌طور مشخص عوامل و عناصر امریکایی از یک طرف، به ستوه آمده بود. این خشم عمومی و این انگیزه‌ی عمومی از ایمان مذهبی ملّت ایران به‌طور کامل سیراب شد و معنا پیدا کرد. این خشم عمومی، خشم کور نبود؛ انگیزه‌ی تعریف نشده نبود؛ مردم می‌فهمیدند که چه می‌خواهند و چه کار می‌خواهند بکنند؛ و این بر اثر

www.ourpresident.ir

تعلیمات اسلامی بود. حرکت طلاب جوان و فضلای وزین به دنبال رهبری بی‌نظیر امام بزرگوار در طول سالهای متمادی این خودآگاهی را در ملّت ایران به‌وجود آورده بود که این وضعیت برای یک ملّت و یک کشور مایه‌ی سرافکندگی است؛ و این وضعیت قابل تغییر یافتن است؛ و فقط هم به دست خود مردم ممکن است تغییر پیدا کند. این را مردم بدرستی فهمیده بودند. خشم عمومی در همه‌جای ایران گسترده بود؛ منتها مثل همه‌ی حوادث دیگر لازم بود نقطه‌ی آغازینی به‌وجود بیاید؛ قهرمانی پا وسط میدان بگذارد و شروع کند. این شروع کننده، مردم قم و حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند؛ اهمیت قضیه این‌جاست. انگیزه، اسلام؛ هدفها، تعریف شده‌ی به وسیله‌ی معرفت ایمانی و اسلامی؛ امید به حمایت الهی و تکیه به نیروی مجاهدت ملی؛ این مجموعه‌ی آن چیزی بود که ملّت ایران، چه در نوزده دی، چه در حوادثی که پس از آن به برکت نوزده دی پیش آمد، آن را در خود جمع کرده بود. این حادثه، طوفان را آغاز کرد؛ طوفانی که هلاک در آن، برای نیروهای ضد حق، نیروهای طغیان و نیروهای شر قطعی شده بود. «ولقد کتبنا فی‌الزبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عبادی الصالحون»[1]؛ این وعده‌ی الهی است. حق تا وقتی از مردم پشتیبانی نداشته باشد، یک واقعیت ذهنی و یک حقیقت معنوی است؛ نمی‌شود توقع داشت در جایی تحقق و استقرار پیدا کند. اما وقتی به دنبال حق، نیروی ایمان انسانها بسیج شد و به راه افتاد، حق طبق طبیعت نظام هستی است؛ لذا تحقق پیدا می‌کند، و تحقق پیدا کرد. اگر در طول تاریخ طولانیِ امت اسلامی، از قرون اولیه تا امروز، از وقتی ضعف مسلمانها شروع شد، می‌بینم حق مظلوم و مقهور واقع شد، به‌خاطر همین کمبود بود؛ چون نیروی مؤمنِ انسانی شانه‌ی خودش را زیر بار حق نداده بود تا حق را در جامعه عَلَم کند؛ پرچم حق را برافراشته کند؛ ستون حق را در زمین حیات و

۱. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۵.

www.ourpresident.ir

زندگی مردم استقرار ببخشد؛ لذا همین چیزی شد که می‌بینید: زندگی امت اسلامی به این روزِ فلاکتبار افتاد که در بسیاری از نقاط جهان ما شاهدش هستیم. ولی ملّت ایران قانون الهی را عمل کردند؛ یعنی حق را متحمل شدند؛ شانه زیر بار تحقق حقیقت الهی دادند؛ وارد میدان شدند؛ خدای متعال هم نصرت را – همچنان‌که در قرآن مکرر وعده کرده است – برای اینها ارزانی داشت. این کار از قم شروع شد این روز را مهم بدانید؛ این روز یک مقطع تاریخی است. برای نگهداری آن و گسترش دادن مفاهیمی که در این حادثه وجود دارد، باید تلاش و مجاهدت کرد.

بیانات در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ـ ۸۳/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

ارادهی ملّت برای استقلال و آزادی

ملت ایران وارد میدان شدند؛ سلطهی دیکتاتوریِ وابسته را از سر خودشان راندند؛ حضور دشمن غارتگر را از کشورشان نفی کردند؛ دشمن را بیرون راندند؛ نظام فرهنگیِ غلط و سلطهی تحمیلی فرهنگ بیگانه را تا آنجایی که توانستند، زُدودند و جریان حق را حاکم کردند. طاغوت رفت و نیروی متکی به مردم و برخاستهی از ایمان دینی سرکار آمد و همچنانکه خدا وعده داده، برکات الهی نازل شد؛ «ولو انّ اهل القری آمنوا واتّقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض»[1]. خدای متعال وعده کرده است که اگر ایمان و تقوا به میدان بیاید، باب رحمت و برکت را هم باز میکند؛ و این کار صورت گرفت.

امروز اگر شما به کشور نگاه کنید، با دوران طاغوت قابل مقایسه نیست؛ از لحاظ پیشرفتهای مادی، پیشرفتهتر است؛ از لحاظ توسعه، توسعهیافتهتر است؛ از لحاظ معنویت و اخلاق، بمراتب از آن زمان والاتر و عالیتر است.

۱. سورهی اعراف، آیهی ۹۶.

www.ourpresident.ir

آن روز این کشور دربست در اختیار امریکایی‌ها بود؛ هم اقتصادش، هم سیاستش، هم روابط اجتماعی‌اش. آنچه در این کشور تدبیر می‌شد، در جهت منافع سلطه‌گران بیگانه و متنفذِ در ایران بود. آن روز ملّت ایران در گزینش مدیران ارشد کشور کمترین دخالتی نداشت. آن روز برای اکثریت ملت، مطلقاً فکری نمی‌شد؛ کاری انجام نمی‌گرفت و اصلاً اهتمامی وجود نداشت. آن روز علم در کشور در نهایت عقب‌افتادگی و عقب‌ماندگی بود؛ این‌همه استعداد درخشان که در این کشور وجود دارد، راکد و معطل بود. اگر کسی می‌توانست راهی پیدا کند، به کشورهای دیگر می‌رفت و برای آنها مشغول می‌شد؛ کما این‌که خیل عظیمی رفتند. آن روز ملّت ایران برای کوچکترین تولید خود محتاج خارجی بود؛ یا وارد می‌کرد و یا اگر در داخل ساخته می‌شد، خارجی آن را می‌ساخت. ما آن روز سیم خاردار و دسته‌ی بیل و این چیزها را هم از خارج وارد می‌کردیم! کشور به برکت انقلاب تحرک پیدا کرد و زیرورو شد. آن روز در جمعیت سی‌وپنج میلیونی و چهل میلیونی کشور تعداد بسیار کمی دانشجو بود. امروز جمعیت ما تقریباً دو برابر شده است؛ اما تعداد دانشجویان ما حدود پانزده برابر شده! شمار استادان و تعداد دانشگاه‌ها بمراتب از این بیشتر است. صنایعی که ملّت ایران به‌دست خودشان ایجاد کرده‌اند، یک ماجرای شگفت‌انگیز است. آن روز ساده‌ترین چیزها را هم باید دیگران می‌آمدند و می‌ساختند. پول ما را می‌گرفتند، ما را تحقیر می‌کردند، اما برای ما نوع نازلش را تهیه می‌کردند! امروز جوانهای ما پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین فناوری‌ها را آورده‌اند در میدان دید عمومی قرار داده‌اند، که نمونه‌هایش را شنیده‌اید و می‌دانید. آنچه در معرض افکار عمومی و دید عمومی است، بمراتب کمتر از واقعیت است. آن روز اگر می‌خواستند روی یک رودخانه سدی ببندند، باید می‌رفتند از چهار تا کشور التماس می‌کردند و پولهای کلان به اینها می‌دادند تا بیایند سدی درست کنند؛ آن هم در مواردی نامطمئن! امروز جوانهای خود ما لااقل ده‌ها برابرِ آن روز – و یقیناً بیشتر – به دست خودشان این چیزها

www.ourpresident.ir

را می‌سازند. کشور رشد کرده؛ علم کشور رشد کرده؛ رشد اقتصادی کشور بمراتب از آن روز بهتر است؛ توسعه‌یافتگی کشور از آن روز بیشتر است؛ معنویت و اخلاق کشور قابل مقایسه‌ی با آن روز نیست؛ اعتماد به نفس ملی، امروز صد برابرِ آن روز است؛ و بالاتر از همه این‌که امروز کشور مستقل است. همه‌ی این جنجالها و بداخلاقی‌های جهانی هم که می‌بینید، به‌خاطر این استقلال است. این استقلال را مجاهدت مردم برای این کشور به ارمغان آورد. این راه، برگشت‌یافتنی نیست؛ این را همه در دنیا بدانند. ملّت ایران بار دیگر اجازه نخواهد داد امریکایی‌ها در این مملکت نفوذ پیدا کنند. از روز اول هم دشمنی‌های همین رژیم غارتگر و مُسرف –یعنی رژیم ایالات متحده‌ی امریکا – در ایران شروع شد، تا امروز هم ادامه دارد و بعداً هم ادامه خواهد داشت. تا امروز این دشمنی‌ها اثر نکرده، بعداً هم به حول و قوه‌ی الهی هیچ اثری نخواهد کرد. البته تحلیل‌گران و راهبردسازانِ استکباری دنیا تصور می‌کنند همان ماجرایی را که در انقلاب اتفاق افتاد و ملّت توانستند یک تحول عظیم در کشور و نظام سیاسی به‌وجود بیاورند، بار دیگر با اهداف خبیث استکباری می‌توانند چنین چیزی را به‌وجود بیاورند؛ خودشان را به این در و آن در هم می‌زنند. در ده پانزده سال اخیر بارها ایادی جاسوسی امریکا و صهیونیست‌ها و مجموعه‌ی استکبار جهانی سعی کرده‌اند بلکه بتوانند در ایران مردم را تحریک و وادار کنند، یا گوشه‌یی از مردم را به نام مردم تحریک و وادار کنند؛ شاید بتوانند حوادث انقلاب را شبیه‌سازی کنند. بی‌عقل‌ها نمی‌دانند که حادثه‌ی انقلاب، درونی بود؛ برخاسته‌ی از ایمان بود؛ متکی به دل یکایک آحاد ملّت ایران بود؛ تحمیلی نبود؛ پولی نبود. چنین چیزی اگر یک روز ممکن بشود، علیه خود رژیم ایالات متحده و وابستگان آنها ممکن خواهد شد. نظام مستقر و مستحکم ایمانی که پایه‌اش در دل مردم است، به این بادها کمترین تکانی نمی‌خورد؛ اما آنها تلاشی خود را می‌کنند؛ ملّت باید هشیار باشد.

بیانات در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ـ ۸۳/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

۱۹ بهمن تجلّی آگاهی نیروی هوایی

هر سال روز نوزدهم بهمن، یکی از شیرین‌ترین روزهای دهه‌ی فجر برای بنده است؛ چون روزی پُرمعنا و دارای خاطره‌ی پُرمغز و الهام‌بخشی است. محتوا و مضمون نوزده بهمن صرفاً این نیست که جمعی با امام بزرگوار ما در روز دشواری بیعت کردند – اگرچه خود این، مسأله‌ی مهمی است – فراتر از این است. در آن روز، این حرکت نشان‌دهنده‌ی گسترش و نفوذ آگاهی در همه‌ی اعماق جامعه‌ی ما نسبت به کاری که می‌کنند و راهی که در پیش گرفته‌اند، بود. برخلاف تحلیلهای مغرضانه‌ی کسانی‌که سعی می‌کنند حرکت عظیم انقلاب را حرکتی وانمود کنند که از درک و آگاهی برخوردار نبوده است، حرکت انقلاب، یک حرکت آگاهانه از سوی مردم بود. یکی از سندهای زنده‌ی آن، همین حادثه‌ی نوزده بهمن است.

جمعی از کارکنانِ مؤمنِ پرانگیزه‌ی ارتش، آن هم نیروی هوایی ارتش – که نظام طاغوت نسبت به آن، توجه ویژه‌یی نشان می‌داد و بیش از نیروهای دیگر، آن را به‌طور کامل در قبضه‌ی خود و متعلق به خود می‌دانست – با

www.ourpresident.ir

لباس نظامی و با کارتهای شناسایی که آن روز بعضی سر دست گرفته بودند، وارد میدان مبارزه در حساس‌ترین نقاط آن شدند؛ می‌فهمیدند دارند چه می‌کنند؛ هم به خطر آن آگاه بودند، هم به اهمیت و عظمت این کار واقف بودند. در عمل هم آگاهانه بودن حرکت ملّت ایران را نشان دادند؛ این‌که آزادگان این ملّت در همه‌ی اقشار جامعه حاضر نیستند کمند اقتدار قدرتهای بیگانه و مستکبر و بی‌اعتنا به خواست و هویت ملّت ایران را بر دست و پای خود ببینند؛ اگرچه اقتدارگرایی دشمنان به‌وسیله‌ی ایادی داخلی آنها تحقق پیدا کند. لذا این خاطره، بسیار مهم، ماندگار و دارای پیام است. افتخار ملّت ایران هم در این است که این حرکت آگاهانه را در مقابل طوفانهای سهمگینِ مخالفت و معارضه، از دست نداد و رها نکرد؛ آن را حفظ کرد.

بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ـ ۸۳/۱۱/۱۹

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

تفاوت انقلاب اسلامی با دیگر انقلابها در حفظ اهداف اولیه

من به شما عرض کنم، این نخستین انقلاب بزرگ تاریخ انقلابهای دنیا در طول قرنهای اخیر است که توانسته خط مستقیم و جهتگیری خود را در یک‌چنین مدت طولانی حفظ کند؛ این سابقه ندارد. در آخر قرن هجدهم، هنوز پانزده سال از انقلاب فرانسه نگذشته بود که این انقلابِ علیه استبداد، تبدیل شد به یک استبداد بسیار سهمگین در خود کشور فرانسه! ملّت فرانسه در انقلابی که به اسم «انقلاب کبیر فرانسه» معروف است، علیه استبداد به‌پا خاسته بود؛ مسأله‌ی آنها مبارزه‌ی با سلطنت و رژیم پادشاهی بود؛ اما هنوز پانزده سال نگذشته بود که پادشاهی بسیار مستبدتر و فراگیرتر و قوی‌پنجه‌تر از پادشاهیِ سلسله‌ی بوربن‌ها – که آنها را برانداخته بودند – روی کارآمد و یک امپراطوری با استبداد کامل تشکیل شد. بعد از آن هم نیم قرن یا بیش از نیم قرن، کشور فرانسه در حال تلاطم دایمی بود؛ این از دست آن می‌ربود، آن به‌صورت این پنجه می‌زد؛ سلسله‌ها و پادشاهان متخالف روی کار می‌آمدند و این ملّت را دچار وحشت و اضطراب و زیان دایمی می‌کردند. این انقلابی

www.ourpresident.ir

است که در دنیا معروف به انقلاب کبیر فرانسه است.

انقلاب شوروی خیلی زودتر از پانزده سال دچار انحراف شد. انقلابی که به کمک توده‌ی مردم روی کار آمده بود، تبدیل شد به دیکتاتوریِ استالینی که سالهای متمادی ادامه داشت و بعد به اعقاب استالین به ارث رسید. مردم در آن کشور بزرگ، حتّی کمترین اختیاری برای بخش مهمی از زندگی شخصیِ خودشان نداشتند؛ چه برسد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مملکتی. سرنوشت انقلابهای دنیا این است. خرده انقلاب‌هایی هم که در دنیا اتفاق افتاده‌اند، هر کدام سرنوشتی شبیه همین‌ها داشتند؛ که اگر کسی اهل تاریخ باشد و نگاه کند، شگفتی‌های فراوانی خواهد دید.

اولین انقلابی که با مردم شروع کرد، با مردم ادامه داد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را تغییر نداد و اهداف خود را کم و زیاد نکرد، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب به نام خدا و برای مردم و برای عدالت و استقلال و آزادی آغاز شد و این راه را همچنان ادامه داده است. هنوز شعارها همین‌هاست و به توفیق الهی این شعارها همچنان خواهد بود.

یکی از مهمترین بخشهای تشکیل‌دهنده‌ی هویت این انقلاب، استقلال و هویت ملّت ایران بود؛ چیزی که در طول دوران پنجاه ساله‌ی حکومت پهلوی و در حدود پنجاه سال قبل از آن در حکومت قاجار، بکل لگدمال شده بود. کشور به این بزرگی، ملّت به این بااستعدادی، ثروت به این انبوهی، یکجا در اختیار سیاستهای بیگانه بود؛ یک روز در رقابت روس و انگلیس، یک روز مستقلاً در اختیار انگلیس، در نهایت هم در اختیار دزدی قوی‌پنجه‌تر از اینها؛ یعنی امریکا. ملّت ایران – چه فرزانگانشان که با علم و آگاهی از آن وضعیت رنج می‌بردند، و چه آحاد مردم که از آثار آن وضعیت دچار شکنجه و ستم بودند – یکی از بزرگترین هدفهایشان این بود که این هویت اسیر را بازیابی

www.ourpresident.ir

کنند؛ استقلال خودشان را به‌دست بیاورند و تابع سیاست این کشور و آن کشور نباشند. امروز هم مهمترین دشمنی‌هایی که با این انقلاب می‌شود، به‌خاطر همین است.

بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ـ ۸۳/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

سالهای طولانی عقب‌افتادگی ملّت ایران

یکی از مهمترین آرزوهای هر جوانی در سنین شماها – چه پسر، چه دختر – این است که در محیط و جامعه‌یی که زندگی می‌کند، این خصوصیات را مشاهده کند: جامعه‌ی او، یک جامعه‌ی پیشرفته از لحاظ علم و مدنیت باشد؛ از عدالت و روابط اجتماعیِ انسانی و اخلاقی انسانی برخوردار باشد و افق روشنی برای همه‌ی افراد – بخصوص جوانان – وجود داشته باشد. کار بزرگی که ملّت ما در بیست‌وشش سال پیش انجام داد – یعنی پدید آوردن انقلاب اسلامی – اگر پنجاه سال و یا حتّی سی سال زودتر انجام گرفته بود، امروز این جامعه‌ی آرمانی را در کشور و خانه‌ی خودمان داشتیم. وقتی مشروطیت به‌وجود آمد، یا سالهای بعد از مشروطیت، اگر ملّت ایران توانسته بود همان کاری را بکند که در انقلاب اسلامی کرد، راه از آن زمان شروع می‌شد و ما امروز می‌توانستیم شاهد جامعه‌یی باشیم که هم از لحاظ علمی و صنعتی پیشرفته است، هم یک جامعه‌ی برخوردار از عدالت است، هم یک جامعه‌ی برخوردار از احساس معنویت و ایمان معنوی است – که این برای

www.ourpresident.ir

جوانها خیلی مهم است – ولی وقتی ملّت ایران تشنه‌ی چنان تحولی بود، نگذاشتند این تحول صورت بگیرد. این‌که می‌گویم نگذاشتند، یک محاسبه‌ی کاملاً دقیق و علمی دارد؛ نه این‌که ملّت ایران نمی‌خواست یا حاضر به فداکاری نبود؛ چرا، لیکن در دوره‌ی مشروطیت از بی‌تجربگی ملّت و رهبران آن استفاده کردند و حرکت عظیمی که در این کشور علیه استبدادِ درازمدت پادشاهان – که سرچشمه‌ی همه‌ی بدبختی‌ها بود – به‌وجود آمده بود، به بیراهه کشاندند و از درون آن‌را پوچ و منهدم کردند. ماجرای مشروطیت یکی از ماجراهای تلخ تاریخ اخیر ماست. ملّت ایران وارد میدان شدند؛ رهبران روحانی، علمای بزرگ و مراجع از نجف و از داخل کشور مردم را بسیج کردند؛ ملّت هم خوب فداکاری کردند؛ اما چون تجربه‌ی کاری نداشتند، دشمنان، نفوذی‌ها و سلطه‌گران بیگانه توانستند این حرکت را از درون منهدم و خنثی کنند و از بین ببرند.

بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان ـ ۸۳/۱۲/۲۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

نقشه‌ی استعمارگران برای انحراف راه ملّت

البته آن‌روز دشمن به‌طور مشخص دولت انگلیس بود و در دنیا همان نقشی را ایفا می‌کرد که امروز امریکا ایفا می‌کند. هدف آنها سلطه، دست‌اندازی، جهانگشایی، دخالت در امور ملّتها برای مکیدن ثروتهای ملی و عقب نگهداشتن ملّتهای آسیا و آفریقا و هر جای دیگر بود. در همان قدمهای اول با استفاده از روش‌های پیچیده، مشروطه را به غیر آن راهی که ملّت برای آن حرکت کرده بود - یعنی راه استقلال و آزادی در زیر سایه‌ی اسلام - منحرف کردند؛ بعضی از رهبران مشروطه را متهم کردند، بعضی را اعدام کردند، بعضی را ترور کردند، بعضی را خانه‌نشین کردند و با غوغاگری به‌وسیله‌ی ایادی خودشان، فضا را تحت نفوذ گرفتند. ده پانزده سالی هم که گذشت، انگلیسی‌ها بدل فن مشروطه و حرکت عظیم ملّت ایران را زدند؛ یعنی رضاخان پهلوی را سرکار آوردند. ملّت تجربه نداشت؛ حتّی رهبران هم تجربه نداشتند؛ بنابراین دشمن توانست کار خودش را بکند؛ لذا آغاز این حرکت بزرگ، هشتاد نود سال تأخیر افتاد و در طول این مدت

www.ourpresident.ir

هر کار توانستند، با این ملّت مظلوم و با این کشور کردند. پهلوی‌ها را سر کار آوردند، برای این‌که سلطه‌ی بیگانه را – که مکمل سرنوشت سیاه ملّت پس از استبداد داخلی بود – بر ملّت تحمیل کنند؛ و چون می‌دانستند ملّت با پیشرفت‌های دنیا آشناست، برای این‌که اشتهای بسیار صادقانه‌ی ملّت به پیشرفت را فروبخوابانند، با ابزارهای زرق و برق تمدن، سر ملّت را گرم کردند و حقیقتِ تمدن غربی را – که علم و پیشرفت بود – از او دریغ کردند و ملّت را به ظواهر سرگرم ساختند؛ مثل بچه‌یی که گرسنه است و ممکن است سراغ غذا برود؛ اما به‌جای دادن غذای دارای پروتئین و ویتامین، با پفک نمکی اشتهایش را از بین ببرند تا دیگر میلی پیدا نکند؛ این کار را با ملّت کردند.

سالها این ملّت در سختی‌های ناشی از سلطه‌ی بیگانه گذراند تا این‌که زمینه برای انقلاب اسلامی آماده شد. رهبری حکیم، پُرقدرت، با اراده و عزم راسخ و نافذ در همه‌ی دلها، در میان مردم به‌وجود آمد و وارد میدان شد؛ ملّت هم تجربه پیدا کرده بودند؛ لذا انقلاب اسلامی شکل گرفت و این دفعه ترفند دشمن بی‌اثر ماند؛ چون ملّت و رهبران در انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده بودند. در دوره‌ی مشروطه، رهبران و مردم نمی‌دانستند کمین بیگانگان با آمادگی‌های قبلی چقدر خطرناک است؛ لذا حصارهای خودشان را برچیدند و مهیای قبول حمله‌ی دشمن شدند؛ دشمن هم آمد و هر کار خواست، در این کشور کرد. این دفعه در انقلاب اسلامی، با استفاده‌ی از تجربه‌ی مشروطیت، هم ملّت ما، هم رهبران روحانی ما و هم روشنفکران صادق ما فهمیدند که باید حصار معنوی – یعنی حصار ایمان، ارزشهای انقلابی و حصار بیداری – را در مقابل توطئه‌های دشمن محکم نگه دارند.

بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان ـ ۸۳/۱۲/۲۴

www.ourpresident.ir

وابسته ماندن ایران، هدف همیشگی دشمن

سالهای متمادی گذشته و به این ملّت و این هویت ملی ظلم شده؛ این را باید همه‌ی ما دائماً در برابر چشم داشته باشیم. در طول زمان، حقیقتاً به ملّت ما ظلم شده است. توانایی و استعدادی که امروز در شماها هست، در همه‌ی دوره‌ها در نسل جوان و مردان و زنان کشور ما وجود داشته؛ اما استعداد انسانی احتیاج به تشویق، شناخت و تزریق روح اعتماد و امید دارد تا بتواند شکوفا شود. درست عکس این سیاست در دوره‌های مختلف عمل شده. مقصر اصلی هم در این زمینه، حکومت‌ها و سیاست‌ها بودند؛ در این موضوع اصلاً نباید تردید کرد. بعضی می‌فهمیدند دارند چه کار می‌کنند؛ مثل اغلب مسؤولان در دوران پهلوی، که دانسته و شناخته این راه را رفتند؛ یعنی از بروز استعدادها جلوگیری می‌کردند. علت هم معلوم است؛ عقیده‌ی راسخ آنها این بود که ایرانی باید وابسته بماند. دشمنی آنها با نسل بااستعداد ایرانی، یک دشمنیِ طبیعی نبود. نه این‌که بخواهند واقعاً با اشخاص دشمنی کنند؛ نه، سیاست‌های قاهر و مسلط جهانی از آنها این را خواسته بود.

www.ourpresident.ir

شما ببینید حکومت پهلوی را چه کسی سرکار آورد؟ رضاخان را چه کسی در این کشور حاکم کرد؟ این که دیگر جزو نقاط مبهم تاریخ نیست. امروز همه می‌دانند که رضاخان را انگلیسی‌ها در این کشور سرکار آوردند؛ همچنان‌که وقتی احساس کردند رضاخان دیگر به دردشان نمی‌خورد، او را برکنار کردند و محمّدرضا را سرکار آوردند. این جزو بخشهای واضح تاریخ معاصر ماست. کسانی‌که آنها را سر کار آوردند، همانها سعی می‌کردند با انواع سیاست‌های گوناگون، آنها را وابسته‌ی به خودشان نگه دارند. وقتی نهضت مصدق در این کشور پیش آمد – که یک نهضت ملی بود – جایی‌که بیشترین احساس خطر را کرد، دستگاه حکومت و سلطنت نبود؛ انگلیسی‌ها بیشترین احساس خطر را کردند. بعد هم که انگلیسی‌ها دیدند از عهده‌ی کار برنمی‌آیند، امریکایی‌ها را وارد کار کردند. آنها به یک معنا آمدند صحنه را از دست انگلیسی‌ها ربودند و حاکم شدند. یک نفر بلند شد و با یک چمدان دلار به این‌جا آمد و با ایجاد یک بحران مصنوعی، حکومت ملی را سرنگون کرد و رژیم محمّدرضا پهلوی بر کشور مسلط شد. این سیاستِ اینهاست؛ این چیز واضحی است و مدارک و اسناد و دستنوشته‌های آن امروز در دسترس همه قرار دارد.

البته متأسفانه شما جوانها کمتر فرصت می‌کنید به این چیزها مراجعه کنید؛ اما لازم دارید و باید بدانید. امروز اسم کسی‌که رضاخان را در ایران سرکار آورد، مشخص است؛ اسم کسی‌که محمّدرضا را سر کار آورد، مشخص است؛ اسم کسی که به ایران آمد و پول آورد، مشخص است؛ نقشه‌یی که در امریکا طراحی شد و در اروپا اتاق عملیاتش تشکیل گردید، مشخص است؛ اینها نقشه‌های واضح و مشخصی است که وزارتخانه‌های امورخارجه‌ی خود آنها اینها را منتشر کرده‌اند و امروز در اختیار همه‌ی ماست.

از استقلال و خودباوری ملّت ایران، سیاست‌های زیاده‌خواه و دخالت‌جوی

www.ourpresident.ir

جهانی ضرر می‌بردند. برای یک ملت، سم بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم، عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، خود را اداره کردن و خود را محتاج دیگران ندیدن. بنابراین، اینها باید این پادزهر را از دسترس این ملّت دور نگه دارند؛ این طبیعی است.

امروز وقتی می‌گوییم سیاست رژیم پهلوی این بود که نگذارد استعدادهای این ملّت رشد پیدا کنند، این یک شعار نیست؛ این یک حرف متکی به منطق و استدلال است. سالهای متمادی این‌طور گذشت. البته قبل از آنها قاجارها هم همین نقش را ایفا کردند؛ منتها ندانسته، از روی حماقت و جهالت و از روی آشنا نبودن با علم؛ احیاناً هم رجالی در آنها وابسته بودند. این، دوره‌ی گذشته‌ی ماست. در طول این دوره، به ملّت ایران ستم شده.

انقلاب اسلامی آمد این دستگاه را برچید، منتها این کافی نیست. موانع برچیده شده؛ اما برداشتن موانع برای تحقق آن آرزوهای بزرگ، شرط کافی نیست.

بیانات در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ـ ۸۴/۱/۳۰

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

نجات از وابستگی نتیجه‌ی انقلاب اسلامی

کشور ما در دوران طاغوت عمداً عقب نگه داشته می‌شد و استعدادها سرکوب و به زنجیر کشیده می‌شد. آن روز سیاست دنیای استکباری نسبت به کشور ما – مثل سیاست همیشه‌ی استکبار نسبت به کشورها – این بود که گاو شیرده‌یی را برای خودشان نگه دارند؛ لذا پیشرفت کشور را نمی‌پسندیدند؛ می‌خواستند از نفت، معادن، منابع و بازار مصرف کشور استفاده کنند. نمی‌توانستند ببینند کشوری از لحاظ علمی پیشرفت کند و رقیب آنها شود؛ آنها مصرف‌کننده و ریزه‌خوارِ خوان خود را می‌طلبیدند؛ حکومت هم وابسته‌ی به آنها بود؛ سیاست‌ها و برنامه‌ها هم همان سیاست‌ها و برنامه‌ها بود.

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی نجات داد؛ این قیدوبندها را برداشت و راه ملّت را باز کرد. امروز کشور در صنعت، در تولید، در فناوری، در علم، در تهیه‌ی زیرساخت‌های اساسی برای بنای آینده‌ی کشور، با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. وقتی آمارها و شاخص‌ها

www.ourpresident.ir

را نگاه می‌کنیم، بعضی از موارد صدها درصد، بعضی از موارد هزار درصد، و بعضی از موارد هزارها درصد در شاخص‌های اساسی پیشرفت پیدا شده است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان ـ ۸۴/۲/۱۱

www.ourpresident.ir

ایمان و وفاداری مردم جیرفت در دوران مبارزه

تقریباً بیست و هفت سال قبل در یک روز گرم تابستانی بنده با چند مأمور ژاندارمری وارد شهر جیرفت شدم. در شهر هیچ‌کس را نمی‌شناختم. در ابتدای ورود، مأموران، بنده را به شهربانی جیرفت راهنمایی کردند. با این وضعیت وارد جیرفت شدم؛ اما هنوز چند روزی از ورود من به این شهر نگذشته بود که احساس کردم در میان خویشاوندان، برادران و عزیزان خود هستم. مردم جیرفت آغوش محبت خود را روی این بنده‌ی ضعیف و دیگر افرادی که آن روز در این شهر به‌وسیله‌ی رژیم طاغوت تبعید شده بودند، باز کردند و همراهی و همدلی و حمایت خود را نسبت به کسانی که آنها را سربازان راه حق و حقیقت می‌دانستند، مبذول کردند. البته آن روز شهر جیرفت به این بزرگی و زیبایی نبود؛ شهر کوچکی بود با خیابان‌های معدود؛ ولی دریایی از محبت و صمیمیت در این شهر موج می‌زد. ماه رمضان، در گرمای تابستان، این مسجد جامع جیرفت زنان و مردان و جوانان بسیاری را به سمت خود جذب می‌کرد تا بتوانند حقایقی را از زبان طلبه‌های تبعیدی

www.ourpresident.ir

بشنوند. من خودم آن شبها در مسجد جامع جیرفت چندین سخنرانی کردم. مأموران رژیم طاغوت مانع بودند، اما شوق و علاقه‌ی مردم این مانع‌ها را برمی‌داشت. بنده لازم می‌دانم بخصوص از بانوان شجاع و آگاه و هوشمند جیرفتی یاد کنم. در همان جلساتی که با سایر دوستان تبعیدی در مسجد جامع شرکت می‌کردیم و مردم می‌آمدند، اولین شعار انقلابی و فریاد اعتراض علیه رژیم طاغوت، از پشت پرده‌یی که زنها نشسته بودند، بلند شد. زنهای جیرفتی، آن روز همان شعارهایی را در مسجدِ خودشان با صدای بلند تکرار کردند که مردم قم و تهران و سایر شهرهای مرکزی کم‌وبیش آن شعارها را می‌دادند. مردم این منطقه، مردمی مؤمن، وفادار و از بن دندان معتقد به دین و ولایت بوده‌اند؛ مردمی که در سالهای انقلاب و همچنین در طول سالهای جنگ تحمیلی بهترین امتحان‌ها را دادند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم جیرفت ـ ۸۴/۲/۱۷

www.ourpresident.ir

ناآگاهی، ریشه‌ی همه‌ی عقب‌افتادگی‌ها

برادران عزیز! خواهران عزیز! اگر شما می‌بینید ملّت ایران در طول یکی دو قرن از کاروان علم و تمدن عقب افتاد و کشور به دست بیگانگان و دشمنان یا دست‌نشاندگان آنها اداره شد، منشأ این همه، ناآگاهی بود. ملّت و جوانان و قشرهای مختلف را در بی‌خبری و ناآگاهی نگه می‌داشتند تا نفهمند بر سر کشور چه دارد می‌آید. کسانی که اگر به نقطه‌یی از دنیا نگاه می‌کنند، جز نگاه طمعکارانه نیست – یعنی استعمارگران – در طول دو قرن در سرتاسر کشور ما به دنبال منافع و اهداف شیطانیِ خودشان هر کاری توانستند، کردند و برای این‌که مانعی بر سر راه آنها نباشد، مردم را در غفلت نگه داشتند. خود بیگانگان نمی‌توانند مردم را غافل نگه دارند؛ ابزار آنها در این کار، حکومت‌های وابسته و فاسد بود؛ حکومت قاجار و حکومت پهلوی. اینها اگرچه از مردم ایران بودند، اما شریک دزدان راه بودند؛ اگرچه خودشان وابسته‌ی به این ملّت و مرهون بار سنگین منت این مردم بودند، اما برای بیگانه کار می‌کردند. بیگانه هم منافع آنها را تضمین کرده بود؛ قاجاریه

www.ourpresident.ir

یک‌طور منافع‌اش به وسیله‌ی بیگانگان تضمین می‌شد، حکومت منحوس و وابسته و فاسد پهلوی هم یک‌طور دیگر. مردم را ناآگاه نگه داشتند و هر کاری می‌توانستند، با این مردم کردند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم جیرفت ـ ۸۴/۲/۱۷

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی و نهضت بیدارگری

انقلاب اسلامی و نهضت وسیع مبارزات اسلامی در ایران به رهبری امام بزرگوار ما و روحانیون آگاه و مبارز و روشنفکران مؤمن و متدین توانست موج بیداری را در این کشور به‌وجود بیاورد، که منتهی شد به حرکت انقلاب. انقلابِ یک ملّت چنان قدرتی دارد که مستحکم‌ترین دژهای استکبار را درهم می‌شکند، و شکست. انقلاب اسلامی دژ استبدادیِ رژیم پهلوی را که پشت به قدرت استعماری امریکا و انگلیس داشت، از بین برد و به دنبال آن، حکومت مردمی و اسلامی به‌وجود آمد. جمهوری اسلامی را شما مردم به‌وجود آوردید. جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که خارجی در آن دخالت نمی‌کند؛ خودرأیی و استبداد بر آن حاکمیت ندارد؛ طبقه‌ی ویژه‌ی اشراف در آن دخالت نمی‌کند؛ خان‌سالاری در امور مردم دخالت نمی‌کند. روزی که ما در جیرفت بودیم، مردم از خان‌ها می‌نالیدند. خان‌ها آلت دست رژیم منحوس پهلوی بودند؛ آنها هم آلت دست امریکا بودند؛ یعنی سلسله مراتب فساد وجود داشت!

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی، یعنی نظامی که در آن، دربار حکومت طاغوت نیست؛ دخالت بیگانه نیست؛ دخالت خان و خان‌زدگی نیست؛ حکومت مردم و شایستگان است. در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله مراتب حکومتی، تابع صلاحیت‌هاست. هر که صلاحیت دارد، باید در میدان‌های فعالیت و تلاش و مسؤولیت جلو برود؛ از هر نقطه‌ی کشور و از هر قشر اجتماعی باشد؛ و همه‌ی اینها با هدایت اسلام و الهام‌گیری از متون الهی و قرآنی صورت می‌پذیرد. این، معنای نظام جمهوری اسلامی است. فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف، و امتیاز دادن به یک قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست. هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه‌یی از نقاط اگر به یکی از این آفت‌ها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی خارج شده و باید اصلاح شود.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم جیرفت ـ ۸۴/۲/۱۷

www.ourpresident.ir

بی‌اختیاری ملّت در دوران گذشته

انتخابات در پیش است. انتخابات یکی از میدان‌های مهم همبستگی است. درباره‌ی انتخابات حرف زدیم، همه حرف زدند و تا وقت انتخابات هم باز هرچه لازم باشد، عرض خواهیم کرد. آنچه مهم است، این است که مردم در این میدان گزینش، همبستگی خود را نشان دهند. ملّت ایران این فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌یی نداشت؛ انقلاب اسلامی است که این فرصت را در اختیار ملّت ایران گذاشته است. قبل از انقلاب اسلامی، ملّت ایران می‌نشستند تماشا می‌کردند تا کسی سر کار بیاید و هرچه می‌خواهد، تصمیم بگیرد. چه کسی آنها را سر کار می‌آورد؟ دستهای مختلف و دسته‌بندی‌های گوناگون سیاسی دنیا؛ یک روز روس‌ها، یک روز انگلیسی‌ها، یک روز امریکایی‌ها. در این قضایا، ملّت ایران تماشاچی ماجرا و بی‌اختیارِ محض بود.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا ـ ۸۴/۳/۳

www.ourpresident.ir

مقایسه‌ی دمکراسی دوران مصدق با نظام جمهوری اسلامی

آزادی و دمکراسی‌یی که انقلاب به ما داد، حتّی در دوران مصدق هم – که دوران نسبتاً آزاد و به قول خودشان دمکراسی بود – به هیچ‌وجه نبود. دکتر مصدق مجلس شورای آن روز را منحل کرد – یعنی چیزی که به حسب ظاهر نماد دمکراسی بود؛ که البته در آن، دمکراسی هم نبود – و گفت من اختیارات می‌خواهم. اختیارات را گرفت؛ اول شش ماه، بعد شش ماه دیگر. در دو سال حکومت خودش، یک سال یا بیشتر، با اختیاراتِ مطلق زمامداری کرد؛ خودش قانون وضع می‌کرد، خودش امضاء می‌کرد و خودش به اجرا می‌گذاشت. این کجا با نظام جمهوری اسلامی قابل مقایسه است که یک روز در این بیست و شش سال نشد که مجلس شورای اسلامی و نمایندگانِ مردم نداشته باشد؟

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا ـ ۸۴/۳/۳

www.ourpresident.ir

ابعاد گوناگون شخصیت استثنائی امام

حقیقتاً امام بزرگوار ما یک استثناء در تاریخ ما و یک قله‌ی بلند در حرکت ملّت ایران بود. این را نه از باب عشق و علاقه‌ای که همچنان کانونش در دل ما نسبت به ایشان گرم است، عرض می‌کنیم؛ بلکه نگاه منصفانه‌ی هر کسی این را تأیید می‌کند. امام حقاً و انصافاً یک عنصر استثنایی بود. رجال تاریخی کشور را ما می‌شناسیم. بنده کم و بیش با تاریخ آشنا هستم. این شخصیت جامع نه در بین علمای بزرگ ما نظیر دارد، نه در بین زمامداران این کشور نظیر دارد، نه در بین مصلحان و منادیان تحول در این کشور نظیر دارد. بزرگانی مثل مرحوم سید جمال و تحول خواهانی که در کشور ما یا حتّی در دنیای اسلام بودند، کجا؛ این مرد چند بعدیِ عمیقِ حقیقتاً توصیف ناشدنی کجا؟ ما علما و فقهای بزرگی داشتیم که سخنان و مطالب آنها در اختیار ماست؛ امام بزرگوار در ردیف اول این‌گونه شخصیت‌ها قرار می‌گیرد. بنده شرح حال بسیاری از فلاسفه، عرفا، دانشمندان علوم عقلی، سیاسیون، پیرمردهای پخته و آدمهای سنجیده را در کتابها خوانده‌ام یا در زندگی‌ام با

www.ourpresident.ir

آنها برخورد داشته‌ام؛ حقاً فاصله‌ی بین آنها و امام بزرگوار، فاصله‌ی زیادی است. هر کدام از ابعاد گوناگون این شخصیت، به تنهایی از نظایر خود جلوتر و پیشتر است.

تقوا و پارساییِ این مرد و بی‌اعتنایی‌اش به دنیا و زخارف، مقوله‌ی دیگری است. یک وقت انسان داخل چهار دیواری خانه‌ی خود نه با دنیا سر و کاری دارد، نه با مردم سر و کاری دارد، نه در معرض امتحان قرار می‌گیرد؛ ولی پارساست. یک وقت هم مثل امام با آن عظمت در قله‌ی شهرت جهانی قرار دارد و همه‌ی این انقلاب، پدید آمده‌ی اراده و قاطعیت اوست و مردم هم این‌گونه مخلص او هستند و حاضرند همه‌ی کارهای امام را حمل به صحت کنند؛ ولی این‌طور پارسایی و زهد پیشه می‌کند. قاطعیت او، اراده‌ی راسخ او و عزم پولادین او در کارهای بزرگ هم همین‌طور است. یعنی هرچه انسان به این اقیانوس پهناور در ابعاد گوناگون نگاه می‌کند، می‌بیند واقعاً توصیف ناشدنی است. انسان وقتی اقیانوس را از نزدیک می‌بیند، یک‌طور است؛ ولی در اعماق اقیانوس، عوالم دیگری مشاهده می‌کند. انسان در ساحل اقیانوس یک مقدار آب می‌بیند و ابتدا خیلی تفاوتی بین این مقدار آب و یک استخر بزرگ احساس نمی‌کند؛ اما وقتی نیاز پیدا می‌کند به اعماق اقیانوس برود، در آن‌جا عوالم دیگری آشکار می‌شود و هرچه انسان نزدیکتر می‌شود و بیشتر تعمق می‌کند، چیزهای جدیدتری برای او کشف می‌شود. در مورد امام هم واقعاً همین‌طور است.

این شخصیت استثنایی فقط برای تاریخ نیست. توصیف‌هایی که ما عرض کردیم، می‌تواند کاربرد تاریخی داشته باشد. در تاریخ ایران، ما شخصیتی داشتیم که کار بزرگی انجام داد؛ مردم را به حرکت درآورد؛ جمهوری اسلامی را با همه‌ی عظمت و غرابتی که داشت، سر پا کرد و بنایی را به این شکلِ عظیم و استوار آفرید. خیلی خوب؛ آیا باید این شخصیت بزرگ را مثل

www.ourpresident.ir

اشیاء پُربها در ویترین تاریخ بگذاریم و ما و دیگران آن را تماشا و از آن تعریف و تمجید کنیم؟ امام بزرگوار ما این‌طوری است؟ در این جهت اگر بخواهیم امام را تشبیه کنیم، باید او را به پیغمبران تشبیه کنیم. وجود و هویت پیغمبران به دوران حیاتشان خلاصه نمی‌شود؛ هویتشان در امتداد تاریخ است؛ یعنی بعد از خودشان، وجود آنها باید در تعلیم و دین و راهشان ادامه پیدا کند؛ این می‌شود پیغمبر اولوالعزم؛ والّا زندگی پیغمبران هم مثل بقیه‌ی انسانهای دیگر می‌شود؛ پنجاه سال، شصت سال، صد سال در این دنیا زندگی کرده‌اند و عظمت‌هایی آفریده‌اند؛ بعد هم رفته‌اند. بنابراین مسأله به این‌جا تمام نمی‌شود. اگر این‌طور بود، امروز در دنیا از دین و معارف پیامبران اثری نبود؛ در حالی‌که درست عکس این است؛ امروز همه‌ی معارف والای بشری زاییده‌ی تفکرات پیغمبران است؛ ولو بواسطه. آنها بودند که عدالت و اخلاق و توجه به خدا و برون آمدن از خود و فداکاری برای انسانها و دیگر فضایلی که امروز قابل قبول همه‌ی مردم دنیاست – ولو غیر ملیّون و غیر پیروان ادیان، همه قبول دارند که اینها خوب است – فریاد زدند و پرچم آن را بلند کردند؛ والّا دنیا دست مستکبران و زورمداران بود. چرا باید اسم عدالت و تفکر آزاد و برادری و فداکاری و ایثار بماند و همیشه به عنوان یک ارزش زنده باشد؟ این به برکت تعلیم پیامبران است. آنها این معارف را آفریدند و رفتند. حیات آنها در آن پنجاه، شصت سال خلاصه نمی‌شود؛ حیات آنها عبارت است از جریان این معارف در طول تاریخ، تا انسانها را هدایت کنند. امام ما هم این‌گونه است.

بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ـ ۸۴/۳/۱۰

www.ourpresident.ir

تجدید عهد با امام و ادامه‌ی راه او

امروز، روز تجدید خاطره‌ی دردناک رحلت امام بزرگوار ماست. برای ملّت ایران خاطره‌ی تلخ این روز، فراموش‌نشدنی است. آمدن ما به این مکان، برای تجدید عهد است. می‌خواهیم در کنار جسم آرمیده‌ی امام بزرگوارمان، خطاب به روح مطهر و ملکوتی او بگوییم: «انّا علی العهد الّذی فارغناک علیه»؛ یعنی ما بر سر عهد، پایداریم. عهدی که با امام بزرگوارمان داریم، پیمان ادامه‌ی راه او و سعی و تلاش برای رسیدن به هدفهای اوست. ما امام را فقط برای افتخار کردنِ به نام او و کار او نمی‌خواهیم؛ امام را فقط مایه‌ی زینت جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بالاتر و مهمتر از اینها این است که امام ما را به راهی هدایت کرد، هدفهایی را برای ما تعریف کرد، شاخص‌هایی را در میانه‌ی راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می‌توانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم؛ یعنی می‌توانیم کابوس فقر و عقب‌افتادگی را از جامعه و ملتِ خودمان دور کنیم؛ می‌توانیم آرزوی دیرین بشر یعنی عدالت را تحقق ببخشیم؛ می‌توانیم به

www.ourpresident.ir

تحقیر شدن ملّتهای مسلمان خاتمه دهیم؛ می‌توانیم طمع قدرتهای استکباری را قدرتمندانه – نه با تملق و اظهار ذلت – از خودمان قطع کنیم؛ می‌توانیم اخلاق و تقوا و ایمان را، هم در رفتار فردی خود، و هم در برنامه‌های کلان کشور حاکم کنیم؛ می‌توانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه‌ی برکاتی که در آن هست، به‌دست بیاوریم؛ اینها هدفهای امام است. حرکت امام و انقلاب امام و نظامی که او معمار آن بود، برای تحقق این هدفها به‌وجود آمده است. پس راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزّت است. ما پیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد. امام این راه را به‌روی ما باز کرد و این هدفها را برای ما تعریف کرد. او با اراده‌ی قاطع و با دست توانای خود، به کمک این ملت، اساسی‌ترین مرحله‌ی این راه طولانی را طی کرد و دنیای اسلام را متحول نمود. مردان خدا این‌طورند؛ علی‌رغم بی‌اعتناییِ به زخارف دنیا می‌توانند دنیایی را متحول کنند. عامل اصلی قدرت آنها، بی‌اعتنایی به زخارف دنیاست. مردان خدا نظرشان به همه چیز و همه کس، تابع نظرشان به خداست. مردان خدا به تاریخ روح می‌بخشند، و روح بخشیده‌اند. تاریخ حقیقی و معنوی بشر را مردان خدا نوشته‌اند. شما نگاه کنید؛ امروز با این‌که هزاران سال از دوران ابراهیم و موسی و عیسی می‌گذرد، مفاهیمی که هدیه‌ی آنها به بشریت است، امروز برترین مفاهیم رایج بشری است. امروز اگر سخن از آزادی و کرامت بشر می‌رود، اگر حقوق انسان در جوامع مطرح می‌شود، اگر عدالت و رفع تبعیض همچنان در دنیا یک شعار جذاب است، اگر مبارزه‌ی با فساد و مفسدان و مبارزه‌ی با ظلم و توجه به ایثار و فداکاری در راه حق در چشم بشریت جذاب و شیرین است، به‌خاطر این است که این مفاهیم را پیغمبران – این مردان خدا – به تاریخ عرضه کردند و آنها را در اختیار بشریت قرار دادند. بنابراین مردان خدا تاریخ را متحول می‌کنند. آنها با امید به خدا و با

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

خشیت از پروردگار، ناممکن‌ها را ممکن می‌کنند. با خوف و رجاء مادی و حیوانی نمی‌شود انسان و انسانیت را متحول کرد. بیم و امید مردان خدا از قبیل بیم و امید اهل دنیا نیست؛ دلبستگی آنها به خداست؛ توکلشان به خداست؛ خشیت آنها از نافرمانی خداست؛ آنها همه‌ی قوانین طبیعت را – که دست قدرتمند الهی سررشته‌دار آنهاست – در خدمت هدفهای خود می‌بینند و با توکل به خدا حرکت می‌کنند؛ لذا دنیایی را متحول می‌کنند. امام بزرگوار ما از زمره‌ی چنین مردانی بود.

بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ـ ۸۴/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

تفاوت حکومت مردان الهی با دیگر حکومتها

مردان خدا بر دلها حکومت می‌کنند؛ و بر اثر همین اتصال به خداست که سلطان دلها می‌شوند. ولایت مردان خدا، ولایت معنوی و باطنی است؛ ولایت ظاهری آنها هم - اگر به ولایت ظاهری دست پیدا کنند - ناشی از معنویت و ولایت باطنی آنهاست. خدا قدرت خلاقیت خود را به مردان خدا و پیغمبران خود و اوصیاء پیغمبران می‌بخشد و آنها را بر دلها حاکم می‌کند. ولایت و حکومتی که رشحه‌ای از ولایت معنوی در آن نباشد، اگر جذابیتی هم داشته باشد، جز لعابی از دروغ و فریب و تزویر نیست. لذا نوع حکومت مردان خدا و حاکمان الهی با دیگران متفاوت است. امام این الگو را به ما نشان داد و ما آن را از نزدیک دیدیم. ما وقتی به خود نگاه می‌کنیم، فاصله‌ی میان خود و پیغمبران و اولیاء خدا و مردان بزرگ الهی و معنوی را ناپیمودنی و ژرف می‌بینیم. اما امام بزرگوار در زمان ما، در خلأ پیغمبران الهی و وحی الهی، با حضور خود، با فکر خود و با رفتار خود توانست نمونه‌ی زنده‌ای را به ما نشان دهد تا ببینیم ولایت معنوی چیست. امروز هم راه امام و فکر امام و هدف امام برای ملّت ایران و امت اسلامی وسیله‌ی نجات است.

بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ـ ۸۴/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

هوشیاری امام و جلوگیری از مصادره‌ی انقلاب

نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی می‌توانست انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این‌طور شده؛ در الجزایر همین‌طور بود. در الجزایر، نهضت، اسلامی بود. اصلاً پایگاه نهضت و رهبران نهضت، مسلمانها بودند؛ اما بعد از آن‌که نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به مبانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند. این‌جا هم همین کارها داشت می‌شد. در همان روز ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن و ۲۳ بهمن از این کارها داشت می‌شد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت می‌کردند که به اصطلاحِ خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظامهای سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه‌ی کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتها امام را محاسبه نکرده بودند؛ یعنی این گوهر خدشه‌ناپذیرِ شکست‌ناپذیر را در محاسباتشان ندیده

www.ourpresident.ir

بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. حتّی روز سومِ بعد از پیروزی انقلاب راه افتادند آمدند جلوی بیت امام در مدرسه‌ی عَلوی و تظاهرات کردند و مطالباتِ به‌اصطلاح سوسیالیستی و کارگری را مطرح کردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ـ ۸۴/۶/۸

www.ourpresident.ir

عقلانیت، شرط لازم عدالت

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقیِ خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی‌که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازمِ رسیدن به عدالت است.

عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی

www.ourpresident.ir

گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی‌حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیمِ آن‌چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سالهای متمادی – به تعبیر رایج امروز – یک گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به این‌که نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ـ ۸۴/۶/۸

www.ourpresident.ir

سالهای اختناق، مجازات گناه سکوت ملّت

گاهی یک ملّت یا جماعت مؤثری از یک ملّت مبتلا به گناهی می‌شوند. این گناه هم استغفار خودش را دارد. یک ملّت گاهی سالهای متمادی در مقابل منکر و ظلمی سکوت می‌کند و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد؛ این هم یک گناه است؛ شاید گناه دشوارتری هم باشد؛ این همان «انّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بانفسهم»[1] است؛ این همان گناهی است که نعمت‌های بزرگ را زایل می‌کند؛ این همان گناهی است که بلاهای سخت را بر سر جماعت‌ها و ملّتهای گنهکار مسلط می‌کند. ملتی که در شهر تهران ایستادند و تماشا کردند که مجتهد بزرگی مثل شیخ فضل‌الله نوری را بالای دار بکِشند و دم نزدند؛ دیدند که او را با این‌که جزو بانیان و بنیانگذاران و رهبران مشروطه بود، به جرم این‌که با جریان انگلیسی و غربگرای مشروطیت همراهی نکرد، ضد مشروطه قلمداد کردند – که هنوز هم یک عده قلمزن‌ها و گوینده‌ها و نویسنده‌های ما همین حرف دروغ بی‌مبنای بی‌منطق را نشخوار و تکرار

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱.

www.ourpresident.ir

می‌کنند – پنجاه سال بعد چوبش را خوردند: در همین شهر تهران مجلس مؤسسانی تشکیل شد و در آن‌جا انتقال سلطنت و حکومت به رضاشاه را تصویب کردند. آنها یک عده آدم خاص نبودند؛ این یک گناه ملی و عمومی بود. «و اتّقوا فتنة لاتصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّة»[1]؛ گاهی مجازات فقط شامل افرادی که مرتکب گناهی شدند، نمی‌شود؛ مجازات عمومی است؛ چون حرکت عمومی بوده؛ ولو همه‌ی افراد در آن شرکت مستقیم نداشتند. همین ملّت آن روزی که به خیابان‌ها آمدند و سینه‌شان را مقابل تانک‌های محمّدرضا پهلوی سپر کردند و از مرگ نترسیدند؛ یعنی تحمل و صبر و سکوت گناه‌آلود پنجاه ساله را تغییر دادند، خدای متعال پاداش آنها را داد؛ حکومت ظلم ساقط شد، حکومت مردمی سر کار آمد؛ وابستگی ننگ‌آلود سیاسی از بین رفت، حرکت استقلال آغاز شد و ان‌شاءالله ادامه هم دارد و ادامه پیدا خواهد کرد و این ملّت به توفیق الهی و به همت خود، به آرمانهای خودش خواهد رسید.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ـ ۸۴/۸/۸

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۵

www.ourpresident.ir

حماسه‌ی قیام مخلصانه‌ی قم

یاد روزهای پُرحماسه و پُرشور قم، بخصوص نوزدهم دی، از خاطره‌ی ملّت ایران محو نخواهد شد. قم همچنان که مطلع قصیده‌ی بلند نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ بود، سرآغاز ماجرای عظیم و پُرافتخار پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۶ هم شد. امروز ما بعد از بیست‌وهشت سال، یاد آن روز و یاد شهیدان مظلوم آن روز و یاد آن حرکت حماسی بی‌نظیر و بی‌سابقه را باید گرامی بداریم و دست تضرع و ابتهال نزد پروردگار عالم بلند کنیم به دعا و از خداوند متعال علوّ روح آن شهیدان و دوام توفیقات مردم قم را که در طول سال‌های متمادی – چه در دوران دفاع مقدس، چه بعد از آن – این روحیه را حفظ کرده‌اند، مسألت کنیم.

فردا، روز عرفه است؛ روزِ دعا و ذکر و تضرع و ابتهال و راز و نیاز است؛ بخصوص شما جوان‌ها قدر این روزهای بزرگ و این ساعات باارزش را بدانید. همین رابطه‌ی با خداست که سینه‌ها و دل‌ها را منشرح می‌کند؛ راه را برای انسان باز می‌کند؛ عزم و اخلاص به انسان می‌دهد؛ به کارها

www.ourpresident.ir

برکت می‌بخشد؛ توفیق الهی را بر سر انسان سایه‌گستر می‌کند و نتیجه‌ی آن، پیشرفت در خط اصیل ارزش‌های اسلامی است. این روزها و این ساعات باارزش را هرگز از دست ندهید.

قیام مردم قم به برکت همین اخلاص، به قیام جهانی اسلام منتهی شد. امروز شما هر نقطه‌یی از دنیای اسلام را که نگاه کنید، مشاهده می‌کنید که انگیزه‌ی حاکمیت و عزّت اسلام در دل مردم و بخصوص جوان‌ها، دانشگاهیان، روشنفکران موج می‌زند؛ که در گذشته اینها نبود. کلمه‌ی حق، کلمه‌ی طیبه، همین است که: «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء. تؤتی اکلها کلّ حین بإذن ربّها»[1]. کار مردم قم، کلمه‌ی طیبه بود. کار امام – که با اخلاص کامل این حرکت را شروع کرد – کلمه‌ی طیبه بود. این کلمه‌ی طیبه به بار نشست؛ چه کسی خیال می‌کرد؟!

بیانات در دیدار عمومی مردم قم ـ ۸۴/۱۰/۱۹

نشر انقلاب اسلامی

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ ـ ۲۵.

www.ourpresident.ir

اخلاق و عمل به تکلیف، محور قیام امام

امام از روز اول فرمود: ما مأمور به تکلیفیم، نه به نتیجه؛ این، عین اخلاص است؛ محض اخلاص است؛ فقط برای خداست که ذره‌یی قدرت‌طلبی و جلب حطام مادی در این چنین دلی وجود ندارد. امام به تکلیف خود که مأموریت او بود عمل کرد، خدا هم نتیجه را به او داد: دنیا از صدای امام پُر شد. ما آن روزها نه بلد بودیم تبلیغات بکنیم، نه ابزارهای تبلیغاتی در اختیار انقلاب و نظامِ نوپا بود، با این وصف، وقتی کسی به هر نقطه‌یی از دنیای اسلام و حتّی بیرون از دنیای اسلام قدم می‌گذاشت، نفس امام، نام امام، یاد امام را در آن‌جا زنده می‌دید؛ خداوند متعال این‌گونه به کلمه‌ی طیبه برکت می‌دهد و آن را پیش می‌برد. البته در طول زمان، برای پاک کردن جای پای امام و خطّ امام خیلی تلاش کردند، ولی امروز بعد از بیست‌وهفت سال که از آغاز آن نهضت عظیم و پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی گذشته است، شما می‌بینید که رایحه‌ی خدمتگزاری به مردم با تکیه‌ی بر شعارهای انقلاب، در سرتاسر کشور، استشمام می‌شود و بار دیگر شعار

www.ourpresident.ir

خدمتگزاری، شعار پاسخگویی، شعار ساده‌زیستی، شعار عدالت‌طلبی، از شعارهای رایج است؛ این، برکت انقلاب است. اگرچه هنوز کسانی هستند که مردم را دعوت به تسلیم و ذلت در مقابل دشمنان نابکار می‌کنند؛ اما مردم راه خودشان را پیدا کرده‌اند.

بیانات در دیدار عمومی مردم قم ـ ۸۴/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

اقدام عاشورایی نیروی هوایی در ۱۹ بهمن

خاطره‌ی نوزده بهمن یک خاطره‌ی افتخاربرانگیز است. جوانان نیروی هوایی – چه همافران، چه افسران و چه درجه‌داران – آن روز یک کار عاشورایی کردند (شما جوانهای عزیزی که در این جلسه هستید، وزن و اهمیت آن کار را در آن دورانِ تعیین‌کننده و عجیب، شاید نتوانید درست حدس بزنید.) و این کار عاشورایی نه فقط آن روز، بلکه در طول دوران بیست‌وهفت ساله، به یک نقطه‌ی اثرگذار و شعاع‌آفرین تبدیل شد.

نیروی هوایی در طول این سال‌ها در صفوف مقدم همه‌ی کارهای افتخارآمیزی که از نیروهای مسلح انتظار می‌رفت، قرار گرفت. در دوران دفاع مقدس، نیروی هوایی در بخش آفند و پدافند کارهای درخشانی کرد. من نمی‌دانم آیا شما جوانان عزیز از تاریخچه‌ی فعالیت‌های نیرو در این دوران پُرماجرا مطلع هستید یا نه، اما همین‌قدر بدانید که برترین مجاهدت‌هایی که در یک دفاع مقدس ممکن است برای یک نظامی پیش بیاید، در نیروی هوایی پیش آمد و دلاوران نیروی هوایی از عهده‌ی آن برآمدند. باید این

www.ourpresident.ir

مسائل دقیق، امانتدارانه و به دور از مبالغه – احتیاج به مبالغه نیست؛ واقعیات آن‌قدر شگفت‌انگیز و آن‌قدر باعظمت است که هر چشم‌دل و هر بصیرتی را به خود متوجه می‌کند – در اختیار نسل جوان گذاشته شود.

... امروز شما کارکنان نیروی هوایی – نظامیانی که در این بخش مهم مشغول فعالیتید – جایگاه خودتان را درست بشناسید. نیروی هوایی بسیار مهم است؛ به یک معنا تعیین‌کننده است. امروز بخش پدافند شما جزو مؤثرترین بخش‌های همه‌ی دستگاه‌های نظامی کشور برای دفاع از عزّت، استقلال و سربلندی ملّت ایران است، که جز با همت و اراده و اعتماد به نفس و توکل شما به خدا و کار خستگی‌ناپذیرتان، این قله‌های بلند را نمی‌شود فتح کرد. یک روز نیروی هوایی با آن کار بزرگ خود در نوزده بهمن، تحول را در مجموعه‌ی کشور به وجود آورد. شاید آن جوان‌هایی که آن روز آمدند، نمی‌دانستند که چه کار مهمی انجام می‌دهند – یک ایمان، یک عشق آنها را به میدان کشانده بود – اما کار آنها بشدت در کل حرکت انقلاب تأثیرگذار بود. بنابراین، هر بخشی از بخش‌های نیروهای مسلح و بیرون از نیروهای مسلح، می‌توانند در مواقع خاصی بشدت اثرگذار باشند. به خود اعتماد کنید، از نیروی درونی و ذاتی خود استفاده کنید و بدانید که شما می‌توانید بخش خودتان را با اراده و ابتکار و نوآوری و فعالیت خودتان، در سطح بالا، وسیله‌ی عزّت ملّت خودتان قرار بدهید؛ می‌شود؛ تا حالا هم امتحان کرده‌ایم و شده است. کارِ سازماندهی‌شده، منظم، با اعتماد به خود، و با حفظ آن انضباط دقیق و ظریف نظامی، و با اخلاص، و با توکل به خدا؛ در همه‌ی قسمت‌های شما یک چنین کاری با این روح و با این جوهر و حقیقت، می‌تواند تأثیرات بزرگی را بگذارد.

بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ـ ۸۴/۱۱/۱۸

www.ourpresident.ir

انقلاب عاشورایی و عزّت‌طلبانه‌ی ایران

ملت ما را در طول سال‌های متمادی به یک ملّت وابسته تبدیل کرده بوند؛ ملّت ما را با تبلیغات پیوسته، از فرهنگ خود، از اعتماد به خود تهی کرده بودند؛ ملّت ما را به خود بی‌اعتماد و ناامید کرده بودند. ملتی با این سابقه‌ی تاریخی، در این موقعیت حساس جغرافیایی، با این همه استعداد انسانی و طبیعیِ نهفته‌ی در این سرزمین، تبدیل شده بود به وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌برداری قدرت‌های بیگانه؛ مدتی انگلیس، بعد هم امریکا؛ اما این انقلاب ما را بیدار کرد؛ ما را به خود آورد؛ این همان حرکت عاشورایی بود. این اقدامِ بزرگ، سرنوشت و راه ما را عوض کرد. ما امروز در راه عزّت، در راه استقلال، در راه استفاده از استعدادهای طبیعی و انسانی خودمان حرکت می‌کنیم و پیش رفته‌ایم و دنیا هم تا حدود زیادی به این اعتراف کرده و آن را قبول کرده است؛ چاره‌یی ندارد؛ اما ما باید این راه را ادامه بدهیم. هیچ ملتی با تنبلی و تن‌آسایی نخواهد توانست به عزّت برسد. رسیدن به استقلال، رسیدن به عزّت ملی، رسیدن به کرامت انسانی، برای یک ملّت هزینه دارد، که باید

www.ourpresident.ir

این هزینه را متحمل شد و باید تلاش کرد؛ باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع‌بینانه نگاه کرد، که یک نگاه واقع‌بینانه، امید به انسان خواهد بخشید.

بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ـ ۸۴/۱۱/۱۸

www.ourpresident.ir

هشیاری امام و جلوگیری از گم شدن هدف اصلی

من به انقلاب خودمان که نگاه می‌کنم، می‌بینم هنر بزرگ امام این بود که دچار این غفلت نشد؛ اساس کار امام این است. امام اشتباه نکرد که حرفی را که گفته بود و هدفی را که اتخاذ کرده بود، در سایه‌ی تنبیه و ظاهرسازی‌های شعارهای دیگران گم کند و فراموش کند. این، اساس کار موفقیت امام بود که مستقیم به طرف هدف پیش رفت؛ صریح و عریان آن را جلوی چشمش قرار داد و به طرف آن حرکت کرد. متأسفانه این کار را زعمای روحانی و مشروطه نکردند و بر ایشان غفلت ایجاد شد؛ فلذا اختلاف شد. اختلاف که به وجود آمد، آنها تسلط پیدا کردند. وقتی قدرت دست آنها آمد، دیگر کاری نمی‌شد کرد. عین همین قضیه را من در قضایای عراق دیدم. در قضایای عراق هم اول علما به طور جدی وارد شدند، بعد تعبیر و توجیه شروع شد: حالا شاید اینها راست بگویند! شاید هدف بدی نداشته باشند!انگلیس‌ها در آن‌جا بین مردم عراق شعارهایی را پخش کردند: «جئنا محررین لا مستعمرین!»؛ ما نیامده‌ایم برای استعمار شما، ما آمده‌ایم شما را از دست عثمانی‌ها آزاد

www.ourpresident.ir

کنیم! همین حرفی که حالا آمریکایی‌ها در این برهه‌ی اخیر به عراقی‌ها می‌گفتند: ما آمده‌ایم شما را از دست صدام آزاد کنیم، نیامده‌ایم برای این‌که بر شما تسلط پیدا کنیم! آن وقت آنها در آن‌جا از ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸ ظاهراً یا ۵۷، سی‌وهشت سال عراق را آن‌چنان فشردند که وقتی انسان این سال‌های طولانی را نگاه می‌کند و می‌خواند، گریه‌اش می‌گیرد که اینها در عراق و البته غالباً هم به‌وسیله‌ی خودِ همین عناصر عراقی چه کرده‌اند: از کشتار مردم، از نهب مردم، از غارت کشور، عقب نگه داشتن کشور و ذلت‌هایی که بر ملّت عراق تحمیل کردند.

بیانات در دیدار شورای مرکزی و کمیته‌های علمی همایش صدمین سالگرد مشروطی ـ ۸۵/۲/۹

www.ourpresident.ir

ثمرات شیرین شجرهی طیّبهی انقلاب

ما ملتی گمنام و دنباله‌رو سیاست قدرت‌های بیگانه بودیم؛ ملتی منفعل در مقابل تصمیم‌گیری دولت‌های متنفذ بودیم؛ یک روز امریکا، قبل از آن انگلیس، یک روز روس؛ اما این شجره‌ی طیبه ما را به یکی از اثرگذارترین ملت‌های عالم و اثرگذارترین کشور و ملّت در این منطقه تبدیل کرد. این، اعتراف دشمنان ماست. ما ملتی بودیم خودباخته و به نیروهای درونی خودمان ناآشنا و بی‌اعتقاد، و به زرق و برق بیگانگان چشم دوخته و فریفته؛ ولی این شجره طیبه ما را به ملتی با ابتکار، با اعتماد به نفس، با حرف‌های نو و تازه در زمینه‌های گوناگون تبدیل کرد. ثمرات شیرین این شجره‌ی طیبه، امروز هزاران محقق و پژوهشگر، هزاران عالم و دانشمند، هزاران مغز متفکر و سرانگشت کارآمد در انواع و اقسام عرصه‌ها و صحنه‌هاست؛ چه در علوم انسانی، چه در علوم تجربی، چه در مسائل اجتماعی، چه در سیاست و چه در دین. امروز ما کشوری هستیم با جمعیت غالباً جوان، پُرانگیزه، باایمان و دارای همه‌ی شرایط پیشرفت.

www.ourpresident.ir

ثمرات این شجره‌ی طیبه در همه جای دنیای اسلام هم قابل مشاهده است؛ مسلمانان جهان بیدار شده‌اند و هویت اسلامی خودشان را بازیافته‌اند؛ آنها از مسلمانی خودشان احساس عزّت کرده‌اند. در کشورهای اسلامی، جوانان، دانشگاهیان، روشنفکران و نخبگان، دلشان مجذوب هدف‌های اسلامی است و برای آن ارزش قائلند؛ برای آن تلاش می‌کنند. در دنیای اسلام، ملت‌هایی از برکت این شجره‌ی طیبه، هویت حقیقی و هویت ملی و اسلامی خودشان را بازیافته‌اند و با اینکه در طول سالیان متمادی در پنجه‌ی قدرت ابرقدرت‌ها بوده‌اند، احساس قدرت کرده‌اند. امروز فلسطین یک نمونه است، عراق یک نمونه است، شمال آفریقا نمونه‌های متعدی دارد، لبنان یک نمونه است. آرمان، اسلام و استقلال در میان این ملّتهاست و آنها امیدوارانه و پُرانگیزه تلاش می‌کنند. اینها ثمرات همان شجره‌ی طیبه‌ای است که این مرد بزرگ، این عبد صالح، با قیام خود و با خصوصیات منحصربه‌فرد خود توانست غرس کند.

بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ــ ۸۵/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

تحقّق اصل قرآنی نصرت الهی در انقلاب

عامل اصلی پیشرفت امام بزرگوار ما و موفقیت او این است که به یک اصل قرآنی، به یک حقیقت قرآنی، با همه‌ی وجود، با همه‌ی دل، ایمان آورد و با همه‌ی توان در راه آن تلاش و کار کرد. آن اصل قرآنی همان چیزی است که در این آیه‌ی شریفه‌ی «ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم»[1] و در آیات متعدد دیگر از آن یاد شده و بر آن تأکید شده است: اگر خدا را نصرت کنید، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد؛ اگر در راه خدا قدمی بردارید، خداوند متعال هم شما را ده‌ها و صدها قدم جلو خواهد برد. این، اصل قرآنی و یک حقیقت است؛ یک قانونی الهی است. نصرت خدا به معنای نصرت دین اوست. دین خدا، فقط طهارت و نجاست نیست، فقط اعمال ظاهری دینی نیست؛ دین خدا یعنی برنامه‌ی سعادت بشر در دنیا و آخرت. این برنامه همان‌طور که ضامن رشد و اعتلای معنوی جوامع بشری است، ضامن زنده کردن استعدادهای فکری و رشد دادن به شخصیت و

۱. سوره‌ی محمّد ﷺ، آیه‌ی ۷.

www.ourpresident.ir

توانایی‌های آنها هم هست. دین خدا همچنانی که به معنویت نظر دارد، به زندگی دنیایی انسان هم نظر دارد و برای خوشبختی انسان برنامه دارد. امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاةوالسّلام) در نهج‌البلاغه، هدف از بعثت نبی مکرم اسلام را این‌گونه معین می‌کند: «لیثیروا لهم دفائن العقول»؛ تا گنجینه‌های خرد را در درون مردم استخراج کند و به فعلیت برساند. در زیارت اربعین سیدالشهداء علیه‌السلام هم می‌خوانیم: «لیستنقذ عباده من الجهالة و حیرة الضلالة»؛ قیام حسینی برای این است که ابرهای جهل و غفلت را از افق زندگی انسان‌ها برطرف کند و آنها را عالم کند؛ آنها را به هدایت حقیقی برساند. نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنّت‌های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت‌ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه‌ی عوامل بدبختی و تیره‌روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا. امام برای نجات و رهایی کشور و ملّت خود، این حقیقت قرآنی را به کار گرفت و خدا را نصرت کرد؛ قیام و اقدام کرد. خدای متعال هم او را نصرت کرد و به حرکت او برکت بخشید؛ به یک قدم او صد قدم پاسخ گفت. ما نصرتی را که خودمان درباره‌ی دین خدا می‌کنیم – نسبت این را – با نصرتی که خدا می‌کند، اگر بخواهیم بسنجیم، از نسبت یک به صد و یک به هزار هم بیشتر است. ما یک قدم برمی‌داریم؛ اما خداوند متعال نصرتش را وقتی شامل حال ما می‌کند، در حقیقت صد و هزار قدم ما را به جلو می‌برد. بنابراین، فاصله‌ی بین نصرت ما و نصرت خدا، بسیار زیاد است.

بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ــ ۸۵/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

قیام برای خدا و تأثیر آن در موفقیت

برای نجات یک کشور، میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال لازم است: عوامل طبیعی، عوامل انسانی، عوامل بین‌المللی، عوامل سیاسی و اقتصادی. مجموعه‌ی این عوامل باید به کار بیفتد تا یک ملتی بتواند در زندگی خودش تحول ایجاد کند. این عوامل، دست ما انسان‌ها نیست و با اراده‌ی ما ارتباط مستقیمی ندارد؛ اما ما وقتی که «قیام لله» می‌کنیم، خدای متعال با یک حرکت ما هزاران و میلیون‌ها حرکت و فعل و انفعال را در فضای زندگی اجتماعی به وجود می‌آورد و تحول ایجاد می‌شود؛ عیناً مثل طبیعت. شما یک نهال کوچک را در خاک فرو می‌کنید – از شما فقط همین کار است. این، کار کمی است – اما این نهال با میلیون‌ها فعل و انفعال در خاک و در خودِ بافت گیاهی، در فضا و هوا به یک درخت بزرگ تبدیل می‌شود؛ شاخ و برگ می‌دهد؛ میوه می‌دهد و نسبت به آن وضعیت اول، صدها و هزارها برابر تغییر پیدا می‌کند. کار شما در مقابل آن همه فعل و انفعالات هیچ است؛ اما اگر شما همان کار کوچک را که نشاندن این نهال در زمین است، انجام ندهید، این

www.ourpresident.ir

همه فعل و انفعالات انجام نمی‌گیرد. امام «قیام لله» کرد و خودش با همه‌ی وجود وارد میدان شد. با فریاد خود، با تلاش خود، با قبول زحمات، ملّت را پای کار آورد. با این حرکت و با این عزم راسخ، خداوند متعال آن میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال را بر این حرکت مترتب کرد و آنچه اتفاق افتاد، به یک معجزه شبیه بود؛ یعنی تشکیل نظام مبتنی بر اسلام در یک نقطه‌ی حساس؛ به خاطر این حرکت امام، که البته آماج دشمنی و کینه‌ی همه‌ی صاحبان زور و زر در سرتاسر عالم است؛ اما بر خلاف نظر آنها، این حقیقت تحقق پیدا کرد.

بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) _ ۸۵/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

هنر بزرگ امام: شناخت مردم و اعتماد به آن

به نظر ما یکی از بزرگترین هنرهای امام راحل ما این بود که این نیروی مردم را شناخت و آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد.

وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی‌تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می‌آمدند می‌بردند، می‌خوردند و استفاده‌ی سیاسی و مالی می‌کردند. آن روزی که بعضی از کشورهای عرب تصمیم گرفتند که از نفت علیه اسرائیل استفاده کنند، شاه ایران دل صهیونیستها را گرم کرد و گفت من به شما نفت می‌دهم. وضع ایران در آن روز این‌گونه بود و کسی امیدی نداشت؛ اما امام راحل ما (قدّس‌الله نفسه‌الزّکیه) وقتی همت گماشت و بر این مبارزه عزم کرد، هیچ نیرویی جز نیروی مردم نداشت. او به این نیرو معرفت پیدا کرد؛ به این نیرو تکیه کرد و خدای متعال هم که همه چیز دست

www.ourpresident.ir

اوست – که «و ما رمیت اذ رمیت و لکنّ الله رمی»[1] – دلها را منقلب کرد. وقتی دلها متوجه به این حقیقت شد، نیروها به میدان آمدند و قدرت رژیم طاغوتی و وابسته شاه متزلزل شد و نظام اسلامی در این کشور سربلند کرد. ما در حساسترین نقطه‌ی دنیای اسلام و بر سر چهارراه قرار داریم و بیشترین نقطه اعتماد امریکا و استکبار در این منطقه، بر رژیم سلطنتی شاه بود.

نیروی مردم را باید شناخت. این نیرو، نیروی عظیمی است. برای به میدان آوردن این نیرو، همت و عزم و اخلاص و مجاهدت لازم است. اگر مردم داخل میدان شوند و سیاستمداران و زمامداران کشورها با توده‌های میلیونی مردم کشورهایشان نزدیک شوند، هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابل آنها ایستادگی کند و هیچ تهدیدی روی آنها تأثیر نخواهد گذاشت. البته بدون جهاد، بدون تحمل سختی، انسان به جایی نمی رسد و امت اسلامی باید سختی‌هایی را تحمل کند، تا بتواند به اهداف بلند خودش برسد؛ اینها وظایف مهم امروز ما در دنیای اسلام است.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ـ ۸۵/۵/۳۰

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۱۷

www.ourpresident.ir

ذلّت حکومت پهلوی نزد بیگانگان

رحمت خدا بر امام بزرگوار ما که ملّت ما را بیدار کرد و نیروی ملّت ما را به میدان آورد. ما هم همین‌جور بودیم؛ ما هم زیر دست و پا له می‌شدیم. در این شهر تهران، بزرگترین منکرات انجام می‌گرفت و کسی اخم نمی‌کرد؛ در این شهر تهران، دشمن‌ترین دشمنان اسلام آمدند و مثل این‌که در خانه‌ی خودشان زندگی بکنند، با امنیت کامل زندگی می‌کردند! اموال این مملکت را می‌بردند، نفت را می‌بردند، جلو پیشرفتها را می‌گرفتند، برنامه‌های خائنانه و ظالمانه‌ی خودشان را بر این ملّت تحمیل می‌کردند و مدیران کشور؛ یعنی محمّدرضا شاه و اطرافیان او، دست به سینه در مقابل آنها می‌ایستادند؛ دست به سینه‌ی باطنی. البته ظاهراً باد و بروتی بود، اما اجازه را از آنها می‌گرفتند. در این شهر تهران، دربار ایران برای تصمیم‌گیری در مهمترین مسائل، از سفیر امریکا و سفیر انگلیس می‌پرسیدند که این کار را بکنیم یا نکنیم؛ اینها جزو سندهای ماست و امروز وجود دارد. متأسفانه در بسیاری از کشورهای اسلامی، امروز همین مسائل هست. این ملّت توانا، این ملّت باهوش، این

www.ourpresident.ir

ملّت دارای این سابقه‌ی تاریخی عظیم، این ملتی که امروز در میدان علم، در میدان جهاد، در میدان فناوری، در میدان سیاست درخشش خودش را نشان می‌دهد، زیر دست و پا له می‌شد. امام، ملّت را به صحنه آورد؛ به مردم اعتماد کرد، مردم هم خودشان را نشان دادند. وقتی او به مردم اعتماد کرد، مردم هم به او اعتماد کردند. اینجا، نقطه‌ای که محل امید کفر بود، شد پرچمدار اسلام ناب محمّدی و روزبه‌روز ان‌شاءالله ملّت ایران در این صراط پیش خواهند رفت.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم ﷺ ـ ۸۵/۵/۳۱

www.ourpresident.ir

ملّت ایران مصمّم در حفظ ارزشها

آن کسانی که خیال کردند با فاصله گرفتن از مبدأ انقلاب و با غیبت امام بزرگوارمان و وفات او، مردم از ارزشها فاصله خواهند گرفت، به خطا رفته‌اند؛ اشتباه کرده‌اند و می‌بینند که اشتباه کرده‌اند. ما به این ارزشهای متمسک هستیم؛ ما ارزشهای اسلامی را مایه‌ی عزّت ملی خودمان می‌دانیم؛ ما این ارزشها را موجب رشد استعدادها در ملتمان می‌دانیم. ما به برکت اسلام، به حول و قوه‌ی الهی خواهیم توانست با سرعتی بیش از سرعت متعارف و معمول، قله‌های علم را بالا برویم و این قله‌ها را فتح کنیم. ما بر ضعفی که در سالیان متمادی بر ما تحمیل شده است، فائق خواهیم آمد و خودمان را قوی خواهیم کرد. معلوم است که استکبار راضی نیست؛ معلوم است که قدرتمندان با جنجال، با هوچیگری، با کار تبلیغاتی، با کار سیاسی، با فشار اقتصادی، می‌خواهند مانع از این حرکت شوند؛ اما نمی‌توانند. ما ایستاده‌ایم؛ این ملّت ایستاده است و ملّتهای مسلمان بیدار شده‌اند. امروز دلهای ملّتهای مسلمان پُر است از بغض صهیونیستها و بعض امریکا. امروز

www.ourpresident.ir

در سرتاسر خاورمیانه و شمال آفریقا و آسیا، کشورهای اسلامی و جوانها، مشتاق بروز هویت اسلامی خودشان هستند. این چیزی است که در ملّتها روئیده است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم ﷺ ـ ۸۵/۵/۳۱

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

استقلال و مردمی بودن،
دو خصوصیت حوزه‌های علمیه تشیّع

اساساً روحانیت شیعه همواره خصوصیتی منحصر بفرد داشته است و امروز هم که نظام جمهوری اسلامی برپاست و مسئولان آن بعضاً از خود این حوزه‌ها برخاسته‌اند و صبغه‌ی روحانیت و دینی در این حکومت مشهود است، باز حوزه‌های علمیه‌ی شیعه همان خصوصیت را حفظ کرده‌اند. آن خصوصیت چیست؟ آن عبارت است از «استقلال و مردمی بودن».

این، در هیچ جای دنیا وجود ندارد. مجامع روحانی، چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی در غیرِ شیعه، مجامعی هستند که با مردم سر و کار دارند – یعنی مردم به کلیساها هم می‌روند – اما روحانیِ در آنجا، با پیشنماز مسجد ما در اینجا، از زمین تا آسمان تفاوت دارد. او یک فردی است وابسته به یک تشکیلاتی که از ملحقات دولت و سلطه‌ی حاکم بر آن کشور است یا سلطه‌ای شبیه سلطه‌ی روحانیت مثل مسیحیها، که مثلاً کاتولیکهایشان به یک جای دیگر وابسته‌اند، پروتستانها به یک جای دیگر وابسته‌اند و فرقه‌های

www.ourpresident.ir

مختلفشان هرکدام به مراکز قدرت وابسته‌اند و نصب و عزل می‌شوند؛ اما روحانیت شیعه این‌طور نیست؛

روحانی شیعه فقط متصل به مردم و برای مردم و در شئون روحانی، در خدمت مردم است؛ لذا تغذیه‌ی مالی روحانیون هم از مردم است. بارها بعضی از آقایان معتبر و معروف قم به بنده گفته‌اند که شما بیایید از منابع دولتی برای حوزه‌ها یک بخشی را به عنوان شهریه جدا کنید؛ بنده سالهاست با این قضیه مخالفت کرده‌ام و گفته‌ام نمی‌کنم. خود من هم که شهریه می‌دهم، از وجوهات می‌دهم. این خیلی مهم است: پشتیبان ما مردمند.

هر کدام از مسئولان روحانی هم که در کشور مشغول کارهای اجرایی هستند، در درجه‌ی اول، روحانی هستند و در درجه‌ی دوم، مسئول. یعنی اگر این مسئولیت را کنار بگذارند، یا از آنها بگیرند، یک روحانی اند و مشغول کار روحانی‌شان هستند. این، پدیده‌ی خیلی بزرگ و مهمی است و باید مهم شمرد.

ارتباط با مردم هم یک ارتباط دو جانبه و تنگاتنگ است. مردم به روحانی می‌رسند، روحانی به مردم می‌رسد. رسیدگی روحانی به مردم هم فقط مسئله‌گویی نیست؛ در حالی که در بین ما این‌طوری جا افتاده است. روحانی گره‌گشایی می‌کند، مشورت فکری می‌دهد و حل و فصل خصومتها و اختلافات را می‌کند؛ الان هم همین‌طور است. می‌نشیند، حرف می‌زند، نصیحت می‌کند و دل به دل مردم می‌دهد. لذا هر جایی هم که منصوبان ما در مشاغل گوناگون هستند و رفقا و طلبه‌ها و فضلایی را می‌فرستیم، سفارش من به آنها این است؛ مثلاً در مورد دانشگاه می‌گویم در دانشگاه آن‌طور رفتار کنید که گویا در مسجد پیشنمازید، با مردم می‌نشینید حرف می‌زنید، سؤال می‌کنند، جواب می‌دهید، گله‌گزاری دارند، مشکل دارند، مشکل روحی دارند، مشکل فکری دارند.

.بیانات در جمع روحانیون استان سمنان ـ ۸۵/۸/۱۷

www.ourpresident.ir

پیشگامی روحانیت شیعه ایران در تحوّلات اجتماعی

یعنی همدلی با مردم. همین خصوصیت – با مردم بودن – باعث شده است که در تحولات عظیم اجتماعی کشور ما – که مهمترین کشور شیعه‌ی دنیاست – روحانیت پیشقدم باشد. شما ببینید کدام تحول بزرگ و اساسی – سیاسی محض – در کشور انجام گرفته است که در آن روحانیت در صف مقدم نباشد؛

از ایستادگی در مقابل دست‌اندازی اقتصادی خارجیها – مظهرش ماجرای تنباکو و «قرارداد رژی» در زمان میرزای شیرازی بود؛ نمونه‌ی دیگرش در قرارداد «رویتر» بود که باز آنجا روحانیون مخالفت کردند؛

نمونه‌ی دیگرش در شروع مشروطیت بود که روحانیون پیشقدم بودند، از نجف تا ادامه‌ی روحانیت در همه‌ی بلاد، و اگر روحانیون نبودند، امکان نداشت استبداد سلطنتی قاجاری از بین برود – تا قضایای بعد از مشروطیت که مخالفتهای گوناگونی می‌شد. وقتی هم که عوامل روسها و بقیه‌ی دست‌اندازهای سیاسی در شهرها اخلال می‌کردند، باز روحانیون همه جا

www.ourpresident.ir

پیشقدم، حفظ کننده و مهار کننده بودند. حتّی اگر در یک قضیه‌ی سیاسی مردم هم دو دسته می‌شدند، در رأس این دسته هم روحانی بود و در رأس آن دسته هم روحانی بود؛ یعنی مردم دل به روحانیت می‌دادند. در قضیه‌ی مشروطیت هم آن کسانی که مخالف مشروطه بودند – البته این را بدانید که از روحانیون کسی مخالف مشروطه نبود، بلکه مخالفت از وقتی شروع شد که ظهور و حضور انگلیسها و انگشت پنهانی آنها در مشروطه واضح شد؛ و الّا از اول هیچ کس حتّی در نجف، که مدارکی وجود دارد، با مشروطه مخالفت نداشت – و در آنجایی که دو دسته شدند، باز مردم به اعتماد روحانی‌ای که در رأس کار بود، سر کار آمدند و دنبال این فکر را گرفتند؛ در مشهد یک جور، در زنجان یک جور، در تهران یک جور، و در مناطق دیگر هم یک جور.

در قضیه‌ی ملی شدن صنعت نفت هم باز روحانیون بودند که جلو افتادند. اگر مرحوم آیةالله کاشانی نبود، مطمئن باشید که مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت به هیچ‌وجه در این کشور پا نمی‌گرفت. حالا یک عده به تعبیری که بنده کردم، نمک خوردگانِ نمکدان شکن هستند؛ نان نهضت ملی را می‌خوردند، بعد به مرحوم آیةالله کاشانی بدگویی می‌کنند! در حالی که او جلودار این قضیه بود. و اگر او نبود، قطعاً مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت در این کشور، به جایی نمی‌رسید.

بعد هم در انقلاب اسلامی که دیگر واضح است. ببینید، با مردم بودن این است. روحانی که راه افتاد، دنبالش مردم راه می‌افتند. فإذا ولیّ أبودلف ولّت الدّنیا علی أثره این خاصیت روحانی شیعه است.

بیانات در جمع روحانیون استان سمنان ـ ۸۵/۸/۱۷

www.ourpresident.ir

تفکّر غلطِ غربی شدن شرط پیشرفت

اینکه «پیشرفت چیست؟» حرفهای گوناگونی در سطح دنیا مطرح است. همه‌جور حرفی هست؛ نسخه‌های قلابی، توصیه‌های متناقض، عجیب و غریب و بعضاً خائنانه، که این بلایی بود که در آغاز شروع مدرن‌سازی کشور به جان ما ایرانیها افتاد. اول که نشانه‌های پیشرفت اروپایی برای ایرانیها معلوم شد، کم کم به فکر افتادند که ببینند در اروپا، در آن طرف دنیا، چه خبراست؛ قبل از آن، اصلاً خبر نداشتند که در دنیا چه خبر است! سلاطین قاجاری آنقدر گرفتار حرمسراها و سفره‌خانه‌ها و گرفتاریهای شخصی و مسائل بی‌ارزش خودشان بودند که اصلاً از اینکه در دنیا چه دارد می‌گذرد، خبر نداشتند. رنسانس چه بود؟ چطور به وجود آمد؟ چرا به وجود آمد؟ نتیجه‌اش چه شد؟ اصلاً این قضایا را تا دوران فتحعلی شاه و بعد از آن ملتفت نبودند! بعد که جنگ ایران و روس شد و دستگاه قاجاری به واسطه‌ی سلاحهای پیشرفته‌ی روسها – که آن روز از امکانات جدید و سلاحهایی که برای خودشان ساخته بودند، بهره بردند – تو دهنی محکمی خورد،

www.ourpresident.ir

تازه کسانی را به اروپا فرستادند و سفرای اروپایی هم که در ایران زندگی می‌کردند، دست و پایی باز کردند. پیغام‌آورها و مأموران ویژه‌ای هم برای زمینه‌سازی نفوذ سیاسی به ایران گسیل شدند و با روشهای خودشان به ایران آمدند. اولین کسانی که با موج به اصطلاح مدرنیته مواجه شدند، چه کسانی بودند؟ شاهزاده‌ها، رجال دربار قاجاری و شخصیتهای متنفذ سیاسی آن روز. عامه‌ی مردم که خبری نداشتند، علما که اطلاعی نداشتند و دیگران که چیزی نمی‌دانستند. اینها هم به جز خیلی افراد معدود، عموماً – تقریباً می‌شود گفت بدون استثنا – در مواجهه‌ی با این فرهنگ و پیشرفتهای غربی مات و مبهوت شدند؛ دست و پای خودشان را گم کردند و نتوانستند ذهن و عقل خودشان را به کار بگیرند و از پیشرفت طرف مقابل، به فکر پیشرفت خود بیفتند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در دوران مشروطیت و بعد از استقرار آن، روشنفکرهای درجه‌ی اول ما عقیده‌شان این شد که اگر ایران بخواهد پیشرفت کند، باید از فرق سرتا پا غربیِ کامل بشود! این، یعنی تقلید محض. و همین‌طور هم عمل کردند و این روند تا حکومت پهلوی ادامه داشت.

حکومت پهلوی آمد این را برنامه‌ریزی کرد تا با سرعت بیشتری این کار انجام بگیرد. به آن مقداری که در دوره‌ی قاجار بود، قانع نبودند. پهلوی را برای این سرِ کار آوردند؛ چند تا روشنفکرِ دست‌نشانده‌ی مورد اعتماد خودشان از ایرانیهای تحت تأثیر غرب را هم به عنوان عناصر فرهنگی، دور و برِ آن گذاشتند تا همین کار را بکنند. مسئله‌ی کشف حجاب، مسئله‌ی تغییر لباس و مسئله‌ی حذف کردن نشانه‌های ایرانیِ اسم: میرزا، سید، خان، آقا، دادن امتیازات فراوان در زمینه‌های نفت و آوردن مستشارهای خارجی – که روز به روز هم بیشتر شد – از این قبیل است. بعد هم که – انگلیسیها رضاخان را کنار گذاشتند، در دوره‌ی بعد، امریکاییها از سال ۱۳۳۲ همه کاره‌ی کشور شدند؛ این سرگذشت تحولات ما در دوران طاغوت است که

www.ourpresident.ir

با همان مدیریت خطرناک که گفتم، به سمت نابود کردن اصالتها رفت. ای کاش در مقابل چیزی می‌گرفتند! نه، هیچ چیز هم نگرفتند. یعنی ایرانیها در طول سالهای متمادی – بیش از شصت، هفتاد سال – که در اختیار انگلیسیها و غربیها بودند، این قدرت را پیدا نکردند که مثلاً یک مرکز تحقیقات علمی در کشور به وجود آورند که ظرف پنجاه سال دو تا اختراع درست کند؛ دانشمندانی را تربیت کنند که دو، سه تا کشف جدید علمی بکنند؛ یعنی اینها این اندازه از غرب استفاده نکردند. آنها چه می‌خواستند؟ مصرف کننده می‌خواستند. مصرف کننده‌ی اقتصادی‌ای که به طور طبیعی با خودش مصرف فرهنگی و تسلیم سیاسی را هم همراه دارد. آنها این را می‌خواستند؛ اینها هم راحت تسلیم شدند و دادند. همه‌ی این تشنجها، درگیریها و چالشهایی که شما در دوران حکومت قاجاریه از زمان تنباکو تا دوران رضا خان و تا بعد از آن می‌بینید که بین جبهه‌ای از مؤمنین به رهبری علما از یک طرف و حکام جائر از یک طرف انجام گرفت، نشئت گرفته از این قضیه است. در قضیه‌ی امتیاز «رژی»، میرزای شیرازی در مقابل دادن امتیازِ مفت و مجانیِ یک منبع درآمد بزرگ در کشور به غربیها و خارجیها، مخالفت کرد. در قضیه‌ی امتیاز «رویتر» همین‌طور، و در قضیه‌ی قراردادِ ۹۹ – قرارداد معروف به «قرارداد وثوق الدوله» که در واقع طبق آن، همه‌ی کشور را به دست انگلیسها می‌دادند ـ هم همین طور بود، که مدرس، آن روحانی برجسته، مخالفت کرد.

در قضیه‌ی ملی شدن صنعت نفت هم که مرحوم آقای کاشانی (رضوان‌الله علیه) دخالت کرد، همین طور بود. این چالشهایی که علما با حکام دورانهای مختلف داشتند – که مردم و بسیاری از روشنفکرها هم با اینها همراهی کردند – همه در این مرز است؛ مرز منافع ملی، و آن طرف هم که تحول ناشی از اراده و تصمیم‌گیری قدرتهای بیگانه‌است. پس نسخه‌های پیشرفت و نسخه‌های غربی و بیگانه، بعضاً حتّی خائنانه است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان ـ ۸۵/۸/۱۸

www.ourpresident.ir

گناه بزرگ نسل اول روشنفکران ایران

سالهای متمادی – شاید دهها سال – همت استعمارگران این بود که ملّت ایران را نسبت به خودشان و نسبت به ارزشها و گذشته‌ی خودشان بی‌اعتقاد کنند. گناه بزرگ نسل اول روشنفکران این کشور که مروّج تفکرات غربی و فرهنگ غربی بودند، همین است. به ملّت ایران تبیین کردند و اصرار و تکرار کردند که تو چیزی نیستی. ارزشهای تو، اعتقادات تو، گذشته‌ی تو، تاریخ تو و بزرگان تو به چیزی نمی‌ارزند. توانستند یک نسلِ از خود بیگانه‌ای درست کنند که پذیرای یک حکومت ظالم و دست‌نشانده‌ای مثل حکومت رضاخان قلدر باشد. این کاری است که دشمنان ما در طول سالهای طولانی کرده‌اند.

نهضت اسلامی، حرکت عظیم روحانیت و مردم در دوران سالهای منتهی به پیروزی انقلاب همین بود که مردم را نسبت به هویت خودشان، نسبت به تواناییهای خودشان و نسبت به گذشته و تاریخ خودشان خوشبین کنند و پرده‌ی دروغ و توهمی را که دشمنان بر روی باورهای ملی ما کشیده بودند، آن را بِدَرَد؛ و موفق هم شدند.

بیانات در دیدار مردم شاهرود ـ ۸۵/۸/۲۰

www.ourpresident.ir

مصیبت بزرگ بی‌خبری مردم از وضع کشور در دوران‌های گذشته

مشکل ملّت بزرگ ما – قبل از پیروزی انقلاب اسلامی – فقط در این نبود که بیگانگان، مسئولان سیاسی کشور را بدون اطلاع آنها روی کار می‌آوردند و کنار می‌گذاشتند؛ این البته مصیبت بزرگی بود، اما مسئله این بود که مردم از جریانات کشور، پیشرفت کشور، مقایسه‌ی کشور با کشورهای دیگر، اندازه‌گیری میزان سرعت حرکت کشور به سوی اهداف، بکلی بی‌خبر و بیگانه بودند. اگر کسی اهل کار بود، برای خودش اهل کار بود؛ دنبال کار خودش بود؛ کار کشور مسئله‌ی آحاد مردم محسوب نمی‌شد. نتیجه هم همان شد که ملاحظه می‌کردید؛ جوانها هم یا در تاریخ می‌خوانند یا از بزرگترها می‌شنوند؛ بعضی هم که یادتان هست، و می‌دیدید که کشور به دست عده‌ی معدودی – که خود آنها بازیچه‌ی سیاستهای بین‌المللی بودند – چگونه اداره می‌شد. ملّت به یک ملّت عقب افتاده‌ی در زمینه‌های گوناگون تبدیل شده بود؛ چون مردم کاری به کار کشور و مسائل کلان آن نداشتند؛ خبر هم از

www.ourpresident.ir

آنها نداشتند که در کشور چه می‌گذرد، چه سیاستی بر کشور حاکم است، چه آینده‌ای در انتظار کشور است، چه کسانی دارند در کشور دخالت می‌کنند؛ مردم به اینها توجهی نداشتند و کسی هم آنها را وارد میدان معرفت و علم نمی‌کرد. نتیجه هم همان بود که می‌دیدیم: یک عده در رأس کارهای کشور قرار می‌گرفتند که نه به ایمان مردم، نه به دنیای مردم و نه به آخرت آنان هیچ دلبستگی نداشتند. دلبستگی آنها به زندگی شخصی خودشان و به خاطر حفظ زندگی شخصی، به بند و بست با اربابهای خارجی منحصر می‌شد؛ این وضع زندگی ملّت ما در پیش از انقلاب بود. انقلاب صفحه را برگرداند؛ مردم شدند صاحب کشور، صاحب اختیار کشور و تصمیم‌گیر در مسائل کشور. حضور مردم در صحنه به این معناست.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ـ ۸۵/۹/۲۲

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

عقب‌ماندگی‌های ایران
نتیجه‌ی تسلّط استعمار و استبداد

حقیقت این است که کشور و جامعه‌ی ما بعد از انقلاب، در تمام طول این دوران، لحظات حساسی را گذرانده است که نقش جوانها و تأثیر حالت جوانی و استعدادهای جوانی در آن، یک نقش برجسته است. با اینکه ما ملّت با استعدادی هستیم و بودیم، بر اثر تسلط سیاستهای استعماری و استبدادی و سلطنتهای موروثیِ خاندانی و حکومتهای غاصب و جائر، در طول دو سه قرن، از قافله‌ی علم جهانی عقب ماندیم.

عقب‌ماندگی علمی همراهِ خود عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی و نظامی و بقیه‌ی عقب‌ماندگی‌ها را هم به بار می‌آورد. یک کشوری که با توجه به استعداد خود، با توجه به زمینه‌های طبیعی و انسانی خود، با توجه به جایگاه جغرافیایی خود – که اگر به نقشه‌ی جهان نگاه کنید، توجه می‌کنید که ایران در چه نقطه‌ی حساسی قرار دارد – با توجه به ذخائر زیرزمینی خود، باید یکی از پیشرفته‌ترین و یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا

www.ourpresident.ir

باشد، در دوره‌ی حکومتهای قاجاری و بعد پهلوی، تبدیل شد به حکومت عقب‌افتاده‌یِ دست‌نشانده‌یِ فقیرِ ضعیفِ توسری‌خور. این، در تاریخ ما اتفاق افتاد. گناهش به گردن کیست؟ در درجه اول به گردن آن زمامداران فاسد و بی‌کفایت است، که وابسته هم شدند؛ وقتی سیاستهای استعماری غرب وارد میدان شد، وابسته هم شدند. آنها همت و حمیّت نداشتند؛ فقط به فکر زندگی و آقایی خودشان و حفظ قدرت حکومت خودشان بودند. گناه، در درجه اول بر دوش اینهاست؛ حالا حد اقل این دو سلسله‌ی سلاطین قاجاری و سلاطین پهلوی.

ملت ایران حق دارد که در روز قیامت و در پیش خدای متعال گریبان این ستمگران را بگیرد و ادعانامه‌ی عظیم و وحشتناکی را علیه اینها در دست بگیرد، بگوید اینها کسانی بودند که یک کشورِ با استعداد، غنی، بزرگ، دارای آن سابقه‌ی فرهنگی بی نظیر را – که چنین کشوری لااقل باید در عِداد کشورهای درجه‌ی یک جهان باشد؛ والّا اصلاً درجه‌ی یک است؛ و در بالای ستون کشورها باید قرار داشته باشد – تبدیل کردند به یک کشور درجه‌ی چندم؛ هم فقیر، هم ضعیف، هم تحقیر شده، هم توسری‌خور، هم نا امید.

بیانات در دیدار با انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور ـ ۸۶/۲/۱۹

www.ourpresident.ir

هشدارهای عالمان بیدار در طول ۱۲۰ سال گذشته

بعد چه اتفاقی افتاد؟ در خلال این صد، صد و بیست سالی که بخش آخر آن دوران سخت تا امروز. گذشته، وجدانهای بیدار و شخصیتهای بزرگی پیدا شدند که هشدارهایی دادند؛ برقهایی در آسمان تاریک و ظلمانیِ زندگیِ این کشور جهاندند که روشنی‌هایی به وجود آمد؛ بیداری‌هایی به وجود آمد که یک نمونه‌اش مخالفت میرزای شیرازی با کمپانی رژیِ معروف بود که در واقع همه‌ی کشور را بتدریج می‌بلعید و می‌خواست سرنوشتی مثل سرنوشت استعماری هندوستان برای ایران رقم بزند؛ یا فریادهای مرحوم آیت‌الله مدرس در صحن مجلس ملی آن روز در مقابله‌ی با رضاخان و دیگران و دیگران، در مقابله با آن قرارداد خائنانه‌ای که آن روز داشتند می‌بستند که همه‌ی کشور را تحویل انگلیسها بدهند. اینها برقهایی در این فضا روشن کرد؛ دلها را روشن کرد، عزم‌ها را محکم کرد. نهضت به وسیله‌ی پیشروان این فکر شروع شد، رهبری الهی و با عزم و اراده‌ای مثل امام، خدای متعال در اختیار ملّت گذاشت؛ باز هم همین جوانها، حرکت خودشان را کردند، یک تحول

www.ourpresident.ir

عظیم و بنیادی به وجود آمد؛ میله‌های زندانی که ملّت ایران در آن گرفتار بود، شکسته شد، لکن از اینجاای که انقلاب شروع کرد، تا آنجاای که باید ملّت ایران برسد، راهِ طولانی است. این راه طولانی پر از چالشهای گوناگون است؛ همت می‌خواهد، نیرو می‌خواهد، نشاط می‌خواهد، ابتکار می‌خواهد، تراکم عظیم نیروها را می‌طلبد. اینها باید به وسیله‌ی جوانها، روحیه جوان، نشاط جوانی تأمین شود.

بیانات در دیدار با انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور ـ ۸۶/۲/۱۹

www.ourpresident.ir

میراث شوم دوران طولانی طاغوت

بالاخره ما میراث‌برِ دوران طولانی تسلط طواغیت بر این کشور هستیم. روی همه چیزِ ما اثر گذاشته‌اند. روی فرهنگ ما، روی ذهنیات ما، باورهای ما، روی منابع ما، روی جغرافیای ما، روی موقعیت بین‌المللی ما، روی ایجاد اختلاف طبقاتی؛ در همه چیز اثر منفی گذاشته‌اند. سالهای متمادی در این کشور، اساس حکومت بر پرورش دادن اشراف و نخبگان مالی و پولی و یا نخبگان فامیلی بوده است؛ مملکت را مال خودشان و ملک خودشان میدانستند و برای مردم معمولی - یعنی اکثریت قاطع مردم - اصلاً حقی قائل نبودند؛ هم در دوره‌ی قاجاریه این جور بود، هم در دوره‌ی پهلوی این‌جور بود؛ واقعاً هیچ حقی برای مردم قائل نبودند و اگر هم چیزی به زبان می‌آوردند، به عنوان ظاهرسازی، به عنوان تبلیغات بود؛ لکن کاملاً معلوم میشد که دید آنها نسبت به مردم چیست. ما وارث یک چنین وضعی هستیم.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام ـ ۸۶/۴/۹

www.ourpresident.ir

شاخصهای عمدهی جامعه اسلامی

برادران و خواهران عزیز! آرزوی ما در مبارزات اسلامی، تشکیل جامعه‌ای بوده است که با این خصوصیات امتیاز داشته باشد. انقلاب اسلامی برای قدرت‌طلبی یک گروه یا یک حزب یا یک جمعیت به وجود نیامد. انقلاب اسلامی را مردم مسلمان ایران به راه انداختند؛ هدف از این انقلاب هم تشکیل جامعه‌ی اسلامی است و معیارها و شاخصهای عمده‌ی جامعه‌ی اسلامی هم اینهاست: جامعه‌ی برخوردار از علم، برخوردار از اخلاق و برخوردار از عدالت. همه باید برای این تلاش کنند. اصولی که به آن پایبندیم، اینهاست. ارزشهائی که جامعه‌ی اسلامی برای آنها تشکیل شده است، اینهاست. آن چیزی هم که میتواند زندگی مادی ما را، رفاه ما را، عزّت سیاسی و بین‌المللی ما را، امنیت ما را به طور کامل تأمین کند، اینهاست. همه باید تلاش کنند جامعه‌ای برخوردار از علم، برخوردار از اخلاق، برخوردار از عدالت به وجود بیاورند. وظیفه‌ی دولتها هم این است، وظیفه‌ی آحاد مسئولان هم این است، وظیفه‌ی مدیران بخشهای مختلف هم همین است، آحاد مردم هم آرزوشان

www.ourpresident.ir

این است. آن چیزی را که طلب میکنند و مطالبه‌ی از مسئولان میکنند، این است: یک جامعه‌ی برخوردار از علم و اخلاق و عدالت. ما از اول انقلاب تا امروز، هر جا به وظیفه‌ی اسلامی خودمان عمل کردیم، به احکام الهی احترام گذاشتیم، پای وظیفه ایستادیم، پیش رفتیم؛ هرجا ملاحظات گوناگون بر ما حاکم شد، از این اصول اساسی اسلام عقب‌نشینی کردیم، زرق و برق مکاتب مادی رائج را در چشم خودمان و در دل خودمان بزرگ کردیم، شکست خوردیم، مغلوب شدیم، ناکام ماندیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و قشرهای مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اکرم ﷺ
- ۸۶/۵/۲۰

www.ourpresident.ir

نقش اوّل و برجسته‌ی امام و امّت در انقلاب

«انّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بانفسهم». انتخاب با خود ملّت است. اگر در میان یک ملتی که اینجور زیر ستم است، انسانهای بزرگی پیدا شدند، آزادگانی پیدا شدند، علمای برجسته‌ی با شجاعت وارد میدان شدند، آحاد مردم حاضر شدند از لذتهای زودگذر و راحتهای حقیر روزمره‌ی زندگی صرفنظر کنند و مجاهدت کنند و دل به شهادت بدهند، میتوانند خودشان را از این ذلتِ زیر سلطه بودن خارج کنند. این انتخابی بود که ملّت ایران با انقلاب اسلامی کرد.

نقش اول متعلق به امام و امت است. پاسخ مثبت امام بزرگوار ما –این شخصیت بی‌نظیر و فراموش‌نشدنی تاریخ کشور ما – و پاسخ امت به امام در این حرکت، ورق را برگرداند؛ سیلی را خورده بودیم، متقابلاً سیلی زدیم. انقلاب اسلامی سیلی بزرگ ملّت ایران به دست‌اندازیها و تجاوزها و زورگوئیها و تحقیرها و سلطه‌طلبی ظالمانه‌ی امریکا و قدرت استکباری در طول سالهای متمادی بود.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ـ ۸۶/۸/۹

www.ourpresident.ir

قانون ننگین کاپیتولاسیون

کشور ما یک روز نقطه‌ی حساس و اساسی تمرکز سلطه‌ی استکباری در این منطقه بود. زمامداران خائن، خاندان منحوس پهلوی، رجال خودباخته و رشوه‌بگیر، روشنفکران ساکت، علمای بی‌تفاوت، مجموعاً همه دست به دست هم داده بودند و ملّت را مثل یک آب راکد درآورده بودند. سلطه‌گران هم هر کار میخواستند، با این ملّت میکردند، که یکی از نمونه‌هایش همان کاپیتولاسیون بود که اشاره کردم. در مجلس ایران قانون گذراندند که دولت ایران و دستگاه قضایی ایران نسبت به مجرم و جنایتکار امریکائی در ایران حق تعقیب ندارد. امام آن روز فریاد کشید؛ امام آن روز برای مردم حقیقت مطلب را روشن کرد. اگر یک نظامی سطحِ پائین امریکائی - یک گروهبان امریکائی، یک آشپز امریکائی - به بزرگترین مقامات علمی، دینی، سیاسی کشور ما اهانت میکرد، مردم حق نداشتند او را محاکمه کنند! اتفاقی که در کشورهائی که امریکائیها در آنجا ظلم میکنند، الان دارد اتفاق می‌افتد. شما ببینید همین شرکت امریکائی «بِلَک واتر» در بغداد، مردم بی‌گناه را به رگبار

www.ourpresident.ir

میبندد، کسی جرئت ندارد اینها را محاکمه کند و بگوید چرا کردید. اینها یک چنین وضعیتی را در ایران طلب و دنبال میکردند. بر ملتی وقتی مسلط شدند، به هیچ چیز آن ملّت رحم نمیکنند. ملّت باید به خود بیاید، هوشیار باشد، راه خود را پیدا کند؛ و ملّت ایران پیدا کرد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ـ ۸۶/۸/۹

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

تبیین جامعه‌ی اسلامی

برادران و خواهران عزیز من! انقلاب ما فقط این نبود که یک حکومتی برود، یک حکومتی بیاید قدرت را به جای او در دست بگیرد. مسئله این نبود. اگر این بود، ملّت با این فداکاری چرا وارد میدان بشود؟ خوب، دو گروه با هم رقابت می‌کنند؛ یکی می‌آید علیه آن یکی. مثل اینکه می‌بینید در کشورهای دیگر؛ وارد میدان میشوند، میزنند یا میبرند یا میبازند. اینی که یک ملّت با همه‌ی وجود، با همه‌ی تن و جان، با همه‌ی توان، با جوانش، با مالش وارد میدان میشود، این معناش این است که این حرکتی که دارد اتفاق می‌افتد، فقط دست به دست شدن قدرت بین دو گروه نیست؛ این یک تحول عظیم، متوجه و معطوف به یک سلسله آرمانهای مردمی و ملی است؛ معناش این است.

انقلاب ما یک آرمانهائی را ترسیم کرد. مردم مؤمن ما وقتی به هدایت دین خودشان نگاه کردند، دیدند این آرمانها همان چیزهائی است که به آن نیاز دارند. لذا در راه او حرکت کردند؛ جوانشان را هم دادند، جانشان را

www.ourpresident.ir

هم دادند، مالشان را هم دادند، پاش ایستادند. ما میخواهیم به این آرمانها برسیم. این آرمانها چیست؟ اگر در یک جمله بخواهیم این آرمانها را بگوئیم، «جامعه‌ی اسلامی» است. ما امروز در راه جامعه‌ی اسلامی داریم حرکت می‌کنیم.

جامعه‌ی اسلامی آن جامعه‌ای است که در او عدالت به نحو کامل استقرار داشته باشد؛ اخلاق اسلامی به صورت گسترده در میان مردم وجود داشته باشد؛ مردمان همان ترازی را به دست بیاورند که پیامبران الهی میخواستند این تراز ساخته بشود در میان جامعه‌ی اسلامی؛ قدرتمند، شجاع، عزیز، برخوردار از مواهب زندگی و در عین حال عبد خدا؛ تسلیم اراده‌ی پروردگار. آزادی حقیقی برای یک ملّت و برای یک انسان این است که اراده‌ی خودش را، همت خودش را، نیرو و توان خودش را به کار بیندازد برای بهروزی خود و آن بهروزی را در عبودیت خدا و بندگی خدا ببیند. ما دنبال این هستیم.

امروز خلأ بزرگ دنیای لیبرال دموکراسی غرب همین است. کارخانه‌ها را زیاد کردند، چرخهای گردنده را زیاد کردند، دامنه‌ی علم را گسترش دادند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند تأمین کنند. اخلاق انسانی به انحطاط کشیده شده؛ این حرفی نیست که من اینجا بگویم. مگر میشود در یک تریبون و منبر جهانی، که امروز این حرفها در دنیا منعکس میشود، چیزی برخلاف آنچه که احساس مردم آن کشورهاست، بر زبان آورد؛ حرفی است که خودشان میزنند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد ـ ۸۶/۱۰/۱۲

www.ourpresident.ir

عدالت و اخلاق، خلاء بزرگ لیبرال دموکراسی

امروز بحران اخلاقی گریبانگیر لیبرال دموکراسی غرب است. امروز بحران جنسی، بحران اقتصادی، بحران اخلاقی، بحران خانوادگی، گرفتاریهای همان کشورهائی است که از لحاظ علمی چشم تاریخ را خیره کردند از پیشرفتهای خودشان.

بشر سعادتمندی‌اش به این نیست که دانش او پیشرفت کند – دانش ابزار سعادت است – سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی‌دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است، به احساس عدالت در جامعه است. این را غرب ندارد؛ نه اینکه ندارد، روزبه‌روز هم از او دارد دورتر میشود. ما این را برای نشان دادن به دنیا به عنوان آرمان خودمان ترسیم کردیم؛ ما نکردیم، خدا کرد. ملّت ایران به اقتضای ایمان خود به این راه، دنبال این راه افتاد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد ـ ۸۶/۱۰/۱۲

www.ourpresident.ir

اعتماد به نفس، شرط رسیدن به آرمان

برادران و خواهران عزیز من! مردم عزیز یزد! ملّت عزیز ایران! اگر بخواهیم به آن آرمان برسیم، احتیاج دارد به اعتماد به نفس. باید بگوئیم میتوانیم؛ همچنانیکه تا امروز آن کارهائی را که اراده‌ی ملی به آن تعلق گرفت، توانستیم انجام بدهیم. مگر شوخی بود در یک کشوری که زیر فشار استکبار و استعمار است، فاسدترین حکومتهای جهان بر آن حکومت میکند و شرق و غرب عالم، منافعشان را در حکومت آن خاندان منحوس می‌بینند، این خاندان را به زیر کشیدن؛ بنیاد پوشالی حکومت سلطنتی موروثی را بکلی از بین بردن؛ یک نظام مردمی، متکی به آراء ملت، متکی به عواطف مردم، در یک چنین کشور استبدادزده‌ی در طول قرنهای متمادی به وجود آوردن؛ این کار شوخی است؟! این کار را ملّت ایران کرد. امروز در این منطقه، هیچ کشوری از لحاظ اتکاء به آراء و عواطف مردم، به جمهوری اسلامی نمیرسد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد ـ ۸۶/۱۰/۱۲

www.ourpresident.ir

تأثیر عدم احساس مسئولیت دولتمردان در حکومتهای قبل

آنچه ملّت ما در طول دهها سال قبل از انقلاب، بلکه پیش از آن به آن دچار بود، نبودن این دو عامل بود: یکی نبودن احساس مسئولیت در میان دولتمردان، که دولتمردان در قبال آحاد مردم، هیچ احساس مسئولیتی نداشتند؛ رؤسای کشور، کشور را ملک خودشان میدانستند و برای استفاده‌ی از این ملک به دنبال این بودند که ببینند کجا چه کاری برای آنها فایده‌ی بیشتری دارد؛ آنچه برایشان مطرح بود، فایده‌ی مردم نبود. این عرفِ «دورافتاده» و «نزدیک»، از آنجا به وجود آمد. اینکه فلان شهر دورافتاده است. دورافتاده یعنی چه؟ معنایش این بود که از مرکز کشور، از تهران دور است. این کافی بود برای محرومیت؛ چون چشمشان همین مناطق دور خود را میدید و دلشان به دنبال کارها و مراکز و مناطقی بود که برای آنها منشأ سود و نفعی باشد، نه برای مردم. انقلاب این عرف را عوض کرد. انقلاب دور و نزدیک را از منطق دولتیان و مسئولان کشور زدود؛ دور و نزدیک ندارد. لذا شما می‌بینید

www.ourpresident.ir

مسئولین کشور، هیأت دولت، رئیس جمهور به سرتاسر کشور مسافرت میکنند. این معنایش این است که نگاه و عواطف و همت مسئولین باید میان همه‌ی شهرهای کشور تقسیم شود. اینجور نباشد که یک شهری، یک منطقه‌ای که دوردست است، از شعاع همت و تصمیم مسئولین دور بماند؛ نه، دور و نزدیک ندارد. امروز در این کشور شهرهائی و مناطق دوردست و کوچکی موفق میشوند که مسئولان کشور را، یعنی رئیس جمهور را، دولت را، وزرا را از نزدیک ببینند، به آنها نامه بدهند یا حرف بزنند و از زبان آنها و حنجره‌ی آنها مستقیماً سخن بشنوند که در روزگارهای گذشته در طول تاریخ، امید این را نداشتند که حتی یک مدیر درجه‌ی سه به آنها سرکشی کند. پس این یک عامل، یعنی عامل احساس مسئولیت از سوی مسئولان کشور و مدیران ارشد کشور امروز وجود دارد.

بیانات در دیدار عمومی مردم ابرکوه ـ ۸۶/۱۰/۱۵

www.ourpresident.ir

تأثیر عدم همّت و خودباوری مردم در دوران گذشته

عامل دوم، همت و خودباوری مردم است. آن مردمی، آن ملتی، جمعیت آن شهری که برای خود ارزش و اهمیتی قائل نباشد، همواره محکوم به عقب‌ماندگی است از همه‌ی مسابقات انسانی و میان جوامع بشری. در دوران تسلط استعمار بر کشورهای این منطقه و بر کشور ما، یکی از خطرناکترین تبلیغاتی که روی ملّت ما انجام دادند همین بود که به ملّت ما، به مرد و زن ما بباورانند که شما نسبت به ملّتهای غربی، ملّتهای اروپائی عقب و درجه‌ی دو هستید. همین درجه‌ی دو بودن هم باز در میان مناطق گوناگون کشور یکسان نبود؛ بعضی‌ها عزیزکرده‌تر میدانستند خودشان را و توقعاتشان بیشتر بود، بعضی توقعاتشان کمتر. انقلاب اسلامی آمد مثل طوفانی این هوای آلوده و کثیف را از کشور زائل کرد.

امروز ملّت ما با تکیه‌ی بر تاریخ مشعشع خود، با تکیه بر استعدادهای درونی خود و با تکیه بر اسلام و ایمان – که امروز سخن نو برای بشریت دارد – دیگر خودش را یک ملّت عقب‌مانده نمیداند، خود را باور دارد.

www.ourpresident.ir

این همان چیزی است که همت ملی را برمی‌انگیزد، مردم را برای رسیدن به قله‌های پیشرفت آماده میکند و آنها را تشویق میکند. عرض من به شما برادران و خواهران، بخصوص به شما جوانان این است که نگذارید این احساس شیرین امیدواری به آینده در شما زائل شود.

این کشور به‌ناحق عقب‌مانده نگه داشته شد. ما امروز پیشرفتهای زیادی کردیم، اما این پیشرفتها نسبت به آنچه که شأن ملّت ایران است و جایگاه ملّت ایران است، کم است. ملّت ایران یک روزی در قله‌ی علم و اقتدار مادی و معنوی قرار داشته است به برکت اسلام. ما امروز اسلام را بازیابی کرده‌ایم؛ آغوشمان را به روی اسلام باز کردیم، اسلام را با نگاه متناسب با زمانه و با پیشرفت زمانه به دنیا عرضه کردیم. امروز تفکر سیاسیِ اسلامی، تفکر اجتماعی اسلام، تفکر گرایش معنوی اسلام، تفکر اسلام در مورد روابط داخلی و درونی افراد جامعه با هم، میتواند در دنیا مثل یک دستورالعمل، مثل یک سرمشق مطرح شود؛ نه اینکه این حرف را ما بزنیم یا من اینجا بگویم؛ این سخنی است که امروز اندیشمندان باانصاف دنیا همین حرف را میزنند. این را ملّت ایران آسان هم به دست نیاورده. شما شهید دادید؛ ابرکوه شهدای عزیزی دارد، فداکارانی دارد، پدر مادرهائی دارد که فرزندان خودشان را فرستادند برای دفاع از این انقلاب در دوران جوشش انقلاب؛ و برای دفاع از مرزهای کشور در دوران دفاع مقدس. اینها بوده است که توانسته این انقلاب را زنده نگه دارد، این پرچم را بلند نگه دارد و امروز ملّت ایران را عزیز کند.

بیانات در دیدار عمومی مردم ابرکوه ـ ۸۶/۱۰/۱۵

www.ourpresident.ir

لحظات و حوادث تأثیرگذار در تاریخ

این لحظه‌های حوادث بزرگ تاریخی، در واقع عوامل پیشرفت تاریخ ملّتها هستند. عاشورا یک نیمه‌روز بیشتر نبود؛ تاریخ را تکان داد و متحول کرد. یک حادثه، گاهی به قدری عمیق و حکیمانه و بجا در طول زندگی یک ملّت اتفاق می‌افتد که تأثیرات آن برای سالهای متمادی، گاهی برای قرنهای متوالی باقی میماند. یقیناً روز نوزدهم دی برای ملّت ایران از جمله‌ی این حوادث بود. ظرفیت حضور مردم و خشم مقدس و انقلابی مردم در طول سالهای متمادی با ظلم دستگاه طاغوت و اعمال نفوذ بیگانگان لبالب شده بود؛ یک حرکت هوشمندانه و بجا لازم بود. یک حرکت هوشمندانه و بجا لازم بود. این حرکت را شما مردم قم در روز نوزدهم دیماه انجام دادید و این گردونه به حرکت در آمد. آنچه که نظام طاغوت بر سر این کشور و این ملّت آورد، در طول سالهای متمادی حاکمیت سیاه و ننگین خود، حقیقتاً یکی از فصول تلخ تاریخ ماست.

یکی از همین فعالیتهای فاجعه‌آمیز، قضایای هفدهم دی بود که در زمان

www.ourpresident.ir

رضاشاه اتفاق افتاد. طبق نقشه‌ی دشمنان اسلام و ایران، به کمک روشنفکران آن روزِ متصل به دربار پهلوی، تصمیم گرفتند که زن ایرانی را از دائره‌ی عفاف و حجاب خود بیرون کنند و این نیروی عظیم ایمانی را که به برکت عفاف، زن همواره در جوامع مسلمان وجود داشته است، نابود کنند و بر باد بدهند.

بیانات در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه ـ ۸۶/۱۰/۱۹

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

اهداف رژیم طاغوت از طرح کشف حجاب

یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله‌ی هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله‌ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است – که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است – تا همان بلائی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند. این اقدام را با چماق، رضاخان در داخل کشور انجام داد.

زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. اینجور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیتهای اجتماعی پیشرفت کند؛ همه‌ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه‌ی اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه‌ی کارهای دیگر بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند، اما ایمان

www.ourpresident.ir

عمیق ملّت ایران نگذاشت. زنهای مسلمان ما با وجود سختگیریها در طول زمان، در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند؛ بعد از رفتن رضاخان به نحوی، در زمان خود او به نحوی، در طول دوران بقیه‌ی طاغوت هم به نحوی. لذا در همان دیماه ۱۳۵۶، روز هفدهم دیماه در مشهد، یک اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد. ما آنوقت در تبعید بودیم؛ خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع یک چنین حرکتی را به راه انداختند. این، گوشه‌ای از فجایع رژیم طاغوت بود؛ نابود کردن آرمانهای دینی، ارزشهای اخلاقی، پیشرفتهای اقتصادی، عزّت بین‌المللی و خلاصه بر باد دادن سرمایه‌های یک ملّت جزو کارهائی بود که آن رژیم طاغوت و سیاهکار انجام داد.

ملت ایران بموقع بیدار شدند و پاسخ گفتند به ندای رهبر عظیم‌الشأن خودشان و وارد میدان شدند. نوزده دی یک چنین مقطع تاریخیِ حساسی است؛ اینها را باید زنده نگه داشت. تلاش شده است و میشود برای اینکه احساسات مردم و این مقاطع حساس از یادها برود.

مردم قم نشان دادند که وفادارند و پایبندند. در طول این زمانها، کسانی هم پیدا شدند که به تعبیر قرآن، «فمن نکث فإنّما ینکث علی نفسه»[1]؛ این بیعت را با انقلاب و با اسلام و با امام شکستند، اما این شکستن بیعت به زیان خودشان بود: «نکث علی نفسه». بعضیها وفاداری نشان دادند؛ «و من أوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجراً عظیما»؛ پایبندی نشان دادند؛ وفاداری نشان دادند، که این اکثریت عظیم ملّت ما بودند؛ ایستادند پای حرفشان و خدای متعال اجر عظیم را به آنها داد؛ پیروزی در جنگ را داد؛ پیروزی در همه‌ی میدانها در مقابل ابرقدرتها را داد؛ رشد ملی و پیشرفت گوناگون در

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰.

www.ourpresident.ir

عرصه‌های مختلف را به این ملّت داد.

ملت ایران به سمت آرمانهای خود حرکت کرد، گامهای بلندی هم برداشت. امروز هم حرکت میکند، امروز هم گامهای بلندی دارد.

بیانات در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه ـ ۸۶/۱۰/۱۹

www.ourpresident.ir

عناصر اصلی تعالی ملّت

آنچه که در روز نوزدهم بهمن در سال ۵۷ اتفاق افتاد، بدون شک یک نقطه‌ی عطف بود. جمعی از کارکنان نیروی هوائی با یک حرکت خودجوش – که نشاندهنده‌ی برآیند همه‌ی احساسات و ذهنیات در آن نیرو بود – اقدام به کاری کردند که آخرین ضربه را بر پیکر محتضر رژیم طاغوت وارد کرد. هم کار بسیار شجاعانه بود، هم بسیار هوشمندانه بود. اینجور حوادث که در ظرف زمانی مورد نیاز و بهنگام اتفاق می‌افتد، گاهی میتواند سرنوشت یک ملّت را تغییر بدهد یا آنها را در راه سرنوشتشان سرعت مضاعف ببخشد. نیروی هوائی، آن روز این کار را کرد؛ حرکت بسیار بزرگی بود؛ راه را باز کرد بر روی بسیاری از مردم. همانطور که در این سرود زیبائی که این عزیزان اجرا کردند گفته شده «اولینم که دل دادم به رهبر»، حقیقتاً همینجور بود. این حرکت، حرکت ریشه‌داری بود؛ اینجور نبود که امروز فکر کنند، فردا راه بیفتند؛ همانطور که اشاره کردم این یک برآیندی بود از مجموعه‌ی آنچه که در نیروی هوائی، از احساسات و ذهنیات و عقلیات میگذشت، که

www.ourpresident.ir

در زمان مناسب به این شکل بروز کرد. لذا این روز، روز مهمی است؛ روز بسیار مبارکی است.

بازخوانی حوادث تاریخی اساساً به این منظور است که درسهای آن و عبرتهای آن برای نسلهای بعد باقی بماند. درس این حادثه برای ملّت ایران در همه‌ی دورانها یک درس زنده است. اقدام شجاعانه، قدرتمندانه، با اتکاء به نفس و برخاسته‌ی از یک عقلانیت صحیح و برخاسته‌ی از یک ایمان شورانگیز. اگر ایمان هم نبود، نمیتوانست این حرکت اتفاق بیفتد. و مجموعه‌ی انقلاب ما از آغاز تا انجام، مظهر یک چنین حقیقتی است: یک فکر درست و هوشمندانه، همراه با ایمان شورانگیز، همراه با شجاعت و اقدام و نهراسیدن از آنچه که در این راه پیش خواهد آمد. این عناصر اصلی است که یک ملّت را بالا میکشد؛ فقدان اینهاست که یک ملّت را تحقیر میکند.

ملت ایران در دوران طاغوت روزگار سختی را گذراند. این ملّت با همه‌ی پیشینه‌های عزّتمند تاریخی، به وسیله‌ی بیگانگان تحقیر میشد. ارتش تحقیر میشد، ملّت تحقیر میشد، مسئولان کشور در همه‌ی رده‌ها تا بالاترین رده تحقیر میشدند، نخبگان جامعه تحقیر میشدند؛ به وسیله‌ی آن عناصری که خود را فراتر از این حرفها میدانستند و به چشم یک مزرعه‌ای که باید اینجا را درو کنند و لگدمال کنند و بچرند و ببرند، به ایران نگاه میکردند. ملّت ایران در مقابل این ایستاد.

بیانات در دیدار جمعی از پرسنل و فرماندهان نیروی هوائی ارتش ـ ۸۶/۱۱/۱۹

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

تحقّق عزّت ملّت ایران با انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی عزّت را جایگزین تحقیری کرد که بیگانگان بر این ملّت روا میداشتند؛ استقلال را جایگزین آن وابستگی تلخ و ذلت‌بار میکرد؛ ایستادگی و اقتدار را جایگزین آن تسلیم محض در مقابل بیگانگان کرد. آن روز، مسئولین کشور بزرگِ ما در مقابل بیگانگان، در رده‌های مختلف و در اساسی‌ترین مسائل کشور تسلیم بودند؛ یعنی در هر مسئله‌ای که اراده بیگانگان – یک دوره انگلیس، در دوره‌ی چند ده ساله‌ی بعد هم امریکا – به آن تعلق میگرفت، در داخل تحقق‌پذیر بود؛ تا آنجائی که به دست مسئولان این کشور بود. و ملّت مجبور بود تحمل کند؛ تسلیم‌پذیری مطلق. انقلاب این حالت تسلیم‌پذیری را به حالت اقتدار و ایستادگی تبدیل کرد؛ آن وابستگی را به استقلال تبدیل کرد؛ آن حقارت را به عزّت تبدیل کرد؛ آن حکومت مطلقه‌ی موروثیِ غیرمنطقیِ بی‌مبنا (سلطنت) را به حکومت مردم و مردم‌سالاری تبدیل کرد. انقلاب بکل پایه‌های ویرانگر انسانی را که ارزشهای انسانی را ویران میکرد و در داخل کشور به وسیله‌ی رژیم طاغوت در طول

www.ourpresident.ir

سالهای متمادی بنا گذاشته شده بود، ویران کرد؛ پایه‌های جدیدی ساخت که هویت جدیدی برای کشور به وجود آورد.

ارتش هم هویت جدیدی پیدا کرد. امروز ارتش هویتش با هویت ارتشِ دوران طاغوت بکلی متفاوت است. امروز شما حافظ منافع مردمید؛ آن روز ارتش موظف بود که حافظ منافع سلطنت و رژیم طاغوت و عناصر وابسته و پلیدِ حاکم بر این کشور باشد. امروز شما در مقابل دشمن احساس عزّت میکنید؛ خودتان میسازید، خودتان فرا میگیرید، خودتان تحقیق و پژوهش میکنید؛ آن روز مجبور بودید هرچه آنها میدهند، چشم‌بسته قبول کنید. اینهاست که یک ملّت را وقتی وارد این جاده شد، به اوج ترقی و عظمت میرساند. لذا ملّت ایران راه پیشرفت را پیدا کرد و حرکت کرد. هزینه‌هایش را هم پرداختیم؛ این ملّت در راه آرمانها میدانست و میداند که باید هزینه بپردازد؛ بدون پرداختن هزینه نمیشود به اوج رفت. این هزینه را پرداختیم، اما به توفیق الهی پیش رفتیم.

امروز ملّت ایران عزیز است؛ الهام‌بخش است؛ نظام جمهوری اسلامی یک نظام مقتدر شناخته شده است و کشورهای گوناگون، قدرتهای مختلف – منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای – در مقابل عظمت ملّت ایران ناچار به اعتراف هستند و عظمت این ملّت را اعتراف میکنند. در همه‌ی زمینه‌ها ملّت ایران توانائی خود را، قدرت خود را نشان داد. قدر این را باید دانست.

بیانات در دیدار جمعی از پرسنل و فرماندهان نیروی هوائی ارتش ـ ۸۶/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

نقش مردم آذربایجان در تداوم قیام قم

تاریخِ سرتاپا افتخار مردم عزیز آذربایجان در یک نقاطی اوج میگیرد که یکی از این نقاط همین بیست و نه بهمن است.

اگر برای جوانهای عزیزی که آن روز را ندیدند، بخواهیم در دو جمله مسئله را تصویر کنیم، مسئله این است که یک حرکتی در مواجههی با رژیم غدار، از یک نقطهای، یعنی از حوزهی علمیهی قم و مردم قم سربلند کرد، رژیم بیباک و غدار و متکی به آمریکا بشدت آن را سرکوب کرد، نفسها در سینهها حبس شد. همه خیال کردند قضیه تمام شد. آن نقطهای که نگذاشت این قضیه به اینجا ختم شود و یک حادثه را تبدیل به یک جریان و یک فرایند کرد، عبارت بود از تبریز و آذربایجان. یعنی مردم غیور و شجاع و باهوش تبریز، یک حادثه را تبدیل کردند به یک جریان؛ نگذاشتند این حادثه در قم دفن شود. اگر بخواهیم تشبیه کنیم به حوادث صدر اسلام، مثل کار جناب زینالعابدین و زینبکبری در حفظ حادثهی عاشورا و نگذاشتن و مانع شدن از اینکه این حادثه در صحرای کربلا دفن شود و فراموش شود. شما این را

www.ourpresident.ir

یک پرچمی کردید و با قدرت این را در دست نگه داشتید و این پرچم شد شاخص. این، اهمیت حادثه را نشان میدهد.

اگر بخواهیم این حادثه را برگردانیم بر روی روحیات مردم و خصوصیات مردم آذربایجان، نتیجه این میشود که این مردم هم شور و هیجان دارند، هم شعور و هوشیاری سطح بالا دارند؛ میدانند چه کاری اهمیت دارد و کی اهمیت دارد؛ هم شجاعت و غیرت کافی دارند که این کار را ولو بسیار خطر داشته باشد، انجام بدهند؛ مردمی هستند بیدار، بیدار؛ بیداری که شما شعارش را میدهید. بنده با همه‌ی وجود این شعار را قبول دارم، از سالها قبل هم گفته‌ام. من در مقابل شعار شما به عنوان تصدیق این حرفها عرض میکنم: آذربایجان اویاخسان، انقلابا دایاخسان.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن ـ ۸۶/۱۱/۲۸

www.ourpresident.ir

بیداری و ایستادگی
تنها راه مبارزه ملّتها با استکبار

همه‌ی قضیه هم در همین بیداری و هشیاری و درک بالا و موقعیت‌سنجی و اقدام بجا و شجاعانه خلاصه میشود. اگر فرض کنید یک ملتی که در طول قرنهای متوالی بر اثر فساد دستگاههای حاکم، بر اثر استبدادهای گوناگون دچار غفلت شده است، دچار عقب‌ماندگی شده است، از قافله‌ی علم و تمدن و همه چیز عقب افتاده است، بعد هم استعمار وارد شده است با شیوه‌ها و روشهای بسیار پیچیده و مرموز، اینها را در آن حالت نگهداشته، منابع حیاتی آنها، ارزشهای تاریخی و فرهنگی آنها را نابود کرده است و زمام این ملّت و این کشور را در دست گرفته است، بخواهد ورق را برگرداند، به چه احتیاج دارد؟ میشود رفت پیش استعمارگر ظالم و غدار و از او خواهش کرد: آقا شما بیائید از استعمار دست بردارید، از منافع خودتان صرفنظر کنید؟ میشود این کار را کرد؟ فایده‌ای دارد؟ اگر نه، بگوئیم التماس نمیکنیم، مذاکره میکنیم، با مذاکره حل میشود؟ میشود طعمه را از دهان گرگ با مذاکره، با

www.ourpresident.ir

حرف حساب، درخواست گرفت، میشود این کار را کرد؟

ملتها در چنین مقاطعی یک راه بیشتر ندارند و آن اینکه جوهر خودشان را نشان بدهند، قدرت خودشان را به صحنه بیاورند، از توانائیهای خودشان استفاده کنند تا دشمن نتواند بر روی ضعفها و ناتوانیهای آنها تکیه کند. جز این راهی برای یک ملّت وجود ندارد. این کاری بود که ملّت ایران کرد. این کار هم احتیاج دارد به بیدار بودن، آگاه بودن، تنبلی نکردن، دل به خواسته‌ها و آسایشهای حقیر مادی نقد و کوچک نسپردن، اهداف و آرمانهای بزرگ را در نظر گرفتن و وارد میدان شدن؛ به این احتیاج دارد. اساسش بیداری است؛ این کار را ملّت ایران کرد.

بیست و دوم بهمن اوج این کار بود. بیدار کننده‌ای که سالها فریاد کشید تا این مردم را بیدار کند، امام بزرگوار ما بود. در این کار همه‌ی خیرخواهان، همه‌ی مصلحان، همه‌ی دانشمندان، همه‌ی علمای دلسوز کمک کردند، قشرهای مختلف هر کدامی بتدریج وارد شدند و کمک کردند. ناگهان ملّت ما از ملتی که سابقه‌ی دوران قاجار را داشت و بعد در دوران پهلوی بکلی لگدمال شده بود، تبدیل شد به یک ملّت زنده و بیدار، آمد وسط میدان، قدرت خودش را علنی کرد، قدرت خود را به صحنه آورد. این قدرت، قدرت ملی است؛ قدرت آحاد مردم است، هیچ نیروئی در مقابل این قدرت تاب مقاومت ندارد. ملّتها امتحان کنند. البته امتحانش آسان هم نیست، فداکاری میخواهد، رهبریِ درست میخواهد. اگر این فراهم بشود، هیچ ملتی در دنیا زیر ستم نخواهد ماند؛ دچار فقر نخواهد ماند. این شرایط در کشور عزیز ما فراهم شد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن ـ ۸۶/۱۱/۲۸

www.ourpresident.ir

ایمان، رمز نهراسیدن از مرگ

بدون ایمان هم ممکن نبود این بیداری به وجود بیاید. ایمان مردم از درون مثل یک موتور فعال وجود آنها را به راه انداخت. اگر ایمان نبود، مرگ اینجور کوچک نمیشد در چشم مردم. آن چیزی که مرگ را حقیر میکند در مقابل چشم مردم، ایمان است. لذا هر چه ایمان بالاتر باشد، مرگ حقیرتر میشود. ایمانی مثل ایمان علی‌بن‌ابی‌طالب، آنقدر مرگ را تحقیر میکند و کوچک میکند که میگوید من از مرگ نه فقط وحشت ندارم، بلکه با او انس دارم. «انس للموت من الطّفل بثدی امّه»؛ انس دارم، علاقه دارم، اصلاً نه اینکه نمیترسم، استقبال میکنم؛ این ناشی از ایمان است. وقتی ایمان هست، مرگ پایان زندگی نیست.

کلّ شیء هالک الّا وجهه[1]، از جو انسان میپرد. یک خط فاصلی است بین این نشئه و آن نشئه؛ بعضیها را با زنجیر از این خط فاصل عبور میدهند؛ آنهائی که چسبیده‌اند به زندگی دنیا، بعضی خودشان جست میزنند، خودشان

۱. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۸۸

www.ourpresident.ir

را پرتاب میکنند؛ چرا؟ چون می‌بینند آنجا چه خبر است. وعده‌ی الهی را مشاهده میکنند. لذا شهدای عزیزی که نام اینها را شنیده‌اید، بسیاری از اینها را میشناسید، بعضی از شماها با آنها همراه بوده‌اند، زندگی کرده‌اید، این شهدا از مرگ نمیترسیدند، اینها عاشق زندگی بوده‌اند. وصیتنامه‌ها را که انسان نگاه میکند، این را میفهمد. راه یک ملّت این است. ملّت ما این راه را شروع کرد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن

www.ourpresident.ir

ایمان و اتّصال به خدا، شرط تداوم انقلاب

فرقی که این ملّت و انقلابش با بسیاری از ملّتهائی که انقلاب کرده‌اند داشت، این است که این ملّت خود را به جای محکمی متصل کرد؛ «فقد استمسک بالعروة الوثقی»[1]. عروه‌ی وثقی یعنی شما بخواهید از روی یک پرتگاهی عبور کنید، از یک لبه‌ی باریکی بخواهید عبور کنید، یک ریسمان محکمی باشد، دستتان را بگیرید. وقتی دستتان را گرفتید، خاطرتان جمع است که دیگر پرتاب نمیشوید. این عروه‌ی وثقی است. «فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی»؛ کفر به طاغوت، ایمان به خدا. ملّت ما این را داشت، لذا از این گذرگاه عبور کرد؛ دغدغه‌ای برایش به وجود نیامد و همین موجب شد که این حرکت عظیم در بین مردم بماند.

به این نکته جوانهای عزیز ما توجه کنند؛ اهل معرفت و اهل فکر توجه کنند. انقلاب یک جریان است، همه جا همینجور است؛ یک جریان است، یک حادثه نیست، لکن این جریان در بسیاری از جاها در وسط راه متوقف

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۶.

www.ourpresident.ir

میشود. به تاریخ انقلابهای گوناگون، انقلابهای بزرگ نگاه کنید؛ وسط راه متوقف میشوند. یک عده‌ای به یک پیروزی میرسند، دل خوش میکنند، از مردم فراموش میکنند، مردم یواش‌یواش صحنه را رها میکنند؛ تمام میشود.

انقلاب کبیر فرانسه که در قرن هیجدهم – اواخر قرن هیجدهم – شروع شد، در اوائل و اول قرن نوزدهم زایل شده بود، از بین رفته بود، چیزی ازش باقی نمانده بود. علیه سلطنت دیکتاتوری قیام کردند، سلطنت را زائل کردند، بعد از حدود پانزده سال، یک پادشاه مقتدر مستبد دیگری به نام ناپلئون بناپارت آمد سر کار. دهها سال اینها گرفتار بودند، بعد یواش‌یواش، بتدریج توانستند یک جوری خودشان را از بخشی از آن مسائل کنار بکشند.

انقلابها نمیمانند؛ نیمه‌کاره رها میشوند؛ چون ایمان نیست؛ چون آن عروه‌ی وثقی نیست. این انقلاب در بین مردم ما ماند و روز به روز شادابتر شد و کارائی خودش را روز به روز بیشتر نشان داد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

تلاش رژیم پهلوی برای نابودی ایمان مردم فارس

عمق ایمان مردم استان فارس – و بخصوص شهر شیراز – یک ادعا نیست؛ این سخن با مطالعه و دقت به همه‌ی جوانب گفته می‌شود. در این شهر، با آن سوابق مذهبی، با بُروز آن علما و روحانیونی که اشاره کردم و حرکاتی که در طول سالهای گذشته انجام داده بودند، از دو سو برای غلبه‌کردن بر ایمان دینی سرمایه‌گذاری شد:

یک جریان از سوی دربار طاغوت بود که از سالهای اول دهه‌ی سی شروع شد و تا نزدیک پیروزی انقلاب به مدت بیست و چند سال ادامه داشت؛ با همه‌ی تلاششان در این زمینه فعالیت کردند و سعی کردند شیراز را با یک هویت صددرصد غربی‌شده به دنیا معرفی کنند. بنده خودم در سالهای آخر دهه‌ی سی – شاید حدود سالهای ۳۹ یا ۴۰ – در همین شهر و توی همین خیابان زند و مراکز گوناگون دیگر، شاهد نمونه‌ها و مظاهر فسادی که آن روز به عمد ترویج می‌شد، بودم. عمداً کوشش می‌شد جوانها به سمت منکرات اخلاقی و به سمت بی‌مبالاتی نسبت به دین، سوق داده بشوند. این

www.ourpresident.ir

همینطور ادامه پیدا کرد تا دهه‌ی پنجاه و جشن هنر شیراز و قضایائی که شاید همه می‌دانید؛ شاید هم بعضی جوانها نشنیده باشند و ندانند. این یک جریان بود.

بیانات در دیدار با مردم شیراز ـ ۸۷/۲/۱۱

www.ourpresident.ir

تلاش حزب توده علیه دین‌باوری و دینداری در ایران

یک جریان دیگر که باز علیه دین و دین باوری و دینداری، بیشتر از بسیاری از شهرها در این شهر ترویج می‌شد، جریان الحاد مکتبی از سوی حزب توده‌ای بود که در اینجا لانه‌ی عمیقی داشتند و فعالیت عمیقی می‌کردند. وقتی می‌دیدند زمینه‌ی نفوذ روحانیت و دین در این شهر زیاد است، بخصوص در آن سالهائی که مرحوم سید نورالدین – روحانی شجاع، سازمان‌ده، فعال و زمان‌شناس – وارد میدان بود، شاید حزب توده را برای پنجه انداختن با این روحانی، تشویق هم کردند.

هم آن جریان هدایت شده‌ی از سوی دربار و هم آن جریان ترویج شده‌ی از سوی مارکسیستهای آن روز – جریان حزب توده – مثل دو تیغه‌ی یک قیچی، به جان ایمان این مردم و این جوانها افتاده بودند. اما این مردم و این جوانها، همان کسانی بودند که در سال ۴۱ و ۴۲ – در قضایای شروع نهضت اسلامی و نهضت روحانیت – یکی از برجسته‌ترین کارها را توی

www.ourpresident.ir

این شهر انجام دادند؛ یعنی در سطح کشور، شهرهای قم و تهران و شیراز و تبریز و مشهد در درجه‌ی اول بودند و شیراز جزو شهرهای درجه‌ی اول بود. لذا عده‌ای از برجستگان علمای شیراز در همان قضایا دستگیر شدند و به تهران برده شدند.

آن همه برای دور کردن مردم از دین تلاش کردند، اما پاسخ مردم این بود: سرمایه‌گذاری آنها را با عمل خودشان و با ایستادگی خودشان باطل کردند. بعد هم در سالهای آخر دوران طاغوت – یعنی در سالهای ۵۶ و ۵۷ – باز مردم شیراز و مردم استان فارس، برای بسیاری از شهرهای این کشور به عنوان یک الگو شناخته می‌شدند.

بیانات در دیدار با مردم شیراز ـ ۸۷/۲/۱۱

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، استثنایی بر جریان انتقال قدرت در تاریخ ایران

در تاریخ کشور ما، هرچه که نگاه می‌کنیم و هرچه عقب می‌رویم، هیچ نمونه‌ی دیگری برای انقلاب اسلامی پیدا نمی‌کنیم. من این را یک قدری روشن کنم: در طول تاریخ، همیشه در کشور ما جابجائی قدرت بوسیله‌ی قدرت‌طلبان نظامی و با لشکرکشی و رویاروئی قدرتها با یکدیگر، یا با چیزی که امروز به آن کودتا می‌گویند همراه بوده است؛ سلسله‌های متعددی در این کشور آمده‌اند و رفته‌اند؛ اما در هیچ‌کدام از این نقل و انتقالها مردم هیچ دخالتی نداشته‌اند. فرض بفرمائید در همین شیراز شما و در استان فارس، سلسله‌ی زندیه بر سر کار بود؛ بعد قاجاری‌ها آمدند و قدرت را از دست خاندان زند گرفتند! جنگ بین دو قدرت‌طلب، دو سپاه و دو نیروی نظامی بود؛ مردم نقشی نداشتند. در همه‌ی طول تاریخ کشور ما – چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام تا امروز – هر چه نگاه می‌کنیم، جابجائی قدرتها همه از همین قبیل بوده است؛ فقط یک استثناء در دوران قدیم دارد – که آن را عرض

www.ourpresident.ir

خواهم کرد – و در غیر آن مورد، همیشه جابجائی قدرت با لشکرکشی و با حمله‌ی نظامی و بدون دخالت مردم بوده است؛ مردم انگیزه‌ای نداشته‌اند؛ چه آن‌جائی که یک سلسله، قدرت را به یک سلسله‌ی دیگری می‌داده و چه آن‌جائی که در درون یک سلسله کشمکش قدرت بوده است؛ که باز اگر مثالش را از شیراز شما بخواهم بزنم، در دوران قاجاریه و بعد از مرگ فتحعلی‌شاه قاجار، در همین شیراز یکی از پسرهای بزرگ فتحعلی‌شاه به نام حسین‌علی‌میرزا حاکم بود و حکومت را برای خودش می‌خواست؛ اما در تهران محمّدشاه – که نوه‌ی فتحعلی شاه بود – به پادشاهی رسیده بود؛ جنگ شد. در همین بیرون دروازه‌های شهر شیراز، بین دو نیرو جنگ اتفاق افتاد! البته مردم در این جنگها لگدمال می‌شدند؛ به آنها خسارت وارد می‌شد و مزرعه‌شان، مالشان، ملکشان و جانشان تهدید می‌شد، اما هیچ دخالتی در این درگیریها نمی‌کردند. در طول تاریخ این‌جوری بوده است.

البته عرض کردم، فقط یک مورد استثناء وجود دارد – که آن هم از لحاظ تاریخی مورد تردید است و با افسانه‌ها مخلوط است – و آن داستان کاوه‌ی آهنگر است؛ که می‌گویند این آهنگر به کمک مردم حرکت کردند و سلطنت ضحاک ماردوش را از بین بردند. اگر واقعیت داشته باشد و راست باشد، در تاریخ همین یک مورد است و دیگر نمونه‌ای ندارد. البته در تاریخی که اروپائی‌ها برای کشور ما از دوران پهلوی به این طرف نوشته‌اند، اسمی از فریدون و ضحاک و کاوه‌ی آهنگر وجود ندارد؛ آنها جور دیگری تاریخ را نوشته‌اند که آن مقوله‌ی دیگری است و حالا نمی‌خواهیم وارد آن بشویم.

انقلاب اسلامی که بزرگترین تحول و تغییر قدرت در طول تاریخ ما بود و اساس سلطنت و حکومت فردی را به حکومت مردمی تبدیل کرد، با نیروی مردم انجام گرفت؛ این‌جا دیگر رویاروئی دو قدرت و جنگ قدرت و این حرفها نبود. مردم آمدند و وارد عرصه شدند و روحانیت هم پیشگام و

www.ourpresident.ir

پیشتازشان واقع شد؛ مردم بودند که با قدرت عظیم و خدائیِ خود توانستند قدرت را از دست خودکامگان و پادشاهان و طاغوتها و مستبدان فردگرا خارج کنند و به دست مردم بدهند؛ حکومت شد مردمی. تا آن جائی که ما شناختیم و فهمیدیم، این تنها حادثه‌ای است که در طول تاریخِ کشور ما اتفاق افتاده است.

بیانات در دیدار با مردم شیراز ـ ۸۷/۲/۱۱

www.ourpresident.ir

تشخیص عناصر اصلی در نگاه کلان به انقلاب

خب، این حادثه، شایسته‌ی آن هست که از ابعاد گوناگون مورد توجه و مورد عنایت قرار بگیرد. من امروز عرض می‌کنم، ما با گذشت نزدیک به سی سال از حادثه‌ی انقلاب اسلامی، جا دارد که یک نگاه کلان و یک نگاه فراگیر به این حادثه بیندازیم. نگاههای جزئی، نگاه به حوادث میانه‌ی راه و نگاه به افت و خیزها، خیلی گویا نیست؛ باید نگاه کلان و فراگیر به انقلاب اسلامی – که البته بسیاری از مردم خود ما، برجستگان خود ما و بیگانگان، این‌گونه کلان نگاه کرده‌اند – در سطح افکار عمومی زنده بشود و به آن توجه پیدا بشود.

۱. ایمان به خدا

در همه‌ی حوادث عالم چند عنصر را باید در کنار هم دید: یکی نگاه به عوامل اولی، یعنی عوامل بالادستی حادثه است: انگیزه‌ها، هدفها، زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های جغرافیائی و جغرافیای سیاسی؛ اینها چیزهائی است که در

www.ourpresident.ir

شناخت حادثه تأثیر دارد. در حادثه‌ی انقلاب ما، آن عنصر اول عبارت است از همان ایمان مردم، مبارزات آزادیخواهانه و جرقه‌های این مبارزات – که در مشروطیت و در تحریم تنباکو به وسیله‌ی میرزای شیرازی و در نهضت ملی شدن صنعت نفت و در حوادث گوناگون دیگر، این زمینه‌های تاریخی وجود پیدا کرد – و بیداری روحانیت مبارز و شخص امام بزرگوار که از این زمینه‌ها بهترین استفاده را کرد و این حرکت به راه افتاد. این، آن پیش‌زمینه است.

۲. حضور مردم

عنصر دوم نگاه کردن به میداندار و صاحب حادثه است. عنصر میاندار و میداندار در این حادثه مردم بودند؛ مردم! حادثه‌ی عظیمِ بی‌نظیرِ تاریخیِ انقلاب اسلامی را مردم رقم زدند. انکار نقش مردم و بی‌اعتنائی به حضور مردمی – که متأسفانه امروز در بعضی از نگاههای شبه‌روشنفکرانه، انسان مشاهده می‌کند – خطاست. وقتی مردم به یک سمتی گرایش پیدا می‌کنند، کسانی که از این گرایش خود را منتفع نمی‌بینند، اسمش را می‌گذارند حرکت پوپولیستی و حرکت عوامگرائی! این خطاست. انقلاب را همین اراده‌های مردمی و همین حضور مردمی – که متکی به ایمان آنها بود – توانست بوجود بیاورد و به پیروزی برساند. ملّت ایران با ایمانش، با احساساتش، با غرور ملی‌اش، با افتخار به گذشته‌ی تاریخی و مواریث عظیم فرهنگی‌اش، توانست این حرکت عظیم را بوجود بیاورد.

هدف ملّت ایران – که از هر کسی که سؤال می‌کردیم، به زبانهای گوناگون این هدف را می‌گفت – این بود که بتواند در سایه‌ی اسلام، استقلال و آزادی به دست بیاورد. این شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که در دوران انقلاب رائج بود، حرف دل مردم بود و مردم این را می‌خواستند. مردم می‌دیدند که این کشورِ با این عظمت، حکامش و زمامدارانش استقلال رأی

www.ourpresident.ir

ندارند؛ تابع بیگانه و تابع قدرتهای مستکبرند و طوق اطاعتِ آنها را به گردن انداخته‌اند؛ در مقابلِ آنها ضعیف و غیر مستقل، اما نسبت به مردم خودشان سختگیر، متفرعن و با آنها با فشار و سختگیری و زور رفتار می‌کردند؛ شلاق را بر گُرده‌ی این مردم می‌کوبیدند و به آنها اجازه‌ی انتخاب نمی‌دادند. در طول سالهای مشروطیت و تا قبل از انقلاب اسلامی، هرگز اتفاق نیفتاد که این مردم با شوق، با رغبت و با معرفت به پای صندوق رأی بروند و کسی را انتخاب کنند. انتخاب معنی نداشت: حکومت، حکومت موروثی؛ مسئولان و زمامداران، سفارش‌شده‌ی قدرتهای بیگانه؛ مجلسی که به نام مجلس شورا از مشروطیت بوجود آمده بود، مجلس دست نشانده و غیر منتخب مردم! مردم هم اسیر و دستخوش تصمیمهائی بودند که این مجموعه‌ی غیر مسئول و غیر متعهد برای آنها می‌گرفتند. مردم خواستند استقلال بدست بیاورند، آزادی داشته باشند، عزّت ملی‌شان را تأمین کنند، سعادت و رفاه دنیوی و سربلندی معنوی و اخروی را بدست بیاورند؛ این آرزوی مردم بود و وارد این میدان شدند. این هم عنصر دوم.

نشر انقلاب اسلامی

۳. تحمّل هزینه‌های تحمیلی

عنصر سوم در هر حادثه‌ای عوامل معارض و مزاحم با آن حادثه یا با آن حرکت است که هزینه‌هائی را تحمیل می‌کند. در ماجرای انقلاب اسلامی هم همینجور است؛ از اول عنصر معارض وجود داشت. این معنایش این است که ملّت ایران استقلال و آزادی را با سعی و تلاشِ خود بدست می‌آورَد؛ اما هزینه‌ی آن را هم باید بپردازد و می‌پردازد. هر انسانی که بخواهد برای آن چیزی که به دنبال آن هست هزینه‌ای نپردازد و زحمتی را بر دوش نگیرد، هرگز به آن هدف نخواهد رسید. با نشستن و عافیت‌طلبی و به دنبال تلاش و خطر نرفتن، هرگز انسان به آرزوهایش نمی‌رسد. ملّتها هم همین جورند.

www.ourpresident.ir

آن ملتی به عزّت و سربلندی دست پیدا می‌کند که با شجاعت وارد میدان بشود، کار را تعقیب کند و هزینه‌های آن را هم با رشادت تمام بپردازد و ملّت ایران این کار را کرد.

هزینه‌ای که ملّت ایران پرداخت کرد هشت سال جنگ تحمیلی بود؛ این هزینه‌ی استقلال‌طلبی و آزادی‌طلبی و عزّت‌طلبی ملّت ایران بود؛ ملّت ایران آن را پرداخت کرد و خم به ابرو نیاورد. هشت سال جنگ را تحمل کرد، چون این هزینه‌ی دست یافتن به استقلال ملّت و قدرت ملی و افتخار ملی بود. قربانیان تروریسم کور دهه‌ی شصت در این کشور، هزینه‌ی دیگری بود که ملّت ایران پرداخت کرد. از اول انقلاب تا امروز تحریمهای اقتصادی و محاصره‌ی اقتصادی که بر ملّت ما تحمیل کرده‌اند، هزینه‌هایی بود که ملّت ایران پرداخت کرد. همین حالا که من با شما صحبت می‌کنم، دو سال است که قدرتهای استکباری مرتب تهدید می‌کنند که ما ملّت ایران را تحریم می‌کنیم و محاصره می‌کنیم! انگار تا حالا این کار را نکرده‌اند.

اردوگاه سرمایه‌داری و استعماری با همه‌ی توان سیاسی خود، با همه‌ی قدرت مالی و اقتصادی خود و با همه‌ی شبکه‌های تبلیغاتی خود، دارد فشار می‌آورد تا شاید بتواند ملّت ایران را وادار به عقب‌نشینی و تسلیم بکند؛ نه فقط از حق هسته‌ای – حق هسته‌ای یکی از حقوق ملّت ایران است – بلکه می‌خواهند ملّت ایران را از حق عزّتش، از حق استقلالش، از حق قدرت تصمیم‌گیریش و از حق پیشرفت علمیش، وادار به عقب‌نشینی کنند. ملّت ایران امروز در جاده‌ی پیشرفت علمی و پیشرفت فنّاوری افتاده و می‌خواهد دو قرن عقب‌افتادگی خود را در دوران طاغوتها، جبران کند. اینها دستپاچه شده‌اند و نمی‌خواهند ملّت ایران – که در این نقطه‌ی حساس دنیا قرار گرفته است و به عنوان پرچمدار اسلام شناخته شده – به این توفیقات دست پیدا کند؛ لذا فشار می‌آورند. اما ملّت ایران ایستاده است.

www.ourpresident.ir

تهدید می‌کنند که شما را تحریم می‌کنیم و محاصره‌ی اقتصادی می‌کنیم! خب، در این سی سالی که ملّت ایران را گاهی شدیدتر و گاهی ضعیف‌تر محاصره‌ی اقتصادی کردید، چه کسی ضرر کرد؟ ملّت ایران ضرر کرد؟ ابدا! ما از تحریم به نفع پیشرفت خودمان استفاده کردیم. یک روزی بود که ما احتیاج به ابزارهای نظامی داشتیم؛ ساده‌ترین ابزار نظامی را به ما نمی‌فروختند و می‌گفتند: تحریم! ما توانستیم از این تحریم استفاده کنیم؛ امروز ملّت ایران توانائیهایی به دست آورده که همان تحریم‌کنندگان دیروز، امروز از این‌که ملّت ایران دارد به قدرت اول نظامی منطقه تبدیل می‌شود، دارند دست و پا می‌زنند! خب، این بر اثر تحریم شما بود. این تحریم به ما ضرر نزد؛ ما از این تهدید توانستیم یک فرصت به وجود بیاوریم. امروز هم همین‌جور است. ما از تحریم غرب نمی‌ترسیم. ملّت ایران به حول و قوه‌ی الهی در مقابل هر تحریمی و هر محاصره‌ی اقتصادی‌ای آنچنان تلاشی از خود نشان خواهد داد که پیشرفت او را مضاعف و چند برابر خواهد کرد.

این‌جور نگاه کلان به انقلاب – یعنی نگاه به انگیزه‌ها و زمینه‌ها و عوامل بالادستی انقلاب و تشکیل نظام، و نگاه به عاملِ محوری انقلاب یعنی مردم و ایمان دینی آنها، و نگاه به هزینه‌ها – موجب می‌شود که ما در هر شأنی که هستیم و در هر جا که هستیم، به مسائل جزئی و کوچک خیلی اهمیت ندهیم؛ به عظمت انقلاب و حرکت عمومی انقلاب نگاه کنیم که بحمدالله در طول این سی سال، با قدرت و قوّت ادامه داشته است و ملّت ایران هر روز بهتر از گذشته – با این‌که توطئه‌ها و تلاش دشمن هم بیشتر شده – به پیش حرکت کرده است.

بیانات در دیدار با مردم شیراز ـ ۸۷/۲/۱۱

www.ourpresident.ir

چشم‌اندازِ ایرانِ مطلوبِ انقلاب اسلامی

هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیاتی که عرض میکنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها – که از اول و ازل بین آحاد بشر یک مسابقه است در دستاوردهای بشری، در علم و در بقیه‌ی خواسته‌ها و دستاوردهای بشری – برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی. آزادی فقط آزادی اجتماعی نیست – اگرچه آزادی اجتماعی، یکی از مصادیق مهم آزادی است – هم آزادی اجتماعی مورد نظر است، هم آزادی به معنای رها بودن و آسوده بودن و آزاد بودن کشور از دست‌اندازی بیگانگان و استیلای آنها – که گاهی کشور بظاهر مستقل هم هست، اما زیر نفوذ است – و هم آزادی معنوی، که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است، که هدف اعلی، این است. همه‌ی کارها مقدمه برای تکامل انسان و عروج انسانی است. این باید در جامعه‌ی اسلامی خود را نشان بدهد.

www.ourpresident.ir

ایران با این خصوصیات، مطلوب انقلاب بود. شما بپرسید که از کجای انقلاب، این خصوصیات در می‌آمد؟ کجا تدوین شد؟ من عرض میکنم از کلمه‌ی اسلامی. اسلام اصلاً همین‌هاست. آن کسی که غیر از این در مورد اسلام تصور میکند، اسلام را نشناخته. آن کسی که تصور میکند اسلام فقط به جنبه‌های معنوی، آن هم با برداشت و تلقی خاص از جنبه‌های معنوی –عبادت و زهد و ذکر و امثال اینها – میپردازد، به دنیای مردم، به لذات مردم، به خواسته‌های بشری مردم نمیپردازد، او اسلام را درست نشناخته؛ اسلام اینجوری نیست. همه‌ی این چیزهائی که گفتیم؛ هم آن چیزی که مربوط به مسائل دنیائی جامعه است – مثل عدالت، مثل امنیت، مثل رفاه، برخورداری از ثروت، برخورداری از آزادی و استقلال – هم آنچه که مربوط به مسائل اخروی است؛ مثل رستگاری، تقوا، پرهیزگاری، رشد اخلاقی، تکامل معنوی انسان، در کلمه‌ی اسلامی مندرج است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز ـ ۸۷/۲/۱۴

www.ourpresident.ir

برکات الهی، پاداش ایمان و تقوا

آیه‌ی قرآن به ما میفرماید که: «و لو انّ اهل القری امنوا و اتّقوا لفتحنا علیهم برکات من السّماء و الأرض»[1]؛ ایمان و تقوا که باشد، برکات آسمان و زمین جاری خواهد شد. برکات آسمان، همان فتوح معنوی است، همان رحمت الهی است، همان تقرب الی‌الله است، همان استغفار ملائکه‌ی آسمان و حمَله‌ی عرش برای بندگان خدا در روی زمین است. برکات ارض، یعنی همه‌ی آنچه که به زندگی زمینی انسان ارتباط پیدا میکند؛ یعنی آزادی، یعنی رفاه، یعنی استقلال، یعنی امنیت، یعنی سعه‌ی رزق، سلامت بدن و از این قبیل. اگر ایمان و تقوا باشد، هم آن برکات و هم این برکات برای بشر وجود دارد. این، اسلام است. پس وقتی که گفتیم انقلاب اسلامی، معنایش این است که عرض شد.

خوب، این چیزی بود که در انقلاب بود؛ میخواستیم ایرانی بسازیم با این خصوصیات. این مطلب یک اضافه‌ای دارد و آن این است که مسئله

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۶.

www.ourpresident.ir

فقط ایران هم نبود؛ ایران به عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه‌ی اول، و همه‌ی جوامع بشری در درجه‌ی بعد، مورد نظر بود. ما میخواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم - ما یعنی ملّت ایران، انقلاب ایران، انقلابیون ایران؛ منظور، شخص بنده و چند نفر دیگر نیست - و آن را بگذاریم جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی؛ بگویند این است که هم مطلوب اسلام است، و هم میسور مردم این روزگار است. اینجور نباشد که خیال کنند بله، این مطلوب هست، اما میسور نیست؛ که میگفتند در دوران مبارزات نهضت اسلامی. بعضی از کسانی که نیتهای خوبی هم داشتند، میگفتند آقا بیخود چرا زحمت میکشید، فایده‌ای ندارد؛ بله، این حرفهای شما درست است، اما شدنی نیست. انقلاب میخواست به همه‌ی کسانی که در هر نقطه‌ای از دنیای اسلام هستند، نشان بدهد که این الگو تحقق‌یافتنی و شدنی است؛ این هم نمونه‌اش. این آن چیزی بود که به عنوان هدف انقلاب وجود داشت. این هدف از اول بود، به شما عرض کنم که امروز هم همین هدف هست، در آینده هم همین هدف خواهد بود؛ این هدف ثابت است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز ـ ۸۷/۲/۱۴

www.ourpresident.ir

عادی شدن فسق و فجور دولتمردان حکومتهای سابق

توسری خوری، شنیدن زور، دیدن فسق در کسانی که از آنها جامعه توقع عدالت و انصاف و طهارت و پاکیزه‌دامنی دارد، عادت شده بود. یعنی اگر در دوران پیش از انقلاب می‌آمدند به مردم میگفتند آقا فلان مسئول عالی کشور – حالا شخص اول که خود شاه بود – یا وزرا یا مسئولین فلان عیاشی را کردند، فلان فسق را کردند، فلان عمل زشت و ناهنجار را انجام دادند، مردم تعجب نمیکردند؛ میگفتند خوب، هست دیگر؛ معلوم است! یعنی عادت کرده بودند به اینکه مسئولانی را که باید پاک باشند و پاکدامن باشند، آلوده‌دامن و ناپاک ببینند. ما تعجب میکردیم از اینکه در صدر اسلام چطور یک خلیفه مست رفت برای مردم نماز صبح خواند! هم درباره‌ی خلیفه هست، هم درباره‌ی یکی از امرای منصوب از قِبل یک خلیفه. این در تاریخ اسلام هست و معروف و مسلّم هم هست. نماز صبح دو رکعت است؛ اما او چون سرکیف بود، شش رکعت خواند. گفتند آقا نماز صبح را زیادی خواندی؛ گفت بله، حالم خوش است؛ اگر بخواهی، بیشتر هم

www.ourpresident.ir

میخوانم! این در تاریخ بود. در آن زمان مردم میدیدند که خلیفه یک چنین فسقی را دارد انجام میدهد، اما تحمل میکردند و بی‌تفاوت از مقابل این قضیه میگذشتند. زمان ما هم همین‌جور بود. در دوره‌ی طاغوت – که ماها تا قبل از پیروزی انقلاب با طاغوت مواجه بودیم – قضیه همین‌جور بود. مردم تعجب نمیکردند از اینکه پادشاه کشور اسلامی فسق کند، فجور کند، باده‌گساری کند، کارهای هرزه انجام دهد. شاید من قبلاً گفته باشم که یکی از علمای بزرگ تبریز که مرد بسیار دانشمند و عالمی بود و بنده هم او را دیده بودم – استاد پدر ما بود – پیرمردی بود بسیار عالم، اما بسیار ساده! من یک وقتی رفته بودم تبریز، شاگردان و دوستانِ علاقه‌مند خود ایشان نقل میکردند؛ میگفتند یک وقتی محمّدرضا در دوره‌ی جوانی‌اش آمده بود تبریز، رفته بود سراغ این آقا. احترام کرده بود از این آقا، رفته بود توی آن مدرسه‌ای که این آقا تدریس میکرده. بعد که محمّدرضا رفته بود، این آقای عالم – که عالم هم بود، متقی هم بود، منتها ساده بود – مجذوب شاه شده بود و از او تعریف میکرد. دوستان گفته بودند آقا شما که از این شخص تعریف میکنید، این مرد این کارهای خلاف را انجام میدهد – حالا کارهائی که در نظر آن عالم، خیلی بزرگ باید مینمود؛ مثلاً او شراب میخورد – گفته بود خوب، شاه است دیگر؛ میخواهی شراب نخورد؟! گفته بودند آقا مثلاً قماربازی میکند، گفته بود شاه است دیگر؛ پس میخواهی مثلاً چه بازی کند؟! عرف این بود که چون شاه است، چون وزیر است، پس باید بتواند فسق کند، فجور کند، ناپاکی از خودش نشان بدهد. این جزو عاداتی بود که در جامعه‌ی ما وجود داشت. اینها همان موانع درونی است؛ اینها آن چیزهائی است که در مقابل رسیدن به یک هدف و مقصود والا عایق ایجاد میکند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز ـ ۸۷/۲/۱۴

www.ourpresident.ir

بدفهمی از معارف دینی، عامل مخالفت بعضی با انقلاب

خشم و شهوتهای بی‌مهار و تربیت نشده، دلبستگی به عادات و عقاید خرافیِ میراثی، و بد فهمیدن دستور دین جزو ضعفهای درونی است. بعضی‌ها خیلی از چیزها را نمیفهمیدند. مبارزه میکردیم؛ بعضی‌ها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. میگفتند آقا شما قبل از مبارزه‌ی حضرت صاحب‌الزمان (عجّل الله فرجه) میخواهید مبارزه شروع کنید؟ خوب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمیفهمیدند. یک عده‌ای از صدر اسلام، از زمان ائمه علیهم‌السلام که شنیده بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، ادعای مهدی‌گری میکردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشتبه بود. بعد نیست بدانید هم در بنی‌امیه ادعای مهدویت بود، هم در بنی‌عباس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان بنی‌عباس و چه در زمانهای بعد تا امروز وجود داشتند، ادعای مهدویت وجود داشت. بله، این پرچم مهدویت را کسی بلند

www.ourpresident.ir

کند، در آتش است. این معنایش این نیست که مردم با ظلم مبارزه نکنند، مردم برای تشکیل جامعه‌ی الهی و جامعه‌ی اسلامی و علوی مبارزه و قیام نکنند. این، بد فهمیدن دین است. می‌بینید اینها همه موانع درونی‌ای بود که بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، ما ملّت ایران با این زمینه‌ها میخواستیم کشور را به سمت آن اهداف ببریم. خوب، اینها هر کدامش یک مانع بود. البته اینها برطرف شدنی بود، نه اینکه برطرف شدنی نبود؛ خیلی‌اش هم با تبیین برطرف شد. لذا در مبارزات اسلامی، تبیین خیلی نقش دارد. من این را به شما جوانانی که احساس مسئولیت میکنید، توی پرانتز عرض میکنم که تبیین خیلی اهمیت دارد. در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین – بیان واقعیت و رساندن واقعیت؛ تبلیغ، بلاغ – خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد؛ برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز رائج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند؛ میگفتند مبارزه یک سنّت است، تحقق خواهد یافت؛ چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگوئید، چه نگوئید. یعنی دیالکتیکی که آنها تفسیر کرده بودند، لازمه‌اش این بود که این مبارزه، احتیاج به تبیین ندارد. در سال ۴۹ یک جوانی از همین کسانی که مشهدی بود، با ما هم آشنا بود، وابسته‌ی به یکی از همین گروهکهائی بود که آن روز تازه سر بلند کرده بودند، کمونیست بودند – گروه جنگل و امثال اینها – یک جائی با من ملاقات کرد؛ شرح داد که میخواهیم این کارها را بکنیم. من گفتم توی این زمینه‌ی اجتماعی که نمیشود؛ یک قدری با مردم صحبت کنید، تبیین کنید، حرف بزنید، به مردم تفهیم کنید چه‌کار میخواهید بکنید. با کمال بی‌اعتنائی گفت: آن روش اسلامی است! بله، روش اسلامی همین است. روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز ـ ۸۷/۲/۱۴

www.ourpresident.ir

امام، همچنان محبوب مسلمانان جهان

نوزده سال است که در یک چنین مناسبتی، ملّت ایران زمان و مکان را مظهر عشق و ارادت به امام بزرگوار قرار میدهد. اکثر ملّت ما جوانانی هستند که دوران زندگی پربار امام بزرگوار را درک نکرده‌اند؛ یا متولد بعد از وفات آن بزرگوار هستند یا در دوران ده ساله‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های خردسالی بودند؛ اما همین جوانهای مؤمن و نورانی در سرتاسر کشور آنچنان به امام و یاد او و نام او عشق میورزند که گوئی از همصحبتی با امام برخوردار بوده‌اند. همانطوری که در دعای سمات میخوانیم: «و امنّا به و لم نره صدقا و عدلا»؛ ایمان خالصانه و پاک بدون اینکه دوران حیات آن بزرگوار و صحبت آن بزرگوار را درک کرده باشند؛ مخصوص ملّت ما هم نیست. در بسیاری از مناطق جهان و کشورهای مسلمان، همین احساس درباره‌ی امام بزرگوار ما وجود دارد. این ناشی از دو عامل بزرگ است: یکی عظمت امام و ابعاد گوناگون شخصیت او که یک شخصیت استثنائی در دوران معاصر، بلکه در دورانهای نزدیک به ماست.

www.ourpresident.ir

یکی هم به خاطر عظمت این انقلاب است. عظمتی کاری که امام بزرگوار با ایمان خود، با تدبیر خود، با اراده و عزم راسخ خود در این برهه‌ی از زمان انجام دادند: برپا کردن انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی. عظمت این انقلاب هم حاکی از عظمت امام بزرگوار ماست. این انقلاب یک معجزه‌ی الهی بود.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، انقلابی همه‌جانبه

در حالی که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی صد سال – تقریباً – علیه اسلام و علیه روحانیت تبلیغ کردند و تلاش کردند و در حالی که پنجاه سال یک رژیم وابسته‌ای در این کشور منافع ملّت ایران را در مقابل دشمنان و بیگانگان قربانی کرد و کشور را به طور کامل وابسته‌ی به اجانب قرار داد – رژیم پهلوی – امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه‌گرائی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند. انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خودِ اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب

www.ourpresident.ir

اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

وصیتنامه‌ی امام میراثی معنوی و هدایتگر

امام با سخنان خود، با رفتار خود یک هدایت مستمری را برای امت خود – برای ما مردم – به جای گذاشته است. یعنی دست امام، انگشت اشاره‌ی امام در همه‌ی پیچ و خمهای زندگی ما را راهنمائی میکند و یکی از قویترین و بهترین مواریث معنوی امام، همین وصیتنامه‌ی اوست. جا دارد در برهه‌های مختلف، مردم، مسئولان گوناگون، جوانها این وصیتنامه را بازخوانی کنند؛ در این تدبر کنند. من امروز به مناسبت این اجتماع عظیم و به مناسبت دلهای آگاه و بیدار شما، چند نکته از وصیتنامه‌ی پر نکته‌ی امام را اینجا مطرح میکنم.

نکته‌ی اول این است که امام در وصیتنامه‌شان تأکید میکنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ کس – هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای – نمیتواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود

www.ourpresident.ir

کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسبتر و شایسته‌تر، خودِ امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچکاره و خدا را همه‌کاره میداند. این در بیانات امام موج میزند و در وصیتنامه به آن تأکید و تصریح شده است. پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی میکند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهتگیریهای انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی -بُعد دینی - را از انقلاب جدا کنند یا بُعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدفهای انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهائی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه‌ی با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

مردم صاحبان اصلی انقلاب

از جمله‌ی برترین شعارهای این انقلاب، تعلق این انقلاب به عموم مردم است؛ هیچ قشری، هیچ طبقه‌ای، در نسبت به انقلاب بر دیگران ترجیحی ندارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدس صاحبان انقلابند. نمیشود گفت آن کسانی که انقلاب را به وجود آوردند یا در زمان انقلاب در به وجود آوردن آن سهیم بودند، آنها بیشتر با انقلاب نسبت دارند؛ نه، کسانی بودند که در اصل پیدایش انقلاب حضوری نداشتند، اما در دفاع مقدس جان خود را کف دست گرفتند و به میدان آمدند؛ آنها هم به همان اندازه با انقلاب نسبت دارند. در طول این سالهای متمادیِ بیست ساله‌ی بعد از پایان دفاع مقدس، جوانانی به صحنه آمده‌اند که با شعور خود، با شور فوق‌العاده‌ی خود، با علاقه‌مندیهای خود، با انگیزه‌های الهی خود، با تلاش علمی خود، با تلاش اجتماعی و سیاسی خود، بقاء این انقلاب و نشاط این انقلاب را تضمین کرده‌اند؛ آنها هم فرزندان انقلابند؛ آنها هم مالکان انقلابند؛ نسبت آنها با انقلاب، مثل نسبت کسانی است که در صدر انقلاب حضور داشته‌اند؛ در

www.ourpresident.ir

آینده هم همین‌جور خواهد بود. طبقه‌ی جوان، نسلهای پی‌درپی – همه – نسبت واحدی با انقلاب دارند؛ همه سهیم در انقلابند و همه سهیم در تکلیف حفظ امانت این انقلابند.

جوانهای امروز ما، جوانهای نسل معاصر ما و جوانهائی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمیگردند؛ البته اینها به ضرر خودشان عمل میکنند؛ «فمن نکث فانّما ینکث علی نفسه»[1]. آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ میکنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام میشود؛ افطار میکنند. این مثل همان کسی است که از اولِ روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع میشود. این بی‌وفائی به انقلاب است. همیشه بودند کسانی که به انقلاب بی‌وفائی کردند، به انقلاب دلبستگی خود را کم کردند، به انقلاب پشت کردند. وصیت امام این است که جوان ما، مردم ما، نسلهای گوناگون ما، با چشم واقع‌بینانه نگاه کنند. اصل، انقلاب است؛ اشخاص، اصل نیستند. انقلابی بودن به حفظ رابطه‌ی خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است. این نکته‌ی اول.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰.

www.ourpresident.ir

پیش‌گویی امام: گسترش انقلاب در جهان

نکته‌ی بعدی این است که امام در وصیت‌نامه اعلام میکند که این انقلاب گسترش خواهد یافت؛ دست استعمارگران را از جهان اسلام کوتاه خواهد کرد. این پیشگوئی امام بزرگوار است. امروز به صحنه که نگاه میکنیم، می‌بینیم این اتفاق افتاده است. گسترش انقلاب از نظر امام از راه ایجاد فتنه در کشورها نیست، از راه لشگرکشی نیست، از راه گسترش تروریسم نیست – برخلاف برخی از انقلابهای دیگر – گسترش انقلاب در میان ملّتها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی‌است. یعنی ملّت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملّتهای دیگر به این الگو نگاه میکنند، شوق پیدا کنند و آن راه را دنبال کنند؛ از راه ترویج معارف اسلامی و از راه صراحت در دفاع از طبقات مظلومِ دنیای اسلام و ملّتهای مظلومی که در دنیای اسلام پامال ظلم استکبار شده‌اَند. این گسترش نظام اسلامی است که اتفاق افتاد.

امروز ملّتهای جهان به ملّت ایران نگاه میکنند، از ملّت ایران نیرو میگیرند،

www.ourpresident.ir

انگیزه میگیرند، انرژی میگیرند. امروز شعارهای ضد استکباری ملّت ایران در همه‌ی دنیای اسلام گسترش پیدا کرده است. امروز شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی که حرکت کنید، با هرگونه رژیمی، با هرگونه دستگاه حاکمه‌ای، می‌بینید ملّتهای آنها به شعارهای شما، به انگیزه‌ها و آرمانهائی که شما ترسیم کردید، با چشم عزّت و احترام نگاه میکنند؛ شعار ضدیت با ظلم، ضدیت با سلطه، دفاع از مظلومان، دفاع از ملّت فلسطین، دشمنی با شبکه‌ی اختاپوسی صهیونیسم. این دل ملّتهای مسلمان است؛ این گسترش انقلاب اسلامی است. حتّی شما می‌بینید این شعار انرژی هسته‌ایِ ملّت ایران – اینی که ملّت ایران در مقابل فشار دشمنان ایستادگی به خرج داد و حق خود را مطالبه کرد – امروز در دنیای اسلام آنچنان منعکس شده که سخنگویانِ کشورهای اسلامی و عربی اعلام میکنند که خواستِ انرژی هسته‌ای به خواستِ عمومی ملّتهای عرب تبدیل شده است.

دشمنان و دوستان ملّت ایران اعتراف میکنند که گسترشی که امام پیش‌بینی میکرد برای انقلاب، امروز تحقق پیدا کرده است؛ از جمله‌ی آنها مسئله‌ی آرمان فلسطین است. ملّتها دلشان مانند ملّت ایران برای ملّت فلسطین میتپد؛ ملّتها مثل ملّت ایران رژیم اسرائیل را یک رژیم جعلی و تحمیلی در منطقه میدانند. البته دولتها با ملّتها همراه نیستند و متأسفانه آن چیزی که اسرائیل را تقویت کرده است، همین است. رژیم صهیونیستی از درون خود نیروئی ندارد، قدرتی ندارد، توانائی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل رژیم صهیونیستی را سرِ پا نگه داشته است: یکی حمایت بی‌قید و شرط وقیحانه‌ی آمریکا از این رژیم منحط؛ و دیگری حمایت نکردن دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین. متأسفانه بسیاری از حکومتها و دولتهای مسلمان، امروز آنچنان که باید به وظیفه‌ی خود در قبال فلسطین عمل نمیکنند و با ملّتهایشان همصدا نیستند. اگر آنها هم با ملّتهای خود همصدا شوند و از

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

ملّت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه بکلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی ملّتهاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

پیشرفت ایران در نتیجه‌ی انقلاب اسلامی

نکته‌ی سوم که در وصیت‌نامه‌ی امام بارز است و در بیانات امام در طول این ده سالِ حیات پربرکتش منتشر و گسترده است و برای ملّت و جوانان ما اهمیت دارد، این است که انقلاب اسلامی کمک به پیشرفت ملّت است؛ انقلاب اسلامی کمک به خلاقیت و نوآوری ملّت است؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که سالهای متمادی دشمنان اسلام تبلیغ میکردند. دشمنان اسلام اینجور وانمود میکردند که دینداری با پیشرفت منافات دارد؛ با هم سازگار نیست. اگر ملتی بخواهد پیشرفت پیدا کند، باید از دین دست بکشد، باید برود به دامن غرب و خود را سر تا پا به رنگ غربی در بیاورد تا بتواند پیشرفت کند. این را به عنوان یک باور در طول دهها سال به ملّت ایران تلقین کرده بودند. امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصیت‌نامه‌ی خود تأکید میکند که روح انقلابی، روح حرکت به جلو است، روح پیشرفت است، روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملّت ایران هم تحقق پیدا کرد.

www.ourpresident.ir

امروز ملّت ایران خود را باور دارد؛ در میدان علم وارد میشود، در میدان سیاست وارد میشود، در هر میدانی که ملّت ایران بجد وارد میشود، در صفوف مقدم ملّتها قرار میگیرد. وضع امروز ملّت ما در نوآوریهای علمی، در قدرت سیاسی، در عزّت بین‌المللی، با دوران قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست؛ این ملّت بیدار شده است، زنده شده است؛ این به خاطر انقلاب است. این روح انقلابی، هر چه در ملّت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامی و با تشکیل جمهوری اسلامی راهِ میانه‌ی عقب‌ماندگی و غرب‌زدگی را ترسیم کرد. ملّتها تصور میکردند یا باید عقب‌مانده بمانند یا باید غرب‌زده شوند؛ امام نشان دادند که نه، یک راه مستقیم، یک صراط مستقیم وجود دارد که انسان اسیر غرب هم نشود، غرب‌زده هم نشود؛ اما راهِ ترقی و پیشرفت و تعالی را طی کند؛ ملّت ایران این راه را طی کرده است. جوانهای عزیز! برای پیشرفت و تعالی کشورتان، هر چه میتوانید به این صراط مستقیم تمسک کنید. با اتکاء به خدای متعال و اعتقاد به نیروی درونی خود میتوانید همه‌ی موانع را از سر راه بردارید.

یکی از عللِ دشمنیِ استکبار و توطئه‌های جهانی با ملّت ایران در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای و قضایای مشابه همین است. شما می‌بینید در همان حالی که آمریکائیها پیشقراولند و بعضی از اروپائیها هم دنباله‌روِ آمریکا در ضدیتِ با دستیابیِ ملّت ایران به انرژی هسته‌ای و تلاش میکنند و تهدید میکنند و الفاظ درشت به کار میبرند، میروند با کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و صنعتی بمراتب عقب‌مانده‌تر هستند و بسیار با ملّت ایران فاصله دارند، قرارداد انرژی هسته‌ای میبندند! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملّت به خودشان شود، آن را برای آن ملّت مجاز میدانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفند که یک

www.ourpresident.ir

ملّت با ابتکار خود، به دست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل به دست آورده است. جوانان عزیز ما، ملّت بزرگ ما، این امتیاز را پیدا کرده‌اند که به این رتبه‌ی علمی و صنعتی پیشرفته با اتکاء به نیروی خود رسیدند؛ وابستگی ایجاد نکردند، بلکه این ضدِ وابستگی است. همین انرژی هسته‌ای برای دیگر ملّتها که دولتهای مستکبر به آنها میدهند، موجب وابستگی است؛ اما برای ملّت ایران که خود از درون میجوشد، ابتکار میکند، نوآوری میکند، خودش خلاقیت و تولید میکند، موجب قطعِ وابستگی است. استکبار جهانی و دشمنان ملّت ایران، با این دشمنند.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

تلاش دشمن برای ایجاد جنگ روانی

نکته‌ی دیگری در وصیت‌نامه‌ی امام (رضوان‌الله علیه) وجود دارد که بسیار مهم است و آن توجه به جنگ سرد و عملیات روانی دشمن است. دشمن آن‌وقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی میزند؛ برای مأیوس کردن، برای ناامید کردن، برای خالی کردن دل ملّتها. با جنگ روانی و با تهدید سعی میکنند ملّتهای مقابلشان میدان را خالی کنند. این معنایش این است که در میدان عملی قدرت مقاومت در مقابل این ملّت را نداشته‌اند. این جنگ روانی از اولین روزهای انقلاب تا امروز که سی سال میگذرد، همچنان ادامه دارد. گاهی میگفتند این انقلاب تا دو ماه دیگر بیشتر نمیماند، گاهی میگفتند تا دو سال دیگر بیشتر نمیماند. امروز سی سال است که این انقلاب با قدرت تمام به پیش رفته است و روزبه‌روز ملّت ایران را منسجم‌تر، پرامیدتر، پرانرژی‌تر کرده است....

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

توطئه‌ی دشمن برای انحراف نسل جوان

یک نکته‌ی دیگر در وصیتنامه‌ی امام بزرگوار هشدار به جوانهاست در مقابل توطئه هائی که هدف و آماج آن فقط جوانها هستند. جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملّت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دلبسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش میکنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر بسختی مبارزه میکنند، این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملّت ایران است. اینها نمیخواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن

www.ourpresident.ir

دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه‌ی با توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمیهای گوناگون جنسی، یک توطئه‌ی بسیار خطرناکی است. مبارزه‌ی با آن در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خودِ آحاد ملت، بخصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداریِ جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاهها، هم به حوزه‌های علمیه، هم به قاطبه‌ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب نگهداشتن ملّت است. همه‌ی ملّت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

لزوم ایستادگی در برابر سلطه‌گران جهانی

یک نکته‌ی اساسی دیگر در وصیتنامه و در بیانات امام، مسئله‌ی مواجهه‌ی با زورگویان عالم است. قدرتهای سلطه‌گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده‌اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه‌گری برای آنها آسانتر شده است. لذا می‌بینید آمریکائیها نسبت به همه‌ی جهان ابراز طمع‌ورزی میکنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد میشوند. گویا منافع آنها بر منافع همه‌ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملّتها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگوئی و گردن‌کلفتی و حرف‌نشنوی و حق‌ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: یک برخورد، تسلیم است؛ یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگوئی تشویق میکند. تسلیم ملّتها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگوئیهای استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگوئی بیشتر است. برای ملّتها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمیماند و آن

www.ourpresident.ir

مقاومت است. اگر یک ملتی میخواهد شر زورگوئی زورگویان – و امروز شر آمریکا – را از سر خود کم کند، باید در مقابل زورگوئی آمریکا با قدرت و صلابت تمام بایستد.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ـ ۸۷/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

طرح تازه‌ی انقلاب در برابر موج عظیم مادیگرایی

عزیزان من! انقلاب یک حادثه در تاریخ ایران فقط نبود؛ این یک حادثه در تاریخ جهان و در تاریخ بشریت بود. بر روی این نکته من تکیه و تأکید میکنم - این شعار نیست، این تدقیق در یک حقیقت است - که این یک حادثه در تاریخ بشریت است. هر چه زمان بیشتر بگذرد، بیشتر این حقیقت روشن خواهد شد. اینجور نبود که حالا در کشوری نظامهای طاغوتی و فاسد بودند، بعد به یک نظام اسلامی تبدیل شد. البته این بود؛ اما فقط این نبود. از لحاظ اعتقادی و معنوی، قرنهاست که دنیا را بعمد به سمت نگاه مادی و فهم مادیِ زندگی و عالم پیش میبردند، الان هم دارند پیش میبرند. این انقلاب در مقابل این موج عظیمی که با همه‌ی قدرت مادی آن را دائم تشدید میکردند، آمد ایستاد و ضربه زد. انقلاب با مطرح کردن عَلَمِ معنویت، با آن حرکتی که ترک‌تازانه به پیش میبردند، به آن حرکت لطمه وارد آورد و او را کند کرد. امروز شما می‌بینید در همان کشورهائی که مهد گرایش مادیگری بود،

www.ourpresident.ir

گرایشهای معنوی به شکلهای مختلفی بروز کرده؛ یعنی طلب معنویت، عشق به معنویت، شوق و گرایش به معنویت در آنجا در بین جوانهایشان به وجود آمده – البته این معنویت را وقتی نمیتوانند درست اداره کنند، مدیریت کنند، گرایشهای انحرافی به وجود می‌آید؛ عرفانهای قلابی، معنویتهای دروغین. و شیادانی هم هستند که نقش می‌آفرینند – که اگر توی این شرائط اسلام و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بتواند خود را به قلب امپراتوری مادی غرب برساند، آنجا طالب دارد، مستمع دارد، علاقه‌مند دارد. و این امروز در دنیا محسوس و مسلم است. اینی که می‌بینید علیه اسلام این همه حمله میکنند، به نام مبارک پیغمبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مصداق قول مولوی:

مه فشاند نور و سگ عوعو کند هر کسی بر طینت خود میتند

بر طینت خودشان می‌تنند نسبت به نام مبارک آن بزرگوار. این، حادثه‌ی جدیدی را به وجود آورده که نفوذ این نام در دنیا بیشتر شده؛ حضورش قویتر شده؛ جاذبه‌اش برای دل جوانها مضاعف شده و همین، گردانندگان استکبار را دستپاچه کرده که عوامل و مزدورانشان را وادار میکند که هر روز به یک نحوی عکس‌العمل نشان میدهند که این نشان‌دهنده‌ی هزیمت آنهاست. این از جنبه‌ی معنوی.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان و ستایشگران اهل‌بیت علیهم‌السلام ـ ۸۷/۴/۴

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی و تغییر صحنه‌ی جهانی

از جنبه‌ی سیاسی این است که از دورانی که مسئله‌ی استعمار در دنیا شروع شد - یعنی از قرن نوزدهم - که آرام آرام از حدود دویست سال قبل تقریباً مسئله‌ی استعمار یعنی دست‌اندازی به کشورهای دیگر از سوی قدرتهائی که میتوانستند دست‌اندازی کنند، شروع شد، نظام سلطه سر کار آمد؛ یعنی دنیا تقسیم شود به دو بخش؛ یک بخشِ گردن‌کلفت و زورگو و سلطه‌گر، یک بخشِ ضعیف و توسری خور و سلطه‌پذیر. انقلاب اسلامی شما در مقابل این حرکتی که به حرکت طبیعی دنیای سیاست تبدیل شده بود، ایستاد. اینی که شما می‌بینید امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر آمریکا بلند میشود، این چیز جدیدی است؛ این مخلوق حرکت ملّت ایران است. چنین چیزی وجود نداشت. اینی که شما می‌بینید امروز در همه‌ی دنیا، چه در کشورهای اسلامی، چه حتّی در کشورهای اروپائی، سیاست آمریکائی منفورترینِ سیاستها و سران کشور آمریکا منفورترینِ سیاستمداران دنیا هستند، این ناشی از این حرکت عظیم ملّت ایران است. اینجا بود که

www.ourpresident.ir

اول، شاخِ ابرقدرتیِ ابرقدرتها را شکست، نظام سلطه را به چالش طلبید. چرا؟ چرا قدرتهای بزرگ مثل آمریکا و دیگران با کشورهائی که همیشه سلطه‌پذیر بودند، باید از موضع قدرت حرف بزنند؟ توی ایرانِ خود ما سران ذلیلِ روسیاهِ رژیم طاغوت، برای تصمیم‌گیریهای مهمشان اقدام نمیکردند، مگر اینکه قبلاً با سفیر آمریکا و سفیر انگلیس در ایران مشورت کنند. چرا؟ چرا یک ملّت با توانائیهای خود، با ذخائر فرهنگی و مادی و معنوی خود، بایستی تابع و تسلیم یک قدرت بیگانه شود؟ چرا؟ این «چرا» را اول، انقلاب اسلامی گفت.

حالا این، دو نمونه از تأثیری که انقلاب شما ملّت ایران از جنبه‌ی معنوی و از جنبه‌ی سیاسی در حرکت عمومی جهان و نه فقط در تاریخ ایران، باقی گذاشته. این دو نمونه، نمونه‌های دیگری هم دارد که حالا وقت تفصیلش نیست.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان و ستایشگران اهل‌بیت علیهم‌السلام ـ ۸۷/۴/۴

www.ourpresident.ir

ملّت ایران، قهرمان استقامت

این اقدام بزرگ انجام گرفت، دشمنی‌ها هم با او شروع شد؛ مقاومت متقابل هم شروع شد. رهبریِ شگفت‌آور امام بزرگوار در سخت‌ترین دورانها توانست این حرکت را با کمال قدرت حفظ کند و پیش ببرد و پیش ببرد. ملّت ایران، جوانان این کشور، حقیقتاً سخن امام بزرگوارشان را نیوشیدند؛ از دل و جان آن سخن را پذیرفتند، فهمیدند و دنبال کردند. خیلی هم تلاش شد که مردم را منحرف کنند، منصرف کنند، راهشان را عوض کنند، باورشان را بگیرند، نشد؛ تا حالا نشده، بعد از این هم انشاءالله نخواهد شد. این حرکت ادامه پیدا کرده و این دشمنیها هم روز به روز به شکلهای مختلف وجود داشته. ما مثل آن دونده‌ای هستیم که به طرف مقصدی دارد حرکت میکند، ولی عده‌ای نمیخواهند او برسد و دائم سر راهش مانع درست میکنند؛ از رو مانع‌ها میپرد، هی سنگ بهش میزنند، هی او را ملامت میکنند؛ از اطراف به او فریاد میزنند: نرو، نمیرسی، فایده‌ای ندارد؛ او هم گوشش بدهکار نیست؛ زخمها را میخورد، دردها را تحمل میکند؛ اما راه خودش را ادامه میدهد و

www.ourpresident.ir

میرسد. ملّت ایران مثل یک چنین دونده‌ی قهرمانی تا امروز عمل کرده؛ پیش رفته.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان و ستایشگران اهل‌بیت علیهم‌السلام ـ ۸۷/۴/۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

بصیرت و صبر، دو عامل موفّقیت

من یک وقت به بعضی دوستان گفتم زندگی پیغمبر را میلی‌متری باید مطالعه کرد. هر لحظه‌ی این زندگی یک حادثه است؛ یک درس است؛ یک جلوه‌ی عظیم انسانی است؛ تمام این بیست‌وسه سال همینجور است. جوانهای ما بروند تاریخ زندگی پیغمبر را از منابع محکم و مستند بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است. اگر شما می‌بینید امتی به این عظمت به وجود آمد – که امروز هم بهترین حرفها، بهترین راهها، بزرگترین درسها، شفابخش‌ترین داروها برای بشریت توی همین مجموعه‌ی امت اسلامی است – این جور به وجود آمد، گسترش پیدا کرد و ریشه‌دار شد. والّا صرف اینکه حق با ما باشد، ما پیش نمیرویم؛ حق همراه با ایستادگی. امیرالمؤمنین – بارها من این جمله را از آن بزرگوار نقل کردم – در جنگ صفین فرمود: «لا یحمل هذا العلم الّا اهل البصر و الصّبر». این پرچم را کسانی میتوانند بلند کنند که اولاً بصیرت داشته باشند، بفهمند قضیه چیست، هدف چیست؛ ثانیاً صبر داشته باشند. صبر یعنی همین استقامت، ایستادگی، پابرجائی. این را ما

www.ourpresident.ir

باید از بعثت درس بگیریم.

امام عزیز ما رشحه‌ای از آن چشمه‌ی فیاض بود که توانست این بساط عظیم را در دنیا راه بیندازد. امام هم قلبش پر بود از ایمان به راه خود. همان طور که فرمود: «آمن الرّسول بما انزل الیه من ربّه و المؤمنون کلّ آمن بالله و رسله و ملائکته»[1]. خود پیغمبر اول مؤمن بود.

در انقلاب ما خود امام بزرگوار، اول مؤمن به این راه بود و از همه قلبش سرشارتر بود از ایمان به این راه و این هدف؛ میفهمید، میدانست دارد چه کار میکند؛ عظمت کار را میفهمید، الزامات این کار را هم میفهمید که اولین الزام این کار این بود که با توکل به خدا در این راه محکم بایستد. محکم ایستاد. جوانان این ملّت هم با ایستادگی او ایستادگی پیدا کردند؛ آحاد این مردم هم وقتی که این چشمه‌ی صبر و سکینه لبریز شد و سرازیر شد، آنها را فرا گرفت. آنها هم «هو الّذی انزل السّکینة فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم»[2] شدند. این سکینه وقتی که بر دل انسانها نازل میشود، ایمان انسان زیاد میشود. بعد میفرماید: « ولله جنود السّماوات و الأرض». از چه میترسید؟ سپاه زمین و آسمان مال خداست. با خدا باش، این سپاه زمین و آسمان مال شماست؛ در اختیار شماست. این سنّتهای الهی است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم ﷺ ـ ۸۷/۵/۹

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۵.
۲. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴.

www.ourpresident.ir

هماهنگی دین و سنّت‌های الهی آفرینش

ببینید خدای متعال در آنِ واحد دو چیز را آفریده است: یکی این عالم آفرینش را، با همه‌ی قوانینش، با همه‌ی سننش. یکی قواعد شریعت را؛ دین مردم را، راهنمائی زندگی مردم را. این دو تا را با هم آفریده؛ اینها با هم منطبقند. اگر شما طبق قوانین الهی - یعنی آن اراده‌ی تشریعی حق - عمل کردید، زندگی شما و رفتار شما منطبق با قوانین آفرینش میشود؛ مثل یک کشتی‌ای که در مسیر باد دارد حرکت میکند، باد به او کمک میکند؛ در جریان آب دارد حرکت میکند، جریان آب به او کمک میکند.

سنن آفرینش به انسانی که در این راه حرکت کند، کمک میکند؛ منتها شرطش این است که شما حرکت کنید. ملّت ایران حرکت کرد، سنن آفرینش هم به او کمک کرد؛ قوانین طبیعی الهی به او کمک کرد. والّا کی فکر میکرد در قلب حساسترین نقطه‌ی عالم - یعنی خاورمیانه - یکی از وابسته‌ترین حکومتها به استکبار جهانی - یعنی حکومت شاه؛ حکومت پهلوی - در بین جامعه‌ای که بسیاری از روشنفکرانش، بسیاری از نخبگانش، دهها سال بود

www.ourpresident.ir

ذهنشان آلوده شده بود به تعلیمات غربی و وسوسه‌های غربی و هواهای نفسانی، ناگهان پرچم اسلام بلند بشود و این جامعه امت اسلامی را به اسلام دعوت کند؟ کی فکر میکرد چنین چیزی ممکن است؟ اما شد.

این معنایش این است که وقتی یک جماعتی، یک ملتی در این راه حرکت کنند، بادهای موافق الهی - یعنی همان سنّتهای آفرینش - به اینها کمک میکنند؛ پیش میروند.

مسئله فقط مسئله‌ی ایران هم نیست؛ امروز دنیای اسلام بیداری پیدا کرده است؛ آگاهی پیدا کرده است. یک روزی بود تصور میشد هر چه که قدرتمندان و قلدران و گردن‌کلفتهای عالم - حالا در یک وضع آمریکا، در یک وضع شوروی سابق - بخواهند، همان خواهد شد و سیاسیون چاره‌ای ندارند جز اینکه بر طبق میل آنها رفتار کنند. امروز این باور در بین ملّتها که اصلاً وجود ندارد، در بین سیاستمداران و نخبگان سیاسی هم بسیار این باور ضربه خورده است. باید ایستاد، باید ایستادگی کرد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم ﷺ ـ ۸۷/۵/۹

www.ourpresident.ir

خاصیت کیمیاگری انقلاب

دوستی گفتند که نسل جدیدی در حال ظهور است. این کاملاً درست است. البته این، اولین نسلی که دارد در انقلاب خودش را نشان میدهد، نیست؛ قبل از شما هم یک نسل خودش را در انقلاب نشان داد – در واقع متولد شد – و دست قدرتمند و انگشت گره‌گشای خودش را به کار انداخت. آن هم نسل انقلاب بود؛ آن هم پرورش‌یافته‌ی جای دیگر و فضای دیگری نبود؛ چون انقلاب مثل یک کوره‌ی گدازنده است؛ تغییردهنده‌ی شکل و نظم عناصرِ موجودات است. انقلاب یک چنین حالتی است؛ مثل آنچه که قدیمی‌ها میگفتند: اکسیر، کیمیا، که عنصر مس را به عنصر طلا تبدیل میکند. این البته حالا ممکن است در ذهن بعضی‌ها افسانه به نظر برسد؛ افسانه هم نیست؛ واقعیت داشته و دارد. انقلاب یک چنین چیزی است؛ تغییردهنده است، دگرگون‌کننده است. این دگرگون‌سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست، بلکه در درجه‌ی اول، در لایه‌ی درون انسانها و ذهنیتهاست. اولین تغییر، اینجا داده میشود؛ در دلها. بنابراین آن نسل جوانی

www.ourpresident.ir

که وقتی انقلاب شد، پانزده سالش بود، شانزده سالش بود، هیجده سالش بود، آزمایش خودش را در میدانهای انقلاب داد؛ بعد هم در دوران دفاع مقدس با ایجاد آن فضای عجیب. آن نسل هم متولد انقلاب است، این نسل هم که شما میگوئید دارد ظهور میکند، این را هم من کاملاً قبول میکنم؛ تصدیق دارم و آن را حس میکنم.

بیانات در دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب ـ ۸۷/۷/۷

www.ourpresident.ir

۱۵۰ سال شعار ترقّی با تقلید از غرب

این کسانی که در طول این صد سال، صد و پنجاه سال اخیر در کشور ما داعیه‌ی اصلاح و پیشرفت و ترقی سر دادند و ما را حقاً و انصافاً به بیراهه کشاندند، این گناه بزرگ را انجام دادند؛ هم ما در طول این صد و پنجاه سال به مقصد نرسیدیم و عقب ماندیم، هم وقتمان تلف شد. چند نسل پی‌درپی باید بیایند، ضایع شوند، در این تیه[1] سرگردانی بروند و به نتیجه نرسند، تا یک وقت یک نسل متوجه بشود که اشتباه کرده‌اند؛ راه را برگردد، شروع کند از نو حرکت کردن. گناه آن کسانی که جوامع بشری را به بیراهه میکشانند، این است که وقت آنها و عمر آنها و فرصتهای آنها را ضایع میکنند.

یک روز به جامعه‌ی ما اینجور تفهیم کرده بودند که راه پیشرفت این است که ما از غربی‌ها تقلید کنیم؛ آن هم نه تقلید در دانش‌آموزی و دانش‌اندوزی، تقلید در ظواهر؛ زنهایمان بی‌حجاب بشوند؛ مردهایمان کلاه فلان جور و لباس فلان جور بپوشند. میدانید در کشور ما، دوره‌ای بر مردم ما

۱. بیابان.

www.ourpresident.ir

گذشت که گذاشتنِ یک کلاه مخصوص به نام کلاهْ پهلوی اجباری شد و اگر کسی این کلاه را بر سر نمیگذاشت، مجرم شمرده میشد! بعد یک قدم جلوتر رفتند، گفتند یا کلاه پهلوی یا شاپو؛ چون غربی‌ها – اروپائی‌ها – این لباس را میپوشند. انواع و اقسام لباسهائی که در داخل کشور – لباسهای محلی – پوشیده میشد، همه منسوخ و ممنوع شد؛ برای اینکه لباس متحد الشکلِ از غرب آمده، پوشانده بشود. برای چی؟ برای پیشرفت! پیشرفت کشور را در این دانستند که مردم ما کت و شلوار بپوشند، کروات ببندند، زنهای ما بی‌حجاب حرکت بکنند؛ رسوم و عادات غربی را یاد بگیرند. ببینید چقدر خسارتبار است برای یک کشور؛ چقدر مایه‌ی شرمندگی است، وقتی انسان فکر بکند. آن روز نه فقط شرمنده نمیشدند، افتخار هم میکردند، با صدای بلند هم این را فریاد میکردند. این، بیراهه است. نسخه‌ی پیشرفت، نسخه‌ی غلط؛ بیراهه. اصول برای این است که این اشتباهات پیش نیاید.

بیانات در دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب ـ ۸۷/۷/۷

www.ourpresident.ir

ریشه‌ی اصلی دشمنی استکبار با انقلاب

مسئله‌ی جمهوری اسلامی و دولت مستکبر آمریکا از این قبیل نیست. مسئله، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله ریشه‌ای‌تر است. مسئله این است که رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا از بعد از جنگ جهانی دوم، داعیه‌ی ابرقدرتی مطلق دنیا را داشت. البته آن روز شوروی در مقابلش بود، اما این مسئله‌ی رقابت بین آمریکا و شورویِ آن روز صرفاً رقابت بین دو ابرقدرت نبود. آمریکا میخواست بر روی تمام منابع حیاتی عالم دست بگذارد. عملاً هم منطقه‌ی عظیم و حساسی که به آن خاورمیانه میگویند و شمال آفریقا و خلیج فارس – منطقه‌ی نفت – در پنجه‌ی اقتدار آمریکا بود. نفت، خون حیاتبخش تحرک دنیای امروز است. حالا فردا چه بشود، نمیدانیم؛ اما امروز و توی این دنیا، نفت مایه‌ی تولید، مایه‌ی گرما، مایه‌ی نور و روشنائی و در واقع مایه‌ی حیات برای خیلی از کشورهاست. اگر نفت نباشد، کارخانه‌ها نیست، تولیدات نیست، تجارتها نیست. نفت یعنی خون؛ یعنی زندگی. حالا بخش اعظم این نفت توی این منطقه است؛ منطقه‌ای که اسمش خاورمیانه است.

www.ourpresident.ir

تسلط بر اینجا مهم است که آمریکا هم تسلط پیدا کرده بود.

در وسط خاورمیانه، ایران قرار داشت؛ پایگاه اصلی استکبار. در اطراف ایران کشورهای مختلفی بودند که هر کدام به نحوی در اختیار آمریکا بودند. شوروی البته در این خلال دست‌اندازی‌هائی کرده بود، اما آمریکائی‌ها غلبه داشتند و این روال باید ادامه پیدا میکرد. البته طمع‌ورزی مخصوص این منطقه و مخصوص نفت هم نبود. آمریکائی‌ها در آمریکای لاتین، در آفریقا، در شرق آسیا و در جاهای مختلف – که حالا جای تفسیر آن نیست؛ یک وقتی به شما جوان‌ها عرض خواهم کرد – مشغول تحکیم قدرت خودشان بودند و پیش هم میرفتند و روزبه‌روز سلطه را تقویت میکردند و رقبایشان روزبه‌روز عقب میکشیدند.

در وسط این بحبوحه‌ی روزافزونِ اقتدار استکباری و در حساسترین نقطه، انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد که مهمترین شعار این انقلاب مقابله با ظلم و استکبار بود؛ دفاع از حقوق ملّتها بود. انقلاب اسلامی این نقطه‌ی اصلی یعنی ایران را از زیر سیطره‌ی آمریکا بیرون کشید. یک روز آمریکائی‌ها توی همین کشور شما، توی همین تهران شما، توی مناطق مختلف کشور، در همه‌ی نقاط حساس، آدم داشتند؛ در نیروهای مسلح، در بخشهای مربوط به مالیه و دارائی، در بخشهای حساس سیاست، در بخشهای امنیت، عناصر و آدمهای آن‌ها همه‌کاره بودند. خودِ شاه مملکت هم که رئیس همه‌ی دستگاه‌های کشور بود و دخالت در همه‌ی امور میکرد، گوشش به دهان سفیر آمریکا و سفیر انگلیس بود. اگر آن‌ها چیزی میخواستند و اصرار داشتند، او ناگزیر، خواه و ناخواه، اطاعت میکرد. گاهی هم نمیخواست، اما مجبور بود اطاعت کند و اطاعت میکرد. از یک چنین نقطه‌ای آمریکائی‌ها بیرون رانده شدند. خوب، این خیلی حادثه‌ی مهمی بود؛ این زخم کوچکی نبود...

www.ourpresident.ir

از طرف نظام جمهوری اسلامی و ملّت ایران هم مسئله به همین عمق است. مشکل ملّت ایران با آمریکا مشکل کارهای امروز نیست؛ مشکل پنجاه و چند سال موذیگری و خباثت از سوی آن رژیم نسبت به ملّت ایران است؛ از سال ۱۳۳۲ تا امروز. سالها پیش از انقلاب، بخصوص از وقتی نهضت امام (رضوان‌الله علیه) و نهضت روحانیت شروع شد تا پیروزی انقلاب، آنچه خواستند علیه ملّت ایران توطئه کردند، ضربه زدند، خیانت کردند، فشار وارد آوردند و انواع و اقسام شیوه‌های مستکبرانه را با این ملّت به کار بردند.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان ـ ۸۷/۸/۸

www.ourpresident.ir

معیار صحّت ادعای جنبش دانشجویی

این جنبش دانشجوئی در کشور ما در تاریخِ ثبت شده و شناخته شده‌ی خود، همیشه ضد استکبار، ضد سلطه، ضد استبداد، ضد اختناق و بشدت عدالتخواه بوده است. این ممیزات جنبش دانشجوئی ما از روز اول است تا امروز. اگر کسی مدعی جنبش دانشجوئی باشد، اما این ممیزات را نداشته باشد، صادق نیست. دست جنبش دانشجوئی نمیتواند در دست کسانی باشد که در فلسطین قتل عام میکنند، در عراق جنایت میکنند، در افغانستان مردم را از دم تیغ میگذرانند؛ این جنبش دانشجوئی نیست. جنبش دانشجوئی خصلت و خاصیتش در کشور ما لااقل اینجور است – شاید در خیلی از کشورهای دیگر هم باشد – که ضد استکباری، ضد سلطه، ضد دیکتاتوری و طرفدار عدالت است. شروع این حرکت یا مقطع شناخته شده‌ی این حرکت، همین ۱۶ آذر است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ـ ۸۷/۹/۲۴

www.ourpresident.ir

۱۶ آذر، روز اعتراض دانشجویان به سلطه‌ی آمریکا

جالب است توجه کنید که ۱۶ آذر در سال ۳۲ که در آن سه نفر دانشجو به خاک و خون غلتیدند، تقریباً چهار ماه بعد از ۲۸ مرداد اتفاق افتاده؛ یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آن اختناق عجیب - سرکوب عجیب همه‌ی نیروها و سکوت همه - ناگهان به وسیله‌ی دانشجویان در دانشگاه تهران یک انفجار در فضا و در محیط به وجود می‌آید. چرا؟ چون نیکسون که آن وقت معاون رئیس جمهور آمریکا بود، آمد ایران. به عنوان اعتراض به آمریکا، به عنوان اعتراض به نیکسون که عامل کودتای ۲۸ مرداد بودند، این دانشجوها در محیط دانشگاه اعتصاب و تظاهرات میکنند، که البته با سرکوب مواجه میشوند و سه نفرشان هم کشته میشوند. حالا ۱۶ آذر در همه‌ی سالها، با این مختصات باید شناخته شود. ۱۶ آذر مال دانشجوی ضد نیکسون است، دانشجوی ضد آمریکاست، دانشجوی ضد سلطه است.

بعد، از آن سال تا سال ۴۲ - که شروع نهضت روحانیت و نهضت دینی و اسلامی در کشور ماست - جنبش دانشجوئی کم و بیش تحرکاتی دارد.

www.ourpresident.ir

من یادم است سالهای ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ...، دانشجوها تحرکاتی داشتند، منتها بشدت سرکوب میشد و اجازه نمیدادند بروز پیدا کند؛ تا نهضت روحانیت در سال ۱۳۴۱ و اوجش در سال ۴۲ شروع شد، که اینجا باز شما نشانه‌ی جنبش دانشجوئی را مشاهده میکنید؛ یعنی در تمام پانزده سالی که بین ۱۳۴۲ است که شروع نهضت روحانیت باشد، تا ۱۳۵۷ که پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، شما در همه جا و دوشادوش روحانیت و در کنار او، جنبش دانشجوئی را مشاهده میکنید. دانشگاه‌های کشور، محیطهای دانشجوئی کشور، مرکز تحرک و فعالیت است و یکی از بازوهای اساسی نهضت در تمام طول این مدت – که این را ما از نزدیک هم خودمان شاهد بودیم؛ هم دوستانی که در کار نهضت و مبارزات بودند و هم همه این را تجربه کرده‌اند و آزموده‌اند– دانشجویانند. بنابراین، دانشگاه‌ها یک بخش لاینفک از نهضت روحانیت بودند. البته در دانشگاه‌ها جریانهای الحادی و ضد دینی و مارکسیست و غیره هم بودند، لکن آن حرکت غالب، مربوط بود به دانشجوهای مسلمان. لذا گروه‌هائی که تشکیل میشد – گروه‌های مبارز – و کارهائی که انجام میگرفت مثلاً در زندانها – این زندانهای گوناگون در سالهای مختلف که ما خودمان تجربه کردیم – در همه جا، دانشجوها هم حضور داشتند؛ یعنی روحانیون و دانشجویان عمده‌ی زندانی‌ها را تشکیل میدادند. همین موجب شد که ما روحانیون مشهد، علمای مشهد و جمع کثیری از مردم مشهد در سال ۵۷، قبل از پیروزی انقلاب، وقتی میخواستیم تحصن انجام بدهیم، این تحصن در مرکز دانشگاهی پزشکی امام رضا انجام گرفت؛ یعنی مرکزیت دانشگاه. در تهران هم تحصنِ علما و روحانیون و انقلابیون و مبارزین برای ورود امام – که در ورود ایشان تأخیر شده بود – در دانشگاه تهران انجام گرفت. اینها نشان‌دهنده‌ی نقش دانشگاه و نقش دانشجوست، تا انقلاب پیروز شد.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ـ ۸۷/۹/۲۴

www.ourpresident.ir

مصادره‌ی نهضت مشروطیت توسّط بیگانگان

یک نکته در باب شناخت این تاریخچه‌ی پرماجرای انقلاب ما این است که توجه کنیم که کشور ما بعد از اینکه سالهای متمادی دچار استبداد سلطنتی بود تا دوره‌ی مشروطه، مشروطیت یک فرصتی بود برای تنفس؛ یعنی انتظار این بود که حادثه‌ی نهضت مشروطیت یک مجال تنفسی برای این ملّت به وجود بیاورد، به آنها آزادی بدهد؛ اما اینجور نشد. مشروطیت از همان اول به وسیله‌ی بیگانگان، به وسیله‌ی قدرت مسلط آن روزِ دنیا یا یکی از قدرتهای مسلط آن روزِ دنیا که دولت انگلیس بود، مصادره شد.

بعد از هرج و مرجی که در اوائل مشروطه به وجود آمد، به فاصله‌ی چند سال، همان دولت بیگانه‌ی سلطه‌گر خارجی - یعنی انگلیس - یک دیکتاتور خشن و بیرحم و بسیار خطرناکتر از سلاطین قبل از مشروطه - یعنی مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه - را بر سر کار آورد که او رضا خان بود. دیکتاتوریِ رضا خان بمراتب از دیکتاتوری ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه برای کشور و ملّت ما بدتر و خشن‌تر بود که انگلیس‌ها او را سر کار

www.ourpresident.ir

آوردند. در واقع ما از دوران استبداد، وارد دوران آزادی نشدیم، بلکه وارد دوران استبداد دیگری همراه با وابستگی شدیم؛ یعنی ملّت طعم آزادی را نچشید. لذا وقتی نهضت اسلامی در ایران شروع شد و امام هدف از این نهضت را ریشه‌کن کردنِ حکومت استبدادی و حکومت سلطه و قطع نفوذ بیگانگان اعلام کرد، خیلی از مبارزین قدیمی و افرادی که دستشان تو کار مبارزه بود، زیاد باورشان نمی‌آمد؛ نمیتوانستند درست تصور کنند که چطور ممکن است چنین چیزی! سلطنت را در این کشور انسان از بین ببرد؟! من یادم است در همان سالهای آخر مبارزه – که امام بحثهای اساسی مربوط به حکومت را کرده بودند و این بحثها در بین مردم پخش شده بود و ایشان اعلام کرده بودند که شاه خائن است و شاه باید برود – بعضی از عناصر مبارز، فعال و خوب – که بعد هم در انقلاب فعالیتهای زیادی داشتند – حتّی آنها، میگفتند: مگر ممکن است؟! چطور امام مسئله‌ی سلطنت را مطرح میکند؟ مگر میشود با سلطنت درافتاد؟! باورشان نمی‌آمد. علت این بود که دوران طولانی اختناق و استبداد در این کشور همراه شده بود با نفوذ بیگانه، سلطه‌ی بیگانه و حمایت بیگانگان از نظام سلطنت. ولی این اتفاق افتاد.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ـ ۸۷/۹/۲۴

www.ourpresident.ir

صبر و بصیرت امام، عامل پیروزی انقلاب اسلامی

نهضت عظیم اسلامی، همت مردم، رهبریِ شخصیت بی‌نظیری مثل امام – که حقاً و انصافاً شخصیت بی‌نظیری بود – کار خودش را کرد. «صبر» و «بصیرت». بنده بارها از کلام امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) این را نقل کرده‌ام: «لایحمل هذا العلم الّا اهل البصر و الصّبر»؛ بصیرت – آگاهی – و صبر؛ یعنی استقامت، پافشاری، خسته نشدن. این دو خصوصیت در ملّت ایران پیدا شد و کار خودش را کرد و انقلاب پیروز شد. در واقع تشکیل نظام جمهوری اسلامی، پاسخی بود به نیاز بلندمدتِ تاریخیِ ملّت ایران. ملّت ایران از دل آرزوهای تاریخی خودشان، جمهوری اسلامی را عَلَم کردند و سر پا کردند. خوب، بدیهی است وقتی که یک نظامی اینجور در آرزوهای دیرین مردم ریشه دارد، این نظام ماندنی است؛ این نظام قابلیت بقاء دارد، قابلیت رشد دارد، ریشه میدواند و دشمنی با این نظام آسان نیست. و این اتفاق افتاد.

یقیناً هیچ جریان مبارز دیگری نمیتوانست در کشور ما نظام سلطنتی را از

www.ourpresident.ir

بین ببرد – جوانهای عزیز! این را بدانید و مطمئن باشید – جز جریان اسلامی و دینی‌ای که پیش آمد. هیچ جریان دیگری، هیچ حزبی، هیچ مجموعه‌ی مبارزی امکان نداشت بتواند نظام استبدادی وابسته‌ی به قدرت آمریکا را در این کشور سرنگون کند؛ کمااینکه جریانهای مبارز قدیمی در این کشور، همه از کار افتاده بودند؛ چه جریانهای چپ، چه جریانهای راست، چه گروه‌های مسلح. در سالهای ۵۴ و ۵۵ همه‌ی این گروه‌ها به وسیله‌ی آن دستگاه قلع و قمع شده بودند. تنها چیزی که میتوانست آن رژیم باطل را ساقط کند، موج عظیم ملی بود؛ حضور یکپارچه‌ی مردم، که این هم جز با انگیزه‌ی دین و با پیشوائی روحانیت مبارز و مرجعی مثل امام بزرگوار امکانپذیر نبود. بعد هم که آن رژیم فاسد سرنگون شد، هر نظام دیگری غیر از نظام جمهوری اسلامی – چه نظام چپ، چه نظام راست – اگر سر کار می‌آمد، امکان نداشت بتواند در مقابل نفوذ دشمن، در مقابل دخالتهای گوناگون دشمن مقاومت کند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ـ ۸۷/۹/۲۴

www.ourpresident.ir

تفاوت انقلاب اسلامی و دیگر انقلابها در مقاومت

ما دیدیم که چطور انقلابهائی که سر کار آمدند، چند سالی هم بودند؛ چه از نوع چپ، چه از نوع میانه، اما نفوذ و دخالت آمریکا – دخالت سیاسی‌اش، دخالت نظامی‌اش، محاصره‌ی اقتصادی‌اش – اینها را نابود کرد؛ از بین برد. شما امروز نگاه کنید به اروپای شرقی – که یک مرکز عمده‌ی حکومتهای سوسیالیستی و چپ بود – و ببینید که کارشان به آنجا رسیده که پایگاه‌های نظامی و موشکی آمریکا در همان کشورهای چپِ سابقِ اروپای شرقی گذاشته میشود و آمریکائی‌ها آنجا حضور پیدا میکنند! بنابراین، هیچ نظامی جز جمهوری اسلامی نمیتوانست در مقابل نفوذ و فشار آمریکا مقاومت کند.

این نکته را هم عرض کنیم: علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه‌ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهائی که گاهی گوشه و کنار گفته میشود – چه چیزهائی که آنها شعارش را میدهند، چه تصوراتی که بعضی در داخل میکنند – نیست. مسئله این

www.ourpresident.ir

است که جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات».

نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملّت به وسیله‌ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

یک چیزهائی را هم اثبات میکند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسئله‌ی دانش، و فتح قله‌های دانش؛ اینها جزو چیزهائی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ـ ۸۷/۹/۲۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

ظهور جوهره‌ی نیروی هوایی در ۱۹ بهمن

حتماً همه‌ی ما – هم من، هم شما – باید سپاسگزار باشیم از کسانی که روز ۱۹ بهمن را با عمل خودشان – نه با زبان، نه با قرارداد – با اقدام خودشان، با عزم خودشان به وجود آوردند و ماندگار کردند. وقتی یک اقدامی، خالص، صحیح، متکی بر اندیشه‌ی درست و سرشار از اخلاص انجام میگیرد، خاصیت آن، ماندگاری است. خیلی از کارهای نمایشی را ما ممکن است انجام بدهیم؛ بعضی کارهای دستوری را ممکن است ما انجام بدهیم که در آن اخلاص کافی وجود نداشته باشد؛ گذشت زمان آنها را محو میکند، نابود میکند؛ لیکن قضیه‌ی ۱۹ بهمن از این جمله نبود؛ از جمله‌ی حوادثی بود که از دل ایمان و اخلاص و عزم راسخ جوشید. در آن شرائط، درست است که تا پیروزی قطعی انقلاب چند روزی بیشتر نبود، اما هیچکس نمیتوانست پیش‌بینی کند که ۱۹ بهمن، یک ۲۲ بهمنی هم در پی خواهد داشت. پیش‌بینی قطعی نمیشد کرد؛ کار خطرناکی بود. عزم راسخ آن جوانان که جوانهائی بودند شبیه شما، این بود که آمدند ایمان خودشان، عزم

www.ourpresident.ir

خودشان، پیوستگی خودشان با ملّت و درک و تشخیص صحیح خودشان از عمق حادثه‌ای را که داشت اتفاق می‌افتاد، با عمل خودشان نشان دادند. البته خطرناک هم بود، اما اقدام کردند و ۱۹ بهمن ماندگار شد.

این حادثه، یک حادثه‌ی دفعی نبود. نیروی هوائی با این کار یک جوهره‌ای را از خودش نشان داد؛ این جوهره در جنگ هم آشکار شد؛ هم بخش آفندی، هم بخش پدافندی. در دفاع هشت‌ساله، در آن وقتی که ملّت ایران احساس میکرد کأنّه حصارهای امنیت پیرامون او وجود ندارد و دشمنان بدون هیچ بیم و واهمه‌ای می‌آمدند و بمباران میکردند؛ تهاجم میکردند، نیروی هوائی آن جوهره را نشان داد. بهترین، اولین، درخشان‌ترین، آبروبخش‌ترین حرکات ارتش جمهوری اسلامی در آغاز جنگ تحمیلی، کارهای نیروی هوائی بود؛ این ادامه‌ی همان جوهره بود. و الان هم همین جور است.

مهم این است که یک انسان، یک مجموعه، ارزیابی و فهم درستی از تحولاتی که پیرامون او انجام میگیرد، داشته باشد. از حرکتی که به خیلی از چشمها نمی‌آید، بینایان و افراد بصیر آن را میفهمند که در حال انجام گرفتن است؛ این خیلی مهم است. تحولی که در انقلاب اسلامی واقع شد، از این قبیل بود. بعضی آن را نفهمیدند؛ تشخیص ندادند. بعضی آن را با یک حرکت کور که اشباه و نظائرش در خیلی از نقاط دنیا اتفاق میافتد، اشتباه گرفتند؛ آن جوری با آن رفتار کردند. بعضی کاسه‌های طمع خودشان را درآوردند تا از این حادثه، به نفع شخصیِ خود استفاده‌ای بکنند. این‌ها همه ناشی از کوته‌بینی بود. انقلاب در درجه‌ی اول تحولی در جامعه‌ی ایرانی بود و در درجه‌ی بعد، در مجموعه‌ی امت اسلامی و سپس، در معادلات کلان جهان سیاست. و جغرافیای قدرت را در دنیا – بخصوص در برخی از مناطق دنیا – بکلی عوض و جابه‌جا کرد. یک چنین حادثه‌ی عظیمی بود. امروز

www.ourpresident.ir

این عظمت دارد نشانه‌های خودش را نشان میدهد. تحولی که در ایران رخ میداد، این بود که یک نظامِ بسته‌ی استبدادی و ظالم و زورگو، با سردمداران و رؤسائی دنیاطلب، شهوترانِ، به فکر خود، غافل از انسانیت و انسانها، و از سوئی وابسته، اسیر سیاستهای دیگران و مطیع ناگزیرِ قدرتهای سلطه‌گر را از چنین وضعی بیرون بیاورند. تحول اساسی، این بود. و به یک جامعه‌ی رشید، آگاه، دارای عزم راسخ، با مردمی دارای قدرت انتخاب و حق انتخاب، با سربلندی و عزّت در میان جامعه‌ی بشری و اثرگذار بر روی جوامع دیگر تبدیل کنند. تحول اصلی، این بود و این تحول، اتفاق افتاد.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوائی ارتش ـ ۸۷/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

بی‌تأثیری ملّت در حکومتهای استبدادی

عزیزان من! ملّت ما در طول تاریخ چند قرنیِ خود یک عنصر بی‌تأثیر در نظام مدیریت کشور بود. چرا؟ چون خاصیت حکومت استبدادی این است؛ خاصیت حکومت پادشاهی این است. ملت، کاره‌ای نیست. حالِ ملّت چگونه خواهد بود؟ بسته به انصاف آن کسی که آن بالا نشسته است. اگر یک وقتی اقبال ملّت بلند باشد، یک نفر دیکتاتوری بر سر کار بیاید که یک مقداری رحم در دلش باشد – مثلاً حالا در تاریخ ما کریم‌خان زند را اسم می‌آورند– خوب، یک مقدار وضع مردم بهتر خواهد شد. اما اگر چنانچه کسانی مثل رضاخان قلدر و ناصرالدین شاه و سلاطین گوناگون دیگر – مستبدین – بر سر کار باشند، اینها کشور را ملک خودشان میدانند، ملّت را هم که نقشی نداشتند، رعیت خودشان میدانند. تاریخ را نگاه کنید – نمیگویم تاریخ قرنهای متمادی را؛ تاریخ همین دوران مشروطه به این طرف را – مشروطه اسماً در کشور به وجود آمد؛ اما از وقتی که رژیم پهلوی بر سر کار آمد، انتخابات به معنای یک حرکت نمایشیِ محض تلقی شد؛ جز در یک برهه‌ی کوتاهی در

www.ourpresident.ir

دوران نهضت ملی؛ در دوران دو ساله‌ای که یک مقدار اوضاع بهتر بود؛ ولی آن هم اشکالات فراوانی داشت؛ مجلس را تعطیل کردند، اختیارات مجلس را به دولت دادند که اینها در زمان مصدق انجام گرفت. در بقیه‌ی این دوران، انتخابات نمایش محض بود. در آن برهه‌ای که بنده و امثالی که در سنین من هستند یادشان هست، همه میدانستند که انتخابات مطلقا به معنای انتخاب مردم نیست. یک کسانی را دستگاه‌های قدرت، دربارِ آن روزِ شاهان در نظر میگرفتند، رقابتهائی بین خود آنها انجام میگرفت، با همدیگر زد و خورد هم میکردند؛ اما آن کسی که میخواستند بیاورند توی مجلس بنشانند که مطیع باشد، سربه‌زیر باشد، منافع آنها را تأمین کند، حق مالی غاصبانه‌ی آنها را بدهد، او را می‌آوردند توی مجلس می‌نشاندند. مردم هم برای خودشان میرفتند. در تمام این دوران، کمتر وقتی اتفاق افتاد که مردم احساس کنند حالا باید بروند در این صندوق رأی یک رأیی بیندازند تا در مدیریت کشور تأثیری ببخشد. مطلقاً چنین چیزی نبود. ماها اسم انتخابات را تو روزنامه ها می‌شنفتیم که میگویند: حالا انتخابات است. نمی‌فهمیدیم روز انتخابات کِی هست؛ مردم نمی‌فهمیدند. در وقت انتخابات، چند تا صندوق میگذاشتند یک جا، خودهاشان هم گفتگو و هیاهوی مختصری میکردند و همان کاری که میخواستند، انجام میدادند و تمام میشد میرفت. مردم نقشی نداشتند.

انقلاب اسلامی ورق را بکلی برگرداند؛ مردم نقش پیدا کردند؛ نه فقط در انتخاب نماینده‌ی مجلس، در انتخاب رئیس جمهور، در انتخاب خبرگانی که رهبر را بناست انتخاب کنند، در انتخاب شوراهای شهر که شهردارها را باید انتخاب کنند. در همه‌ی این مراحل حساس، نظر مردم شد تعیین کننده. قانون اساسی بر این اساس تدوین شد و امروز هم سی سال میگذرد. و من به شما عرض بکنم با قوت و قدرت این کار تا امروز ادامه پیدا کرده.

دوره‌ی قبل از انقلاب، ایران مرتعی برای چرای بیگانگان بود. نفتِ اینجا،

www.ourpresident.ir

بازار اینجا، محصولات اینجا، نیروی انسانی اینجا، هر چه بود و نبود، مورد استفاده‌ی سلطه‌گران و قدرتمندان بود؛ یک روز انگلیس، یک روز آمریکا و صهیونیستها. بعد که انقلاب شد، مردم آمدند روی کار، منافع آنها قطع شد. طبیعی بود که با این نظام دشمنی کنند، که سی سال است دارند دشمنی میکنند.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران ـ ۸۸/۲/۹

www.ourpresident.ir

نگاه شیطنت‌آمیز طاغوت به اقوام ایرانی

یک سیاست خبیثی از دوران طاغوت بر کشور حاکم بود و آن عبارت بود از بیگانه دانستن اقوام گوناگون؛ کُرد بیگانه بود، بلوچ بیگانه بود، ترک بیگانه بود، عرب و ترکمن بیگانه بودند، اینها را بیگانه حساب میکردند. در عملکرد آنها هم این معنا مشهود بود. شما ببینید در دوران طاغوت، در این استان نه کار عمرانیِ درستی انجام گرفته است، نه کار فرهنگی درستی انجام گرفته است؛ رسیدگی نمیکردند و کاری نداشتند. در این استان، کارهای عمرانی در دوران طاغوت در حد صفر بود؛ کارهای فرهنگی هم همینجور. اگر شما امروز مشاهده میکنید که در استان کردستان نزدیک به پنجاه هزار دانشجو وجود دارد که در بیست و چند مرکز آموزش عالی مشغول تحصیل هستند، این رقم در دوران طاغوت فقط ۳۶۰ نفر بود! نسبت بیسوادی هم در این استان در دوران طاغوت وحشت‌آور بود: فقط ۲۹ درصد مردم در این استان باسواد بودند! طاغوت نمیخواست مردم کُرد – این مردم با استعداد و این مردم دارای هوش و ذکاوت – باسواد بشوند. فقط ۲۹ درصد استانی با

www.ourpresident.ir

این خصوصیات و با این کیفیت، باسواد بود! آن کار عمرانی‌شان، این هم کار فرهنگی‌شان! نگاهشان نسبت به این استان، نگاه شیطنت‌آمیز و غلط بود. نظام اسلامی آمد و این نگاه را تصحیح کرد؛ نه فقط در سطح مسئولان، بلکه در سطح آحاد مردم.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ـ ۸۸/۲/۲۲

www.ourpresident.ir

نقشه‌ی استعمار برای به اسارت درآوردن ملّتهای مشرق‌زمین

استعمارگران از قرنهای شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرق – از جمله سرزمینهای اسلامی – شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملّتها ببندند و آنها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. اینها عبرت‌آموز است؛ کار به جائی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، یک روشنفکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! اینجور اعلان کردند. این فریاد مذلت‌بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار

www.ourpresident.ir

انگلیس براحتی میتواند بر همه چیز او – نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او – تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جائی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را بعنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس – و بعدها با سفیر آمریکا – در میان بگذارد و در واقع از او استجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ دردبار گذشته‌ی ماست. این ضد عزّت ملی است. حکومتهای دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملّت ایران را از اریکه‌ی عزّت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملّت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

وقتی یک چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملّت هم به طور طبیعی نوکرمآب میشود: در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره‌ی رام؛ «اسد علیّ و فی الحروب نعامة». همان رضاخانی که بخصوص در نیمه‌ی دوم سلطنتش آنجور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود – که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند؛ توی خانه‌های خودشان پدر به فرزند و فرزند به پدر اعتماد نمیکرد – در مقابل یک پیغام ساده‌ی انگلیسی‌ها که گفتند «باید از سلطنت کناره بگیری»، مثل موشِ مرده از سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد! همین طور محمّدرضای پهلوی؛ محمّدرضای پهلوی در سالهای دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملّت و بر مبارزان و بر آزادیخواهان – خشن؛ بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم – وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع میکرد و از آنها حرف میشنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک

www.ourpresident.ir

ملتی است که از عزّت ملی محروم است.

یکی از اساسی‌ترین قلمهائی که انقلاب اسلامی به ما ملّت ایران عطا کرد، احساس عزّت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزّت بود. آن روزی که امام علناً فرمود «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزّت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزّت را به ملّت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار میکند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف میکنند که در مقابل ملّت ایران، تهدید آنها، قدرت نظامی آنها و تبلیغات سیاسی آنها هیچ تأثیری ندارد؛ ملّت ایران راهی را و هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهید رسید.

آنچه مهم است حفظ این عزّت ملی است.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ـ ۸۸/۲/۲۲

www.ourpresident.ir

احیای اسلام و عزّت ایران،
دو پرچم افراشته توسّط امام

در جمع‌بندیِ توصیه‌های امام و شعارهای امام و مطالباتی که ایشان از مردم، از مسئولان، از آحاد مسلمانان جهان داشته‌اند، دو پرچم برافراشته را در دست امام ملاحظه میکنیم. در حقیقت امام بزرگوارِ ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزّت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته‌ی به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست. پرچم اول که در حقیقت یک بعد از دعوت امام و نهضت امام است، مربوط به امت بزرگ اسلامی است. پرچم دوم هم اگرچه که مربوط به ملّت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه‌ی عملی از تحرک حیات‌بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت‌ساز است. چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه‌ی عملیِ بیداری اسلام و تحقق اسلام

www.ourpresident.ir

بود، بنابراین اگرچه که به طور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است، اما نتیجه‌ی آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است...

در بعد اول که برافراشتن پرچم اسلام بود، این موجب شد که مسلمانان در همه‌ی جای دنیا احساس هویت کردند؛ احساس شخصیت کردند. بعد از آنی که در طول سالهای متمادی کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته‌ی امام بزرگوارِ ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند که یک هویتی، یک شخصیتی، یک اصالتی پیدا کرده‌اند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام نشانه‌های بیداری مسلمانان پدیدار بشود: ملّت فلسطین بعد از ده‌ها سال ناکامی جان گرفت؛ جوانان کشورهای عربی که بعد از شکستِ در سه جنگ که دولتهایشان با رژیم صهیونیستی داشتند و دلمرده و مأیوس بودند، دوباره روحیه گرفتند – اینها دیگر مربوط به دنیای اسلام است؛ مخصوص به مسائل کشور ما نیست – رژیم صهیونیستی که غده‌ی سرطانی در دل کشورهای اسلامی است و تا آن روز یک چهره‌ی شکست‌ناپذیر از خود نشان داده بود و خیلی‌ها در دنیای اسلام باور کرده بودند که رژیم صهیونیستی شکست‌ناپذیر است، از دست جوانان مسلمان سیلی خورد؛ انتفاضه‌های فلسطینی شروع شد، ضربه‌های پیاپی بر رژیم غاصب وارد شد؛ چه در انتفاضه‌ی اول، چه در انتفاضه‌ی اقصی، چه در شکست و عقب‌نشینیِ نه سال قبل از لبنان، چه در جنگ سی و سه روزه و چه در سال گذشته در جنگ بیست و دو روزه‌ی با مردم مظلوم غزه؛ همه‌ی اینها ضرباتی بود که بر رژیم صهیونیستی وارد شد. این در حالی است که آن روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، رژیم صهیونیستی از نظر دولتهای مسلمان و ملّتهای مسلمان، بخصوص ملّتهای عرب، یک رژیم شکست‌ناپذیر به حساب می‌آمد. این موجب شد که رژیم صهیونیستی عجالتاً شعار از نیل

www.ourpresident.ir

تا فرات را کنار بگذارد و به دست فراموشی بسپرد. ملّتهای مسلمان – از آفریقا تا شرق آسیا – به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند با فرمولهای گوناگون؛ نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما؛ اما به فکر حاکمیت اسلام بر کشورشان افتادند. بعضی از کشورها موفق هم شدند؛ بعضی هم آینده‌ی نویدبخشی در انتظارشان هست از حرکتهای اسلامی.

روشنفکران در دنیای اسلام با امید تازه‌ای به میدان آمدند؛ همان شاعران و هنرمندان و نویسندگانی که با یأس حرف میزدند، احساس شکست میکردند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از حرکت عظیم امام بزرگوار و ایستادگی‌های این ملت، روحیه‌ی‌شان عوض شد، لحن کلامشان و شعرشان و قلمشان تغییر پیدا کرد؛ رنگ امید به خود گرفت. و این رشته سر دراز دارد...

وجه دوم مربوط به عزّت ایران و ایرانی است. اولین کار و مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در این بخش دوم انجام داد، این بود که احساس حقارت را از ملّت ایران گرفت و از روح آنها زدود؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. ملّت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت میکرد؛ خودکم‌بینی احساس میکرد؛ از جنگهای دوران قاجار بگیرید و آن شکستهای سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمیشد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمّدرضا، با حضور آمریکائیها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم میکردند، مردم احساس میکردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملّت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملّت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود، تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملّت ایران با آنکه یک

www.ourpresident.ir

حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملّت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷ – در طول بیست و چهار سال – بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند.

بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ـ ۸۸/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

نقش روشنفکران غرب‌زده
در القای روحیه‌ی حقارت به مردم

از طرفی روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم اینجور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتّی کار را به جائی رساندند که یک وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملّت باید از استقلال و عزّت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند خطّت را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپائی‌ها را بیاوریم و از آنها تقلید بکنیم؛ کار را به این جا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن

www.ourpresident.ir

بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملّت دمید: شما میتوانید، ما میتوانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید.

این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملّت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملّت عزیز و قدرتمند بشود. خوب، ما در دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذی‌قیمت را داشتیم، همین استعدادهای درخشان و نیروی انسانیِ بااستعداد را داشتیم؛ اما در عین حال یک ملّت دست سوم، گمنام در دنیا، توسری‌خور قدرتهای بزرگ، زیر یوغ یک حکومتی که فاسد بود، دست‌نشانده بود، متصل به دشمنان ملّت بود، زندگی میکردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملّت باور کند که میتواند. امام ملّت ما را به این باور رساند که میتواند بایستاد؛ میتواند مقاومت کند؛ میتواند کشور خود را آزاد کند؛ میتواند نظامی را که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند؛ میتواند در دنیا، در سیاستهای بین‌الملل اثر بگذارد، که همین جور هم شد.

بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ـ ۸۸/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

ابعاد گوناگون عزّت ملّی

این همان عزّت ملی است که من بیست روز قبل از این در سنندج در بین برادران کُردمان این مسئله را مطرح کردم. عزّت ملی خیلی برای یک کشور مهم است. این عزّت ملی فقط حرف هم نیست. این ترجمه‌ی عملی در همه‌ی عرصه‌های زندگی ما دارد.

عزّت ملی در مدیریت کشور به این معناست که یک دولت، یک نظام، به ملّت خود متکی باشد، به مردم متکی باشد.

عزّت ملی در مسائل اقتصادی به این است که کشور به قدرت خودکفائی برسد، بتواند اگر چیزی از دنیا نیاز دارد، میگیرد، چیزی هم دنیا به او نیاز داشته باشد و در مقابل از او بگیرد؛ مغلوب نباشد، مقهور نباشد.

عزّت ملی در عرصه‌ی علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالِم محقق او سعی کند مرزهای علم را درنوردد – همین چیزی که ما گفتیم نَهضت نرم‌افزاری و تولید علم – و علم را تولید کند. آن کسانی که دانش را به این نقطه رساندند، انسانهائی بودند که از لحاظ متوسط استعداد

www.ourpresident.ir

از ما اگر عقب‌تر نبودند، جلوتر نبودند. ما قرنها سابقه‌ی درخشان علمی در تاریخ داریم و امروز هم باید بتوانیم علم را بسازیم، به وجود بیاوریم، کشف کنیم و در بنای علمی دنیا سهم عمده‌ای داشته باشیم؛ این میشود عزّت.

عزّت یک ملّت در سیاستهای گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولتها و قدرتها این است که از استقلالِ رأی برخوردار باشد. یک دولت، یک نظام در مقابل قدرتها آنچنان ظهور کند که نتوانند در هیچ مسئله‌ای اراده‌ی خودشان را بر او تحمیل کنند.

عزّت ملی در عرصه‌ی فرهنگ به این است که یک ملّت به سنّتهای خود پایبند باشد، برای آنها ارج قائل باشد، مقلد فرهنگهای بیگانه و مهاجم نشود. این چیزی است که متأسفانه کشور ما در قبل از انقلاب، در طول صد سال یا بیشتر در مقابل این طوفان و این موج ویران‌گر فرهنگ غرب، غرق شد که آثارش را ما هنوز هم داریم تحمل میکنیم؛ رنجهایش را ما هنوز هم داریم میبریم. عزّت ملی به این است که یک ملّت به سنّتهای خود اهمیت بدهد، احترام بگذارد، افتخار کند و به اینکه دیگران بگویند آقا شما مرتجعید، اعتناء نکند. امروز بعضی از کشورهای اروپائی کارهائی میکنند که اگر آنها را در مقابل یک آدم عاقلِ متعارف بگذارید، جز خنده‌ی تمسخرآمیز کاری نمیکند. میگوئیم: چرا میکنید؟ میگویند: این سنّت ماست! به سنّتهای خودشان پایبندند؛ سنّتهای کهنه‌ی پوسیده. آن وقت اگر ملّتهای دیگر به سنّتهای خودشان احترام بگذارند، پایبند باشند، آنها را طعن و تمسخر میکنند که چرا. نه، این خودباختگی مخالف با عزّت ملی است. عزّت ملی آن وقتی است که یک ملّت در مقابل فرهنگ دیگران خودباخته نباشد؛ این عزّت ملی است. در همه‌ی عرصه‌های زندگی عزّت ملی ترجمه میشود، معنا دارد، مصداق دارد.

در نحوه‌ی اداره‌ی کشور و ارتباط با انسانها، عزّت ملی به این است

www.ourpresident.ir

که تک تک انسانها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند. «امّا اخ لک فی الدّین و امّا نظیر لک فی الخلق» ؛ اگر هم‌دین شماست، مورد احترام است؛ اگر هم‌دین شما هم نیست، مورد احترام است. در جامعه هرکه انسان است، مورد احترام است؛ مورد تکریم است؛ این ایجاد عزّت ملی میکند. اینها ابعاد گوناگون عزّت ملی است که رهنمود امام بود؛ انگشت اشاره‌ی امام بود....

راه این ملّت بزرگ ما که پرورده‌ی بیانات امام و هدایتهای امام است، برای رسیدن به اوج اعتلاء و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزّت ملی را در همه‌ی عرصه‌ها حفظ کند. این ملّت میتواند به اوج اعتلاء برسد، که وقتی یک ملّت قوی شد، اعتلاء مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد. یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمیکنند. اگر ملّت ما میخواهد به امنیت کامل برسد، اگر میخواهد دشمنان دیگر جرأت تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود. اگر پیشرفت و عدالت را میخواهد، همین راه را باید برود. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزشهای اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان‌بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار در طول زمان میشود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان‌بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر درمان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه‌ی خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد. استخوان‌بندی مستحکم نظام اسلامی‌ای را که امام آن را به ما یاد داده است، باید حفظ کنیم.

بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ـ ۸۸/۳/۱۴

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

غیبت مردم و ارزشهای معنوی
از صحنه در دوران طاغوت

ما در کشور خودمان قبل از پیروزی انقلاب هیچ حظّی از حضور مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری نداشتیم. حکمرانانی بودند که به پشتوانه‌ی زور و قدرت سلاح بر مردم مسلط میشدند و حکمرانیِ همراه با زور و فشار را بر مردم تحمیل میکردند؛ بعد هم که میرفتند، این امانت عظیم الهی – یعنی حاکمیت و ولایت بر مردم – را مثل یک مال شخصی به ارث میگذاشتند و فرزندانشان از آنها ارث میبردند. مردم هیچ نقشی نداشتند. همین کسانی که امروز در دنیا دم از مردم‌سالاری و دموکراسی و حقوق بشر و این حرفها میزنند، همینها با آن رژیم جبار و خودکامه و با آن شیوه‌ی غلط و غیر انسانیِ حکومت، همکاری میکردند؛ از آنها پشتیبانی میکردند. در آن کشورهائی هم که حضور مردم – لااقل در مقام ادعا – تأثیرگذارِ در حکومت بود، ارزشهای معنوی غائب از صحنه بودند.

آنچه که جمهوری اسلامی را به عنوان یک پدیده‌ی بدیع ممتاز میکند،

www.ourpresident.ir

همین است که: حضور مردم و انتساب به معنویات و به حکم الهی و خشوعِ در مقابل پروردگار. این دو یک حقیقت واحدی را تشکیل داده‌اند. این بحث که در نظام اسلامی، جمهوریت مقدم است یا اسلامیت مقدم است، یک بحث بی‌معنی و انحرافی است. اسلامیت و جمهوریت دو عنصر جدا نیستند که به یکدیگر وصل شده باشند و یک حقیقت را به وجود آورده باشند؛ در دل اسلامیت، جمهوریت هست. در دل اتکاء به حکم الهی، تکیه‌ی به مردم و احترام به خواست و رأی مردم هست. جمهوری اسلامی یک حقیقت واحد است که هدیه‌ی انقلاب اسلامی به ملّت ایران است. این، آن چیزی است که در این سی سال، امتحان کارآمدیِ خود را به بهترین وجهی داده است.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ـ ۸۸/۵/۱۲

www.ourpresident.ir

کهنه نشدن شعارهای انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامیِ به معنای حقیقی - یعنی همان جمهوری اسلامی که امام (رضوان الله تعالی علیه) برای ما پایه‌گذاری کرد و به کشور ما هدیه داد - میتواند همین خصوصیات را تأمین کند؛ اقتدار بین‌المللی را، اقتدار سیاسی را، عزّت را، رفاه دنیا و آبادی معنوی آخرت را. اما مراقب باشید یک نظام جمهوری اسلامی تقلبی نخواهند برای ما درست کنند؛ کاری که در ده سال گذشته هم بعضاً حرکاتی انجام گرفت، اما خدای متعال مهار کرد؛ مردم بیدار بودند، هشیار بودند، اجازه ندادند. میخواستند کارهائی بکنند، شعارهای امام را به موزه بسپرند؛ صریحاً میگفتند که اینها کهنه شده! نه، شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛ همیشه تازه است، همیشه برای آحاد مردم جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین است، شعاری که به نفع عزّت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت کهنه نمیشود؛ برای هیچ ملتی کهنه نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۸۸/۶/۲۰

www.ourpresident.ir

درهم تنیدگی اسلامیت و جمهوریت نظام

جمهوری اسلامی – که از انقلاب اسلامی برخاسته است – یک واحدی است که داری دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است. و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک تک افراد و اشخاص به حیث خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیث اجتماعشان هم مورد خطاب اسلامند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دینِ مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی‌آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال منت گذاشته است: «بل الله یمنّ علیکم أن هداکم للإیمان»[1]؛ منت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهورِ ما اسلام را میخواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه

۱. سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۷.

www.ourpresident.ir

است، یک مجموعه است، یا بگوئیم واحدِ دارای ابعادی است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم‌تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ـ ۸۸/۷/۲

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

لزوم بصیرت نسبت به استکبار

حالا اولین مسئله‌ی بصیرت این است که این استکبار چیست که باید با آن مبارزه کرد. استکبار یعنی قدرتی در دنیا یا قدرتهائی در دنیا؛ چون نگاه میکنند به خودشان، می‌بینند دارای امکانات پولی و تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند؛ بنابراین باید به خودشان حق بدهند که در امور زندگی کشورها و ملّتهای دیگر، دخالتهای مالکانه بکنند؛ این معنای استکبار است. روح سلطه‌گری؛ این در کشور ما قبل از انقلاب به صورت واضحی بود. یعنی آمریکا مستکبرانه بر این کشور پهناور، بر این ملّت بزرگ با این تاریخ غنی پنجه انداخته بود و در امور مهم و اساسی کشور ما دخالت میکرد. علت هم این بود که زمامداران کشور فاسد بودند، در ملّت جایگاهی نداشتند، دنبال تکیه‌گاه میگشتند، به آمریکا تکیه میکردند. آمریکا هم که مفت به کسی چیزی نمیدهد؛ حمایت از آنها را در گرو دخالت کامل در امور کشور قرار داده بود. شاید برای شما تعجب‌آور باشد، اما بدانید شاه – محمّدرضا – برای اینکه یک نخست‌وزیری را از کار برکنار کند و یک نخست‌وزیر دیگر را جای او

www.ourpresident.ir

بیاورد، مجبور شد برود آمریکا، دو هفته، سه هفته در آمریکا بماند، تا موافقت آنها را جلب کند که این زید را از کار برکنار کند، این عمرو را به جای او بگذارد! کار کشور ما به اینجا رسیده بود. در سالهای آخرِ حکومت پهلوی از این هم زشت‌تر بود. بحث رفتن به آمریکا دیگر نبود؛ همین‌جا سفیر آمریکا و سفیر انگلیس به کاخ شاه میرفتند، به او میگفتند شما در قضیه‌ی نفت اینجوری عمل کنید، در قضیه‌ی ارتباطات جهانی اینجوری عمل کنید، با ملّت اینجوری عمل کنید، با مبارزین اینجوری عمل کنید؛ دستور میدادند. شاه هم قبول میکرد. خوب، وقتی که رئیس یک مملکت اینقدر ضعیف، اینقدر زبون، اینقدر در مقابل بیگانگان تسلیم باشد، دیگران وضعشان معلوم است. این وضع کشور ما بود. استکبار معنایش این است.

آمریکا یک مستکبر به تمام معناست. مسئله‌ی ما هم فقط نیست، مسئله‌ی دنیاست؛ مسئله‌ی دنیای اسلام است. آمریکائی‌ها نسبت به همه جای دنیا این روح استکباری را دارند.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ـ ۸۸/۸/۱۲

www.ourpresident.ir

ناتوانی استکبار از درک اخلاص و مجاهدت مردم

این انقلاب، انقلابی بود برای خدا. آن روزی که این انقلاب آغاز شد، این نهضت به وجود آمد، مثل نهضت احزاب نبود، مثل حرکت سیاسی حزبهای دنیا نبود که به قصد کسب قدرت باشد؛ حرکتی بود در عین مظلومیت، برای اجرای احکام الهی، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، برای استقرار عدالت در جامعه. آن کسانی که مجاهدت کردند تا انقلاب به پیروزی رسید، و آن کسانی که پای این انقلاب ایستادند و مجاهدت کردند تا این ثبات و دوام را پیدا کرد، نیتهای خالصشان بود. شهدای شما، شهدای نیروی هوائی، از این قبیل بودند. شهدای نیروهای مسلح، همه از این قبیل هستند. آن کسانی که برای خدا کار کردند، برای خدا تلاش کردند، خداوند هم به کارشان برکت داد. چیزی که دشمن انقلاب آن را نمیتواند درک کند، همین نکته است. چیزی که دستگاههای استکبار و صهیونیسم نمیتوانند بفهمند، همین مسئله است. نمیتوانند بفهمند که استحکام این بنا به خاطر این است که برای خداست، بر پایه‌ی اخلاص بنا شده است و با مجاهدت پیش رفته است. لذا

www.ourpresident.ir

انقلاب و نظام اسلامی دلها را تسخیر میکند.

شما نگاه کنید ببینید امروز چند هزار رسانه، اعم از صوتی و تصویری و انواع و اقسام رسانه‌های گوناگون، با مدرنترین شیوه‌ها علیه این نظام دارند کار میکنند. صدها مغز و فکر در اتاقهای فکر نشسته‌اند؛ هر روزی یک حرفی، یک شعاری، یک فکری، یک ترفندی علیه این انقلاب دارند طراحی میکنند؛ اما نمیتوانند به انقلاب لطمه‌ای بزنند، نمیتوانند به نظام اسلامی صدمه‌ای وارد کنند. این برای چیست؟ استحکام این بنا به خاطر بنا شدن بر اصل ایمان به خداست. آن کسانی که در این راه حرکت کردند، کار خدائی کردند.

این نظام، شبیه نظامهای دیگر نیست. امروز هیچ نظامی در دنیا نیست که این همه علیه او کار تبلیغاتی بکنند، کار سیاسی بکنند، فشار اقتصادی وارد کنند، تحریم وارد کنند و او بتواند اینجور مستحکم بایستد؛ چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. اما این نظام ایستاده است، بعد از این هم خواهد ایستاد؛ این را همه بدانند. نه آمریکا، نه صهیونیسم، نه مجموعه‌ی مستکبران و زورگویان عالم، نه با وسائل سیاسی، نه با وسائل اقتصادی، نه با تحریم، نه با تهمت، نه با تحریک ایادی خود در داخل، نخواهند توانست اندکی این انقلاب را بلرزانند.

راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمانهاست؛ اتکای به خداست.

بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوائی ارتش ـ ۸۸/۱۱/۱۹

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، همواره در پیشرفت و تعالی

امروز حرکت انقلاب، هدفهای انقلاب، همان چیزهائی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدفها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ والّا دل میلیونها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن میگوید، از خدا حرف میزند، فطرتها به او متوجه میشود؛ «لو انفقت ما فی الأرض جمیعا ما الّفت بین قلوبهم و لکنّ الله الّف بینهم»[1]. دست قدرت خداست که دلها را به یک سمتی هدایت میکند؛ لذا نتیجه این میشود. در بیست و دوم بهمن، جمعیتی که در سی و یکمین سال ولادت انقلاب اسلامی در خیابانها حضور پیدا میکنند، از جمعیت سالهای قبل بیشتر است؛ نه فقط کم نشده است، کمرنگ نشده است، بلکه پُررنگ‌تر شده است، قوی‌تر شده است؛ برخلاف آن چیزی که در طبیعت عالم وجود دارد. شما یک سنگی را داخل آب بیندازید، یک موجی ایجاد میکند؛ اما هرچه میگذرد، لحظه لحظه

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳.

www.ourpresident.ir

این موج کوچکتر، کمتر و نامحسوس‌تر میشود، تا تمام میشود. گذشت زمان، امواج اجتماعی را خاموش میکند. این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمیکند، بلکه روزبه‌روز برجسته‌تر میکند؟ مثل حادثه‌ی کربلا. آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پُر از دشمنان، حسین‌بن علی علیه‌السلام و یارانش به شهادت میرسند، خانواده‌اش اسیر میشوند و آنها را میبرند و تمام. امروز بعد از گذشت قرنها، همان حادثه‌ای که باید در ظرف ده روز، پانزده روز اثری از آن نمیماند و یادی از آن نمیشد، ببینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیونها شیعه در کشورهای مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیر مسلمانان، نام حسین‌بن‌علی مثل خورشیدی میتابد؛ دلها را روشن میکند، راهنمائی میکند. انقلاب اینجوری است. این انقلاب هرچه زمان گذشته است، حقائق بیشتری را روشن کرده است.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان ـ ۸۸/۱۱/۲۸

www.ourpresident.ir

لزوم توجه به شاخصها برای جلوگیری از انحراف

آن کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب بر می‌آیند، معمولاً با پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی‌آیند؛ آنچنانی حرکت نمیکنند که معلوم بشود اینها دارند با این حرکت مخالفت میکنند؛ حتّی گاهی به عنوان طرفداری از حرکت انقلاب، یک اقدامی میکنند، یک اظهاری میکنند، کاری میکنند، زاویه ایجاد میکنند؛ انقلاب از جهتگیری خود بکلی دور می‌افتد، برکنار میشود.

برای اینکه این جهتگیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست. باید سر راه، شاخصهائی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی‌افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر توده‌ی مردم شناخته میشود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد.

خوب، شاخص در انقلاب ما چیست؟ این خیلی مهم است. سی سال است که ما در جهت این انقلاب حرکت میکنیم. ملّت ما بصیرت به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند، حقاً و انصافاً لیاقت به خرج دادند. این انقلاب

www.ourpresident.ir

را سی سال است شما دارید جلو میبرید؛ اما خطر وجود دارد. دشمن انقلاب، دشمن امام بیکار نمی‌نشیند؛ سعی میکند این انقلاب را از پا در بیاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب. بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) ـ ۸۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

خطّ امام بهترین شاخص در انقلاب

من عرض میکنم بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست. اگر این تشبیه با همه‌ی فاصله‌ای که وجود دارد، به نظر برسد، عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن میفرماید: «لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله و الیوم الاخر».[1] خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او، اخلاق او. یا در یک آیه‌ی شریفه‌ی دیگر میفرماید: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الّذین معه»؛[2] ابراهیم و یاران ابراهیم اسوه‌اند. در اینجا یاران ابراهیمِ پیغمبر هم ذکر شده‌اند تا کسی نگوید که پیغمبر معصوم بود یا ابراهیم معصوم بود، ما نمیتوانیم از آنها تبعیت کنیم؛ نه، «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الّذین معه اذ قالوا لقومهم انّا براء منکم و ممّا تعبدون من دون الله کفرنا بکم» تا آخر آیه‌ی شریفه.

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱.
۲. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۴.

www.ourpresident.ir

در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌روِ راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق میکند. خود امام برجسته‌ترین شاخصهاست؛ رفتار امام، گفتار امام. خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه‌ی امام آشکارا همه‌ی مافی‌الضمیر امام را برای آینده‌ی انقلاب تبیین میکند. نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب‌نما را در یک راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد. فرض کنید در یک مسیر دریائی یا در یک بیابان که جاده‌ای هم وجود ندارد، قطب‌نمای انسان آسیب ببیند و از کار بیفتد؛ انسان متحیر میماند. اگر نظرات امام، بد بیان شد، بد تبیین شد، مثل این است که قطب‌نما از کار بیفتد، راه گم میشود؛ هر کسی به سلیقه‌ی خود، به میل خود حرفی میزند. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده میکنند، راه را جوری تبیین میکنند که ملّت به اشتباه بیفتد.

مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح – همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت – تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است. یک نفر صریح میگوید من امام را قبول ندارم – این بحث دیگری است – خیلی خوب، پیروان امام و طرفداران امام با کسی که صریح بگوید من امام را قبول ندارم، راه او را غلط میدانم، حسابشان روشن است؛ اما اگر قرار است در خط امام، با اشاره‌ی انگشت امام، این انقلاب پیش برود، باید معلوم باشد، روشن باشد و مواضع امام بزرگوارمان بدرستی تبیین شود.

نباید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. بعضی اینجور فکر میکنند – و این فکر غلطی است – که برای اینکه امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

هستند، آنها هم به امام علاقه‌مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نگوئیم یا کمرنگ کنیم؛ نه، امام هویتش، شخصیتش به همین مواضعی است که خود او با صریح‌ترین بیانها، روشن‌ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. همین‌ها بود که دنیا را تکان داد. همین مواضع صریح بود که توده‌های عظیم را مشتاق ملّت ایران و بسیاری را پیرو ملّت ایران کرد. این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلام نشانه‌های آن را می‌بینید، از این طریق به راه افتاد.

امام را صریح باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دورویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمیشود به خاطر اینکه زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهائی که به نظرمان تند می‌آید، کمرنگ کنیم. عده‌ای در یک دورانی – که ما آن دوران را به یاد داریم؛ دوران جوانی‌های ما – برای اینکه اسلام علاقه‌مندان و طرفدارانی پیدا کند، بعضی از احکام اسلام را کمرنگ میکردند، ندیده میگرفتند؛ حکم قصاص را، حکم جهاد را، حکم حجاب را انکار و پنهان میکردند، میگفتند اینها از اسلام نیست، قصاص از اسلام نیست، جهاد از اسلام نیست، برای اینکه فلان مستشرق یا فلان دشمن مبانی اسلامی از اسلام خوشش بیاید! این غلط است. اسلام را با کلیتش بایستی بیان کرد.

امام منهای خط امام، آن امامی نیست که ملّت ایران به نفس او، به هدایت او جانشان را کف دست گرفتند، فرزندانشان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه‌ی عالم به وجود آوردند. امام منهای خط امام، امام بی‌هویت است. سلب هویت از

www.ourpresident.ir

امام، خدمت به امام نیست. مبانی امام، مبانی روشنی بود. این مبانی – اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند – در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه‌های امام، و بخصوص در وصیتنامه‌ی امام – که کوتاه شده‌ی همه‌ی آن مواضع است – منعکس است. این مبانی فکری همان چیزی است که آن موج عظیم و سهمگین را علیه غارتگری‌های غرب و یکه‌تازی‌های آمریکا در دنیا به وجود آورد. شما خیال میکنید اینکه رئیس جمهورهای گوناگون آمریکا به هر کشوری از این کشورهای آسیا و خاورمیانه سفر کردند، حتّی در بعضی از کشورهای اروپائی مردم جمع شدند و علیه آنها شعار دادند، همیشه اینجور بود؟ نه، این حرکت امام بود، افشاگری امام بود، موضعگیری امام بود که استکبار را رسوا کرد، صهیونیسم را رسوا کرد، و روح مقاومت را در ملّتها و بخصوص در جوامع اسلامی زنده کرد.

این کج‌اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج‌اندیشی را هم متأسفانه بعضاً کسانی انجام میدهند که یک وقتی خودشان جزو مروجان افکار امام بودند یا جزو پیروان امام بودند. حالا به هر دلیلی راه‌ها کج میشود، هدفها گم میشود، یک عده‌ای برمیگردند؛ بعد از آنکه سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این مبانی می‌ایستند و آن حرفها را میزنند!

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) ـ ۸۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

ویژگی‌ها و اجزای خطّ امام

خوب، خط امام اجزائی دارد. مهمترینِ آنچه که در مورد خط امام و راه امام میشود گفت، چند نکته است که من عرض میکنم. و بخصوص به جوانها عرض میکنم: بروید وصیتنامه‌ی امام را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که در این وصیتنامه منعکس است، در این آثار و گفتار منعکس است.

۱. اسلام ناب محمّدی

اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمّدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق

www.ourpresident.ir

مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها میسازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد: اسلام آمریکائی.

فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکانپذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات میدانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجبها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام – به معنای حقیقی کلمه – وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد.

امام جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام میدانست. برای همین، امام جمهوری اسلامی را دنبال کرد، در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدت و حدت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد. امام که دنبال قدرت شخصی نبود؛ امام دنبال این نبود که خودش بتواند قدرتی پیدا کند. مسئله‌ی امام، مسئله‌ی اسلام بود؛ لذا پای جمهوری اسلامی ایستاد. این مدل نو را امام به دنیا عرضه کرد؛ یعنی مدل جمهوری اسلامی.

اساسی‌ترین مسئله در جمهوری اسلامی، مبارزه با حاکمیتهای زورگویانه و اقتدارطلب دنیاست که در شکلهای مختلف خودش را نشان میدهد. حکومت دیکتاتوری و اقتدارطلب، فقط حکومت پادشاهان نیست؛ این یکی از انواع حکومت دیکتاتوری است. آن زمان دیکتاتوری‌های چپ وجود داشت، که دیکتاتوری یک‌حزبی در کشورها بود؛ هر کار میخواستند، با

www.ourpresident.ir

آحاد ملّت میکردند؛ کسی هم به ملّت پاسخگو نبود. در واقع ملّت دست یک اقلیت محدودی زندانی بود. این هم یک نوع دیکتاتوری بود. یک نوع دیکتاتوری هم دیکتاتوری سرمایه‌داران است که در نظامهای بظاهر مردم‌سالار – نظامهای لیبرال دموکراسی – تجلی پیدا میکند. این هم نوعی دیکتاتوری است، منتها دیکتاتوری بسیار هوشمندانه و غیر مستقیم؛ در واقع دیکتاتوری سرمایه‌دارها و صاحبان ثروتهای بزرگ است.

امام جمهوری اسلامی را در مقابل این طاغوتهای بشری به وجود آورد؛ اسلام را – که در دل اسلامیت، تکیه‌ی به مردم و رأی مردم و خواست مردم وجود دارد – معیار اصلی این نظام قرار داد. بنابراین جمهوری اسلامی، هم جمهوری است، یعنی متکی به آراء مردم است؛ هم اسلامی است، یعنی متکی به شریعت الهی است. این یک مدل نو است؛ این یکی از شاخصهای عمده‌ی در خط امام است. هر کسی درباره‌ی حاکمیت نظام جمهوری اسلامی برخلاف این فکر کند، برخلاف فکر امام است؛ مدعی نشود که او دنباله‌روِ امام است، در عین حال این فکر را دارد؛ نه، فکر امام این است. این واضح‌ترین خط از خطوط اندیشه‌ی امام است.

۲. مکتب، معیار جاذبه و دافعه

یک شاخص دیگر در برنامه‌ی امام و خط امام و راه مستقیم امام، مسئله‌ی جاذبه و دافعه‌ی امام بود. انسانهای بزرگ، جاذبه و دافعه‌شان هم میدان وسیع و گسترده‌ای دارد. همه جاذبه و دافعه دارند. شما با رفتار خودتان، یکی را به خودتان علاقه‌مند و متمایل میکنید، یکی هم از شما میرنجد؛ این جاذبه و دافعه است. اما انسانهای بزرگ، جاذبه‌شان یک طیف وسیعی را به وجود می‌آورد؛ دافعه‌ی آنها هم همین طور، یک طیف عظیمی را به وجود می‌آورد.

www.ourpresident.ir

جاذبه و دافعه‌ی امام تماشائی است.

آنچه که مبنا و معیار جاذبه‌ی امام و دافعه‌ی امام بود، باز مکتب بود، اسلام بود؛ درست همان طوری که امام سجاد (سلام الله علیه) در دعای صحیفه‌ی سجادیه – دعای ورود در ماه رمضان – به خداوند متعال عرض میکند. مکرر عرض کرده‌ایم که دعاهای امام سجاد واقعاً جزو برترین گنجینه‌های معارف اسلامی است. در این دعاها معارفی وجود دارد که انسان اینها را از روایات و آثار روائی نمیتواند به دست بیاورد؛ در دعاها صریح اینها بیان شده است. در دعای چهل و چهارم صحیفه‌ی سجادیه – که دعای ورود در ماه رمضان است و امام سجاد آن را میخواندند – حضرت چیزهائی را از خدای متعال برای ماه رمضان درخواست میکنند؛ از جمله‌ی چیزهائی که درخواست میکنند، این است: «و ان نسالم من عادانا»؛ پروردگارا! از تو میخواهیم که با همه‌ی دشمنانِ خودمان صلح کنیم، سلم و مدارا پیشه کنیم. بعد بلافاصله میفرمایند: «حاشی من عودی فیک و لک فأنه العدوّ الّذی لانوالیه و الحرب الّذی لانصافیه»؛ مگر آن دشمنی که من به خاطر تو با او دشمنی کردم، در راه تو با او دشمنی کردم. این دشمنی است که ما هرگز با او دم از آشتی نخواهیم زد و دل ما با او صاف نخواهد شد.

امام اینجوری بود؛ دشمنیِ شخصی با کسی نداشت. اگر کدورتهای شخصی‌ای هم بود، امام زیر پا میگذاشت؛ اما دشمنی به خاطر مکتب، برای امام بسیار جدی بود. همان امامی که از اول شروع نهضت در سال ۱۳۴۱ روی توده‌ی مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، اینجور آغوش باز کرده بود، مردم را از اهل هر قومی، از اهل هر گروه و مذهبی، با آغوش باز میپذیرفت، همین امام در اول انقلاب یک مجموعه‌هائی را از خود طرد کرد. کمونیستها را صریح طرد کرد. آن روز برای خیلی از ماها که در اول

www.ourpresident.ir

انقلاب دست‌اندرکار مبارزه بودیم، این کار امام عجیب بود. در همان اوائل انقلاب، امام صریح در مقابل کمونیستها موضعگیری کرد و اینها را از خودش جدا کرد. در مقابل لیبرال‌مسلکها و دلباختگان به نظامهای غربی و فرهنگ غربی، امام قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد، از خود جدا کرد؛ هیچ رودربایستی و ملاحظه‌ای نکرد. مرتجعین را – کسانی که حاضر نبودند حقائق الهی و روح قرآنی احکام اسلامی را قبول کنند و تحول عظیم را بپذیرند – از خودش طرد کرد. امام بارها مرتجعین را با تعبیرات سخت و تلخ محکوم کرد، از خود دور کرد. در تبرّی از افرادی که در دائره‌ی فکری و مبانی اسلامی او قرار نمیگرفتند، امام تأمل نکرد؛ در حالی که با آنها هم دشمنی شخصی نداشت.

شما ملاحظه کنید به وصیتنامه‌ی امام؛ امام در همین وصیتنامه خطاب میکند به کمونیستهائی که در داخل جنایت کرده بودند و به خارج کشور گریخته بودند. لحن امام را ملاحظه کنید. به اینها میگوید: شما داخل کشور بیائید و مجازاتی را که قانون و عدالت برای شما میگذارد، تحمل کنید و مجازات شوید. یعنی بیائید اعدام را یا حبس را یا سایر مجازاتها را تحمل کنید، برای اینکه خودتان را از عذاب الهی و نقمت الهی نجات دهید. با اینها دلسوزانه حرف میزند. میفرماید: اگر شهامت این را هم ندارید که بیائید مجازات خودتان را قبول کنید، لااقل آنجا که هستید، راهتان را عوض کنید، توبه کنید؛ با ملّت ایران، با نظام اسلامی، با حرکت اسلامی مقابله نکنید؛ برای قدرتمندان و زورگویان، پیاده‌نظام نباشید.

امام دعوای شخصی ندارد؛ اما در دائره‌ی مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعه‌ی خود را اعمال میکند. این یک شاخص عمده از زندگی امام و مکتب امام است. تولّی و تبرّی در عرصه‌ی سیاست هم باید تابع تفکر و فکر

www.ourpresident.ir

و مبانی اسلامی و مذهبی باشد؛ اینجا هم باید انسان ملاک و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه میخواهد.

با این روشی که امام در پیش گرفته بود و در گفتار و کردار او منعکس بود، نمیشود انسان خود را در خط امام بداند، دنباله‌روِ امام بداند، اما با کسانی که صریحاً پرچم معارضه‌ی با امام و اسلام را بلند میکنند، خودش را در یک جبهه تعریف کند. نمیشود قبول کرد که آمریکا و انگلیس و سیا و موساد و سلطنت‌طلب و منافق بر روی یک محوری توافق کنند، حول یک محوری جمع بشوند، بعد آن محور باز ادعا کند که من خط امامم! این نمیشود، این قابل قبول نیست.

نمیشود با هر کس و ناکسی ائتلاف کرد. باید ببینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی میگیرند. اگر دیدیم مواضع ما جوری است که آمریکای مستکبر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل میکنند، احترام میکنند، بایستی در مواضعمان شک کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمیرویم. این معیار است، این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه میکرد. امام میفرمود – در نوشته‌جات امام وجود دارد، در اسناد قطعی فرمایشات امام این هست – که اگر از ما تعریف کردند، بدانیم که خیانتکاریم. این خیلی مهم است.

کسانی بیایند درست در خط مقابل امام حرکت کنند، درباره‌ی مسئله‌ی قدس در روز قدس آنجور موضعگیری کنند، در روز عاشورا آن فضاحت را به بار بیاورند، بعد ما با کسانی که با اساس مبنای امام و حرکت امام صریحاً مخالفند، اظهار همراهی کنیم، خودمان را در کنار اینها قرار بدهیم و تعریف کنیم، یا در مقابل اینها سکوت کنیم؛ در عین حال بگوئیم ما دنباله‌روِ امامیم!

www.ourpresident.ir

این امکان ندارد، این قابل قبول نیست. ملّت هم این را خوب فهمیدند. ملّت این را می‌بیند، میداند، میشناسد، میفهمد.

۳. محاسبه‌ی معنوی در تصمیم‌گیری

یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسئله‌ی محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیری‌های خود، در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجه‌ی اول قرار میداد. یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که میخواهد بکند، در درجه‌ی اول هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، کسب وجاهت پیش زید و عمرو نباشد. هدف اول، رضای الهی باشد. این یک. بعد هم به وعده‌ی الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعده‌ی الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یأس معنا ندارد، ترس معنا ندارد، غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد.

امام آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلای به یأس نشد؛ آن وقتی هم که همه‌ی ملّت ایران یکصدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملّتهای دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتی که خرمشهر به وسیله‌ی متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مأیوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فداکاری خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ یعنی ما هیچکاره‌ایم. در همه‌ی حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همین‌جور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغرور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خداست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.

به وعده‌ی الهی باید اعتماد کرد. خدای متعال در سوره‌ی «انّا فتحنا»

www.ourpresident.ir

میفرماید: «و یعذّب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظّانّین بالله ظنّ السّوء»؛[1] خصوصیت منافق و مشرک از جمله این است که به خدا سوءظن دارند، وعده‌ی الهی را قبول ندارند، باور ندارند. اینکه خدا میگوید: «و لینصرنّ الله من ینصره»،[2] این را آدم مؤمن با همه‌ی وجود قبول دارد؛ منافق این را قبول ندارد. خداوند میفرماید: «علیهم دائرة السّوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعدّ لهم جهنّم و ساءت مصیرا». کسانی که به خدا سوءظن دارند، وضعیتشان اینجور است.

امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت میکنیم، قدم برای خدا برمیداریم، همه‌ی تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال – آنچنان که وعده فرموده است – تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار میکنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

نشر انقلاب اسلامی

۴. تقوا در همه‌ی مسائل فردی و اجتماعی

یکی از چیزهائی که در همین زمینه وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همه‌ی امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکلتر است، خیلی مهمتر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه میگوئیم؟ اینجا تقوا اثر میگذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره‌ی او چگونه قضاوت میکنید؟ اگر قضاوت شما درباره‌ی آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۶.
۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰.

www.ourpresident.ir

وجود دارد، این تعدی از جاده‌ی تقواست. آیه‌ی شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار میکنم: «یا ایّها الّذین امنوا اتّقوا الله و قولوا قولا سدیدا»[1]. قول سدید، یعنی استوار و درست؛ اینجوری حرف بزنیم. من میخواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوانهای انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف میزنند، مینویسند، اقدام میکنند؛ کاملاً رعایت کنید. اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده‌ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد.

من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست – نمیخواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه میشناسند – امام یک تأملی کردند، گفتند: نمیشناسم. بعد هم یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس‌فردا – درست یادم نیست – صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان. بمجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمیشناسم». یعنی آن جمله‌ی مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمیشناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله‌ی مذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم‌حافظگی من بود؛ نمیدانم چه بود، اما اینقدر یادم هست که یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمیشناسم. ببینید، اینها

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۷۰.

www.ourpresident.ir

اسوه است؛ «لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوة حسنة»[1].

درباره‌ی زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور میشود حرف زد: یک جور آنچنانی که درست منطبق با حق است، یک جور هم آنچنانی که در آن آمیزه‌ای از ظلم وجود دارد. این دومی بد است، باید از آن پرهیز کرد. درست همانی که حق است، صدق است و شما در دادگاه عدل الهی میتوانید راجع به آن توضیح دهید، بگوئید، نه بیشتر. این یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خط امام است که ماها باید به یاد داشته باشیم.

۵. توجّه به نقش مردم

یکی دیگر از خطوط اصلی خط امام، نقش مردم است؛ هم در انتخابات که امام در این کار واقعاً یک حرکت عظیمی انجام داد، هم در غیر انتخابات، در مسائل گوناگون اجتماعی. در هیچ انقلابی در دوران انقلابها – که نیمه‌ی اول قرن بیستم، دوران انقلابهای گوناگون است؛ در شرق و غرب دنیا انقلابهای مختلفی با شکلهای مختلف به وجود آمد – سابقه ندارد که دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، یک رفراندوم عمومی برای انتخاب شیوه‌ی حکومت و نظام حکومتی انجام بگیرد؛ اما به همت امام در ایران این اتفاق افتاد. هنوز یک سال از انقلاب نگذشته بود که قانون اساسی تدوین و تصویب شد. در آن ماه‌های اول که تدوین قانون اساسی هنوز انجام نشده بود و تأخیر افتاده بود، یادم هست یک روز امام ماها را خواستند، رفتیم قم – آن وقت ایشان هنوز قم بودند – با اوقات تلخی گفتند که قانون اساسی را زودتر تدوین کنید. آن وقت انتخابات مجلس خبرگان راه افتاد و مردم خبرگان را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کردند؛ بعد هم که قانون اساسی تدوین شد، آن را به رأی

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱.

www.ourpresident.ir

عمومی گذاشتند؛ رفراندوم شد، مردم قانون اساسی را انتخاب کردند. بعد هم انتخابات ریاست جمهوری و مجلس برگزار شد. در سخت‌ترین دوران جنگ که تهران زیر بمباران دشمن بود، انتخابات تعطیل نشد؛ حتّی تا امروز یک روز انتخابات در ایران تأخیر نیفتاده است. کدام دموکراسی را در دنیا شما سراغ دارید؟ انقلابها که هیچ؛ در هیچ دموکراسی‌ای، با این دقت، سر موقع، آراء مردم به صندوقها ریخته نمیشود. این خط امام است.

در غیر مسائل انتخابات هم بارها مردم مورد توجه امام قرار گرفتند و امام به نقش آنها اشاره‌ی روشن کردند، گاهی تصریح کردند؛ در یک جاهائی گفتند: اگر مسئولین فلان کار را که باید انجام بدهند، انجام ندهند، مردم خودشان وارد میشوند و انجام میدهند.

۶. جهانی دانستن انقلاب اسلامی

یک نقطه‌ی دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه‌ی ملّتهای مسلمان، بلکه غیر مسلمان معرفی میکرد. امام از این ابائی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمیکنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمیکنیم، اهلش نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیده‌ی رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملّتها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملّتهای مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجاست. یک نمونه‌ی این نگاه جهانی، موضعگیری امام در باب فلسطین است. امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غده‌ی سرطانی است. خوب، غده‌ی سرطانی را چه کار میکنند؟ غیر از قطع غده، چه علاجی میتوان برای آن کرد؟ امام ملاحظه‌ی کسی را نکرد. منطق امام این بود. این حرف شعاری نیست؛ این منطقی است. فلسطین

www.ourpresident.ir

یک کشور تاریخی است. در طول تاریخ، کشوری وجود داشته است به نام فلسطین. یک عده‌ای با پشتیبانی قدرتهای ستمگر عالم آمده‌اند با عنیف‌ترین و شدیدترین وجهی این ملّت را از این کشور بیرون کرده‌اند؛ کشتند، تبعید کردند، شکنجه کردند، اهانت کردند، این ملّت را بیرون کردند – که امروز چند میلیون آواره‌ی فلسطینی در کشورهای همجوار فلسطین اشغالی و در کشورهای دیگر زندگی میکنند؛ اغلب هم توی اردوگاه‌ها – در واقع آمدند کشور را از صحنه‌ی جغرافیا حذف کردند، ملّت را بکلی از هستی ساقط کردند، یک واحد جغرافیائی جعلی و جدیدی به جای آن تحمیل کردند و اسمش را گذاشتند اسرائیل. ببینید منطق چه اقتضاء میکند؟ حرفی که ما در مورد مسئله‌ی فلسطین داریم، یک حرف شعاری نیست؛ یک حرف صددرصد منطقی است.

یک عده قدرتمند که در رأس آنها اول انگلیس بود، بعد هم آمریکا ملحق شد، دنباله‌روِ آنها هم کشورهای غربی، آمده‌اند میگویند کشور فلسطین و ملّت فلسطین باید حذف بشوند تا به جای آن، کشوری به نام اسرائیل و ملّت جعلی‌ای به نام ملّت اسرائیل به وجود بیاید. این یک حرف؛ یک حرف دیگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ میگوید: نه، این واحد جعلی و تحمیلی باید حذف شود؛ به جای آن، ملّت اصلی و کشور اصلی و واحد جغرافیائی اصلی سر کار بیاید. از این دو حرف، کدام منطقی است؟ آن حرفی که متکی به سرنیزه و سرکوب است و میخواهد یک نظام سیاسی را، یک واحد جغرافیائیِ تاریخی را با چند هزار سال سابقه، بکلی از صحنه‌ی جغرافیا حذف کند، این منطقی است یا آن حرفی که میگوید نه، این واحد اصلی جغرافیائی باید بماند، آن واحد جعلی و تحمیلی باید از بین برود؟ امام این را میگفت. این منطقی‌ترین حرفی است که در باب اسرائیل غاصب و در باب مسئله‌ی فلسطین میشود گفت. امام این را گفت؛ صریح هم این را بیان

www.ourpresident.ir

کرد. حالا اگر کسی این حرف را به اشاره هم بیان کند، یک عده‌ای که مدعی خط امامند، میگویند آقا چرا این حرف گفته شد؟! خوب، این حرف امام است؛ این منطق امام است؛ این منطق صحیح است؛ همه‌ی مسلمانان عالم، همه‌ی آزادگان عالم، ملّتهای بی‌طرف باید این حرف را قبول کنند و بپذیرند. این، درست است. این، موضع امام است.

۷. معیار بودن عملکرد اشخاص و گروهها نه سابقه‌ی آنان

یک نکته‌ی آخر هم عرض بکنم. شما برادران و خواهران عزیز در گرمای هوا تحمل کردید؛ خداوند انشاءالله شما را مأجور بدارد. یک نکته‌ی اساسی دیگر در مورد خط امام و راه امام این است که امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص باید با معیار حال کنونی اشخاص باشد. گذشته‌ی اشخاص، مورد توجه نیست. گذشته مال آن وقتی است که حال فعلی معلوم نباشد. انسان به آن گذشته تمسک کند و بگوید: خوب، قبلاً اینجوری بوده، حالا هم لابد همان جور است. اگر حال فعلی اشخاص در نقطه‌ی مقابل آن گذشته بود، آن گذشته دیگر کارائی ندارد. این همان قضاوتی بود که امام امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) با جناب طلحه و جناب زبیر کرد. شما باید بدانید طلحه و زبیر مردمان کوچکی نبودند. جناب زبیر سوابقی درخشان دارد که نظیر آن را کمتر کسی از اصحاب امیرالمؤمنین داشت. بعد از به خلافت رسیدن جناب ابی‌بکر، در همان روزهای اول، پای منبر ابی‌بکر چند نفر از صحابه بلند شدند، اظهار مخالفت کردند، گفتند: حق با شما نیست؛ حق با علی‌بن‌ابی‌طالب است. اسم این اشخاص در تاریخ ثبت است. اینها چیزهائی نیست که شیعه نقل کرده باشد؛ نه، این در همه‌ی کتب تواریخ ذکر شده است. یکی از آن اشخاصی که پای منبر جناب ابی‌بکر بلند شد و از حق امیرالمؤمنین دفاع کرد، زبیر است. این سابقه‌ی زبیر است. مابین آن روز

www.ourpresident.ir

و روزی که زبیر روی امیرالمؤمنین شمشیر کشید، فاصله بیست و پنج سال است. حالا برادران اهل سنّت از طرف طلحه و زبیر اعتذار میکنند، میگویند آنها اجتهادشان به اینجا منتهی شد؛ خیلی خوب، حالا هر چی. ما راجع به اینکه آنها در مقابل خدای متعال چه وضعی دارند، الان در مقام آن نیستیم؛ اما امیرالمؤمنین با اینها چه کرد؟ جنگید. امیرالمؤمنین از مدینه لشکر کشید، رفت طرف کوفه و بصره، برای جنگ با طلحه و زبیر. یعنی آن سوابق محو شد، تمام شد. امام ملاکش این بود، معیارش این بود.

بعضی‌ها با امام از پاریس تو هواپیما بودند و آمدند ایران؛ اما در زمان امام به خاطر خیانت اعدام شدند! بعضی‌ها از دورانی که امام در نجف بود و بعد که به پاریس رفت، با ایشان ارتباط داشتند، در اول انقلاب هم مورد توجه امام قرار گرفتند؛ اما بعد رفتار اینها، موضعگیری‌های اینها موجب شد که امام اینها را طرد کرد، از خودش دور کرد. میزان، وضعی است که امروز بنده دارم. اگر خدای نکرده نفس اماره و شیطان، راه را در مقابل من منحرف کردند، قضاوت چیز دیگری خواهد بود. مبنای نظام اسلامی این است و امام اینجوری عمل کرد.

خطوط دیگری را هم در زمینه‌ی راه امام و خط امام میشود بیان کرد. آنچه که عرض شد، مهمترین و مؤثرترینها بود. خوب است برادران، جوانان، اهل فکر و تحقیق، طلاب، دانشجویان، روی این مبانی فکر کنند، روی اینها کار کنند. فقط متن باقی نمانَد؛ این متنها درست توضیح داده شود، تبیین شود.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) ـ ۸۹/۳/۱۴

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی، یادگار طیّبه‌ی امام امّت

عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ اینها ستونهای اصلی است. عشق و ایمان. انسانی که ایمان ندارد، محوری برای حرکت خود نمیتواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست، نمیتواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد، به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفاء میکند؛ چشم به برترین قله‌ها نمیدوزد. انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوضی میرود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف میکند، کجراهه میرود. عشق و ایمان، همت و بصیرت؛ اینها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد؛ لذا انقلاب شد همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن از آن نام برده شده است: «أ لم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة طیّبة کشجرة طیّبة»[1] کلمه‌ی طیب مثل درخت نیکونهاد و سالم و طیب است. «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء»؛ ریشه‌دار، دارای ریشه‌ی عمیق و مستحکم و دارای شاخ و برگ فراگیر. «تؤتی اکلها کلّ حین باذن

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴.

www.ourpresident.ir

ربّها»[1]؛ میوه‌ی مطابق فصل، میوه‌ی مطابق نیاز در اختیار و در دسترس جامعه قرار میدهد. این کلمه‌ی طیبه است؛ انقلاب یک چنین چیزی است. حرکت انقلابی‌ای که امام بزرگوار ما – آن رهروِ حقیقیِ راه طیبین و اولیاء و شهدا و معصومین و صدیقین – در مقابل پای ما گذاشت، همان کلمه‌ی طیبه است.

یک روز نیازِ حرکت دفاعی در درون جامعه بود، یک روز نیازِ حرکت دفاعی در مرزهای کشور بود، یک روز نیازِ به علم و دانش است، یک روز نیازِ به تحکیم عقاید و ایمانهاست، یک روز نیازِ به خدمتگزاری است؛ در همه‌ی این شرائط، میوه‌های متناسب با فصل در اختیار مردم گذاشته میشود. این حرکتِ انقلاب است.

عده‌ای خیال کردند انقلاب کهنه شد یا کهنه‌شدنی است. اعلام کردند انقلاب تمام شد! خودشان تمام شده بودند؛ خودشان ذخیره‌شان ته کشیده بود، قادر به ادامه‌ی راه نبودند؛ دنیا را، جامعه را، انقلاب را به خودشان قیاس کردند؛ اشتباه کردند. «نسوا الله فأنساهم انفسهم»؛[2] وقتی با خدا قطع رابطه شد، انسان حتّی خودش را هم درست نمیتواند بشناسد، چه برسد به جامعه‌اش، چه برسد به آرمانهایش. چه جور انسان با خدا قطع رابطه میکند؟ وقتی که هوسها، گرایشهای مادی، خودمحوری‌ها بر جان انسان غلبه پیدا کرد و این جاذبه‌ها مثل تار عنکبوتی، حشره‌ی ضعیفِ همت و ایمان آنها را در خود فرا گرفت، آن وقت متوقف میشوند. اینجوری داشتیم. در گذشته هم داشتیم، در آینده هم خواهیم داشت؛ اینها ریزشها هستند. آن کسانی که از راه انقلاب و مسیر انقلاب باز میمانند، لزوماً کسانی نیستند که از اول، کمر دشمنی با انقلاب بسته‌اند. وقتی که انگیزه‌ی مادی بر انسان غلبه کرد،

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۵.
۲. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۹.

www.ourpresident.ir

در راه میماند؛ وقتی هدفهای کوچک و حقیرِ شخصی: رسیدن به مال و منال، رسیدن به تجملات، رسیدن به ریاست، رسیدن به قدرت، برای انسان شد هدف، هدف اصلی از یاد میرود.

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ـ ۸۹/۶/۳۱

www.ourpresident.ir

دو مقطع تاریخی و حماسه‌ساز قم

در دوران معاصر ما هم عیناً همین مسئله اتفاق افتاد؛ یعنی قم پایگاه برترین معارف اسلامی و الهی شد و به برکت مجاهدت و بصیرت و حضور علمای بزرگ، سرچشمه‌ای در این نقطه جوشید که شرق و غرب دنیای اسلام از آن بهره‌مند شده‌اند.

من دو مقطع مهم را یادآوری میکنم، که در این دو مقطع مهم قمی‌ها حقیقتاً نقش ایفاء کردند؛ نقشهای مؤثر و ماندگاری را مردم قم در این دو مقطع به وجود آوردند: یکی مقطع عاشورای سال ۴۲ و پانزده خرداد که دو روز بعد از عاشورا بود. روز عاشورا در همین مدرسه‌ی فیضیه مردم قم جمع شدند، فریاد و غریو امام را شنیدند، جانهاشان را لبریز کردند و دو روز بعد که خبر دستگیری امام بزرگوار را شنیدند، در صحن مطهر اجتماع کردند. این حرکت عظیم آنها موجب شد که نهضت روحانیت به رهبری امام بزرگوارمان در حصار حوزه محبوس و محصور نماند؛ بیاید وارد جامعه شود. پیشرو این کار، قمی‌ها بودند و این کار بزرگ را انجام دادند.

www.ourpresident.ir

مقطع دیگر، مقطع سال ۵۶ است که عمق توطئه‌ی دشمن را در اهانت به امام بزرگوار درک کردند؛ فهمیدند مسئله چیست؛ صرفاً این نیست که خواسته‌اند به امام بزرگوار اهانتی بکنند. در شهر قم، اولین تظاهرات مردمیِ گسترده علیه آن حرکت خائنانه به وجود آمد. خون جوانان قمی در این خیابانها، در همین خیابان ارم، در خیابان چهارمردان بر روی زمین ریخته شد؛ جان دادند؛ با خون خودشان صدق سخن خودشان را اثبات کردند. در طول این سی سالِ بعد از پیروزی انقلاب، باز در همه‌ی مقاطع، این مردم مردمی هستند که با اخلاص، با صدق و صفا و با بصیرتِ مثال زدنی وارد میدان شدند. دشمن برای قم برنامه داشت، طرح داشت؛ اگر مردم قم بیدار نبودند، بابصیرت نبودند، طرحهای دشمنان درباره‌ی قم، طرحهای خطرناکی بود. بیداری مردم و حضور حوزه‌ی علمیه در این شهر موجب شده است که این شهر پایگاه بصیرت باشد.

مراجع بزرگی از زمان مرحوم آیت‌الله حائری ـ مؤسس حوزه‌ی علمیه ـ در این شهر حضور داشتند؛ مرحوم آیت‌الله بروجردی تا مراجع اخیر؛ مرحوم آیت‌الله گلپایگانی، مرحوم آیت‌الله اراکی، مرحوم آیت‌الله مرعشی، مرحوم آیت‌الله بهجت. امروز هم بحمدالله مراجع بزرگی در این شهر حضور دارند، فضلای برجسته‌ای هستند؛ حوزه‌ی علمیه مایه‌ی برکت است و این شهر صادق و دارای بصیرت و مجاهد فی سبیل الله نشان داده است که قدر حوزه را میداند، قدر روحانیت را میداند، در هنگام لازم حضور خود را نشان میدهد. و این همان شهری است که به خاطر برخاستن آن مرد بزرگ دوران، حضرت امام خمینی، پایگاه و امید انقلاب است.

وقت صحبت کردن ما در این جمع عظیم، وقت محدودی است. متأسفانه ما در راه، به خاطر محبت مردم، در خیابانها زیاد معطل شدیم؛ لذا

www.ourpresident.ir

وقت گذشت. من فقط چند جمله‌ی کوتاه عرض میکنم.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ـ ۸۹/۷/۲۷

www.ourpresident.ir

قم خاستگاه انقلاب و آماج حملات دشمنان

اولاً قم خاستگاه انقلاب است. مذهبی‌ترین شهر کشور، پایگاه و خاستگاه بزرگترین انقلاب دوران معاصر شد. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که همه‌ی دنیا بدانند این انقلاب، یک انقلاب دینی و مذهبی است؛ هیچ تفسیر به رأیی، هیچ تفسیر مادی‌ای از این انقلاب نمیشود کرد؛ خاستگاهش قم است؛ رهبرش یک فقیه، یک فیلسوف، یک عالم بزرگ، یک روحانی معنوی است. شناسنامه‌ی انقلاب، اینجور در همه‌ی دنیا شناخته شده است. این یک نکته است.

دنباله‌ی این نکته این است که دشمنان این انقلاب وقتی خواسته‌اند در طول این مدت به این انقلاب و این نظام صدمه‌ای وارد کنند، آماج حملات آنها چه بوده است؟ آماج حملات دشمنان، دو نقطه‌ی اساسی است: یکی دین، یکی مردم و وفاداری آنها. میدانند که اگر این انقلاب، یک انقلاب دینی نبود، قدرت مقاومت نداشت؛ چون دین است که پیروان خود را از تسلیم شدن در مقابل ظلم منع میکند، به مقابله‌ی با ظالم تشویق میکند؛ عدالت

www.ourpresident.ir

و آزادی و معنویت و پیشرفت را به زندگی انسانها پیشنهاد میکند. این، خصوصیت دین است. پس آن نظامی که بر مبنای دین باشد، معنی ندارد که تسلیم فشار و زور دشمنان و زورگویان و زیاده‌طلبان بشود. اگر عنصر دین در این انقلاب نبود، ممکن بود مسئولین انقلاب و سرکردگان انقلاب با گرفتن یک امتیازی در مقابل دشمن کوتاه بیایند و راه را برای سلطه‌ی دوباره‌ی دشمن باز کنند؛ اما چون دین ستون فقرات این انقلاب است، چنین چیزی تاکنون پیش نیامده است و بعد از این هم پیش نخواهد آمد.

درس بزرگ امام عزیز ما به ما و به همه‌ی ملت همین بود؛ به نیروی خودتان ایمان داشته باشید، در افزایش این نیرو به صورت روزافزون تلاش کنید و به خدای متعال و وعده‌ی الهی اطمینان داشته باشید؛ اگر ایستادگی کردید و با تدبیر حرکت کردید، مطمئن باشید که نصرت الهی با شما همراه است. این، خصوصیت دیندار بودن مردم و دینی بودن این انقلاب و نظام اسلامی است.

مردمی بودن، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت قرار بگیرد؛ نظام اسلامی از سوی مردم مورد تأیید و حمایت و پشتیبانی کامل قرار بگیرد. این هم در طول این مدت تأمین بوده است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ـ ۸۹/۷/۲۷

www.ourpresident.ir

دست هدایت الهی در تاریخ انقلاب

چشم بابصیرت امام این نشانه‌های قدرت و اعانت الهی را میدید. عیب ماها این است که گاهی کمکهای الهی را لمس میکنیم، اما آنها را درست نمی‌بینیم؛ تشخیص نمیدهیم که این چه کمک بزرگی است که خدا دارد به ما میکند؛ اما او میدید.

در یک قضیه‌ای که من مکرر این را نقل کردم، ایشان به من فرمود که از اول انقلاب تا امروز – آن روز حدود سال ۱۳۶۵ بود – همه جا دست قدرتی را مشاهده میکنیم که دارد ما را کمک میکند و جلو میبرد. او این دست قدرت را میدید. نگاه امام به ملت ایران با نگاه دیگران فرق داشت. همان روز اگر میخواستیم قضاوت بسیاری از نخبگان علمیِ دینی و غیر دینی و سیاسی و غیره را درباره‌ی ملت ایران مشاهده کنیم، میدیدم قضاوتها قضاوتهای عجیب و غریبی است. بعضی این ملت را باایمان نمیدانستند، بعضی دارای صداقت نمیدانستند، بعضی به نیرو و به وفای آنها شک میکردند – که ما اینها را شنیدیم، از خیلی‌ها شنیدیم – اما امام در سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم،

www.ourpresident.ir

آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرای قم را از جمعیت پر میکنند؛ لبیک میگویند. نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود؛ مردم را شناخت. آن عنصر باارزشِ اکسیرگونه‌ای که مسها را طلا میکند، این را در جان و دل مردم کشف کرد و آن را به کار گرفت. لذا با این موانع بزرگی که در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیلگری باور نمیکرد که این اتفاق در اینجا بیفتد. او تکیه‌ی به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد.

بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ـ ۸۹/۸/۲

www.ourpresident.ir

نگاه جهان‌شمول امام در انقلاب اسلامی

اولین درسی که انقلاب اسلامی و نظام مبارک جمهوری اسلامی به ما داد، این بود که ما نگاهمان را از حصار و چهاردیواری ملت ایران منعطف کنیم به عرصه‌ی وسیع امت اسلامی. امام بزرگوار ما به ما تعلیم کرد که نگاه ما باید به ساحت عظیم امت باشد. درست است که کشور ایران در دوران طاغوت در زیر فشار استبداد و استعمار به جان آمده بود و له میشد و باید نجات داده میشد، اما فشار اساسی و تهاجم اساسی، تهاجم تاریخی به امت اسلام بود. امت بزرگ اسلامی که در یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیائی عالم استقرار داشته است، بر اثر دخالت قدرتهای بزرگ، طمع‌ورزی دولتهای بزرگ و مقتدر، تجاوز و تعدی استکبار در طول چند قرن، دچار ضعف، انکسار، عقب ماندگی، استعمار زدگی، فقر – هم فقر مادی، هم فقر علمی – شده بود. انقلاب اسلامی نگاهش به دنیای اسلام بود؛ نگاهش به برداشتن دست ظالم و متجاوز استکبار از روی سر امت اسلامی و از زندگی امت اسلامی بود. لذا وقتی انقلاب در ایران پیروز شد، ملتهای مسلمان در شرق و

www.ourpresident.ir

غرب عالم احساس کردند که در زندگی آنها نسیم تازه‌ای وزید، هوا عوض شد؛ احساس کردند گشایشی در کارهاشان پیدا شد؛ لذا در آفریقا، در آسیا، در همه‌ی مناطقی که مسلمانها زندگی میکردند، مسلمانان احساس کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، راه تازه‌ای در مقابل آنها گشوده شد. این را ما از امام آموختیم و این خط روشنِ نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بوده است.

بخشی از کار بزرگ، همین کاری است که شما دارید انجام میدهید. شما از نزدیک به صد کشور در اینجا جمع شده‌اید تا با معارف اسلام ناب نجاتبخش آشنا شوید. هدف این نیست که ما انقلاب را به شکل متعارف در عرف سیاسی و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی بشود آن را صادر کرد یا با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است؛ ما از اول، این راه را بستیم.

مسئله‌ی جمهوری اسلامی، مسئله‌ی بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمانها احساس هویت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند، با تعالیم اسلام که نجاتبخش بشریت است، آشنا شوند؛ بدانند این معنایش چیست که خداوند متعال میفرماید: پیغمبر را فرستادیم «و یضع عنهم اصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم»؛[1] این غلها و زنجیرهائی که در محیط شرک‌آلود به پای انسانها بسته است و اسلام میخواهد اینها را بگشاید، چیست؟ امت اسلامی بر اثر غفلت، مدتهای طولانی این حقایق را از یاد برده بود. امت اسلامی میتواند آزاد باشد، پیشرفته باشد، عالم باشد، عزیز باشد، مقتدر باشد؛ اینها به برکت تعالیم اسلامی به‌دست‌آمدنی است. استکبار و دستگاه‌های

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۷.

www.ourpresident.ir

استعماری در طول دویست سال سعی کردند این مفاهیم را از یاد مسلمانها ببرند؛ آنها را از هویت خودشان غافل کنند تا بتوانند دست تجاوز را به محیط سیاسی آنها، به محیط اقتصادی آنها، به فرهنگ بومی آنها دراز کنند و تطاول کنند. انقلاب اینها را به یاد امت اسلامی آورد.

بیانات در دیدار طلاب خارجی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ـ ۸۹/۸/۳

www.ourpresident.ir

جمهوری اسلامی، طرحی نو برای بشریت

اسلام و جمهوری اسلامی یک راه نوئی را به بشریت ارائه کرد؛ یک حرکت نوئی را به ملتها ارائه داد؛ نشان داد که یک ملتی با اینکه آنچنان سلاحی ندارد، با اینکه آنچنان امکانات مادی‌ای ندارد، میتواند در مقابل قلدرترین حکومتهای دنیا مقاومت کند، بایستد، زیر بار آنها نرود، راه خود را دنبال کند، پرچم عدل و انصاف را بلند کند، پرچم انسانیت را بلند کند. این در دنیای عصر جدید یک چیز نوئی است؛ این را شما باز کردید. در همه‌ی قضایای گوناگون انقلاب همین است.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ـ ۱۰۸۹/۱۹

www.ourpresident.ir

بصیرت مردم قم در مقاطع حسّاس تاریخی

در مورد خود شما مردم قم، حساسیت در بین دشمنان کشور و دشمنان انقلاب خیلی زیاد است. با قم و قمی و حوزه‌ی علمیه و جوانهای قم و روحیات مردم قم اینها بشدت بدند، مخالفند؛ چرا؟ چون از قم سیلی خوردند. استکبار، جبهه‌ی ضد اسلام، جبهه‌ی ضد ملت ایران از قم سیلی خورده است. یکی از مواردی که سیلی خورده، همین نوزدهم دی است. مردم قم زودتر از دیگران احساس تکلیف کردند، اوضاع را شناختند، مسئولیت را حس کردند و به میدان آمدند؛ اینها خیلی مهم است. هم شناختن اوضاع مهم است -بصیرت میخواهد - هم احساس تکلیف کردن مهم است؛ روح تعهد و ایمان میخواهد که انسان احساس تکلیف کند. بعضی هستند، می‌بینند حوادث تکان‌دهنده را، می‌بینند نقشه‌های دشمن را؛ اما احساس تکلیف نمیکنند، تکان نمیخورند. بعضی هستند، می‌بینند که دشمن جبهه‌آرائی کرده است. خوب، وقتی دشمن جبهه می‌آراید، باید ما هم در مقابل، احساس تکلیف کنیم؛ این لازمه‌ی تعهد است، لازمه‌ی ایمان است. بعضی این احساس را

www.ourpresident.ir

ندارند. البته در ملت عزیز ایران این روحیه بود، با حرکت اسلامی و نهضت اسلامی تقویت شد، ریشه‌دار شد و در انقلاب خودش را نشان داد؛ لیکن جاها مختلف بودند. قمی‌ها جلو بودند. در نوزده دی احساس تکلیف کردند و آمدند توی میدان. خوب، میدان هم میدان آسانی نبود – میدان سختی بود – مواجهه‌ی با گلوله بود، مواجهه‌ی با سرکوب خشن دستگاه پلیس و امنیت رژیم طاغوت بود، به کسی رحم نمیکردند؛ اما قمی‌ها آمدند داخل میدان.

این بصیرت، این احساس تکلیف، این حضور در میدان، سیلی محکمی بود به دشمنان؛ همین بود که ناگهان پاسخش از تبریز بلند شد، از آن طرف در یزد بلند شد، از آن طرف در شهرهای دیگر بلند شد؛ لذا این حرکت عظیم که زمینه‌هایش را امام بزرگوار ما در طول چندین سال آماده کرده بود، به وجود آمد؛ این سیلی است. دشمن وقتی سیلی میخورَد، کینه به دل میگیرد و مقابله میکند. حالا ما که میخواهیم خودمان را ارزیابی کنیم، باید محاسبه کنیم. وقتی دشمن در مقابل ما بشدت دندان نشان میدهد، ما باید احساس کنیم که پس توانائی‌های ما بالاست؛ میتوانیم به این دشمن ضربه بزنیم.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ـ ۱۰۸۹/۱۹

www.ourpresident.ir

یاری خداوند برای اهل تقوا

همه‌ی شما برادران عزیز و خواهران عزیز و نمازگزاران گرامی و خودم را توصیه میکنم به رعایت تقوای الهی. امروز روز شهادت علی‌بن‌موسی‌الرضا ابی الحسن (علیه الاف التّحیّة و السّلام) است. روزهای قبل هم مردم ما یاد رحلت نبی معظم و مکرم اسلام، حضرت محمّدبن‌عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و شهادت جانسوز سبط اکبر، حضرت مجتبی را گرامی داشتند. این مصیبتهای بزرگ، این حوادث ناگوار و دردآور تاریخ را به شما مؤمنان نمازگزار و همه‌ی ملت ایران و همه‌ی شیعیان و همه‌ی مسلمین عالم تسلیت عرض میکنم. خدای متعال به پیغمبر خود هم میفرماید: «یا ایّها النّبیّ اتّق الله»[1]. تقوا، لزوم تقوا، رعایت تقوا، مخاطبش حتّی وجود مقدس پیغمبر است. خدا را در نظر داشته باشیم؛ مراقب اعمال خود، رفتار خود، گفتار خود، حتّی افکار و تصورات خود باشیم؛ این معنای تقواست. اگر این حاصل شد، همه‌ی راه‌های بسته

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۱.

www.ourpresident.ir

گشـوده خواهد شد و خدای متعـال در همه‌ی مراحل، ملتی را که دارای تقواست، یاری خواهد کرد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

برنامه‌ی مستکبران برای اختلاف امّت اسلامی

آنچه که من درباره‌ی انقلابمان، درباره‌ی این حادثه‌ی عظیم ملت ایران عرض میکنم - که برای ما آموزنده است، عبرت‌آموز است - اولاً یک تصویری است از واقعیتهای جهان، تا ببینیم مستکبران، استعمارگران، زورگویان عالم، قدرتهای مسلط چه میخواستند و چه شد؛ دنبال چه بودند، اما در عمل چه اتفاق افتاد؛ بعد هم دو ویژگی از ویژگی‌های انقلاب را که مربوط به همین دوره‌ی ماست، عرض خواهم کرد.

در آن بخشِ اول که مربوط به تصویر وضعیت موجود و تطبیق و مقایسه‌ی آن با آن چیزی است که زورگویان و قلدران عالم دنبال آن بودند، عرض میکنم: فاتحان جنگ بین‌الملل اول و دوم که عمدتاً چند کشور اروپائی و آمریکا بودند، اینها برای این منطقه‌ی مهم خاورمیانه یک سیاست تثبیت‌شده‌ای داشتند؛ چون این منطقه، هم از لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی مهم است، منطقه‌ی اتصال آسیا و اروپا و آفریقاست، هم یکی از بزرگترین انبارهای نفت عالم است - که نفت، شریان حیاتی همه‌ی قدرتهای صنعتی

www.ourpresident.ir

است که بر دنیا مسلطند – هم از لحاظ ملتها، اینجا دارای ملتهای کهن، ریشه‌دار و با سوابق تاریخی است؛ لذا برای این منطقه یک سیاستی را اتخاذ کردند. آن سیاست عبارت بود از اینکه در این منطقه باید کشورهائی، واحدهای سیاسی‌ای وجود داشته باشند که این خصوصیات را داشته باشند: اولاً ضعیف باشند؛ ثانیاً با یکدیگر دشمن باشند، مخالف باشند، با هم کنار نیایند، نتوانند اتحاد بکنند – لذا دیدید سیاست تقویت ناسیونالیسم عربی، ناسیونالیسم ترکی، ناسیونالیسم ایرانی در طول سالهای متمادی دنبال شد – ثالثاً حکامشان از لحاظ سیاسی، دست‌نشانده باشند، مطیع باشند، زیر بار قدرتهای غربی بروند، حرف گوش‌کن باشند؛ رابعاً از لحاظ اقتصادی مصرف‌کننده باشند؛ یعنی نفتی را که تقریباً مفت از چنگ اینها خارج میکنند، پول همان نفت را باز خرج واردات کنند، خرج مصرف کنند تا کارخانه‌های غربی رونق بگیرد؛ خامساً از لحاظ علمی عقب‌افتاده باشند، اجازه‌ی پیشرفت علمی به آنها داده نشود. اینهائی که من عرض میکنم، سرفصل است. هر کدام از اینها حقیقتاً یک کتاب شرح و تفصیل دارد. چطور در ایران ما، در بعضی کشورهای دیگر، از توسعه‌ی علم، تعمیق علم جلوگیری میکردند. ملتهای این منطقه، از لحاظ فرهنگی، مقلد محضِ اروپائی‌ها باشند؛ از لحاظ نظامی، ذلیل و آسیب‌پذیر و ضعیف باشند؛ از لحاظ اخلاقی، فاسد باشند، دچار انحطاطهای گوناگون اخلاقی باشند؛ از لحاظ مذهبی هم کاملاً سطحی و قانع به مذهب فردی و احیاناً مذهب تشریفاتی باشند. این تصویری بود که آنها از این منطقه برای خودشان درست کرده بودند، برای این سیاستگذاری کردند؛ شاید استراتژیستهای غربی هزارها ساعت نشستند درباره‌ی این مسائل مطالعه کردند، فکر کردند، برنامه‌ریزی کردند، آدمهاشان را اینجا در کشورهای این منطقه معین کردند و به وسیله‌ی آنها کارها را انجام دادند. با این تحلیل میشود رفتار رضاخان را درست فهمید، رفتار محمّدرضا را فهمید،

www.ourpresident.ir

رفتار مصطفی کمال ترکیه و دیگران و دیگران را فهمید. این، برنامه‌ی اینها بود. موفق هم شدند. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، جز در برهه‌های کوتاهی از زمان، آن هم در بخشی از این مسائل، موفق شدند. فقط در یک برهه‌های کوتاهی، حالا در مصر مثلاً در یک چند سالی یک حکومت ملی سر کار آمد، در ایران یک جور دیگر، در جاهای دیگر یک جور دیگر؛ لیکن عموماً به طور مطلق که نگاه میکنیم، در همه‌ی این بخشها اینها پیشرفت کردند، تا قبل از انقلاب.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

انقلاب اسلامی و برهم زدن محاسبات مستکبران

اما ناگهان حادثه‌ی بزرگی، انفجار عظیمی رخ داد که همه‌ی اوضاعِ اینها را به هم ریخت. یک مرد عالم، برجسته، حکیم، فقیه، مجاهد، شجاع، خطرپذیر و نافذالکلمه به نام امام خمینی در ملت ایران ظهور کرد که حقیقتاً ظهور این مرد، حضور این مرد، تربیت این انسان بزرگ، کار خدا بود. این تقدیر الهی بود که یک چنین اتفاقی بیفتد. مردم ایران هم آماده بودند، استقبال کردند، پذیرفتند، خطرها را به جان خریدند، وارد میدان شدند، جانشان را دادند، مالشان را دادند، امتحان خوبی پس دادند؛ لذا انقلاب اسلامی به وجود آمد. همه‌ی این حسابها به هم ریخت، این محاسبات خراب شد، دچار اختلال شد. انقلاب اسلامی در ایران، قوی ظاهر شد و قوی ادامه پیدا کرد. یعنی اینجور نبود که سال اول و دوم و سوم یک هیجانی به وجود بیاید، بعد مسائل تمام بشود؛ نه، ادامه پیدا کرد؛ که من بعداً درباره‌ی همین ادامه و استمرار عرائضی دارم که عرض خواهم کرد.

امام مثل کوه ایستاد، ملت هم پشت سر امام مثل کوه استواری ایستادند؛

www.ourpresident.ir

جبهه‌ی دشمن هم – یک دشمن نبود، یک جبهه بودند – هرچه توانستند، تلاش کردند؛ هر کاری از دستشان برمی‌آمد، کردند؛ از جنگهای خیابانی، تا جنگهای قومی، تا کودتای نظامی، تا تحمیل جنگ هشت ساله، تا تحریم اقتصادی، تا به راه انداختن ماشین عظیم جنگ روانی در طول سی و دو سال. سی و دو سال است که علیه ملت ایران و علیه انقلاب و علیه امام جنگ روانی وجود دارد: دروغ گفتند، تهمت زدند، شایعه پخش کردند، سعی کردند ایجاد اختلاف کنند، سعی کردند راه‌ها را در داخل منحرف کنند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

اهداف دشمنان از توطئه‌های گوناگون

هدفهائی که آنها دنبال میکردند، در درجه‌ی اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، به خاطر حب به نفس، حب به مقام – از این قبیل امراض خطرناک نفسانی – اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم.

هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند.

www.ourpresident.ir

بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد – عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد – در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست.

این کارها و این مراحل گوناگون تا امروز شکست خورده است، تا امروز نتوانستند. البته خیلی تلاش کرده‌اند، کارهای گوناگونی را دنبال کرده‌اند –که حالا در خلال عرایضم به بعضی از آنها اشاره خواهم کرد – در تلاشِ خودشان کم نگذاشتند، لیکن توفیق پیدا نکردند؛ چون مردم بیدار بودند. ما در جامعه، نخبگان خوبی داریم؛ ملت خوبی داریم؛ مسئولان خوبی داریم. الحمدلله تا امروز دشمن نتوانسته است آن هدفهای خود را انجام دهد. انقلاب راه خود را ادامه داده است و پیش رفته است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

تأثیرات مهم انقلاب اسلامی در تحوّل امور کشور

حالا در انقلاب چه اتفاق افتاد؟ ببینید، اینها مهم است. این انقلابی که در ایران اتفاق افتاد، تغییراتی را به وجود آورد که از لحاظ عمق و ژرفا تغییرات مهمی است، تغییرات اساسی است. بر اساس این تغییرات است که میشود جامعه را پیش برد و تغییرات گسترده‌ای به وجود آورد. این پایه‌های اصلی، محکم گذاشته شد.

من چند مورد از این تغییراتی را که اتفاق افتاد، عرض میکنم. البته اینها را همه میدانید، همه میدانیم، جلوی چشم ماست؛ لیکن همان طوری که خدای متعال در قرآن، ما را متوجه خورشید میکند - «والشّمس و ضحیها»[1]؛ خورشید جلوی چشم ماست، اما سوگند یاد میکند تا ما توجه پیدا کنیم که این پدیده، این حادثه، این موجود اینقدر دارای عظمت است - ما هم باید به این پدیده‌های عظیمِ اطراف خود توجه کنیم؛ لذا گفتن اینها از این جهت لازم است که خودمان توجه پیدا کنیم.

۱. سوره‌ی شمس، آیه‌ی ۱.

www.ourpresident.ir

اولاً پیش از انقلاب، نظام حاکم بر کشور، یک نظام اسلام‌ستیزِ عمقی بود. آنها با ظواهر خیلی کاری نداشتند، اما از لحاظ عمق، حقیقتاً دنبالِ زدن ریشه‌های ایمان اسلامی مردم بودند. در این زمینه هم مثالها، شواهد، خاطره‌ها، فراوان در ذهن بنده هست، که مجال نیست عرض کنم. انقلاب آمد درست صد و هشتاد درجه نقطه‌ی مقابل آنها، اسلام را محور اداره‌ی کشور قرار داد؛ محور مدیریت قرار داد؛ احکام و قوانین اسلامی، معیار و ملاک رد و قبول قوانین کشور و معیار عمل مجریان کشور است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

مردم‌سالاری نقطه‌ی مقابل حکومت سلطنتی

قبل از انقلاب، کشور از لحاظ سیاسی وابسته بود؛ یعنی حکومت، چه خود محمّدرضا، چه دستگاه‌های گوناگون، مطیع آمریکا بودند؛ منتظر اشاره‌ی آمریکا بودند. باز شواهد فراوان است. آدمی پا میشود از اینجا میرود آمریکا – دکتر امینی – برای اینکه آمریکائی‌ها را قانع کند که بشود نخست‌وزیر در ایران. آمد، شد نخست‌وزیر! بعد از یکی دو سال، شاه که با او مخالف بود، بلند شد رفت آمریکا، آمریکائی‌ها را قانع کرد که او را از نخست‌وزیری عزل کند. آمد او را از نخست‌وزیری عزل کرد! این، وضع مملکت ما بود. برای انتخاب نخست‌وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور محتاج موافقت و رضایت آمریکا بود! در بسیاری از مسائل، شاه سفیر آمریکا و سفیر انگلیس را به کاخ خود دعوت میکرد تا تصمیمی را که میخواهد بگیرد، با آنها در میان بگذارد! اگر آنها مخالف بودند، تصمیم عملی نمیشد. وابستگی سیاسی یعنی این. مطیع آمریکا بودند؛ قبل از دوره‌ی آمریکا هم مطیع انگلیس. رضاخان را انگلیسی‌ها خودشان آوردند سرکار؛ وقتی دیدند دیگر به دردشان نمیخورد،

www.ourpresident.ir

خودشان از حکومت عزلش کردند، از کشور بیرونش کردند، پسرش را آوردند سر کار. این قبل از انقلاب بود.

انقلاب آمد استقلال کامل سیاسی را به کشور داد. یعنی امروز در این دنیای بزرگ، در میان این قدرتهای بزرگ، یک قدرت وجود ندارد که بتواند ادعا کند خواست او، اراده‌ی او بر اراده‌ی مسئولین کشور یا ملت ایران اندک تأثیری دارد. این نکته‌ی بخصوص - یعنی ایستادگی، استقلال، عزت سیاسی- بیشترین جذابیت را برای ملتها دارد. اینکه می‌بینید ملتها نسبت به ملت بزرگ ایران احساس احترام میکنند، بخش عمده‌اش مربوط به این قسمت است: استقلال سیاسی.

قبل از انقلاب، حکومت سلطنتی بود. نقطه‌ی مقابل آن، مردم‌سالاری است. در حکومت سلطنتی، مردم هیچکاره‌اند؛ در حکومت مردم‌سالاری، مردم همه‌کاره‌اند. قبل از انقلاب، حکومت، وراثتی بود؛ یکی میمرد، یکی را به جای خودش معین میکرد؛ یعنی مردم هیچ نقشی نداشتند؛ میخواستند، نمیخواستند، ناچار باید قبول میکردند. در جمهوری اسلامی به برکت انقلاب، حکومت انتخابی است؛ مردم انتخاب میکنند؛ مذاق مردم، خواست مردم تعیین کننده است. قبل از انقلاب، حکومت، دیکتاتوریِ امنیتی بود؛ دیکتاتوریِ سخت و سیاه. بنده یادم هست؛ یکی از دوستان ما از پاکستان آمد پیش من - قاچاقی آمده بود مشهد - نقل میکرد، صحبت میکرد؛ گفت بله، فلان اعلامیه را ما توی پارک، با دوستان داشتیم میخواندیم. من تعجب کردم؛ توی پارک؟! اعلامیه؟! ممکن است چنین چیزی؟! اصلاً به ذهن ما خطور نمیکرد که کسی یک اعلامیه توی جیبش باشد و مقداری انتقاد از دستگاه در آن اعلامیه باشد و بتواند توی کوچه راه برود. این وضع دیکتاتوری امنیتیِ آن روز بود. انقلاب آمد فضای آزاد را، فضای نقد را، فضای اصلاح را، فضای تذکر را، حتّی فضای مخالفت و اعتراض را برای مردم باز کرد. در طول این

www.ourpresident.ir

سی و دو سال همین جور بوده است؛ حتّی سالهای اول انقلاب.

قبل از انقلاب، تکیه‌ی علم و فناوری کشور به طور کامل به غرب بود. بارها گفته‌ام؛ بعضی از قطعات هواپیماهای نظامی ما را که خراب شده بود، سائیده شده بود، بنا بود اصلاح شود، اجازه نمیدادند مهندسین داخلی نیروی هوائی این قطعه را باز کنند، ببینند چی هست، چه برسد به اینکه به فکر درست کردنش بیفتند. قطعه را میگذاشتند توی هواپیما، میبردند آمریکا، یکی به جایش می‌آوردند؛ یا اگر بنا بود اصلاحش کنند، اصلاحش میکردند. صنعتی که وجود داشت، صنعت مونتاژ محض بود، بدون هیچ ابتکاری. بعد از انقلاب، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی به وجود آمد؛ حضور این همه دانشمند، دانشمندان برجسته و بزرگ، در رشته‌های مختلف، مشاهده شد. امروز ما دانشمندانی در داخل کشور داریم که در سطح جهان، شبیه آنها و نظیر آنها قابل شمارشند؛ تعداد معدودی هستند. دانشمندان ما پیش رفتند؛ غالباً هم جوان.

قبل از انقلاب، کشور ایران در مسائل جهان، حتّی در مسائل منطقه، هیچ تأثیری نداشت؛ یک کشور تحقیر شده‌ای بود؛ هیچگونه تأثیری در مسائل نمیتوانست بگذارد. بعد از انقلاب، عزت و عظمت این ملت در چشم ملتهای جهان، تأثیرش در قضایای منطقه، دشمنان را مبهوت کرده؛ دشمنان به اقرار و اعتراف وادار شدند. امروز شما نگاه کنید؛ توی این سایتهائی که خبرهای خارجی را می‌آورند، دائم از نفوذ ایران، از تسلط ایران، از حضور ایران در قضایای منطقه ذکر میشود؛ حتّی با انگیزه‌های مغرضانه، اما اعتراف میکنند.

قبل از انقلاب، در زمینه‌های فرهنگی، ما مقلد محض بودیم؛ اما بعد از انقلاب، تهاجم فرهنگی به عنوان یک خطر شناخته شد. از این قبیل سرفصلها زیاد است. اینها چیزهای اساسی است.

وقتی در یک کشور این پایه‌ها گذاشته شد، آنگاه این ملت میتواند

www.ourpresident.ir

امیدوار باشد که بر روی این پایه‌ها بنای یک تمدن جدید و عظیم را میتواند پایه‌گذاری کند. خب، هر کدام از این خصوصیات به نحوی جلب نظر ملتها را میکند. ملتهای دیگر نگاه میکنند، می‌بینند، مجذوب میشوند، تحسین میکنند؛ که البته از همه مهمتر، همان مسئله‌ی استقلال سیاسی و ایستادگی در مقابل زورگوئی دشمنان است.

من یک جمله‌ای را از یک مقام غربی نقل کنم. بنده دأبم نیست از قول این سیاستمدارها و معاریف غربی چیزی بگویم؛ اما این جمله‌ی جالبی است. او میگوید: دو چیز است که اگر در میان مسلمانها دست به دست بگردد و ملتهای مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر همه‌ی تابوهای غرب - یعنی اصول جزمی غرب - در هم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این متفکر غربی میگوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است؛ که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفته‌ی امروزی و در عین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن میسازد. این قانون اساسی نشان میدهد که میتوان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملاً دینی باشد. قانون اساسی این را تصویر میکند. میگوید چنین چیزی ممکن است. این یک. دوم، کارنامه‌ی موفقیتهای علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است؛ که اگر این دست مسلمانها برسد، می‌بینند که آن امرِ ممکن اتفاق افتاده است، واقع شده است. او میگوید اگر ملتهای مسلمان از این امکان و وقوع نسبی که هم ممکن است، هم در ایرانِ امروزِ اسلامی به طور نسبی واقع شده است، مطلع شوند، این نظام‌سازی را پیش چشم داشته باشند، دیگر جلوی سلسله‌ی انقلابها را نمیتوان گرفت.

امروز این اتفاق افتاده است. البته این اتفاق، امروز نیفتاده است؛ سی سال است. یک مطلبی تدریجاً و آرام آرام در ذهن ملتها جا میگیرد، رشد میکند،

www.ourpresident.ir

پخته میشود، بعد به این صورتی که امروز در شمال آفریقا و در مناطق دیگر مشاهده میکنید، بروز میکند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

اشتباهات سیاسی غرب،
فرصتی برای رشد و توسعه‌ی ایران

البته خود غربی‌ها اشتباهات سیاسی‌ای داشتند؛ این اشتباهات سیاسی هم به جمهوری اسلامی کمک کرد. ببینید، در همین قضیه‌ی هسته‌ای، غربی‌ها اشتباه کردند. برای اینکه با قضیه‌ی هسته‌ای ایران مقابله کنند، آن را بزرگ کردند، جنجال کردند، فشار آوردند که باید جمهوری اسلامی از قضیه‌ی هسته‌ای عقب‌نشینی کند. خب، در طول این هفت سال – هفت سال است که آنها دارند تلاش میکنند – دوچیز برای مردم دنیا روشن شد: یکی اینکه ایران توانسته است در قضیه‌ی هسته‌ای پیشرفتهای غیر قابل انتظاری پیدا کند. دوم اینکه ایران با همه‌ی این فشارها ایستاده و عقب‌نشینی نمیکند. خب، این به نفع ملت ایران بود. حالا همه‌ی دنیا میدانند که آمریکا و اروپا و دستیارانشان و دنباله‌روانشان با همه‌ی فشاری که آوردند، نتوانستند بر جمهوری اسلامی فائق بیایند و او را به عقب‌نشینی وادار کنند. این به دست خود دشمنان ملت ایران شناخته شد؛ یعنی کمک شد به معرفی ملت ایران.

www.ourpresident.ir

در قضایای دیگر هم همین جور است. جنجال کردند که میخواهیم بنزین را تحریم کنیم تا بنزین وارد نشود. خب، ما وارد کننده‌ی بنزین بودیم و هستیم. گفتند میخواهیم جلوی ورود بنزین را بگیریم. جنجال و هیاهو و سروصدا کردند. تحلیلگرانشان پیش‌بینی کردند، گفتند کشور شلوغ خواهد شد، مردم چه خواهند کرد. خب، این موجب شد که مسئولین کشور به فکر تولید بیشتر بنزین افتادند. امروز طبق گزارشی که من دارم – البته به توفیق الهی تا بیست و دوم بهمن – کشور به طور کامل از واردات بنزین بی‌نیاز میشود. طبق گزارشی که به من دادند، بعد از آن ما حتّی میتوانیم بنزین را صادر کنیم؛ که دستورش را هم داده‌اند. خب، این جنجال آنها به نفع ملت ایران تمام شد. ناظران بین‌المللی هم این را دیدند. در همه‌ی قضایا همین جور است؛ در تحریم سلاح در دوران جنگ همین جور است، در ایجاد جریان موازی و افراطی اسلامی همین جور است. آمدند در همسایگی ما یک جریان افراطی اسلامی را به وجود آوردند، برای تنه زدن به جمهوری اسلامی. حالا آفتی شده به جان خودشان افتاده، نمیتوانند جلویش را بگیرند، نمیدانند چه جوری علاجش کنند. در ایجاد اختلافات مذهبی همین‌جور بود. در همین فتنه‌ی ۸۸ همین جور بود. جنجال کردند، هیاهو کردند، گفتند جمهوری اسلامی تمام شد رفت، اختلافات شد، چنین شد، چنان شد؛ بعد نگاه کردند، دیدند ملت ایران فائق آمد. نُه دی و بیست و دوی بهمنِ پارسال جزو ایام‌الله – به معنی حقیقی کلمه – بود. دلها دست خداست. خدای متعال این دلها را آورد وسط صحنه، ملت ایران عظمت خودش را نشان داد. هر کاری میکنند، به ضررشان تمام میشود. بعد از این هم همین جور خواهد بود. خب، این واقعیتی است که امروز در دنیا وجود دارد. چی میخواستند، چی شد!

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

www.ourpresident.ir

نشر انقلاب اسلامی

ایستادگی بر اصول،
عامل الگو شدن انقلاب اسلامی

و اما آن قسمت دوم که عرض کردم باید بگویم. در هر پدیده‌ای اگر بخواهیم اهمیت آن را تشخیص دهیم و همچنین موفقیت این کار را تشخیص دهیم، باید نگاه کنیم ببینیم این پدیده چقدر توانسته است الگوسازی کند و سرمشق واقع بشود و چقدر استقامت به خرج داده است، ثبات به خرج داده است، پای حرف خود ایستاده است. انقلابها هم همین جور است. یک انقلاب اگر بخواهد بر روی ذهن و عمل دیگران تأثیر بگذارد و الگو واقع بشود، باید خصوصیاتی داشته باشد. مهمترین این خصوصیات، همین ثبات و استقامت و ایستادگی است. اگر این شد، انقلاب برای دیگران الگو واقع خواهد شد؛ والّا برقهائی که یک جائی بزند و خاموش شود، خیلی نمیتوانند الگوسازی کنند، خیلی نمیتوانند دیگران را به دنباله‌روی خود تشویق کنند. انقلاب ما اینجوری بوده است. انقلاب ما توانسته است الهامبخش باشد، الگوساز باشد؛ و این بر اثر ثبات و استقامت و ایستادگی بر اصول و پایه‌های

www.ourpresident.ir

اصلی است که این انقلاب به وسیله‌ی امام اعلام کرد.

این انقلاب ایستادگی کرد. من در این مورد هم چند نمونه را عرض بکنم. یک نمونه، اسلامی بودن است. امام از اول گفت انقلاب ما اسلامی است، مبتنی بر اسلام است. در دنیا هو و جنجال زیاد شد؛ گفتند اسلامی بودن با دموکراسی نمیسازد، اسلامی بودن ارتجاع است، اسلامی بودن عقبگرد است، احکام اسلام قابل پیاده شدن نیست و چه و چه و چه. یک عده‌ای هم صداهای آنها را در داخل کشور منعکس کردند؛ کتاب نوشتند، مقاله نوشتند، شایعه پخش کردند، برای اینکه جمهوری اسلامی را از پایبندی به اسلام وادار به عقب‌نشینی کنند. جمهوری اسلامی ایستاد و تسلیم هوچیگری‌ها نشد. بله، ما اسلامی هستیم؛ به این افتخار میکنیم و ثابت میکنیم که راه نجات بشر این است. جمهوری اسلامی این را با صدای بلند به همه‌ی دنیا اعلام کرد.

امروز بعد از سی و دو سال، شما نگاه کنید به جامعه‌ی ما؛ رفتارها از روز اول اگر اسلامی‌تر نباشد، حداقل مثل روز اول پیروزی این انقلاب است. جوانهائی که امام را ندیدند، دوران جنگ را ندیدند، از انقلاب چیزی به یادشان نیست، اما پایبندی و التزامشان به مبانی اسلام، از بعضی ما پیرمردها بهتر است؛ قوی‌ترند. مسئولین کشور افتخار میکنند به اسلامی بودن. البته در طول این سی و دو سال خیلی تلاش شد؛ حتّی در داخل تشکیلات حکومتی کسانی بودند که تلاش کردند شاید بتوانند راه‌ها را به صورت زیگزاگی در بیاورند و تدریجاً دور کنند، زاویه بدهند؛ اما نتوانستند. جمهوری اسلامی بر سر مبانی خود، مبنای اسلامی بودن ایستاد. این یک نمونه.

یک نمونه‌ی دیگر، مسئله‌ی مردم‌سالاری است. امام از اول اعلام کرد که مردم باید نظر بدهند؛ چه در اصل انتخاب جمهوری اسلامی، چه در تدوین قانون اساسی، چه در پذیرش آن قانونی که در مجلس خبرگان تصویب شده

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

بود، چه در انتخاب رئیس جمهور، چه در انتخاب مجلس. امام ایستاد. ببینید، سی و دو سال از انقلاب میگذرد، با محاسبه‌ی رفراندومهائی که شده است، ما سی و دو تا حضور مردم داشتیم – یعنی به طور متوسط سالی یکی – مردم رفتند رأی دادند، انتخاب کردند. انتخاب مردم خیلی مهم است. در دوران جنگ، این تهران زیر بمباران بود، اما انتخابات تعطیل نشد. دوران جنگ، در شهرهائی که موشکباران رژیم صدام بود، انتخابات تعطیل نشد. در یکی از دوره‌های مجلس فشار آوردند شاید بتوانند به دلائل سیاسیِ خودشان انتخابات را تأخیر بیندازند، اما موفق نشدند. تا امروز در انتخابات جمهوری اسلامی و حضور مردم، یک روز تأخیر نشده است؛ این مردم‌سالاری است. روز اول امام گفت و جمهوری اسلامی بر سر این مردم‌سالاری ایستاد؛ قبول نکرد که از مردم‌سالاری عبور کند. امروز مسئولین کشور، از خبرگان رهبری که رهبر را نصب میکنند و عزل میکنند، گرفته، تا ریاست جمهوری، تا مجلس، تا شوراها، منتخبین مردمند. جریانهای گوناگون هم سر کار آمدند. اینجور هم نبوده است که ما بگوئیم یک جریان؛ نه، از اول تا امروز، این چند رئیس جمهوری که سر کار آمدند، هر کدام به یک شکل، یک جهتگیری و گرایش سیاسی داشتند؛ اما همه با انتخاب مردم بر سر کار آمدند.

نمونه‌ی بعدی، نمونه‌ی عدالت اجتماعی است. امام از اول اعلام عدالت کردند. خب، عدالت اجتماعی از همه‌ی این کارها سخت‌تر است؛ من به شما عرض بکنم. از حفظ مردم‌سالاری و بقیه‌ی کارهائی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت‌تری است؛ بسیار کار دشواری است. نمیگویم هم که ما تا امروز توانستیم به طور کامل عدالت اجتماعی را مستقر کنیم؛ نه، هنوز خیلی فاصله داریم. آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است، با آنچه که امروز در جامعه‌ی ماست، فاصله‌ی زیادی دارد؛ اما حرکت به سمت عدالت اجتماعی متوقف نشد و ادامه پیدا کرد

www.ourpresident.ir

و روزبه‌روز شدیدتر شده است. امروز حرکت به سمت عدالت اجتماعی از سالهای قبل هم بیشتر است، از دوره‌های قبل هم بیشتر است. یکی از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصتهای کشور است. در نظامهای غافل از حقیقت عدالت اجتماعی، بر روی طبقه‌ی خاصی تکیه میشود، بر روی مناطق خاصی از کشور تکیه میشود؛ اما در جمهوری اسلامی هرچه پیش می‌آئیم – تا امروز که سی و دو سال گذشته – این معنا را قوی‌تر می‌بینیم. روستاها در حوزه‌ی مراقبت قرار میگیرند، شهرهای دوردست در حوزه‌ی مراقبت قرار میگیرند. این همه مسکن‌سازی در روستاها، این همه جاده‌سازی به سمت شهرهای دور کشور و روستاها، راه‌های ارتباطی، ارتباطات گوناگون، نیروی برق، آب مناسب، تلفن، امکانات زندگی، اینها در سرتاسر کشور توزیع شده است.

این سفرهائی که مسئولین کشور به استانهای مختلف، به شهرهای مختلف میکنند، بعضی از این شهرهای دوردست تصور نمیکردند که بتوانند یک مسئول درجه‌ی دو را هم ببینند؛ حالا می‌بینند که مسئولین بالای کشور میروند سراغ اینها. اینها خیلی بااهمیت است، خیلی ارزش دارد. وقتی انسان رفت، مشکلات را مشاهده میکند، برای برطرف کردن مشکلات انگیزه به وجود می‌آید؛ و همین، استقرار عدالت اجتماعی است. داریم میرویم به سمت عدالت اجتماعی.

آنچه که انسان در دنیا از زندگی مسئولان مشاهده میکند، زندگی‌های اشرافی است؛ کسی که به حکومت میرسد، رئیس جمهور میشود یا یک مقام بالائی پیدا میکند، زندگی‌اش کأنه از این رو به آن رو میشود؛ در کشور ما نه. البته امثال بنده باید زندگی‌هامان را مطابق با ضعیف‌ترین اقشار جامعه قرار بدهیم. نتوانستیم، این توفیق را نداشتیم، این نشده است؛ اما زندگی مسئولین جامعه، مسئولین کشور بحمدالله مثل زندگی متوسط مردم، گاهی بعضی

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

پائین‌تر از متوسط مردم است؛ اینها خیلی باارزش است.

همین مسئله‌ی سهام عدالت، همین مسکن روستائی، همین هدفمند کردن یارانه‌ها، یک کار بزرگی است. اگر ان‌شاءالله مسئولین کشور بتوانند این را خوب اجرا کنند و عمل کنند، این خیلی مهم است. این یارانه‌ای که دولت برای نیروی برق به همه‌ی مردم میداد، خب، آن کسی که توی خانه چهلچراغ و لوستر روشن میکند و مصرف برق بیشتری میکند، آن کجا، آن کسی که یک شعله، دو شعله‌ی برق توی خانه دارد، این کجا؟ آن کسی که ثروتمندتر است، بیشتر از این یارانه استفاده میکرد؛ این ظلم بود. میخواهند جلوی این ظلم را بگیرند. همین طور در قضیه‌ی نان، همین طور در قضیه‌ی بنزین و غیر اینها. ما ایستادیم. نظام بر روی شعار عدالت اجتماعی ایستاد.

نقطه‌ی بعدی، استکبارستیزی است؛ عدم تسلیم در مقابل فشارها. در این زمینه هم ایستادیم. این کار، سخت بود؛ اما جمهوری اسلامی توانست این کار سخت را با موفقیت انجام دهد. خیلی‌ها بودند از همان اوائل انقلاب، میگفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با آمریکائی‌ها مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم‌ستیزی انقلاب تخطئه شود. این را تشویق میکردند. در طول زمان، بودند کسانی که دنبال این بودند؛ یعنی برویم با آمریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ماست، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه‌ی فلسطین است. معنای این حرف، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و امثال اینهاست. معنای این حرف، چشم بستن بر روی این همه ظلمی است که آمریکا در جهان بر ملتها دارد انجام میدهد. معنای این حرف، یعنی به این مسائل اعتراض نکنیم. خب، عادی کردن روابط معنایش این است که دیگر ملت ایران و مسئولین ایران نتوانند صریح اعتراض کنند و حرفشان را بزنند؛ و یک مرحله آن طرف‌تر، تدریجاً مجبور بشوند حرف

www.ourpresident.ir

آنها را قبول کنند. خب، این ثبات و استقامت، پر زحمت بود؛ اما بابرکت بود، رحمت الهی را هم جلب کرد، توجه ملتها را هم جلب کرد. ایستادگی شما ملت ایران ظرف این سی و دو سال بر روی شعارهای اصلی انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت نگاه میکند. وقتی مسئولین کشور شما به کشورهای مختلف سفر میکنند، آنجور استقبالی از آنها میشود. وقتی حسابگرها میخواهند محبوبیت شخصیتهای سیاسی را محاسبه کنند، مسئولین کشور شما در ردیف اول قرار میگیرند. ملت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده میکنید. این برکت بزرگ و این خصوصیت از خصوصیاتی است که جز با گذشت زمان معلوم نمیشد.

امروز در کشور مصر دارد انعکاس صدای شما شنیده میشود. آن رئیس جمهور آمریکا که در دوره‌ی انقلاب ما رئیس جمهور بود، همین چند روز پیش مصاحبه کرده، گفته این صداهائی که در مصر شنیده میشود، برای من آشناست! یعنی آنچه امروز در قاهره شنیده میشود، در تهرانِ آن روزهای ریاست جمهوری او شنیده میشد. اینها را دنیا دارد قضاوت میکند. لذا امسال دهه‌ی فجر ما مهم است، حساس است، پر شور و حال است. ان‌شاءالله راهپیمائی بیست و دوی بهمن به وسیله‌ی شما ملت عزیز بر همه‌ی این افتخارات خواهد افزود.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ـ ۸۹/۱۱/۱۵

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

فهرست آیات قرآن کریم

اهدنا الصّراط المستقیم.	فاتحه	۶	۲۴۲
و... إنّی جاعلٌ فی الأرض خلیفة...	بقره	۳۰	۲۵۹
و... ضربت علیهم الذّلّة و المسکنة...	بقره	۶۱	۲۴۰
و لن ترضی عنک الیهود و لا...	بقره	۱۲۰	۴۹، ۲۰۳
تلک أمّةٌ قد خلت لها ما کسبت....	بقره	۱۳۴	۳۴۱
لا... فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن...	بقره	۲۵۶	۳۰۸
و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء...	بقره	۲۰۷	۵۵
انّ... و جاهدوا فی سبیل الله...	بقره	۲۱۸	۶۴۲
فلمّا... کم من فئة قلیلة غلبت...	بقره	۲۴۹	۱۷۶
لااکراه... فقد استمسک بالعروة...	بقره	۲۵۶	۸۷۹
فإن... لا تظلمون و لا تظلمون.	بقره	۲۷۹	۳۸۵
آمن الرّسول بما أنزل إلیه من ربّه...	بقره	۲۸۵	۱۶۲، ۴۵۹، ۹۲۷
ما أصابک من حسنة فمن الله و...	نساء	۷۹	۶۸۶
یا... کونوا قوّامین بالقسط شهداء...	نساء	۱۳۵	۵۵

نشر انقلاب اسلامی
www.ourpresident.ir

یا... کونوا قوّامین لله شهداء...	مائده	۸	۵۵
قال... فإذا دخلتموه فإنّکم غالبون....	مائده	۲۳	۴۰۳
یا... من یرتدّ منکم عن دینه فسوف...	مائده	۵۴	۶۴۲
یا... علیکم أنفسکم لا یضرّکم...	مائده	۱۰۵	۲۱۲ ـ ۲۱۳
من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها...	انعام	۱۶۰	۲۹۳
و لو أنّ أهل القری آمنوا و اتّقوا...	اعراف	۹۶	۷۷۶، ۸۹۵
الّذین... و یضع عنهم إصرهم و...	اعراف	۱۵۷	۱۰۰۸
فلم... و ما رمیت إذ رمیت و لکنّ ...	انفال	۱۷	۸۳۰
و اتّقوا فتنة لا تصیبنّ الّذین ظلموا ...	انفال	۲۵	۸۱۳
و إذ یمکر بک الّذین کفروا لیثبتوک....	انفال	۳۰	۲۲۳
و... هو الّذی أیّدک بنصره و...	انفال	۶۲	۱۶۲، ۲۳۵
و... لو أنفقت ما فی الأرض جمیعا...	انفال	۶۳	۵۰، ۵۱، ۷۴۰، ۹۷۵
إنّ الّذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا...	انفال	۷۲	۵۵
هو... لیظهره علی الدّین کلّه...	توبه	۳۳	۳۷۶
فاستقم کما أمرت و من تاب...	هود	۱۱۲	۲۴۱
له... إنّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی...	رعد	۱۱	۸۱۲، ۸۵۳
أ لم ... أصلها ثابتٌ و فرعها فی...	ابراهیم	۲۴ ـ ۲۵	۵۷، ۸۱۵، ۹۹۷
تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربها...	ابراهیم	۲۵	۹۹۸
أ لم تر إلی الّذین بدّلوا نعمت اللّه...	ابراهیم	۲۸ ـ ۲۹	۱۷۵
و من أراد الآخرة و سعی لها سعیها...	اسراء	۱۹	۳۰۹
و... عسی أن یبعثک ربّک مقاما محمودا.	اسراء	۷۹	۵۶
نحن... إنّهم فتیةٌ آمنوا بربّهم و...	کهف	۱۳	۳۹۹
و من یأته مؤمنا قد عمل الصّالحات...	طه	۷۵	۳۴۲، ۳۴۳
جنّات ...ذلک جزاء من تزکّی.	طه	۷۶	۳۴۲
و لقد کتبنا فی الزّبور من بعد الذّکر...	انبیاء	۱۰۵	۷۷۴
یا... و تری الأرض هامدة فإذا ...	حج	۵	۱۵۸

www.ourpresident.ir

الّذين... و لينصرنّ الله من ينصره ...	حج	۴۰	۹۹۰
و جاهدوا فی الله حقّ جهاده هو...	حج	۷۸	۶۴۲
و... كلّ شیء هالكٌ إلاّ وجهه...	قصص	۸۸	۸۷۷
و الّذين جاهدوا فينا لنهدينّهم ...	عنكبوت	۶۹	۴۴۹، ۷۵۳
و لقد آتينا لقمان الحكمة أن اشكر...	لقمان	۱۲	۲۵۰
و جعلنا منهم أئمّة يهدون بأمرنا...	سجده	۲۴	۶۹۳
يا أيّها النّبیّ اتّق اله و لاتطع ...	احزاب	۱	۱۰۱۳
لقد كان لكم فی رسول الله أسوةٌ ...	احزاب	۲۱	۹۷۹، ۹۹۱
و لمّا... هذا ما وعدنا الله و رسوله...	احزاب	۲۲	۵۲
يا أيّها الّذين آمنوا اتّقوا الله و...	احزاب	۷۰	۹۹۱
و... لا يعزب عنه مثقال ذرّة فی...	سباء	۳	۲۱۳
بل هم اليوم مستسلمون.	صافات	۲۴	۲۴۳
إنّهم... لا إله إلاّ الله يستكبرون.	صافات	۳۵	۷۰۹
يوم... لله الواحد القهّار.	غافر	۱۶	۱۵۸
و... أمرهم شوری بينهم.	شوری	۳۸	۷۴۰
فلذلک... استقم كما أمرت....	شوری	۱۵	۲۴۲
يا... إن تنصروا الله ينصركم...	محمّد	۷	۸۲۶
هو الّذی أنزل السّكينة فی قلوب...	فتح	۴	۹۲۷
و يعذّب المنافقين و المنافقات و...	فتح	۶	۹۹۰
و لله جنود السّماوات و الأرض و...	فتح	۷	۷۳۶
انّ... فمن نكث فإنّما ينكث علی...	فتح	۱۰	۸۶۷، ۹۰۸
هو... ليظهره علی الدّين كلّه...	فتح	۲۸	۳۷۶
محمّدٌ... أشدّاء علی الكفّار رحماء...	فتح	۲۹	۵۶
يمنّون عليک أن أسلموا قل لا تمنّوا...	حجرات	۱۷	۲۵۱، ۹۶۹
لا تجد... رضی اللّه عنهم و رضوا...	مجادله	۲۲	۵۶
و... نسوا الله فأنساهم أنفسهم...	حشر	۱۹	۹۹۸

نشر انقلاب اسلامی
www.ourpresident.ir

قد كانت لكم أسوةٌ حسنةٌ فی...	ممتحنه	۴	۹۷۹
هو الّذی أرسل رسوله بالهدی...	صف	۹	۱۶۱، ۳۷۶
هو الّذی بعث فی الأمّیّین رسولا...	جمعه	۲ ـ ۳	۲۱۸
ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و...	جمعه	۴	۲۱۹
مثل الّذین حمّلوا التّوراة ثمّ لم...	جمعه	۵	۲۱۹، ۲۲۰، ۲۴۰
و الشّمس و ضحیها.	شمس	۱	۱۰۲۲
فمن یعمل مثقال ذرّة خیرا یره....	زلزال	۷ ـ ۸	۲۴۴
إنّا أعطیناک الکوثر.	کوثر	۱	۲۱۹

www.ourpresident.ir

فهرست روایات و ادعیه

من کان لله کان الله له.	ـ	۵۱، ۲۶۳
الهی لم یزل برّک علیّ ایام حیاتی	دعا	۵۷
و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک.	دعا	۱۲۲
الغالب الذی لا یغلب.	ـ	۲۱۸
اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک.	ـ	۲۴۱
لا تبتلینی بالکبر.	امام سجّاد علیه‌السلام	۲۴۲
الا و انّ امامکم قد اکتفی من دنیاه....	امام علی علیه‌السلام	۲۴۵
من اصلح فیما بینه و بین الله...	ـ	۲۶۳
و لا یحمل هذا العلم الا اهل...	امام علی علیه‌السلام	۲۹۶
کالجبل لاتحرکه العواصف.	ـ	۴۱۷
و حصّن ثغور المسلمین.	امام سجاد علیه‌السلام	۶۶۶
فلما رأی الله صدقنا.	امام علی علیه‌السلام	۶۸۹، ۶۹۰
و انّما یؤتی خراب الارض من...	امام علی علیه‌السلام	۷۷۰، ۷۷۱
لیثیروا لهم دفائن العقول.	امام علی علیه‌السلام	۸۲۷

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

لیستنقذ عباده من الجهالة و حیرة...	دعا	۸۲۷
انس للموت من الطّفل بثدی امّه.	امام علی علیه‌السلام	۸۷۷
و امنّا به و لم نره صدقا و عدلا.	دعا	۹۰۱
لا یحمل هذا العلم الا اهل...	امام علی علیه‌السلام	۹۲۶، ۹۴۲
و ان نسالم من عادانا.	امام سجاد علیه‌السلام	۹۸۶

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

فهرست اشعار

اشعار ترکی

مصرع	شاعر	بیت	صفحه
آذربایجان! اویاخسان	ـ	۱	۶۸۲

اشعار فارسی

مصرع	شاعر	بیت	صفحه
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند	حافظ	ـ	۱۹۸
باش تا صبح دولتش بدمد	ـ	۱	۴۲۲
بسا باشد که مردی آسمانی	ـ	۲	۴۸۷
عالم پیر دگرباره جوان خواه شد	حافظ	ـ	۷۱۱
مؤذن بانگ بی‌هنگام برداشت	ـ	۲	۵۶۴
مه فشاند نور و سگ عوعو کند	مولوی	۱	۹۲۱
هر چه گویم عشق را شرح و بیان	ـ	۱	۷۷۰
هر که در او جوهر دانایی است	ـ	۱	۴۸۵
یکی بر سر شاخ و بن می‌برید	ـ	ـ	۷۲۹

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

نشر انقلاب اسلامی

فهرست اسامی اشخاص

آخوند خراسانی (ملّا محمّدکاظم)، ۵۴۵، ۶۹۱
ابراهیم(ع)، ۸۰۵، ۹۷۹
ابوبکر بن ابی‌قحافه، ۹۹۵
ابوجهل (ابوالحکم عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی)، ۱۲۳
ابوسفیان (صخر بن حرب)، ۱۲۳
احسان الله خان، ۵۸۰
اراکی (میرزا محمّدعلی)، ۱۰۰۱
اردشیر بابکان، ۲۶۴
استالین (ژوزف)، ۷۸۲
اسدآبادی (سید جمال الدین)، ۱۵۹، ۲۵۳، ۳۰۶، ۵۶۰، ۶۹۱، ۸۰۱
اسماعیل، ۱۰۳
آقا محمّدخان قاجار، ۲۶۶، ۵۹۸
اقبال لاهوری (محمّد)، ۱۵۹، ۱۸۵
آلبرایت (مادلین)، ۵۱۰
آلنده (سالوادور)، ۵۶۶
امام قلی خان، ۶۰۷
امیراسماعیل سامانی، ۲۶۹
امینی (علی)، ۱۰۲۴
انوشیروان، ۶۰۶
ایدن (آنتونی)، ۹۰
بختیار (شاهپور)، ۲۷، ۳۵۱
بهبهانی (سیّد عبدالله)، ۵۴۵، ۵۴۶
بهجت فومنی (محمّدتقی)، ۱۰۰۱
بهشتی (سیّد محمّد حسینی)، ۲۵۸، ۶۸۵
بوش، پدر (جرج واکر)، ۶۳۹

www.ourpresident.ir

بوش، پسر (جورج واکر)، ۶۳۹
پهلوی (رضا خان)، ۷۷، ۷۸، ۱۸۵ ـ ۱۸۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۸۹، ۳۲۱، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۴ ـ ۳۶۶، ۴۱۹، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۳، ۴۹۲، ۵۰۴، ۵۲۱، ۵۲۶، ۵۳۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۲، ۵۶۸، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۸۰، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۷، ۶۲۳، ۶۳۴، ۶۴۸، ۶۵۴، ۷۲۰، ۷۴۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۷۱، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۹، ۸۱۳، ۸۴۱ ـ ۸۴۳، ۸۴۸، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۹۴۰، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۹، ۱۰۱۶، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵
پهلوی (محمّدرضا)، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۳۴، ۲۴۳، ۲۶۵، ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۶۵، ۴۳۵، ۴۳۶ ـ ۴۳۸، ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۶۳، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۲۱، ۵۴۷، ۵۵۲، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۷۵، ۵۷۸، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۳۴، ۶۴۸، ۶۵۴، ۷۴۰، ۷۵۳، ۷۸۷، ۷۸۹، ۸۱۳، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۹۷، ۸۹۸، ۹۲۸، ۹۳۵، ۹۴۱، ۹۵۵، ۹۵۹، ۹۷۱، ۱۰۱۶، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵
تقی‌زاده (سید حسن)، ۴۱۹
جعفر بن محمّد، امام صادق(ع)، ۶۴۳، ۶۴۴
جعفر بن موسی، امام کاظم(ع)، ۷۰۱، ۷۰۲
جناح (محمّدعلی)، ۵۹۶
چمران (مصطفی)، ۷۳۱
حائری یزدی (عبدالکریم)، ۹۶، ۲۷۳، ۲۷۴، ۴۷۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۷۵۲، ۱۰۰۱
حافظ شیرازی (خواجه شمس‌الدین محمّد)، ۷۱۱
حجت بن الحسن، حضرت مهدی(عج)، ۸۰، ۱۹۱، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۶۰، ۳۱۲، ۳۱۷، ۵۰۶، ۶۷۱ ـ ۶۷۳، ۸۹۹
حسن بن علی، امام مجتبی(ع)، ۲۳۶، ۲۳۷، ۱۰۱۳
حسین بن علی، سیدالشهداء(ع)، ۶۷ ـ ۷۲، ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۷۸، ۳۸۰ ـ ۳۸۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۶۹، ۸۲۷، ۹۷۶
حسین‌علی میرزا، ۸۸۶
خامنه‌ای (سیّد جواد)، ۴۳۰، ۸۹۸
خضر(ع)، ۱۶۸
خمینی (سیّد احمد)، ۲۴۷، ۲۴۹ ـ ۲۵۱
خمینی (سیّد روح‌الله مصطفوی، امام)، در بسیاری از صفحات
خمینی (سیّد مصطفی)، ۴۷۶، ۴۷۷
خیابانی (محمّد)، ۳۳۸، ۵۸۱
رئیس جمهور کشور پرو، ۵۴۳
روزولت (کیم)، ۶۰۰
رویتر (بارون ژولیوس دو)، ۸۳۸، ۸۴۲
زاهدی (اردشیر)، ۱۸۵
زبیر بن عوام (ابوعبدالله)، ۹۹۵، ۹۹۶

نشر انقلاب اسلامی
www.ourpresident.ir

زینب بنت علی(س) ۳۱۹، ۸۷۳
ستاری (منصور)، ۵۰۹
سعدی شیرازی (مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله)، ۷۵۷
سلطان محمود غزنوی، ۲۶۵
سلمان رشدی (سر احمد)، ۱۷۸، ۱۷۹
شاه اسماعیل صفوی، ۲۶۹
شاه عبّاس صفوی، ۲۶۹، ۶۰۷
شیرازی (سید نورالدین)، ۸۸۳
شیطان (ابلیس)، ۱۱۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۸۱،۳۲۸، ۶۷۰، ۶۸۲، ۷۹۵، ۹۹۶
صدام حسین عبدالمجید تکریتی، ۲۱۷
ضحاک، ۸۸۶
طباطبایی (سیّد ضیاءالدین)، ۵۹۷ ص ۵۹۸
طباطبایی بروجردی (سیّد حسین)، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۵۶
طباطبایی (سیّد محمّد)، ۵۴۵، ۵۴۶
طلحة بن عبدالله، ۹۹۵، ۹۹۶
عبدالملک بن مروان بن حکم اموی ، ۲۶۴
عثمان بن حنیف، ۲۴۵
عضدی (حسن)، ۵۷۲، ۵۷۳
علم (اسدالله)، ۱۸۵
علی بن ابیطالب، امام علی(ع)، ۵۶، ۷۲، ۲۴۵، ۲۹۶،۳۴۶، ۳۸۱، ۴۵۹، ۵۵۴، ۵۷۰، ۷۷۰، ۷۷۱، ۸۲۷، ۸۷۷، ۹۲۶، ۹۴۲، ۹۹۵، ۹۹۶
علی بن حسین، امام سجاد(ع)، ۸۷۳، ۹۸۶
علی اصغر بن حسین(ع)، ۳۸۲
علی بن موسی، امام رضا (ع)، ۱۲۷، ۱۹۹، ۵۱۲، ۵۷۰، ۹۳۹، ۱۰۱۳
عیسی بن مریم(ع)، ۷۵، ۲۶۸، ۸۰۵
فتحعلی شاه قاجار، ۲۶۹، ۴۸۹، ۷۴۸، ۸۸۶
فرعون، ۵۶، ۵۷، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۷
فریدون، ۸۸۶
فیصل بن عبدالعزیز، ۹۰، ۶۱۴
قارون، ۱۶۵، ۱۷۷
قباد، ۶۰۶
قبّانی (نزار)، ۶۱۶
قمی (سیّد حسن طباطبایی)، ۴۵۷
قوام‌السلطنه (احمد قوام)، ۶۲۰
کارتر (جیمی)، ۱۰۳۶
کاشانی (سیّد ابوالقاسم)، ۲۳۴، ۳۳۷، ۵۴۷، ۵۶۰، ۶۱۸ ـ ۶۲۲، ۶۵۳، ۸۳۹، ۸۴۲
کاشف الغطاء (شیخ جعفر)، ۲۶۹
کاوه آهنگر، ۸۸۶
کریم خان زند، ۹۴۹
گارودی (روژه)، ۵۱۷
گاندی (ماهاتما)، ۵۹۶

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

گلپایگانی (سیّد محمّدرضا)، ۱۰۰۱
ماشل (سامورا)، ۱۵۱
مالک اشتر نخعی، ۷۷۰
ماندلا (نلسون)، ۵۷۴، ۵۷۵
مجتهد (حاج میرزا جواد)، ۶۸۴
مجتهدی تهرانی (احمد)، ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۳
مجلسی (محمّدباقر)، ۲۶۹
محمّد بن عبدالله، رسول اکرم(ص)، ۴۶، ۵۰، ۵۲، ۵۶، ۶۵، ۶۶، ۷۲، ۸۰، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۵۹ ـ ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۵، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۶۸، ۳۸۱، ۳۹۱، ۴۲۷، ۴۴۴، ۴۵۹، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۸۶، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۵، ۸۵۲، ۹۲۱، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۹، ۹۷۹، ۱۰۰۸، ۱۰۱۳
محمّد بن علی، امام جواد(ع)، ۳۴۶
محمّدشاه قاجار، ۸۸۶
مدرّس (سیّد حسن)، ۲۳۴، ۲۳۸، ۳۵۵، ۴۵۷، ۵۴۶، ۶۹۱، ۸۴۲، ۸۴۸
مرعشی نجفی (سیّد شهاب‌الدین)، ۱۰۰۱
مزدک، ۶۰۶
مشیرالدوله پیرنیا (حسن)، ۳۳۸
مصدق (محمّد)، ۴۵۳، ۵۴۷، ۶۱۸ ـ ۶۲۲، ۸۰۰، ۹۵۰
مطهری (مرتضی)، ۲۵۸، ۵۱۳
مظفرالدین شاه قاجار، ۶۲۳
مظفرالدین شاه قاجار، ۹۴۰
مفتح (محمّد)، ۲۵۸
ملکم (سر جان)، ۴۸۹
منصور (حسنعلی)، ۱۸۵
موسی بن عمران(ع)، ۵۶، ۶۵، ۴۰۳، ۴۰۶، ۸۰۵
موگابه (رابرت)، ۱۵۳
مولانا شوکت علی، ۵۹۶
مولانا محمّدعلی، ۵۹۶
مولوی بلخی (جلال‌الدین محمّد)، ۹۲۱
میرزا کوچک خان جنگلی (میرزا یونس)، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۸۰، ۵۸۱
میرزای شیرازی (سیّد محمّدحسن حسینی شیرازی)، ۲۳۴، ۳۰۶، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۸
میرزای قمی (ملّا محمّدحسن جیلانی)، ۷۴۸
میلانی (سیّد علی حسینی)، ۴۷۱
نادر شاه افشار، ۲۶۶، ۵۹۸
ناصرالدین شاه قاجار، ۶۷۸، ۷۷۱، ۹۴۰، ۹۴۹
ناکس دارسی (ویلیام)، ۳۵۶، ۳۵۷
نهرو (جواهر لعل)، ۵۹۶
نواب صفوی (سیّد مجتبی)، ۳۹۸
نوری (شیخ فضل‌الله)، ۸۱۲
نوری سعید، ۹۰
نوری (شیخ فضل‌الله)، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۸۱

نشر انقلاب اسلامی
www.ourpresident.ir

نیکسون (ریچارد)، ۹۳۸
هارون الرشید عباسی، ۲۶۴
هارون(ع)، ۴۰۶
هشام بن عبدالملک، ۲۶۴
هویدا (امیرعباس)، ۱۸۵
هیتلر (آدلف)، ۳۶۵، ۵۹۷
وثوق‌الدوله (حسن)، ۳۳۸، ۸۴۲
یوسف بن یعقوب (ع)، ۲۲۴
یزید بن معاویه، ۳۸۰

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir

فهرست اسامی کتابها

بحارالانوار، ۵۱، ۲۱۸، ۲۶۰، ۲۶۳
کمال الدّین و تمام النعمة، ۴۱۷
گلستان، ۷۵۷
صحیفه‌ی سجادیه، ۶۶۶، ۸۹۶
قرآن کریم، ۶۵؛ ۷۵، ۹۴، ۹۷، ۱۰۱ ـ ۱۰۳، ۱۷۸، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۸۳، ۲۸۸، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۹۷، ۴۰۹ ـ ۴۱۱، ۴۱۸، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۵۹، ۴۷۲، ۴۸۰، ۵۰۳، ۵۱۸، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۷۲، ۶۹۳، ۷۰۹، ۷۲۱، ۷۷۵، ۷۹۸، ۸۲۶، ۸۶۷، ۸۹۵، ۹۷۹، ۹۸۷، ۹۹۷، ۱۰۲۲
نهج‌البلاغه، ۶۵، ۲۴۵، ۲۹۶، ۶۸۹، ۶۹۰، ۸۲۷
مفاتیح الجنان، ۵۷، ۱۲۲

نشر انقلاب اسلامی

www.ourpresident.ir